

# فرهنگ لغت آرام



انگلیسی - کُردی - فارسی

ترجمه و تألیف : امیر امینی

«کاملًا جدید»

# فرهنگ لغت آرام

انگلیسی - کُردی - فارسی

ترجمه و تالیف: امیر امینی

۸۵ - ۱۳۸۴

***Dictionary of English***

***Kurdish - Persian***

***Written by:***

***AMINI AMIR***

**2005 \_ 2006**

امینی ، امیر ، ۱۳۳۶ - پاوه (اورامانات)

فرهنگ لغت آرام (انگلیسی - کردی - فارسی) بافونیک / تألیف :

امیر امینی. (قائم‌شهر) : نشر : آرام گستر ، ۱۳۸۳

عنوان به انگلیسی: Dictionary English Kudish - Persian

Written : by : Amini, Amir

ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی بیش از انتشار)

، ۱ زبان انگلیسی - واژه نامه‌ها - چند زبانه. الف. عنوان.

۴۲۳/فا/۳

۲ الف ۲ ف / ۱۶۴۵ PE

نام کتاب: فرهنگ لغت آرام - انگلیسی - کردی - فارسی

مؤلف: امیر امینی تلفن ۲۲۴۵۰۶۳ - ۱۲۳۰

ناشر: آرام گستر (قائم‌شهر)

لینوگرافی و چاپ: رضایی بابل

نوبت چاپ: دوم ۸۵ - ۱۳۸۴

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۸۲۶۸ - ۰۱ - ۰ - ۰

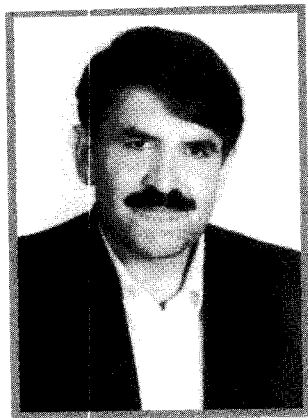
این کتاب طبق مجوز رسمی به شماره ۱۴۱۸۳۲ وزارت فرهنگ و ارشاد مرکز به چاپ رسید.  
۸۲/۴/۲۵

کلیه حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است.



## سیاسگزاری و تقدیم:

تقدیم به ملت ایران بویژه ملت کُرد (کُردستانی - کرمانشانی - ایلامی)  
و جناب آقای دکتر عزیزی از شهرستان قائم‌شهر و برادران صمدی از  
شهرستان مهاباد



## (مقدمه دکتر آرش رضایی)

کتاب حاضر اولین فرهنگ لغت سه زبانه انگلیسی به کردی و فارسی است که در مناطق کردنشین حرف اول را می‌زند و بسیار خرسندم که به من اجازه داده شده تا بار دیگر مقدمه‌ایی بر کتاب استاد امینی بنویسم. در ابتدای نوشته خود می‌خواستم مراتب تشکر خویش را از ایشان برای انتخاب این جانب اعلام بدارم.

نمی‌دانم برای نوشتن در یک صفحه و چند سطر باید چگونه بنویسم تا کلمات من دل خوانندگان را نزند و از طرفی توانسته باشم لااقل حرفی زده باشم که به درد مقدمه کتاب بخورد و جنس کلام از جنس دل و فطرت خوانندگان عزیز باشد. شاید پرداختن به موضوع فعالیت‌های استاد امینی برای خود من جذابیت خاصی داشته باشد تا جایی که مرا وادار به مرور کردن گذشته‌یی نه چندان دور تا به امروز می‌کند و خود این موضوع فضایی بیشتر از یک مقدمه را می‌طلبد و هم چنین زمان دیگری را، لاجرم می‌خواهم به این حداقل بسنده نمایم.

گویا امینی همیشه رذپایی از کارهای خود باقی می‌گذارد. باید به عرضتان برسانم ایشان در اندک نوشته‌های خود که بعد از مدتهای طولانی فرصت به چاپ رساندنشان را پیدا کرده، با عشق و علاقه وافر و گاه عجیب، ناستالژی کردستان را در دل می‌پروراند و این او را خواه و نخواهی وادار به پوئیدن در مسیر زندگی خویش با عشق به کردستان می‌کند. امضای او در پای کارهایش از جنس کردستان می‌باشد و او این را سند محکم و قوی برای خودش و درون مایه‌اش بشمار می‌آورد. دوستانه به خوانندگان کتاب ایشان توصیه می‌نمایم قبل از هر چیز سعی نمائید با نزدیک شدن به شخصیت او ذره‌ایی بیشتر به کنکاش در درون ایشان بپردازید قطعاً هویت او شما را به یاد مردمانی می‌اندازد که بی شباهت با او نیستند، مردمانی که سالهاست زندگی را با بو و عشق کردستان به سر برده‌اند و از تار و پود این سرزمین خسته هارمونی صلابت را نواخته‌اند. این جانب

خیلی علاقمندم در آینده‌ای نزدیک کارکرد تخیلی ایشان را در زمینه داستان نویسی مشاهده نمایم. حتم دارم از جنس خودشان و قوم و سرزمینشان خواهند نوشت. چرا که صرف الفبای زبان و زندگی مادری اغلب برای ایشان فراتر از یک دغدغه کاری بوده است.

برای بنده ثابت شده است، او توان بهره‌گیری از اسکانات محدود و ناجیر را دارد و تا به امروز کارهایش را با دست خالی به فرجام رسانیده است. در پس کارهای او عشق قابل رؤیت است. به فردا امیدوار است. این را کاملاً می‌توان در قدمهای خسته‌شان به وضوح درک کرد. قدمهای سنگینی که آدمی را به یاد مردی می‌اندازد که نالستالزی (حسرت) زبان و خاک و سرزمین مادری را در دل دارد. از او شاهد کارهای دیگری در آینده خواهیم بود. اگر این دفعه کار او شما را غافلگیر نکرده باشد مطمئنم با پشتکار فراوانی که در ایشان سراغ دارم او را می‌توان کم‌کم در مسیر علاقه و ذائقه خوانندگانش دید چرا که ایشان هیچ‌گاه خارج از مردم زندگی نکرده است.

امینی فعلاً در حال نگرستن به اطراف است و غم غربت چیزی نیست که از چشمهای دل او پنهان بماند. منتظر نوشته‌های بعدی او خواهیم بود. خیلی راغبم بدانم برای ما بار دیگر ایشان از چه ناگفته‌ها و نانوشته‌های دیگر خواهد گفت و خواهد نوشت. کلام اصیل او مرا به باد اصالت سرزمین و مردمان ایشان می‌اندازد. اصالتی که اتفاقاً بر خواسته، از درون مایه دل فلنهرب ایشان است.

مازندران (قائم‌شهر)

دکتر آرش رضایی

عضو شورای عالی نویسندگان

جمهوری فدراتیو روسیه

تیرماه ۸۵-۸۴

## به نام ایزد توانا و دادگر

### مقدمه مؤلف برای چاپ دوم فرهنگ لغت آرام

زبان وسیله ارتباط بین افراد و نوع بشر بوده و خود به سه نوع گفتاری - شنیداری و رفتاری تقسیم می‌گردد در فارسی اعراب و حرکات شامل همان فتحه و ضمه و کسره عربی است که به صورت ا - اُ - اِ برای ادای کلمات به کار می‌آینده اما در کُردی، هنگام نوشتن، فتحه و ضمه و کسره قابل نوشتن است و علائم قراردادی برای آنها به کار گرفته می‌شود و اَ اِ اُ اِ اِ به صورت اَ اِ اِ اِ اِ به صورت اِ اِ اِ اِ اِ نوشته شده و موسی و عیسی و کبری به صورت موسا - عیسا - کبرا نوشته می‌شوند و صداهای ترکیبی دیگری هم داریم مثل د - و - و - ر - نو - نو - ئی - ئی - ئی - نا - نه، یعنی به جای اَ اِ اِ و به جای ضمه اِ (و) نوشته می‌شود و همین نرمش و کشش الفبای ۳۸ حرفی کُردی را به صورت یک الفبای بی‌نظیر در جامعه بین الملل در آورده و این زبان کهن اولین آریاها را به جامعه جهانی در بین بیش از ۲۴۰ کشور جهان معرفی مینماید در زبان کُردی بویژه اورامانی که ویژه منطقه اورامانات ایران و عراق و تاتی و گویش زازا در ارنجان و درسیم ترکیه، طبس، فردوس، یاتون و زاغمرز در نكاء مازندران و منطقه دیلم و طالش گیلان می‌گردد از نظر دستوری مثل زبان‌های انگلیسی و عربی زن و مرد و اشیاء توسط حروف خاصی از هم جدا و معلوم می‌شوند مثلاً اگر زنی به منزل کسی وارد شود، نوع کلمه برای خوشامدگویی با هنگامی که یک مرد و یا یک بچه دختر یا پسر وارد می‌شود فرق دارد و برای هر کدام نوعی کلمه خاص به کار می‌رود و کلمات به جای شش قالب که در گویش‌های دیگر کُردی و فارسی صرف می‌شود اینجا در هشت قابل صرف می‌شوند مثل زبان انگلیسی و حتی اشیای جاندار و بیجان نیز به شیوه خاصی مشخص و صرف می‌شوند و این غنای زبان کُردی آن را در بین بقیه زبان‌ها متمایز می‌نماید چنانکه می‌دانیم در زبان انگلیسی ما حدود ۴۴ واج داریم که به ۲۰ مصوت (حروف صدا دار) مشخص و ۲۴ بیصدا

تقسیم می‌شود و حروفی مثل چ - خ - ژ - ف - ق - غ در انگلیسی به تنهایی وجود ندارند و برای نشان دادن آنها باید از دو حرف استفاده کنیم مثلاً چ را به صورت ch خ را به صورت Kh یا X و حروف ق و غ را با Q یا GH و ژ را با ZH نمایش می‌دهند فرهنگ لغت سه زبانه آرام به کردی سورانی و اورامانی به یاری اهورامزدا برای بار دوم با تشویق‌ها و دلگرمی‌های هموطنان بسویژه هموطنان کرد در استانهای آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاهان و ایلام به چاپ رسید و در چنین دنیای بی‌سرفته وجود یک فرهنگ لغت مطمئن و برجسته و انهم به زبان مادری کردی برای هر کس واجب و لازم است در این فرهنگ که منابع آن برگرفته از فرهنگ لغت آکسفورد می‌باشد تلفظ هر کلمه توسط فتحه و ضمه و کسر بدقت نشان داده شده و نشانه‌های گرامری هم همینطور معلوم گشته و در آخر فرهنگ حاضر برای دانشجویان و دانش‌آموزان و عموم افراد یک فرهنگ دسته بندی و فشرده شده نیز به همراه نکات دستوری و مطالب دیگری که برای هر خواننده لازم است گنجانده شده که برتری و کاملی این فرهنگ را در بین سایر فرهنگ‌های موجود به اثبات می‌رساند و فرهنگ لغت آرام در چاپ دوم حاوی تعدادی تصاویر برای درک سریع و بهبود یادگیری است امیدوارم خوانندگان عزیز دوستان خوبی برای فرهنگ سه زبانه آرام باشند و خطاهای مؤلف را با بزرگواری و قضاوت منطقی خودشان ببخشند، چون این کوچک شما بدون سرمایه کافی و با استرسهای عدیده و فراوان کتاب را چاپ کرده و خودم هم آنرا بدوش کشیده و از شهری به شهری بخش نموده‌ام تا یک خدمت کوچک فرهنگی برای هموطنان گرانقدرم انجام داده باشم و در خاتمه مارک تواین نویسنده آمریکایی می‌فرماید: خدمت یعنی عمل کردن و خلاقیت و نوآوری به بار آوردن نه چون طبل خالی صدا دادن و قوه حسادت و نادانی و انتقاد ناآگاهانه را بروز دادن.

با تشکر خدمت خوانندگان

امیر امینی پاوه (اورامانات)

خرداد ۸۵ - ۱۳۸۴

## شرح کلی

### فرهنگ سه زبانه کُردی - فارسی - انگلیسی

لغات کُردی - فارسی و انگلیسی را معرفی نموده و باید دانست که حدود ۷۰٪ لغات امروزی متداول در فارسی ریشهٔ عربی دارد ولی طوری این کلمات عربی رنگ فارسی به خود گرفته‌اند که عربیت آنها معلوم نمی‌باشد و زبان کُردی لغات عربی و ترکی کمتری در قیاس با فارسی به خود گرفته به طوریکه ۹۵٪ لغات زبان کُردی آریایی و ریشه اوستایی دارند و حتی طریقهٔ خواندن اوستا کتاب دینی زرتشت در اورامان و پاوه بویژه (Roware - رووهری) در شمال پاوه و اورامان تخت و که مالاو - وهیسیا (اوستای دوم زردتشت) هنوز سراییده می‌شود و نوشتن کتاب اوستا بار اول در مشکین شهر فعلی آذربایجان که نام اولیه‌اش اورامی بوده و بار دوم در نئویسه‌ر (Awesar) در شمال شهر اورامی (ته‌ویله Taweile) در غرب پاوه که روی پوست آهوی زرد حکاکی و نوشته شده و در آتشکده فروزان پاوه به همراه ۳۰۰ جلد کتاب پوست نوشته پزشکی و نجوم نگهداری می‌شده، لیکن در حمله اعراب در سال ۲۳ هجری به پاوه و کشته شدن سکنه بومی، تخریب و همهٔ کتابها به آتش کشیده شدند و حتی مانی پیامبر کُرد اورامانی در سال ۲۶۵ میلادی کتاب باینگام Baingam را که امروزه باینگان گفته می‌شود و به معنی شعله نور می‌باشد به آتشکده پاوه هدیه کرده و خود در هیروی (Hirve) که به معنی هیربد است به پرورش مغان و مویدان و هیربدان می‌پرداخته و در محل نه‌یسانه و به‌له‌بزان معابد زردشتی برای ستایش اهورامزدا و خدای نوریا به قول مانویان Nrwe (نروی) وجود داشته‌اند که یکی از این معابد آثار آن با همان نام زردشتی در روستای نه‌روی در شمال غرب پاوه هنوز به چشم می‌خورد و حتی کاسی‌ها که در کوههای زاگرس و بویژه اورامان می‌زیستند خدایان متعددی روی قله کوهها بصورت بت طلا یا سنگ داشتند که می‌پرستیدند مثل خدای سور یا ش که در نزدیکی پاوه محلی به نام سریاس شاید بازمانده از نام این خدای کاسی‌ها باشد و خدای دیگر آنها کاژو نام داشت که در شمال پاوه کوهی بنام کاژه که احتمالاً بنام همان خدای کاسی است هنوز سینه به سینه نامش آمده و به‌له‌بزان در اوستا به معنی مکان ستایش ایزد مقدس آمده و پرفسور مینورسکی نام Naisana را آشوری دانسته و می‌فرماید

که خدای نیسان که امروزه به لفظ رومی و یهود هم نیسان گفته می‌شود، در دوره آشوریان به همراه خدای شمش یهود پرستش می‌شده‌اند و در شمال نوسود و نوڈشه هنوز نام خدای شمش قوم یهود و آشوری و بابلی بنام که لوشه مشی پابرجا بوده چون این اقوام بت خدایان خود را روی نوک کوه‌های بلند گذاشته و مراسم سالیانه شکرگذاری بر پای می‌داشتند و به هر حال زبان کردی از ورود لغات بیگانه سالم مانده ولی زبان فارسی چون زبان رسمی ایرانیان بوده دستخوش تغییرات لغوی زیادی از عربی گشته مثل تقاضا - تمنا - صلات - زکات - مظلوم - مرحمت - قضاء - مفرح مکالمه، البته لغات زیادی هم از فارسی و کردی وارد عربی شده که تغییراتی یافته‌اند مثل:

عربی	فارسی
ابریق	آبریز - آفتابه
جلستان	گلستان
جمهور	جموور
جوهر	گوهر
ریباسی	ریواس
افستا	اوستا
آوا	آواز
بارود	باروت
مارستان	بیمارستان
سراج	چراغ
فرسخ	فرسنگ
نرجس	نرگس
هندام	اندام

هشت حرف الفبای کنونی فارسی مخصوص زبان عربی است و عبارتند از «ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق» در فارسی و کردی دیده نمی‌شوند و کلماتی که دارای یکی از این هشت حرف باشند

عربی‌اند مثل صبر، ضمیر، حاکم، ثریا، مریض، طلوع، ظفر، عدل، نظام و کلماتی که دارای یکی از ۴ نوع حروف «ژ - پ - گ - چ» باشند و فارسی و کردی بوده و عربی نمی‌باشند. مثل ژژو - چشمه پهن - گُرز - همچنین همزه در زبان فارسی در اول کلمه می‌آید و قبول حرکت نمی‌کند مثل ابر ایران و اگر همزه آهنگ دار باشد یعنی بعد از همزه الف بیاید بصورت زیر نوشته می‌شود «آفتاب آرام - ولی در عربی همزه قبول حرکت کرده و در اول و وسط و آخر کلمات می‌آید مثل اُکرام رأس - شیء و در کردی اعراب و حرکات یعنی فتحه و ضمه و کسره و همزه و تنوین قابل نوشتن هستند.

حرکات	علامت در کردی	مثال
ـَ فتحه	ئه - ئا (آ)	ئه‌مین - ئارام
ـِ کسره	ـِ - ـِی	میوه - پیاوِی
ـُ ضمه	و	گول - مورغ
ـُ تنوین	—	ناچاره‌ن - دووّمه‌ن

و در کردی تنوین وجود ندارد و به جای حروف ص - ث - فقط (س) می‌گذارند و به جای حروف ذ - ظ - ض فقط حرف (ز) می‌گذارند و به جای (ط) فقط (ت) می‌آید حرف لام سنگین هم در کردی و هم در انگلیسی موجود بوده ولی در فارسی دیده نمی‌شود مثل دلّ - گولّ که در انگلیسی تلفظ کلماتی مانند Wall - Call آنها مشخص می‌کند و حرف (و) هم در کردی و فارسی دیده می‌شود مثل تلفظ عدد ۱۷ (حەفده) یا جاوه که جاوه تلفظ می‌شود و در انگلیسی معادل آن حرف (V) است مثل (Voice) صدا، در طول زمان و قرن‌های متوالی نژاد بشر با هم اختلاط یافته و لغات فراوانی از زبانهای گوناگون بویژه زبانهای انگلیسی و روسی و فرانسه و ترکی و عربی وارد زبان فارسی و اخیراً زبان کردی شده که فرهنگستان یا آکادمی زبان فارسی و کردی می‌باید برای این لغات بیگانه وارد شده به حوزه زبان مادری کلمات جدید ساخته تا لطمه به زبان گیرنده نرسد مثلاً ما برای تلفن در فارسی دورگو و برای تلگراف دورنویس و برای فاکس کلمه دورنگار را ساخته‌ایم بسیاری از کلمات از روسی و ترکی و فرانسه و یونانی به زبان فارسی وارد شده و بعضی‌ها عیناً بکار می‌روند



مثلاً کلمات سماور - آپارات - اتو - ترمز - فرغون - کوپه - واکس - از روسی وارد زبان فارسی شده‌اند و یا کلمات یورش - یاغی - قاچ - قاچاق - قیچی - قشلاق - قندان - قشون - قورمه - قُلدر - قالی - قایق - قزاق - شلاق - سوقات - سوگلی - بقچه - اتراف از ترکی و مغولی به فارسی یا گردی وارد شده‌اند و همچنین بعضی از کلمات یونانی هستند مثل نفت استرلاب (وسیلهٔ سنجش ارتفاع ستارگان و خورشید) شاقول - فانوس - فیلسوف و کلماتی از زبان فرانسه به فارسی وارد شده‌اند مثل کمد - هروئین - هتل - ویلا - مترو - موزه - وازلین - ویتامین - ویزا - ویزیت - مُد - لوستر - ماسک - ماتیک - لیست - کنتور - کودتا - گاز - گارد - گاراژ - کنسرو - کنکور - کوپن - کلپ - کازینو - کاباره - فرمول - فولکلور - شوافز - سالن - سریال - سُرنگ - ژاندارم - ژتون - رُمان - رز - دیس - دیپلم - لیسانس - دوپل - تربیون - تیراژ - تاکسی - تراکتور - تِرن - پلاستیک - پراگرام - پاسپورت - پاک - بوفه - بانک - بال (محل رقص) - اتوبوس - آمپول - ایده - پاستور - سادیسم و طبق نظر دانشمندان زبان شناس ملتی که پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی‌اش سرآمد بقیهٔ ملت‌ها باشد لغات زبانی آنها به زبان اقوام در ترازهای پایین‌تر منتقل خواهد شد و علت ورود لغات انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی به حوزه زبانی کشورهای جهان سوم به همین علت ذکر شدهٔ بالا و دلایل دیگر سیاسی است و این روند توسعه و ترقی سیاسی و اجتماعی و علمی و اقتصادی ویژه یک قاره یا یک ملت یا نژاد نمی‌باشد و از نظر جغرافیایی مرتباً این تکامل و تجدد ملت‌ها در جهان در حال عوض شدن است مثلاً زمانی قاره آسیا مهد تمدن و پیشرفت جهان بود و امپراطوری‌های ایرانی و روم یک‌ه تاز جهان آن روز بودند و یا امپراطوری‌های مصر و آشور و بابل و هندوچین را همه در تاریخ خوانده‌اند ولی بعدها قاره‌های اروپا و بعد آمریکا روند توسعه و پویایی ملت‌های جهان شده و اکنون ابرقدرت جهانیان معرفی می‌شوند و حق دارند که به خود ببالند.

امیر امینی خرداد ۱۳۸۳

پاوه (اورامانات)

## اختصارات

## ABBREVIATIONS

adj. = adjective	صفت
adv. = adverb	قید
adv.part. = adverbial particle	ادات قیدی
art. = article	حرف تعریف
aux. = auxiliary	کمکی (فعل کمکی)
conj. = conjunction	حرف عطف - ربط
def. art. = definite article	حرف تعرف معین
demonstr. = demonstrative	ضمیر / صفت اشاره
id. = idiom	اصطلاح - معنی ویژه
im. = imperative	فعل امری
indef. art. = indefinite article	حرف تعریف نامعین، حرف نکره
int. = interjection	حرف ندا، صوت
n. = noun	اسم
n. pl. = noun plural	اسم جمع
nc. = noun compound	اسم مرکب
np. = nounphrase	عبارت اسمی
obj. = objective	مفعول
part. = participle	وصفی

part. adj. = participial adjective	وجه وصفی
pl. = plural	جمع
pos. = possessive	حالت ملکی
pp. = past participle	اسم مفعول، قسمت سوم فعل
pref. = prefix	پیشوند
prep. = preposition	حرف اضافه
pron. = pronoun	ضمیر
rel. = relative	موصول
s. = sentence	جمله
sing. = singular	مفرد
suff. = suffix	پسونند
v. verb	فعل
vi. = verb intransitive	فعل لازم
vp. = verb phrase	عبارت فعلی
vt. verb transitive	فعل متعدی



ب - حروف بیصدا

1.	p	پ	pen/pen/
2.	b	ب	bad/bæd/
3.	t	ت	tea/ti:/
4.	d	د	did/did/
5.	k	ک	cat/kæt/
6.	g	گ	got/gɒt/
7.	tʃ	چ	chin/tʃɪn/
8.	dʒ	ج	June/dʒu:n/
9.	f	ف	fall/fɔ:l/
10.	v	و-ف	voice/vɔis/
11.	th=θ	ث-ت	thin/θɪn/
12.	ð	ظ-د	then/ðen/

13.	s	س	so/səʊ/
14.	z	ز	zoo/zu:/
15.	ʃ	ش	she/ʃi:/
16.	ʒ	ژ	vision/viʒn/
17.	h	ح	how/haʊ/
18.	m	م	man/mæn/
19.	n	ن	no/nəʊ/
20.	ŋ	نگ	sing/sɪŋ/
21.	l	ل	leg/leg/
22.	r	ر	red/red/
23.	j	ی	yes/jes/
24.	w-o	و	wet/wet/
25.	kh-x	خ	Khob-xob

## key to phonetic symbols

### Vowels and diphthongs

### (حروف صدا دار)

i: as in see/si:/

ɪ as in sit/sɪt/

e as in ten/ten/

æ as in hat/hæt/

a: as in arm/a:m/

ɒ as in got/gɒt/

ɔ: as in saw/sɔ:/

ʊ as in put/put/

u: as in too/tu:/

ʌ as in cup/kʌp/

ʒ: as in fur/fʒ:(r)/

ə as in ago/ə'gəʊ/

eɪ as in page/peɪdʒ/

əʊ as in home/həʊm/

aɪ as in five/faɪv/

aʊ as in now/naʊ/

ɔɪ as in join/dʒɔɪn/

ɪə as in near/nɪə(r)/

eə as in hair/heə(r)/

ʊə as in pure/heə(r)/

## consonants (حروف بی صدا)

p	as	in	pen/pen/
b	as	in	bad/bæd/
t	as	in	tea/ti:/
d	as	in	did/did/
k	as	in	cat/kæt/
g	as	in	got/got/
tʃ	as	in	chin/tʃɪn/
dʒ	as	in	June/dʒu:n/
f	as	in	fall/fɔ:l/
v	as	in	voice/vɔɪs/
θ	as	in	thin/θɪn/
ð	as	in	thin/ðɛn/

s	as	in	so/səʊ/
z	as	in	zoo/zu:/
ʃ	as	in	she/ʃi:/
ʒ	as	in	vision/'vɪʒn/
h	as	in	how/haʊ/
m	as	in	man/mæn/
n	as	in	no/nəʊ/
ŋ	as	in	sing/sɪŋ/
l	as	in	leg/leg/
r	as	in	red/red/
j	as	in	yes/jes/
w	as	in	wet/wet/

## راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی - فارسی - کردی

کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ئا	اَ	a: - Aa
ئ-ئه - ا - ه	اَ - ع - (فتحه)	Aa
یَ	کسره کوتاه ( )	E
ئِ-ئِ	کسره بلند (!)	E - e
ه (ه)	فتحه (ـَ)	A
و	ضمه (ـُ)	U
ۆ - تۆ	و - کوتاه - ئو	O OW
وو	و - بلند - ئوو	OU - OO
و - و - عادی	و	w - o
و - وِ	وِ	v
ی کشیده	یِ = i:	1:
ی کوتاه	ی	i = Y
گی	گی	g - G
ج	ج	J - j
کی	کی	k - c - que
خ	خ	kh - x
ق - غ	ق - غ	Gh - q
ژ	ژ	Zh
چ - چر	چ - چر	ch - ture - č



کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ش	ش (شن - شز)	sion - cious - sh
ح - ه	ح - ه	H
ت	ت	th - T
س	س - ص - ث	s - th - c
د	د	D - th
ر	ر	R
ر	ر مکرر	R
ز	ز - ذ - ض - ظ	(th)Z (گاهی)
ع	ع - آ	A-6

### اصوات ترکیبی در کردی و معادل فارسی - انگلیسی

کردی	فارسی	انگلیسی	مثال
ئا	آ	a:	ئاوات - آرزو
ئه	آ	a	ئهوه - آن
ئێ	إ	e	ئێوه - شما
ئیه	یی	i: یا I	ئیهنه - این
ئۆ	أ	Ow	که وئۆ - آبی
ئوو	ئو	o _ oo	ئوونی - آنها
د	د	D	مادی - پارچه - نان پختن
ئو - ئه	آو	aw	به ئو / بیگ - خان

## باورهای مردم اورامان و پاوه در عهد قدیم اشکانی

عهد فرهاد چهارم اشکانی اُسقف مُطران از ارمنستان همراه فرمانداری ارمنی به نام پاونی برای ویج کیش مسیح به پاوه و اورامانات مهاجرت کردند و نام طایفه میتران یا متران هنوز در پاوه نیده می‌شود که بازماندگان آن اسقف مسیحی‌اند و در محل فعلی مسجد جامع پاوه کلیسای کزی را ساختند و در اطراف این کلیسا سردابه‌های زیادی برای غُسل تعمید ایجاد کردند که در ن سردابه‌های مقدس با آب خود را غسل می‌دادند و نام یک محله پاوه به نام محله سردابه‌ها هنوز سرزبانهاست و سهردی (sarde) می‌گویند یعنی محل سردابه‌های مقدس مسیح و دو کلیسای بگر در همین زمان که حدود سال ۵۰ میلادی می‌شد در پاوه در محله شیشو (Shishow) و پشته Psht ساخته شدند که بترتیب نام یکی از حواریون مسیح و کلیسای محکم گفته می‌شد و مردم رامان برای محکم کردن در خانه می‌گویند پشکولّه‌ش بنیه یعنی چوب پشت در را بگذار که پشته همین محکمی در عظیم آن گرفته شده و کلیساها برای جمع آوری اعانه و کمک از مردم که در باغ یشان گردوی زیادی داشتند تقاضا کردند که برای درآمد کلیساها کمک کنند و هر کس کمی گردو به یسا کمک می‌کرد و حتی در زمستان نان خاصی به نام نیمه فیس (Nimafis) در کلیسا بین مردم سیم می‌شد و هر کس برای جمع کردن گردو به باغ می‌رفت به ته کیسه خود یک گردو می‌بست و گفت نینه بنه پیتنه Ina bna Pitana و این کلمه هنوز در بین مردم آریایی انگلستان و منستان و اورامان یک ریشه داشته و به کار می‌رود و معادل انگلیسی و ارمنی برای این مه ے benefice می‌باشد یعنی در آمد کلیسایی که کلمه نیمه فیس از همین کلمه ریشه دارد و مله بنه پیتنه از کلمه benefit ے ریشه دارد که به معنی سود و احسان کردن می‌باشد و یا مردم رامان چون خورشید پرست بودند می‌گفتند جایگاه خورشید پرستان یا اورامان ے اور

یعنی نه یریا آتشین و مان یعنی خانه ۛ و وقتی کسی می‌مُرد مردم باگریه و زاری به اطرافیان می‌گفتند باو که روّ یعنی پدرم به خورشید یا نور یا اشعه خورشید که مقدس بود ملحق شد و یا براروّ یعنی برادرم به روّ (Ray) یا اشعه پیوست این کلمه در زبان اورامانی و انگلیسی وارمنی به یک معنی یعنی همان اشعه یا پرتو معنی می‌دهد و مردم می‌گویند روّچن یعنی سوراخی در پشت بام در اورامان که نور را به داخل خانه هدایت می‌کرد تا بتوانند در خانه تاریک و بدون پنجره بهتر ببینند ۛ روّ یعنی اشعه و چن (chn) یعنی جذب کننده یا گیرنده نور پس روّ همان Ray به معنی پرتو است و مردم هنوز در کردستان و خاصه اورامان می‌گویند براروّ یعنی پدر یا برادرم به جانب اهورا مزدا یا خورشید شتافت و این زردشتی بودن مردم این سامان را در قدیم و اکنون که زوال یافته نشان می‌دهد.



۴۳۸ م - یزدگرد دوم



یزدگرد سوم



پیروز پسر یزدگرد سوم

۶۵۰ م



یزدگرد اول

۴۰۰ م



فرهاد چهارم اشکانی

۲۷ ق - م



۱ شاپور دوم

## راهنمای تلفظ حروف صدادار و بی صدادر فارسی و کردی

کردی	فارسی	مثال به فارسی و کردی
ئا	اَ	آزاد - نازاد
ئه - ئه	اَ	ابر - نه‌بر - نه‌وه - آن
ه - هه	فتحه َ	مَن - مهن
ی - یی	کسره اول و وسط و آخر کلمه	بیا - بی - مهربان - میهربان
و	ضمه ُ	گُل - گول
وو	و کشیده	او - ئوو - مو - موو
ۆ	و کوتاه	تو - تۆ
ع	ع	علی - آلی - علی
ل َ	ل	دل - دل - دلی - گُل - گول
رَ	در - رَ	رَام - رَام
ز	ض ز ضه	زَر - زَیَر - ضامن - زامن
ز	ذ	ذال - زال - ذکر - زکر
ز	ضه	وضو - وزوو - ضامن - زامن
سه	صه	ثریا - سوره‌بیا - صابون - سابوون

## (ژماره‌کان - شماری) اعداد و طریقه درست خواندن

Numerical Expressions section will give you help in the reading, speaking which commonly contain numbers. The following and writing of numbers and expressions

### Numbers

CARDINAL	(اعداد اصلی)	ORDINAL	(اعداد ترتیبی)
1. one	یو - یهک	1. st first	(یه کهم یا نهوه‌ل)
2. two	دوی - دوو	2. nd second	(دووهم)
3. three	یه‌ری - سی	3. rd third	سییه‌م
4. four	چوار - چووار	4. th fourth	چووارهم
5. five	په‌نج - پینچ	5. th fifth	پینجه‌م
6. six	شش - شه‌ش	6. th sixth	
7. seven		7. th seventh	
8. eight		8. th eighth	
9. nine		9. th ninth	
10. ten		10. th tenth	
11. eleven		11. th eleventh	
12. twelve		12. th twelfth	
13. thirteen		13. th thirteenth	
14. fourteen		14. th fourteenth	

15. fifteen	15. th fifteenth
16. sixteen	16. th sixteenth
17. seventeen	17. th seventeenth
18. eighteen	18. th eighteenth
19. nineteen	19. th nineteenth
20. twenty	20. th twentieth
21. twenty-one	21. st twenty-first
22. twenty-two	22. nd twenty-second
23. twenty-three	23. rd twenty-third
30. thirty	30. th thirtieth
40. forty	40. th fortieth
50. fifty	50. th fiftieth
60. sixty	60. th sixtieth
70. seventy	70. th seventieth
80. eighty	80. th eightieth
90. ninety	90. th ninetieth
100. one hundred	100. th one hundredth
200. two hundred	200. th two hundredredth
1000. one thousand	1000. th one thousandth
10000. ten thousand	10000. th ten thousandth
100000 one hundred thousand	100000.th onehundred thousandth
1000000. one million	1000000. th one millionth

1000 000 000 000 000 one

1000 000 000 one thousand

thousand billion(s)

million(s)

1000 000 000 000 000 000 trillion (us one quadrillion)

### EXAMPLES OF MORE COMPLEX

101. one hundred one

101. st one hundred and first

334. three hundred and thirty-four

542. nd five hundred and forty-second

1101. one thousand, one hundred and one

1234753. one million, two hundred and thirty-four

DECIMAL FRACTIONS (کسره‌های اعشاری)

(کسره‌های متعارفی)

VULGAR FRACTIONS

(شماره‌های جامع)

COLLECTIVE NUMBERS

6. a half dozen/half a dozen نیم دو جین یا ۶ عدد

12. a/one dozen (24 is two dozen not two dozens)

20. a/one score (یک ۲۰ تایی)

144. a/one gross ۱۴۴ عدد یا یک قُراض

## اعداد - ژماره (شماری)

۳۰	←	سی (سی)	۰	←	هیج - صفر
۳۳		سیوسی	۱		یه ک - یو
۴۰		چل	۲		دوو - دوی
۴۴		چلووچوار	۳		سی - یه ری
۵۰		په نجا	۴		چوار
۵۳		په نجاوسی	۵		په نج - پینج
۶۰		شه ست (شه س)	۶		شه ش - شش
۶۷		شه ستوو چه فت	۷		چه وت - چه فت
۷۰		چه فتا	۸		هه شت
۷۹		چه فتا ونو	۹		نو
۸۰		هه شتا	۱۰		ده
۸۲		هه شتا و دوو	۱۱		یانزه
۹۰		نه وه د - نه وه د	۱۲		دوانزه (دوازده)
۹۳		نه وه دو سی	۱۳		سیانزه - سینزه
۱۰۰		سه د (سه د)	۱۴		چوارده
۱۰۱		سه دو یه ک	۱۵		پانزه
۲۰۰		دو سه د	۱۶		شانزه
۳۰۰۰		سی هه زار	۱۷		چه فده
۱۰۰۰/۰۰۰		ملیون - ملیون	۱۸		هه ژده
۷۰۰۰/۰۰۰		هفت - ملیون	۱۹		نوزده
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰		میلیارد یا بلیون	۲۰		بیست - بیسی
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰		تریلیون	۲۱		بیست و یه ک
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰		کاتریلیون	۲۲		بیست و دوو



فارسی (ژماره‌ی به جی) (شماری رَز دریای)	کُر دی
یکم	یه کهم (نه وه لَین)
دوم	دو هه م (دو ومین)
سوم	سی هه م (یه رومین)
چهارم	چوار هه م (چوواروم)
پنجم	په نهجه م (په نجوم)
ششم	شه شه م (ششوم)
هفتم	حه فته م (حه فتوم)
هشتم	هه شته م (هه شتوم)
نهم	نویه م (نهوم)
دهم	ده یه م (ده هوم)
یازدهم	یانزه مین (یانزه هوم)
دوازدهم	دوانزه مین (دوانزه هوم)
بیستم	بیسته مین (بیسوم)
جفت (زوج)	جووتی - جووت - جفت
مفرد	تاق - فه رد
نیم - نصف $\frac{1}{2}$	نیو - نیمه - نیوه - لت - لهت
$\frac{1}{3}$	سی یه ک - یه ری به یه ک
$\frac{1}{4}$	چوار یه ک (چاره ک) چوار به یه ک
$\frac{1}{5}$	پینچ یه ک - په نج به یه ک
یک بار	جاریک (جاری وه)
دو بار	دو وچار - دوی جاری
چهار بار	چوار جار - چوار جاری
یک برابر	یه ک نه وه نده - یه که ناندّه
دو برابر	دو و نه وه نده - دوی ناندّه
سه برابر	سی نه وه نده - یه ری ناندّه

## اسم (NOUN)

تعریف - اسم کلمه‌ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی یا بیان حالت کسی یا چیزی بکار می‌رود.

تقسیمات اسم:

۱- اسم معنی (Abstract noun)

اسم عام (Common noun)

اسم خاص (Proper noun)

۲- اسم ذات

اسم جمع (Collective noun)

اسم مرکب (Compound noun)

اسم جنس (Material noun)

اسم معنی (Abstract noun) - بر مفهومی دلالت می‌کند که وجودش در چیز دیگری باشد.

زیبایی beauty

جوانی youth

آزادی freedom

ترس fear

جرات courage

شادی joy

اسم ذات (concrete noun) - نام چیزی است که بخودی خود وجود دارد. این نوع اسم نیز بر چند

دسته تقسیم می‌شود.

اسم عام - اسم خاص - اسم جمع - اسم مرکب - اسم جنس

اسم عام (Common noun) - اسم عام به کلمه‌ای می‌گوییم که با آن اشخاص یا چیزهای هم نوع را می‌توان نام برد.

book	کتاب
bicycle	دوچرخه
tree	درخت
boy	پسر
dog	سگ
table	میز
man	مرد

اسم خاص (proper noun) - اسم خاص کلمه‌ای است که برای نام بردن یک شخص یا یک چیز معین به کار می‌رود.

Tehran	تهران
Hafez	حافظ
Iran	ایران
france	فرانسه
Mr. Amini	آقای امینی

اسم جمع (Collective noun) - اسم جمع کلمه‌ای است که برای نام بردن یک گروه یا دسته‌ای از

اشخاص و یا اشیاء مشابه به کار می‌رود.

team	تیم
crowd	جمعیت
company	شرکت
audience	شنوندگان - خُضار

اسم جنس (Material noun) - اسم جنس کلمه‌ای است که برای نام بردن یک نوع مخصوص از جنس یا ماده به کار می‌رود.

wood	چوب
Iron	آهن
milk	شیر
butter	کره
water	آب

اسم مرکب (Compound noun) - اسم مرکب از دو یا چند اسم تشکیل می‌شود.

living - room	اتاق نشیمن
---------------	------------

جنسیت اسم (Gender) - منظور از جنسیت اسم تعیین مذکر - مؤنث یا خنثی بودن آن اسم می‌باشد. در زبان انگلیسی جنسیت اسم در ضمیر و صفت ملکی تاثیر می‌گذارد.

man \_\_\_\_\_ he, his, ...

woman \_\_\_\_\_ she, her, ...

۱- جنس مذکر (Masculine gender) - جنس مذکر مخصوص موجودات مذکر می‌باشد.

man مرد

boy پسر

cock خروس

۲- جنس مؤنث (Feminine gender) - جنس مؤنث مخصوص موجودات مؤنث می باشد.

woman زن

girl دختر

hen مرغ

بعضی اسم های مؤنث با اضافه کردن (-ess) به اسم مذکر ساخته می شوند.

البته باید توجه داشت که اغلب حرف (e یا o) در کلماتی که به (er یا or) ختم شوند حذف می شود.

manager \_\_\_\_\_ manageress

actor \_\_\_\_\_ actress

conductor \_\_\_\_\_ conductress

۳- جنس خنثی (neuter gender) - اصولاً این نوع جنس مخصوص موجودات بی جان می باشد.

chair صندلی

pen قلم

car ماشین

جنس عام (common gender) - جنس عام برای هر دو اسم مذکر و مؤنث بکار می‌رود.

parent	ولی (پدر یا مادر)	cook	آشپز
child	بچه	prisoner	زندانی
cousin	پسر عمو - دختر عمو	singer	آواز خوان
author	مؤلف	dancer	رقاص
painter	نقاش	reporter	خبرنگار - گزارشگر
artist	هنرمند	journalist	روزنامه نگار
rider	سوار کار	friend	دوست
driver	راننده	relation	قوم و خویش
pupil	محصل - دانش آموز	student	دانشجو - محصل
enemy	دشمن	infant	کودک - طفل
baby	طفل - بچه	orphan	یتیم
bird	پرنده	person	شخص
servant	خدمتکار		زده ردویی در پاوه
teacher	معلم		سه ریل زه‌هاو

بعضی اسم‌ها شکل مذکر و مؤنث متفاوت دارند.

مؤنث (ماده)	مذکر (نر)	
sister	brother	خواهر برادر
aunt	uncle	عمه - خاله
niece	nephew	برادرزاده - خواهرزاده

مذکر	مونث	
lord	lady	خانم
آقا (ارباب)		
cock	hen	مرغ
خروس		
son	daughter	دختر (فرزند)
پسر (فرزند)		
boy	girl	دختر
پسر		
father	mother	مادر
پدر		
papa	mama	ماما
پاپا		
sir	madam	خانم
آقا		
widower	widow	بیوه زن
بیوه مرد		
husband	wife	زوجه - همسر
شوهر		
king	queen	ملکه
شاه		
man	woman	زن
مرد		
grandfather	grandmother	مادر بزرگ
پدر بزرگ		
gentleman	lady	خانم
آقا		
bachelor	spinster	دختر شوهر نکرده (پیردختر)
مرد بی زن - مجرد		
dad - dy	dam	مادر (حیوان)
پدر جان		

## مفرد و جمع اسم (Singular and plural noun)

مفرد (Singular) - اسمی است که بر یکی دلالت می‌کند و معمولاً قبل از آن از حروف تعریف a/an استفاده می‌شود.

a boy	یک پسر
a book	یک کتاب
a girl	یک دختر
a pen	یک قلم

جمع (plural) - اسمی است که بر بیش از یکی دلالت می‌کند و قبل از آن حروف تعریف a/an کاربرد ندارد.

two boys	دو پسر
two books	دو کتاب
three girls	سه دختر
ten pens	ده قلم

## قواعد جمع بستن در زبان انگلیسی

برای جمع بستن اسم در زبان انگلیسی قواعدی وجود دارد که آنها را بررسی می‌کنیم:

۱- قاعده کلی برای جمع بستن یک اسم مفرد اضافه کردن (s) به آن اسم می‌باشد.

a book	یک کتاب	two books	دو کتاب
an apple	یک سیب	two apples	دو سیب
a student	یک دانش آموز	two students	دو دانش آموز



۲- اگر اسم مفرد مختوم به (s-ch-sh-x-z) باشد در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

class	کلاس	classes	کلاسها
box	جعبه	boxes	جعبه ها
watch	ساعت	watches	ساعت ها
dish	ظرف	dishes	ظروف

۳- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (o + حرف بیصدا) باشد. در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
negro	سیاهپوست	negroes
hero	قهرمان	heroes
echo	انعکاس صوت	echoes
potato	سیبزمینی	potatoes
tomato	گوجه فرنگی	tomatoes

اسم‌های زیر از این قاعده مستثنی می‌باشند و فقط با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
piano	پیانو	pianos
photo	عکس	photos
embryo	جنین	embryos
kilo	کیلو	kilos
Eskimo	اسکیمو	ESKimos

۴- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (o + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن به آن (s) اضافه

می شود.

مفرد		جمع
radio	رادیو	radios
zoo	باغ وحش	zoos

۵- بعضی اسم ها که به o ختم می شوند با اضافه کردن (s) و (es) جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
cargo	محموله	cargos, cargoes
volcano	کوه آتشفشان	volcanos, volcanoes
tobacco	توتون	tobaccos, tobaccoes
motto	شعار	mottos, mottoes
buffalo	گاومیش	buffalos, buffaloes
zero	صفر	zeros, zeroes

۶- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف ییصدا) باشد در موقع جمع بستن حرف (y) را به (i) تغییر

داده به آن (es) اضافه می شود.

مفرد		جمع
body	بدن	bodies
lady	خانم	ladies
country	کشور	countries
party	میهمانی	parties
baby	بچه	babies
city	شهر	cities
story	داستان	stories
fly	مگس	flies

۷- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن فقط (s) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
toy	اسباب بازی	toys
key	کلید	keys
day	روز	days
play	نمایشنامه	plays

۸- اگر اسم مفرد به (f) یا (fe) ختم شود در موقع جمع بستن (f و fe) آخر اسم به (v) تغییر کرده (es) به آن اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
knife	چاقو	knives
life	زندگی	lives
wife	زن	wives
leaf	برگ	leaves
shelf	قفسه	shelves
thief	دزد	thieves
half	نصف	halves
wolf	گری	wolves
loaf	قرص نان	loaves
self	خود	selves

۹- اسم‌های زیر از این قاعده مستثنی می‌باشند و موقع جمع بستن فقط (s) به آنها اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
fife	نی	fifes
belief	اعتقاد	beliefs
chief	رئیس	chiefs
cliff	پرتگاه	cliffs
handkerchief	دستمال	handkerchiefs
roof	پشت بام	roofs
proof	مدرک	proofs
safe	گاو صندوق	safes
cuff	سرآستین	cuffs
grief	غم	griefs
strife	نزاع	strifes
serf	بنده - غلام	serfs
gulf	خلیج	gulfs

۱۰- اسم‌های زیر با د و روش اضافه کردن (s) و حذف (f و fe) و اضافه کردن (ves) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
scarf	روسری - شال گردن	scarfs, scarves
dwarf	کوتوله	dwarfs, dwarves
hoof	سُم اسب	hoofs, hooves
whorf	اسکله	whorfs, whorves
turf	چمن	turfs, turves
staff	چوبدستی	staffs, staves
beef	گوشت گاو	beefs, beeves

مفرد		جمع
bawk	بابه - باوک - پدر	باوه کان - بابی
Dayk	مادر - دایک - نأ	ئه دای - دایکان
khoshk	خواهر - وائی (وال) - خوشک	خوشکان - وائی
Bra	برادر - براله	برایان - برالی

۱۱ - بعضی اسمها با تغییر حرف با صدا بطور بی قاعده جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
woman	زن	women
man	مرد	men
mouce	موش	mice
tooth	دندان	teeth
foot	پا	feet
louse	شپش	lice
goose	غاز	geese

۱۲ - بعضی اسمها با اضافه کردن (en) جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
child	بچه	children
ox	گاو	oxen
brother	برادر دینی	brotheren

۱۳- بعضی اسم‌ها شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
sheep	گوسفند	sheep
fish	ماهی	fish
deer	آهو	deer
salmon	ماهی آزاد	salmon
trout	ماهی قزل‌آلا	trout
series	سری - ردیف	series
couple	جفت	couple

fish به شکل جمع fishes مبین نوع ماهی می‌باشد.

۱۴- اسم‌های ملیت که به صدای /s/ یا /z/ ختم شود شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
a swiss	یک سوئیسی	several swiss
a chinese	یک چینی	several chinese
a japanese	یک ژاپنی	several japanese

۱۵- حروف الفباء اعداد و علائم با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

There are two a's and two 3's and three 6's

در این کلمه دو حرف (a) و دو حرف (3) وجود دارد.

You should write two 3's and three 6's

شما باید دو تا عدد ۳ و سه تا عدد ۶ بنویسید.

Two t/s and two -'s should be used

دو علامت جمع و دو علامت منها باید بکار برده شود.

۱۶- اگر اسم مرکب با حرف اضافه باشد برای جمع بستن (s) به کلمه اول اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
Father-in-law	پدر شوهر - زن	Father-in-law
mother-in-law	مادر زن	mothers-in-law
son-in-law	داماد	sons - in - law
looker-on	تماشاچی	lookers-on

۱۷- دو اسم مرکب بدون حرف اضافه (s) جمع به اسم مهم اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
maid servant	خدمتکار زن	maid servants
step daughter	نادختری	step daughters
step son	ناپسری	step sons
step father	ناپدری	step fathers
step mother	نامادری	step mothers
court martial	دادگاه نظامی	courts martial
arm chair	مبل	arm chairs
book case	جاکتابی	book cases

۱۸- هرگاه کلمات man و woman و lord در ابتدای اسم مرکب باشد هر دو اسم جمع بسته می‌شود.

مفرد		جمع
man-servant	خدمتکار مرد	men-servants
woman-servant	خدمتکار زن	women-servants
woman-teacher	معلم زن	women-teachers
lord-justice	وزیر دادگستری	lords-justices

۱۹- اسم‌هایی که به (ful) ختم شوند با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

handful , handfuls

armful , armfuls

۲۰- اسم‌های خارجی که وارد زبان انگلیسی شده‌اند با تغییر حرف یا حروف از آخر کلمات جمع بسته می‌شوند. در جدول زیر حرف یا حروف آخر اسم مفرد و جمع نشان داده شده است.

حرف یا حروف آخر اسم مفرد	حرف یا حروف آخر اسم جمع
---- a	---- ae
---- eau	---- esux
---- ex	---- ices
---- ix	---- ices
---- is	---- es
---- on	---- a
---- um	---- a
---- us	---- i



مفرد	جمع
formula	فرمول formulae
larva	کرم حشره larvae
vertebra	مهره پشت vertebrae
plateau	جلگه مرتفع - فلات plateaux
vortex	گرداب vortices
appendix	ضمیمه appendices
matrix	زهدان - قالب matrices
crisis	بحران crises
parenthesis	پرانتز parentheses
basis	پایه - اساسی bases
phenomenon	پدیده phenomena
ovum	تخم - یاخته - سلول ماده ova
memorandum	یادداشت memoranda
radius	شعاع radii
stimulus	انگیزه - تأثیر stimuli
thesis	فرضیه theses
datum	چیز مفروض data

۲۱- هرگاه اعداد hundred (ص) و thousand (هزار) و million (میلیون) بر تعداد معین دلالت کنند قبل از

اسم، جمع بسته نمی شوند ولی برای بیان تعدد بشکل جمع با حرف اضافه of همراه اسم به کار می روند.

Two hundred men دویست مرد

Two hundred and ten pounds دویست و ده پوند

hundreds of people صدها نفر

۲۲- اسم hair (مو) بشکل مفرد بکار برده می‌شود.

His hair is long موهایش بلند است.

هر گاه منظور تار مو باشد بشکل جمع بکار برده خواهد شد.

he has a few white hairs on his head.

چند تار موی سفید روی سرش دارد.

۲۳- بعضی اسم‌های همیشه مفرد بوده و برای این قبیل اسم‌ها فعل نیز بشکل مفرد (is و was و

has و s/es + قسمت اول فعل)) بکار برده می‌شود.

news	اخبار	clothing	لباس
advice	پند	cutlery	کارد و چنگال
information	اطلاعات	food	غذا
knowledge	دانش	crockery	بدل چینی
furniture	وسایل منزل	stationery	نوشت‌افزار - لوازم التحریر
luggage	اثاثیه - بار و بند	footwear	پا افزار
baggage	اثاثیه	gallows	چوبه دار
scenery	منظره	suds	آب صابون
nonsense	حرف بیهوده	pains	رنجها

The furniture is to be delivered today.

this news is very good.

No news is good news.

good advices is not always heeded.

برای بیان تعدادی معین از این اسم‌ها می‌بایست از عبارت some pieces of a piece از آنها استفاده شود.

a piece of news                      یک خبر

some pieces of news              چند خبر

۲۴- اسم بعضی از شاخه‌های علوم که به (ics) ختم شوند و بعضی بیماری‌ها مفرد بوده بنابراین با فعل مفرد نیز بکار برده می‌شوند.

physics	علم فیزیک	mumps	اریون
mathematics	علم ریاضیات	measles	سرخجه
economics	علم اقتصاد	rickets	نرمی استخوان
mechanics	علم مکانیک		
politics	علم سیاست		
methaphysics	علم ماوراء طبیعت		
ethics	علم اخلاق		
optics	علم نور و بصر		

physics is an important subject in the modern world.

Mumps is a series illness for grown-up people.

Mathematics is his weak subject.

هرگاه Mathematics به مفهوم عملیات و محاسبات ریاضی باشد و economics به مفهوم اصول

علم اقتصاد جمع بوده بنابراین با فعل جمع نیز بکار می‌روند.

The area of the room is 160 square meters, if my mathematics are correct.

The economics of the situation have been discussed.

His mathematics are weak.

What are your politics?

My brother's politics seem to change radically every four years.

۲۵- هرگاه اسمی قبل از اسم دیگر نقش صفت را داشته باشد و مقدار یا تعداد خاصی را برساند در

این حالت بصورت مفرد بکار می‌رود حتی اگر مفهوم جمع را برساند.

shoe-repairer

a ten-mile walk

car door

a three-man expedition

cassette box

a two-bed room

table leg

toothbrush

کلمات sports و customs و arms و clothes و accounts از این قاعده مستثنا هستند.

sports car

customs officer

arms production

arms production

clothes shop



اردشیر اول

م-۲۲۶

accounts department

کلمات men و women نیز بعنوان صفت قبل از اسم دیگری بکار برده می‌شوند.

men drivers

women pilots

۲۷- اسم بعضی بازیها که به (s) ختم شوند مفرد بوده و با فعل مفرد نیز بکار می‌روند.

billiards

بازی بیلیارد

draughts

جریان هوا - کشش



پوراندهخت:



فرهاد چهارم  
۲۷ - ق - م



ولایت اول  
۵۲ - م



جوانشیر پسر خسرو و پرویز  
پسر گردویه خواهر بهرام چوبین  
۶۳۰ - م



خسرو اول  
۵۲۲ - م

## الفبا و صداها

الفبای زبان انگلیسی ۲۶ حرف است و آنرا به چهار شکل می‌نویسند.

اول حرف بزرگ چاپی از این قرار:

اِ	بی	سی	دی	ای	اف	جی	اِچ
اِی	جِ	کِ	اِل	اِم	اِن	اُ	پی
کیو	اَز	اِس	تی	یو	وی	دَبلیو	اِکس
وای	زد.						

A	B	C	D	E	F	G	H
I	J	K	L	M	N	O	P
Q	R	S	T	U	V	W	X
Y	Z						

دوم حروف کوچک چاپی

اِ	بی	سی	دی	ای	اف	جی	اِچ
اِی	جِ	کِ	اِل	اِم	اِن	اُ	پی
کیو	اَز	اِس	تی	یو	وی	دَبلیو	اِکس
وای	زد.						

a	b	c	d	e	f	g	h
i	j	k	l	m	n	o	p
q	r	s	t	u	v	w	x
y	z						

حروف صدا دار عبارتند از: A - E - O - i - U

۱-ب-پ-ت-ج-چ-خ-د-ذ-ر-ز-س-ش-غ-ف-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی  
هشت حرف از ۳۲ حرف الفبای فارسی، عربی و ترکی بوده و عبارتند از ث-ح-ص-ض-ط-ظ  
ع-==ق و کلمات ساخته شده با این حروف فارسی نبوده بلکه عربی یا ترکی اند و چهار حرف ژ-  
گ-پ-چ مخصوص زبان فارسی و کُردی بوده و کلمات ساخته شده با این حروف فقط فارسی یا  
کُردی اند.

## خانواده زبان‌های هند و اروپایی یا آریایی

۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

آریایی (ایرانی - هندی - اروپایی)

اروپایی (ژرمانی - لاتین - یونانی - اسلاوی - انگلوساکسون)

ایرانی (پارسی - مادی - پارسی - سکایی مخلوطی از مادی و پارسی است)

پارسی (پارسی‌باستان - میانه - امروزی)

پارسی (پشتو - پهلوی - دری - زاولی - سگزی - سُغدی - هروی)

مادی (هوری - کردی - گیلی - طبری - طالشی - دیلمی - بندری - خوانساری و تاتی)

کردی (سُورانی - کرمانجی - اورامانی یا گُورانی)

اورامانی: ته‌ویلّه و بیاره - ژاوه‌رو - پاوه و له‌وَنی - ته‌ختی و ره‌زاوی - زازا - ده‌یله‌می - تاتی

زاغمرزی نکاء مازندران

زَه‌نگه‌نه و تاله‌بانی - باژه‌لانی شه به کی‌موسل - تالشی - کُردهای طیس و فردوس (تون) خراسان

شاخه‌های فرعی اورامانی (لری - بختیاری - فیلی - لکی - کرمانشانی - بیجاری گیلی - دیلمی -

تاتی)

کرمانجی (هکاری - بوتانی - دیاربکری - جلالی - میلانی - شکاکلی - بادینان)

سُورانی (اردلانی، مکرانی، بابان، جاف، ایناخ، روژبیانی، باوه‌جانی، گِراآلی، یزدانبخشی، مُرادی)



## ریشه‌زبانهای هند و اروپایی یا آریایی

زبانهای هند و اروپایی یا آریایی شامل این زبان‌ها هستند:

- ۱- هندی: که شامل سانسکریت - هندی امروز - اردو - بنگالی - پنجابی می‌باشد.
- ۲- ایرانی: که شامل زبانهای اوستایی و فارسی باستان در گذشته و فارسی و پشتو و کردی در امروزه می‌باشد.
- ۳- اسلاوی: شامل روسی - اوکراینی - لهستانی - چک - اسلواکی - صربی - بلغاری - کروواتی.
- ۴- بالتی: شامل لیتوانی - لتونی - استونی.
- ۵- یونانی: شامل یونانی باستان و یونانی فعلی و آلبانیایی است.
- ۶- ایتالیک: شامل لاتینی قدیم و پرتغالی - اسپانیولی - فرانسوی - ایتالیایی - رومانیایی فعلی است.
- ۷- سلتی: شامل زبانهای ایرلندی - گلی اسکاتی - ویلیزی - برتونی.
- ۸- ژرمنی: شامل گوتی و ایسلندی قدیم و ژرمنی قدیم و انگلیسی قدیم بوده و شامل زبانهای فعلی به قرار زیر است: انگلیسی - آلمانی - هلندی - فلاندری - سوئدی - دانمارکی - نروژی و ایسلندی می‌باشد.
- زبانهای غیر آریایی هم شامل چینی - ژاپنی - مغولی - ترکی - گرجی و زبان سیاه‌پوستان آفریقا و نقاط دیگر جهان و... می‌باشند که از بحث ما خارجند.

## کلمه سازی در انگلیسی

صفت	پسوند	فعل
creative	ive	create
payable	able	pay

قید → + ly صفت

easily → easy + ly

recently → recent + ly

اسم	→	پسوند	+	فعل
ورود	arrival	al		arrive
حرکت - خروج	departure	ture		depart
ارتش	army	y		arm
موافقت	agreement	ment		agree
ناراحتی	annoyance	ance(ence)		annoy
آموزگار	teacher	er		teach
مدیر	director	or		direct

اسم	→	پسوند	+	صفت
مهربانی	kindness	ness		kind
فعالیت	activity	ity		active

اسم	+	پسوند	→	صفت	
fool		ish		foolish	نادان
cloud		y		cloudy	ابری
friend		ly		friendly	دوستانه
power		less		powerless	ضعیف
faith		ful		faithful	باوفا

اسم	→	پسوند	+	فعل	
		tion			
		ance			
		ence			
فرهنگ		education			مثال
اهمیت		importance			

wife

رَبِّ

Ahl-e-Bait

اسم فاعل	→	or	+	فعل	
		er			
هنرپیشه		actor			مثال
کارگر		worker			

اسم	+	پسوند	→	صفت	
rain		y		rainy	بارانی
colour		ful		colourful	پررنگ

صفت	+	پسوند	→	قید
easy		ly		easily

صفت	قید
hard	hard
good	well

## un - dis - im - ir

## پیشوندهای منفی ساز

un + happy	غمگین
dis + agree	مخالف
im + possible	غیر ممکن
ir + regular	بی قاعده
ir + regular →	irregular

## تلفظ کلمات و علائم مربوطه

ی	ی	i:	3:	!
ی	ی	I	ə	اِ کوتاه
اِ	نِ	e	eI = ei	ای
اُ	نُه	æ	əʊ	او
آ بلند	نا-بلاو	a:	ai = aI	آی
اِ کوتاه	نا-کورت	ɒ	aʊ	او
نو	نُو	ɔ:	ɔI	ای
و	اُ	ʊ=ʊ	Iə	ی
وو	وو	u:	eə	!!
اُ وسط	ناوَه سَهت	ʌ	ʊə	اُ

مثال:

گ = g → got/gɒt/

چ = tʃ → chin/tʃɪn/

ج = dʒ → June/dʒu:n/

و = v

ت = θ → thin (θɪn)

د = ځ = ځ → Then (ðen)

ش = ʃ → she (ʃi:)

ژ → ʒ

نگ = ŋ → sing/sɪŋ/

ل = l

ی = j = yes (jes)

# الفبا و خطوط باستانی ایران THE SCRIPTS OF IRAN

	خط میخی پارسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	خط میخی اشکانی PARTHIAN PAHLAVI	خط میخی ساسانی SASANIAN PAHLAVI	خط میخی کتیبی BOOK PAHLAVI	خط میخی اوستایی AVESTAN	
A	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	آ
B	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	ب
C						
D	𐎢 𐎣 𐎤	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	د
E						
F	𐎥			𐎥	𐎥	ف
G	𐎦 𐎧	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	گ
H	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	ه
I	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	ی
J	𐎪 𐎫			𐎪	𐎪	ج
K	𐎬 𐎭	𐎬	𐎬	𐎬	𐎬	ک
L	𐎮	𐎮	𐎮	𐎮	𐎮	ل
M	𐎯 𐎰 𐎱	𐎯	𐎯	𐎯	𐎯	م
N	𐎲 𐎳	𐎲	𐎲	𐎲	𐎲	ن
O						
P	𐎴	𐎴	𐎴	𐎴	𐎴	پ

# الفبا و خطوط باستانی ایران THE SCRIPTS OF IRAN

	خط میخی، پارسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	پهلوی ساسانی SASANIAN PAHLAVI	پهلوی کتابی BOOK PAHLAVI	اوستایی AVESTAN	
Q <sup>(17)</sup>					
R	𐎠 𐎡	𐭠	𐭡 𐭢	𐬀	ر
S	𐎢	𐭡	𐭣	𐬁	س
T	𐎣	𐭢	𐭤	𐬂	ت
U, V	𐎤	𐭣	𐭥	𐬃	او
V, W	𐎥 𐎦	𐭤 𐭥	𐭦 𐭧	𐬄 𐬅	و
X <sup>(10)</sup>					
Y	𐎧	𐭦	𐭨	𐬆	ی
Z	𐎨	𐭧	𐭩	𐬇	ز
Ch	𐎩		𐭪	𐬈	چ
Dh <sup>(11)</sup>					
Gh			𐭫	𐬉	غ
Kh	𐎪	𐭨	𐭬	𐬊	خ
Sh	𐎫	𐭩	𐭭	𐬋	ش
Th <sup>(12)</sup>	𐎬			𐬌	ث
Zh <sup>(13)</sup>				𐬍	ژ

## فهرست مندرجات فرهنگ لغت آرام

<i>A</i> .....	۱
<i>B</i> .....	۲۶
<i>C</i> .....	۵۰
<i>D</i> .....	۹۶
<i>E</i> .....	۱۲۲
<i>F</i> .....	۱۴۴
<i>G</i> .....	۱۷۰
<i>H</i> .....	۱۹۰
<i>I</i> .....	۲۱۰
<i>J</i> .....	۲۲۹
<i>K</i> .....	۲۳۶
<i>L</i> .....	۲۴۳
<i>M</i> .....	۲۶۵
<i>N</i> .....	۲۹۲
<i>O</i> .....	۳۰۲
<i>P</i> .....	۳۱۴
<i>Q</i> .....	۳۵۵
<i>R</i> .....	۳۶۰
<i>S</i> .....	۳۹۳
<i>T</i> .....	۴۶۸
<i>U</i> .....	۵۰۷
<i>V</i> .....	۵۱۷
<i>W</i> .....	۵۲۵
<i>X</i> .....	۵۴۳
<i>Y</i> .....	۵۴۵
<i>Z</i> .....	۵۴۸





# A a

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>A</b> <i>n</i>	ای	اولین پیتی ته لفا	اولین حرف الفبای انگلیسی
<b>AA</b> <i>adv</i>	آ - آ	ثاا - ئه ی	بلی - آری
<b>aardvark</b> <i>n</i>	آردوارک	به پازی خاکی	خوک خاکی
<b>aba</b> <i>Im, v</i>	آبه	ثابده - ثابه	بده
<b>a</b> <i>art, adj</i>	ای	یه ک - یو	یکه - ی - هر، هرکدام
<b>an</b> <i>adj, art</i>	ان	یه ک - ی	یکه - ی، هر، هرکدام، واحد
<b>abandon</b> <i>v, (abandan)</i>	ابن دین	پیدان - په نه دای، به ردان	واگذا کردن - رها کردن
<b>abbreviation</b> <i>n</i>	ابری ویشن	کورتن - ئه وه بیره به موخته سه ر	مخفف، مختصر، کوتاه نویسی
<b>ability</b> <i>n (pl. ties)</i>	ابی لیتی	وه کاری - لمیا قه ت - چه نه ئامه ی	توانایی، استعداد، احیاء
<b>able</b> <i>adj</i>	ابل	قابل - به هیز - توانا	قادر، توانا - لایق
<b>ablution</b> <i>n</i>	ایالیش	ده سوودیم - خوشووردن	وضو، غسل، شستشو
<b>aboard</b> <i>n prep, adj</i>	ابورد	دلئ له ناو - چه سه ر بیانی	روی، داخل (کشتی / هواپیما)
<b>abolish</b> <i>v</i>	ایولیش	لابردن - چه دلئ به رده ی	منسوخ کردن، برانداختن
<b>abolition</b> <i>n</i>	ایولیشن	قه داخه به رگری - هه لگری	براندازی، لغو، بچیدن
<b>about</b> <i>prep, adv</i>	ابوت	چه مه وه س - له باری	در باره، راجع به، در مورد
		له سه ر	در حدود، تقریباً، حدود
		ده ورویه ر - نزیککی	در اطراف، در حوالی
<b>above</b> <i>adv</i>	ابو	له بیانی له سه ر - چه سه رو	بالای، بروی، بر فراز، بالاتر

ی	ی کوتاه	ا	آ	آ کوتاه	ئ	اُ	وو
i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put
							too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در/به خارج (کشور) خارجه	له ده ره وه ی وه لات - جه به رو	ایرود	<b>abroad</b> <i>adv</i>
تند - درشت، ناگهان	سه ره وژ یڕ نا ماوه - تو وڤه	ایرآیت	<b>abrupt</b> <i>daj</i>
غایب، مفقود	ناد یار سون - نه بوون	ایزنت	<b>absent</b> <i>daj</i>
غیاب، غیب، نیبون	نه وی دیار، نه هات، نقم	ایزنس	<b>absence</b> <i>n</i>
پرشان خاطر، فراموشکار،	موڤ - بی هوش - گجج	ایزنت	<b>absent-minded</b> <i>adj</i>
کم حافظه	سه و داسهر	مایندد	ده مه یه و شمال پاوه
کامل، خالص، واقعی	پاک - ته و او، خالس	آبژ لوت	<b>absolute</b> <i>adj</i>
کاملاً، مطلقاً	به ته و او ی، به یه کجاری	آبژ ولو وتلی	<b>absolutly</b> <i>adj</i>
جذب کردن، کشیدن	کیشان - لو وشته ی	آبژ ورب	<b>absorb</b> <i>v</i>
جذب کننده، مجاذب	کیشهر - لو و شهر	آبژ وربنت	<b>absorbent</b> <i>adj</i>
خیلی جالب، دلربا	دل کیش - فره باش	آبژ وربینگ	<b>absorbing</b> <i>adj</i>
چرند، پوچ، نامعقول	پو وچ - ناماقو وڤ	آبژ رد	<b>absurd</b> <i>adj</i>
احمقانه	بی ئه قلانه - به خامی	آبژ ردلی	<b>absurdly</b> <i>adv</i>
دشنام دادن - بیدرفتار کردن	دژوین دان - خرا واته ی	آبیوز	<b>abuse</b> <i>v</i>
دشنام، سوءاستفاده، ناسزا	دژوین - دژمانی - سفله یی	آبیوز	<b>abuse</b> <i>n</i>
لهجه، تکیه صد لسیک	له فز ده نگ دا گر تن، مه د	آکسینت	<b>accent</b> <i>n</i>
باتکیه تلفظ کردن - تاکید	به ته کیه که لام قسه کردن	آکسینت	<b>accent</b> <i>v</i>
قبول کردن، توافق کردن	واژ نه ورده ی - قه بوڤ کردن	آکسپت	<b>accept</b> <i>v</i>
پسندیده، قابل قبول	په سه ن کرا - په سه ن کریا	آکسپت بیل	<b>acceptable</b> <i>adj</i>
دسترسی، تقرب، ورود	جی ده س - نزیک ی - ده س په نا	آکیمز	<b>access</b> <i>n</i>
تصادف، سانحه، حادثه	هوژ ته ق - به ر هات	آکسی دنت	<b>accident</b> <i>n</i>
از گله باوه جانی	قو میای - چی و ره نامه ی	سایلاخ	

ای	آی	او	ای	ای	اکوتاه	اکوتاه
ɪ	aɪ	əʊ	eɪ	ɔɪ	ʌ	ɪ
near	five	now	day	boy	bird	cup

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
accident <i>n</i>	آکسی دنت	هۆر ته ق به رهات	تصادف، سانحه، حادثه
		قۆمیاى - چيووه ر ئامه ی	شارى شمشير له پاوه
accidental <i>daj</i>	آکسی دنتل	به جوړى پيش مات هۆر کهوت	اتفاقی، غیر منتظره شانسى
accidentally <i>daj</i>	آکسی دنتلی	بهمه لکه وت به هۆر کهوت	به طور اتفاقی، تصادفاً
accommodate <i>n</i>	اکامپیت	مال دان - یا گه دای به یو ی	منزل دادن - جوړ کردن
		وارده ی - حیساب کردن	آریان
accommodation <i>n</i>	اکامپیشن	یا گئی - مالمو جی - یووه ر ی	جا، منزل، سازگاری
accompany <i>v</i>	یک کام پنی	چه نى یو ی بیه ی	همراه بودن، همشاییت
		له گه ل که سیکا چوون	کردن
accomplish <i>v</i>	یک کام پلش	ته و او کردن - ته مام کردن	به انجام رساندن - کامل کردن
according to <i>prep</i>	یکردینگ توو	به قه و ل و ویه نابه یه نه زه ر ی	بر طبق - به عقیده
account <i>n</i>	اکاونت	حه ساو - راپورت	گزارش - صورت حساب
		سوورته - حیساب	حساب بانکی، اعتبار
accountant <i>n</i>	اکاونتنت	حه ساو که ر - حیسابگر	حسابدار
account <i>n</i>	اکاونت	ده فته ره ساو - ده فته ره حیساب	دفتر حساب دخل و خرج
account <i>v, n</i>	اکاونت	باس کردن به یان که رده ی	صورتحساب - توضیح دادن
accurate <i>adj</i>	آکیریت	دروست - ریک دروس	صحيح، دقیق، کامل
accurately <i>adv</i>	آکیرتلی	به دروستی به ریکی و پیکى	دقیقا، به طور دقیق
accuse <i>v</i>	آکیوز	بوختان که رده ی په ی	متهم ساختن
		بوخت کردن بویه مل نیا ن	مقصود دانستن

ده ربه ندیخان

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اورامان	بوخت بوختانی، ته شه ر	اکبوزین	accusation <i>n</i>
اتهام، تهمت، سرزنش	فیر که ده ی - عاده ت دان	آکاس ژم	accustom <i>v</i>
عادت کردن / دادن	ئیش که ده ی (کردن)	ایک	ache <sup>1</sup> <i>v</i>
نرد کردن / گرفتن	ده رد - ئیش - زریکه	ایک	ache <sup>2</sup> <i>n</i>
در دال، هر ئیج سوز	خو ش کردن - وه ش که ده ی	اچیو	achieve <i>v</i>
انجام دادن - موفق شدن	ته ره قی - کاری که وه	اچیوینت	achievement <i>n</i>
کارسترگ و بزرگ، کامیابی	ترش - چییو ترش - ترش تام	اسید	acid <i>n</i>
اسید سوزنده - ترش	ئیقرار که ده ی - شناسین	اکنالیج	acknowledge <i>vt</i>
شناختن - اعتراف کردن	په ی به ره ی		
قنردانی کردن	په ی شیقرار - نه ژناسی	اکنالیج مینت	acknowledgement <i>n</i>
شناسائی، اعلام باذعان	نه ژناسی له ژووناسی ژناس	اکیوینتس	acquaintance <i>n</i>
آشنایی - سابقه	پیدا که ده ی بیه ده س هینان	اکیوایر	acquire <i>n</i>
به دست آوردن، خریدن	واحدی پیوانه ی فره نگی	ایکر	acre <i>n</i>
اگر - جریب فرنگی	جه پانای (مه د) له ولا	اكراس	across <i>adv, prep</i>
در آن طرف، از عرض، عرض	له رووی - نه وه ر		
به طور ضربدر	کار کردن، عه مه ل که ده ی	اکت	act <i>v</i>
عمل کردن، رفتار کردن	ئاسانی که ده ی		
کرماشان	عه مه ل - کار	اکنشن	action <i>n</i>
عمل، کار - اقدام	کرده وه - ئاسانی		
سه رشیو مریوان	قانون - قه واله	اکت	act <i>n</i>
قانون - پرده (در نمایش)	په ره ده ی - سینه ما		
حکم دادگاه			

ڤ f fall    و v voice    ت θ thin    د ð they    س s so    ز z zoo    ش f she    ڙ ʒ vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مۆثر، دایره‌کاری	گورج و گۆل - نه وئس	اكتیو	active <i>adj</i>
جذی	پێقه رار - ده ردوه		
به‌طور مۆثر، فعالانه	به‌جووری ده‌ردخوڕ - عه‌مه‌ل‌كه‌ر	اكتیوولی	actively <i>adv</i>
سرگرمی - فعالیت، اقدام	جهم و جوول - تی‌کۆشی	اكتیویتی	activity <i>n</i>
فعال، کاری، ساعی	تی‌کۆش - چه‌نه‌نامه - کۆشه‌ر	اكتیو	active <sup>2</sup> <i>adj</i>
هنریشه (مرد)، بازیگر مرد	هونه‌رپیشه‌ی پیاو	اكتیر	actor <i>n</i>
که مالا	پیاوی هونه‌رکار		
هنریشه (زن)	هونه‌رپیشه‌ی ژن	اكتیرس	actress <i>n, fem</i>
ساحب سقز	ژهنی هونه‌رکاره		
حقیقی، واقعی، کنونی	هه‌ره‌قه‌تی - هه‌قیقی	اكت‌چوال	actual <i>adj</i>
عملاً، واقعاً	له‌هه‌قیقه‌ت - چه‌عه‌مه‌له‌نه	اكت‌چواللی	actually <i>adv</i>
بعد از میلاد (مسیح)	دما و میلادی - دوا‌ی میلادی	ا‌دی	A.D. ( <i>Anno domini</i> )
شاهو (شاه‌کوه) درپاوه	مه‌سیح		
وفق دادن، متناسب ساختن	یوسه‌ی - به‌ک‌خستن	ا‌دپت	adapt <i>v</i>
انعطاف‌پذیر، سازگار	مناسب - نه‌رمش‌داری	ا‌دپت‌لایل	adaptable <i>adj</i>
افزودن، اضافه کردن	ئاده‌ی سه‌ره‌کرده‌ی غه‌کردن	ا‌د	add <i>v</i>
اضافه بر مطلب گفتن	جهم کردن		
افزایش - پیوست، اضافی	ئزافه‌زیاده‌ره‌زۆر - جهم	ا‌دیشن	addition <i>n</i>
(مار) افعی - جعفری	جو‌ریوه‌ماری ئه‌فعی - ئامریکایی	ا‌دیر	adder <i>n</i>
آدرس، نشانی	نام و نیشان - ئادرس	ا‌دیرس	address <sup>1</sup> <i>n</i>
آدرس نوشتن / دادن	ئادرس نووسین - ئادرس‌دای	ا‌دیرس	address <sup>2</sup> <i>v</i>

ه	م	ن	نگ	ل	ر	ی	و
h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایوان ایلام	به س و ه سێ - په نه که و ته ی	آدی کویت	adequate <i>adj</i>
کافی، مناسب، بسنده	سفه ت سیفه ت - ناولا و ین	یجکتیو	adjective <i>n</i>
میزان کردن، درست کردن	رێک که رده ی - دروست کردن	یدجاست	adjust <i>v</i>
اداره کردن، اجرا کردن	پوره یا وای - پیاگه یین	آدمی نی ستر	administer <i>v</i>
ده ربه ندیخان	ئه داره که رده ی		
اداره، حکومت، اعمال	ئه داره - عه داره ده لوه ت	آدمی نی سترشن	administration <i>v</i>
ستایش کردن، پسندیدن	ستایش کردن - په سه ن کردن	أعماير	admire <i>v</i>
دریاسالار	ده لیاوان	أدميرال	admiral <i>n</i>
تحسین، شگفت، تمجید	ته حسین - په سه ن ستایش	أدميريشن	admiration <i>n</i>
تصدیق کردن، بستری	ری دان - قه بوول	إدمیت	admit <i>v</i>
کردن	که رده ی - ئیجازه دای		
اقرار - (اجازه) ورود	ایجازه په ی دلێ	آدمی شین	admission <i>n</i>
جواز ورود	قه بوول - پریدن		
پالنگان			
نوجوان، بی تجربه	بالتی - عاز و - تازه جوان	أدلیست	adolescent <i>n</i>
اقتیاس کردن، پذیرفتن	قه بوول کردن - گرتی جه	إدابیت	adopt <i>v</i>
پرسیدن، دوست داشتن	چتیی ستایش کردن - وه ش	إذر	adore <i>v</i>
سه و لا و ای مریوان	گه ره ک بیه ی - په رسای		
ماهر - زرنگ	وریا - مدریک	إدرویت	adroit <i>adj</i>

شیروان چرد اول ایلام

وو	ئو	آکوتا	آ	آ	ی کوتاه	بی
u:	o:	o	a:	ae	i	i:
too	saw	got	arm	hat	sit	see

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
adult <i>n</i>	آدالت	بَالَق - گه‌وره سَال - پیر	شخص بالغ، بزرگسال
advance <i>v</i>	آدوانس	وه‌رۆلۆای به‌رۆچوون	پیشرفت کردن، جلو رفتن
		به‌ره پیدان	کاکه‌یی کرکوک
advanced <i>adj</i>	آدوانسد	به‌رۆچووک - وه‌رۆلۆا	پیشرفته، مترقی، عالی
		ته‌ره قی که‌رده	دَره شاری ایلام
advantage <i>n</i>	آدوان تیج	نه‌فحه سه‌رف - خه‌یر	مزیت، سود، تفوق
adventure <i>n</i>	آدۆن چر	ماجه‌را - سه‌رهات	ماجرای حادثه، سرگشتن
		سه‌رئامه‌ی	مه‌ نسور آغه
adventurous <i>adj</i>	آدۆن چرس	ماجه‌رادار سه‌رهات‌هر	ماجرای جویانه، پُر ماجرا
		سه‌رئامه‌سین سه‌خت	سلیمانی
adverb <i>v</i>	آدۆرب	هۆکه‌ر - فه‌رمان لاوین	قید
		یاری فیعل - قه‌ید	
advertise <i>v</i>	آدۆرتایز	چار‌دان - چارۆخه‌وردای	آگهی دادن، تبلیغ کردن
		راگه‌ یانندن	
advertisement <i>n</i>	آدۆرتایز مینت	چار - خه‌به‌ر - ئاگاداری	اعلان، آگهی، تبلیغ
advise <i>n</i>	آدوایز	په‌نه‌سپارده‌ی - ئاگاداری دان	توصیه کردن، انترز دادن
advice <i>n</i>	آدوایس	نه‌ سیح‌ه‌ ت	نصیحت، انترز
aerial <i>n</i>	آیرل	ئانتن - مه‌ وجگیری هه‌وا	آنتن (فرستنده گیرنده) هوایی
aeroplane <i>n</i>	آیرپلین (الوپلین)	فروکه - ته‌ یاره‌ بیا لۆین	هواپیما
affair <i>n</i>	آفر	پیشه‌ پرووداوه‌ سه‌لی	کار، شغل - امر، موضوع
			حادثه، رویداد
آکوتاه ʌ	ا 3:	ایکوتاه eɪ	ای ɪ
cup	bird	ago	day
		go	five
		now	boy
			near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اثر گذاشتن بر - تظاهر کردن	ئه سه رکردن - ئه سه ر نیای	اِفکَت	affect <i>v</i>
مهربان، پرمحبت	وه ش روو - شیرین زوآن	اِفکَش نیت	affectionate <i>adv</i>
ایل مامش	میهره بان		
به مهریانی	به میهره بانی - بیه محی به ت	اِفکَش ن تلی	affectionately <i>adv</i>
توان داشتن، فراهم کردن	توانین - لی هاتین	اِفورد	afford <i>v</i>
قشلاق پاوه	چه نه ئامه ی - تاوای		
ترسیده، ترسان	ته رسا - ته رسا - ته رس دریا	اِفرید	afraid <i>adj</i>
بعد از - در عقب، پشت سر	له دوائ - جه ده ماو - جه پهشت	اِفتر	after <i>prep, adv</i>
بعد از ظهر	ده مانیمه رو - دوانیه رو	اِفترنون	afternoon <i>n</i>
سپس، بعدی	له دوائی - دماوه	اِفتر و زردز	afterwards <i>adv</i>
هه ورامان (اورامانات)	له دواو		
دوباره بارها باز	دووباره - دیسان - ههم	اِگِن	again <i>adv</i>
در مقابل، مخالف - نزدیک به،	له به راتبه ری - زدی	اِگِن ست	against <i>prep</i>
به - بر ضد، علیه	دژبه - جه وه رانوه		
سن، عمر - دوره، عصر	سنع - عه مر - عومر	اِج	age <i>n</i>
سن قانونی	ده وره - زه مانه - ته مه ن		
ساله، در سن، پیر، مسن	پیران - جه سنعو - ساله	ای جد	aged <i>adj</i>
دزلی هه ورامان	سالان - که وه نسال		
کارگزار، نماینده، واسطه	واسیته - کارزان	ای خنت	agent <i>n</i>
دلال	کارچی - خه رده رال	سقز	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>ago</b> <i>adv, adj</i>	اگو	وه لێ ئێ نه ی-میژ	پیش، قبل
		به ره له مه - پیش له مه	ایل مامش
<b>agony</b> <i>n</i>	آگینی	دهر دهر نهج-قوشمی-خه فته	درد درنج، عذاب، نزع
<b>agree</b> <i>v</i>	اگری	رازی بیه ی-قه بوول کردن	موافق بودن، قبول کردن
<b>agreement</b> <i>n</i>	اگری مینت	رازی بیه ی-قه بوول	توافق، سازش، همدلی
<b>agriculture</b> <i>n</i>	اگری کالچر	کشتوکالی-کیله ری-غه لای	کشاورزی، فلاحت
<b>agricultural</b> <i>adj</i>	اگری کال چوال	کشتوکالی - فله لای	کشاورزی
<b>ahead</b> <i>adv</i>	ایهد	پیش - بدر - وه	پیش، جلوه به پیش
<b>aid</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	اید	کۆمه ک - یاری	کمک، یاری، همیاری
<b>aid</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	اید	یاری دای-کۆمه ک کردن	کمک کردن، یاری رساندن
<b>aim</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	ایم	ئاره زوو که رده ئی (کردن) - قهره	نشانه رفتن - آرزو داشتن
		وڵ گرتنه ی-گه ره ک بیه ی	جنبان، سقز
<b>aim</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ایم	گه ره ک-ئاره زوو-قه ره وڵ	هدف گیری، آرزو، منظور
<b>air</b> <sup>1</sup> <i>n, adj</i>	ار	هه و-ا- به زم وئا هه نگ	هوا، نمایش، سیما
		شیوه - به ژن	آهنگ
<b>aircraft</b> <i>n</i>	ایرکرافت	ته یاره بیا لۆین خرو وکه	هواپیما، طیاره
<b>airfield</b> <i>n</i>	ایرفیلد	ئوه داگا-خوارگاوارگا	فرودگاه کوچک
<b>airforce</b> <i>n</i>	ایرفورس	هیزی هوایی، قوه (زوری) هوایی	نیروی هوایی
<b>airline</b> <i>n</i>	ایرلاین	خه ته ی هه وایی به-خه تی	خط هوایی
		هه وایی بوو فرۆکه	شرکت هواپیمایی
<b>airmail</b> <i>n</i>	ایرمیل	پۆستی هه وایی-پۆستی هه وایی	پست هوایی، نامه پست هوایی

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شوشمی غرب پاوه	وارگا - خوارگا	ایرپورت	airport <sup>n</sup>
فروگاه			air <sup>2 v</sup>
باد/هوادان، اعلام کردن	لهه وادان به هوادای با پیدان	لر	alarm <sup>1 n</sup>
اژیر خطر - علامت خطر	زه نگو - خه تهری - زه نگی - خه تهر	إلارم	alarm <sup>2 v</sup>
از خطر آگاهانیدن	جه خه تهری - لادای - له خه تهر	إلارم	
دلواپس کردن	لادان - وریا کردن		album <sup>n</sup>
البوم (تمبر، عکس، ...)	ئالبوم - جی عه کس	آلبم	
گهنجی قروه	یا گه عه کس		alcohol <sup>n</sup>
الکل، مشروب الکلی	ئه لکول، هه لکول	آل کپ هال (هول)	alcoholic <sup>adj</sup>
الکلی	ئه لکولی - هه لکولی	آل کپ هالیک	alert <sup>1 adj</sup>
هوشیار، بیدار - اژیر	وریاهوشیار - زیره ک	إلرت	alert <sup>2 n</sup>
اعلام آماده باش، اعلام خطر	جاره خه تهر - را پورتی خه تهر	إلرت	algebra <sup>n</sup>
علم جبر	علمو جه بری - علمی جه بر	آل جیبر	alight <sup>1 adj</sup>
به زمین نشستن، فرود آمدن	خوار هاتن - وار نامه ی	إلایت	
موجش در سنج	زه مین نشته ی		alight <sup>2 n</sup>
شعله ور، سوزان، نورانی	بلی سه دار - گرده شو له ی	إلایت	
ایل هرکی	نور		alike <sup>adj, adv</sup>
هه مانند، شیه، یکسان	یه ک جور - پسه یوی	إلایک	
ایل آلان سردشت	وه ک یه ک		alive <sup>adj</sup>
زنده، سر حال، فعال	زینده - زینگ - زیندوو	إلایو	all <sup>adj, adv</sup>
همه - همگی - به کلی	گرده گشت - همه موو	آل (تول)	
دزاوه - غریم - پاوه	یه کجار - یه ته واوی		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
boil <sup>2</sup> n	بویل	د مه‌ل لیرو جۆش وهیری	کوک، دهل جوش
bold adj	بولد	بی باک ده لیږنه ته رس	جسور، شجاع، دلیر، بی پروا
boldly adv	بولدلی	نه ته رسی ده لیږی بی باکانه	جسورانه، شجاعانه
bolt <sup>1</sup> n	بولت	جهر پیچ که شای ده ر پشکۆل	کشوی درجفت در پیچ، صاعقه
bolt <sup>2</sup> v	بولت	سله میای غره دان پیچ بهستن	قلاب کردن - دم کردن
bomb <sup>1</sup> n (bombard)	بام	به مه چیه ی که بته قو به م	بمب - بمباران کردن
bomber n	بایمر	فرۆکه ی به م هاو یژ به م ئه ره وز	هواپیمای بمب افکن
bone-setter n	بون ستر	شکسه به ن	شکسته بند
bond n	باند	به نچاق قه وال قه رار سه نه د	پیمان، سند (قرضه) تعهدنامه
bone n	بۆن	پیشه - ئسخان - ئسقان	استخوان
bonfire n	بان فایر	ئه یری گه و ره ئاوری گه و ره	برپایی آتش عظیم
bonnet n	بانیت	کلاوی به ن داریکا پوتی ماشین	کلاه بند دار - کاپوت ماشین
book <sup>1</sup> n	بوک	کتیب - کتیبو ده فتر	کتاب، دفتر، برز و کردن
bookcase n	بوک کیز	قه فه سه ی کتیبو - یا گه کتیبو	قفسه کتاب، جاکتابی
book <sup>2</sup> n	بوک	یا گه گرتی - جی گرتن له میژ	رزرو کردن
boom n	بوم	گر مه - خوڤه - ته قه ، هاره	غرش (توپ، برعد، ...)، رونق
boot n	بووت	چه کمی - چه کمه سه نو قی	پوتین - صندوق عقب ماشین
		دوای ماشین	ایل پیران
border n	بوردر	سنور سه رحه ده قه راخ	کناره، لبه - مرز، سرحد
		په راو یژ، لهج و لۆی	
bore <sup>1</sup> v	بور	شه که ت کردن د یق پنه نه که ر ده ی	حوصله کسی را سر بردن
boneman	بون من	کو نه فروش	سمسار، کهنه فروش

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
boredom <i>n</i>	ماندوو یی شه که تی هیلای، بیزاری بوردام		خستگی، بیزاری، دلزدگی
boring <i>adj</i>	شە که ت - ماندوو	بورینگ	خسته، کسل، ملالت اور
bore <sup>2</sup> <i>n</i>	راوار-ژاژۆلّ مزاحم-لاژاو	بور	مزاحم، پرچانه
bore <sup>3</sup> <i>v</i>	کونا کردن-ۆلّ که رده ی	بور	سوراخ کردن، خسته کردن
	بۆر که رده ی		
born <i>adj</i>	زای، له دایک بوون-زایین	بورن	متولد شدن، بدنیا آمدن
borrow <i>v</i>	قه زگرته ی - نه مانه ت هاوردن	بارو	قرض کردن-وام گرفتن
boss <i>n</i>	سه روک ره یس-سه رپرس	باس	مدیر، رئیس، سرپرست
bossy <i>adj</i>	ره یس خوا-سه روک ره وا	باسی	ریاست طلب، پُرمُدها
botany <i>n</i>	گیواوه ژناسای - گیای ژناسی	بوتنی	گیاهشناسی
botanical <i>adj</i>	گیواوی - گیاهی	بوتنی کال	گیاهی
botanist <i>n</i>	گیواوشناس - گیای ژناس	بوتنیست	گیاهشناس
both <i>pron-conj</i>	هه ردو ی - هه ردوک - نه م و نه و	بوت (بوس)	هر دو - هم این هم آن
bother <sup>1</sup> <i>v</i>	ده ردیسه ردای مزاحم یون	بازر	در دسودادن، مزاحم شدن
bother <sup>2</sup> <i>n</i>	ده ردیسه ر - مزاحم	بایر (بایز)	در دسر، مزاحمت، مزحمت
bottle <sup>1</sup> <i>n</i>	شووشه شیشی - قاپ	بایل	بطری، شیشه
bottle <sup>2</sup> <i>v</i>	له ناوشوشه ر ژاندن	بایل	در بطری / شیشه ریختن
	دلی بتری ی که رده ی		
bottom <i>n</i>	بنه - ژیر - خواروار	باتیم	پایین - ته، سیرین، زیرین
	بینخ - سمتی		
boulder <i>n</i>	ماکه مه ر - تاویر به ردی گه وره	ب نولدر	سنگ بزرگ

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جستن - بالا انداختن	هۆرپرای ده رپه رین	ب نونس	bounce <sup>v</sup>
	هوشه که ده ی، هارو هاجی کردن		
عازم بختم، یقین، هریز	حه تم بئ شک لوه رروین	ب ئوند	bound <sup>1 adj</sup>
جست و خیز کردن	جهم و جلول که ده ی - پهرین	ب ئوند	bound <sup>2 v</sup>
پرش - جهش	بازی باز - پهرینه وه قوین	ب ئوند	bound <sup>3 n</sup>
خط، سرحد، هریز	سه رحه دمه رز سنوور	ب ئونددری	boundary <sup>n</sup>
تعظیم کردن، خم شدن	چه میای سه ردانو آندن به سه ر	بو	bow <sup>1 v</sup>
	سلا و کردن بوی چه منای		
تعظیم، بگوش	سلام به سه ره - ته عزیم - چه مان	بُو	bow <sup>2 n</sup>
کمان - ارشه - گره	که مان - که وان - لکه	بُو	bow <sup>3 n</sup>
ظرف توگردکاسه، ورزشگاه	بادیه - پیاله کاسه	بول - بئول	bowl <sup>n</sup>
جعبه، جعبه میوه، بوکس	چنگله سه وه ته سئند و ق	باکس	box <sup>1 n</sup>
بوکس بازی ردن	بوکس بازی مشتته کولانی	باکس	box <sup>2 v</sup>
بوکس، مشت، سیلی	مشت سیخورمه مشتته	باکسینگ	boxing <sup>n</sup>
پسر	کورزه ورو - کورپه	بوی	boy <sup>n</sup>
النگو، دستبند	خرخال باز نه	برس لیٹ	bracelet <sup>n</sup>
بندشلوار، بست بزج	ئه نجه نه بیه خوین	برس	brace <sup>n</sup>
طاقچه دیواری، ستون	ره فه - تاقچه، کوله که	برکیت	bracket <sup>1 n</sup>
پوانتیز، دوابرو، بست	دوکه وان دوئه برو - پهر رانتز	برکیت	bracket <sup>2 n</sup>
خودستایی کردن، نازیدن	وی هور کیشای به خو نازین	برج	brag <sup>v</sup>
مغز، مخ و مخچه هوش	مه ژک مه غزموخ - کړوک	برین	brain <sup>n</sup>
ترمز (قطار، دوچرخه،...)	ترمز راوه ست (بویس)	بریک	brake <sup>1 n</sup>

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
brake <sup>2</sup> <sub>v</sub>	بریک	ویسان - مندرای	ترمز کردن
branch <sup>1</sup> <sub>n</sub>	برانچ	لهق شانه، بهش - خیل	شاخه، شعبه، شاخه درخت
branch <sup>2</sup> <sub>v</sub>	برانچ	جیا که ردهی - جگی کردن	منشعب کردن / شدن
brand <sup>1</sup> <sub>n</sub>	برند	نیشانی، نیشان - تیزگه چلو سکه	مارک، علامت، بدنامی
brand - new <sup>adj</sup>	برند	تازه و نوه - تازهی تازه	دست‌اول، تازه‌تازه
brand <sup>2</sup> <sub>v</sub>	برند	دیاری که ردهی - داخ دان	داغ زدن (بر حیوان)
brass <sup>1</sup> <sub>n</sub>	براس	برینجه - (نالیازی روی + مس)	برنج (الیازی از مس و روی)
brass <sup>2</sup> <sup>adj</sup>	براس	برینجه فلزیکه، روداری	برنج، ساز بادی، توهین
brave <sup>adj</sup>	بریو	بی‌باک - جه رگدار	دلیر، شجاع
bravely <sup>adv</sup>	بریولی	به ده لیری به بی‌باکی	دلیرانه، شجاعانه
bread <sub>n</sub>	برد	نان - نانه - پیخور، رسق	نان - روزی خدا
breadth <sub>n</sub>	برت	پانی - یو - مه د، برین	پهنا، عرض - وسعت
break <sup>1</sup> <sub>v</sub>	بریک	شکاندن - ماردهی	شکستن - از هم پاشیدن
break <sup>2</sup> <sub>n</sub>	بریک	ئه وه سیای - میڕ یا شکان	شکست، استراحت کوتاه، بام
breakfast <sub>n</sub>	بریک فست	سوخانه - سبخانه	ناشتا، صبحانه
breast <sub>n</sub>	برست	سینه - چیچه به ره ک یا وهش	پستان، سینماغوش
breathless <sup>adj</sup>	برت لِس	هه سکه هه سک هه ناسه سواری	نفس، دم، از نفس افتاده
breathe <sub>v</sub>	بریت	نه فه س کیشان - نه فه س	تنفس کردن - دم زدن
		کیشای (دان)	
breed <sup>1</sup> <sub>v</sub>	برید	به خوو کردن - زار و دار بیهی	زاد و ولد کردن - پروراندن
breed <sup>2</sup> <sub>n</sub>	برید	ره گه - نژاد هه ته وه - تخم	نژاد، نسل، نوع

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نسیم	سروه - شنه - نه سیم بای سه با	بریز	breeze <i>n</i>
نوشیدنی تهیه کردن	ئابجو گرتی - نوشانه	بروو	brew <i>v</i> (brewer)
(آبجو - چای)	دروست کردن - خیال په زین، ئابجوساز		
کارخانه آبجوسازی	کارخانه و ئابجو وهش که رده ی	برووری	brewery <i>n</i>
	ئاو جۆ سازی		
رشوه دادن	به رتیل - دای - رشوه دان	برایب	bribe <sup>1</sup> <i>v</i>
رشوه	به رتیل - رشوه	برایب	bribe <sup>2</sup> <i>n</i>
رشوه گیری، رشوه خواری	به رتیل گیری	براییبری	bribery <i>n</i>
آجر - هر چیز اجری شکل	ئاجوړ - خشته - خشت	بریك	brick <i>n</i>
عروس	بووك - وه ی - وه یوه	برآید	bride <i>n</i>
ناهمزدی، عروسی، عروسانه	ده زگیران - زه - ماره ند، بوکانه	بریدل	bridal <i>adj</i>
ساقدوش عروس، ندیمه	پاوه یوه - ژنی نار دراوله	براید اسمبید	bridesmaid
	گه‌ل بووک		
داماد	زاوا - زه ما	برآید گروم	bridegroom <i>n</i>
پل، متصل کردن	پرد - پیل - پرده	بریج	bridge <i>n</i>
افسار، مهار، لگام	هه و سار - وه رگیر - له غاو	برآیدل	bridle <i>n</i>
کوتاه، مختصر، خلاصه پرونده	کورت - کو‌تا	بریف	brief <i>adj</i>
به اختصار، مختصراً	به کورتی - به کو‌تا	بریفی لی	briefly <i>adv</i>
کیف مدرسه، کیف دستی	کیفی مه دره سه وده ستی	بریف کیز	briefcase <i>n</i>
تابان، درخشان	شاد - روشن - بیر یقه دار	برآیت	bright <i>adj</i>
درخشان، جواهرات، الماس تراش	ژیر - تابان - جه هوش - جبر لیان	بری لینت	brilliant <i>adj</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کناره، لبه، حاشیه	قهراخ ده ور په راویژ	بریم	brim <i>n</i>
اوردن (چیزی / کسی)	هاوردن - نه ورده ی	برینگ	bring <i>v</i>
پروردن، تربیت کردن	په ورده کردن - وه ی که رده ی	برینگ آب	bring up <i>v</i>
تیز، تند، غرور، هوای مفرح	گورج وه کار - تیژ	بریسک	brisk <i>adj</i>
شکننده، ثود	ترت سو ی مارشکین - ناسک	بریتل	brittle <i>adj</i>
پهن، عریض - وسیع	پان وازیح مه د د اریلاو	برود	broad <i>adj</i>
پخش کردن از (رادیو / تلویزیون)	بلاو کردن ی خه به رله رادیو	برودکاست	broadcast <sup>1</sup> <i>v</i>
گوینده رادیو / تلویزیون	ویژه ری رادیو و تلفزیون	برودکاستر	broadcaster <i>n</i>
پخش، سخن پرانی	بلاو - ولای قسان	برودکاست	broadcast <sup>2</sup> <i>n, adj</i>
شکسته - خراب	میر یا شکاو - خراو	بروکن	broken <i>adj</i>
برونز، مفرغ	مه فقه - ئالیازی مس و قه لای	برونز	bronze <i>n</i>
سنجاق سینه	سنجاق یا گولی سه رسینه	برنوج	brooch <i>n</i>
جوجه گان همزاد	جوو جه لی - جو جه له کان	برنود	brood <sup>1</sup> <i>n</i>
در فکر و اندوه فرو رفتن	مات بیه ی - خه مبار بو ن به - نت بو ن برنود		brood <sup>2</sup> <i>v</i>
جویبار، نهر - تاب آوردن	جو - جو - جو - گه - چه م	برنوک	brook <i>n</i>
جاروب دسته بلند	گری - گزک - خره باله	برنوم	broom <i>n</i>
برادر - دوست صمیمی	برا - براله	برادر	brother <i>n</i>
برادر زن - برادر شوهر، شوهر	برای زن برای شو و شوی	برادر این لو	brother-in-law <i>n</i>
خواهر	خوشک - شووالی		
ابرو	نه برو - برو	برآو	brow <i>n</i>
قهوه ای (رنگ) - بیدادن	قاوه یی - زه نگ، برژان	برآون	brown <i>adj, n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
bruise <sup>1</sup> <i>n</i>	بروز	کوویا-کوویاگ-کو تراو	کوفتی، کبودشدگی
brush <sup>1</sup> <i>n</i>	برآش	برۆس دیان شوړقه له م موو	برۆس، قلم مو، مسواک
brush <sup>2</sup> <i>v</i>	برآش	مسواک دای برۆس کیشان	برس کشیدن، برس زدن
brute <i>n</i>	بروت	حه یوان سفت-حه یوان، جاش	حیوان، حیوان صفت، آدم وحشی
brutal <i>adj</i>	بروتل	بی پر حه وه حشی در	وحشی، بیرحم، نفهم
brutally <i>adv</i>	بروتلی	وه حشیانه، جاش بام	وحشیانه
bubble <sup>1</sup> <i>n</i>	بابل	قول یلق بیا کرد	حباب (هوا/گاز)
bubble <sup>2</sup> <i>n</i>	بابل	قول کرده ی یلق کردن	حباب درست کردن، کف کردن
buck <i>n</i>	باک	جوت ه خستن له ق شه نه ی	گوزن نوبختک انداختن
ئاسکی نیر			
bucket or pail <i>n</i>	باکیت	سه تل-ئاو هوړ کیش سه تل	سطل، دلو
buckle <i>n</i>	باکل	به راز وانه - قولاو ه یش	سگسگیره، قلاب کمر بند
bud <i>n</i>	باد	خونچه-گو-خه و او	شکوفه، جوانه، غنچه
		گو پیتکه-غونچه و گولانو پاوه ی	هانه، گدرمه له پاوه
budge <i>v</i>	باج	ته کان دای-ته کان دان (جوین)	تکان / حرکت دادن
		راوه شانندن، جمنای	هبروی غرب پاوه
budget <i>n</i>	باجیت	بوو جه-تواز-کوما پول بوکاری	بودجه - اعتبار
bug <i>n</i>	باگ	ساسی ساسی داره مژه	ساس - عیب
bugle <i>n</i>	باگل	شه پیور پیوره مزه نگیانه	شیپور، بوق، منجوق، سونا
build <i>v(builder)</i>	بیلد	سازین هوه ش کرده ی	ساختن، بنا کردن
building <i>n</i>	بیلدینگ	سازه-یانه-خانگ-خانو	ساختمان، بنا

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیاز - هرچیز پیازی شکل	پیازه سه رگلوپ - پیواز	بالب	bulb <sup>n</sup>
بادکردن، قلمبه شدن	با کردن - له م ئامه ی	بالج	bulge <sup>1 v</sup>
برآمدگی، شکم	سک له مه قو قزی، له م ئامه	بالج	bulge <sup>2 n</sup>
جنس نر حیوانات، گاو نر	گاوی نیر نییره گا، گاهیت	بول	bull <sup>n</sup>
گوساله نر، گاواخته	گوره که ی نیر گویره که نییره	بولک	bullock <sup>n</sup> (که له گا)
بولدوز - خاک بردار	بولد یز، خاک هه لگر	بولدوز	bulldozer <sup>n</sup>
گلوله (تفنگ)	گرو لیه گولله - تیره هنی شه ک	بولیت	bullet <sup>n</sup>
شخص ضعیف کش / زورگو	زور وواچ - ئازار دهر	بولی	bully <sup>1 n</sup>
زورگویی کردن	هورملی که رده ی	بولی	bully <sup>2 v</sup>
مربوان	هه ره شه کردن		
خوردن، اصابت کردن	ته قیای لیدان، داوه نه ی	بامپ	bump <sup>1 v</sup>
صدای وزز... - آماس، ورم	ماسا بیا کزدگ ده سه ناز	بامپ	bump <sup>2 n</sup>
سپر (اتومبیل) - ضربه گیر	قه لځانی ماشین وه رپل	بامپر	bumper <sup>n</sup>
کلوچه - نان گرده	جو ره ی کلووچی، شه که له می	بان	bun <sup>n</sup>
خوشه، دسته، انباشتن	بنجه ده سه ده سه	بانچ	bunch <sup>n</sup>
بسته، بقچه، دسته کردن	پیارزه - تو شه به ره - کوک	باندل	bundle <sup>n</sup>
خانه ویلایی، خانه کوچک	یانه وه سه یراتی مالی که تار ی	بان گل نو	bungalow <sup>n</sup>
	ده لیا که باغی بیت		
تخت خواب باریک سفری	جی خه وی ته سک بوسه فه ر	بانک	bunk <sup>n</sup>
راهنمای شناور در یلبویه	رایه ری ئاوو گهر (که شتی)	بوی	buoy <sup>n</sup>
ساین قه لا	له ده لیا حله وانی ده لیا، شادمان		

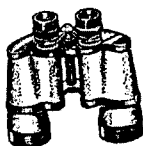
h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
burden <i>n</i>	بِردَن	باری قورس باری خەم	بار سنگین، سربار شدن
burglar <i>n</i>	بِرْگِلَر	دز - جە رە دە - چە تە	دزد - ساق
burglary <i>n</i>	بِرْگِیرِی	دزی - چە تە بی	دزدی - سرور و غیر مجاز
burn <sup>1</sup> <i>v</i>	بِرَن	سوچنای - سووتن، سو تاندن	سوختن - سوژاندن - ساختن
burn <sup>2</sup> <i>n</i>	بِری	سووته - سوته ی	سوختگی
burrow <i>n</i>	بارنۆ	نەم - کێشە رە دە - خەمە سە رداو	دخمه، نقب
burst <sup>1</sup> <i>v</i>	بِرسَـت	ترە کاندن - تە قای	ترکانیدن، منفجر شدن
burst <sup>2</sup> <i>n</i>	بِرسَـت	پوڤە - ترە کێشە وە - ترە کە ی	انفجار، ترکیدگی
bury <i>v</i>	بِری	چال کردن - سەراوانای بپۆری	(مردمرا) دفن کردن، پنهان
burial <i>n</i>	بِریال	ری و رە سمی مرد و ناشتن	مراسم بگن و دفن، تدفین
bus <i>n</i>	باس	ئۆبوس	اتوبوس
bus stop <i>n</i>	باس ستۆپ	ئێزگای ئۆبوس	ایستگاه اتوبوس
bush <i>n</i>	بوش	مەتکە - تزار باهیر	بوتمزمین لہ یزوع، بوتە زار
business <i>n</i>	بیزینز	کار - پیشە کاسی - تجارت	شغل - کاسبی - تجارت، دادوستد
	بیزینس		تجار - تخانە کار، مطلب، امر
businessman <i>n</i>	بیزینس مەن	تاجر - مامۆلە گەر	تاجر، سوداگر، معامله گر
busy <i>adj</i>	بیزی	سەرگەرم - خەریک	فعال، کار، مشغول
busily <i>adv</i>	بیزی لی	جمو جۆلکە رە وە کارانە	فعالانه
		پِرکار	میراوا ی ثلاث باباجانی
but	بات	بە لām - وە لی - جا	ولی، اما
butcher <i>n</i>	باچر	قە ساو	قصاب - کشتار کردن
butter <i>n</i>	بایر	کەرە - کەری	کره (روغن حیوانی)

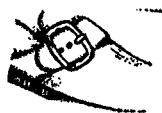
i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گل آله	گولی میرگ حاس مال	باتیرکاپ	buttercup <i>n</i>
پروانه	په پووله - پاپلی	باتیرفلای	butterfly <i>n</i>
دکمه - شستی	دگمه - قو لیچه - دکمه	باتن	button <i>n</i>
مادگی، بجا دکمه، سماجت کردن	یا گه دگمه - جی دگمه - سدج	باتن هُل	buttonhole <i>n</i>
خریدن	سه ندن - نه سه ی - کیرین	بای	buy <i>v</i>
وزوز کردن	گمه گم که رده ی - وزه وز کردن	باز	buzz <i>v</i> (ویزه نامه ی)
نوعی دستگاه تست، بزنگ	جووری ده زگای تاقی	بازر	buzzer <i>n</i>
نزدیک، کنار - با، بوسیله، از	کر د نه وه (ناز مایش)، فیکه که ره		
طریق - قبل از، پیش از، تا	نزیک - پال بیه بیه ده ست - تا	بای	by <i>prep, adv</i>
از پهلوی - از، اثر	کن - پال - له - به ر		
کم کم - انشاء اله	وه ختی وه نه بیه م زوه	بای اندبای	by <i>and by adv</i>
لالا (خواب) - خدا حافظ	لای لای - خه ی رها ت	بای بای	bye - bye <i>n</i>
آیین نامه قانون و بزه محلی	یاسای تایبیت - تائین نامه	بای لُ	by - law <i>n</i>
جاده فرعی، راه کوتاه میانبر	په سه ر - ریگای که نار	بای پس	by path <i>n (pass)</i>
روم شرقی - پیچیده و مرموز	رومی بیزانس	بیزن تِن	byzantine <i>adj</i>
جاده فرعی	ریی لاده ر - په سه ر - توله را	بای رود	by road <i>n (detour)</i>
عبرت - ضرب المثل	مه ته ل - عبیره ت	بای ورد	by word <i>n</i>
میخ فولادی و ناهرب النوع مار	بز مار بزماری ناوی خودای مار که له	بزمار	bzmar <i>n</i>
درگز درستان در عهد آشوریان	میژه وه که له کوردستان پر سیویانه و		
بوده بر فراز کوه از مردر سلیمانیه عراق	هه یکه لی له کیوی نه ز مه رله سه رده می		
کانگه وهر	ناشوریه کان بوه و کیوی نه ز مه ر یاز بزماریه ناوی نه و		
ایل کرمانج	خودای مار ه گیرا وه ناوی ناشوری خودای مار gazmaro		
	تراوه و گورانی بزمار بزماره بو نه و خودای مار ه یاز بزماره		
	و تراوه وله کوردستان نه م گورانی له میژه وه باو یوه		

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



BINOCULARS



BUCKLE



BOWS



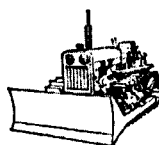
BARREL



BADGER



BLOCK AND TACKLE



BULLDOZER



CROW



SWIFT



CUCKOO



SWALLOW



PIGEON



KINGFISHER



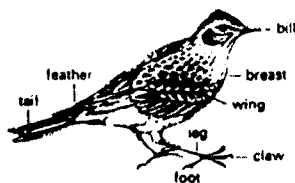
GREAT TIT



NIGHTINGALE



SPARROW



SKYLARK



ROBIN



بهرام کرمانشاه  
پسر شاهپور سوم  
م-۲۸۸

# C c

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>C</b> <i>n</i>	سی	سی یه پیتی ته لقا	سومین حرف الفبای انگلیسی
<b>canni</b>	کانی	کانی (هانه چه مه)	چشمه آب خدای صخره
<b>cabllagh</b> <i>n(sabllakh)</i>	سابلاخ	ناوی کۆنی شاری رازاوه ی مه هاباد له سه رده می ماد	نام قدیمی شهرستان مهاباد که از نام رب النوع سبز هزاران گرفته شده در عهد مادها
<b>cab</b> <i>n</i>	کَب	درو شکه تاکسی - ئو تاقی شو فیر	تاکسی - اتا قک کامیون
<b>cabbage</b> <i>n</i>	کَبیج	توپه که له م - که له م	کلم، کلم بیج
<b>cabin</b> <i>n</i>	کَبین	که ویلی چوین - که پره	کابین - کلبه چوبی
<b>cabinet</b> <i>n</i>	کَبینت	کومه لی وه زیران - قه فه سه و کومد	قفسه کابینه، هیئت دولت
<b>cable</b> <i>v</i>	کیبل (کابل)	ته نافه - کابل - ته نافه ی ته لینه	سیمر و پوشدار - کابل - تلگراف
<b>cackle</b> <i>v</i>	ککل	ده نگی مر (مامر) ده رهاوردن ده نگو و که رگی به رنه ورده ی	صدای مرغ در آوردن
<b>cactus</b> <i>n</i>	ککتوس	کاکتوس جو ره گیا یه ک	کاکتوس
<b>cafe</b> <i>n</i>	کافی	قاواخانه - کافه - چایخانه	کافه، قهوه خانه
<b>cage</b> <i>n</i>	کیج	قه فه سه - قه فه س	قفس (میله داری فلزی)
<b>cake</b> <i>n</i>	کیک	که یکه - جو ره ی شیرینی نانی	کیک - قالبی به خ
<b>calculate</b> <i>v</i>	کلکیولیت	حساب کردن - حساب و کده رده ی	حساب کردن
<b>calculation</b> <i>n</i>	کلکیولیشن	حساب به یه ک دای - حساب و	برآورد، پیش بینی
<b>calendar</b> <i>n</i>	کالنیر	ته قیوم - گانا م سال سرنج	تقویم، سالنامه

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گوساله، عضله پشت ساق یا	گۆره که - گۆیره که - پوزی پۆ	کَلَف	calf <sup>1</sup> <sub>n</sub>
ساق پا	پوزی پا - پوزه و پای	کَلَف	calf <sup>2</sup> <sub>n</sub>
نامیدن - فریاد زدن - دیدار	بانگ کردن (چریه ی) ته قازا	کۆل	call <sup>1</sup> <sub>v</sub>
کردن، تلفن / صدا زدن	کردن - ته له یفون که رده ی		
فریاد - دیدار - احضار، خبر،	فریاد پێخام دیدار - خه بهر	کۆل	call <sup>2</sup> <sub>n</sub>
(از طریق) تلفن (کس یرا			
خواستن) - تقاضا			
آرام، ساکت، آرامش	ئارام بێ ده نگ هیمن	کام	calm <i>adj</i>
به آرامی	به ئارامی به هیواش	کاملی	calmly <i>adv</i>
			came <i>see come</i>
شتر	هوشتر - وشتر	کایل	camel <sub>n</sub>
دوربین (عکاسی/...)	دووربینی وینه گرتن	کایرا	camera <sub>n</sub>
لباس استتار، نهان	لیباسی خو گۆرین سییالی	کَمُفلاژ	camouflage <sup>1</sup> <sub>v</sub>
سازی	وی شارده ی بومره نگ بون		
استتار کردن، نهان سازی	وی پوژنای - خو گۆران	کَمُفلاژ	camouflage <sup>2</sup> <sub>v</sub>
کمپ، اردوگاه، دوگاه	ئوردوو - ئوردووگا	کَمپ	camp <sup>1</sup> <sub>n</sub>
در کمپ زندگی کردن	چادر هوردای - چادر هه ل دان	کَمپ	camp <sup>2</sup> <sub>v</sub>
زندگی در کمپ	له چادر زیان کردن	کَمپینگ	camping <sub>n</sub>
لشکرکشی - طرح مبارزه	ئوردو که شی - نه خشه خه بات	کَمپین	campaign <sub>n</sub>
توانستن، قادر بودن	توانین - تاوای	کَن	can <sup>1</sup> <sub>v</sub>
قوطی حلبی / کنسرو	قتوه ی حه له وینه - کونسرف	کَن	can <sup>2</sup> <sub>n</sub>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کانال دست‌ساز، آب‌راه	کیه‌ره - کیه - ئاورا	کانال (کنل)	canal <i>n</i>
قناری	قه‌ناری	کَنیری	canary <i>n</i>
هذف / باطل کردن	خراو کردن به تال کردن	کن بیل	cancel <i>v</i>
	قرنتای		
بیماری سرطان، بُرج سرطان	سه‌ره تان، ده‌ردی گران	کَن بیر	cancer <i>n</i>
داوطلب، نامزد	وی گه‌ره گ - خو خواز	کَن دی دیت	candidate <i>n</i>
کاندید	حازر باش، نام‌براو		
شمع	شه‌مه - شه‌مع	کَن‌دیل	candle <i>n</i>
نی، خیزوان - عصا	نه یجی - قامیش - گيا شه‌که‌ر	کین	cane <sup>1</sup> <i>n</i>
با چوب خیزوان تنبیه کردن	به‌نه یچه لی‌دان - خه‌لا قه‌کردن	کین	cane <sup>2</sup> <i>v</i>
توپ بزرگ جنگی، توپ هواپیما	توپه - توپی شه‌رو فرو که	کَنین	cannon <i>n</i>
بلم، زورق، کرجی	ئاو گه‌ره - قایق - ئاو گیل	کَنو	canoe <i>n</i>
کانتین، برستوران، ارتش	جیی ئان خوار دن - یا گیی	کَن‌تین	canteen <i>n</i>
فمقمه آب	نان وارده‌ی - مه‌تاره ئاو		
کوریاس، برزنت	جنسی که تانی - پارچه‌ی که تانی	کَن‌پوس	canvas <i>n</i>
شب‌کلاه، کلاهک، سرپوش	کلاو بورگه - کلاو‌ی شه‌وان	کَب	cap <i>n</i>
لایق، با استعداد، با عرضه	وه کار - مزوخت - لایق	کَب لیل	capable <i>adj</i>
	جده‌س ئامه		
گنجایش، ظرفیت، لیاقت	ئه‌ندازه - جی داری - ناوهر وک	کَب سیتی	capacity <i>n</i>
دماغه - ئینل	جوهره‌ی چاروا - تی کیوه	کیپ	cape <i>n</i>
	وشکامی لوا بو دلی ئاو‌ی (ده‌لیا) - ئاودر		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
capital <i>n</i>	کَپیتال	پایتەخت - پایتەخت دەس مایە	پایتخت، حرفه، بزرگ
		پیتی گە وەرە لە ئەلفبا	سرمایه
captive <i>n</i>	کَپتێو	دیل - ئەسیر - گیراو - گیریا	اسیر، دستگیر، دلباخته
capture <i>v</i>	کَچەر	گرتن بیه دیل گرتە ی	اسیر / دستگیر کردن
car <i>n</i>	کار	ماشین - ماشین	اتومبیل - طاقک - آسانسور
car park <i>n</i>	کارپارک	یاگە ماشین - جیّ ماشین	پارکینگ
caravan <i>n</i>	کَروَون	کاروان	کاروان
carbon <i>n</i>	کاربن	زوخال - کەربون	کربن - شاربون
carcass <i>n</i>	کارکیز	کەلاک - لاشە - مردار	لاشه، مردار
card <i>n</i>	کارد	کارت - وەرەق - کارتە	کارت، ورق، کارت تبریک
cardboard <i>n</i>	کاردبورد	مقوای ناسکە - ئاسەری	مقوا، شومیز
cardigan <i>n</i>	کاردی جن	ژاکەتی پەژمین - جاکەت	ژاکت پشمی
cardinal <i>n</i>	کاردینال	کاردینال لە کلیسا - ئەسڵ	کاردینال، کلیسا، عُمده
care <sup>1</sup> <i>v</i>	کیر	لە لەودایانی کەرەدی	پرستاری کردن، نگرانی
		هۆشیاری کردن - چاودێری کردن	عشق ورزیدن
care <sup>2</sup> <i>n</i>	کیر	هۆشیاری - چەم داری	پرستاری - مواظبت
		پەرەستاری	
careful <i>adj</i>	کیرفول	هۆشیار - جک دە قیق	مواظب، بالاحتیاط، حواس جمع
careless <i>adj</i>	کیرلیس	ساوالە - بی خییال	بی احتیاط، سر به هوا
• cargo <i>n</i>	کارگ ئو	بار - ئەسپاو	بار، محموله
carpentry <i>n</i>	کارپن تری	چۆتاشی - چپۆتاشی	دروگری، نجاری

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دروگر، نجار	چیو تاش - چو تاش	کارین تر	carpenter <i>n</i>
قالی، زیلو، فرش	قالی - قالیه بهر	کارپیت	carpet <i>n</i>
واگن قطار - کالسکه	دروشکه - دیو قه تار	کاریج	carriage <i>n</i>
زر دک، هویج	هه ویج - گزه رگ - که زه	کرنوت	carrot <i>n</i>
حمل کردن، بردن، فته کردن	به ده ی - بردن، گه یاندن	کری	carry <i>v</i>
ساک پلاستیکی / کاغذی	توره که ی نایلونی	کرپر	bag carrier
دسته دار	توره که ی باغه یین - ده لُق		or carrier <i>n</i>
گاری - حمل کردن	گاری - دروشکه	کارت	cart <i>n</i>
کارتن - پاکت بسته	جابه ی مه قه وایی - محقه با	کارتن (کاتین)	carton <i>n</i>
کنده کاری کردن، قاج کردن	تاشای که ندن - به رنه ورده ی جبه	کارو	carve <i>v</i>
سرگشت - دعوا، زد و خورد	داواحه رافه - سه رها ت	کیز	case <sup>1</sup> <i>n</i>
- نوع بیماری، الت، وضع	وه زعه - کیلان - کز - جلد		case <sup>2</sup> <i>n</i>
جعبه، جلد، غلاف	سه نو ق - جلد - قاپ - روه ند	کیز	case <sup>1</sup> <i>n</i>
پول نقد - تنخواه	پوولی نه خت	کش	cash <sup>1</sup> <i>n</i>
چک و نقد کردن	نه خت که رده ی - پوول	کش	cash <sup>2</sup> <i>v</i>
	نه خت کردن		
صندوقدار، تحویلدار	سه نو ق دار، خه زانه دار	کش پر	cashier <i>n</i>
دریای خزر، شمال	ده لیای مازنده ران - ده ریاو	کس پیین سی	caspian sea <i>n</i>
	خه زه ری		
نوار کاست، نوار ویدئو	شریتی کاست - نه واری تو مار	کاسیت	cassette <i>n</i>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>cast</b> <i>n</i>	کاست	عه مه ل - کار - پیشه	زل، نقش - اثر - روحیه
<b>castle</b> <i>n</i>	کابل	قه لا - کو شک - عمارت	دژ، قلعه نظامی، قصر
<b>casual</b> <i>adv</i>	کازوال	ناوامه - هور که وت - نا کاو	اتفاقی - معمولی
		هه ل که وت	نامرتب
<b>cat</b> <i>n</i>	کت	کته - کتک - پیشله	گربه - گربه سان
<b>catalogue</b> <i>n(log)</i>	کاتالوگ	ناواخن - کاتالوگ	کاتالوگ، فهرست نامه
	(کت لوگ)	سوورته	
<b>catch</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	کچ	گرتن - گرتنه ی بده س نه ورده ی	گرفتن - بدست آوردن
<b>catch</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	کچ	ده سگیره - گرتنه بگر	دستگیره، اخچفت
<b>category</b> <i>n(pl-ries)</i>	کچیری	جور - ده سته - ده سه - چین	نوع، طبقه، دسته، صنف
<b>caterpillar</b> <i>n</i>	کتریلر	کر می دار - کر می سه د پا	کرم صدف، کرم حشره
<b>cathedral</b> <i>n</i>	کتی دزل	کلیسای گه وره ی ناوشار	کلیسای جامع شهر
<b>catholic</b> <i>n,adj</i>	کاتولیک	کاتولیک له نی دینی مه سیخ	کاتولیک، همگانی
<b>cattle</b> <i>n</i>	کتیل	مالات - گه له ی گاو	احشام و اغنام، گله گاو
<b>cauliflower</b> <i>n</i>	کولی فلور	گوله که له م	گل کلم، کلم گل
<b>cause</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	کوز	سه به به یه ی با عیس بودن	سبب شدن، ایجاد شدن
<b>cause</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	کوز	سه به به ده لیل با عیس	سبب، علت، دلیل - هدف
<b>caution</b> <i>n</i>	کوئین	هو شیرای - پار یز به سه ور	هو شیرای، احتیاط
<b>cautious</b> <i>adj</i>	کوئیر	تم هو شیرای یوز نه	محیط، مواظب
<b>cautiously</b> <i>adv</i>	کوئیزی	هو شیرای پار یز به سه ور	هو شیرانه
<b>cave</b> <i>n</i>	کاو	مغار - نه شکه وت - مه ره	غار
<b>cease</b> <i>v</i>	سبز	ده س کیشان له مندرای جه	ایستادن، دست کشیدن

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
داتم، بیوسته، همواره	هه میشه - دایم	سبزلس	ceaseless <i>adj</i>
به طور دائمی	هه میشه بی - دایمی	سبزلس لی	ceaselessly <i>adv</i>
سقف، حداکثر قیمت	میچ - چیربان - ژیربان	سبیلنگ	ceiling <i>n</i>
عید / جشن گرفتن	جه ژن یاعه یدکه رده ی	میلیریت	celebrate <i>v</i>
بزرگداشت	چه ژن گرتن		
مراسم، جشن	چه ژن - ته داره ک	سبیلیریشن	celebration <i>n</i>
سلول، زندان، سلول، بدن، باتری	سلول - ئو تا قی بچووک	بیل	cell <i>n</i>
سردابه، سرداب، زیرزمینی	ژیرزه وی - سه رداو	بیلار (بیلر)	cellar <i>n</i>
دخمه	چیره زمین هماره شه راو		
سیمان، سمیت، سیمان کردن	سیمان - چه سپ ساروج	سیمنت (سمیت)	cement <i>n</i>
قبرستان، گورستان	قه ورسان - گورستان	سبجیری	cemetery <i>n</i>
سرشماری، آمار، احصاء	سه ر ژمیری هه ژمار سووره تناهه یسنیز		census <i>n</i>
سنت (واحد پول) یکصدم دلار	یه ک سه دو می دولار	سینت	cent <i>n</i>
	سه دیه کی دولار		
سانتیگراد	سانتی گراد - سه دده ره جه	سینتیگرید	centigrade <i>n</i>
سانتیمتر - یکصد متر	سانتی متر	سینتیمتر	centimetre <i>n</i>
مرکز، وسط - کانون	ئاوه راست بدلی راسه تی	سینتر	centre <i>n</i>
محل تجمع	ئاوه ند		
مرکزی - میانی	ئاوه راستی بدلی راسه پی	سینترال	central <i>adj</i>
قرن، سده، صدسال	قه رن سه ده، سه دسال	سینچری	century <i>n</i>
غله، حبوبات، صبحانه	خه له، سبجانه	سیریل	cereal <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
ceremony <sup>n</sup>	بیریمونی	چه ژن سال هات ره سم	مراسم، سالروز، تشریفات
certain <sup>1</sup> <i>adj</i>	بیرتین	دلنیا، خاتر چه مپزانه یی زه ند	مطمئن، قطعی، مسلم
certainly <i>adv</i>	بیرتین لی	به خاتر چه مبه دلنیا یی	به طور حتم، البته
certify <i>v</i>	بیرتی فای	قه بول کردن	گواهی کردن، تضمین کردن (چک)
certificate <i>n</i>	بیرتیفیکیت	مه دره ک - خو ناس نامه	مدرک، گواهینامه، پروانه
		بنچاق - گه واهی، جه واز	جواز - سند
chain <sup>1</sup> <i>n</i>	چین	زه نجیر - زری	زنجیر - سلسله
chain <sup>2</sup> <i>v</i>	چین	زه نجیر که رده ی - زه نجیر کردن	زنجیر کردن، مقید کردن
chair <i>n</i>	چر	که ت سه ریش - ته ختی دانیشن	صندلی، کرسی، مقام
chairman	چرین	سه روک سه ریرس - ره یس	رئیس، رئیس جلسه و کمیته
chalk <i>n</i>	چوک	خوله سپی - گه چ	گچ، گچ تحریر، گچ سفید
	(چنوک، چاک)		
challenge <sup>1</sup> <i>v</i>	چلینج	تاقی که رده ی - داخواز	آزمایش / رقابت کردن
		لی کردن - هه ولدان	به مبارزه خواستن
challenge <sup>2</sup> <i>n</i>	چلینج	تاقی کرد دژ به شه رخوازی	مبارزه، آزمون، عارض اندام
champion <i>n</i>	چمپین	پاله وان - قاره مان - گوربز	پهلوان، قهرمان، مبارز
championship <i>n</i>	چمپین شپ	پاله وانی - قاره مانی	قهرمانی
chance <i>n</i>	چانس	شانس - ئیقبال هه لکه وت	اتفاق، شانسی، اقبال، بخت
change <sup>1</sup> <i>v</i>	چنج	وارای گورین حورده پوول	عوض شدن / کردن
change <sup>2</sup> <i>n</i>	چنج	پووله ورده بگوری سیواری	پول خرد، تبدیل کردن
		بو ار - پول گوران	معاوضه

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ابراهه، کانال، نهر	کیه ره - کیه - چارۆله	چَنَل	channel <sup>1</sup> n
هجرا	ئاوگوزهر - شه به که - کاریز		
کانال کندن، هجرا ساختن	کیه ره که نه ی - کیه که ندن	چَنَل	channel <sup>2</sup> v
سرود / آواز خواندن	گۆرانی واته ی - سۆز کردن	چانت	chant <sup>1</sup> v
سرود، آواز، شعار	گۆرانی - سۆز - ئاواز - دیلانی	چانت	chant <sup>2</sup> n
کلیسای کوچک، نمازخانه	کلیسای بچوک - یاگه نما	چَنَل	chapel n
تالار ختم	نما - نوێژ		
فصل / قسمت (کتاب) شعبه	به ش - قسمت - عنوان	چَیتر	chapter n
شخصیت (داستان، ...) سرشت	ته به - خلوقه ت - شه خسیه ت	کَرکَپر	character n
ویژگی، ماهیت، قسم	جیاوازی - نیشانی - نیشان	کَریکتر یستیک	characteristic n
زغال چوب	خه لوز - زخوال	چارکول	charcoal n
پول مطالبه کردن - سرزنش	پوول داوا کردن - ئه ره کوای	چارچ	charge <sup>1</sup> v
کردن، حساب کردن	بوختان کردن - سه رکوت کردن		
هزینه - سند - پورش	خه رج - قیমে ت - هیرش	چارچ	charge <sup>2</sup> n
خرج - مراقب - اجرت	هو شیر - شارژ		
خیرخواهی - صدقه، نیکوکاری	سه داقه - خه یرخوازی	چَریتی	charity n
مؤسسه خیریه	ده سگیری له - که رم		
لذت بردن، مفتون ساختن، جادو	دلکش کردن - ده ی له زه ت بردن	چارم	charm <sup>1</sup> v
باتمک، ملیح، شاد، جذاب	شاد - نمه کین - زه ریف - دلبر	چارمینگ	charming adj
ملاحه، طلسم، افسون	جوانی - ته لیسم - تمه ک دار	چارم	charm <sup>2</sup> n

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
chart <sup>n</sup>		نه‌قشه‌ی (جوغرافیا ده‌لیا ههندسه) چارت	نقشه (جغرافیائی/هندسی) نمودار
chase <sup>1 v</sup>		له‌دواچوون - شو نه‌ره‌لوای چیز	دنبال کردن - فراوان دادن
chase <sup>2 n</sup>		به‌شوون - دواچوون - چاودیری چیز	دنبال، پی، تعاقب
chat <sup>1 v</sup>		چهم‌وزی - شوین‌گرت قسی‌دوسانی‌که‌رده‌ی چت	گفتگوی دوستانه کردن
chatter <sup>v, n</sup>		وت‌ووژی‌دوستانه کردن راودای - ژاژولبییه‌ی چتر	گپ زدن یاوه‌سرایی کردن
cheap <sup>adj</sup>		زوردوان - دیان‌چیری هه‌رزان - که‌م‌قیمه‌ت چپ	زود - وزاجی لرزان، کم‌بها، نامرغوب
cheat <sup>1 v</sup>		فه‌ریودان - خله‌تنای چیت	فریب دادن، گول زدن
cheat <sup>2 n</sup>		زول‌ده‌سیر - که‌له‌کیاز، گه‌رباز چیت	کلاهبرداری، تقلب‌جوژن
check <sup>1 v</sup>		ئه‌وه‌په‌رسی - پوره‌یاوای چک	کنترل کردن، چک کردن
check <sup>2 n</sup>		لیکۆلینه‌وه - پرس کردن کۆلینه‌وه - دیاپوره، ویسان چک	جلوگیری کردن کنترل، بازبینی، توقف
cheek <sup>n</sup>		چهم‌داری - دیسان‌بینی گونا - گولم - کولم، روداری چپیک	گونه (صورت)، گستاخی، لپ
cheeky <sup>adj</sup>		زولولاوبه‌لووی - بی‌ئه‌ده‌ب چپیکی	پرو، گستاخ، وقیح
cheer <sup>1 v</sup>		روودار - حمل‌هۆر ئافه‌رین - وتن‌ه‌ه‌شحال چپر	فریاد شادی سردادن
		بی‌یه‌ی - قیواندن، چیری‌که‌رده‌ی	مسرور بودن

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هواغریاد تحسین سرور	ئافەرم-ئافەرین، رازی بون	چیر	cheer <sup>2</sup> n
بشاش، شاد، مسرور	وەشی-شادی-دڵ وەش	چیرفول	cheerful <sup>adj</sup>
دل باز	فەریح- مەسرور		
شادمانه مسرورانه	بە شادی-بە مەسروری	چیرفولی	cheerfully <sup>adv</sup>
پنیر	پەنیر- پەنیرە	چیز	cheese <sup>n</sup>
شیمیایی	دەرمان-شیمیای	کمیكل	chemical <sup>1</sup> n
ماده شیمیایی	مادە-شیمیای-داروو	کمیكل	chemical <sup>2</sup> adj
داروساز- شیمیدان	دەرمان ساز-شیمی زان-دارووساز	کمیست	chemist <sup>n</sup>
شیمی- علم شیمی	شیمی-علمی زانستی ماده کان	کمیستری	chemistry <sup>n</sup>
چک، حواله	باتی پول-چه کی بانگ	چک	cheque <sup>n</sup>
	چه کوو بانگی		
قفسه سینه- جعبه بزرگ	سەنۆق- لا تای سینه-سینگ	چست	chest <sup>n</sup>
جویدن- چیزجویدنی	ژاواى هه جوین-کاویژ	چوو	chew <sup>v</sup>
جوجه، جوجه مرغ	جوولک-جوجه لئ	چیک	chick <sup>n</sup>
مرغ-ترسوگوشتر مرغ	کەرگە-مەرسەشک-مامەر	چیکن	chicken <sup>n</sup>
مهمترین، عمد، فرمانده	زۆریە-بەشی-فرە-سەر-تەر-جە	چییف	chief <sup>1</sup> adj
سردسته	بانتر له-فرە-زۆر		
اغلب، بیشتر، بطور عمدہ	فرە-تەر-فرە-و-جاری-زۆر-تر	چییف لی	chiefly <sup>adv</sup>
حکم، رئیس، رهبر	سەرۆک-گە-و-رە-را-بەر	چییف	chief <sup>2</sup> n
شیخ، رئیس قبیله سالار	رەیس-سەر-پرس-سەر-پەل	چییف تین	chieftain <sup>n</sup>

(گرو)

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بچه‌پسر/دختر-چنین	زاوړو-مئال-زه وړو	چایلد	child <i>n</i>
بچگی، طفولیت	منالی-هه ختوو-زه وړویی	چایلد هُد	childhood <i>n</i>
	تلفی، کاتی منالی		
کودکانه، بچه‌گانه‌بی تجربه	زه وروانه-مئالانه	چایلدیش	childish <i>adj</i>
کودکانه‌وار	تلفانه - منالانه	چایلدیشلی	childishly <i>adv</i>
نواختن (زنگ...)	زه نگ لیډان-زه نگ وه نه دای چیم (چیم)		chime <i>v</i>
زنگ، ناقوس	زه نگ	چیم	chime <i>n</i>
دودکشی	دووکل به ردووکل کیش	چیم نی	chimney <i>n</i>
شمپانزه	شمپانزه-جوړی مه یمون	چیم بنزی	chimpanzee <i>n</i>
چانه‌زنخندان-بارفیکس کردن	چه ناکه - زنج	چین	chin <i>n</i>
چینی (الات) کشور چین	چینی جات-مووری مازی	چین-چین	china <i>n</i>
	مازه ی پشت، وه لاتی چین		
لب پریدگی (شکستگیها)	کهل-نوقسان-قاژ-توی	چیپ	chip <sup>1</sup> <i>n</i>
برش نازک سیب زمینی سرخ شده	سیوه زه مینه ی سوورکراو		
میکروچیپ-بزرگدانه			
لب پریده کردن	کهل که رده ی-قاژ که رده ی (کردن)	چیپ	chip <sup>2</sup> <i>v</i>
تراشه کردن	ره نده کردن-لیو قرتان		
جیک-جیک و جیر-جیر کردن	جیکه جیک-جیر جیر	چیرپ	chirp <i>n</i>
شکلات - کاکائو	چکلیت-جوړی شیرینی	چاکلیت	chocolate <i>n, adj</i>
	له شیر و شه کهر		
انتخاب، پسند چاره خوب	هه ل بژیر-هوړوچن-جیا کر یا حال	چویس	choice <i>n</i>

f fall    v voice    θ thin    ð they    s so    z zoo    ʃ she    ʒ vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گروه کُر، گروه همخوان	چینی هه لپر که ده سه و گورانی واچان (دو عاکه ران)	کۆپر (کواپر)	choir <i>n</i>
برگزیدن، انتخاب کردن	هه لپژاردن هور و چن یه ی	چووژ	choose <i>v</i>
با تبر / با کارد ریز کردن	لت که رده ی - ورد کردن (گۆشت) - جیا که رده ی	چنۆپ	chop <sup>1</sup> <i>v</i>
گوشت با استخوان	گۆشتی پیشه دار	چنۆپ	chop <sup>2</sup> <i>n</i>
گروه آوازخوان	ده سته ی گورانی بیژان	کورس	chorus <i>n</i>
نام تعمیدی مسیحی روی	ده سه و گورانی واچان نامی نیای - نای مه سیح	کریستن	christen <i>v</i>
کسی گذاشتن	بو که سی نان		
مراسم تعمید	خو شور دن مه سیحیه کان وی شته و مه سیحیان جه ر ویوه تایوه تیه نه	کریستینینگ	christening <i>n</i>
مسیحی	مه سیحی - نسه یری	کریس چن	christian <i>n</i>
عید میلاد مسیح	جه ژنی له دایک بونی مه سیح	کریسمس	christmas <i>n</i>
نخودی خندیدن، هرهر خندیدن	به بزه که نین به دم قوو جیای خوی چاکل		chuckle <i>v</i>
لبخند، تبسم، خنده ملایم	دهم خوه - خنده لیو - خنده ی	چاکل	chuckle <i>n</i>
	نادیار - بزه		
کلیسا، فرقّه مسیحی	کلیسا ده یره ونسه یریان مزگی مه سیحیان که نیسا	چرچ	church <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیگار بری	جگهره ی لا پیچ سیگاری به رگ	سیگار	cigar <i>n</i>
سیگار / سیگارت	جگهره سیگار دو که لی دەم	سیگرت	cigarette <i>n</i>
سینما سانس سینما	سینما- یانیوه تاییه ت که شیوه	سینما	cinema <i>n</i>
دایره - محفل، انجمن	(وینه) ئیشانه مه در یۆ باز نه- خر خال هه لقی	بیرکل	circle <i>n</i>
باند - دورزدن	جهم خانه- خره ر- کۆر		
مدور، گرد، بخشنامه	خرت- خر- خه به ر نامه	بیرکیولر	circular <i>adj</i>
دورزدن، پخش کردن	ده ووردای هه لۆ که ر یان	بیرکیولیت	circulate <i>adj</i>
گردش، دورپخش	بلا و کردن- بادان ده و ر بلا و گیلیا به ش که رد	بیرکیولشن	circulation <i>n</i>
محیط دایره	ده وری دایره	س کام فرنس	circumference <i>n</i>
پیشامدها- اوضاع	وه زعه- پیشامه دی	بیرکیم	circumstances <i>n</i>
شرایط	پیش هاته کان- قومان	استینس	
سیرکسباز یگران سیرک	سیرک مه یدان شوی نی نشان	بیرکس	circus <i>n</i>
شهروند، شهری- تبعه	دانی گیان له به ره کان ناوشاری مدلی شاری شاری	سیتیزن	citizen <i>n</i>
شهر بزرگ	ژیان له شار که ر شار- شاری گه و ره	سیتی	city <i>n</i>
مؤدب غیر نظامی حتمدن	به ته ده ب- عه ده و مه ده نی	سیویل	civil <i>adj</i>
کارمندان و خدمت کشوری	خز مه تو و سه روازی کار مه ندانی وه تن	سیویل سرویس	civil service <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ʌ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شخصی، غیر نظامی	غەیری نێزامی - تایبەتی کەسێ	سیویل ین	civilian <sup>n</sup>
متمدن کردن یا شدن	بە تەمەدن ئه ورده ی	سیویل آیز	civilize <sup>v</sup>
	مەدەنی کردن		
تمدن، مدنیت	تەمەدن مەردمی قانوندار	سیویل ای	civilization <sup>n</sup>
	و بە فەرھەنگ	زیشن	
حق داشتن، خواستن	هەق دارییە - گەرە ک بیە ی	کلیم	claim <sup>1 v</sup>
ادعا کردن	لێ خواستن تەلەب		
مطالبه، ادعا، دعوی	لێ خواز گەرە ک چه	کلیم	claim <sup>2 n</sup>
طلب	هەق لە (چه) خواز ین		
صدای (زنگ / ناقوس / ...)	دەنگی لێدانی دوو چت	کلنگ	clang <sup>n</sup>
صدای چکش	دەنگی زەنگ - تەقە ئامە ی		
کف زدن، دست زدن	چە پلە کووای - چە پلە لێدان	کلپ	clap <sup>1 v</sup>
صدای برعدا ساي کف زدن، تق	دەنگی چە پلە لێدان	کلپ	clap <sup>2 n</sup>
	دەنگوو چە پلان - تەقە		
درگیر شدن - ناهماهنگ بودن	جوورنەو یە ی - یۆرە لوای	کلش	clash <sup>1 v</sup>
ناسازگاری	پۆتە ئامە ی - شکیان		
درگیری، سرکوبی، برخورد	لە یە ک دان دەنگی شکان	کلش	clash <sup>2 n</sup>
	هۆر تەق		
محکم نگه داشتن	تن (تند) گرتە ی لە باوش گرتن	کلاسپ	clasp <sup>1 v</sup>
چفت، سنگ، گیره بندینه	بە رازوانە - ئە نجامە ، قولاو	کلاسپ	clasp <sup>2 n</sup>

ʌ      3:      ə      eɪ      əu      aɪ      au      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلاس درس - طبقه، نوع	که لاسی دهرس - جوړ	کلاس	class <sup>n</sup>
دسته	نهۆم - قات، دهسته		
اتاق درس، کلاس	نو تاقه وده رسی - که لاسه	کلاس رووم	classroom <sup>n</sup>
	که لاس - ئاموزگا		
سروصدای بلند، تق تق	قال ده نگي به رز - قه ره بالځ	کلیر	clatter <sup>n</sup>
سروصد کردن، تاق تاق	قاله قال که رده ی ده نگ	کلیر	clatter <sup>v</sup>
کردن	درها تن ده نگ ئامه ی چپوه ی		
عبارت (گرامری) ساده	نا ته و او پره ست - جمله ی	کلوز	clause <sup>n</sup>
بند - جزء	ده ستووری کورت هغه قه ره		
پنجه، چنگال، چنگ	په نجه - چه پوله - چنگ	کلو	claw <sup>1 n</sup>
ناخن تیز	چنگوڵ		
چنگ زدن، چنگال کشیدن	چنگوڵ گر ته ی - چنگ گر تن	کلو	claw <sup>2 v</sup>
خراشیدن	کلاوه ده س - زیریای		
تمیز - پاک، نظیف	ته میس - خاوین - پاک	کلین	clean <sup>1 adj</sup>
تمیز / پاک کردن	ته میز و پاک کردن - ته میس که رده ی	کلین	clean <sup>2 v</sup>
نظافتچی، پاک کن	ته میس که ر - پاکو که ر	کلینر	cleaner <sup>n</sup>
	خاوین که ر		
آشکار بر سبز لال، صاف	زه رال پروشن وروناک دیار	کلیر	clear <sup>1 adj</sup>
بوضوح، بروشنی	به پروشنی به ئاشکرا	کلیرلی	clearly <sup>adv</sup>
	روی پروشن		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
تمیز کردن، براق کردن	ته‌میز کردن - پاک‌کرده‌ی	کلیر	clear <sup>2</sup> v
بی‌گناه بودن	بریقه‌وسه‌ی		
روحانی، کشیش	پاوی‌ثایینی - که‌شیش	کلرجی‌من	clergyman n
	شیخی‌مه‌سیخی		
منشی، دبیر، دفتر‌دار	کارمه‌ند - جیگری‌سه‌رپرس	کلرک	clerk n
	ره‌یس‌یار		
زُرنگ، باهوش، زیرک، زبیل	هۆشدار - زیره‌ک - هۆستاد - قابل	کلور	clever adj
زیرکانه	هۆشدارانه - زیره‌ک‌کانه	کلورلی	cleverly adv
	به‌وریایی		
صخره‌په‌ر نگاه‌سنگی	چیا‌ی به‌ردین - مر‌زاق - لوو‌ته	کلیف	cliff n
	توه‌ن - هه‌ورازه‌به‌رد		
آب‌وهوا - اقلیم	ئاوه‌وا - چو‌ئیه‌تی‌ئاووسه‌عان - کلا‌ی میت		climate n
اقلیم‌شناسی	مه‌ل‌به‌ندناسی‌ئاوه‌وا	کلیماتولوژی	climatology
بالا‌رفتن - کوه‌پیمایی	سه‌رلو‌ای‌مها‌ته‌بان - که‌شه‌وانی	کلایم	climb <sup>1</sup> v
	که‌رده‌ی - سه‌رکه‌وتن - له‌که‌ل		
صعود، بالا‌روی	که‌شه‌وانی - هۆرسه‌رچوون	کلایم	climb <sup>2</sup> n
محکم‌چسبیدن - نگه‌داشتن	وی‌لکنای - تند‌گرته‌ی	کلینگ	cling v
	خۆ‌شو‌اردن - به - گر‌تن		
کلینیک، درمانگاه	ده‌رمانگا - جی‌ده‌رمان	کلینیک	clinic n
	یانه‌ده‌رمان		

f v θ ð s z ʃ z  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گیره کاغذ، سنجاق، پینس	گیره - گیرده ر	کلیپ	clip <sup>1</sup> <i>n</i>
باگیو، بستان، بیریکن	قرتنای به گیره به سه ی	کلیپ	clip <sup>2</sup> <i>v</i>
محکم، زدن	موو برین، خوری چنن		
ردا، خرقه، شل، عبا	که واکو واته ن پۆش	کلتوک	cloak <i>n</i>
ساعت دیواری	تا و شمار سه عاتی دیواری	کلاک	clock <i>n</i>
	کات ژمیری مال		
در جهت حرکت عقربه	گه ریان وه سه عات - گیلای	کلاک وایز	clockwise <i>v</i>
ساعت	پسه و سه عاتی		
عکس جهت حرکت عقربه	گه ریان دژ به سه هات - چه پوانه	آنتی کلاک	anticlockwise <i>adv</i>
ساعت	وسه عاتی لوای	وایز	
بسته شدن، بستن، بند آوردن	بینای به ستن - ته و او کردن	کلتوز	close <sup>1</sup> <i>v</i>
نزدیک، صمیمی، بسته	نزیك و ئاشنا - به سان	کلتوز	close <sup>2</sup> <i>adj</i>
پارچه، تکه پارچه، قماش	جنس - پارچه - کو و تال - وال	کلات	cloth <i>n</i>
لباس، جامه	جل لباس - سییالی	کلتوز	clothes <i>n</i>
پوشاک، جامه، لباس	لیباس - پوشه - جل و به رگ	کلتوزینگ	clothing <i>n</i>
ابر - دمه - دم	هه وروهه لا	کلاود	cloud <i>n</i>
ابری - تار و گرفته	هه وری لیل - په شیو حال	کلادی - کلاودی	cloudy <i>adj</i>
دلقک، لوده	لوتی - کابرای خوه نه ورسا و آل	کلون	clown <i>n</i>
کلوب، باشگاه، کانون	کوور - جه م خانه - یا گئی جه	کلاب	club <sup>1</sup> <i>n</i>
	موییه ی خه لکی		
چماق، گرز، باتون	گورز - گو پال مه تره ق، گا چون	کلاب	club <sup>2</sup> <i>n</i>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلید (معمما) - سرخ، مفتاح	رَی چاره - شو نه بو ره کەری	کلوو	clue <i>n</i>
بی تجربه، ناوارد، ناشی	نه زان - نه که ره سه ره و نه ویه	کلامزی	clumsy <i>adj</i>
ناشیانه، باشلختگی	سه رده ر نه چو وگ - خام		
محکم چسبیدن، غاییدن	به نه زانی سه ره نه ویه ی	کلامزیلی	clumsily <i>adv</i>
کلاچ	که لاج دای - وی شواردی	کلاچ	clutch <i>v</i>
اتوبوس، واگن قطار - کالسکه،	چنگ دان - کلاجی ماشین		
دلیجان - مریی	تتوبوس - دیوی قه تار - گاری	کتوچ	coach <sup>1</sup> <i>n</i>
برای امتحان آماده کردن	سه رپرس		
تعلیم دادن	ئاماده بوون بو امتحان باتاقی کردنه وکتوچ		coach <sup>2</sup> <i>v</i>
مریی - سوپرست	به ی نه و نه رسای ئاماده بیه ی		
زغال سنگ - زغال	فیر که ر - ئیشان ده ر دایان	کتوچ	coach <sup>3</sup> <i>n</i>
زیربخشن - بی ادب	زخوال - زخوال - خه لووز	کتول	coal <i>n</i>
دریا کنار، ساحل، بشزیدن	به رده زخوال		
خط ساحل	زوور زرو - روش، هار	کُرز	coarse <i>adj</i>
کت - پشم و خز	قه راخوده لیای - که ناری	کتوست	coast <i>n</i>
	ده ریا - گۆشه ی ئاو - خزین		
	خه ته و قه راخوده لیای	کتوست	coastline <i>n</i>
	لیوه ده لیا	لاین	
	کورت - کوت - پالتاو	کتوت	coat <i>n</i>
	کوله بال - فهره جی		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نولزش کردن	لوانای-لواندن-گالته	کُکس	coax <sup>v</sup>
ریشخند کردن	کردن به-په نه خوای		
تار عنکبوت	تال جالجالو که-تال	کُب وِب	cobweb <sup>n</sup>
	ککله موشان-زوویڵ		
پرنده نر (بخصوص خروس)	په له وه ری نیڕ-که ره	کاک (کُک)	cock <sup>n</sup>
شیر آب و گاز	شیل-که له شیر-کلاوی لارنان		
پودر کاکانو-کاکانو	کاکانو کاکاو به ره می داریک	کوکو	cocoa <sup>n</sup>
	له ئامریکا و ئافریقا		
نارگیل	نالگیر-نارگیل به ره می	کُکنات	coconut <sup>n</sup>
	داریک له ئاسیای غه ربی		
یک نوع ماهی خوراکی	جوړی ماسی خوارده مه نی	کُد	cod <sup>n</sup>
	ماساوه وروه ن گرتی		
کد، رمز، پیش شماره	ره مز، نیشانه، قانون کود	کُد	code <sup>n</sup>
قهوه / فنجان قهوه	قاوه به ره می داریک له ئاسیا	کُفی	coffee <sup>n</sup>
	و ئافریقا و ئامریکا		
تابوت	تابوت-تاوت-ته ختی بردنی	کُفین	coffin <sup>n</sup>
	مردگ بو گورستان		
پیچاندن - پیچ خوردن	پیچنای-پیچان-گرولی	کُیل	coil <sup>1 v-n</sup>
پیچ - حلقه، کلاف	که رده ی-ده سه که رده ی		
حلقه چنبر-کنگره	هه لقی-هه لقه-په پکی ماری	کُیل	coil <sup>2 n</sup>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سکه - سکه زدن	سکێ - سکه لێ دان	کتوین	coin <i>n</i>
خنک، سردیی، عاطفه	سارد سه ر د ی چ ی گ فینک	کولد	cold <sup>1</sup> <i>adj</i>
سوماخوردگی - سرما	سه ر د سه ر ما خوار د نه وه	کولد	cold <sup>2</sup> <i>n</i>
غش	سه ر د ا گ ر ته، سارد حال		
خراپ شدن، فرو ریختن	خراو یی ه - خراو بوون - پ ژای کپس		collapse <i>v</i>
	ته پین و رو خان		
یقہ - قلاد مگر بیان	یه خێ - یه خه ملوه نی	کالر	collar <i>n</i>
	ملوانکه		
جمع کردن، گرد آمدن	جه م که ر ده ی - جه م کردن	کالکت	collect <i>v</i>
وصول کردن	گلیر و که ر ده ی		
کلکسیون، مجموعه، جمع آوری	کۆمه له چت - پیارزه چپۆ	کالکشن	collection <i>n</i>
کالج، دانشکده، آموزشگاه	زانزگه - علم گا	کالچ	college <i>n</i>
	زانگا		
با شدت بهم خوردن	ئه وه کول یای - هۆر ته قیای	کلاید	collide <i>v</i>
تصادف کردن	له یه ک دان		
تصادف، برخورد، تصادم	هۆر ته ق - ته قیاله یه ک دان	کلیژن	collision <i>n</i>
کولون، دونقطه (:)، پروده بزرگ	دو ی نوختی - دو نوخته	کلن	colon <i>n</i>
کنل، سرهنگ	سه ره نگ	کیل	colonel <i>n</i>
مستعمر، مهاجر نشین	وه لاتی که له ژیر ده سه لاتی	کلنی (کالینی)	colony <i>n</i>
	وه لاتی که تری بی وه لاتی بی سه رخو		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مستعمره‌ای، استعماری	وه لاتی بی سه رخویی	کلینال	colonial <i>adj</i>
کوچگر	وه لاتی چیرده س، کوچه ر		
رنگسرنگیزه، جلوه	ره نگ، ره نگدانه	کالر	colour <i>n</i>
رنگارنگ برنگی	ره نگاوره نگ ره نگین	کالر قول	colourful <i>adj</i>
رنگ زدن، رنگ کردن	ره نگ کردن ره نگ که رده ی	کالر	colour <i>v</i>
ستون، بنابر دیف برکن	کۆله که (کۆله کی) له به رد	کالیم	column <i>n</i>
	وچچو رزو چیوه ی		
شانه، تاج خروس	شانه ی سه ر - پوپه	کُم	comb <sup>1</sup> <i>n</i>
شانه زدن / کردن	شانه که رده ی - شاننه کردن	کُم	comb <sup>2</sup> <i>v</i>
جوور شدن، بهم پیوستن	جووریه ی - جوور بوون	کیم یاین	combine <i>v</i>
ماشین کمباین	به یه ک گه بین، کو میان (خه له)		
آمیختگی، آمیزش - اتلاف	ئاو پته - تیکه ل - جوور	کامبینیشن	combination <i>n</i>
کارتل - اتحادیه	ئامیته		
آمدن، آمدن بطرف گوینده	هاتن - ئامه ی - یا وای - گه یین	کام	come <i>v</i>
کمدی، نمایش خنده آور	نمایشی خوه دار - کو مدی	کامیدی (کُمیدی)	comedy <i>n</i>
ستاره دنباله دار، شهاب سنگ	جوو ره ئه ستیره ی بریقّه دار	کامیت	comet <i>n</i>
راحت، آسوده	دلداری ره حه ت - ئاسوده	کام فورت	comfort <sup>1</sup> <i>n</i>
دلداری / تسلی دادن	دلداری دان - دلداری دای	کام فورت	comfort <sup>2</sup> <i>v</i>
راحت کردن	ئاسوده که رده ی		
راحت، آسوده، آرام بخش	ره حه ت - ئاسوده - ئازاد	کام فورتبل	comfortable <i>adj</i>
در آسودگی	جه ره حه تی له ره حه تی	کام فوریلی	comfortably <i>adv</i>
	ئاسوده یی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خنده‌آور، هسه‌هک، کاریکاتور	خوه‌ئه و رکه‌نین دار - خوه‌دار کامیک		comic <sup>1</sup> adj
کتاب داستان مصور	کتیوی ره‌نگی خوه‌و شوخی کامیک		comic <sup>2</sup> n
کاما (ا) ویرگول	کاما - جوړه نیشانیکی (،) کُم (کاما)		comma n
فرمان دادن - امر دادن	فرمان دان ده - سوردای کِماند (کامند)		command <sup>1</sup> v
فرمان، امر - توان، یگان	ئه‌مره ده - سوور - ئه‌مر کِماند (کامند)		command <sup>2</sup> n
فرماندهی	فرمان، بنکه‌ی نیزامی		
توضیح / تفسیر کردن	ئه‌زه‌ردای (دان) - شیو کاینت		comment <sup>1</sup> v
اظهار نظر کردن	کهرده‌ی - پاس کردن		
توضیح، تفسیر، تعبیر، نظر	ئه‌زه‌ر لیکو کِلین پاس کاینت		comment <sup>2</sup> n
توضیح، تفسیر، گزارش	راپورت - گوئی گه‌یان - روشن کاینتیری		commentary n
مفسر - گزارشگر	کهری - پاس کرد روشن‌کهر - نه‌زه‌رده کاینتیر		commentator n
	راپورت ده‌ر - شیو کهر		
معامله، تجارت، دادوستد	معامله‌ی مامولّه - تجارت کامرس		commerce n
تجارتی، بازرگانی، آگهی	تجاره‌تی - خه‌به‌ری کیمرشل		commercial adj
خطائی مرتکب شدن	خه‌تا کردن (کهرده‌ی) کامیت		commit v
کمیته، هیئت بررسی، کمیسیون	جمله‌ده‌سته - تاقمه کامیتی		committee n
معمولی - همگانی، مشترک	گشتی - گردی، هه‌موان کامان (کُمن)		common adj
کشورهای مشترک المنافع	وه‌لاتانی شه‌ریکه‌به‌ش کامان ولس		commonwealth n
یاآزاد - مردم	وئازاد		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گفتگو/مکاتبه کردن	و تو وێژ قسه که رده ی-نامه کامیونیکییت		communicate <i>v</i>
وساندن - آگاه کردن	نووسین بویه ک-قسه کردن		
ارتباط/تماس یودن یا	پیوه ندی-رابطه-خه بهر کامیونیکییشن		communication <i>n</i>
وسانه ها، ارتباطات	پیوه ندیه کان، گه یینه ره کان کامیونیکییشن س		communications <i>n</i>
مکاتبات	خه بهر ده ران بو گشت		
انجمن، اجتماع، جامعه	جه مخانه-کور-کو مه لله کامیونیتی		community <i>n</i>
همراه، همدم، مصاحب	هاوری شه-ریک ها مرا کمپین		companion <i>n</i>
همراه - شرکت، جمعیت،	شه را که ت-ره فیق-گرو کامپنی		company <i>n</i>
انجمن - اکپ			
مقایسه ای، صفت / قید	سفه تی بهر تر یا هه م تراز کمپرتیو		comparative <i>n, adj</i>
تفضیلی، قیاسی			
مقایسه کردن	لیک دان-هۆر سه ننگای کمپر		compare <i>vt</i>
تشبیه کردن	به رانبه ر کردن		
مقایسه، سنجش، قیاس	وه رانوه ره به رانبه ر به کمپریزن		comparison <i>n</i>
هماندنی	خوارویان هه ل سه نگان		
قطب نما، پرگار، بؤر دصد	قوتب نما-پرگار ده نگ چون کام پس		compass <i>n</i>
وادار / مجبور ساختن	مه جبو ور کردن (که رده ی) کم پل		compel <i>v</i>
ناچار کردن	وادار که رده ی-باعیس بون		
رقابت کردن-همچشمی	مل ملانی-ره قابه ت کردن کم (کام)		compete <i>v</i>
کردن	چهم وزی که رده ی پیت		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مسابقه، رقابت، همکاری، هم	پیش برکێ، کچی به رکێ،	(کام) کم پتی شین	competition <i>n</i>
چشمی	هاوکاری، چاولی گهری-چەموزی		
رقیب، حریف، هه‌ماورد	نه یار-چه موز-ره قیب	کم پتی تر	competitor <i>n</i>
شکوه کردن، شکایت کردن	شکات کردن-داد به رده ی	کم پلین	complain <i>v</i>
شکایت کردن	شکات که رده ی		
شکایت، دادخواهی، عرض حال	داد شکات-گلله ی-قال	کام (کم) پلینت	complaint <i>n</i>
کامل، تمام، مختوم	کامل-ته مام-ته واو	کام (کم) پلایت	complete <sup>1</sup> <i>adj</i>
تکمیل	ته مام بیه		
به طور کامل-کالا	به ته واوی-یه ک سه ره	کام (کم) پلینتلی	completely <i>adj</i>
	گرد و گرد-هه مو		
کامل کردن-خاتمه دادن	ته مام که رده ی-ته واو کردن	کام (کم) پلینت	complete <sup>2</sup> <i>v</i>
پیچیده، بغرنج، تودرتو	پیچیا-گیر-بئی چیاگ	کام (کم)	complicated <i>adj</i>
	لک واره ده	پلیکیتید	
تعریف، درود ستایش	تاریقی-تاریف دراو	(کام) کم پلیمینت	compliment <sup>1</sup> <i>n</i>
تعریف کردن	تاریف دای-تاریف کردن	(کام) کم پلیمینت	compliment <sup>2</sup> <i>v</i>
ساختن، درست کردن، انشاء	وهش که رده ی-دروست کردن	کام پوز (کم پز)	compose <i>v</i>
آهنگ ساز - فصف	ناهه نگ ساز-ناهه نگ وهش که ر	کم پز بکام	composer <i>n</i>
	پوزر		
انشاء، تصنیف، ترکیب	ثامینه-ناهه نگ-ئششا	کم پز شین	composition <i>n</i>
آهنگ سازی	دهس به قه لّم، سازین	(کام پوزیشن)	

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محوطه، حیاط، ترکیب کردن	چه وشه - چه سار و په رژین	کیم بوند	compound <i>n</i>
اجباری، مجبور کننده	زوری - ئیجباری - دَل پونه ویه	(کام) کیم بال	compulsory <i>adj</i>
	بیگاری	بیری	
کامپیوتر - رایانه	کامپیوتر	کام پیوتر	computer <i>n</i>
پنهان ساختن، قایم کردن	پوژنای - دا پوشتن - شارده ی	کانسییل	conceal <i>v</i>
		(کین سییل)	
تمرکز داشتن - عصا ره	وریابوون - مراقب بیه ی - به	کان سین	concentrate <i>v</i>
غلظت کردن	خودا چوون - به خیا لاچوون	تویت	
نگرانی، دلواپسی - وابسته	په شیوی - مه لولوی - حیران بوون	کان بیرن	concern <sup>1</sup> <i>adj</i>
نگران، دلواپس، صاحب سود	مات - خه مین - غه مبار	کان بیرند	concerned <i>adj</i>
مربوط بودن، نگران بودن	مه ربووت بیه ی - مه ربووت بوون	کان بیرن	concern <sup>2</sup> <i>v</i>
در باره - در مورد	جه مه وه سووله مه به سستی	کان بیرنینگ	concerning <i>prep</i>
کنسرت - همکاری	شوینی موسیقایی - ده سه	کان بیرت	concert <i>n</i>
توافق	و موسیقا و ئا هه نگ ژه نان	(کُنسرت)	
به پایان رساندن، نتیجه	ته مام که رده ی - ته واو کردن	کان (کین)	conclude <i>v</i>
گرفتن - تمام کردن		کلود	
پایان - استنتاج، انعقاد	ئاخر - ته مام - ته مام بی	کان (کین) کلووژن	conclusion <i>n</i>
	ته واو - نه نتیجه		
بتن / بتن واقعی	ره ق سه خت - بتون	کان کریبت	concrete <i>n</i>
	ره قه بنه وا، ئاشکرا		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محکوم کردن / شدن	تاوان بار کە دە ی سە حکووم کردن	کُن (کان) دم	condemn v
حالت، وضع، شرط، تبه	و ه ز عه - حاله ت شه رت	کُن (کان) دیشن	condition n
	و جو ر - مقام		
ادلره کردن رهبری کردن	رانه موونی که ره ی به ریوه	کان (کُن) داکت	conduct <sup>1</sup> v
رفتار - اخلاق	بردن - سه رپرسی کردن		
رهبر، اکتسر - بلیط فروش	رپه ره ی موسیقا - ئوساژه	کان (کُن) داکتر	conductor n
رسانا	نوم موسیقای بلیت فروش		
سلوک، رفتار، اخلاق، اجرا	ره رفتار - ئخلاق رهوت	کان (کُن) داکت	conduct n
مخروط میوه کاج	مه خرووت - قو وچ بره حه تی	کُن	cone n
کنفرانس، مذاکره، گردهمایی	وتوو ئه جمه جئسو قسه که ره ی	کُنفرنس	conference n
همایش	کو ر - جه م خانه - قسه گامه ره (جه پاوه نه)		
اقرار / اعتراف کردن	چیر لوی - ژیر وین هه ق رتن	کُن فئس	confess v
اعتراف نامه، اقرار، اشد	راس گوئی - ئقرار نامه	کُن فشن	confession n
مطمئن، دلگرم، خاطر جمع	خا تر جه م دل ئیاسیی ورکه	کُن (کان) فئینت	confident adj
اطمینان، اعتقاد، اراز داری	ئتمینان ببا و ر ئیمان زات	کُن (کان)	confidence n
	فیلبیس		
تأیید / تصدیق کردن	قه بو ل کردن راس زانای	کُن فِرم	confirm v
تأیید، تصدیق، تصویب	ته سئق - قه بو ل راس زان	کُن (کان) فِرمیشن	confirmation n
ستیزه، برخورد، نزاع، تضاد	به یه کا چو ون ده نگه ده نگ	کُن (کان) فئلیکت	conflict <sup>1</sup> n
ناسازگاری	ده م قره - گگیره و کیشه، ناسازی		

uo pure    p pen    b bed    t tea    d did    k cat    g got    tʃ chin    dʒ June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
متضاد/ ناسازگار بودن	ناسازییه ی زدون-گزیای	کِن (کان)	conflict <sup>2</sup> v
	ناله بار یون	فلِکت	
گیج کردن-نامرتب کردن	گیج که رده ی به یوزانای	کِن (کان)	confuse v
	گیج یون-شیواندن	فیوز	
گیجی، درهم برهمی	گیژی-سه روه نه شیویا	کِن (کان)	confusion n
حیرت	شیواو- شیرز، به حت	فیوژن	
تبریک گفتن، شادباش گفتن	شادباش و تن مواره ک	کِن (کان)	congratulate v
	واته ی	گراتیولیت	
تبریک مبارک باد	شادباش مواره ک باد	کِن (کان)	congratulation n
		گراتیولیشن	
کلمه ربط	هۆکه ری لکینه ر-حه رفی	کِن جان	conjunction n
	ره بت - لکنه ر	کیشن	
وصل/ متصل کردن	لکاندن-ئه وه بینای به ستن	کانِکت	connect v
اتصال، پیوستگی، برابط	به ستنه وه-یو لکنا	کانِکشن	connection n
	به یه ک لکاندن-مه ربوت		
غلبه کردن-شکست دادن	تیی شکانندن سه رکه و تن	کِن (کان) کِر	conquer v
	مه رده ی		
غلبه، پیروزی-فتح	پیروزی- تیی شکان	کِن (کان)	conquest n
	فایق یون	کپست	
وجدان، باطن، شعور، ذاتی	وژدان - ویجدان	کِن شینس	conscience n

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آگاه، بیدار، متوجه	هوشیار، مدریک-ژیر	کِن شِس	<b>conscious</b> <i>adj</i>
	به هوش - وریا		
آگاهانه، هوشیارانه	به هوشانه، به ژیری-ژیرانه	کِن شِس لی	<b>consciously</b> <i>adv</i>
رضایت دادن	واژه ورده ی دهس به رد ار	کِن سینت	<b>consent</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
راضی بودن	بوون - ره زابون		
موافقت، رضایت، اجازه	دهست به رد ار سه زابیه	کِن سینت	<b>consent</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	قه بوول سه زامه ندی		
نتیجه، پیامد، اهمیت	به ره م نه نتیجه سه مه ر	کِن (کان) سی کونس	<b>consequence</b> <i>n</i>
در نتیجه، بنابراین	مه علو و مه ن - ئاشکرایه	کِن (کان) سی کوتلی	<b>consequently</b> <i>adv</i>
	جایزانه به م جو ره		
نگهداری - محافظت	نگاداری - پاریزراگری	کان سپروشن	<b>conservation</b> <i>n</i>
فرض کردن، بررسی کردن	به حساب هاوردن - جه نه زه	(کان) کِن	<b>consider</b> <i>v</i>
رعایت کردن	رگرته ی - ئه ره نیای	سپیژر	
رسیدگی، رعایت، تفکر	به رچاو خسته وه لی کو لین	کِن سپیژرین	<b>consideration</b> <i>n</i>
	پوره یا وای سه ردای		
شامل / مرکب بودن از	وه ش بیه ی جه دروست بون له	کان (کِن)	<b>consist</b> <i>v</i>
	ساحیو جریتی بون له	زیست	
حرف بی صد له ها هنگ	پیتی بی ده نگ - گوی	کان سینت	<b>consonant</b> <i>n</i>
متوالق	بی ده نگه سه وه بی سی - b		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پایدار، جاوید، دایم، با وفا	هه میشه یه دایم، هه تاهه تای نه مه رکانس رنت		<b>constant</b> <i>adj</i>
جاو دانه همیشه	دایمی نه مه رانه تا و سه ری کان سیتیلی		<b>constantly</b> <i>adv</i>
حوزه انتخاباتی	جیی (خانویی) هه لێژاردن کيس تیتووانسی		<b>constituency</b> <i>n</i>
	ئه نجمه نو هور و چنای مه ردمی		
اساسنامه قانون اساسی	قانونی مه ده نی گه کيس تیتووشین		<b>constitution</b> <i>n</i>
	ئه اساسنامه ده مه رزران		
بر طبق قانون وابسته	به رانه ری قانون قانونی کيس تیتووشین		<b>constitutional</b> <i>adj</i>
به قانون	قانون و اج		
بناکردن، ساختن	درست کردن هه ش که رده ی کین ستراکت		<b>construct</b> <i>v</i>
	ئه وه که رده ی - سازین		
ساختمان، بنا، اهدات	(یا نه مه آل - خانو) کین ستراکشن		<b>construction</b> <i>n</i>
کنسول، قنصل	شابه نده ر-کونسلو بیا لویز کین (کان) بیل		<b>consul</b> <i>n</i>
مشورت کردن	چاره گه ری که رده ی -عه لاج کردن کین سالت		<b>consult</b> <i>v</i>
مصرف کردن، نابود کردن	وارده ی -خواردن مه س روفوف (کان) کین سیوم		<b>consume</b> <i>v</i>
هه ر دادن	کردن -سو چنای، هه ساردان		
مصرف، سوخت - بیل	مه س روف سو ته مه نی، سیل کین سیوم پشن		<b>consumption</b> <i>n</i>
تماس گرفتن با / مکاتبه کردن	ها تو چو کردن -ئامو شیه (کان) کُن تکت		<b>contact</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
	که رده ی، که ینو به ین		
اتصاف، تماس، بر خور دار، تباط	ئامو شیه وه سل - تریات (کان) کُن تکت		<b>contact</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
دارا بودن، هه ر داشتین	تیا بوون -چه ته بیه ی (کان) کین قین		<b>contain</b> <i>v</i>
ظرف، محتوی، محفظه	ده فر دارا وه سه نو ق -ساحب (کان) کین تینر		<b>container</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همچشمی کردن، رقابت کردن	چاوی لێگه‌ری کردن - چه‌موسی یکن‌تند		<b>contend</b> <i>adj</i>
خشنود، رضای بقناعت	فه‌ریخ د‌ل‌وه‌ش‌پ‌رازی	کان (کین) ئنت	<b>content</b> <i>adj</i>
خوشحال، خشنود، قانع	دلشاد - مه‌سروور	کان (کان) کین تینتید	<b>contented</b> <i>adj</i>
	سه‌رخ‌وش، تیر		
محتویات - ظرفیت	تیاداری - نه‌ندازه‌دلی داری	کان (کین) ئنتس	<b>contents</b> <i>n</i>
رقابت، مشاجره، مسابقه	ده‌نگه‌ده‌نگ - هه‌ول	کان (کین) ئتست	<b>contest</b> <i>n</i>
تقلا	مسابقه، هاوچاوی کردن		
قاره، به‌رهیزکار	(تیکه - که‌رت) - خوشکامی	کان (کین) ئینتنت	<b>continent</b> <i>n</i>
	پاک‌داوین		
قاره‌ای - قاره‌مانند	وشکامی - ئوروپا ییجگه‌له	کان (کین) تی‌ن‌تل	<b>continental</b> <i>adj</i>
	بریتانیا		
ادامه دادن، دنبال کردن	دریژه‌پیدان - دریژه‌په‌نه‌دای	کان (کین) تین‌یو	<b>continue</b> <i>v</i>
دائمی، مدام، مگور	دایمی - هه‌میشه‌یی - مدام	کان (کین) تین‌یول	<b>continual</b> <i>adj</i>
ممتد، پیوسته، بی‌پای	بی‌پ‌را - گورای‌گور	کان (کین) تین‌یوز	<b>continuous</b> <i>adj</i>
	بی‌وچان، مدام		
مقاطعه، قرار داد، بیمان	نویسه‌وبه‌ینی - قه‌رار‌داگ	کان (کین) ترکت	<b>contract</b> <i>n</i>
مغایرت، ناهماهنگی	نوارده‌ی - نایه‌جی - ناخوانی	کان (کین) ترری	<b>contrary</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
ب‌خلاف، برعکس - خلاف	دژبه - پیچ‌و‌انه وخیلاف	کان (کین) ترری	<b>contrary</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>
تفاوت داشتن - مقابله کردن	وه‌رانوه‌ر مد‌رای - پ‌راوه‌ستان	کان (کین) تراست	<b>contrast</b> <sup>2</sup> <i>vt</i>
مقایسه کردن	دژبه‌فه‌رق‌که‌رده‌ی، مزه‌نه‌گرتن		
اختلاف، تفاوت	فه‌رق‌وه‌رانوه‌ره - جیاوازی	کان (کین) تراست	<b>contrast</b> <sup>2</sup> <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سهم دادن - سهم بودن	بهش داربوون بهش دای	کان (کِن) تری	contribute <sup>v</sup>
اهدا کردن	(دان) - یاری دان	بووت	
دانگ، اعانه، سهم	دانگ - بهش - یاری	کان (کِن) تری	contribution <sup>n</sup>
اهدا دادن، بخشش	خه لآت	بووشن	
سروستی / کنترل کردن	زاوته بیهی - چاود پیری کردن کان (کِن) تزل		control <sup>1 n</sup>
تنظیم / تأیید کردن	سهر په رسی که رده ی		
کنترل، تسلط، هدايت	چاود پیری - زاوته	کان (کِن) تزل	control <sup>2 n</sup>
	سهر په رسی، دکمه ی رادیو		
مناسب، مفید، راحت، مقدور	چاک - خاس باش به یا گه	کان (کِن) وینیت	convenient <sup>adj</sup>
راحتی، سهولت، آسایش	ره چه تی - ئارامی - ئه منی	کان (کِن) وینیس	convenience <sup>n</sup>
دیر، صومعه، خانقاه	دیل - عبادتگاه - پروکه نیس کان (کِن)		convent <sup>n</sup>
	ونت		
گفتگو، مکالمه، صحبت	وتوو و پز کردن - قسه که رده ی کان و رسی یشن		conversation <sup>n</sup>
برگرداندن - تبدیل کردن	هور و گیلنای هه لگه راندن کان (کِن) ورت		convert <sup>v</sup>
تغییر، تبدیل، تغییر مذهب	وار یای - گوران - شیواوی کان (کِن)		conversion <sup>n</sup>
	ثابین گوران	ورشن (ژن)	
حمل کردن، رساندن، بردن	بردن - یا و نای به رده ی	کان (کِن) وی	convey <sup>v</sup>
محکوم / متهم کردن	بوختان په ی که رده ی	کان ویکت	convict <sup>1 v</sup>
	مه حکووم کردن بوخت بو کردن		
مجموعه، نگاهکار، زندانی	گونایار - گونا کار - جرم دار کان ویکت		convict <sup>2 n</sup>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مقاعد / قانع کردن	قانع کردن - رازی که رده ی	کان (کن) وینس	convince <sup>v</sup>
غذا پختن، آشپزی کردن	ناشپه زی که رده ی - چیشْت	کُک	cook <sup>1 v</sup>
	کردن - چی شت لینان		
آشپز	ناشپه ز - چاشت که ر	کُک	cook <sup>2 n</sup>
چراغ خوراک پزی	چرای چیشْت لینان - چراوی	کُکیر	cooker <sup>n</sup>
	چاشت که رده ی		
خنک - آرام، خونسرد	چیا فینک - آرام - سارد - متم	کویل	cool <sup>1 adj</sup>
خنک شدن، خنک کردن	فینکویه ی خینک کردن	کویل	cool <sup>2 v</sup>
	سارد کردن		
با هم کار کردن، همکاری کردن	هاوکاری کردن - پیوره کار که رده ی	کُپیریت	cooperate <sup>v</sup>
همکاری، تعاون	هاوکاری - یاری دان	کُپیرشن	cooperation <sup>adj</sup>
تعاونی، شرکت تعاونی	یارمه تی - یاری ده ری شراکه ت	کُپیرتیو	cooperative <sup>adj</sup>
مس - آجانب	مس - مسینه - فلز یو نه، ئاتاس	کُپر (کاپر)	copper <sup>n</sup>
رونوشت / کپی گرفتن	فتوکوپ ی گرتن - نوسخه گرتن	کُبی (کاپی)	copy <sup>1 v</sup>
رونوشت، کپی، نسخه	روونویس - کوپی - روونوس	کُبی (کاپی)	copy <sup>2 n</sup>
طناب، ریسمان، نازک نسیم، بند	ته نافه - گرویس - وه ر - سه - ته ل	کُند کُرد	cord <sup>n</sup>
چوب پنبه، درختی	چوپه مه - چوپه مگ	کُرک	cork <sup>n</sup>
غله، بلال، میخچه	خه له - گه نم و جو، بالوک	کُرن	corn <sup>n</sup>
گوشه، کنج، نیش	سو وچ - کونج - گو شه - چزه	کُرنیز	corner <sup>n</sup>
بنگاه (تجاری، ...)، شرکت	شرکه ت - شهربکه ئاوانسی - تجاره ت	کُرپری شین	corporation <sup>n</sup>
اطاق تکثیر	ئو تاقی - رو نویس	کُبی روم	copy room <sup>n</sup>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جسد، نعش، جنازه	که لاک - لاشه، مردار	کُرپس	corpse <sup>n</sup>
صحیح، درست، ویواست	دروست، ریک، راس	کُرکت	correct <sup>1 adj</sup>
صحیح / اصلاح کردن	دروس کردن، وهش که دهی (کُرکت)		correct <sup>2 v</sup>
به طور صحیح	به جووری دروست، به دروسی	کُرکتلی	correctly <sup>adv</sup>
اصلاح، تصحیح، ویوایش	ریک، دروست، ساقو که رد	کُرکشن	correction <sup>n</sup>
مکاتبه کردن	بویه ک نووسین نامه نویسه ی	کاریس باند	correspond <sup>v</sup>
مطابقت داشتن	په یه کترینی، یه کئی بون	(کُرپس باند)	
مراسلات - مکاتبات	ته فه رنج - سرنج	کاریس پانئیس	correspondence <sup>n</sup>
همخوانی، مشابهت	نویسه کئی (کان) له یه ک نووسان		
	چون یه ک		
سالن / راهرو ساختمان	هه یوانه سالوُن، پیش خانوو	کُریدور (کاریدور)	corridor <sup>n</sup>
لوازم آرایش	ئه سپایی خو جوان کردن	کارم تیکس	cosmetic <sup>n</sup>
	ئه سپا بو ئارایشی		
لرژش، قیمت، هزینه	قیمه ت - ئه رزش جایی - ئیژای	کاست	cost <sup>1 n</sup>
لرژیدن، قیمت داشتن	ئیژای - ئه ژیان	کاست	cost <sup>2 v</sup>
قیمتی، گران، پُرخرج	قیمه تی - گران - ئه نتیک	کاستلی	costly <sup>adj</sup>
لباس سستی / محلی، جامه	لیباسی نه ته وه یی	کاستیوم	costume <sup>n</sup>
	لیباسی ویمانی، جل و به رگ		
تخت خواب بچه / کودک / اسفر	جئی خه وی منال، کوزه - که پره	کات	cot <sup>n</sup>
خانه روستائی، کلبه	مالی لادی، یانه باخی	کاتیج	cottage <sup>n</sup>
پنبه، بخ، کتان	وره - نه یه ملوک ده رگ	کاتن	cotton <sup>n</sup>

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باند زخم، بانداز	باندوزە خمی زەخم (زام) پیچ	کاتن وول	cotton - wool <sup>n</sup>
تخت کانا به، بیان خاص	تەختی رەحەت - نیمکە تی	کتوج (کُوج)	couch <sup>n</sup>
سرفه	قەقە کۆکە - قوزە	کاف - کتوف	cough <sup>1</sup> <sup>n</sup>
سرفه کردن	قەقە کەر دە ی - قوزای	کاف - کتوف	cough <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	کۆکە کردن		
گذشته can (توانستن)	توانین - تاوای - و یە ر دە و کە نی	کُود (کود)	could <sup>v</sup>
انجمن، شورا، مجلس، هیئت	کۆر - چە مخانە - مە جلیس	کتونسیل	council <sup>n</sup>
عضو شورا / انجمن	داخڵ بە چە مخانە - سەر بە	کتونسیلەر	councilor <sup>n</sup>
	مە جلیس		
شمردن، شمارش کردن	ژماردن - شمارای - ژمارای	کتونت	count <sup>1</sup> <sup>v</sup>
	حە ساو کە ر دە ی		
عمل شمارش، محاسبه	عە مە لی ژماردە وە کار و ژماردە ی	کتونت	count <sup>2</sup> <sup>n</sup>
پیشخوان - تون، میز	ژتونوگە مە ی - وە ر دە س	کتونبەر	counter <sup>n</sup>
ضد	پیش خوان - بی سات		
کشور، روستا، دهکده، وطن	وە لات - دە گانگوندە ی، زاگا	کانتیری	country <sup>n</sup>
یلاقات، حومه، بیرون شهر	قە راخە و شاری - دە و و ر بە ری شار کانتیری ساید		countryside <sup>n</sup>
	تیلاخ - هە وارگە		
زوج، دو تازن و شوهر	ژن و شو و دە وان - جفت	کاپل	couple <sup>n</sup>
به هم وصل کردن	جو و تێ، ئە نجامە و یە رە ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوپن - بۆش	کوپن - کاغەزی وردی باتی	کوپن - کوپن	coupon <i>n</i>
قبض تخفیف	پوولی - جوۆری بیتاقە و بلیت		
دلاوری، شجاعت، دلیری	شە جیع جە جەرگ زرنگی	کاریج	courage <i>n</i>
رشید، دلیر، پەردل	دلیرزات دار - ئازا	کاری چس	courageous <i>adj</i>
طی - مسیر - رشته، دور، پُرس	دەورە - رشته بری - راه، دەس	کورس	course <i>n</i>
دادگاه - میدان ورزشی - دربار	دادگا میدان مە یدان	کورت	court <i>n</i>
حیاطه	بارگا، حەوش		
عمه زاده، خاله زاده، عمو زاده	خالۆزا - پوورزا مە تیه زان	کازین	cousin <i>n</i>
دایی زاده	مامۆزا - لالۆزا - دێدەزا - پوورزا		
پوشاندن، پنهان کردن	پۆژنای - پۆشان - دا پۆشان	کاۆر	cover <sup>1</sup> <i>v</i>
روکش، پوشش، جلد	پۆشە - روو کەش، روبه ند	کاۆر	cover <sup>2</sup> <i>n</i>
گاو شیرده، گاو ماده	مانگا - مانگاوه	کتو (ک)	cow <i>n</i>
ترسوویی، بزدلی، آدم ترسو	بێ زات - تەرسە نوک - کەم جەرگ - کورد		coward <i>n</i>
بزدلانه، باترس و لرز	ناپیا - تەرسە نوکی - بێ زاتی	کوردلی	cowardly <i>adj</i>
گاوچران (آمریکایی)	شوانه و گاو ان - گاچە رین	کتوبوی	cowboy <i>n</i>
خرچنگ، آدم بدخلق	قەرژال - قارژنگی - قارژنگ	کرب	crab <i>n</i>
ترک خوردن	میرپای تره ک به رده ی	کَرک	crack <sup>1</sup> <i>v</i>
صدای شکستن چیزی	تره ک خواردن، پۆقه و ته قه هاتن		
ترک، درز - صدای رعد آسا	تره کە - تریشکە - تره ک	کَرک	crack <sup>2</sup> <i>n</i>
شکاف، ماهر	گرمه وهاره ی (شکان		
گهواره، ننو	بیشکی له لوه - لانک - بیشکه	کربدل	cradle <i>n</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کار هستی - کشتی، هواپیما	سَنهت - ئو سایی - که شتی	کرافت	craft <sup>n</sup>
ناو، هنرمندی، مکر	بالوین ته یاره ده ست ساز		
پَر کردن - چپاندن، غرقوانی	ته پَنای - پَر کردن - پِه رکه رده ی	کَرم	cram <sup>v</sup>
چوئقیل / چوئقال، ئُزنا	جِه ره سه قیل - ماشینی هه لَگر	کَرین	crane <sup>n</sup>
گودن دراز کردن	قازی و قولنگ، مل در یژ کردن		
سرو صدای شدید - تصادف	پوڤه هور ته ق ده نگی زل	کَزش (کَراش)	crash <sup>1 n</sup>
سرو صدای شدید کردن	ته قیای - یه یک ده کردن	کَزش	crash <sup>2 n</sup>
سقوط / تصادف کردن	پوڤه که رده ی (خوار که و تن)		
صندوق / جعبه چوبی بزرگ	چنگله سه نوڤ - لاتای یه غدان	کَریت	crate <sup>n</sup>
سینه خیز رفتن، خزیدن	گاله کوتی لوای به عه رزا	کَزل - زل	crawl <sup>v</sup>
	خو کیشان - سینه خزای		
مداد شمعی / رنگ	مه داده نگی سه داده شه معی	کَرین	crayon <sup>n</sup>
دیوانه، احمق، بخل	شیت دیوانه - ئازار دار	کَریزی	crazy <sup>adj</sup>
مجنون	موکل دار، گه وج		
قرچ قرچ کردن	جیره جیره که رده ی	کَریک	creak <sup>n</sup>
جیر / غز کردن	قرچه قرچ کردن وه ک ئاور		
سروشیر، خامه، کرم پوست	توشوتی - چه وری شوتی	کَریم	cream <sup>1 n</sup>
زیده	تویی شیر سه رشیر، په ساو وریا		
(رنگ) کرم، سرآمد	ره نگی کریم ره نگوگه چه ره ی	کَریم	cream <sup>2 adj, n</sup>
	ره نگی به ینی سپی وزه رد		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نیم دایره	نیو دایره	کرسینت	crescent <i>n</i>
افریندن، خلق کردن	وهش که رده ی - خولقاندن	کریت	create <i>v</i>
هست کردن	خولقنای - خوش کردن، کردیت		
خلقت، افرینش، مخلوقات	خولقنا - خولقان - وهش که رد	کریشن	creation <i>n</i>
آفریده - مخلوق	مه خولق - خه لک - وهش یه	کریرچر	creature <i>n</i>
	به دی هات		
شهرت، اعتبار، نسبه،	شوره ت - قه رز - جار و بهش	کریت	credit <i>n</i>
اعتماد - قسطنی	که رت، باور		
خزیدن، دزدانه خزیدن	خشکیای - خوبه زه وی دا کیشان	کریرپ	creep <i>v</i>
گسترده در گیاهان	له مه خشکی لوی		
تاج و تاجک - نوک هر چیزی	کا کو لی - نووک - کا کو ل	کرست	crest <i>n</i>
قله	که ل، سه ر - تاجه، پوپه		
کارکنان کشتی، خدمه	کریکاران له که شتی	کروو	crew <i>n</i>
کارگران	کارگه ری که شتی، کری کاران		
بازی کریکت، جیرجیرک	کایه ی کریکت - جورپوه	کریکیت	cricket <sup>1</sup> <i>n</i>
	گه مه به توپه و چو		
جیرجیرک، زنجیره	جیرجیر که ره سی سه رگی	کریکیت	cricket <sup>2</sup> <i>n</i>
گریه کردن، غریا کردن	قیرنای - قیراندن قیچاندن	کرای	cry
		کرای	cries <i>see cry</i>
گناه، جنایت، جرم، جنایت	گوناهه گوناه - جنایه ت - تاوان	کریمه (کرایم)	crime <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جنايتكار-جانی، مجرم	تاوان دار-جنایی-تاوانباری	کری مینل	criminal <i>n</i>
جنایی - تبه کار	تاوانی-جنایی-به دکرده وه	کری مینل	criminal <i>adj</i>
سرخ،خون رنگ،زردشکی	سوور-ئال-ون ره نگ	کریم زن	crimson <i>n</i>
چلاق،لنگ،معلول،شل	شهل - کوچ،گیر	کری پل	cripple <i>n</i>
چلاق / لنگ شدن	شهل بیهی-شهل بوون	کریل	cripple <sup>1</sup> <i>v</i>
بهران، گرفتاری، شور	کوچ وئی فلیج بیهی		
	گرفتاری - ته نگ و چه له مه	کرایسز	crisis <i>n</i>
	وه یویر خاله باری-شیواوی		
تود، شکنده - تود و تازه	نهرم و شل-توت-چین دار-تاز،	کریسپ	crisp <sup>1</sup> <i>n</i>
چییس - فوح بخش	چییس ملوول-ئالاو-خوش	کریسپ	crisp <sup>2</sup> <i>n</i>
ایوادگرفتن،سخن سنجی	ئیرادگرتهی-دا کوتان	کری تی	criticize <i>v</i>
کردن	به ره ک گرتهی،رخنه گرتن	سایز	
منتقد،انتقادکننده،خُرده گیر	عه یب گیر-ئا شو-ته شه رده ر	کری تیک	critic <i>n</i>
انتقادی،ایرادگیر،نقدگرانه	ئیرادگری-چولکه شکینی	کری تیکال	critical <i>adj</i>
انتقاد،نکوهش،نقد	ته شه ر-چولکه شکین	کری تی	criticism <i>n</i>
	ورده گیر-ئیراد	سیزم	
صدای قورباغه وکلاغ	ده نگو قرواقی که رده ی-قرواقی	کروکی	croak <i>v</i>
دراوردن	ده نگی قرواقی ده رهاوردن		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کاسه بشقاب، کاسه (ظروف سفالی)	دهوری، جامو له کاسه، خنجان	کۆکری	crockery <i>n</i>
تمساح، کروکودیل	تیمساح، ماره ساوه ی ناویه	کۆکدیل	crocodile <i>n</i>
پریسج و خم، بشیاد فلادار	نه هه نگی پوزه دار	(کروکودیل)	crooked <i>adj</i>
غله، حبوبات - بار، محصول	کۆل - لاریگیره مهج دار، بادار	کۆکید	crop <i>n</i>
گروه، چینه دان	به ره هم - حاصل بهر	کۆپ	
علامت ضربدر (x)، حلیب	مووی کۆل، کلۆزرک		cross <sup>1</sup> <i>n</i>
گذشتن، عبور کردن، دورگه	مه ددو خیت سه لیب - پانی	کراس	cross <sup>2</sup> <i>v</i>
چهارراه، تقاطع	ره دبییه ی - گوزه رکردن	کراس	crossing <i>n</i>
ناراحت، خشمگین	جوارری (را) - یاگی هورت ته قی	کراسینگ	cross <sup>3</sup> <i>adj</i>
پیوند زدن	توره ناره حهت، جری	کراس	
(تقاطع) چند راه	بازودوه ره نگ - قه لۆ		crossroads <i>n</i>
جدول حروف	چوار را - شارا	کراس رودز	crossword <i>n</i>
چمباتمه / چهارزانو زدن	جه دوه ل	کراس ورد	crouch <i>v</i>
قوز / کز کردن	دانۆندن - نامیای - قوتودای	کرنوچ	
زاغ، کلاغ، بالیدن	جو جکه دای - چوار جامه دای، کز کردن		crow <i>n</i>
انبوه مردم، جمعیت	قشقه ره - جورهی قالاوی	کرنو	
لزدحام کردن، جمع شدن	سیاو و چه ره مه - قه ل - قالاو		crowd <sup>1</sup> <i>n</i>
شلوغ، پرجمعیت	جه مه و مه رمی - شلوق	کرنود	crowd <sup>2</sup> <i>v</i>
	قه ره بالغ - قال		crowded <i>adj</i>
	جه م بون - جه م بییه ی - گلیر و بییه ی	کرنود	
	شلوقی - قال - پرنفوس	کرنود	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تاج، دیهیم شاهی	تاجه - جخه - تاج و نه فسه ر	کرون	<b>crown</b> <sup>1</sup> n
تاجگذاری کردن	تاج سه ره نیای - تاج له سه رکودن	کرون	<b>crown</b> <sup>2</sup> v
نارس - ناجور، نامربوط	خام نیا و اسنه گه ییگ	کروود	<b>crude</b> adj
خام	ناره و، ده یمی		
بیرحم، دیگوازله زالم	بیره حم زالم نیا و	کروول (کزل)	<b>cruel</b> adj
بیرحمانه، بالاساوت	بیره حمی زالمی	کرولی	<b>cruelly</b> adv
	به دل ره قی	(کزلی)	
دیگر ازاری، ستمکاری	بیره حمی زالمه تی	کرولتی	<b>cruelty</b> n
خوده، تکه	ورده نان - تیکه چت ورده	کرام	<b>crumb</b> n
فروپختن، ریزش کردن	کروچای - کروتیه - ورد کردن	کرامبل	<b>crumble</b> v
ریز کردن	رژای - ته پین، روخان		
با فشار سنگین صدمه دیدن	تلیقنای - پلچو که رده ی	کراش	<b>crush</b> v
له شدن، ظلم کردن	پانو کردن - وردبون		
بخش خارجی (نان)، پوسته زمین	لجی نانی - پی ست ده وری نان کراست		<b>crust</b> n
چوبزیرفل - چوبدستی	چوچیر و بالی - گوجان	کراچ	<b>crutch</b> n
	چیوی ژیری بال، گالوک		
فریاد کشیدن - گریه کردن	قیقنای - قیقراندن	کرای	<b>cry</b> <sup>1</sup> v
زلی کردن	گه وای (گریان)، به کول گریان		
داد و پاد و زلی	هاوار داد و فهاد	کرای	<b>cry</b> <sup>2</sup> n
تولگر به سنان، بچه	پار کو له - توتو ته کو له - توتک	کاب	<b>cub</b> n
	منالی نا آرام بچه چکه		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مکعب، توان سوم ریاضی	هه شت سووچ موکه عه ب	کیوب، کاب	cube <i>n</i>
	شه ش دیم (روو)		
مکعبی، مکعب شکل	هه شت سووچی شه ش رو	کیوبیک	cubic <i>adj</i>
	شیوه		
خیار - نشخوار	هاروی - خه یار - خیار کاویژ	کیوکامپر	cucumber <i>n(cud)</i>
	تروزی و چه مه ره		
دراغوش کشیدن، بغل کردن	له باوه ش گرتن - نه وشێ گرتی	کادل	cuddle <i>n</i>
سراستین، لبه لباس و...	سه رقوڵ - په راویژ و لیباسی	کاف	cuff <i>n</i>
آماده کشت کردن	کیلان کالای، پهروه ردن	کالی تی ویت	cultivate <i>v</i>
به عمل آوردن	کشت و کال که رده ی		
آماده کشت و زرع، پرورش	کشت و کال - وه ی که ری	کالی تی وشن	cultivation <i>n</i>
	به خێو که ری، کیل		
فرهنگ (راه و روش زندگی)	ریوره سمی ژ یانی خه لک	کال چر	culture <i>n</i>
مردم، تریت	- فه ره نگ - ده هب		
حقه باز، نیرنگ باز	نادرووس زوڵفه ریوکار	کاتینگ	cunning <i>adj</i>
مکار - هیله	فیل باز		
فنجان - جام، کاپ	فنجان - جام (جامی شه راو)	کاپ	cup <i>n</i>
قفسه، گنج، کابینت	گه نجه - قه فه سه - کومود	کاپ بورد	cupboard <i>n</i>
درمان / معالجه کردن	شه فادان - ده رمان که رده ی	کیور	cure <sup>1</sup> <i>v-n</i>
چاره - شفا	عیلاج کردن، چاره، عیلاج		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شفا، درمان، علاج	شه‌فاعةلاج-عیلاج ده‌رمان کیور		cure <sup>2</sup> n
کنجکاوی، پیگیری، فضول	گوش به‌زه‌نگ‌شون‌گیر کیوریس		curious adj
	وری‌او‌چاودیر، عه‌راف		
کنجکاوانه، فضولانه	به‌وریایی-چه‌م‌داری کیوریس‌لی		curiously adv
کنجکاو، ئحفه	وری‌ایانه-چه‌م‌داری کیوریس‌تی		curiosity n
پیچ دادن - حلقه زدن،	پیچ‌نای‌لولول‌که‌رده‌ی کیرل		curl <sup>1</sup> v
فرزدن - پیچاندن	هه‌لقه‌کردن و خولدان و یادان		
پیچ، حلقه، فز، تاب	پیچ‌هه‌لقه‌لولول‌بیا کیرل		curl <sup>2</sup> n
حلقوی، پیچی، فزی	خرتی-خری-خرخالی کیرلی		curly adj
	ئاسا‌لولولی و یادانی		
پول (رایج)، دست به دست	پوولی مه‌رسووم‌بلاؤ کارنسی		currency n
گشتن - گردش پول	پوولی باوی‌روژ		
جریان (اب، برق، ...)	باو‌ره‌سم‌بلاؤ‌قرمه‌و‌ئاوی کارنت		current n
رایج کنونی	ره‌ونده‌ئا‌تو‌چو-ئاموشیه		
غذای تند و تیز و زردچوبه	جو‌ره‌ی پی‌خورقه‌شاو کاری		curry n
هندی	چاشتی تونه‌زه‌رده‌چو		
غذای ادویه دار	چیشتی تن و ئالته‌دار کارید		curried adj
	چاشته‌ی ئالته‌داره		
نفرین / لعنت فرستادن	کروزی‌ای‌دژمان‌دای‌دوعا‌کردن کیز		curse <sup>1</sup> v
بدھنی کردن	خراوه و تن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نفرین، لعنت دشنام، ناسزا	خراوه دژمانی - دوعا - خراپه	کِرز	curse <sup>2</sup> <i>n</i>
پرده (پنجره، در، ...)	په رده - دهر پۆش	کِرتَن	curtain <i>n</i>
پیچ، انحنا، قوس خمیدگی	کۆل که وان قه مچ وبا	کِرو	curve <sup>1</sup> <i>n</i>
	که مان و بادان		
پیچیدن، پیچ خوردن	قه مچایی - پیچ خواردن	کِرو	curve <sup>2</sup> <i>v</i>
دور زدن	ئه وه گیلای - چه ماندن ده وردان		
بالشتک تزئینی، پُشتی	سَرینگا پانی - پُشتی چکۆله	کُشن	cushion <i>n</i>
رسم، سنت، رسم و رسوم	ده هب و په سم - پِی و په سم	کاسِیم	custom <i>n</i>
عوارض گمرکی	وعادەت، هه قه گمرگ		
مرسوم، متداول، روا	عاده تی - جی که فت بیاو	کاسِجِری	customary <i>adj</i>
مشتری، خریدار	مشته ری - سانه ر - خه ریدار	کاسِجِیر	customer <i>n</i>
گمرک	گمرگ	کاسِیمز	customs <i>n</i>
کوتاه کردن - قطع / تکه تکه /	په یه ی - جِرین - کۆلۆ	کات	cut <i>v</i>
بریدن و جدا کردن	که رده ی - جگئی کردن		
بریدگی / زخم - قطع، برش	زام - پِیش - کۆت - پاچ - پِرنّا	کات	cut <sup>2</sup> <i>n</i> (cutting)
سرویس کارد و چنگال	کۆمه له ی - کِیرد و چنگال	کات لَری	cutlery <i>n</i>
ابزارهای برنده	ده سوکارد و چنگالی		
چرخه دوچرخه زمانه دوره	دو و چه ر - خه ده و رده و ران - خول سای کل		cycle <sup>1</sup> <i>n</i>
دوچرخه سوار و موتور سوار	دو و چه ر - خه سوار	سای کل یست	cyclist <i>n</i>
دوچرخه سواری کردن	دو و چه ر - خه سواری کردن	سای کل	cycle <sup>2</sup> <i>v</i>

(که رده ی)

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوچرخه سواری	دووچه رخرانی	سای کلینگ	cycling <i>n</i>
چربداد - شُدداد	توفی قورس - گه رده لولول	سای کلون	cyclone <i>n</i>
سیلندر، استوانه	ئستوانه - لوله ئاسا	سیلندر	cylinder <i>n</i>
استوانه‌ای	ئستوانه یی - لولول یی	سیلندری	cylindrical <i>adj</i>
مثانه - تخمدان - کیست	گمیزدان - تیزانگی - تۆم‌دان	کال	cyst <i>n</i>
قیصر - همه کاره‌امور	قه یسه‌ر - تزار	کی سه، لکی ناوسک و جه‌رگ	czar <i>n</i>
زبان چک (شاخه‌ای از اسلاوی)	زمانی چه کی	تزار - زار	czech <i>n</i>
کازه (نام خدای اریایی در	کازه ناوی یه کی له خودا کانی	چک	cza = cazha <i>n</i>
اورامان شمال پاوه) در عهد	میژه له ژوری پاوه له هه ورامان		
اشوریان (کازو)			
ورم مثانه	با کردن و نه خوشی	سیس‌تای تیس	cystitis <i>n</i>
	میژدان، ونه گمیز		
آدم‌بدین و منفی‌باف	به شەری به دگومان و جاش	سینیک	cynic <i>n</i>
لباس	جل و به‌رگ و لیباس	سیپال	cypall <i>n</i>
سیاه - مشکى	سیاو - ره‌ش	سیاو	cyaw <i>adj</i>

i:    ɪ    e    æ    a:    ɒ    ʊ    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too



colonnade



corkscrew



crocodile(def 1)



crab(def 1)



cones



cockle



centaur



JAGUAR



LYNX



PANTHER



LEOPARD



LIONESS



LION



TIGER



PUMA

# D d

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>D</b> <i>n</i>	دی	چواره مین پیتی ئه لفا	چهارمین حرف الفبای انگلیسی
<b>daata</b> <i>n</i>	داته	تاته بیاوک بیا بیا به	پدر - بابا
<b>dab</b> <i>vt</i>	دَب	ره نگ که رده ی (کردن)	رنگ کردن، آهسته زدن
<b>dabble</b> <i>vt,vi</i>	دیل	ته کردن حالای مالین	تور کردن، مالیدن، شلپ شلپ
<b>daddy</b> <i>n</i> (dad)	دَدی	تاته بیاوک بیا به داده	پدر - بابا
<b>daffodil</b> <i>n</i>	دَف دیل	نه رگسه زه ردک نه رگسی زه رد	نرگس زرد
<b>dagger</b> <i>n</i>	دَچِر	خنجره - خه نجره	خنجر، قمه، دشنه
<b>daily</b> <i>adj,adv</i>	دیلی	روژانه بگردنه پرویه	روزانه، یومیه، روزمره
<b>dairy=creamy</b> <i>n</i>	دیری	کارخانه ی شیران	لبنیاتی، لبنیات فروشی
		شووت وره شی	
<b>dam</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	دَم	وه رپه نگ سه ده بیه ریه ست	سد، آب بند
<b>dam</b> <sup>2</sup> <i>v</i> (dammed)	دَم	وه ربه سه ی سه دلیدان	سد بستن، سد زدن
		وه رپه نگ دای - ئاویه ست	
<b>damage</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	دَمِج	له تمه زه ره، تاوان	خسارت، صدمه، آسیب
<b>damage</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	دَمِج	له تمه دی یه زه ره رکردن	خسارت / صدمه دیدن

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مرطوب، نم‌دار، رطوبت	نمناک نه‌م‌دار - ته‌رینسرم	دَمپ	damp <sup>adj</sup>
رقصیدن، رقص	هۆرپرای هه‌لپه‌رین	دانس	dance <sup>1 v</sup>
رقاص، رامشگر	هۆرپه‌که که ره‌هه‌لپه‌ر که	دان سیر	dancer <sup>n</sup>
رقص - مهمانی / مجلس	ره‌قس میوانی	دانس	dance <sup>2 n</sup>
رقص	کۆری هه‌لپه‌رکی		
دانمارکی	خه‌لکی دانمارک - دانمارکی	دین	dane <sup>n</sup>
ریسک، خطر - ضرر	مه‌ترسی - خه‌ته‌ر	دین چر	danger <sup>n</sup>
خطرناک، خطر	مه‌ترسی دار - پر خه‌ته‌ر	دین چوس	dangerous <sup>adj</sup>
شجاع بودن، شهامت داشتن	دیرزات دار - بیه‌ی سی‌باک	دیر	dare <sup>v</sup>
	بوون		
تاریک - تیره، رنگ، شبانگه	تاریکی لیلی	دارک	dark <sup>1 adj</sup>
تاریکی - تیرگی	تاریکی لیلی	دارک‌نس	darkness <sup>n</sup>
تاریکی - تاریک	تاریکی لیلی	دارک	dark <sup>2 n</sup>
عزیز، ملوس، جگرگوشه	به‌نوودلی - نازیز شیرین	دارلینگ	darling <sup>n, adj</sup>
دارت (نوعی بازی)	تیره‌ره‌مه - جووری کایه	دارت	dart <sup>1 n</sup>
تیر - زوبین - خیز	(گه‌مه)، گوله		
تیز / سریع رفتن، خیز زدن	تندلوای خه‌ته‌کردن	دارت	dart <sup>2 v</sup>
سریع / باشتاب رفتن، کوفتن	به‌فره‌لوای به‌توند چوون	دَش	dash <sup>1 v</sup>
خط تیره (-)، ذره	خه‌ته‌ی به‌ینه‌وشه	دَش	dash <sup>2 n</sup>
	خه‌ته‌وما به‌ینوکه لیمان		
تاریخ (روز، مه، سال)، خرما	ته‌نرێخ - تاریخ - وه‌خت وکات	دیت	date <sup>1 n</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خرما - زُطَب	خورما	دیت	date <sup>2</sup> <i>n</i>
دختر - دخت	کناچێ - کچ - نیشک - دَنوود	دُتر	daughter <i>n</i>
سپیده دم، فجر - سحر	شهفه ق - تووله کوسو حی	دُن	dawn <i>n</i>
آغاز	به ریه یان		
روز - شبانه روز، ۲۴ ساعت	رۆژ - رۆشه و وروژ	دی	day <i>n</i>
روشنی روز، سپیده صبح	روشنا - خورتاویو	دی لایت	daylight <i>n</i>
	کاتی رووناکی به یان		
هنگام روز - روز	رۆه خت - کاتی رۆژ	دی تایم	daytime <i>n</i>
مُرده - بی جان	مردو و مه رده - گیان به رشیه	دِد	dead <sup>1</sup> <i>adj</i>
کشنده، مهلک	کوژه ر - کوشه ر - گیان گیر	دِدی	deadly <i>adj</i>
مردگان - مُرده	مه ردی - مردوان - مردگه کان	دِد	dead <sup>2</sup> <i>n</i>
گُر، ناشنوا	که ر - نه ژنه وانه بیسه ر	دِف	deaf <i>adj</i>
دادوستد - اندازه - چوب کاج	مامو له بیه ش - نه نازه	دِیل	deal <sup>1</sup> <i>n</i>
معامه / تجارت / داد و ستد /	مامو له که رده ی (کردن)	دِیل	deal <sup>2</sup> <i>v</i>
رسیدگی کردن - دادن، تقسیم	دابه ش کردن - ره فتار کردن		
کردن			
معامله گر، دلال، واسطه	مامو له گه رده رال	دِیلیر	dealer <i>n</i>
عامل	چیوو ره ش - چت فروش		
عزیز گران گوانمایه	نازیز سه روه ر - گران - عه زیز	دِیر	dear <sup>1</sup> <i>adj</i>
بسیار، گران	زور - گران - فره	دِیرلی	dearly <i>adv</i>
گران، گرانبه قیمت	گران قیمة ت	دِیر	dear <sup>2</sup> <i>adj</i>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
death <i>n</i>	دِث	مردن - مەر ده ی، فو تیان	مرگ، سستی - درگذشت
debate <sup>1</sup> <i>n</i>	دِی بی ت	باس - گو فتو گو - قسه کردن	مذاکرات مهم - رایزنی، بحث
debate <sup>2</sup> <i>v</i>	دِی بی ت	گو فتو گو کردن - باس که ر ده ی	مذاکره / مباحثه کردن
debt <i>n</i>	دِث	قه ر ز لا وه ییه ی - ده ی، قه ر زار	قرض، دین، بدهی
decay <sup>1</sup> <i>v</i>	دِی کی	پو تر کیای - دار ز یان - خمر یای	فاسد / خراب شدن
decay <sup>2</sup> <i>n</i>	دِی کی	وه ر یان - خمر یای - دار ز یان - گه نا	خرابی، پوسیدگی، فساد
deceive <i>v</i>	دِی سیو	خه له تنای - خه ر یو دان	گول زدن، فریب دادن
deceit <i>n</i>	دِی سی ت	خه له تنای - خه ر یو، فیل	فریب، حقه، نیرنگ، تقلب
december <i>n</i>	دِی سیم پر	مانگی دوا ز ده یه مه له سال ی میلادی سیم پر	دسامبر (دوا ز ده همین ماه)
decent <i>adj</i>	دِی سین ت	باش - شایسته و لایق	مناسب - شایسته
decide <i>v</i>	دِی سای د	ئیراده کردن - گه ره ک بو ون	تصمیم گرفتن، اراده کردن
لِی بران حاثا ماده بو ن			
decision <i>n</i>	دِی سی ژن	ئیراده گه ره ک بو ونه وه	تصمیم، فصل، حکم
لِی بران حاثا ماده بو یستن			
deck <i>n</i>	دِک	بنه بیخ جه که شتی	عرشه، کف
عه ر شه ی که شتی			
declare <i>v</i>	دِیک لِر	وتن - چی ر لو ای واته ی	اظهار / اعلان / ابراز کردن
declaration <i>n</i>	دِیک لِر ی شین	چی ر لو ا - نه وه واته واته وه	اظهار، اعلان، بیانه
باس - پراگه یان دن			
decorate <i>v</i>	دِکُورِیت	رازان دن - نه وه راز نای	تزیین کردن، مدال دادن
وِی کوشته ی			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تزیین، دکوراسیون	پازاندنه وه عوی رازنا	دکوریشن	decoration <i>n</i>
زینت دادن			
کاهش یافتن - کم شدن	کم بیهی - کم کردن	دی کریس	decrease <sup>1</sup> <i>v</i>
کاهش، نقصان، تقلیل	وارنه ورده که کم کرده کم کرد	دی کریس	decrease <sup>2</sup> <i>n</i>
رفتار، کردار، سند مالکیت	ره وشت - عه مه ل وره فتار	دید	deed <i>n</i>
عمیق، گود - دور	قوول - قوول	دیپ	deep <i>adj</i>
عمق، ژرفا	قوولایی، چنه ناو	دیس (دیت)	depth <i>n</i>
گوزن - آهو	جور یوه که ل - ناسک	دی پر	deer <i>n</i>
مغلوب کردن - شکست دادن	تیک شکاندن - تارنا ی ماری	دی فیت	defeat <sup>1</sup> <i>v</i>
باخت، شکست	تارنا - تیک شکان باخت	دی فیت	defeat <sup>2</sup> <i>n</i>
	میریای		
دفاع کردن از - حمایت کردن	پشتیبانی کردن - سه ری	دی فند	defend <i>v</i>
	که رده ی - پشت گرتن		
دفاع - حمایت	سه ری - پشتیبانی - پشت گرتن	دی فنس	defenc <i>n</i>
واضح، مطمئن، معلوم	مه علوم - پروون - ناشکرا	دفی نیت	definite <i>adj</i>
به وضوح، قطعاً	به ناشکرای بی ره وشنی	دفی نیت لی	definitely <i>adv</i>
یاغی شدن، عیبیان کردن	چه نه گه ری که رده ی مل هو ری کردن	دی فای	defy <i>v</i>
گستاخ، نافرمان، گردنکش	روودار - چه توون مل هو ر	دی فاینت	defiant <i>adj</i>
درجه، مدرک لیسانس، پایه	ده ره جه مه دره کی دانشگا - پوول	دی گری	degree <i>n</i>
تاخیر، دیرکرد، معطلی	دیر هات - دما که وت دیر کرد	دی لی	delay <sup>1</sup> <i>n</i>
به تعویق انداختن، دیر آمدن	دواخستن - ماتل که رده ی	دی لی	delay <sup>2</sup> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>deliberate</b> <i>adj</i>	دی لی پریت	ئه نه سه سه خۆم به سه سی	عمدی، ارادی، سنجیده
<b>deliberately</b> <i>adv</i>	دی لی پریتلی	ئه نه سه سه سه ده سه سی	عمداً
		به سه سی	
<b>delicate</b> <i>adj</i>	دی لی کیت	نهرم و شل زهری فانه روت	ترد، ظریف، دلپذیر
<b>delicious</b> <i>adj</i>	دی لی شیز	وه ش تام - خوش تام	خوشمزه، لذت بخش
<b>delight</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	دی لایت	مه سرور - سهروهش	خوشی، شادی، مسرت
		خوشی وهشی	
<b>delight</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	دی لایت	سهروهش که ده سی	مسرور ساختن / کردن
		خوشحال کردن	
<b>deliver</b> <i>v</i>	دی لی وِر	په نه سپار ده سی په پی دان	تحویل دادن، بهانهیدن
<b>delivery</b> <i>n</i>	دی لی وِری	په نه دای - پی سپار - په نه سپار	تحویل، زایمان
		پیدان	
<b>demand</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	دی ماند	لیخواز تن - گهره ک بیه سی	درخواست / تقاضا کردن
		نیاز بیهون، تواستن	طلبیدن
<b>demand</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	دی ماند	لیخواز - چه نه واز	تقاضا، درخواست، مطالبه
		لئی گهره ک بووگ، خوازین	
<b>democracy</b> <i>n (...PL, cies)</i>	دیموکراسی	دیموکراسی - حکومه تی	دموکراسی، مردم سالاری
		مللی و مه ردومی	برابری حقوق
<b>demolish</b> <i>v</i>	دیمولیش	ویران که ده سی حرژنای	خراب / تخریب کردن
		رووخاندن	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ویرانی، خرابی، تخریب	ویرانی - خراوی - روو خاندنه وه	دیمولیشن	demolition <i>n</i>
به وضوح نشان دادن	پێ نیشان دان - په نه نیشان دای	دیمونستریشن	demonstrate <i>v</i>
اثبات کردن	پێ و تن		
شرح - تظاهر، برهان و بیان	ده لیل واته ی - نما نای	دیمونستریشن	demonstration <i>n</i>
پیشه، کتاف، خلوتگاه	لیانه و گیانداران - مه ره - کون	دین	den <i>n</i>
آبوه، متراکم، کند ذهن	هه س - پته ووشیریا - پور	دینس	dense <i>adj</i>
دندانپزشک	ده ندان ساز - دوکتور و دانی	دینتست	dentist <i>n</i>
تکذیب / انکار کردن	هه شا که ره دی - ژیری بار نه روین دی نای		deny <i>v</i>
طرده / عاق / کردن	مل نه دان		
حرکت / ترک کردن	روین - هه ره جمای - پروشتن	دی بارت	depart <i>v</i>
حرکت، عزیمت، رهسپار	جمای - داجوین - له وه ی	دی پارچر	departure <i>n</i>
بخش، حوزه، اداره	به ش - هه داره - شوین	دی بارت مینت	department <i>n</i>
وابسته بودن - اعتماد کردن	مه ربووت بیه ی - بیا و کردن	دی پند	depend <i>v</i>
وابسته، متکی، دلگرمی	مه ربووت وه سل - با وهر	دی پندنت	dependent <i>adj</i>
گذشتن - سپرده بانگی	نه ره وه ی - نه مانته سپارده ی	دیپوزیت	deposit <sup>1</sup> <i>v</i>
داشتن، رسوب کردن	دانان، پول و سته ی		
ودیع، پیش پرداخت، سپرده	به یعانه وه لی - دا - پیش دهر	دیپوزیت	deposit <sup>2</sup> <i>n</i>
باربری، انبار، بار، پایانه	همار - هماره بار - یارکیشی	دی بو	depot <i>n</i>
افسرده کردن، فشار دادن	خه مین - که ره دی - غه مبار کردن	دی پرس	depress <i>v</i>
افسردگی، غمگینی، تورفتگی	خه مینی - له لولوی - غه مباری	دی پرسین	depression <i>n</i>
عمیق	قوول	دیپ	depth <i>see</i> deep

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جانشین، نماینده، معاون	جێ نشین - یاگه گیر وه کێل	دی بیوتی	deputy <sup>n</sup>
پایین / فرود آمدن	خوار هاتن - وه نیشته ی	دی سبند	descend <sup>v</sup>
	وار نامه ی		
خلف، زاده، فرزند، نواده	زه ورو و لو له منال کۆر په	دی سبندنت	descendant <sup>n</sup>
توصیف / تشبیه کردن	باس که رده ی (کردن)	دیس کرایب	describe <sup>v</sup>
	کیشای هوردای (به بیان کردن)		
تصویر، توصیف، تعریف، نوع	باس کیشان به یان - نوع	دیس کرایبشین	description <sup>n</sup>
صحرا، کویر، بیابان	بیوان هه ر دێزار - چۆل - سارا	دیزرت	desert <sup>1 n</sup>
نهی بلد کردن، رها ساختن	بهردان - جیا ناسه ی جه سه روازی	دیزرت	desert <sup>2 v</sup>
سزاوار بودن، لایق بودن	لایق به ی - سزاوار بوون	دیزرو	deserve <sup>v</sup>
الگو، نقشه، طرح، پروژه	نه خشه - نه یه ت به ر نامه	دیزاین	design <sup>1 n</sup>
نقشه... را ریختن	نه خشه مته ی له چاو گر تن	دیزاین	design <sup>2 v</sup>
برنامه ریزی کردن	گه ره ک به یی		
آرزو، امید (میرگه وار وه شه ن)	ئاره زوو - ئومید - ئاوات	دیزایر	desire <sup>1 n</sup>
آرزو کردن / داشتن	ئاره زوو کردن - ئاوات واسه ی	دیزایر	desire <sup>2 v</sup>
میز تحریر، میز کار	میز و نو یسه ی - میزی نو و سان	دیسک	desk <sup>n</sup>
ناامیدی، یاس	ئاو میدی - بی ئاره زوویی	دیس پر	despair <sup>1 n</sup>
	یاس بون		
ناامید / مایوس شدن	ئاو میدی به یی (بوون)	دیس پر	despair <sup>2 v</sup>
دلسرد بودن	بی ئاره زوو به یی - یاس بون		
درمانده، ناامید، ناچار	بی په ناخا ئو میدی - ئاواته واز	دیس پریت	desperate <sup>adj</sup>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نامیدانه، ناچاراً	به نا ئومیدی به ئاواته وازی	دیس پریت	<b>desperately</b> <i>adv</i>
متنفر / بیزار بودن	بجووک ژمیردن بیزاریهی	دیس یانز	<b>despise</b> <i>v</i>
علیرغم، برخلاف، باوجود	هه رچه نیچ هه رچنده ییچ	دیس یایت	<b>despite</b> <i>prep</i>
دسرپس خوراک	چیوانه یی که دما و نان ئی موهران	دیزرت	<b>dessert</b> <i>n</i>
مقصد، سرنزل، هدف	مه به ست ئا مانج ئاوات	دس تین شن	<b>destination</b> <i>n</i>
نا بود کردن / ساختن	ویران کردن خاپوور که رده یی	دیس ئری	<b>destroy</b> <i>v</i>
نا بودی، خوابی، داغان	ویرانی خاپووری خراوی	دیس تراک شن	<b>destruction</b> <i>n</i>
جزء، تفصیل، بیگاری	به ش کۆت ئی له ت ئی به شه کان	دی تیل	<b>detail</b> <i>n</i>
کشف / پیدا کردن	ئه وه یی سه ی دۆزینه وه زانین	دی نکت	<b>detect</b> <i>v</i>
کاراگاه	کارزان ئاگا کار سه رده رچو	دی تکتیو	<b>detective</b> <i>n</i>
پاک کننده، زدا کننده	پاکو که ر ته میس که ر	دیترجنت	<b>detergent</b> <i>n</i>
بدتر شدن، کاستن	خراو کردن به تر که رده یی	دی تیرپریت	<b>deteriorate</b> <i>v</i>
تصمیم قاطع گرفتن	بر یاردان به ئا وورد کردن	دی ترمین	<b>determine</b> <i>v</i>
اراده، عزم، تصمیم	ئیراده عه زم خیال	دی ترم ئی شن	<b>determination</b> <i>n</i>
بیزار / متنفر بودن	بیزاریهی ع قین ورق ل ئی هاتن	دی تست	<b>detest</b> <i>v</i>
توسعه پیدا کردن، رشد یافتن	به ره پ ئی دان زیاده که رده یی	دی و لپ	<b>develop</b> <i>v</i>
رشد، توسعه، گسترش	به ره پ ئی دان خره که ر د زیاده که ر دی و لپ بنت		<b>development</b> <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نقشه، حيله، کلک	نه خشه بئى سهى فیلئى	دى وایس	device <sup>n</sup>
آرم، ابزار	زولئى، ده زگا - ته دبیر		
صرف کردن (وقت،...)	فیداکردن - مه سروپ کهردهى	دى وئوت	devote <sup>v</sup>
ژاله، شبنم	شەو نم - نه لسه گول - نه سه شهو	دینودوو	dew <sup>n</sup>
أریبى، راه أریب، مورب، قطر	چەو ت - لار شە فتوول	دایا ئیل	diagonal <sup>n</sup>
نمودار (نقشه / کار) نما	عه کسه بئینهى چتئى نه خشه	دایگزم	diagram <sup>n</sup>
صفحه، مدرج (تلفن،...)	سه فحهى سه عات و ته له بفون	دایل (دایال)	dial <sup>1 n</sup>
شماره گیر - دکمه	ورادیو (غير یوى بسوچى)		
(با تلفن) شماره گرفتن	ژماره گرتن - شماره گرتەى پەى	دایل (دایال)	dial <sup>2 v</sup>
	ته له بفونئى		
قَطَر، قَطْره، دایره، ضخامت	قایمى - نه ستوورى - خه تهى	دایمېتر	diameter <sup>n</sup>
	نیمه کهره جه دایره		
الماس، لوزى	نه لماس به رده تیژه	دایچند	diamond <sup>n</sup>
	(بهردى به نه رخ)		
دفتر یادداشت روزانه	روژانه نووسى - ده فته روکارى	دایپرى	diary <sup>n</sup>
طاس (بازی)، بازی نرد	ته خته نه رده کهردهى	دایس	dice <sup>v-n</sup>
	تاس و نه رده کردن - ته خته نه رده		
دیکته کردن، گفتن - تحمیل	به ده نگو و تن - دیکته کهردهى	دیکتیت	dictate <sup>v</sup>
دیکته - املا - امر	ئیملا - دیکته - ته لقینئى	دیکتیشن	dictation <sup>n</sup>
فرهنگ لغت، واژه نامه	لوغته نامه - کتیبى و شمو شه نامه	دیکشنرى	dictionary <sup>n</sup>
گذشته do (انجام دادن)	رابر دووى فهرمانى دوو	دید	did <sup>v</sup>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:	
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مردن، خاموش شدن	مردن - مه‌رده‌ی، تاس	دای	<b>die</b> <i>v(died, dying)</i>
موتور گاز و ئیلی، موتور دیزل	گاز و ئیل - موتوری دیزلی	دیزل	<b>diesel</b> <i>n</i>
خوراکی، رژیم غذایی، برزق	چیشیت - چاشتی - پیخوور	دایت	<b>diet</b> <i>n</i>
اختلاف / تفاوت داشتن	فەرق‌بە‌یه‌ی بە‌یه‌ک‌نە‌خواردن	دی فر	<b>differ</b> <i>v</i>
	جوورنه‌بون		
دیگر، متفاوت، گوناگون	جووراو جوور - یۆنه‌ویه‌ی	دی فرنت	<b>different</b> <i>adj</i>
اختلاف، تفاوت، توفیر	فەرق - جیاوازی، شەر	دی فرنس	<b>difference</b> <i>n</i>
پیچیدگی، دشواری، سختی	گیروگرفت - سه‌ختی	دی فی	<b>difficulty</b> <i>n</i>
	ده‌ردیسه‌رزە‌حمەت	کولتی	
چال کردن، حفر کردن، کنندن	کە‌ندن‌کە‌نە‌ی کێلان (کالای)	دیگ	<b>dig</b> <i>v(dug, digging)</i>
	کیه‌ره‌دای، چال‌کە‌ندن		
هضم / گوارا شدن (غذا)	هەزمو تاویای - تواندن	دی جست	<b>digest</b> <i>v</i>
خلاصه کردن	(چیشیت) وردبوون		
هضم، گوارش	هەزەم - تاویای - تواو	دی جس	<b>digestion</b> <i>n</i>
	وردبوونه‌وه	شین	
وقار، بزرگی، خونسردی، شان	گە‌وره‌یی - ختم‌سە‌نگینی	دیگن‌تی	<b>dignity</b> <i>n</i>
کم، سوس، ضعیف، کم‌نور	زایف - کە‌م‌سووما - تارولیل	دیم	<b>dim</b> <i>adj</i>
به طور ضعیف	بە‌زایفی - بە‌تاری	دیم‌لی	<b>dimly</b> <i>adv</i>
قیل و قال، غوغا کردن	قاله‌ قال - هەرا‌هەرا	دین	<b>din</b> <i>n</i>
	سە‌رنای		
شام	چیشیتی ئێوارە - نانه‌وویره‌گە‌ی	دی‌زیر	<b>dinner</b> <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>dip</b> <i>v(dipped, dipping)</i>	دِیپ	مه له که ده ی-دلی ناولوای	در مایع فرو بردن و درآوردن
<b>direct</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	دای رِکت	راس - رِیک، سه رِراس	مستقیم، راست، کامل
<b>directly</b> <i>adv</i>	دای رِکتلی	جابه جا - به رِیکی	به طور مستقیم
<b>direct</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	دای رِکت	رِشموونی کردن - رانموونی	راهنمایی کردن، اداره
		که ده ی-نیشان دای	کردن
<b>direction</b> <i>n</i>	دای رِکشین	رِی - رِا لاچار سه مت	جهت، راه، مدیریت، حکم
<b>director</b> <i>n</i>	دای رِکتیر	ره یس - گه وره مودیر	رئیس، مدیر، کارگردان
<b>directory</b> <i>n</i>	دای رِکتیری	ده قته رِی ره ههما ده قته رو	دفترچه راهنما
		ته له یقونی یا...	
<b>dirt - road</b> <i>n</i>	دِرت رِئود	جاده ی خاکی	جاده خاکی
<b>dirt</b> <i>n</i>	دِرت	چلکین - چه په له که، خۆل	لکه (قابل برطرف شدن)، چرک
<b>dirty</b> <i>adj</i>	دِرتی	پیس - چلکین، حیز و خیز	کثیف، آلوده، نادرست
<b>disable</b> <i>adj</i>	دیس ای بلد	داماگ - نگو مه زایف یی هاز	معلول، ناتوان
<b>disadvantage</b> <i>n</i>	دیس ادوان تیج	عه یبه سه ناسی - ناریکی	عیب، نقص، کم مایگی
		زه ره لاره خوار	
<b>disagree</b> <i>v</i>	دیس اگری	پازی نه یه ی (نه بوون) - ره دکردن	نپذیرفتن، مخالفت کردن
<b>disagreement</b> <i>n</i>	دیس اگری مینت	نارازی - ناکوکی - نه سه له میا	ناسازگاری، اختلاف
<b>disappear</b> <i>v</i>	دیس لیر	نقم بیه ی - گوم بوون - خۆشاردن	ناپدید / پنهان شدن
<b>disappoint</b> <i>v</i>	دیس ایوینت	ناثو مید کردن - تاره زوو	مایوس / ناامید کردن
		په دل ناسه ی، دل سه رد کردن	
<b>disappointment</b> <i>n</i>	دیس ایوینت مینت	ناثو میدی - تاواته وازی	ناامیدی، خیطی

ua pure    p pen    b bed    t tea    d did    k cat    g got    tf chin    d3 June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مصیبت، بلا، دیاری	به لاشه رنگبه تی - قوشمه	دیز آستیر	disaster <i>n</i>
صفحه گرامافون، صفحه	هواره گرام سه نه ی ناوازو پینه	دیسک	disc = disk <i>n</i>
انضباط، نظم، اطاعت	نه زم - ته ر تیب رازاوه نه زم داری	دی سی بلین	discipline <i>n</i>
تخفیف - کاهش	که م کرد نه وه که م و که رد	دیس کتونت	discount <i>n</i>
منصرف کردن، مأیوس	په شیمان که رده ی دلسارد	دیس کاریج	discourage <i>v</i>
کردن	کردن له		
کشف کردن، دریافتن	بیسه ی دوزین - په نه زانای	دیس کاور	discover <i>v</i>
کشف، اکتشاف، نوایی	دوزینه وه - نه وه بیسه	دیس کاوری	discovery <i>n</i>
	رایه رده ی به		
تشخیص دادن - تبعیض	جیاوازه رده ی هورسره	دیس کری می نیت	discriminate <i>v</i>
قابل شدن	نگنای - یو به رده ی (بردن) - زانین		
تبعیض، شناخت	جیاوازه رده ی واقه رق دان	دیس کری می نیشن	discrimination <i>n</i>
گفتگو کردن درباره چیزی	قسه که رده ی جه مه وه سی وه	دیس کاس	discuss <i>v</i>
	نه بیاس کردن یو		
گفتگو، بحث، حرف زدن	قسه و بیاس - گفتگو گو تو و یژ	دیس کاس	discussion <i>n</i>
	شن		
بیماری، مرض، ناخوشی	ناوه شی - نه خوشی - نازاره	دیز یز	disease <i>n</i>
رسوا، شرمند هتنگ	به دنامی - رسوا جی - نایرویی	دیس کریس	disgrace <i>n</i>
تغییر قیافه / لباس دادن	وی واری - خو گو ران	دیس گایز	disguise <sup>1</sup> <i>v</i>
	شیوه واری		
تغییر قیافه، لباس مبدل	خو گو رپوی واری	دیس گایز	disguise <sup>2</sup> <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تغییر قیافه، نقاب	خۆگۆری-وێ واری	دیس گایز	disguise <sup>2</sup> n
بیزار کردن - انزجار	بیزار کەردهی-عاسی کردن	دیس گاست	disgust <sup>1</sup> v
زنده، تهوع آور	رق لێ چو قین وه نه نامه	دیس گاس	disgusting adj
	هۆق ناوهر	تینگ	
تنفر، بیزاری، انزجار	عاسی بیزاری-زیل وه	دیس گاست	disgust <sup>2</sup> n
	نه شیو یای-قین لێ هات		
بشقاب - خوراک، غذا	دهوری-چیشته-چاشتی	دیش	dish n
نا درست، متقلب، دغل	فیل باز-چاچۆلباز-لار	دیس انیست	dishonest adj
ضد عفونی کردن	میکروب کوشتن-میکروب	دیس این فکت	disinfect v
	کوشته یی		
ضد عفونی کننده، گندزد	میکروب کوژ-میکروب کوژ دس این فکتند		disinfectant n
نفرت داشتن، بیزار بودن	قین وه نه نامه یی-رق لێ بوون دیس لایک		dislike <sup>1</sup> v
	خۆش نه هاتن بئیی مه یلی		
نفرت، تنفر، بیزار	قینه رقی-قین-خۆش نه هات	دیس لایک	dislike <sup>2</sup> n
ناسپاس، بی وفا، خاین	بئیه وه فاسیی بهر چار	دیس لیل	disloyal adj
	بئیه وه رچه م-سقله		
غم انگیز، ملال آور، تیره	خه مناک-خه فته بار، تاریک	دیزیل	dismal adj
نگرانی، بیعت زدگی، بیم	په ریشانی-حه یرانی به حهت	دیس می	dismay n
مخصص / اخراج کردن	وهردای بهردان بهر کەرده یی	دیس میس	dismiss v
	دهر کردن		
تمرد / نافرمانی کردن	مل هوری کەرده یی-گۆی شل	دیس ایی	disobey v
	نه کردن		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نافرمانی، سرپیچی	مل هوڤی-گوڤی نه دان	دیس ایی دینس	disobedience <i>n</i>
	ژیر نه چون		
نافرمان، سرکش	مل هوڤ-چیر نه لوا	دیس ایی دینت	disobedient <i>adj</i>
	گوڤی نه ده ر		
نامرتب، مختل، بی نظم	تاریک هه له شه نه بیه جی	دیس آرگنایس	disorganize <i>adj</i>
به نمایش گذاشتن	پی شان دان - ئیشان دای	دیس پلی	display <sup>1</sup> <i>v</i>
نمایشگاه، نمایش	ئیشان دای به رچاودیران	دیس پلی	display <sup>2</sup> <i>n, v</i>
	له به رچاوخستن، پیشانگه		
مرتب کردن - متعایل کردن	نه زم دان - سامان دان	دیس پتوز	dispose <i>v</i>
دعول، دعوی لفظی، بگو مگو	داوا ده دم قره شه ر دم	دیس پیوت	dispute <i>n</i>
تاراضی، ناخرسند	ناره زایی، عمل نه دان	دیس آتی س	dissatisfied <i>adj</i>
	فاید		
حل شدن، اکردن، فسخ	تاواندن - تاوانای - حل کهرده ی	دیزولو	dissolve <i>v</i>
دور، دور دست، دیراشنا	دوور - دووره جی	دیس تبت	distant <i>adj</i>
فاصله، مسافت، دوری	مایه بین - دووری - به بین	دیس تنس	distance <i>n</i>
مشخص، مختلف، مجزا	جگجی - جیا به علوم پروون	دیس تینکت	distinct <i>adj</i>
به وضوح، به روشنی	به ئاشکرا - به روشنی	دیس تینکتلی	distinctly <i>adv</i>
تشخیص دادن، ممتاز کردن	په ی به رده ی - ژناسین	دیس تینگ ویش	distinguish <i>v</i>
	بی ژانین		
معروف و سیرجسته، ممتاز	بناو یا نگ - نامدار	دیس تینگ ویش د	distinguished <i>adj</i>

i:    ɪ    e    ae    a:    ʊ    ɔ:    u    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گرفتاری - پریشانی	په‌ریشانی، گیر و گرفت	دیس ترس	distress <sup>1</sup> n
پریشان / مضطرب ساختن	په‌ریشان کردن - ته‌رس له‌دل	دیس ترس	distress <sup>2</sup> v
رنج دادن	(بردن) - سۆلنای		
بخش - توزیع کردن	به‌ش کردن به‌ش که‌رده‌ی	دیس‌تری بیوت	distribute v
پهن کردن	بلا و کردن، داخستن		
توزیع، بخش، سهم	بلا و - به‌ش - دابه‌ش	دیس‌تری بیوشن	distribution n
منطقه، ناحیه، حوزه	وه‌لات - ته‌ته‌قه‌مه‌له‌یه‌ند	دیس‌تریکت	district n
مزاحم شدن - جابجا کردن	تیک‌دای - ملۆزم و موکل بیه‌ی	دیس‌ترب	disturb v
بی‌نظمی، اغتشاش، مزاحم	ته‌ق‌وله‌ق - ئاشۆشلۆق	دیس‌ترب‌شن	disturbance n
جویبار، نه‌ر، گودال	جو - جوگه - چالی - ده‌ره‌و چه‌م	دیج	ditch n
شیرجه زدن، زیر آب	فرته‌ئاو - دلێ ئاوی پرای	دایو	dive v
رفتن	ئاوئاو په‌رین و قوین		
غواص، شیرجه‌رو	ئاو باز مه‌له‌وان - ئاوپر	دایور	diver n
تقسیم شدن / کردن	به‌ش کردن به‌ش که‌رده‌ی	دی واید	divide v
تقسیم - بخش، قسمت	به‌ش - دابه‌ش - بیلۆ	دی وی ژن	division n
خدائی، الهی، حدس، نیکو	خودایی - نه‌هووری - خوایی	دی واین	divine adj
طلاق گرفتن / دادن	ته‌لاق دای - جیاوه‌بیه‌ی	دی وُرس	divorce <sup>1</sup> v
	ته‌لاق دان		
طلاق، جدایی، قطع رابطه	ته‌لاق - جیایی - جگئی بوون	دی وُرس	divorce <sup>2</sup> n
احساس دوران سر، گیج	گیج جی - هوْش گئیجان	دی زی	dizzy adj
منگ، حیران	خوله‌سه‌ر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زمان حال فعل <i>do</i> (انجام دادن)	فهرمانی کردن - کرده ی	دوو	<b>do</b> <sup>1</sup> v
	سه رفی <i>do</i> بهو <i>do</i> که س یاسی <i>do</i> فیه	جمع	مفرد
	کردمان - کرده تان	<i>We do</i>	<i>I do</i> کردم - کرده م
	کردتان - کرده تان	<i>You do</i>	<i>You do</i> کردت - کرده ت
	کردیان - کرده شان	<i>They do</i>	<i>He/she/It does</i> کردی - کرده ش
زمان گذشته فعل <i>do</i>	فهرمانی را بر دوی <i>do</i>	دید	<b>did</b> (p of do)
	و یه رده و دوی		
اسم مفعول <i>do</i>	ناوی مه مفعول بو <i>do</i> شیه	دان	<b>done</b> (pp of do)
	و یه رو مو دوی		
وجه وصفی حال <i>do</i> نگارها	دوی ئای ئن جی داریکاره کان	دوینگ	<b>doing</b> npl
انجام دادن، کردن	کردن - کرده ی - خاص کرده ی	دو	<b>do</b> <sup>2</sup> v
ممیزی اسناد	چاودیری سه نه ده کان		<b>document control</b> n
بارانداز، لنگرگاه، بندرگاه	یا گه بار - جی بار خست بار و زگا	داک	<b>dock</b> <sup>1</sup> n
پهلو گرفتن، لنگر انداختن	ویسان - مندرای - یا گئی	داک	<b>dock</b> <sup>2</sup> v
	مندرا و که شتی		
پزشک، دکتر	دو گدر - حه کیم - دو کتور	داکتیر	<b>doctor</b> n
جا خالی دادن، ویراژ رفتن	له ژیره رده چون - لاره قسه کرده ی	داج	<b>dodge</b> v
از مشتقات <i>do</i>	له قی فهرمانی دوو <i>do</i>	داز	<b>does</b> v
	له قودووی - کردن		
سگ، آدم پست فطرت	سه گ - تنو ته ده ل و گه مال	داگ	<b>dog</b> n

ua	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>dog days</b> <i>npl</i>	داگ دیز	چله‌ی هاوین-چلی هامنی	چله تابستان
<b>doll</b> <i>n</i>	دال - دُل	وه یو لئ-یو وکه کایه یو وکیله	عروسک
<b>dollar</b> <i>n</i>	دُلا ر - دِلِر	پوولی ئامریکا دولا ر	دلار (واحد پول) (ک)
		جو ر یو ه پو ل	
<b>dome</b> <i>n</i>	دنوم	گومه ز-ا تاق مه مه شیوه	گنبد، طاق گردن بیه
<b>domestic</b> <i>adj</i>	دِستیک	لینی-یانه گیل مال ره و مالآت	خانگی - اهلی، درونی
<b>dominate</b> <i>v</i>	دومی نِت	دهس لوای زواته دار بییه	سلطه / نفوذ داشتن
		دهس چوون نفوز دار یون	مسلط از نظر ارتفاع
<b>donate</b> <i>v</i>	دنون یت	به خشای-خه لات کردن	بخشیدن، اهدا کردن
		دیاری پیدان	
<b>donation</b> <i>n</i>	دنون شن	به خشای-خه لات دیاری	اهدا، بخشش
<b>donor</b> <i>n</i>	دنوزیر	دیاری ده ر-خه لات کەر	بخشنده، اعطاء کننده
<b>domino</b> <i>n</i>	دامینو	موره‌ی دو مینه	مهره دومینو
<b>donkey</b> <i>n</i>	دانکی	هه ره، که ر-ولاخ، جاش	الاغ، خر
<b>door</b> <i>n</i>	دُر	ده ر به ره ده ر گاتسانه	در، درب (چوبی، فلزی...) درگاه
<b>doorway</b> <i>n</i>	دُروی	پالاوه ژبه ره ده رگا	استانه در، درگاه
		ئاسانه و به ره ی به ره ده رک	
<b>dormitory</b> <i>n,pl</i>	دُرمیتِری	خه و گای گشتی-یا گه و ته ی گرده	خوابگاه عمومی، خوابگاه
		خه و گه ی گشتی	
<b>dose</b> <i>n</i>	دنوز	میزان و ده وای به شه ی له ده و	مقدار دوا، دوز، میزان دارو
<b>dormitory</b> <i>n,pl</i>	دورمی تری	جی خه و یو چنه کس	خوابگاه چند نفری

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نقطه، خال	خال-نوخته-نوختی	دات	dot <i>n</i>
دو برابر، دو لنگه، زوج، دولا	دوانی-جووت-جفت	دابل	double <sup>1</sup> <i>adj, adv, n</i>
دو تایی، دو نفره	دو و جار، دولا		
دو برابر کردن / شدن	دو و به رانبه ر کردن-دو به رانبه ر	دابل	double <sup>2</sup> <i>v</i>
تو دید داشتن، شک کردن	بیهی - دو و جارار دو و شک بیهی-شک کردن	دثوت	doubt <sup>1</sup> <i>v</i>
شک، تردید، دودل، گمان	خانه گمانی کردن خانه گمان-دو و شک-شک	دثوت	doubt <sup>2</sup> <i>n</i>
مردد، مشکوک	دو و شک دار-شک په ی لوا	دثوت فـل	doubtful <i>adj</i>
بدون تردید، بی گمان	بی شک-بی زه ندیبی گومان	دثوت لیس	doubtless <i>adv</i>
خمیر (نان)	هه میر و نانی-هه ویری نان	دثو	dough <i>n</i>
پایین، زیر، به طرف پایین،	خواروار-زیر-چیر	داون-دثون	down <i>adv, prep, adj</i>
در امتداد - به زیر	به ره و خوار		
به طرف پایین	روه و وار-روه و به خوار	داون-وردس	downwards <i>adv</i>
سرازیری، در سواشییی	به ره و خوار سه ره چیر-سه ره و خوار که	داون-هیل	downhill <i>adv</i>
وارونه - معکوس	سه ره و وار-سه ره و خوار	آپ-ساید داون	upside - down <i>adv</i>
کُرمی - نرم	کولکی و نه رم-شـل	داونی	downy <i>adj</i>
جهیزه عروس	جه هاز-پیی ته ک	داوری	dowry <i>n</i>
ستایش و حمد	شو کروحه مد	داکسا لـجی	doxology <i>n</i>
در طبقه پایین	له قاتی خوار-چیر خان	داون-اس-ترز	downstairs <i>adv</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
doze <sup>1</sup> v	داز	وه نوژه رده ی-بووژان کردن	چرت زدن، خواب کوتا
		ناکابه خه و چوون-پینوکی لوی	
doze <sup>2</sup> n	داز	وه نوژی-پینوکی-کوله خه و	چرت، خوابانی
dozen n	دازن	دوانزه چت-دوانزه جه چیه ی	دوجین (دوازده تا)
Dr or doctor	داکتور	و شه ی به جیی دوکتور	مخفف doctor
		باتی دوگدوری	
drag v	دری	به رکشی شای-ده رکیشان	روی زمین کشیدن - لارویی
		کیش کردن-هورگوسه ی	کردن
dragon n	درگین	نه ژده ها-هیزدیه ا-حه فو	اژدها (هیولای افسانه ای)
		ماری فره گه وره	
drain <sup>1</sup> n	درین	کبه ناو-کیبه ره-نکم ناو-کیش	مجرای فاضلاب، زه کشی کردن
		ناوره و-گول (گوله) ری ناو	راه آب
drain <sup>2</sup> v	درین	ناو-کیشای میرگی-ناوده رکردن له	آب کشیدن از - چلانیدن
		گوشین- سوارده ی	
drama n	درامی	چیروک بوئی-نمانای-خوناندن درامی	نمایشنامه، درام - تحریک
dramatic adj	درمیتیک	وه ک داستان-پیر ماجه را	نمایشی، داستان مانند
drank see drink			پرماجرا
draught n	درافت	شته نامه ی دلی-واهور کرد	وزش باد به درون خانه
		سروه ی نه سیم هاتن	
draughty	درافتی	واگابا و شنه دار	باددار - کوران دار

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جرعه، دوز، دم	قولپه ئاو-چۆرگۆلم	درافت	draft <i>n</i>
	ئابجۆبۆشکە		
ترسیم کردن، فرودادن	نە قاشی کێشان-چێو کێشای	دُر	draw <i>v</i>
	پەسم کەردە ی، هەل مژین		
طراحی، رسم، نقشه کشی	نە قاشی پەسم-تەرحە	دروینگ	drawing <i>n</i>
	نەخشە (کێشی)		
کشو	کەشاو	دروێر	drawer <i>n</i>
کُفد - جالباسی	گەنجە کۆمید-جێ لیباس	چست آفدروێر	chest of drawers <i>n</i>
دردناک، وحشتناک، دلهره	ئێش دار فرە خراو-تەرس دار	دردفول	dreadful <i>adj</i>
خواب / رؤیا دیدن	وەرم دیە ی-خەودین	دریم	dream <sup>1</sup> <i>v</i>
خواب، رؤیا، خیال	خ-خواو-وەرم، خەو	دریم	dream <sup>2</sup> <i>n</i>
کاملاً خیس کردن	تەپکردن- تەپکەردە ی	درینج	drench <i>v</i>
	فیسنا ی، خویساندن		
لباس پوشیدن، پانسەمان کردن	لیباس لە بەرکردن-لیباس وەر	دِرس	dress <sup>1</sup> <i>v</i>
پوشاک	کەردە ی، جل و بەرگ		
لباس زنانه / دخترانه	لیباس-جل-سییالّی	دِرس	dress <sup>2</sup> <i>n</i>
لباس یک تکه	(ژنانه-کنا چانه)		
جمع / توده شلن	وانە و ردە ی-بیا هار و د	دریفت	drift <i>v,n</i>
تمایل - باد آورد	گلێر و بیە ی-جە مۆبۆن		
	ماشو ئاو ی، بیرە وەروە		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بامته سوراخ کردن، تمرین	به مه ته کون کردن کول کهرده ی	دریل	drill <sup>1</sup> v
مته، دریل، ماشین بزرگ	مه تی مه ته، مه شق	دریل	drill <sup>2</sup> n
مست کردن، نوشیدن	نوشای - خواردن	درینک	drink <sup>1</sup> v
سرکشیدن تا آخر	مه سی کهرده ی، هور قورنای		
نوشیدنی، مشروب، نوشابه	نوشانه مه ی مه سرووری	درینک	drink <sup>2</sup> n
	نوشه ری		
ریختن، چکه کردن، چکیدن	تکه کهرده ی داتکین بریزان	دریپ	drip <sup>1</sup> v
قطره، چکه، تراوش	دلۆپ قه تره - تکه، چۆره	دریپ	drip <sup>2</sup> n
راندن، رانندگی کردن	به ره رانه ی - ری بردن	دراپو	drive <sup>1</sup> v
به حرکت در آوردن	رانه به رده ی، به ریوه بردن		
راننده	شغور - ریهر	دراپور	driver n
مسافرت - جاده اختصاصی	ریی تاییه ت سه فه ر	دراپو	drive <sup>2</sup> n
پشتکار	یه دوور - ته یوه تی را		
پژمرده شدن، پلاسیدن	سه ر شوڤ کردن سیسیایی	درووب	droop v
	هه ژارییه ی - شل بون		
انداختن، افتادن، رها کردن	تکای - تکین که وته ی جه که وتن	دراپ	drop <sup>1</sup> v
قطره، چکه، بریزش	قه تره - تکه دلۆپ، که می	دراپ	drop <sup>2</sup> n
خشکسالی، بی آبی	وشک سالی - بی ناوی	دراوت	drought n
	بی وارانی		
قطره چکان	قه تره چکین	دراپر	dropper

ua pure p pen b bed t tea d did k cat g got tf chin d3 June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در آب خفه شدن، غرق شدن	خنیکای - خنکان	دراون	drown <sup>v</sup>
دارو و دوا، ماده مخدر	دار و و ده رمان - ده وای	دراک	drug <sup>n</sup>
طبل - ظرف فلزی، دهل	ته پل، په رده ی گوئی	درام	drum <sup>1 n</sup>
طبل زدن، دمبک زدن	ته پل و نه دای - ته پل لیدان	درام	drum <sup>2 v</sup>
طبال، طبل زن	ته پل و نه دهر - ته پل لیده ر	دراپر	drummer <sup>n</sup>
مست، مغمور، الکلی	سه روه ش مه ست بئی هوش	درانک	drunk <sup>1 adj</sup>
مست، دایم الخمر	سه روه ش مه ست بئی هوش	درانکین	drunken <sup>adj</sup>
خشک، کم باران	وشک، بئی ناو	درای	dry <sup>1 adj</sup>
خشک کردن / شدن	وشکو کرده ی وشک کردن	درای	dry <sup>2 v</sup>
دیم کاری	ده یم کاری	درای فارمینگ	dry-farming <sup>v</sup>
مرغابی، اردک، زیوایی	مراوی - مرغابی، چیراوی	داک	duck <sup>n</sup>
بچه مرغابی / اردک	به چه مرغابی به چکه مراوی	داک لینگ	duckling <sup>n</sup>
	جولکه مراوی		
پرداختی - وقت مقرر، درخور	ده ین هه ق هه ق به لا - پیا، ان	دیوو - دیوو	due <sup>adj</sup>
به علت، به سبب	له به ربه خاتره و - جه وه رو	دیوو - توو	due to <sup>prep</sup>
چک بی محل	چه کی بئی محل و خالی	دادچک	dud-cheque
وعده - سر رسید	وه عده - وهخت	داددیت	dud-date

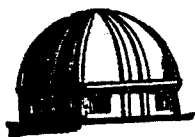
f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>duffer</b> <i>n</i>	دافِر	گِیل - زۆل گه‌وج	ادم کودن - متقلب
<b>dull</b> <i>adj</i>	دال	ته‌مه‌ل - دِیژ - تِیر، خول گه‌وج و گِیل لیل	تیره، گرفته - تنبل، کودن
<b>dumb</b> <i>adj</i>	دام	لال، بنگ، کم‌حرف	
<b>dump</b> <sup>1</sup> <i>v, n</i>	دامپ	فره‌دای بفره‌دان و فروتن	دور ریختن، بیرون ریختن
<b>dump</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	دامپ	مته‌ی - گوربز زویل دان - جیگه‌زویل	خپل، توده اشغال خوابه، زباله دانی
<b>during</b> <i>prep</i>	دیورینگ	جهد و ختوله کاتی له‌واده‌ی	در مدت - در زمان، طی،
<b>dusk</b> <i>n</i>	داسک	جهد و عده‌و ویره‌گه - ئیواره‌وه‌خت	در خلال - موقع غروب، سرشب
<b>dust</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	داست	مه‌غریو لیل و مه‌غریوی تۆزه - خاک و گهرد	گرد و خاک، غبار
<b>dust</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	داست	خوَل و خاک خاک و خوَل مالا‌ی گهرد	گردگیری کردن
<b>dustbin</b> <i>n</i>	داست بین	وتۆز مالین زویل دان - جیگه‌شه‌خه‌ل	اشغال‌دانی / زباله دانی
<b>dusty</b> <i>adj</i>	داستی	یاگه‌شه‌خه‌ل تۆزی - خوَلی - خاکی	خاکی، پُر گرد و خاک
خاکی‌پۆه‌تلیا (خه‌ریبی بنالی)			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وظیفه - در حال انجام وظیفه	وه زیفه - ماموریت	دیووتی	duty <i>n</i>
کوئوله سکوئاه قد	با واقوهرت - کورتیه بالا	دورف	dwarf <i>n</i>
رنگ کردن، رنگ زدن	ره نگ کردن - ره نگ کرده ی	دای	dye <sup>1</sup> <i>v-n</i>
	ره نگ		
کارخانه رنگ	کارخانه ی ره نگ	دای و رکس	dye <sup>2</sup> works <i>n</i>
رنگرز - صباغ	ره نگ که ره نگر یز - خم چی	دایر	dyer <i>n</i>
کارخانه رنگرزی	کارخانه ی ره نگ کردن	دای و رکس	dye works <i>n</i>
	خم خانه		
رنگرزی - صباغی	ره نگ گه ری - خم گه ری	داینگ	dyeing <i>n</i>
	داینگ		
رنگ - جوهر - ماده رنگ	ره نگ - خم	دای استاف	dye-stuff <i>n</i>
مردنی - در حال مُردن	مهرده لۆخ یی - هازیی تین	داینگ	dying <i>adj</i>
دینامیت	دینامیت (ته قه مهنی)	دای ن مایت	dynamite <i>n</i>
دینام - دستگاه مولد برق	ده زگای به رق ده ر	دای نیو	dynamo <i>n</i>
اسهال خونی	سک چون - له م لوای	دی سن تری	dysentery <i>n</i>
سوء هاضمه	سک ترش کردن - ناکوکی	دیس پی سی	dyspepsia <i>n</i>
	میده		

i:    i    e    ae    a:    ɒ    ɔ:    u    u:  
see    sit    ten    hat    arm    got    saw    put    too



DOME



DEER



DAFFODIL



DRUM



WATER BUFFALO



SHEEP



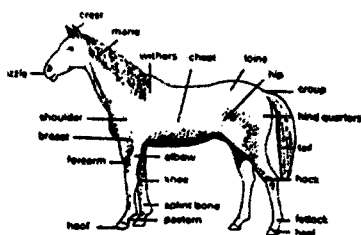
PIG



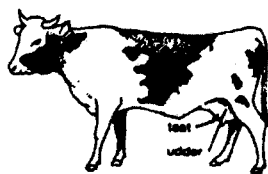
DONKEY



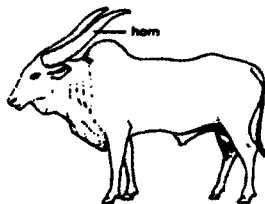
GOAT



HORSE



COW



OX



DICE

# E e

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجمین حرف الفبای انگلیسی	پیتی په نجه م له نه لښای ئینگلیزی ئی		E <i>n</i>
مادر - الهه بارووی	ئا-ئیا خودای ئاشوری (دایک) ئا- ئا		aaa <i>n</i>
هر (هرکدام به تنهائی) هریک	هه ره هه رکام هه رکامی	ایچ	each
مشتاق، شیفته، علاقمند	بی قه رار-ئا واتخواز	ایچر (ایگر)	eager <i>adj</i>
	چه مه روان		
مشتاقانه، بایی، تایی	به بی قه راری جه چاوه روانی	ایگرلی	eagerly <i>adv</i>
	به هیواوه		
عقاب (پرندۀ تیز پرواز) باز	دال-قوش هه لوی کیوی	ایگل	eagle <i>n</i>
گوش - خوشه، سنبله	گوی-گوش-گوییچکه، خوشه	ایر	ear <i>n</i>
گوشواره	گوشواره-گوشواری	ایرینگ	earring <i>n</i>
پیش از وقت مقرب و زود	به وه خت-زو و گورج	ایللی	early <i>adj,adv</i>
درآمد داشتن، به دست آوردن	به ده س هیئان به ده س هاوردن	اړن	earn <i>v</i>
	گیر نه ورده ی		
زمین، کره زمین - خاک	زه ی زمین کورده ی زه ی-خوّل	اړز (اړس)	earth <i>n</i>
زمین لرزه، زلزله	بو و مه له زره زه مین جو ه	اړس کوپک	earthquake <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
راحت، آسان، آسودگی	ره‌حه‌ت، سه‌ده و ئاسوده	اییز	ease <sup>1</sup> n
آسوده کردن / ساختن	ئاسوده که‌رده‌ی ره‌حه‌ت	اییز	ease <sup>2</sup> v
تسکین دادن	کردن، شل کردن		
خاور، مشرق	خۆ‌رده رها‌ت، روژه‌لا‌ت	ایست	east n, adj, adv
	رو‌جیاره‌و‌رز		
شرقی، خاوری	روژه‌لا‌تی، رو‌جیاره‌و‌زی	ایس ت‌رن	eastern adj
به طرف شرق یا خاور	رووبه‌روژه‌لا‌ت، رووه‌و	ایست	eastwards adv
	رو‌جیاره‌و‌رز	و‌ردس	
راحت، بی‌درد، آسوده	ره‌حه‌ت بی‌ک‌شه	اییزی	easy adj
به راحتی، به آسانی	به‌ره‌حه‌تی، به‌ئاسوده‌ی	اییزی‌لی	easily adv
	به‌ئاسانی		
خوردن، بلعیدن	واردی، خواردن، قوت دان	اییت	eat v
صدا منعکس شدن	ده‌نگ‌و‌دای، ده‌نگ‌ه‌لو‌گه‌ریان	ا‌کو	echo <sup>1</sup> v
برگشتن صدا	ده‌نگ‌ه‌و‌رگی‌لای		
انعکاس صدا، پژواک	ده‌نگ‌ه‌و‌رگی‌لا‌ده‌نگ‌ه‌ه	ا‌کو	echo <sup>2</sup> n
تکرار صدا	ل‌گه‌رانه‌وه		
خسوف، کسوف	رو‌جیارگرت‌ه‌ه، تاو‌گرت	ایک لییس	eclipse n (e, of the sun)
	خو‌رگرت‌ه‌مانگ‌گرت		(e, of the moon)
اقتصاد، وضع اقتصادی	ده‌س‌پ‌و‌گرت‌ه‌ی، مال‌و‌دارایی	ایکون می	economy n
اقتصادی، علم اقتصاد	مال‌و‌دارایی، ئقتصادی	ایکنامیک	economic adj (mics)

u      p      b      t      d      k      g      t/      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باصرف کم مصرف	به سوود و که لک بیه نه فح و سوود	ایکنامیکل	economical <i>adj</i>
لبه، کناره - لبه تیز (کاره...)	قەراخ دە و رطیولج، بان جیله	لج	edge <i>n</i>
حد و مرز	ده مه چاقو مودا، حدود		
ناشر، سردبیر (روزنامه...)	بلا و که ر به خوشو که ر	ئیدیتور	editor <i>n</i>
چاپ (کتاب، روزنامه) و پرايش	به ر یوه به ر		
تعلیم دادن، آموختن	چاپ - بلا و ده و ره	ایدی تین	edition <i>n</i>
تربیت کردن	فیر کردن - یادگر ته ی	ئجوکیته	educate <i>v</i>
تعلیم و تربیت، فرهنگ	ته ربیه ته که ر ده ی		
آموزش و پرورش	فیری - یادگری - ته ربیه ته	ئجوکشین	education <i>n</i>
آموزشی، تعلیمی	تالیم، ماریفته		
مارماهی	فهره نگی - خفیری - تالیم	ئجوکیشنل	educational <i>adj</i>
اثار، تأثیر، نتیجه، غایده	مارماسی مارماساو	اییل	eel <i>n</i>
حاصل	نفوزه - کار که ر نه سه ره	ای فکت	effect <i>n</i>
مؤثر، عملی، ثمر بخش	نه سه ره دار به که لک و سوود	ای فکت تیو	effective <i>adj</i>
پُرکار، زورنگ، کارا	که ر ده و به یی		
مدریک و گورج	لایق و ده س لوا کار لیها ته	ای فی شنت	efficient <i>adj</i>
بایزکاری، بابازده	به پشتکاری، به تی کو شه ری	ای فی شنتلی	efficiently <i>adv</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلاش، تکاپو، کوشش	هه‌ل و ته قالا کۆشش	إفورث	effort <i>n</i>
برای مثال	بۆ نمونه-په‌ی نمونه‌ی	إگی	e.g. (exempli gratia)
تخم مرغ، تخم (کبوتر، مار، ماهی...)	هه‌لکه‌ی گیانه‌یه‌ران-هه‌له وکه‌رگی وپله‌وه‌ران و ماری	إگی	egg <i>n</i>
مصر، کشور مصر	وه‌لاتی میسر-وه‌لاتومسری	ای جیبت	egypt <i>n</i>
مصری، اهل کشور مصر	میسری-خه‌لکی میسر	ای جیپشن	egyptian <i>n</i>
	ئه‌هلو مسری		
عدد ۸	ژماره‌ی هه‌شت-شماره‌وه‌شتی	ایت	eighth <i>n, adj</i>
هشتم، هشتمین	هه‌شته‌م-هه‌شتۆم	ایت	eighth <i>n, adj</i>
عدد ۱۸	هه‌ژده-ژماره‌ی هه‌ژده	ایتین	eighteen <i>n, adj</i>
هیجدهم، یک‌هه‌یجده‌هم	هه‌ژده‌یه‌م-هه‌ژده‌هۆم	ایتین س(ت)	eighteenth <i>n, adj</i>
عدد ۸۰	ژماره‌ی هه‌شتا-شماره‌وه‌شتای	ایتی	eighty <i>n, adj</i>
هشتاد، هشتادمین	هه‌شتایه‌م-هه‌شتاهۆم	ای تیس	eightieth <i>n, adj</i>
شکست نور در میدان جاذبه	شکانی نوور له‌مه‌یدانی	ای نس تین	einstein effect <i>n</i>
زمین	جازه‌ی زه‌وین	إفکت	either <i>adj, conj</i>
هر کدام، یکی از دو تا	هر کام-له‌دوان یکی	ای یر	
	چه‌دوینه‌یو		
پُرجه‌زنیات-پیچیده	پرماجه‌را-پیرگری	ای لپورت	elaborate <i>adj, conj</i>
کشی، کش دار	که‌ژدار کیشی-کیش‌نامه	ای لستیک	elastic <sup>1</sup> <i>adj</i>
آرنج، بازو، نچ‌زدن	هه‌ریژن-ئه‌نشک	لل بتو	elbow <i>n</i>
بزرگتر، ارشد	گه‌وره‌ته‌رگه‌وره‌تر	لل یر	elder <i>adj</i>

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بزرگترین	گه‌وره‌ته‌رین - گه‌وره‌ترین	لال ښت	eldest <i>adj</i>
انتخاب کردن، برگزیدن	هه‌لبژاردن - وچنیه‌ی	ایلیکت	elect <i>v</i>
الکتریسته، برق	کاره‌بایه‌رق‌بیرق‌بیروسکه	ایلیک‌تری‌سیتی	electricity <i>n</i>
برقی، الکتریکی	کاره‌بایی‌به‌رق‌بی‌برقی	ایلیک‌تریک	electric <i>adj</i>
الکتریکی، برقی	برقی‌سکاره‌بایی	ایلیک‌تری‌کال	electrical <i>adj</i>
برقکار - مکانیک برق	به‌رق‌چی‌بیرق‌چی‌بیرق	ایلیک‌تری‌شین	electrician <i>n</i>
دروست‌کەر			
زیباشیک‌گیرا	جوان‌زه‌ریف، وه‌ش‌دوخت‌الی‌چنت		elegant <i>adj</i>
به‌زیبایی	به‌جوانی‌به‌زه‌ریفی	الی‌چنتلی	elegantly <i>adv</i>
عنصر، جسم، سیم، سازه	عو‌نسور - تا‌قه‌ه‌ست	الی‌مینت	element <i>n</i>
ابتدائی، مقدماتی، اساسی	سه‌ره‌تایی‌وه‌لی‌وه‌لین	الی‌مینتری	elementary <i>adj</i>
فیل	فیل	الی‌فنت	elephant <i>n</i>
عدد ۱۱	ژماره‌ی‌یازده‌شماره‌ویانزه‌ی	ای‌ل‌ون	eleven <i>n, adj</i>
یازدهم، $\frac{1}{11}$	یازده‌یه‌م - یانزه‌هۆم	ای‌ل‌ونس‌ت	eleventh <i>n, adj</i>
حذف کردن، دفع کردن	لا‌به‌رده‌ی - لا‌بردن - پاک‌کۆ	ای‌لی‌می‌نیت	eliminate <i>v</i>
کردن			
دیگر، به‌جای - بیشتر، علاوه	ئی‌تری‌باتی‌غره‌تر - جگه‌له	ایلس	else <i>adv</i>
بر			
در جای دیگر	یا‌گه‌ی‌ته‌ر - جی‌گه‌یی‌تر	ایلس‌و‌ر	elsewhere <i>adv</i>
شۆنه‌ی‌ته‌ر			
خیبط / دست‌پاچه‌کێچ‌کردن	ده‌سه‌پا‌چه‌کارده‌ی - گێچ‌کردن	ایم‌ب‌ر‌س	embarrass <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دستپاچی، شرم‌نگی، حیا	ده‌س پاچه‌یی، گنجی، هه‌وڵی	ایم‌پرس‌منت	embarrassment <i>n</i>
سفارتخانه، سفیر	بالوێزخانه، یاگه‌سه‌فیر	ایم‌پ‌سی	embassy <i>n</i>
در اغوش گرفتن	له‌باوه‌ش‌گرتن، نه‌وشی‌گرتن	ایم‌بری‌س	embrace <sup>1</sup> <i>v</i>
در اغوش گیری	له‌باوه‌ش‌گری، جه‌نه‌وش‌گیری	ایم‌بری‌س	embrace <sup>2</sup> <i>n</i>
گلدوزی کردن	نه‌خشو‌نگاروسه‌ی	ایم‌برای‌در	embroider <i>v</i>
	گول‌دو‌زی کردن		
گلدوزی، سوزن دوزی	نه‌خش و نگار-گول‌دو‌زی	ایم‌برای‌دری	embroidery <i>n</i>
خارج شدن، بیرون آمدن	دیاری‌دای‌به‌ده‌رکه‌وتن	ای‌میرج	emerge <i>v</i>
اوروانس، اضطراب	فه‌ریاده‌س‌بو‌رووداوه‌کان	ای‌میرجنسی	emergency <i>n</i>
	په‌له‌په‌ی‌وه‌رگلو‌روداوی‌زوویاری		
امیر، حاکم	ئه‌میر-میر-پاشا‌شاه	ایمیر	emir <i>n</i>
عاطفه، احساس، شور	ره‌حم و مروه‌ت‌زووج‌وش	ای‌موشین	emotion <i>n</i>
	گه‌رم‌مه‌زاج		
امپراتور	حاکمی‌حاکمان	ایم‌پ‌ر	emperor <i>n</i>
	شای‌وه‌لاتانی‌زو‌ر		
امپراتوری	ئه‌مپراتوری	ایم‌پایر	empire <i>n</i>
همسر امپراتور	ژنی‌ئه‌مپراتور	ایم‌پریس	empress <i>n</i>
علیا حضرت	ژه‌نه‌وئیمپراتوری		
تاکید کردن، سفارش	سه‌رو‌تسی‌ره‌لو‌ای	ایم‌فیسایز	emphasize <i>v</i>
کردن	له‌بان‌تسه‌و‌یسان		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
استخدام کردن	بوکار گرتن - پهی کاری گرتی	ایم پلی	employ <sup>v</sup>
به کار بردن	بوخزمه ت گرتن به کار نان		
کارمند، مستخدم	خزمه ت کار به کار گرت	ایم پلوی	employee <sup>n</sup>
	به کار گیر یا		
کارفرما، صاحب کار	کار ده ر - صاحب کار	ایم پلویر	employer <sup>n</sup>
کار شغل، استخدام	کار - پیشه	ایم پلی منت	employment <sup>n</sup>
خالی، بوج، تهی	خالی هالی و هو لا	ایم بی تی	empty <sup>1</sup> <i>adj</i>
خالی کردن، تخلیه نمودن	خالی کردن هالی که ر ده ی	ایم بی تی	empty <sup>2</sup> <sup>v</sup>
قادر کردن، توانا ساختن	قوره ت په نه دای به هیژ کردن	ای نیبل	enable <sup>v</sup>
لعاب، مینای دندان	سریش و رینگی له عاو	ای نمل	enamel <sup>n</sup>
	مینا و رووکesh		
احاطه / محصور کردن	ده و روبه ر گرتن - ده و ر گرتی	این کلتوز	enclose <sup>v</sup>
محوطه بسته، محوطه	حه سار - جیی ده و ر گیر او	این کلتوژر	enclosure <sup>n</sup>
نرده	یا گئی ده و ر بینای		
تشویق کردن، دلگرمی دادن	دلگه رم کردن - دلگه رم که ر ده ی	این کاریج	encourage <sup>v</sup>
دائرة المعارف، دانش نامه	فه ره نگي وشه ولوغه ت	این	encyclopedia <sup>n</sup>
	سای کلوییدی		
پایان، آخر، انتها، خاتمه	ئاخر - ته و او - ته مام سه ره ات	این	end <sup>1</sup> <sup>n</sup>
تمام شدن، به پایان رسیدن	ته و او بیون به ئاخر یا وای	این	end <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	ته مام بیی		
سرتاجام، پایان	ئاقیبه ت دوا هات دما ئامه	ایندینگ	ending <sup>n</sup>

u	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هست اندازی و تجاوز کردن	داگیر کردن - نه ره گرتی	لین کروچ	encroach <i>v</i>
بی پایان، بی انتها، مداوم	بی دوا هات بی دما نامه	یندلس	endless <i>adj</i>
	بی شو و مه رز		
طاقت آوردن، تحمل کردن	سه ختی کیشای - تا قه ت	این دوور (دیور)	endure <i>v</i>
	نه ورده ی سه بر کردن		
بردباری، تحمل، طاقت	تا قه ت سه ختی سه بر	این دیتورنس	endurance <i>n</i>
دشمن، خصم	دژمه ن - دوژمن	ان می	enemy <i>n</i>
نیرو، توان، انرژی	قوه هیز - زور	ان رچی	energy <i>n</i>
پرانرژی، فعال	پرهیز - پر زور - قوه دار	ان رجتیک	energetic <i>adj</i>
با انرژی	به هیز - به قوه	ان رجتیکلی	energetically <i>adv</i>
وکیل گرفتن - نامزد کردن	به کار گر تن - قه بول کردن	این گیچ	engage <i>v</i>
	دلی کاری به رده ی		
نامزدی - قرار داد، تعهد	کار قه راره ل بزار گرفتاری	این گیچ منت	engagement <i>n</i>
موتور (بنزینی، ...)	موتور (ماشین)	لین جین	engine <i>n</i>
لوکوموتیوران	شفووره قه تار قه تار پین	لن جین درلیور	engine driver <i>n</i>
مهندس (راه، ...)	موه ندس - نه ندازیار	این جی نییر	engineer <i>n</i>
رشته مهندسی	له قی موه ندسی - نه ندازیاری	این جی نییرینگ	engineering <i>n</i>
از ... لذت بردن، خوش آمدن	له زه دبه رده ی - خوشی و	این جوی	enjoy <i>v</i>
انگلستان	له زه ت بردن (تینگلیس)	این گلند	england <i>n</i>
لذت بخش، دلپذیر	له زه ت دار دل کیش - وه ش	این جوی	enjoyable <i>adj</i>

لیل

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لذت، خوشی، بهرهمندی	له‌زه دله زهت - خو‌شی	این جوی	enjoyment <i>n</i>
	وه‌شی - نیشات	منت	
بزرگتر کردن، توسعه دادن	گه‌وره تر کردن - گه‌وره	این لاج	enlarge <i>v</i>
	که‌رده‌ی (عه‌کسه)		
بسیار بزرگ، عظیم	فره‌گه‌وره مزل و ده‌عبا	اینورمیس	enormous <i>adj</i>
	زورگه‌وره		
بحد کافی، کافی، بسنده	به‌ئه ندازه‌یه سی‌وه‌سی‌وه‌سی	ایناف	enough <i>adj, adv, n</i>
نام‌نویسی کردن	ناونوسی کردن - نام‌نویسی که‌رده‌ی	این‌رنول	enroll <i>vt</i>
حاصل‌خیز کردن - پولدار کردن	قور‌هت دار کردن - خاک	این‌ریچ	enrich <i>vt</i>
وارد شدن، داخل شدن	دلی‌تاه‌می - ناو‌هاتن	لین‌تر	enter <i>v</i>
مهمانی کردن - سرگرم کردن	خلاف‌نای میوانی کردن	لین‌ترین	entertain <i>v</i>
	سه‌رگه‌رم کردن		
سرگرمی، تفریح، پذیرایی	خلاف‌نای میوانی سه‌رگه‌رم	لین‌ترین	entertainment <i>n</i>
	ده‌عو‌هت	منت	
شوق، علاقه، اشتیاق	شه‌وق‌گه‌رمی - ثیلاقه - شه‌ور	این‌تیوزیازم	enthusiasm <i>n</i>
علاقه‌مند، پرشور	به‌ثیلاقه‌وه‌به‌شه‌وقه‌وه	این‌تیوزیاس‌تیک	enthusiastic <i>adj</i>
تمام، کامل، ازگار	گر‌ده‌موو‌گشت - ته‌مام	این‌تایر	entire <i>adj</i>
به‌طور کلی، کلاً	به‌ته‌واوی - گر‌دو‌گرد	این‌تایرلی	entirely <i>adv</i>
مداخل، در‌و‌ودی - آغاز،	ناوده‌رگابو‌ناو - په‌ی‌دلی	این‌ترانس	entrance <i>n</i>
شروع	دلی‌ته‌وه‌ل - ناوده‌رک		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
entry <sup>n</sup>	لین ترای	روه و دلی به ره و ناو دلی - ناو	ورود، دخول، راهرو
envelope <sup>n</sup>	لین ولوب	پاکه ته نامه - پاکه تی نامه	پاکت نامه
		پوژنه ر - دا پوژنه ر	
environment <sup>n</sup>	این ولیرن	ده ورو به ر - جیی ژیان	محیط، دور ویر، محیط زیست
	مینت	یا گئی ژ یوای (ناو - خاک هه و ا)	
envy <sup>1 n</sup>	لین وی	به خیل - حه سودی	غبطه، رشک، حسد
envious <sup>adj</sup>	لین ویس	حه سود به خیل به خیل	حسود، غبطه خور
envy <sup>2 v</sup>	لین وی	به خیل بیه ی - حه سودی	غبطه خوردن، حسد بردن به
		کردن	
epidemic <sup>n</sup>	ایی یمیک	په تانامه ی - نه خوشی گشت گیر	بیماری مسری و واگیر
		ناوه شی گردگیر	
equal <sup>1 adj</sup>	ای کول	به رانبه ر - ێک یه ک	مساوی، برابری، همپایه
equality <sup>n</sup>	ای کولی تی	به رانبه ری به یه ک نه ندازه	یکسانی، تساوی، برابری
equally <sup>adv</sup>	ای کولی	به یه ک نه ندازه به قه دیه ک	به طور برابر
equalize <sup>vt</sup>	ای کولایز	یه ک جوړ کردن	مساوی کردن، برابری کردن
equal <sup>2 n</sup>	ای کول	پسه یۆ یه ک به رانبه ر	همپایه، هموتبه، یکسان
equal <sup>3 v</sup>	ای کول	به رانبه ربوون به یه ک	مساوی / برابر بودن
		نه ندازه بوون	
equator <sup>n</sup>	ای کویتیر	خه ته ولت که ره و زه مینی	خط استوا، استوا
		خه تی له ت که ری زه وی	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مجھز کردن، تجهیز کردن	ئاماده و موجهه ز کردن	ای کوپ	equip <sup>v</sup>
	ئاماده که رده ی		
وسایل، تجهیزات	وه سیلی - ئامراز - ئامرازه کان	ای کوپ بمنت	equipment <sup>n</sup>
واست، عمودی	راسو که رده - قنچ و قیت	ای رکت	erect <sup>1 adj</sup>
	راسو بوو		
برپا داشتن / برافراشتن	ئهره مەرز نای - دامەزراندن	ای رکت	erect <sup>2 v</sup>
	ئەوه که رده ی - سازین		
پی کاری رفتن، ماموریت	به شوینی کاری کاچوون	ای رند	errand <sup>n</sup>
	پێخام به رده ی، دانیان		
غلط، اشتباه، خطا	خه تابه هه له چوون - نادرووس	ایر	error <sup>n</sup>
فوران کردن، منفجر شدن	تره کای - ته کای - تره کین - ته قین	ای رابت	erupt <sup>v</sup>
پله برقی	پله کانه ی به رقیه - پله ی برقی	ایس کلینتر	escalator <sup>n</sup>
گریختن، رها / آزاد شدن	خه لاس و ئازاد بوون - را کردن	ایس کیب	escape <sup>1 v</sup>
نشست کردن گاز	به رشیه ی، قولیره ئه ورده ی		
فلوژ به های، نجات	خه لاس - به رشیه	ایس کیب	escape <sup>2 n</sup>
	ئازادی - نجات		
همراهی کردن، بدرقه	له گه لاچوون - چه نی یوی لوائ	ایس کُرت	escort <sup>v</sup>
کردن	به دره قه کردن		
اسکورٹ، ملازم، بدرقه	به دره قه هاوړی پی	ایس کُرت	escort <sup>n</sup>
	چه نی بیه ی		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بیش از اندازه، مخصوص، مخصوصاً	به تایید، ته یه تی زۆری زۆر	ایس پشلی	<b>especially</b> <i>adv</i>
مقاله، نوشته کوتاه، رساله	نوسراوه ی کورت، نووسراوه	ایبی	<b>essay</b> <i>n</i>
	نویسه ی کۆل		
اساسی، ضروری، واجب	نیاز زه روور ریشه یی	ایسن ثیل	<b>essential</b> <i>adj</i>
قطعه زمین بزرگ، وضع	تیکه زه وی گه وره یارچه	ایس تیت	<b>estate</b> <i>n</i>
دارایی	زه مینی گه وره ملک و مال		
تخمین / حدس زدن	ته قمین دای به رئاورد کردن	ایس تی یت	<b>estimate</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	له پیش حساب کردن		
حدس، تخمین، برآورد و غیره	ته قمین به رئاورد	اس تی یت	<b>estimate</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
واژ این قبیل	چیوانی ته ر-چتانی تر		<b>etc.</b>
صاف، برابر، زوج، ملایم	ساف به رانبه ر-جوت، ئارام	ئی وِن	<b>even</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
به طور یکسان / یکنواخت	به جۆری به رانبه ر	ئی وِن لی	<b>evenly</b> <i>adv</i>
	یه ک جۆر و ریک		
حتی - هم، هنوز	هیمار-جار یکان-حه تا	ئی وِن	<b>even</b> <sup>2</sup> <i>adv</i>
	بۆ نموونه، هیهچتا		
غروب، سرشب	ویره گه-ئیواره سه غریوی	ئی وِنینگ	<b>evening</b> <i>n</i>
	سه ر شهو		
شب نشینی	شه و نشینی	ئی وِنینگ پارتی	<b>evening party</b> <i>adv</i>
اتفاق، رویداد، واقعه	روه دار ووداو-چیو قومیای	ای وِنِت	<b>event</b> <i>n</i>
سرانجام، بالاخره	ثاقیه ت-دو اهات سه رئاخر	ای وِن چۆلی	<b>eventually</b> <i>adv</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>ever</b> <i>adv</i>	اُور	تا ئیسه - تا ئیستا	تا کنون، تا حال - همیشه
<b>every</b> <i>adj</i>	اُوری	هه ره رکام هه رکامان	هر، هر کدام - تمام
<b>everybody</b> <i>pron</i>	اُوری بادی	هه رکه س هه رکه هه موکه س	هر کس، همه (کس)
		گر دکه س	
<b>everyday</b> <i>adv</i>	اُوری دی	هه مو رو پو ژێ، گر د رو پوه	هر روز - روز موه
<b>everything</b> <i>adj</i>	اُوری سینگ	هه ر چیه ی هه ر چت	هر چیز، همه چیز
		گر د چیه ی هه مو چت	
<b>everywhere</b> <i>adv</i>	اُوری وِر	هه ر یا گه ی هه ر شو یێ	همه جا، در همه جا، به همه جا
		گر د یا گه ی گشت شو یێ	
<b>evidence</b> <i>n</i>	اُوری ینس	ده لیله به دره ک بچنچاقه	دلیل، نگاه، مدرک، نشانه
		شاهید - ده لیل	
<b>evident</b> <i>adj</i>	اُوی دنت	روون - ئاشکارا پروشن	واضح، آشکار، روشن
<b>evidently</b> <i>adv</i>	اُوی دنتلی	به ئاشکارا پروی پروشن	آشکارا، بوضوح
		به روونی	
<b>evil</b> <i>adj</i>	ئێ وِل	شه رته و رجه لئا - خراوه	شیطانی، ناجوانمردانه، بدخو
		خرا به شیتان مو کَل	سُز - سُوم - پلا
<b>ex</b> <i>pref</i>	ئِکس	پیش وشه به مانای له میژ	پیشوند (بمعنی قبل)، در - از
<b>ewe</b> <i>n</i>	یو	چی و له لاله مه به رله جه (مه ر)	گوسفند ماده - میش
<b>exact</b> <i>adj</i>	ئێ یگ زکَت	ته واد وروست - ریک وراس	کاملاً صحیح، دقیق
<b>examination-Rom</b> <i>n</i>		ئو تا قی تا قی کرد نه وه	أطاق معاینه

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کاملاً دقیقاً	رێک و راس - کامیله ن	ایک زکته‌لی	exactly <i>adv</i>
مبالغه کردن، بزرگ‌گفتن	دروستی دروست شاخو بāl په نه دای	ای زج ریت	exaggerate <i>v</i>
آزمایش، بررسی	زۆروت ن - به فره‌روین تاقی که‌ری - تاقی که‌رده ی	ایگ	examination <i>n</i>
مخفف examination	لێکۆڵین دوو که‌لیمه‌ی یه‌ک مانا	زمینیشن ایگزیم	examination <i>n</i>
معاینه / امتحان کردن	به‌باتی یۆی - ئمتحان تاقی کردن - تاقیۆ که‌رده ی	ایگزیمین	(exam) <i>n</i> examine <i>v</i>
نمونه - بعنوان مثال	چه‌نه په‌رسای سه‌ر مه‌شق - نمونه - میسال	ایگزیم پل	example <i>n</i>
از حد خارج شدن	له‌نه‌ندازه‌پادا گیشان	ایک سیید	exceed <i>n</i>
پافرا گذاشتن	چه‌حه‌دیه‌رده ی		
عالی، بسیار خوب، ارجمند	مومتاز - فره‌خاس - زۆر باش	یک سلینت	excellent <i>adj</i>
به‌طور فوق‌العاده	زۆربه‌باشی چه‌مومتازی	یک سلینتلی	excellently <i>adv</i>
بجز، به‌استثنای	جگه، بی‌جگه‌بی‌جگه‌م	ایک بیپت	except <i>n</i>
استثنای	جیا واز - جیا چه‌گردد	ایک بیپ	exception <i>adj</i>
به‌طور استثنائی	جگه‌ی له‌گشت به‌جیا وازی چه‌تایبه‌ت	شین ایک بیپ‌شین‌لی	exceptionally <i>adv</i>
	به‌جو‌ری جگه‌ی و تایبه‌ت		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اضافه، افزونی، زیاده روی	زیادی زیاده روی	ایک بیس	<b>excess</b> <i>n, adj</i>
مازاد	زۆرفره یی		
مبادله کردن، معاوضه	ئالۆگۆر کردن	ایکس چنج	<b>exchange</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
کردن	عه وه زویه ده ل کهرده ی		
مبادله، معاوضه، دادوستد	عه وه زویه ده ل ئالۆگۆر	ایکس چنج	<b>exchange</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	س ریه سه ر		
هیجانزده کردن، تحریک	هانه هانه دای دیو نای	ایک سایت	<b>excite</b> <i>v</i>
کردن	هه لئیان هۆر نیای		
هیجانزده، برانگیخته	هه ل تراو هانه هانه دریا	ایک سایت	<b>excited</b> <i>adj</i>
	هۆر نریا دیو یانگه رم حال		
هیجان، شوریدگی، شور	حال گۆریان - حال واریا	ایک سایت	<b>excitement</b> <i>n</i>
	دیو یانه لئیان شوۆر	میت	
هیجان انگیز، شورانگیز	حال وار - حال گۆر	ایک سای	<b>exciting</b> <i>adj</i>
مهیج	دیو نه ره ل نیه ر	تینگ	
از تعجب فریاد کشیدن	هاوار و قال کهرده ی	ایکس کلیم	<b>exclaim</b> <i>v</i>
داد زدن	هاوار و یانگ کردن، قیراندن		
فریاد (از درد، ...) داهندا	هاوار - قال بئانگ	ایکس کلیمیش	<b>exclamation</b> <i>n</i>
علامت تعجب (!) در آخر	عه لاهمه تی عه جه بیات	ایکس کلیمیش	<b>exclamation mark</b> <i>n</i>
جمله	له ئاخری جمله	مارک	
طرد/حذف/بیرون کردن	ده رکردن بهر کهرده ی رانه دای	ایکس کلود	<b>exclude</b> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گردش تفریحی، تگلگشت	سه یان و گه ریان سه یان و	ایکس کُرشن	excursion <i>n</i>
	وهشی که رده ی		
بخشیدن، عفو کردن	به خشای به خشین - عه فو و کردن	ایکس کیووز	excuse <sup>1</sup> <i>v</i>
عذر / معذرت خواهی	عوزر - تکاولاله - تکایه	ایکس کیووز	excuse <sup>2</sup> <i>n</i>
اعدام کردن، اجرا کردن	له سیداره دان - عادام که رده ی	اکس کیووت	execute <i>v</i>
	دروست کردن		
اعدام، اجرا	عادام سیداره - ئیجرا	اکسی کیوئین	execution <i>n</i>
	دروست		
ورزش، مشق، اعمال، اجرا	وه رجس مه شق - ته کلیف	یکمیرسایز	exercise <sup>1</sup> <i>n</i>
تمرین / ورزش دادن	مه شق کردن - وه رزش کردن	یکمیرسایز	exercise <sup>2</sup> <i>v</i>
از پا / رمق افتادن	مانگ وهیلاک بوون - ته مام	ایگزُست	exhaust <sup>1</sup> <i>v</i>
تمام کردن	که رده ی، پروییه ی		
خروج گاز از لوله اگزوز	ده رها تنی گاز له لوله ی	ایگزُست	exhaust <sup>2</sup> <i>n</i>
تماماً مصرف کردن	تگزووز - دو که لی موتر		
نمایش دادن، بروز دادن	پیشاندان - ئیشاندای	ایگز ی بیت	exhibit <i>v</i>
نمایشگاه	پیشانگا - ئیشانگا	ایگز ی بیتس	exhibition <i>n</i>
تبعید، ادم تبعید	دوو رکردن - دوور له وه تن	اکسایل	exile <i>n</i>
شده	دوو رجه وه تن		
وجود داشتن، بودن	ژیواوییه ی - ژیان وزینگی کردن	ایگ زیست	exist <i>v</i>
هستی، وجود، حیات	ژیوا ی - ژیان - زینگی	ایگ زیستنس	existence <i>n</i>
	هه ست و وجود		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	گُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
راه خروجی، خروجی	ده رها تن پری بۆده	إكسیت	exit <i>n</i>
توسعه / بسط / گسترش دادن	راوبه ری برووه بهر بلاوو کردن - تهره قی پیدان	إكسپند	expand <i>v</i>
گسترش، توسعه، گشادی	پهره په نه دای پهره - تهره قی بلاوواز	إكسپنشن	expansion <i>n</i>
تصور داشتن، گمان کردن،	گومان کردن - خیال کرده ی	ایکس پکت	expect <i>v</i>
انتظار داشتن	ته وه قۆبیه ی چه		
سفر علمی / اکتشافی، اُر دو	گه شت و سه یران سه نه ر - ثور دو	ایکس پیدیشن	expedition <i>n</i>
اخراج / بیرون کردن	ده ر کردن بهر که رده ی	ایکس پل	expel <i>v</i>
اخراج، دفع	ته ره زنیه ی ده ر کردن بهر که ری - ته ره زینه	ایکس پال	expulsion <i>n</i>
گران بها، گران، بُر قیمت	به روز - وه ده رکرد	شین	
هزینه، خرج، اجرت	گران - قیمه ت گران	ایکس پن میو	expensive <i>adj</i>
رویداد - تجربه	خرج - مه سرووف	ایکس پنس	expense <i>n</i>
	رووداو - ته جره به - تاقی که رد	ایکس پیرینس	experience <sup>1</sup> <i>n</i>
	سه رنامه		
تجربه آموختن، اتفاق افتادن	تاقی ته وه که رده ی	ایکس پیری نس	experience <sup>2</sup> <i>v</i>
با تجربه، کارآمد، ماهر	سه ختی کیشان - ته جره به کردن		
	ته جره به دار کارزان	ایکس پیرینست	experienced <i>adj</i>
	لی هات - چه نه نامه		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
experiment <sup>1</sup> <i>n</i>	ایکس پری منت	تاقی کردنه وه - ناز مایش	تجربه، آزمایش، آزمین
		مزه نه	
experiment <sup>2</sup> <i>v</i>	ایکس پری	تاقی کردن - ناز مایش	تجربه کردن، آزمایش کردن
	منت	که رده ی	آزمودن
expert <i>n</i>	یکس پرت	زاناور یا ژیر کارزان	آگاه، کاردان، متخصص
		کارناس	خُبَره
explain <i>v</i>	ایکس پلین	به یان کردن - واته ی	شرح / توضیح دادن
		باس کردن	بیان کردن
explanation <i>n</i>	یکس پلان یشین	به یان یاس - واته ی	دلیل، شرح، بیان، شرح
explode <i>v</i>	ایکس پلود	ئه وه ته قنای - ته قانندن	منفجر شدن / کردن
		تره کنای	
explosion <i>n</i>	ایکس پلوژن	ته قنای نه وه - ته قه - گرمه و پو قه	انفجار
explosive <i>n</i>	ایکس پلوزیو	ماده ی ته قینه وه - ماده و سو ته ی	ماده منفجره، ترکیبندی
		زه ر ئیق ئاسا	
explore <i>v</i>	ایکس پلور	گه ران و ژیر و بان کردن	سیاحت / اکتشاف کردن
		په ی گیلای - شو نه ره لوای	
exploration <i>n</i>	ایکس پلوری	به دوا گه ران - په ی گیلای	کاوش، اکتشاف، باز یابی
	ئین	دۆزینه وه - لیکۆلین	
explorer <i>n</i>	ایکس پلوورر	دۆزه ر ییزه ره - ئه وه ییز	مکتشف، کاوشگر، جهان
		به دوا گه ر	پژوه، کاشف

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صادر کردن، صادرات	بۆده وه ی وه لآت ناردن	ایکس پورت	export <sup>1</sup> v
	په ی به ری کیانای		
کالای صادراتی / صادرات	سادات - چتانی ناردنی	ایکس پورت	export <sup>2</sup> n
	چیوی ساداتیی		
نپوشاندن، روباز گذاشتن	به رو و سه ی - ناشکرا کردن	ایکس پوز	expose v
افشا کردن	نیشان دای سه ری ریگه نیان (منال)		
اظهار / بیان داشتن	به یان کردن - واته ی	ایکس پرس	express <sup>1</sup> v
	باس که رده ی		
اظهار، بیان، حالت، ابراز	به یان بباس - نه و واته	ایکس پرس شین	expression n
سریع السیر، اکسپرس	توند ره و - ثامرازی توند	ایکس پرس	express <sup>2</sup> n
دردم	په یکی تند و تیژ - تندرا به ر		
تمدید / طولانی تر کردن	دریژه پی دان - دریژه ره	ایکس تند	extend v
	که رده ی - ماوه دان		
تمدید، امتداد، گسترش	دریژه - کییش داواز کرد	ایکس تر شین	extension n
	بلا و و لئا و ماوه مدده		
وسیع، بزرگ، پهناور	گه و ره بیلئا و پان و و لئاو	ایکس تر سیو	extensive adj
	وه و و لئاو		
وسعت، بزرگی، گسترده گی	وازیحی - بلاوی	ایکس ترنت	extent n
	گه و ره و و لئاوی و برینی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>external</b> <i>adj</i>	به‌ری-ده‌ری-ده‌ره-وه-دیمو به‌ری ایکس‌تِرنل		خارجی، بیرونی، از بیرون
<b>extinguish</b> <i>v</i>	ایکس‌تین‌گوئِش	کوژاندن کوشنای-لا بردن	خاموش کردن، نابود کردن
<b>extinguisher</b> <i>n</i>	ایکس‌تین‌گوئِشر	خه‌فه که ر-ئاگر کوژین	آتش خاموش کردن
		ئه‌یر کوشن	آتش نشان
<b>extra</b> <i>adj, adv, n</i>	إکس‌ترا	زیادجه حه‌دزۆروئیزافه	فوق‌العاده، بیش از حد
			معمول، اضافی
<b>extract</b> <i>v</i>	إکس‌تِرکت	ددان‌کِش‌شان به‌رئه‌ورده‌ی	کشیدن، بیرون کشیدن
		ده‌رهاوردن، ئا‌وگرتن	
		(میوه)	
<b>extraordinary</b> <i>adj</i>	ایکس‌ترنۆردی	فره‌جه‌سه‌رزۆرله‌بان	خارق‌العاده، غیرعادی
	ئیری	تابیه‌ت و ته‌ل	
<b>extravagant</b> <i>adj</i>	ایکس‌ترا‌وَجنت	ده‌س‌با‌د‌فره‌خه‌رج‌که‌ر	ولخرج، افراطی
		وی‌ل‌خه‌رج-ژاژۆل	
<b>extravagance</b> <i>n</i>	ایکس‌ترا‌وَجنتس	زیاده‌ره‌وی-کار یا قسه‌ی	اسرافکاری، زیاده‌روی
		ناما‌قۆل- وی‌ل‌خه‌رجی	
<b>extreme</b> <i>adj</i>	ایکس‌ترییم	دوورترین-ئاسۆنه‌هایه‌ت	دوورترین، منتهی‌الیه‌شدید
<b>extremely</b> <i>adv</i>	ایکس‌ترییم‌لی	بی‌ئه‌ندازه-حه‌رفه	بینهایت، خیلی، به‌شدت
		یه‌کجارزۆر	
<b>eye</b> <i>n</i>	آی	چاو-چه‌م-کونه‌ده‌رزی	چشم - سوراخ سوزن
		هه‌لقی، نه‌زه‌ر	بینایی

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تخم چشم، تیره چشم	بیل بیلە ی چاوی گۆلێ نه و چه مان	آی بول	eyeball <i>n</i>
	گلاره		
ابرو، استخوان ابرو	ئه برۆ - برۆ	آی براو	eyebrow <i>n</i>
	(برو)		
مژه	بژانگی بژانگ بېژانگ	آی لاش	eyelash <i>n</i>
پلک چشم - جفن	پیلە ی چاو - پیلایی چه می	آی لید	eyelid <i>n</i>
بینایی، دید چشم، دید	بینایی بینایی چاوی بینایی چه می	آی سایت	eyesight <i>n</i>
	سو مای چاوان		
بدشکل - بدنما	به د شکل به د ته شک ناشرین	آی ژر	eye - sore <i>n</i>
درمان چشم - تظاهر	ده زمانو چه می - ده زمانی چار	آی واش	eye - wash <i>n</i>
شاهد عینی	شاید - شاهید بزان	آی ویت	eye - witness
	چەم چۆ وە بیە	نس	
چشم سال	چاوی سال	آی یر	eye year <i>n</i>
چشم عمر جوانی	چاوی جوانی و لاوی	آی یوت	eye youth <i>n</i>
چشم زیرکی	چاوی به ر قدار و یت و یتو چه مان	آی ویت	eyewit <i>n</i>



ELLIPSE



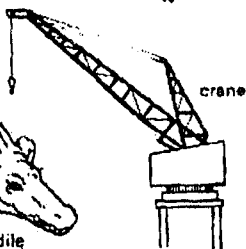
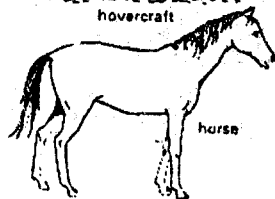
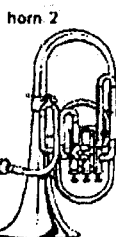
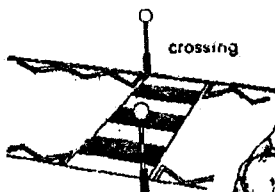
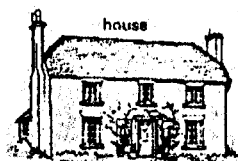
EAGLE



EGGSHELL



ELEPHANT



شاهپور سوم

۳-۲۸۴

کواز یا قباد یا شیروی

۳-۶۲۸

## F f

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
ششمین حرف از الفبای انگلیسی	شه شه مین پیتی ئەلقبا	إف	F <i>n</i>
فهم و عقل و درک	فام و هووش (و یتە ویت)	فام	faam = wit <i>n</i>
چهارمین نُت موسیقی	چوارە مین نۆت لە موسیقیا	فا	fa <i>adj</i>
حکایت آموزنده یا فسانه قصه	حه کایە تەرازی - قسە	فیل	fable <i>n</i>
پارچه قماش، بافته	جنس - کوتال - چوارچیۆه	فَبَرِیک	fabric <i>n</i>
صورت، چهار منما، صفحه	رووه پروومه ت - شتیۆه پروو	فیس	face <sup>1</sup> <i>n</i>
مواجه شدن، برو به	وەرانۆه ریبیه ی	فیس	face <sup>2</sup> <i>v</i>
طرفی بودن	و یسیان له به رانبه رهۆر ته ق		
وسائل و محلهای عمومی، انسانی	وه سیله کئ - ئامراز ی گشتی	فَسیلَتِیس	facilities
حقیقت، واقعہ، رویداد	روه دایرووداو هه قیقه ت	فَکت	fact <i>n</i>
کارخانه	کارخانه	فَکتری	factory <i>n</i>
رنگ باختن - پژمرده شدن	سیسیای - کالۆیه ی	فید	fade <i>v</i>
	هه ژار بوون - چه کو بوون		
فahrenheit، گرماسنج	گه رماژناس - ئامراز ی سه ردو	فَارِنهَایت	fahrenheit <i>n</i>
	گه رمزان له ۳۲ تا ۲۱۲ دهره جه	(ف)	
دسته هیزم	لیژینه هیزم - ده سته ی دایر	فَاگِت	faggot <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
fail <sup>v</sup>	فیل	نه تاوای سهر نه که و تن بکه و ته ی	نتوانستن - رد شدن
failure <sup>n</sup>	فیلیر	نامو را دی عا جز ی - چه نه مه نه	ناکامی، شکست، کمبود
faint <sup>1 v</sup>	فینت	ثو فتاده، زایفی زافی که رد ی بی ختیار که و ته ی	بی عرضه غش / ضعف کردن
faint <sup>2 adj</sup>	فینت	غەش کردن فەنی داری	ضعیف، خفیف، غش
fair <sup>1 adj</sup>	فر	زایف و نزار شل بی ره گ عادل ی به دوستی - چاک	عاد لانه نسبتاً خوب، نمایشگاه
fairly <sup>adj</sup>	فرلی	توز یوه - که می ک بی ر ی ک	کمی، فره ای، منصفانه
fair <sup>2 n</sup>	فر	نیشان گ - پیشان گ	نمایشگاه، بورز بیا
fairy <sup>n</sup>	فری	جن - جنو که - په ر یه	پری، جن
faith <sup>n</sup>	فیس	باوه ر یه و ر - ته قیده و وه فا	ایمان، اعتقاد، وفاداری
faithful <sup>adj</sup>	فیس فول	وه فادار - پیر باوه ر - ته مین	وفادار، پایبند، درست
faithfully <sup>adv</sup>	فیس فولی	به وه فاداری ته واو	صادقانه، بالایمان
fall <sup>1 v</sup>	فُل	به دوستی و ری کی وار که و ته ی - خوار که و تن	پایین افتادن، فرو ریختن
fall <sup>2 n</sup>	فُل	که م بوون - (له نرخ) بارین وار - خوار که م - نو خسان	آفت کردن سقوط، کاهش، تنزل، بارش
false <sup>adj</sup>	فُلَس	قه لب هوار یا در و بی	غلط، دروغ - مصنوعی
falsely <sup>adv</sup>	فُلَس لی	ده س ساز، بی مه یل به جو ری ده ست ساز در و بی بی عه سل ی	بی وفا به طور مصنوعی

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آوازه شهرت، خوشنامی	شۆڤه تـئاوازه بنامی لوا	فیم	fame <i>n</i>
معروف، مشهور، نامی	مه یـشوو رـنامدار شۆڤه تی	فیمیس	famous <i>adj</i>
خودمانی، متداول، شناس	خۆمانی حویمانه بیاو	فمیلیر	familiar <i>adj</i>
اعضای خانواده	زاناوارده به، شناس مال و بینه ماله خیل	فمیلیر	family <i>n</i>
قوم و خویش	یانه و کلفت، خزمان		famine <i>n</i>
قحط، قحطی، خشکسالی	قاتی سال بـرسیه تی - نه و رای	فمین	fan <sup>1</sup> <i>n</i>
پنکه، بادبزن، پروانه ماشین	پانکه بیاوه شین حواشه ن	فن	fan <sup>2</sup> <i>v</i>
باقدزن، پراکنده کردن	باوه شین کردن ببالیدن	فن	
فانتزی، تجمیلی، تصویر	واوه نه دای خیال حه وه س گومان، زیاد	فن سی	fancy <sup>1</sup> <i>adj</i>
گمان کردن - هوس کردن	خیال کردن گومان کردن	فن سی	fancy <sup>2</sup> <i>v</i>
دور، فاصله دور،	خیال کرده ی		
فاصله خیلی زیاد	دور - یانگی دور - دور - ده س	فار	far <i>adv, adj</i>
کرایه (وسایل نقلیه)، پول کرایه	کری بکرا حمز، روداو	فیر	fare <i>n</i>
مزرعه (همراه با دامپروری)	زه وی بو مالت	فارم	farm <i>n</i>
کشزار	زه مینو تا بوه تی گه له داری		
کشاورز، مزرعه دار	وه رزیه ر - ره عیدت - جوو تیار	فارمیر	farmer <i>n</i>
	زه مین دار		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی <i>English</i>	تلفظ <i>Pronunciation</i>	کردی <i>Kurdish</i>	فارسی <i>Persian</i>
<b>farming</b> <i>n</i>	فارمینگ	جووتیاری، کشت و کال به لایی	زراعت، کشاورزی
<b>farmyard</b> <i>n</i>	فارم یارد	زهوی ده و روبه‌ری چاربه‌مینی	محوطه بازمزعه و بوستان
		ده و روبه‌رو چاری بِلّاو	
<b>fare</b> <i>n, adj</i>	فارسی	زوانو فارسی، زمانی فارسی	زبان فارسی - فارسی
<b>fascinate</b> <i>v</i>	فاسینیت	روه و، وی کیشای	مجبوب کردن، جلب کردن
		جادو کردن به ره روخو کیشان (فیسیت)	
<b>fascination</b> <i>n</i>	فاسینیشن	دلکیشی، ره‌ریو دلی	فره‌بندگی، دلربایی
		نمه‌کینی وشه‌یدایی	گه‌وایی
<b>fashion</b> <i>n</i>	فاشین	باوچه‌سم - ته‌ری قه‌په‌وشت	فد، رسم، باب، روش
<b>fashionable</b> <i>adj</i>	فاشین‌یل	داکه و تو - یا گه‌و ته‌و باو	موسوم، مودا، ل، شیک
		ره‌سم و جی که‌وت	فد
<b>fashionably</b> <i>adv</i>	فاشین‌یلی	باوی روژ باو ره سموروی	از نظر مد روز
<b>fast</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	فاست	تن و تیژ گورج - تیژ بته‌و	سریع، چابک، محکم، ثابت
<b>fast</b> <sup>2</sup> <i>adv</i>	فاست	به‌تون دی به‌رق ئاسا محکم	به سرعت - به‌طور محکم
<b>fast</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	فاست	روچه‌گرتی پروژو گرتن	روژه‌گرتن
<b>fasten</b> <i>v</i>	فاین	به‌ستن، ته‌نگ دان محکم کرده‌ی	روی هم / محکم بستن
<b>fastener</b> <i>n</i>	فاین‌یز	قولا به‌قولا و گیرده‌ر	قلاب، گیره، چفت، بست
<b>fat</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	فت	قه‌له و چاخ - په‌رگوشت	چاق، پیه، دنبه
<b>fat</b> <i>v</i>	فت	په‌رواری کرده‌ی - نه‌ره‌بینای	پروار کردن، فره‌کردن
		دابه‌ستن به‌خیو کردن	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
روغن، چربی (حیوانی)	رۆن-چه وری-دو وگ	فَت	fat <sup>2</sup> <i>n</i>
	دمه وه زبه ز، روه		
هولناک، مرگ آفرین	خوفناک-گیانگیر-هیلاک-که ر	فیتل	fatal <i>adj</i>
	سام دار		
به طور هولناک، هلاکت	تو قنای بیه سام داری	فیتلی	fatally <i>adv</i>
	به جوری مه ترسی		
سرنوشت، تقدیر	ثاقیبه ت-دواناخر نه جه ل	فیت (فت)	fate <i>n</i>
	دوایی و سه ره نجام		
پدر بابل مؤسس	بارک بابه-تاته باب، بانی	فایر	father <i>n</i>
پلرزن / شوهر	هه سووره	فایزاین ل	father-in-law <i>n</i>
گناه، تقصیر، عیب و نقص	خه تا گونا-عه یب، که می	فُلت	fault <i>n</i>
بی تقصیر، بی گناه	بی خه تا بی گونا بی عه یب	فُلتیس	faultless <i>adj</i>
لطف، توجه، عنایت	لوتف-نه زه ره ی خاسه	فیور	favour <i>n</i>
هدیه	عه نایه ت، چاکه بو		
مناسب، سودمند، مساعد	خاس باش-یاری ده ر	فیورابل	favourable <i>adj</i>
	به که لک و چاک		
مطلوب، برگزیده، محبوب	ئاره زو و کرا و به رگوزیده	فیوریت	favourite <i>adj</i>
	گه ره ک بیه-چاک باش		
ترسیدن، بیم داشتن	ترسین-ته رسای تو قای	فیپرغیر	fear <sup>1</sup> <i>v</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	گُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هواس، ترس، بیم، پروا	ته‌رسی - ترس - خوڤی - توڤای	فیر فیر	fear <sup>2</sup> <i>n</i>
خیلی بد، وحشتناک	ته‌رسی دار - خوڤ دار	فیر فول	fearful <i>adj</i>
هراسان	مه ترسی دار		
شجاع، ترس، دلیر	نه ترس - جه‌رگدار زات دار	فیرلس	fearless <i>adj</i>
مهمانی، ضیافت، بزم	میوانی - میمانی، به‌زم	فیست	feast <sup>1</sup> <i>n</i>
عید	چه‌ژن و خوشی		
در ضیافت / در مهمانی	نانی میوانی خواردن	فیست	feast <sup>2</sup> <i>v</i>
خوردن	خوش را بوردن له میوانی		
پَر (پرندگان) نوع - جور	پهل - په‌ل و پو - جور	فِ زَر	feather <i>n</i>
سیم، چهره، ویژگی	شیوه - مرووه - رو - و - رواله‌ت	فیچر	feature <i>n</i>
فوریه (ماه دوم میلادی)	مانگی دووهم له سالی میلادی	فیرنوری	february <i>n</i>
فدرال - اتحاد	هاو په یمان - یه ک‌گر توو	فِ دِرل	federal <i>adj</i>
هم بستگان	هام په یمان		
فدراسیون، اتحادیه	یه‌کیه‌تی وه‌لاتان هام په یمانی	فِ دِریشن	federation <i>n</i>
	وه‌لاته‌کان - یه‌کیه‌تی و یویی		
حق ویزیت، شهریه و...	هه‌ق - هه‌قی دوکتور	فی‌ی	fee <i>n</i>
اجرت	وه‌کیل - نام نویسی، مز		
ناتوان، لاغر، نحیف، نزار	نزار و لاو زاله - رزایفی - تین	فی‌ی پِل	feeble <i>adj</i>
غذا دادن، چراندن علوفه	چیشت و نان دان به، ئالف	فیید	feed <i>v</i>
	نان یا شوٚت دای به‌لوړنای، گزره		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
احساس کردن - گمان کردن	گو مان کردن - پاسه م زانای	فییل	feel <sup>v</sup>
بی بودن	گمان که رده ی، فامین		
حسن، احواک، حسن لاسه	گو مان - گمانه - پاسه م زانان	فییلینگ	feeling <sup>n</sup>
احساسات	به چه م نه ورعه ست وهه واس		
وانمود کردن	خوبه نه زانی دان	فین	feign <sup>vt</sup>
شخص، آدم، مرد - یارو	به شه ر - پیا - که سیک - مرو ف	فیلو	fellow <sup>n</sup>
همکار، همراه	دوس - یارو - کوره که		
مؤنث، ماده، زنانه	مای - مینگه - جنسی مینگه	فی میل	female <sup>1 adj</sup>
زن، ماده	ژه نی - ژن مای می و مینگه	فی میل	female <sup>2 n</sup>
زنانه، زنواره، ظریف	ژه نانه - ژنانه - پسه ژه نی	فی می نین	feminine <sup>adj</sup>
	وه که ژن، جور ژن		
نرده (چوبی/اهنی) حصار	مه عجه ر - په ر چین وحه سار	فینس	fence <sup>1 n</sup>
	په ر ژین (ناخ دوری!)		
حصار / نرده کشیدن	حه سار کی شان - په ر چین	فینس	fence <sup>2 v</sup>
شمشیر بازی کردن	که رده ی، شه ره خه نجه ر		
سرخس	جوره رو وه کی - جوره گیوا وه ی فیرن		fern <sup>n</sup>
	جه نسرم و سیوه ره نه		
کشتی گذاره - کُترگاه	گوزه رگا و پیری	فیری	ferry <sup>n (ried-rying)</sup>
	یاگی نه وه پرای جه رو خانه نه		
حاصلخیز، بارور، پرثمر	په رده که ت - په ر بار بار نه بر	فیرتایل	fertile <sup>adj</sup>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حاصلخیز / پربار کردن	قوت کهرده‌ی-پربار کردن	فرتیلایز	fertilize v
	کوود پیدان		
جشن، عید، فستیوال	جه ژنه عید-جیژن-جه ژن	فستیوال	festival n
رفتن و چیزی آوردن	رویین و هاوردن-لوای و	فچ فچ	fetch v
	ئه ورده‌ی چیوه‌ی سفرته ئامه‌ی		
تب	یاو- ته و	فیور	fever n
عده کمی، چند تا، اندک	چه ن دانه بیر یوه باز یوه	فیو	few adj, n
	که میک		
لیف، رشته، تار و پود	تانو پو تاله به ن-تور-تالیک	فیبر	fibre n
مزرعه، کشتزار (نرده دار) دشت	ملکی په رچین دار	فیلد	field n
رشته، میدان ورزش	زه وی په رژین دار		
بیرحم، خشن، وحشی	بی ره حم-چه توون دپ	فیرس	fierce adj
هار	سته مکاروه حش و هار		
وحشیانه، بیرحمانه	به بی ره حمی به سته مکاری	فیبرس لی	fiercely adv
	وه حشیانه		
عدد 15	ژماره‌ی پانزده-شماره	فی فتین	fifteen adj, n
	وپانزه‌ی		
پانزدهم $\frac{1}{15}$	پانزده یه م-پانزه هوم	فی فتین س	fifteenth adj, n
عدد 50	ژماره‌ی په نجا-شماره و په نجا	فی فتی	fifty adj, n

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجاهم، پنجاهمین - ١٥٠	په نجا یه م - په نجا هو م	فی فئیس	fiftieth <i>adj, n</i>
انبجیر	هه نجیر	فینگ	fig <i>n</i>
زد و خورد کردن، جنگیدن	جه نگیں - جه نگ کرده ی	فایت	fight <sup>1</sup> <i>v</i>
دعوا کردن	به شه رها تن		
زد و خورد، نزاع، جنگ	جه نگ و جه وه شه رد او نه ی	فایت	fight <sup>2</sup> <i>n</i>
رقم، عدد - قیافه، شکل	شکل شییو - ژماره	فیگر (فیکر)	figure <i>n</i>
بها	عه ده ده سه ژن، تاپو		
بایگانی - گیره، صف	رزقه تار - کاغذ گیر	فایل	file <sup>1</sup> <i>n</i>
پوشه - پرونده	بو وشه - پهروه نده		
بایگانی کردن - به صف رفتن	بایگانی کرده ی - پهروه نده	فایل	file <sup>2</sup> <i>v</i>
سوهان زدن	خه فنای سه ف لوائی		
پر کردن / شدن	پر کردن - په پر کرده ی	فیل	fill <i>v</i>
منسوب کردن	په ریبه ی (پر بون)		
ماده پرکننده	ماده ی پروکه رماده ی	فایلینگ	filling <i>n</i>
فیلم عکاسی، ... پوسته	په رو که ر فیلمی وینه گرین فیلمو	فیلم	film <sup>1</sup> <i>n</i>
فیلم برداری کردن	عه کسی یاسینه مای فیلم گرتنه ی وینه یان	فیلم	film <sup>2</sup> <i>v</i>
خیلی کثیف، ناپاک، پلید	عه کس گرتن نا پاک - پیس - چه په ل	فیلتی	filthy <i>adj</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ʊ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
<b>fin</b> <i>n</i>	فین	بآله و پهل و ماساوی	باله ماهی
		بآله ی ماسی	
<b>final</b> <i>adj</i>	فینال	ئاخری دو ئاخر دما ئامه ی - ته	نهایی، آخری، اخوین
	(فایبل)	واو	آخر
<b>finally</b> <i>adv</i>	فاینلی	ئا قییه ت سه ر ئاخر، دواپی	بالاخره، سو ئانجام، آخوین
<b>finance</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	فینانس	مالو دارایی بینه ی مالی	کنترل امور مالی، دارایی
<b>financial</b> <i>adj</i>	فینانشیل	مه ربووت به بینه ی مالی	وابسته به امور مالی
<b>financially</b> <i>adv</i>	فینانشیلی	له نه زه ری بینه ی مالی و بو وجه وه	از نظر امور مالی
<b>finance</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	فینانس	پول به ده س هینان بو کاریک	برای طرحی پول تهیه کردن
		پول گیر نه ورده ی په ی چیوه ی	
<b>find</b> <i>v</i>	فایند	بی سه ی - په یدا کردن	پیدا کردن، یافتن
		بو ده رکه و تن زانای	فروک کردن
<b>fine</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	فاین	جوان زه ریف سو متاز - ناسک	زیبا، شگفتناز، اعلای
<b>fine</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	فاین	جه ریمه - تاوان، چاک	جریمه، ناپ
<b>fine</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	فاین	جه ریمه کردن - جه ریمه بیه ی	جریمه کردن / شدن
<b>finger</b> <i>n</i>	فین گر	ئه نگو سه - قامک - کلک	انگشت
<b>finish</b> <i>v</i>	فینیش	ته و او کردن - ته مام بیه ی	پایان یافتن، تمام کردن
<b>fire</b> <i>n</i>	فایر	ئه یر - ئاگر - ئاو سوچه	آتش، آتش سوزی، حریق
		گرو ئار	
<b>fire - brigade</b> <i>n</i>	فایر بریگد	ماموری ئه یر و کو شنای	مامورین آتش نشانی

ئاگر کو ژنه ران

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ترقه - آتش بازی	ترقه - چۆی ئه یربازی	فایرورک	fireworks <i>n.pl</i>
	ترقه و ئاگر باران زه ر نیق ئاسا		
محکم، سفت - ثابت قدم	محکم - سفت و سهخت بته و - پته و فرم		firm <sup>1</sup> <i>adj</i>
به طور محکم / ثابت قدم	به محکم می ببه بته وی	فرم لی	firmly <i>adv</i>
	به جووری پته و		
شرکت، کمپانی، تجارتخانه	شرکت - تجاره تخانه شه ریک،	فرم	firm <sup>2</sup> <i>n</i>
نخستین، اولین، اول	وه لی گردی هه وه ل - ئه وه ل،	فرست	first <i>adv</i>
	یه که م - یه کو م، جاری ئه وه ل		
کمک های اولیه	یارمه تیه کانی هه وه لی	فرست ایډ	first aid <i>n</i>
	یار یانو جابه جای، زو یاری		
ماهی	ماساوی ماسی، ماهیه	فیش	fish <sup>1</sup> <i>n</i>
ماهی گرفتن / صید کردن	ماسی گرتن - ماسا و گرتی	فیش	fish <sup>2</sup> <i>v</i>
ماهیگیری	ماسا و گیری - ماسی گری	فیشینگ	fishing <i>n</i>
مشت	مشته - مشته کو له - مشته	فی ست	fist <i>n</i>
سالم، خوب - درخور، مناسب	فیت - ئه ندازه ر پیک	فیت	fit <sup>1</sup> <i>adj</i>
	باش - چاک		
مناسب بودن - کار گذاشتن	ئه ندازه یی - ئه ندازه ی	فیت	fit <sup>2</sup> <i>v</i>
	که سی یون		
عدد ۵	ژماره ی پینچ - شماره	فایو	five <i>adj.n</i>
	وپه نجی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجم، پنجمین <sup>۱</sup> کار گذاشتن - تعیین کردن	په نجه م - په نجۆم - پینجه م کار نیای - نه سب کردن	فایفس - فیفت فیکس	fifth <i>adj, n</i> fix <i>v</i>
محکم / تعمیر کردن فیروز...	دامه ز راندن - نه ره مه رز نای فس - فشه فش که رده ی	فیز	fizz <i>adj</i>
پرچم، بیرق میله پرچم، تیر پرچم	ئالا - ئالا یه - په رچه مه سور پیاز ئیا و ئالا یی - داری ئالا	فلگ فلگ پل	flag <i>n</i> flagpole <i>n</i>
تکه - دانه مزه پولک	چیو - چۆ په رچه می تۆ لاش - تیکه - په لاشه	فلیک	flake <i>n</i>
زبانه آتش، شعله بال زدن، بهم زدن	گرو لیه په ژم - پوله ک گلپه و گره - شو له نه بر - گره بال فرین بال و گره ته ی	فلیم فلپ	flame <i>n</i> flap <sup>1</sup> <i>v</i>
در (جیب، پاکت...) پرده - تپ تپ	جواندن - جمنای به ره و گیفانی - ده ری گیفان	فلپ	flap <sup>2</sup> <i>n</i>
فلاش، برق ناگهانی، برق زدن درخشیدن	(گرفان) - شه به قه کلا و ده رک بروسکه به رق به رقی نا و امه	فلش	flash <sup>1</sup> <i>n</i>
نور انداختن، چراغ دادن برق زدن	شوق - نووری زور بو ده می ک شوق و نوور ها و یشتن شوق	فلش	flash <sup>2</sup> <i>v</i>
فلاسک / فلاسک	ونوور و سه ی - چر ا دان مه تاره - قمقمه و ئاو ی ده قری ئاو - جیی تاییه ت بو یه خ و ئاو و چای	فلاسک	flask <i>n</i>



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هموار، صاف، پنجره‌مانده	ساف و ته‌خت - کرکای، برین	فَلَت	flat <sup>1</sup> adj
هموار کردن / ساختن	ساف و ته‌خت کردن - ته‌خت	فَلَتَن	flatten v
آپارتمان	کۆمه‌له‌ی مَالّی چه‌ن قات، کَلۆ په‌ یانّی چند نهۆمّی	فَلَت	flat <sup>2</sup> or apartment n
چاپلوسی کردن، تملق	خوَلته‌ کهری - ریا کهری	فَلّیری	flattery n
طعم، مزه، چاشنی	چه‌ ورزوانی ده‌ سمال به‌ ده‌س تام‌ سه‌ زه‌ نمه‌ک و تام	فلی‌ور	flavour n
کیک / کک	که‌ کی - کِچ - که‌ک	فلیی	flea n
گریختن، فرار کردن، فر رفتن	فرین و را کردن - ره‌ مای	فلی‌ی	flee v
پشم (گوسفند / بز)	به‌ رشیه‌ی ده‌ر چوون په‌ ژم - خوری - مو و بزبان	فلیس	fleece n
جمع کشتیها، ناوگان	هیزی ده‌ لیا - کۆمه‌له‌ی که‌ شتییه	فلییت	fleet n
سریع	کان، کَلۆ په‌ که‌ شتی، تون و تیژ		
گوشت جسم، ماهیچه	گوشت سه‌ ش - گوشتی	فِلش	flesh n
میانبر میوه	میوه‌ کان		flew see fly
پرواز	فرای - فرین - کوچ - هوور	فَلایت	flight n
شناور بودن، تأسیس کردن	سه‌ روئا و یَره‌ که‌ و ته‌ی	فَلت (فلتوت)	float v
شرکت و...	به‌ سه‌ر ئاودا که‌ و تن، دامه‌ زران		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
flock <sup>n</sup>	فلاک	گه له ده سته گرو پهل	گله، دسته، رمه
		گرو لیه نه یه	
flood <sup>1</sup> <sub>n</sub>	فلاد	هه ره سه هه ره س - لافاو	سیل، تنداب
flood <sup>2</sup> <sub>v</sub>	فلاد	هه ره س و لافاو نامه ی - لافاو داگرتن	زیر سیل رفتن، در بر گرفتن
		هه رس ماله ی	
floor <sup>n</sup>	فلر	ته ختی مال - ته ختو یانه ی	کف اتاق - طبقه ساختمان
		قات - نهوم	
flour <sup>n</sup>	فلتور	ناردی - نارد - نارد هه وه له ی	آرد (غلات)
flourish <sub>v</sub>	فلاریش	گه و ره بیه ی - ژوان و گه و ره	رشد کردن - به وجد آمدن
		بوون، سامان گرتن	رونق گرفتن
flow <sup>1</sup> <sub>v</sub>	فل (فلتو)	ئاو هور نشته ی - ئاور ی که و تن	روان شدن
		لافاو که رده ی	
flow <sup>2</sup> <sub>n</sub>	فل (فلتو)	لافاو هور نشته ی که و تن	جریان، عبور، گردش
flower <sup>1</sup> <sub>n</sub>	فلاور	گول - نه شکوفه - لای	گل، شکوفه
		وه رزو جوانی، گول کردن	گل دادن
flower - bed <sub>n</sub>	فلاور بید	باخچه و گولان باغچه ی	باغچه گل
		گولان	
flue <sub>n</sub>	فلوو	دوو که کیش، هه واکیش	دودکش، لوله ابگرم، هواکش
fluency <sub>n</sub>	فلوئینسی	تسه که ری چاک	روانی زبان و کلام
fluent <sup>adj</sup>	فلوئیت	فه سیح و ره وان - نه رمو ره حه ت	روان، راحت، سلیس

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به راحتی و فصاحت	به ره‌حه‌تی به‌ره‌وانی	فلوولنتلی	fluently <sup>1</sup> adv
کوک، پشم، پُز	کولکی - تووک مووی نه‌رم	فلاف	fluff <sup>1</sup> n
مایع، ماده سیال	چییوی روان و نورالوه‌ر-ئاوین	فلووید	fluid <sup>1</sup> n
وروان	وروان - چتی وه‌ک‌ئاو		
فلوت (نوع ساز بادی)	شمشال بیلوی رسلولنی واده‌منه	فلووت	flute <sup>1</sup> n
پرواز کردن - دویدن	فرین و بالوگرتن - پرای	فلانی	fly <sup>1</sup> v
افراشتن	وبالوگرتی		
مگس	مه‌شی‌میش	فلای	fly <sup>2</sup> n
کره‌اسب - گره‌زاییدن	به‌چکه‌ئه‌سپ به‌چه‌ئه‌سپ	فتول (فول)	foal <sup>1</sup> n
	کوره‌ئه‌سپ		
کف، حباب، ابرحمام	قولنی - قولنه‌ساو - قول‌که‌ف	فتوم (قوم) (بلی)	foam <sup>1</sup> n
مه - گیجی	ته‌مه - ته‌م و مترحه وروسه‌ر	فاگی	fog <sup>1</sup> n
	وزه‌مین		
مه‌الوده گرفته	ته‌م‌دار - ئالوده به‌ته‌م	فاگی	foggy <sup>1</sup> adj
	پرته‌م و مژ		
پیچیدن، ناکردن / زدن	پیچنای - پیچان ده‌ق‌دای	فُلد	fold <sup>1</sup> v
	ده‌ق‌دان، دانیان		
پوشه، لاف، پرونده	پوشه - پۆشه‌ر	فُلدر	folder <sup>1</sup> n
تا، لایچین، اُغل	ده‌ق - لاچین - تو - توئی، په‌چه	فُلد	fold <sup>2</sup> n

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
folk <i>n</i>	فُلک	کۆمه‌له‌ی خه‌لک - خه‌لکی	توده، خلق، مردم
		مەردم	قومی
follow <i>v</i>	فالو	به‌شۆن که‌و ته‌ی به‌شوینا روین	دنبال کردن / آمدن
		گۆش په‌نه‌دای	تقلید کردن
fond <i>adj</i>	فاند	ما یل وزو باوه‌ر شه‌یدا	علاقمند، شیفته
		خۆش و یستن	دل باخته
food <i>n</i>	فوود	پێخۆر - چاشتی - چیشتی	غذا، بخوراک، طعام
fool <sup>1</sup> <i>n</i>	فوول	گیج و خول یی - نه‌قل - نه‌قام	خُل، احمق، کم‌عقل
foolish <i>adj</i>	فوولیش	گه‌وج - نه‌زان - ته‌ی نه‌گه‌یشتوو	نادان، احمق، ابله
foolishly <i>adv</i>	فوولیش لی	نه‌قامانه‌ی به‌ی هه‌قلی	احمقانه، ابله‌انه
		به‌نه‌زانی	
fool <sup>2</sup> <i>v</i>	فوول	خه‌لتنای - خه‌لتانندن	گول زدن، فریب دادن
		فه‌ر یودان	
foot <i>n</i>	فووت	پا - پی - نه‌ندازه‌یی	پد - پایین - فوت
		به‌ران به‌ریه ۳۰ سانت	ته، پایه
football <i>n</i>	فووتبول	تۆپی پی - تۆپه‌ویای	فوتبال، بازی فوتبال
		گه‌مه‌و تۆپه‌ویای	
footpath <i>n</i>	فووت‌پت	پاره‌و - پیاده‌روه	پیاده‌روه و راه‌باریک
footprint <i>n</i>	فووت‌پرینت	یاگه‌پا - جی پی	ردپا، جای پا

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای پا، اثر پا، اثر	ده نگو پای ده نگی پی جی پی	فوت استپ	<b>footstep</b> <i>n</i>
برای (مورد مصرف) -	تو - پی - چون - یو ما و ی	فور	<b>for</b> <i>prep</i>
(دریافت کننده/مالک) -	جه و رو، باتی، بو -		
(مسافت/ مدت) - (مقصد) -	له بهر -		
به (قیمت) - برای (معنی) -			
برای			
به عنوان مثال، برای مثال	بو نمونه - پی نمونه ی	این سرتس	<b>for instance</b> <i>n</i>
		فورا گزمیل	<b>for example</b> <i>n</i>
منع کردن، ممنوع بودن	وه رگرتی بهر رگرتن	فورید	<b>forbid</b> <i>v</i>
جلوگیری کردن	قه داخه که رده ی		
وادر کردن / ساختن	مه جبوور که رده ی مه جبوور کردن	فورس	<b>force</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
زور، نیرو، زورگویی	زور بیگاری - جه بهر هیژ	فورس	<b>force</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
گذرگاه قابل عبور رودخانه	ویری - گوزهرگای ناوی	فورد	<b>ford</b> <i>n</i>
گذار	جی ی گوزهرگای ناوی		
	جی ی گوزهرله ناوی روخانه		
پیش بینی، پیشگویی	پیش بینی کردن مه ربینی	فورکاست	<b>forecast</b> <i>n</i>
	که رده ی		
پیشانی، جبین	ته ویله - ته ویل	فارید	<b>forehead</b> <i>n</i>
یگانه، خارجی، اجنبی، غریبه	نه جنه بی بیگانه نه ناس	فارین (فاین)	<b>foreign</b> <i>adj</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خارجی، بیگانه	بیگانه - خه لکی دهره وه ی	فارینر	foreigner <i>n</i>
سرکارگر، غورمن، سروگروه	سه ره مه له سه ره پرسی	فُرمین	foreman <i>n</i>
جنگل، انبوه	دارستان - دارسان	فاریست	forest <i>n</i>
قدام، همیشه، تاابد	دایم - هه میشه	فُیرو	forever <i>adv</i>
جعل کردن، تقلبی ساختن	چیوی قه لب وه ش که رده ی	فورج	forge <i>v-n</i>
کورده و دکان آهنگری	خراب دروست کردن		
کُبی، جعلی	کوپی به جی بباتی قه لب	فورچری	forgery <i>n</i>
از یاد بردن، فراموش کردن	وه ک خو ی - وینه گیراو		
	فه راموش کردن - جه یاد	فورگت	forget <i>v</i>
عفو کردن، بخشیدن	به خشان وعه فو کردن	فورگیو	forgive <i>v</i>
چنگال، چهارشاخه - دو راهی	به خشای		
دو قسمت / منشعب شدن	چنگال - چواره له ق دور ی نه	فورک	fork <sup>1</sup> <i>n</i>
کلاس مدرسه ساخت، عرف	جیاوه بیه ی - جگ ی وه بوون	فورک	fork <sup>2</sup> <i>v</i>
سازمان / تشکیل دادن	شکل که لاسی دهرس له ش	فورم	form <sup>1</sup> <i>n</i>
	ته ره مه رزنای دامه زران دن	فورم	form <sup>2</sup> <i>v</i>
تشکیل، شکل، وضع، تاسیس	خوش کردن		
	شکل گیری - شکل دامه زران	فورمیشین	formation <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رسمی، قانونی، تشریفاتی	قانونی، ره سمی	فورمیل	<b>formal</b> <i>adj</i>
جلوتو قبلی، قدیم	چه ووه ل له میژ له پیش	فورمیر	<b>former</b> <i>adj</i>
قبلاً، سابقاً	له مه و بهر له رابرد و داته و سا	فورمیرلی	<b>formerly</b> <i>adv</i>
فرمول، دستور، قاعده	ده سوور فرموله سړی و چاره	فورمیول	<b>formula</b> <i>n</i>
قلعه، دژ، سنگر، یادگان	قه لاکه لات، سه ریا زگا	فُرت	<b>fort</b> <i>n</i>
استحکامات، دژ	قه لای سه ریا زی - قه لای	فُرتس	<b>fortress</b> <i>n</i>
	جه نگی		
(مدت) دو هفته	دو وحه و ته دو ی حه فتی	فورت نایت	<b>fortnight</b> <i>n</i>
شانس، اقبال - ثروت	چاره و شانسه سیب	فورچن	<b>fortune</b> <i>n</i>
تقدیر	ناو چاو و ئیقبال و به خته		
خوشبخت، نیکبخت	وهش بهخت - چاره دار و ناو چاو دار	فورچنت	<b>fortunate</b> <i>adj</i>
خوشبختانه	به خوشبه ختی به و سه به ختی	فورچنتلی	<b>fortunately</b> <i>adv</i>
عدد ۴۰ - چهل تا	ژماره ی چل - شماره و چلی	فورتی	<b>forty</b> <i>adj, n</i>
چهل، چهلمین $\frac{1}{40}$	چله م - چلو م - چله مین	فورتیس	<b>fortieth</b> <i>adj</i>
	چلو مین		
به جلو، به طرف جلو	به ره بهر و سه و ره و سه و بهر	فورورد	<b>forward</b> <i>adv</i>
فسیل، سنگواره	به رد باو - توه ن ئاسا	فوسیل	<b>fossil</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناخوشایند، کثیف	نالە بارناخۆش - پیس	فاول (فول)	foul <i>adj</i>
لکه دار	نا پاک - ناجۆر		
شکل سوم فایند	شکلی سییه می، فایند	فاوند (فوند)	found <sup>1</sup> <i>n</i>
ذوب - بنیاد	وێهرده و فایندی، تاویان		
تأسیس کردن / نمودن	دامه زانندن - ئه ره مه رز نای	فاوند	found <sup>2</sup> <i>v</i>
بنا، پایه، اساس، پی افکنی	دامه زان - پایه بینه و این چین	فونیدی شین	foundation <i>n</i>
پایه ساختمان	بنه وای مال بین چینه ی خانو	فونیدی شین س	foundations <i>n</i>
فواره چشمه، منبع	فواره - ئاو پێگه - ئاو پێژین	فونتین	fountain <i>n</i>
عدد ۴	چوار - چوار - ژماره ی چوار فور		four <i>adj, n</i>
چهارم، چهارمین - ۴	چواره م - چواروم - چواره مین فورس (ت)		fourth <i>adj, n</i>
عدد ۱۴	ژماره ی چواره ده شمارو چواره ی فورتن		fourteen <i>adj, n</i>
چهاردهم، ۱۴	چواره ده یه م - چواره ده هوم	فورتن س	fourteenth <i>adj</i>
مرغ و خروس، ماکیان	بالنده - په له وه ری	فول	fowl <i>n</i>
	پسه که رگی و که له شیر ی		
رو به غریب دادن	رواسی - پوی	(فوکس)	fox <i>n</i>
کم، جزئی، پاره، عدد کسری	ورده - که م به شی - نه خته ی	فرکشن	fraction <i>n</i>
شکستن، ترک خوردن	میریای شکیان نورشکان	فرکچر	fracture <sup>1</sup> <i>v</i>
شکستگی	تره که - تلیشه - تره ک	فرکچر	fracture <sup>2</sup> <i>n</i>
خرد، شکسته، پاره	له ت - کوتی - تیکیه وه	فرگمنت	fragment <i>n</i>
	تیکه و له ت		
ناتوان، ضعیف، نحیف، نزل	زایف که و ته که له لابی تین	فریل	frail <i>adj</i>



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اسکلت، شاسی - قاب	چوارچۆ-چوارچۆ-قاب	فریم	frame <sup>1</sup> n
روحیه	وه زعو حال		
در چهارچوب قرار دادن	له چوارچۆ دانان - دلّی	فریم	frame <sup>2</sup> v
قاب گرفتن	چوارچۆی نیای		
آژدییکار - مجانی، برها	موختار - ئازاددهس وازمفت	فری ی	free <sup>1</sup> adj
آزادی، اختیار - امتیاز	ئازادی - خو موختار	فری یم	freedom n
	وی موختار، ههق		
آزادانه، به میل خود	به ئازادی - به ئازادییه وه	فریی لی	freely adv
آزاد کردن، رها ساختن	ئازاد کردن - ئازاد کهرده ی - وه ردای	فریی	free <sup>2</sup> v
منجمد شدن، یخ زدن	رچیای - گرسای - گرسین	فریز	freeze v
	رچیان و یخ بهستن		
فریزر یخ ساز - یخزن	رچینه - ر - چینگه - ساردوکر	فریزر	freezer n
متعدد و مکرر	زورفره - په ی په ی	فری کوئت	frequent adj
مداوم	ته که لّ ته که لّ، دهم به دهم		
به طور مکرر - اغلب	زوری جارفره وه ختی	فری کوتلی	frequently adv
	فره جار		
تر و تازه - نو - خنک	تازه و نووه - فینک - تازه	فریش	fresh adj
جمعه (نهمین روز هفته)	هه ینی - جو محه - جهمه	فرای دی	friday n
یخچال	چاله وه روسه ردوکر	فرایج	fridge n
	سه هو لّدان - یه خه چالّ		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رفیق، دوست (قابل اعتماد)	دۆس پره فێق شه ریک	فرند	friend <i>n</i>
	دۆست		
دوستانه، صمیمانه	دۆستانه به ره فێقی	فرندلی	friendly <i>adj</i>
	دۆس ئاسا		
دوستی، رفاقت	دۆستی پره فێقی	فرندشپ	friendship <i>n</i>
هراس، ترس، هول	ترس - ته رسی - دله چرکی	فرایت	fright <i>n</i>
	دله له رزه		
ترساندن، ترسیدن، برم دادن	ترساندن - ته رسنای - ته رسای	فرایتین	frighten <i>v</i>
حاشیه - موی چتری - لیه	ریشوولی - ریشک - چه تره	فرینج	fringe <i>n</i>
	وزلقان - قه راخ ده ور		
فراک (لباس زنانه / دخترانه)	سیپالی و سه رسیپالی ژه	فراک	frock <i>n</i>
ردا - قبا	نانو پیان و زه و روان - که وا		
	سه ر جل - عابا		
وزغ، غولیا، غمغوک	قرواقی - قریوق	فراک	frog <i>n</i>
از (حرکت از) - (کسی) / به	له - جه - له وه ختی له	فرام	from <i>prep</i>
کسی) - (جایی) - (چیزی)	لایان - جه وه ختو		
(علتی) - در اثر			
جلوبلویی، کنار، قیافه	به ره وه رین، پیش	فرانت	front <i>n, adj</i>
خط مرزی، مرز	سه ره ده سنوور - حد وود	فرانت پر	frontier <i>n</i>
	مه یدان		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شبنم یخ زده، برفک	یه خه شه و نم - ئالشتی	فراست	frost <i>n</i>
هوای یخ بندان	یه خه کزه، ژیری سفر		
ابرو و هم کشیدن، اخم کردن	روه پیوره دای - روو ترش کردن	فراون	frown <sup>1</sup> <i>v</i>
یخ زدن	یه خ به ستن - یه خ دای	فرئوز	froze <i>see</i> freeze
میوه - ثمر - بار	میوه سه مه ره باخی	فرووت	fruit <i>n</i>
نیمرو / بار وغن سرخ کردن	سو رو که رده ی - هیلکه و رو ئ	فرای	fry <i>v</i>
	کردن - سو و رو و کردن		
سوخت، مواد سوختنی	مه وادی سو و ته مه نی	فیووال	fuel <i>n</i>
	مه وادی سو و چه ری - سو وچ		
به تعهد خود عمل کردن	وه عده به گائه وردی	فُل فیل	fulfil <i>v</i>
انجام دادن	کار چاک و دروست کردن		
پُرغول، سرشار، کاملاً	په ر خیر - ته مام - ته و او	فُل	full <i>adj</i>
کاملاً، به طور کامل	به ته و او ی به ته مامی - یه کجار	فُل ی	fully <i>adv</i>
(.) نقطه	خال - نوختی - نوخته	فُل استاب	full stop <i>n</i>
سرگرمی، تفریح، کیف	خوشی و سه یران و ه شی	فان	fun <i>n</i>
	خه لافتنای - شوخی		
کار، وظیفه، عمل کردن	وه زیفه - عه مه ل و پیشه	فان کئین	function <sup>1</sup> <i>n</i>
کار کردن	کار کردن - کار که رده ی	فان کئین	function <sup>2</sup> <i>v</i>
نقد دینگی، سرمایه، وجه نقد	وه جه ده سه لات	فاند	fund <i>n</i>
	مال و سه رمایه		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
funeral <i>n</i>	ره سَمی به خاکسپاری مردوو فیوئزل		مواسم تشییع / سوگواری
	ده سوورو که فن و ده فتوممه رده ی		خاکسپاری
fungus <i>n</i>	هه لچِی - کارگ	فان گِیس	قارچ
funnel <i>n</i>	ره حه تی لئووله سووبه	فانل	قیف - دودکش
	دوو که ل کِیش		
funny <i>adj</i>	خوه نه ور - پێ که نین دار	فانی	سرگرم کننده - عجیب
	عه جه یو، مه زه دار		خنده دار
fur <i>n</i>	تووکن - پیستی پر موو	فِر	پوستخز،... مو
	پۆسی توو کدار باری زوان		کرک
furious <i>adj</i>	ئه یری مه زاج - درو تووره	فیوریس	بسیار خشمگین
	تووره وئاگری		براشفته
furnace <i>n</i>	کووری - کووره - ته نوور	فِرَنیس	کوره - تنور
furnish <i>n</i>	به مویل رازاندن - مویل کاری	فِرَنیش	مبلان کردن / ساختن
	که رده ی - مویل کردن		تهیه کردن
furniture <i>n</i>	ئه سپاو - ئه سپاپ وه سیله	فِرَنیچر	اثاثیه خانه، اسباب خانه
further <i>see far</i>	که لئو پهل		
fuss <sup>1</sup> <i>n</i>	قَالو و مقَال - هه راهه را	فاس	جار و جنجال، قیل و قال
	قیژ و قاز		
fuss <sup>2</sup> <i>v</i>	قیچنای هه راهه را کردن	فاس	جار و جنجال کردن
	قیژ و قاز که رده ی، جره اتن		جوش زدن

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تفنگدار	چه کداری تایه تی بۆ شه پ	فیوزی ل پیر	<b>fusilier</b> <i>n</i>
تیرباران - شلیک مکنز	تیره باران - تیر واران مره می	فیوزی ل پید	<b>fusillade</b> <i>n</i>
گداز - دُوب	ئاو بو - تاویا - تواو	فیوژن	<b>fusion</b> <i>n</i>
هم آمیزی	تاویان		
غروندی، نق نقی - بی قرار	بۆ له بۆل - رینگه رینگ که ر	فاسی	<b>fussy</b> <i>adj</i>
سرنوشت، آینده	داها توو - ئاقیبهت - وه ر ئامه	فیوچر	<b>future</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	سه ر ئاخری کار		
آینده، آتی، به زمان آینده	به رهات - پاشه روژ	فیوچر	<b>future</b> <sup>2</sup> <i>n, adj</i>
	ئامه رو		
آخرت - عاقبت	ئاقیبهت - دوا سه ر	فیوچریتی	<b>futurity</b> <i>n</i>
کُرکی - فز - وِزوزی	کولکین - لولول - ئالاول	فازی	<b>fuzzy</b> <i>adj</i>
	قه مچیا، توکن		
گردو	وه زی - گو یز - یوزی، گرده کان	فَزی	<b>fazzy</b>
وارونه شدن مار	وه زه نی ماری - پیلانی مار	فَزَنی	<b>fazany</b>
درخت انگور بیج خورده	داره تری ئالاول - میوه ی	فازی واین	<b>fuzzyvine</b> <i>n</i>
	قه مچیای		



square



circle



triangle



rectangle/oblong



oval



cube



sphere



pyramid



cone



cylinder



queue



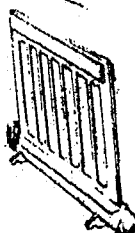
rabbit



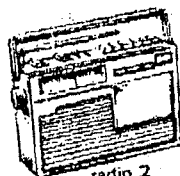
dog



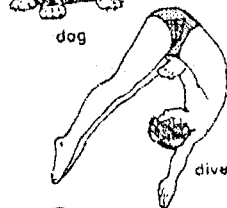
doll



radiator 1



radio 2



dive



diving-board



donkey

# G g

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حرف هفتم الفبای انگلیسی	پیتی حە و تە م لە ئەلفبا	جی	<b>G</b> <i>n</i>
امین اموال (جنسی)	حیسابدارێ مالی		<b>G-A-finanical-agent</b> <i>n,pl</i>
بچ بچ و راجی، گپ زدن	بچه بچ - ژاژۆلی راواری	گب	<b>gab</b> <i>n</i>
شادمانی، نشاط	شادی - خوشدلی - شهوق	گیپی	<b>gaiety</b> <i>n</i>
برنده شدن، به دست آوردن	به ده ده ست هیئان به ده س نه ورده ی گین		<b>gain</b> <i>v-n</i>
سود - نفع	نزیکوبیه ی به، خه یر		
باد شدید / تنه صدای	توف سوای سه خت گه رده لوله گیل		<b>gale</b> <i>n</i>
ناگهانی و بلند	تونه با (ته نیایی و اردان)		
نمایشگاه (نارهنری) و اهر و	پیشانگا - ئیشانگای هونه ری	گالری	<b>gallery</b> <i>n</i>
گالن (واحد سنجش مایعات)	جوړه پیوانه یه ک - جوړیوه	گالین	<b>gallon</b> <i>n</i>
به تاخترفتن، چهار نعل رفتن	په بمانه ی ۵/۴ لیتری چه بریتانیا		<b>gallop</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
چهار نعل - تاخت	چوار نالو غار نیای - غار کردن	گیپ	<b>gallop</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	چوار نالو غار - تیژ و تار	گیپ	
	هور		
شرط بندی کردن بقمار کردن	شەرت به ستن شه رت که رده ی	گمبل	<b>gamble</b> <i>v</i>
بازی (تابع مقررات) - سرگرمی	کایه - گه مه - ژلیو یای	گیم	<b>game</b> <sup>1</sup> <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شکار (هیوانات) - بازی	راوه-راو-تاقی گه‌ری	گیم	game <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شل - حاضر	ومسابیقه، شهل		
جمع، دسته، گروه	گروڤده سه ده سه ته کۆمه‌ل	گنگ	gang <sup>1</sup> <sub>n</sub>
گروه بندی / دسته بندی کردن	ده سه به ندی کردن - گروڤه ندی	گنگ	gang <sup>2</sup> <sub>v</sub>
بند، زندان	که‌رده‌ی، دابه‌ش کردن		
	گه‌ور به ندیخانه زیندان	چیل	gaol or jail <sub>n</sub>
	گووژلدان		
گاراژ، تعمیرگاه خودرو	گاراچه - جیبی ماشینه کان	گراز	garage <sub>n</sub>
	یاگنی ماشینان - وه شکه‌رگا		
باغ، باغچه، پارک	باخ بیاغ بیاخچه بیاغچه	گاردن	garden <sup>1</sup> <sub>n</sub>
باغبانی کردن	باخه‌وانی که‌رده‌ی بیاغ به‌خیو کردن	گاردن	garden <sup>2</sup> <sub>v</sub>
باغبان	باغه‌وان بیاخه‌وان - ساسیو باخ	گاردنیر	gardener <sub>n</sub>
لباس، پوشاک، پخت	جوړیک لباس و جل	گارمنت	garment <sub>n</sub>
	جوړیو لباس - جل و به‌رگ		
دستگاه سنجش	کوئتری گاز - گاز پیو	گاس متر	gasmeter <sub>n</sub>
کنتور گاز - گاز	بوڤ - گاز - گاز - ی - سوو ته مه‌نی	گس	gas <sub>n</sub>
	گاز - گاز سوخت (زغال، ...)		
بنزین - دما - بخار	و بنزین		
اجاق گاز	أجاق گاز - چرا گاز	گس متر	gasburner <sub>n</sub>
نفس نفس زدن	هه ناسه برکی - هه ناسه سوار بوون	گاسپ	gasp <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	هه ناسه بریبه‌ی		
تنگ نفس بودن	هه ناسه‌ی سوار - هه ناسه برکی	گاسپ	gasp <sup>2</sup> <sub>n</sub>
نفس بریده / نفس تند و کوتاه			

f	v	θ	ð	s	z	f	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
درودی (ساختمان) - دروازه	ده روده رواز - ده رک به ره	گیت	gate <i>n</i>
جمع کردن - فهمیدن	کو کردن - جهم کهرده ی	گِژر	gather <i>v</i>
	فامای - چنینه		
گردهمایی - جلسه	کوڤ - گیلر و بیه ی	گَژرینگ	gathering <i>n</i>
چین پارچه	کو بو ونه وه		
به دقت اندازه گرفتن	ئه ندازه گر تن - پیمای	گیج	gauge <sup>1</sup> <i>v</i>
	وئه ندازه گرته ی		
وسیله / دستگاه اندازه گیری	پیوان - ئامرازی پیوان	گیج	gauge <sup>2</sup> <i>n</i>
پیمانه	وه سیله وئه ندازه گیری		gave <i>see</i> give
شاد، بشاش، سرحال	شادشادومه سروور - کوک	گی	gay <i>adj</i>
چشم دوختن، خیره نگریستن	عو د به حته یه ی - ناوی فکرار وین	گیز	gaze <i>v</i>
ژل زدن	واق بوون به		
دنده (وسیله نقلیه) / ابزار	ده نده ی ماشین وه سیله	گیپر	gear <i>n</i>
تو دنده گذاشتن	ئه سیاب		geese <i>see</i> goose
جواهر، سنگ قیمتی	به ردی قیمه تی - جواهر	چیم	gem <i>n</i>
گوهر	گه وه ری شه و چراغ		
همگانی، عمومی - عام	گشتی - گردی - کو مه لایه تی	چنرل	general <sup>1</sup> <i>adj</i>
	جه می		
به طور کلی، معمولاً - اکثراً	به ته واوی به یه یک جاری به ته مای چنرالی		generally <i>adv</i>
فرمانده تیپ، سرتیپ، تیمسار	سه ر تیپ - عامل هیژ	چنرل	general <sup>2</sup> <i>n</i> (عبدالکریم قاسم)

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>generate</b> <i>v</i>	چنریت	به‌دی هینان هوش که رده‌ی	ایجاد/تولید کردن/زادن
<b>generator</b> <i>n</i>	چنریتز	مۆترو به‌رقی مۆتری	ژنراتور، موتور برق
		کاره‌با	سازنده
<b>generation</b> <i>n</i>	چنری شِن	ره‌گه‌زونه‌سل، زاین‌زای	نسل، ایجاد/زایش
		په‌شتا و په‌شت - تخم	
<b>generous</b> <i>adj</i>	چنرس	به‌خشه‌نده‌ده‌س بلسا و که‌ریم	بخشنده، کریم، بزرگ
		و که‌ره‌مدار، شه‌راوی چاک	زیاد
<b>generosity</b> <i>n</i>	چنرازیتی	به‌خشه‌نده‌یی ده‌س وازی	سخاوت، بخشندگی
<b>genius</b> <i>n</i>	جیین پس	ناییغه‌مه‌ژگدار - خالق	خوش قریحه، نابغه، مبتکر
<b>genus</b> <i>n</i>	چنس	و مد‌ریک به‌هوش - جور	جنس - نوع - طبقه
<b>gentle</b> <i>adj</i>	چن تل	نه‌جیم - عه‌ده‌و ما‌قوول	مهربان، آرام، ملایم
		و ئارام به‌جمن و ئه‌مین	نجیب، باگذشت
<b>gently</b> <i>adv</i>	چن‌تلی	به‌ئارامی و هیمنی به‌نه‌رمی	با‌دقت، با‌ملایمت، آرام‌آرام
<b>gentleman</b> <i>n</i>	چن‌تل مین	پیا و باش - پیا و ما‌قوول	مردن‌نجیب‌آقا، جوان‌مرد
		ته‌مام پیا و خاس - پیا و چاک	لوطی
<b>genuine</b> <i>adj</i>	چن یوین	عه‌سل و پاک خالس هه‌ره‌قه‌تی	اصلی، واقعی، حقیقی، معتبر
<b>genuinely</b> <i>adv</i>	چن‌یوین‌لی	به‌خالسی ته‌وا و به‌راستی	واقعا - حقیقتا
<b>geography</b> <i>n</i>	جیا‌گرفی	جو‌غرافیا	جغرافی، جغرافیا، گیتاشناسی
<b>geology</b> <i>n</i>	جیول‌جی	زه‌وین‌ناسی مزه‌مین ژناسی	زمین‌شناسی
	(جیالی جی)	ئه‌رزناسی	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هندسه	ئه ندازه - علمی ئه ندازه	جیامتری	geometry <sup>n</sup>
میکروب - تخمبدا	و پیوان میکروب - زریه ت - گودره خت	چرم	germ <sup>n</sup>
روئیدن - جوانه زدن	گو که رده ی - روان و چورزه دان	چرمینیت	germinate <sup>v</sup>
نمو بردن - شکفتن	سه وزیه ی روا - رووه ک - سه وز و خیزای	چرمی ن - شن	germination <sup>n</sup>
ایما و اشار - مؤست	سه روده س و چاو - جمنای	چس چر	gesture <sup>1</sup> <sup>n</sup>
	وه ختوقسان - ده ستوسه ر		
ایما و اشار - کردن	جواندن له کاتی قسان - گالی		gesture <sup>2</sup> <sup>v</sup>
دست و سرتکان دادن	نیشاره کردن - ئیما و نیشاره	چس چر	
خریدن، دریافت داشتن / کردن،	که رده ی - گال گه سه ی		get <sup>v</sup>
به دست آوردن - نشدن - داشتن،	گرتن (گرتنه ی) - یاوا ی - گه یین	گیت	
داربودن - وار دشدن - بر سیدن،	هاتن - بیبون - ده س یاوا ی - مه جیو ربون		
آمدن - بایستن	به جی گه یشتن - زانین		
روح - شیخ - روح مرده	روح - گیان - تا پوسه یه	قوست	ghost <sup>n</sup>
روح مانند، شیخ گونه	روح - ئاساوه ک - روح	قوست لی	ghostly <sup>adj</sup>
غول، دیو، حول	دیو - حول - ده عبا	چاینت	giant <sup>1</sup> <sup>n</sup>
	غول - میر دز مه	(چی نت)	

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بزرگ - عظیم	فره و زۆرگه و ره فره زل	جاینت	<b>giant</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>
	به شه ری ده عبا - جه جال		
گیجی، داوای فکر کم، خنگ	گیجی گه وچ بێ فکر مه نگ	گیدی	<b>giddy</b> <i>adj</i>
هدیه، کادو، سوغات	دیاری - خه لات، زه وق	گفت	<b>gift</b> <i>n</i>
بسیار بزرگ، غول پیکر	زۆرگه و ره و زل وه ک دیو	جای گن تیک	<b>gigantic</b> <i>adj</i>
	گه و ره فره زل		
بی مورد خندیدن، هرهر	به قله خوای - چکۆ له پیکه نین	گی گل	<b>giggle</b> <i>v</i>
خندیدن	چیرۆ که رده ی، پری قه ی که نین		
آبشش - برانش	سی ئاوی - ئاوشو شنی سی ئاو	جیلس	<b>gills = gill</b> <i>n</i>
زنجیل - گرد / پودر زنجیل	زهنجه فیل - ریشه و گیو او	جین چر	<b>ginger</b> <i>n</i>
	وزه نجه فیلی (زاله که رگ...)		
زرافه	زه رافه - جو ره حه یوانی درێژ	جیراف	<b>giraffe</b> <i>n</i>
دختر - زن مجزود	کناچی - کچ که نیشک دود	گزل	<b>girl</b> <i>n</i>
دادن، بخشیدن - پرداختن،	به که سی به خشین دای - دان	گیو	<b>give</b> <i>v</i>
پرداخت کردن، پول دادن -	به رگری کردن - حیساب کردن		
منع شدن، ممنوع کردن /	نامیای - ته سلیم بون		
شدن - مجاز نبودن			
خرسند، شاد، خوشحال	شاد مه سرو و ره شحال	گلد	<b>glad</b> <i>adj</i>
باخوشحالی، خرسندانه	به وه شی به مه سرو وری	گلدلی	<b>gladly</b> <i>adv</i>
	به خو شیه وه به به یه ی لیو		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نظر اجمالی انداختن،	نەزەرە ی کو تار سە ی-یو ماو، یی گلاس		glance <sup>1</sup> v
کمانه کردن	چاو خستن دزە دیای-کە مانە کردن		glare <sup>1</sup> v
برق زدن - خیره نگریستن	تیر د یای درو شان گیر		
چپ‌چپ نگاه کردن	شە وق خستن شە وق وسە ی		glare <sup>2</sup> n
درخشندگی، درخشش	پەرشنگی بـ یر یقە درو شیا ی گیر		
چشم غزه، نور تابناک	برو و سکە وشە وق و بر وکیای		glass n
شیشه، لیوان، ... گیلان	ئاو خو ری شیشی شو وشە گلاس		glasses n
عینک	عە ی نە ک بەر چاو وە رچە م گلسیز		gleam = glisten v
سوسو زدن، نور دادن	برو وکیای بـ رو وکە ها تەن گلییم-گلی من		
برق زدن، تابان شدن	نووری ئارام دان بـ یر یقە دان، درو شیا ن		gleam n
سوسو، نووانی، نور کم	برو وکە-نووری ئارام-شە وقە ی گلییم		
آرام آرام حرکت کردن	بـ ی تین وکە مە-پەرشنگ		glide v
لغزیدن- شزیدن	خزای-خزین-ئارام لوای گلاید		
هواپیمای بدون موتور	ئارام پروین		glider n
سوسو زدن	سو پروە ر سـو و پـو خـو ر گلایدر		glimmer v
نگاه آبی، نظر اجمالی	تە یارە ی بـ ی مو تر درو شان گلی مـر		glimpse <sup>1</sup> n
وتند	تە ماشای کو تا-تاوە ی دیای گلیم پس		
نظر اجمالی انداختن	کو ر تە نە زەر-چە م وسە ی		glimpse <sup>2</sup> v
	بو تاو ی رو انین-پە ی تاوە ی گلیم پس		
	تە ماشاکە ردە ی-چە م وسە ی		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
glitter <sup>v</sup>	گلِیتر	دروشیای درویشان بیریقه دان	درخشیدن، تالالو داشتن
		پر شنگ دای	برق زدن
glitter <sup>n</sup>	گلِیتر	بیریقه درویشیا - پر شنگ	تابناکی، درخشندگی
		برووکە - پرشە	تالالو
globe <sup>n</sup>	گلنوب	پسەبیل - قول - خریبی	کره زمین - گوی، کره
		خرک - گروولی - بلق	
gloom <sup>n</sup>	گلووم	لیلی - تاریکی - دلته نگی	تیره گی - افسردگی
gloomy <sup>adj</sup>	گلوومی	کزوخە مناک - غە مبار	افسرده، غم افزا
		دلته ننگ کەر، لیلی	کم نوری
glory <sup>n</sup>	گلئوری	فتخار - گە ورە بی و جە لال	جلال، افتخار، فخر
		سەر بە زری - ئابرو و شوهرت	عزت
glorious <sup>adj</sup>	گلئوریس	شوهرتێ - زوورباش - بە فەر	باشکوه - خیلی خوب
		وشکو - زوورچاک	عالی
glove <sup>n</sup>	گلاو	جووتی دەستکێش - جفتە ی	(یک جفت) دستکش (بوکس)
		دەسکێشی	
glow <sup>1 v</sup>	گلئو (گلو)	شەوق هاوێستن - شەوق و	تاباندن، نگاه گرم انداختن
		نوور و سە ی - تە و اشابە شەوق کردن	نور دادن
glow <sup>2 n</sup>	گلئو (گلو)	شەوقە نوور - پر شنگ دار	تابش، برافروختگی، شرم
glow worm <sup>n</sup>	گلووم	شەوق وروشنا، ئە پرە قوولی	نوردهی - کرم شب تاب

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation:	Kurdish	Persian
glue <sup>1</sup> <i>n</i>		چه سپ سر یشه سر یش، گلو یز	چسب، سریش
glue <sup>2</sup> <i>v</i>		به چه سپ لکاندن لکنای به چه سپ گلوو	با چسب چسباندن
gnaw <i>v</i>		زاوای هه جوین - قه پ گرت ه ی گنوو	گاز زدن، جویدن
		(گرتن)، دار زیان	فرسوده شدن
go <i>v</i>		لوای پروین پرویشتن	حرکت/کردن، رفتن، شدن
		کار کردن	
go <sup>2</sup> <i>n</i> (Try)		کو شش هه ول - ته قالا، مناسب	تلاش، سعی، موفقیت
goal <i>n</i>		هه ده ف و ئاوات دهه ر وازه	دروازه (در بازی فوتبال)
		له کایه ی تو یی پی	گول - هدف - امتیاز
goat <i>n</i>		گدی - په زبزن بزه	بز
god <i>n</i>		خودا - خودا - خودا - هورمز	خدا، الله
goad		یه زان هورمه هور، نه قیزه	مهمیز شک، چوب سرتیز
goddess <i>n</i>		ئیللاه هورمز یار - خودای	ربه النوع، الهه زن
		تایبه ت وه ک خودای ئاو - زنی چاک	زن بسیار زیبا
gold <i>v</i>		زیر - تله - ته لا	طلا - طلایی - رنگسوز
golden <i>adj</i>		تله یی - تله یین	طلایی - رنگی
golden touch <i>n</i>		هیزی خیالی که توانیویه هه ر گوندن تاچ	نیروی افسانه ای که
		چتی بکا ته تله - قوه و تله کهری	با لمس چیزی آن شیء به
			طلا تبدیل می گردد

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گلف، بازی گلف	جۆره وه رزشی - گه میوه	گالف، گلف	golf <i>n</i>
گنگ (ورقه آهنی)	به توپه و چۆ جۆریوه زه نگی گه و ره (ناقوس)	(گولف) گانگ	gong <i>n</i>
نیک، نیکو - مفید، خوب، مناسب - مؤدب - خوش	باش - چاک - خاس به جۆ وهش - زۆر	گُذ دروُس - خاس به سوود، چاک	good <sup>1</sup> <i>adj</i>  good <sup>2</sup> <i>n</i>
مفید، صحیح، نیکی	باشی - شیرین زوانی - چاکه	گُذیس	goodness <i>n</i>
خوبی، مهربانی	بار - که لو و په ل - چت، مال	گُذیز	goods <i>pl, n</i>
کالا، جنس - بار - محموله	غاز - غازی	گووس	goose <i>n</i>
غاز - آدم لوس	ئه وه راز نابه ناز و ته داره ک	گورچس	gorgeous <i>adj</i>
زیبا، لذت بخش	جوان و رازاوه، دَل رفین		
مجلل	جۆریوه مه یمون - جۆره	گِریل	gorilla <i>n</i>
گوریل، نوعی میمون	مه یموونی - گۆریل	(گوریل)	
بی دُم	به دگویی - شات و شووت - زه م	گاسپ	gossip <sup>1</sup> <i>n</i>
بدگویی، غیبت - بدگو، سخن چین، خبرچین، شایعه	چاو		
بدگویی / غیبت کردن	چاودا خستن به دگویی	گاسپ	gossip <sup>2</sup> <i>v</i>
	که رده ی - زه م کردن		got <i>see</i> get
کدو، کدو حلواپی	کوله که - کوله کی - کوله که	گورد	gourd <i>n</i>
بطری کدویی	خانمانی (قلیانی)		



فارسی	گردي	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حکومت / کنترل کردن	حکومت کردن - چاودیری کردن گاڤرن		govern <i>v</i>
فرمانروایی کردن	چەم داری کەردە ی		
حکومت، دولت، کنترل	حکومت - دەلۆه	گاڤرن مینت	government <i>n</i>
تسلط	دەولەت، حکمرانی		
حاکم، فرماندار، استاندار	فەرماندار، والی، ئۆستاندار	گاڤرنیز	governor <i>n</i>
لباس شب - لباس کار	لیباسی درێژی ژەنان	گۆن	gown <i>n</i>
ماتو، روپوش	جلی و لباسی شەو، دەرە دامانی، ماتۆ		
چنگ زدن، قاپیدن	رفانای برانندن - چنگ لیدان	گژب	grab <i>v</i>
موزون، دعا، ظرافت	فەیز و وشە تی - نتم وە قار	گریس	grace <i>n</i>
زیبا، عموزون، دلربا	جوان - نتم و سەنگین	گریس فول	graceful <i>adj</i>
رعنا	خۆش بە ژن، زەرێف		
بادلربایی، باوقار	بە دڵ کێشی بە وە قارو	گریس فۆلی	gracefully <i>adv</i>
	سەنگینی		
مهربان، مطلوب، بزرگوار	چاک و دڵسۆز - محییەت دار	گری شیز	gracious <i>adj</i>
	خەیرخوا، نتم		
اندازه، درجه، نوع	دەرە جە - ئەندازە - جۆر	گرید	grade <sup>1</sup> <i>n</i>
پایه، نمره	رۆتیه - کلاس - نۆع، نمره		
طبقه بندی کردن	رێژچینی - جیاوێ کەردە ی	گرید	grade <sup>2</sup> <i>v</i>
نمره دادن	قات و تە بە قە بە ندی کردن		

uo p b t d k g t/ d3  
pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تدریجی، کم کم	ورده و ورده - که م که م - ملایم	گَرَجْوال	gradual <i>adv</i>
به تدریج برفته رفته	که م که م به نارامی به نه هوه ند	گَرَجْوالی	gradually <i>adv</i>
فارغ التحصیل شدن	ده رس دواها و ردن - ده رس	گَرَجْوا یت	graduate <sup>1</sup> <i>v</i>
	ته مام که رده ی		
فارغ التحصیل، پایان تحصیل	ده رس ته مام که رده - ده رس	گَرَجْوا یت	graduate <sup>2</sup> <i>n</i>
	دواها و ردن		
غله، دانه، حبه - ذره	دنگه - خه له بیوله - توژیک	گیرین	grain <i>n</i>
شالی، دانه شکر و نمک	گرمه - ثامرازی کیشانه کردن		gram or gramme <i>n</i>
گرمه (واحد وزن)	ثایره وهو ورسره نگنا و کیشانه ی		
گرام، دستور زبان	رپی فیروونی زمان	گرامر	grammar <i>n</i>
صرف و نحو	راو فیرویه و زوانی		
گرامافون، گرام	ده زگا و ئاشکرا که رده و شه	گَرَم فَنون (فون)	gramophone <i>n</i>
	پوئی ده نگگی - گرام و ئاشکرا		
	که ری ده نگ ده نگ گیر		
بزرگ و مجلل، برجسته	سه ربه فه رگه وره و پرشکۆ	گَرند	grand <i>adj</i>
نوه (نر یا ماده) نییره	ئه ولادی ئه ولادیکۆره زا	گَرند چیلد	grandchild <i>n</i>
	کچه زا		
نوه دختری	کناچه زا کچه زا دودزا	گَرند داتیر	granddaughter <i>n</i>
پدربزرگ، نیا جد	باو که گه وره بیابه گه وره	گَرند فادیر	grandfather <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مادربزرگسجده	ئه داگه وری دا یکه گه و ره	گرتندمادر	grandmother <i>n</i>
	ئه دالی		
نوه پسری	کوره زا	گرتندمان	grandson <i>v</i>
اعطاء کردن، بخشیدن	به خشای - به خشین	گران	grant <sup>1</sup> <i>v</i>
پذیرفتن، اهدا، اعطا	قه پوڵ کردن، خه لات	گران	grant <sup>2</sup> <i>n</i>
انگورسجبه	هه نگور و هه لالی هه نگو وری - تری گریپ		grape <i>n</i>
گریپ فروت - دارابی	میو یوه پسه پر ته قالی	گریپ	grapefruit <i>n</i>
	گه و ره ی - جو ریک پر ته قالی فرووت		
	نا و سو و رو گه و ره		
نمودار، طرح خطی	هیلێ تواندن - که وان	گراف	graph <i>n</i>
منحنی	نیشانی خه تی به		
کاغذ شطرنجی	کاغه زی شه توه نجی	گراف پیپر	graph - paper <i>n</i>
محکم گرفتن - فهمیدن	فامای - توندگرتن - تندگرتی - فامین گرتسپ		grasp <i>v</i>
علف، سبزه، مرغزار	چیمه ن سه وزایی گیایگیو او - ئالف گزس		grass <i>n</i>
علفزار، سبزه زار، مرعوف	چیمه ن زار سه وزه زار، گزره	گزسی	grassy <i>adj</i>
ملخ	کولله - قولمه	گرس هاپر	grasshopper <i>n</i>
شبکه اهلی شومینه، منقل	سو به ی دلی دیواری، ناگردان	گریت	grate <sup>1</sup> <i>n</i>
ساییدن، بنده کردن	ره نده که رده ی ساوای	گریت	grate <sup>2</sup> <i>v</i>
آزردن	به یه ک مألین		
ممنون، سپاسگزار	سپاس که ری مال ئا وایی	گریت فول	grateful <i>adj</i>

قه در شناسی

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
قدرشناسانه	به قه در شناسی جه مآل تاوایی	گریت فوولی	gratefully <i>adv</i>
قدرشناسی، حق شناسی	هه ق شناسی - قه در زانی	گرتی تیود	gratitude <i>n</i>
	وه ناداری		
قبر، گور، مهم، وخیم	قه وه - گور زیاره - قه بر	گریو	grave <sup>1</sup> <i>n</i>
خطرناک حیاتی	سه خت و خه ته رسمو هیم	گریو	grave <sup>2</sup> <i>adj</i>
به طور وخیم / جدی	به سه ختی به ناله باری	گریولی	gravely <i>adv</i>
شن، سنگریزه، بریگ	ریزی - ریخ - پیچه کی	گروول	gravel <i>v</i>
	به رده ورده		
ثقل، زمین، جاذبه زمین	هیزی کیشانی نه رز - قوه	گروتی	gravity <i>n</i>
وقار - وزن	وکیشاوزه مینی - قوه ی لووشان		
چراندن - خراش برداشتن	له وه راندن لووړ نای، زامداربون	گریز	graze <sup>1</sup> <i>v</i>
	هوړکلاشای - قرنجیای		
خراش، زخم سطحی	هوړکلاش له وه رزریای	گریز	graze <sup>2</sup> <i>n</i>
	نالوش، زامداری		
گریس، روغن، چربی، بیه	روڼ - روڼ - چه وری، دمه	گریس	grease <sup>1</sup> <i>n</i>
روغن زدن، گریس زدن	روڼ لیدان - روڼ نه کهرده ی (کردن)	گریس	grease <sup>2</sup> <i>v</i>
گریسی، روغنی	روه نی - روڼی - چه وری	گریسی	greasy <i>adj</i>
بزرگ، عظیم، کبیر، مهم	گه وه - مو هیم - باقوول - زل	گروت	great <i>adj</i>
نوه دختری / پسری (بزرگترین فرزند)	کوړه زه - کچه زا (گه وری تر)	گریت گرتند	great-grandchild <i>adj</i>
	چیلد		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جد، جده، پدر	دایر بایر - جان و بن جان	گریت گوند	great -
مادر بزرگ	بایی بایر بایه - ئاڭگه وری	پاریت	grandparent <i>n</i>
طمع، از، حرص	ته ماعه - ته ماع	پارنت	greed <i>n</i>
حریس، آزمند، شکم پرست	ته ماعی - ته ماع دار	گرییدی	greedy <i>adj</i>
سبزه رنگ، سبزه، نرسیده	سه و زره نگی سه و ز - کال	گرین	green <i>adj, n</i>
گلخانه، گلخانه	یانه و گولان - گولخانه	گرین هاوس	greenhouse <i>n</i>
	ماله گول		
خوشامد گفتن، درود گفتن	سلام که رده ی یوه خیر و تن	گریت	greet <i>v</i>
سلام کردن	خه یر نامه که رده ی		
سلام، درود، تهنیت	سلام بر و ژباش به خیر	گری تینگ	greeting <i>n</i>
	خه یر نامه و تن		
سبز شدن	سه و زبون	گرنو	grew <i>see grow</i>
(رنگ) خاکستری	ره نگی بو و لین یو ره نگی میشی گری		grey <i>adj, n</i>
اندوه، غم، غصه، ماتم	خه فته - خه م - غم - گرفت	گریف	grief <i>n</i>
نیش و اکرن، پوزخند زدن	چیر و که رده ی زه رده خه نده	گرین	grin <sup>1</sup> <i>v</i>
	کردن به تانه پیکه نین		
پوزخند، تبسم، لبخند	ده م داچه قان - چیری - خوه ی	گرین	grin <sup>2</sup> <i>n</i>
	تانه دار - پیکه نینی تانه دار		
آرد کردن، آسیاب کردن	ئارد کردن هارین به ناش	گرایند	grind <i>v</i>
	وئاساو هارای		
محکم گرفتن، چسبیدن	تندگرتی - تو ندگرتن - پوره لکبای گریب		grip <sup>1</sup> <i>n</i>

ʌ      ɜ:      ə      eɪ      əʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دستگیره - دسته قیصه	وی لکنا - گیر - چنگه ماشی	گریب	<b>grip</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	خولکان به		
فریاد زدن - نالیدن	گروه و هواوار که رده ی	گرون	<b>groan</b> <i>n</i>
	نال و گریان کردن له ده رد		
نال، شکوه، فریاد	هوا و ناله - گروه و شین	گرون	<b>groan</b> <i>v</i>
	ور و - ورو، و هی رو		
خواربار فروش، بقال	دووکا ندره موچت فروش	گرویر	<b>grocer</b> <i>n</i>
	هه مه چیزه و ره ش، بنه کدار		
خواربار، جنس	هه مه چیزه - چیوه دوکان	گرویریس	<b>groceries</b>
	چت و جنسی دوکان		
خواربار فروشی، بقالی	دوکاندار - چت فروش	گرویری	<b>grocery</b> <i>n</i>
	چیو و ره ش		
شیار، خط، گودی، بریل	کنرا و - که رته شینو - گوله	گروو	<b>groove</b> <i>n</i>
	خه ت - گرنج - برگه		
زمین (سطح زمین)	زه وی و خاک - زه مین - یاگی	گزوند	<b>ground</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	جی		
مطلب - رشته	ده ورو به ری مال - چواره ده	گزوندس	<b>ground</b> <sup>2</sup> <i>see</i> <b>grind</b>
محوطه بیرون ساختمان	ورویانه ی، حه وش		
حیات	باده مه زه مینیه یاده م	گزوندنات	<b>groundnut</b> <i>n</i>
بادام زمینی	زه وینی - وام هندی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دسته، گروه، جمعیت	ده سه - گرو - کو مه ل - تا قمه ی	گرووب	group <i>n</i>
رشد کردن - سبز شدن	گه و ره بیه ی سه و ز بیه ی	گرو (گرنو)	grow <i>v</i>
بزرگ شدن	سه و ز بوون		
بزرگسال، بالغ	عازه و عه زه ب یالق	گرون آب	grown - up <i>adj, n</i>
رشد، نمو، رویش - ترقی	روا وه لسان بیه ر ثامه	گرونوس	growth <i>n</i>
	سه و ز بیه، خیز یای		
خوناس / غوغا کردن	مرختای - مرختاندن - پرختای	گزول	growl <i>v</i>
	پرختاندن، مرختای - مرختاندن		
غوغا، خرناس، غوغا	مرخه - پرخه، مره	گزول	growl <i>n</i>
کثیف، نامرتب	گه رو کر مه ژن - چلکی و ناتمه ییس	گرابی	grubby <i>adj</i>
نالاله کردن، غرزدن	نالین - نالینای - کروز یای بۆله	گرامیل	grumble <i>v</i>
اخمو، ترشرو، بهانه گیر	به د خو مو قن - ئیرا دگر	گرامیی	grumpy <i>adj</i>
	قه پوزن، بۆله بۆل کەر		
باترشرویی، باعبوسی	به تر شر وویی - به یه د خو یی	گرامییلی	grumpily <i>adv</i>
	به عه بووسی - پرو ترشی		
صدای خوک در آوردن	ده نگویه کانه ی به ر ئه و رده ی	گرات	grunt <i>v</i>
	ده نگی خو وگ ده ر ها و ردن (مشه)		
صدای خوک	ده نگویه کانه ی - ده نگی به ر ز	گرات	grunt <i>n</i>
ضمانت، تعهد، قول، تضمین	قه و ل و په یمان - پابه ند، بلین	گرتتی	guarantee <sup>1</sup> <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ضمانت / قول دادن	قه‌ول دان - پابه‌ند بوون	گزنټی	guarantee <sup>2</sup> v
نگهبانی کردن / دادن	پاسه‌وانی کردن - هوشیار بیه ی	گارد	guard <sup>1</sup> v
نگهبان، پاسدار - نگهبانی	چه‌مداری که رده ی	گارد	guard <sup>2</sup> n
سرپرست، قیم، ولی	سهر پر س - ساحیب - چاودیر	گاردین	guardian n
مدافع	پاسه‌وان		
گواو (نوعی میوه)	جوړی میوه - نو عیوه میوه	گواو	guava n
چریک، پارتیزان	شهری چریکی - جه‌نگی پیش	گریلی	guerilla n
جنگجوی غیرنظامی	مه‌رگه‌بی ئاسا، چه‌ته‌گه‌ری		
حدس زدن، گمان بردن	زه‌ند و گو‌مانه‌به‌رده ی	گیس	guess <sup>1</sup> v
حدس، گمان، فخرچن	گو‌مان بردن، مه‌رج کردن		
مهمان، مشتری هتل و...	گو‌مانه‌زه‌نده - گو‌مان‌باور	گیس	guess <sup>2</sup> n
ارشاد/ راهنمایی/ لوه‌بری کردن	میوان - میمان	گست	guest n
انجمن، اتحادیه صنفی	رینموونی کردن - رینموونی	گاید	guide <sup>1</sup> v
راهنما، رهبر، کتاب‌راهنما	که‌رده ی - جه‌م‌گه - به‌کیه‌تی	گیلد	guild n
راهنمایی، کمک، ارشاد	راه‌ره‌س‌ه‌رده‌سه‌را‌نموون	گاید	guide <sup>2</sup> n
گناه، تقصیر، جرم، بزه	یاری - یارمه‌تی - رینموونی	گایدینس	guidance n
	گو‌نا‌عه - خه‌تا - تاوان	گیلت	guilt n

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مقصّر، مجرم، گناهکار	تاوانبار - خه تا کەر	گیلتی	guilty <i>adj</i>
گیتار (نوعی ساز زهی)	جۆره سازی له موسیقا ساز یوه	گیتار	guitar <i>n</i>
خلیج شخاب، خور	که ند او - ئاو که نه - شاخاوه	گالف - گولف	gulf <i>n</i>
قورت دادن، بلعیدن	قووت دای - قووت دان	گالپ	gulp <sup>1</sup> <i>v</i>
قورت، بلع، جرعه	قووت ته - قووت - گولپ	گالپ	gulp <sup>2</sup> <i>n</i>
چسب - لته (دندان)	ویژن - جا چکه - چه سپ	گام	gum <i>n</i>
انگم - صمغ	هاروه - بنیش		
تفنگ - تپانچه	چه ک - تته نگ - سیلاح	گان	gun <i>n</i> (son of a gun تخم سگ)
تند باد، باد شدید	ره شه با - توف - حای ز لان	گاست	gust <i>n</i>
ابراهه، آب و سناودان	پلور ره - ئا و به - ئا و ره وکیه، جو	گاتر	gutter <i>n</i>
ژیمناستیک	جوریوه وهر زش	جیم نستیک	gymnastics <i>n</i>
مخفف gymnastics	کورته ی ژیمناستیک	جیم	gym <i>n</i>
دوران کردن - چرخ زدن	ده ورو دای - چه رخ خوار دن	جای ریت	gyrate <i>vt</i>
زنجیر	گه ران - گه ریان		
روشن شدن	زه نجیر زری - ئاسنینه	جایوز	gyves <i>n, pl</i>
صدای پشه - سماور	داگیر سان - گیسای	گیسای	gysaiy <i>v</i>
صدای عبور سنگ از کنار گوش	ده نگی سه ماو ره - خا که	گیزه	gyza <i>n</i>
گرفتار شدن	گیفه - گنه	گیفه	gyfa <i>n</i>
ژیروسکوپ - تراز نما	گیر وده - گیر و کیش	گیر وده	gyroda
	قولایی پیو	جیر و سکوپ	gyroscoppe <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



GLOBE ARTICHOKE



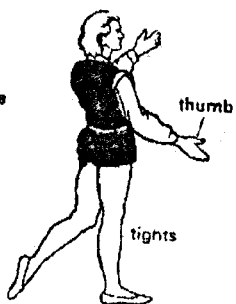
GREYHOUND



GIRAFFE



tie

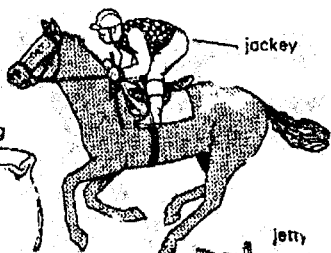


thumb

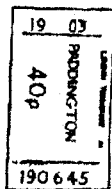
tights



jug



jockey



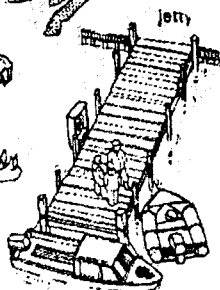
ticket



tilt



jaw



jett



هرمز پنجم



نرماد پنجم  
۲ ق م



ملکه موزا  
(دو - ق - م)



اردوان سوم. ۵۶ ق م

# H h

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هشتمین حرف الفبای انگلیسی	هه شته مین پیتی نه لفا	ایچ	H <sup>n</sup>
ها - وه	ها - به لّی	ها	Ha <sup>int</sup>
خواری فروش	فروشه ری وه سایی لیاس	هاپر دایر	haberdasher <sup>n</sup>
خواری	دووکانی نه سپایی جل و لیاس	هاپر دایری	haberdashery <sup>n</sup>
عادت، خوی، سرشت	خولق - حاله ت - ته ییعه ت	هیبیت	habit <sup>n</sup>
گذشته فعل (داشتن)	ویه رده ی have -هبوی -هیش	هّد	had <sup>v</sup>
	خوارد		
پیرزن بدجنس - عفرینه	پیره ژه نی بیّ قه ره - پیره	هّج	hag <sup>n</sup>
	زالی ناشیرین و چرچ		
تگرگ، خوشامدگفت	توه رگی - ته رزه - توه رگ بارین	هیل	hail <sup>1</sup> <sup>n</sup>
دانه تگرگ	دانه و توه رگی - دنکی توه رگ	هیل استون	hailstone <sup>n</sup>
تگرگ باریدن	توه رگ وه شته ی - توه رگ بارین	هیل	hail <sup>2</sup> <sup>v</sup>
موی (انسان / حیوان)	موو - تووک - تاله موو - زلف	هر	hair <sup>n</sup>
تار مو - زلف			
پیرایشگر، سلمانی	سه ره تاش - سه ر تاش	هردریر	hairdresser <sup>n</sup>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
half <sup>n</sup>	هاف	نیوه - نیمه - لته	نصف: نیم، نیمه، نصفه
hall <sup>n</sup>	هَل	دالان - جهم خانه سالۆن	سالن - تالار، دالان، کُردور
halt <sup>1 v</sup>	هَلت	گیردان - مندرنای - وِسیان	ایست دادن / کردن
halt <sup>2 n</sup>	هَلت	گیرمندرناو - وِسیان، ماتلی	توقف، ایست، مکث
halter <sup>n</sup>	هالتر	راوهستان، مه مه گر	پستانبند - افسار
halve <sup>v</sup>	هاو	لته کردن - نیمه کهرده، کوز	دو نیم کردن، نصف کردن
ham <sup>n</sup>	هَم	قاوومه و رانو خوگی - ژامبون	ژامبون
hamburger <sup>n</sup>	هَمبرگر	هه مبرگر - چوریوه کفتی	همبرگر، گوشت گاو چرخ شده
hammer <sup>1 n</sup>	هایمر	چه کوش - میگوشت	چکش
hammer <sup>2 v</sup>		چه کوش شنه - چه کوش کاری کردن	چکش کاری کردن
hand <sup>1 n</sup>	هَند	دهست - دهس - دهسته ی کا تر می	دست - عقربه ساعت،
		ئه قره وه، لاجار هیز	جهت، نیرو
handbag <sup>n</sup>	هَندبگ	کیفی ژه نانه - کیفی ژنانه	کیف دستی (خانمها)
handful <sup>n</sup>	هَندفُل	مشتی - مشتیه ی، بره ی	به اندازه یک مشت، معدودی
handwriting <sup>n</sup>	هَندرایتینگ	دهس خهت - دهس نویس	خط، دست خط
handy <sup>adj</sup>	هَندی	نزیك - چه نزیك له پال دهس	نزدیک، در دسترس، آسان
hand <sup>2 v</sup>	هَند	به دهس دان بیه دهس دای	با دست دادن (جایزه) رد کردن
handicap <sup>1 n</sup>	هَندی کَب	گیر و گرفت بهر گر و ره گیر	مانع، مشکل، نقص، عَرجه
handicap <sup>2 v</sup>	هَندی کَب	وه رگر ته ی - بهر رگر تن	مانع شدن / بودن
handkerchief <sup>n</sup>	هَنگ بکریچف	دهسه ر - دهسما ل	دستمال
handle <sup>1 n</sup>	هَندِل	دهسه دهسه بو ده ر و ته ور	دسته (ترکیف، تبر...), دسته در
handle <sup>2 v</sup>	هَندِل	به خیر کردن - عه داره کهرده ی	استفاده / اداره کردن

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دسته دوچرخه	فه‌رمانی دووچەرخە	هَندِل بارس	handlebar <i>n</i>
	ده‌سه‌و دووچەرخە		
خوشگل، خوش تیپ	زەریف - خو جوان - نمە کین	هَندسام (بیم)	handsome <i>adj</i>
اویختن - دازدن - ماندن	هەلو استن - ئالو چنای	هَنگ	hang <i>v</i>
به دیوارزدن (عکس)	سیداره‌دای، دالکاندن		
آویز بجالیاسی، غلاب	چۆلیاسی - لیباس گیر، قولار	هَنگِر	hanger <i>n</i>
اتفاق افتادن، رخ دادن	ڕوودان - ڕووه‌دای به‌سه‌رهاتن	هَپِن	happen <i>v</i>
رویدادن، حادثه، پیشامد	به‌سه‌رهات - ڕوودانه‌وه	هَپِنینگ	happening <i>n</i>
	ڕووداو - قۆمیای		
خوشحال، خرسند، شاد	دڵ‌فه‌ریح - دڵشاده‌وه شحال	هَپی	happy <i>adj</i>
فرخنده	رازی، مه‌سروور		
باخوشحالی، شادی	به‌وه‌شی به‌خۆشی و که‌یف	هَپِیلی	happily <i>adv</i>
خوشبختانه، خرسندی	وه‌شحالی - له‌خۆرازی	هَپی نِس	happiness <i>n</i>
بندر، انگرگاه کشتی	ده‌لیاشار - شارێ گۆیی ئاو	هَارِبِر	harbour <i>n</i>
سخت، سفت - مشکل	ره‌ق - سه‌خت - ڕووش	هَارِد (هَاد)	hard <sup>1</sup> <i>adj</i>
قاطع - خشن	ڕووشایی - یه‌کجار سه‌خت	هَارِد (هَاد)	hard <sup>2</sup> <i>adv</i>
سفت / سخت شدن	تندوبیه‌ی - سفت کردن	هَارِدِن	harden <i>v</i>
به‌ندرت، به‌سختی	به‌سه‌ختی - که‌م - جار و بار	هَارِدِلی	hardly <i>adi</i>
خرگوش وحشی	هه‌ریشه‌که‌رویشک - خه‌روش	هَیر	hare <i>n</i>
پیروزن، زشت - فاحشه‌از	پیره‌ژه‌نی جاش په‌روه‌ر	هَارِیدِن	harridan <i>n</i>
کار افتاده	پیره‌ژه‌چرخه		

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدمه، خسارت، نگزند	زه ره مـال وـیرانی	هـارم (هـام)	harm <sup>1</sup> n
	عه ز یه تـله تمه		
بدن زیان آور، مضر، مودی	خراوـیی سودـیزه ره رـئه ور	هـارم فـول	harmful adj
	نالـه بار		
بی ضرر، بی زیان	بی زه ره رـیی ئاشـو	هـارم یـس	harmless adj
	ناخراو		
مزاحم شدن، صدمه زدن	مزاحـم بیه یـله تمه دای	هـارم (هـام)	harm <sup>2</sup> v
	زه ره ردان		
نامطبوع، خشن	زور زـرو نا کـلۆ کار، نا جـور	هـاش	harsh adj
گوشخویش	تو وـره مـو قـن قـه لـز	(هـارش)	
با خشونت، با تندى	به تو وـره یی بـه تـوندی	هـاشلی	harshly adv
فصل درو/برداشت، خرمن	فه سلـه ودره وى وـه خـتى	هـاو یـست	harvest <sup>1</sup> n
محصول	خه رمان ودره و		
محصول جمع کردن	کو که ن سـه مه رجه م کردن	هـاو یـست	harvest <sup>2</sup> v
درو کردن	باخ ته کنای، خه رمان کو تان		
کلمه انگلیسی از مشتقات	وشه ی تایبـه تـبو it, he, she	هـز	has v
have که با it, she, I, he به کار			
میرود			
عجله، سرعت، شتاب	په له تـاو هـو پـرای جـه تـوندی	هـیست	haste n
شتابزده، تند، فوری	تند تـوند تـاو دـریا تـیژ	هـیستی	hasty adj

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فرواشتابان، با عجله	به توند و تیز به تار، جابه جا	هیسْتیلی	<b>hastily</b> <i>adv</i>
کلاه	کَلاو، کَلاوَه	هَت	<b>hat</b> <i>n</i>
از تخم در آمدن، بروی تخم	هَوَر تَو قای هیلَه هَوَر	هَج	<b>hatch</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
خواهیدن، طرح ریختن	ئامه ی، جو و لک در هاتن		
روزنه، دریچه	و له، کون بر و چن	هَج	<b>hatch</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
متنفر بودن، نفرت داشتن	قین وه نه ئامه ی، رِق لی هاتن	هیت	<b>hate</b> <i>v</i>
بد آمدن از	ز یلوشیو یای جه		
نفرت، کینه، بیزاری، تنفر	رِق له، دوری جه، قین له، بیزاری	هیتَرید	<b>hatred</b> <i>n</i>
کشیدن (جسمی سنگین)	کیشای، کیش کردن	هَل	<b>haul</b> <i>v</i>
حمل ویدک کردن	کیش که رده ی		
(در مورد ارواح) دیدن	ئامو و لو اکه رده ی، بینینی	هَنْت	<b>haunt</b> <i>v</i>
باتوق کردن	روحو و دیو		
زمان حال <i>have</i> (داشتن)	خواردن، وارده ی، بون	هَو	<b>have</b> <sup>1</sup> ( <i>aux</i> ), <i>v</i>
جمع			
هه مانه، هه نمان	داریم	We have	I have
هه تانه، هه نتان	دارید	You have	You have
هه یانه، هه نشان	دارند	They have	He/she/It has
زمان گذشته فعل <i>have</i>	و شه ی، رابور دووی <i>have</i>	هَد	<b>had</b> <i>aux, v</i>
(داشتن) وجه وصفی حال	بیه ی - بون	هَوینگ	<b>having</b> ( <i>To</i> )

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
have got to <sup>v</sup>	هَڤ تو	مه جیو وریه ی - ناعه لاج بیه ی	مجبور بودن، بایستن
have <sup>2</sup> <sub>v</sub>	هَڤ	مه شیا ی - نه بو ای - ده با	داشتن، دارا بودن، بچه دار شدن
have got	هَوگات	و شه ی باتی (به جیی) have	به جای have به کار می رود
hawk <sub>n</sub>	هَک	هه لَو یاز - تر لان و آشه	شاهین، باز، قوش
hay <sub>n</sub>	هی	گزره گیای و شک - یو نجی	علف خشک، یونجه
hazard <sub>n</sub>	هَزِد	وینجه، کا - سمه ری	کاه
hazardous <sub>adj</sub>	هَزِڊس	مه تر سی - خه ته ر، شانس	خطرناک، خطرناک، اقبال
haze <sub>n</sub>	هیز	مه تر سی دار - پر خه ته ر	خطرناک - اتفاقی
hazy <sub>adj</sub>	هیزی	مژ - ته مه - ته م، ماتی	به کم، غبار - ابهام
he <sub>pron</sub>	هی	مژ دار - ته م دار	مه الود، مه گرفته
head <sup>1</sup> <sub>n</sub>	هید	نه و - ئاد (زه میر بو ئیر) نانه	او (ضمیر مذکر)
		سه ره - سه ر - ره یس	فهم - سر - رئیس - جلو
		به ر - بان، گه وره	ذهن، مدیر
		وه ر - فام و هوش	بالا - عمده
headache <sub>n</sub>	هیدایک	سه ریئشه - سه ر ژان	سر درد
heading <sub>n</sub>	هیدینگ	عینان - سه ره تا سه ره پر	عنوان، سرصفحه، سرتیتر
headlight <sub>n</sub>	هیدلایت	چرای به ری ماشین - چراوه و	چراغ جلوی اتومبیل
		وه ر و ماشین	وقه تار
headline <sub>n</sub>	هیدلاین	چاودیر - چه م گیر - عینان	تیتر (روزنامه)، عنوان، مقاله
headmaster <sub>n</sub>	هیدماستِر	مودیر - سه ر پر س	مدیر، رئیس مدرسه

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدیره (مدرسه) زن‌فدیر	مودیری ژن-دایان-ئوساژەن	هیدمسترس	headmistress <i>n</i>
پیشاییش / جلوا / حراس گروه بودن، دربالاقرا گرفتن-باسرزدن	جه سه رو بیه ی له به رو بون پیشه وایون	هید	head <sup>2</sup> <i>v</i>
دفتر مرکزی، ستاد	ده فته ری ناوه ندی ده فته ر	هیدکواتیرز	headquarters <i>n</i>
مرکز فرماندهی	دلی راسه ی، بنکه ی ناوه ندی		
معالجه شدن، شفا / بهبود	شه فاگرتیه ی-خاسو بیه ی	هیل	heal <i>v</i>
یافتن	عه لاج بوون-چاکو بون		
تندرستی، بهداشت، سلامتی	ساغی له ش-سلامه تی	هیلز (ت)	health <i>n</i>
تندرست، نیرومند، سالم	به هیژ-سلامه ت له ش ساق هیلستی (تی) هیلتی		healthy <i>adj</i>
توده، انبوه، کومه	گروړه-کووما-ته پ	هیپ	heap <sup>1</sup> <i>n</i>
	لیژینه، یارگه، ملو		
انباشت، پرکردن	پرکردن-گواله گرتیه ی	هیپ	heap <sup>2</sup> <i>v</i>
	په رکه رده ی-ته پاندن		
شنیدن-بباخبر شدن-برسیدگی	ئه ژنه ویه ی بیستن ژنه و تن	هیر	hear <i>v</i>
شنوایی، قوه شنوایی	هیژی بیستن-ئه ژنه وای	هیرینگ	hearing <i>n</i>
	ژنه و تی		
قلب؛ دل-طبیع-مرکز؛ وجدان	دل-قه لب-ته بعه دلی راسه	هارت	heart <i>n</i>
ضربان قلب؛ طپش قلب	دل فره ده له کوه دل کوتان	هارت بیت	heartbeat <i>n</i>
سنگدل؛ بیرحم؛ بی عاطفه	بی ره حم دل به ردین بی دل	هارت لیس	heartless <i>adj</i>
حرارت؛ گرمایی؛ خشم	گه رما-تین بیوق، ده وره	هیت	heat <sup>1</sup> <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حرارت دادن، گرم کردن	گه رم که رده ی (کردن) - تاودای	هیت	heat <sup>2</sup> v
بخاری، ابگرمکن	سو به - ئا ته ژدان - ئارگا	هیتز	heater n
با تلاش / به سختی کشیدن	به زور کیشای - جیی به جیی کردن	هیو	heave v
بهشت آسمان، گردون، عوش	به هه شت - جیی حو و فریشته	هون	heaven n
بهشتی - مطبوع، آسمانی	به هه شتی - ئا سمانی، لاهوتی	هونلی	heavenly adj
سنگین، وزین، دشوار	سه قیل - قورس سه نگیں	هوی	heavy adj
هکتار (۱۰۰۰۰ متر مربع)	هکتار ده هه زار متری	هیکتار	hectare n
حصار، پرچین، چتر	په رچین په ر ژین - که له که	هچ	hedge n
پاشنه پا - پاشنه کفش	پاژنه و پای - پاژنه و پالای	هیل	heel n
	پشت پی - پاشنه ی پا		
ارتفاع، بلندی، قلعه	به رزی - ئا سو به رزایی	هیت	height n
نوک	بلیند و هه وراز	(هایت)	
وژنه، وارث، میراث بر	وه ره سه به ش یا وابه ش گر	هیر	heir n
برداشتن - بلند کردن	هه لگر تن هورگر ته ی	هیلد	held see hold
هلی کوپتر، چرخبال	هلی کوپتر باله فرکه - خوله بال	هلی کوپتر	helicopter n
جهنم، دوزخ، دژک	جه هه نم - یا گئی په رجه دیو	هیل	hell n
	و موکل و شیاتین و نهیری		
سلام (وقتی... آشناست)	سلام - نه حوال په ر سایی	هیلو	hello int
کلاه کاسکت، کلاه ایمنی	کلاوی پاریزه ر - کلاوه ی	هلمپت	helmet n
	پاریزه ره		
کمک کردن، یاری رساندن	یاری دای - یارمه تی کردن	هلب	help <sup>1</sup> v
	کو مه ک کردن		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مفید، سودمند	باش - عال - خاس - چاک	هېلپ فۆل	helpful <i>adj</i>
پُرس غذا، وعده	به شه چِشت به شه چاشتی	هېلپینگ	helping <i>n</i>
ناتوان، بدون کمک	بی ده سه لات - چه نه نامه	هېلپ لِس	helpless <i>n</i>
عاجز	لێ نه ها تو ودا ماگ، به سزوان		
کمک، یاری - امداد	کۆمه ک - یاری - یارمه تی	هېلپ	help <sup>2</sup> <i>n</i>
لبه (دامن، پیرهن، ...)	په راویژ لیلوی لیباس	هیم	hem <sup>1</sup> <i>n</i>
سجاف	لچه لیباس		
تو گذاشتن لبه لباس	په راویژ دای ده وردروینی	هیم	hem <sup>2</sup> <i>v</i>
	لیباس - قه راخ وراسه ی		
نیمکُرَه... نیمکُرَه	نیمه تۆپ - نیمه خرت	هیمی سفیر	hemisphere <i>n</i>
زمین	نیم کاسه	(همی سفیر)	
مرغ (پرنده ساده)	که رگه مر - ما مر - مریشک	هین	hen <i>n</i>
او را - مال او (زن)	ئێ ئی ئه و - ئینو ئادی - هینی ئه و	هیر	her <i>pron-adj</i>
علف، گیاه، گیاه دارویی	گیوا و - گیاروا و	هیرب	herb <i>n</i>
گله، رمه	گله له شه گه له ران	هیرد	herd <sup>1</sup> <i>n</i>
شبنانی / گله داری کردن	گله داری که رده ی شوانی کردن	هیرد	herd <sup>2</sup> <i>v</i>
اینجا، در اینجا	چی گه نه - چی گه لیره	هیر	here <i>adv</i>
	له گرا		
قهرمان، پهلوان	پاله وان - قاره مان	هیرو (هیرو)	hero <i>n</i>
قهرمانی، پهلوانی، حماسی	پاله وانی - قاره مانی	هیروئیک	heroic <i>adi</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دانمکهپو، دسته زنبور	هیری لیرو جۆش، پوره	هایوز	<b>hives</b> <i>npl</i>
احتکار کردن، اندوختن	جه م کردن همار که رده ی	هرد (هَد)	<b>hoard</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
انباشت	هور و دای هه لگرتن		
احتکار، ذخیره، نگه	همار و گلیر - پاش که وت خست	هرد (هَد)	<b>hoard</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
(در مورد صدا) گرفته	ده نگ کرده نگ گیر یا	هَرس	<b>hoarse</b> <i>adj</i>
دو رگه	ده نگ قوَر - قترخن		
سرگرمی، تفریح	نیشات مه شغوولی، که یف	هَبی (هایبی)	<b>hobby</b> <i>n</i>
کار ذوقی	خله نجنای سه رگه رم		
هاکی، بازی هاکی	جوره ی گه مه - جوره کا به	هاکی	<b>hockey</b> <i>n</i>
	یه ک به توپ		
کچ بیل، صاف کردن	بیل نه سکه ره - جوره	هتو	<b>hoe</b> <i>n</i>
	بیله یک لاره - لاره بیل		
با طناب / قرقوه بالا بردن	باز بردنه وور کیشای سه ریه ده ی	هَیست	<b>hoist</b> <i>v</i>
دارا بودن، داشتن	گرتن (گرتی) هه لگرتن	هتولد	<b>hold</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
مهار کردن	(هورگرتی) جه دارا بیه ی		
نگهداری یا دست، دسته	به ده س گرتی - را گرتن	هتولد	<b>hold</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
گودال، حفرة، سوراخ، چال	کون - وله - چالی - چال	هتول (هَل)	<b>hole</b> <i>n</i>
مرخصی، تعطیلی		هالیئتی	<b>holiday</b> <i>n</i>
توخالی، خالی، بوک	هه ر و ل دلی خالی	هَلتو	<b>hollow</b> <i>adj</i>
الهی، مقدس، پاک، پارسا	پاکه ره - دار سه ریه نه - هه ده س	هتولی (هَلی)	<b>holy</b> <i>adj</i>
اسب سواری - سوارکاری	غارانی - غار کردن	هورس من شیب	<b>horsemanship</b> <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودنوشت - وصیت نامه	خۆنوس - حوێ نوێس	هولوگراف	holograph <i>n</i>
ماه مبارک	مانگی شه‌ریف - مانگی مقه‌ده‌س	هتولی مانت	holy month <i>n</i>
جهاد	جیه‌ادیو - خوداشه‌رکردن	هتولی وُر	holy war <i>n</i>
خانه، منزل	مال - خانوو - یانه - که‌ویل	هتوم	home <i>n, adj, adv</i>
تکلیف شیب، مشق منزل	کاری شه‌و - ته‌مرینی شه‌وان	هتوم وِرك	homework <i>n</i>
	له‌مال، کاریانه		
شریف، دروستان، امین	دروست کار - شه‌ریف - چاک	هانیت	honest <i>adj</i>
	پیاخاس		
صافخانه، به‌خدا	پاکانه - دروستانه	هانیتلی	honestly <i>adv</i>
دروستکاری، شرافت	دروستکاری به‌شه‌ره‌ف	هانیتلی	honesty <i>n</i>
عسل، شهد	هه‌نگوین - هه‌نگوین	هانی	honey <i>n</i>
ماه عسل	مانگه‌وکه‌یفووه‌شی - مانگی	هانی موون	honeymoon <i>n</i>
	سرووری پاش زه‌ماوه‌ن		
افتخار، احترام، آبرو	شانازی - بریزخه‌خر	هابر	honour <sup>i</sup> <i>n</i>
احترام کردن	ئیتحترام نیای - سپاس کردن	هابر	honour <sup>2</sup> <i>v</i>
	حرمت گرتی		
کلاه بارچه‌ای، کلاهک کاپوت	فیس - ممشکی - کلاو وِچن	هَد	hood <i>n</i>
کفشک، شمش (اسب، ...)	سموچه‌یوانی - سیمی - ته‌سپ وِژن	هووف	hoof <i>n</i>
قلاب، چنگک، گیره	قولاپه - قولاوگیره	هک	hook <sup>1</sup> <i>n</i>
با قلاب بستن / گرفتن	به‌قولاپ گرتی - به‌قولاو به‌ستن	هک	hook <sup>2</sup> <i>v</i>
حلقه، تسمه	هه‌لقه - هه‌لقی - یازنه	هووپ	hoop <i>v</i>
	ته‌وکه، خرخال شیوه		

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جیغ کشیدن، داد زدن	قاله قال-قیژ و قاز، ده‌نگی بوم	هووت	hoot <sup>v</sup>
هوهو	هه راهه را کردن		
لی لی کردن - پریدن، جستن	پرای-په‌رین-چووزانی	هَپ	hop <sup>v</sup>
	باز بردن		
امید داشتن، امیدوار بودن	ئومیدوار بیه‌ی-ئاوات خواستن	هتوب	hope <sup>1 v</sup>
	ئاره‌زو و که‌رده‌ی		
انتظار، امید، آرزو	ئومید-ئاره‌زو و-ئاوات-حه‌سه‌ت هتوب		hope <sup>2 n</sup>
امیدوار-امیدبخش	ئومیدوار-ئاواته‌واز	هتوب‌فول	hopeful <sup>adj</sup>
امیدوارانه	به‌ئومید-ه‌به‌ئاواته‌وه	هتوب‌فولی	hopefully <sup>adv</sup>
نا امید، بسیار بد	نا‌ئومید-فره‌خراو	هتوب‌ایس	hopeless <sup>adj</sup>
	زور خراب - بی‌چاره		
ناامیدانه، مایوسانه	به‌نا‌ئومید-یه‌ه‌نا‌ئومیدانه	هتوب‌ایس‌لی	hopelessly <sup>adv</sup>
افق	ئاسو-ئاخرین‌چاو‌یین	هزیزن (هرایزن)	horizon <sup>n</sup>
	دیار گاک‌کەل		
افقی، مسطح، برابر	له‌ولا-لا‌وه‌لاله‌بان‌زه‌وی	هرا‌یرن	horizontal <sup>adj</sup>
	(هرا‌یزن) تال		
شاخ - بوق - شیبور	شاخ-بیق‌شه‌ییو‌ر بیوقی ماشین هُرن (هُن)		horn <sup>n</sup>
وحشت زده کردن	ته‌رس‌ئای-توق‌ئای-ترساندن	هَریفای	horrify <sup>v</sup>
ترس، وحشت، نفرت	ترس-ته‌رسی-ده‌شته‌سام‌وخوف‌هَهر		horror <sup>n</sup>
مخوف، وحشتناک	پر ترس - سام‌دار	هَریل	horrible <sup>adj</sup>
نامطبوع، ناگوار، بد	ژیله‌وشیون-قه‌لب-ئاشرین	هَرید	horrid <sup>adj</sup>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
horse <i>n</i>	هَرس	ئه سڤ مـال و مین مـاین	اسب
horseback <i>n</i>	هَرس پک	ئه سڤ سوار سواره	سوار بر اسب
horse - shoe <i>n</i>	هَرس شوو	نالۆ ئه سڤی نـالی ئه سڤ	نعل اسب و قاطر
hose <sup>1</sup> <i>n</i>	هتوز	شلنگۆ ناوی شلینگی ناو	شلینگ اب، لوله لاستیکی
hose <sup>2</sup> <i>v</i>	هتوز	لووله ی لاستیکی گۆیروا ئاو پاشی که رده ی به شلنگ ئاوان دان	چوراب بلند با شلینگ آب دادن
hospital <i>n</i>	هاس پیتل	چییۆ که ژدار نه خو شخانه خه سه خانه	بیمارستان، مرخصخانه
hospitality <i>n</i>	هاس پیتالیتی	بیمارسان، مه رخانه میمان نه وازی میوان داری	مهر = سلامت مهمان نوازی، غریب نوازی
host <i>n</i>	هتومت	ساحیب مـال پهل ده سه میواندار	میزبان، انبوه مردم
hostess <i>n</i>	هوس تیس	ژنی میواندار ژنه ی میمانداره هوس تیس	زن میزبان، میزبان زن
hostage <i>n</i>	هستیح (هاستیج)	دیل گیری یا ششی له ده س گیری او	گروگان گرفتن
hostel <i>n</i>	هستیل	میوان خانه مه دره سه یا دانشگای شه وروژی (هاسیتل)	مسافرخانه، مهمانسرا
hostile <i>adj</i>	هاس تیل	دوژمن مه ده عی دژمه نانه	دشمن، خصم، خصمانه
hot <i>adj</i>	هات	داخ گه گرم - تند و تیژ	داغ، گرم - تند، تیز
hotel <i>n</i>	هتوتل	هو تـل میوانخانه ی تاییه ت	هتل - مهمانخانه
		میوان گیر	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hound <i>n</i>	هئوند	تانجیه - تانجی - پیسکه پیا	سگ شکاری، آزار کردن
hour <i>n</i>	ئور (آور)	چلکا وهر (خۆر) مزاحیم	ساعت، بزمان
house <i>n</i>	هوس (هاوس)	کات - تا و سه عات - وه خت	خانه، منزل، ساختمان
household <i>n</i>	هوس (هاوس هلد)	مال - یانه - خانگ - خانوو	اهل خانه / منزل
housewife <i>n</i>	هوس وایف	خانه واده مال و منال	خانگی
hover <i>v</i>	هرو (هاویر)	ژه نویانه	کدبانو، زن خانه دار
hovel <i>n</i>	هاول	ژه نه ویانه ی - ژنی مال	و منالدار
how <i>adv</i>	هاو (هئو)	سه مسه ماکه رده ی - له هه وا	در هوا بیحرکت ایستادن
however <i>adv, conj</i>	هاونور	راوه ستان وه ک باز	در جا بال زدن
howl <i>v-n</i>	(هئونور)	ماله باغ - که ویل	کلبه
hug <sup>1</sup> <i>v</i>	هاج	چلون - چه نی - چه وه خت	چطور، چگونه، چه وقت، چقدر
hug <sup>2</sup> <i>n</i>	هاج	به هه ر حال - هه ر چو نی	هرچقدر - به هر حال
huge <i>adj</i>	ههوج	هه ر چه ن - به لام	ولی
hum <i>v</i>	هام	هیلنای - سه رنای - قیژاندن	زوزه کشیدن، جیغ کشیدن
		قیژنای - لوورنای - شریخاندن	عریده - ناله
		له باوه ش گرتن - نه وش ی گرتی	در آغوش گرفتن، بغل کردن
		نه وش ی بیا وه ش - داوین	آغوش - بغل
		فره گه وهره مزورزل - دده عیا فره	بسیار بزرگ، زیاد، تنومند
		چوته چوت که رده ی گیغه ثامه ی	وزوز کردن - زمزمه کردن
		گغه کردن، ویره - گیزه	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

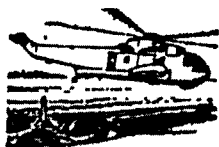


فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انسان، بشری، آدم	مروڤ - ئینسان به شه	هیومین	human <i>adj</i>
فروتن، فقیر، متواضع	نتم به ژار به حه یا وشه رم	هامپل	humble <i>adj</i>
	سه نگین		
مذهب، نوع پرستی	نوع په روه ری	هیوم، نیزم	humanism <i>n</i>
شوخی، خوشمزگی، طبع	شوخی - گلو یز - خولق و خو	هیومیر	humour <i>n</i>
شوخی، بذله گو، خنده دار	شوخی - قسه وهش - قسه خوش	هیومیرس	humorous <i>adj</i>
کوهان، کوز، قوز	کۆل - قور ته - لکه - چه ماو	هامپ	hump <i>n</i>
عدد ۱۰۰+ یکصد	شماره و سه دهی - ژماره ی سه د	هاترد	hundred <i>n, adj</i>
یکصدمین، صدم	سه د و مین - ژماره ی به جی	هاتردس	hundredth <i>n, adj</i>
$\frac{1}{100}$	سه ده م، سه ده م		
اویزان کردن	هه لو استن - ئالو چنای - راو جی	هنگ	hung <i>see hang v</i>
گرسنه، آرزومند	ئه ورا برسی - ژمه ن لوا	هانگری	hungry <i>adj</i>
شکار کردن - گشتن	که شه وانی که رده ی سه یادی	هانت	hunt <i>v</i>
جستجو	کردن (که رده ی) راو کردن		
شکارچی، صیاد	که شه وان که ژه وان، راو که ر	هانت	hunter <i>n</i>
به شدت پرتاب کردن	فره دای - توور دای - فره دان	هرل	hurl <i>vt</i>
هورا (آوای تحسین و شادی)	ئافه رین - ئافه رم - ده نگی	هوری (هورا)	hurrah(y) <i>int</i>
	پشتی و شادی		
تندباد / توفان شدید	توف - وای سه خت	هاری کن	hurricane <i>n</i>
دریایی	بای سه ر سه ر - شه با		
عجله داشتن / کردن	په له که رده ی - په له کردن	هاری	hurry <sup>1</sup> <i>v</i>
عجله، شتاب	په له هور - رانه وستان	هاری	hurry <sup>2</sup> <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hurt <i>v</i>	هَرت	زهره‌ریه‌ی له‌تمه‌وه نه‌دای	آسیب‌رساندن / دیندن
		ئه‌زیه‌ت کردن - ئازاردان	
hussy <i>n</i>	هاسی	ژن یا کچی‌روودار	زن یا دختر پُرو
husband <i>n</i>	هازبند	شو و هام‌لف‌میرد	شوهر، همسر
hut <i>n</i>	هات	یانه‌ی چۆین - که‌پره	کلبه، اتاقک، تَهر
		که‌وێڵ - مالی چۆین	
hydrogen <i>n</i>	های‌دروچن	هیدروژن - جوّره‌گازی‌ک	هیدروژن
		له‌هه‌واوله‌تار	
hyena <i>n</i>	هایِن	که‌متار - جانه‌وه‌ریکی	کفتار (انگل حیوان‌ها)
		مردار خور و جاش‌یاو	
hygiene <i>n</i>	های‌جین	عیلمی‌بیداشت - خوڤاگرتن	بهداشت، علم به‌داشت
		ویداری	
hygienic <i>adj</i>	های‌جی‌نیک	وی‌پاریزی - خوڤاگری	بهداشتی - سلامتی‌زا
hymen <i>n</i>	های‌مین	هامین - خودای زه‌ماوه‌ند	خُدای عروسی
hymn <i>n</i>	هیم	مناجات - هَوَزه‌سروودی‌نایینی	سرود مذهبی
hyacinth <i>n</i>	های‌سینت	گوڵ سومبول	گُل سنبل
hybrid <i>n</i>	های‌برید	دوره‌گه‌بازه‌چار - پیوه‌ن	جانور یا گیاه دورگه‌بینودی
hydrology <i>n</i>	های‌درالی‌جی	علمی‌ئاو‌ناسی	علم آب‌شناسی
hydrophobia <i>n</i>	های‌دروفوبیا	نه‌خۆشی‌هاری	گزیدن سگ‌هار
hypochondriac <i>n</i>	های‌پوکاندری‌ک	نه‌خۆشی‌خیالی‌و‌پوچی	مال‌خویلیا - بیماری‌هراس
		میراق	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hydrogenbomb <i>n</i>	های دِرجَن	به‌مه‌ی هیدروژنیه	هیدروژنی
		به‌می هیدروژنی	
hyphen <i>n</i>	های فَن	خه‌تی به‌ین وشه-خه‌ته‌وجیا	خط تیره (ـه)، خط پیوند
		که‌رده‌ی	
hypology <i>n</i>	هیپ‌نالِجی	خه‌وناسی (خه‌ودرونیه)	خواب‌شناسی
hypocrite <i>n</i>	هیپوکریت	جاش‌ری‌ای که‌ردوورو	ادم‌نیکار، دورو
hypothesis <i>n</i>	های‌پوتیزس	بنیه‌ره‌ه‌رزکه، وه‌بزانه	فرض، گمانه
hypnosis <i>n</i>	هیپنوزیس	خه‌ری جه‌زه‌به‌وه‌رمی ته‌لقینی	خواب مصنوعی - هیپنوتیزم
hysteria <i>n</i>	هستی‌ری	نازاری فی‌وی ختیار	بیماری غش و حمله
			بی‌هوشی - تشنج



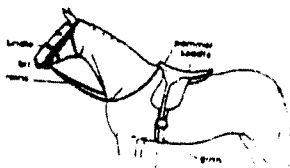
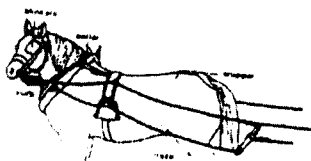
HELICOPTER



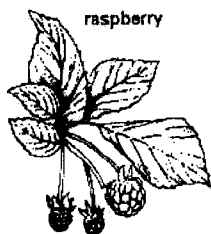
HAMMOCK



HANDCUFFS



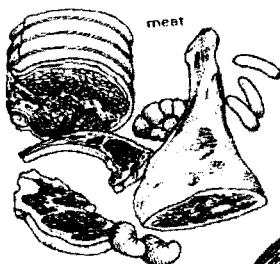
# A HORSES HARNESS



raspberry



read 1



meat



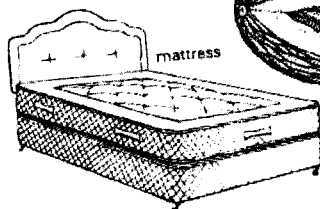
medal



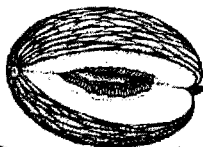
receiver



rat



mattress



melon

# I i

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نهمین حرف الفبای انگلیسی	نۆیه مین پیتی ئه لفا	آی	I <i>n</i>
من (ضمیر فاعلی اول شخص)	ئه من - ئه ز - ئه م	آی	I <i>pron</i>
یخ، بستنی در آمریکا	یه خ سه هوڵێر چه	آیس	ice <i>n</i>
بستنی	به سته نی شیر شه کەری سارد	آیس کریم	ice - cream <i>n</i>
بسیار سرد - یخی	رچه زوړ سارد - یه خین	آی سی	icy <i>adj</i>
کوه یخ شناور	که ژێ یه خ - که شی یه خین	آیس برگ	iceberg <i>n</i>
خامه کیک، رویه	خامه ی بانی که یک - تو یی که یک، آی مینگ تۆسه روکه یکێ		icing <i>n</i>
عقیده، ایده، نظر، فکر، باور	ئیده - فکر - ئه قیده - نه زه ر	آیدیا (ی)	Idea <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایده‌ال، عالی، تخیلی	زۆرباش غره خاس-عال، گمان	ایدیل	ideal <i>adj</i>
همان، یکی، همانند	هه‌ر ئه‌وه هه‌ر ئانه-ئه‌وه	آیدنتیکال	identical <i>adj</i>
یکجور	یه کجور	(کل)	
شناسایی کردن، شناختن	شناسین-ئه ژناسای-خامین	آیدن تی	identify <i>n</i>
تشخیص دادن	یه کئی زانین	فای	
مدرک شناسایی	کارتی خو ناسی-کارتی	آیدن تی فی	identification <i>n</i>
هویت	ناسینه‌وه	کیشن	
هویت، شناسایی، همانندی	ناسینه‌وه-ئه‌وه ناسیای	آیدن تی تی	identity <i>n</i>
اصطلاح، گویش، لهجه	دانیان-که لیمی-ئه‌ره نریا	آیدیم	idiom <i>n</i>
زبان محلی	و شه‌ی تی‌که‌ل، زاراو، له‌فز		
بی‌کار، خوابیده - تنبل	ته‌مه‌ل-لا وازی پ‌ه‌گ	آیدل	idle <i>adj</i>
بی‌فایده - ولگرد	نه‌که‌ر کار - بی‌خه‌یر		
بت، تندیس، معبود	بو ته‌جوت بباتی پرس	آیدل	idol <i>n</i>
شرح کوتاه زندگی روستایی	دی‌لانی بیاسی ژیان له‌دی	آیدیل	ldyl <i>n</i>
اگر - که - هرگاه، کاش	ئه‌گه‌ر-ئامه‌وه‌ها توو	ایف	if <i>conj</i>
بی اطلاع، ناآگاه - نادان	بی‌خه‌وه ری‌بی خه‌به‌رته‌زان	ایگنورنت	ignorant <i>adj</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناگاہی، بی اطلاعی - جهل	بی‌خه وه‌ری بی‌خه به‌ری	ایگنورنس	ignorance <i>n</i>
نادیده گرفتن، محل	گو‌ی بی‌نه دان - گو‌ش	ایگنور	ignore <i>v</i>
نگذاشتن	په نه نه دای، لی نه پرسان		
بیمار، مرض، شوم، درد	نه خو‌ش - ناوه‌ش - بیمار، نه‌حس	ایل	ill <sup>1</sup> <i>adj</i>
بیماری، مرضی	نه خو‌شی - ناوه‌شی	ایل‌ینس	illness <i>n</i>
(به صورت پیشوند) بد، بی	خراو - خراوی - پیش‌وشه	ایل	ill <sup>2</sup> <i>adv</i>
غیرقانونی، غیرمجاز	بی قانونی - ده‌ره به‌گی	ایل‌یگل	illegal <i>adj</i>
ناخوانا، نوشته ناخوانا	ناخوانا - نه خو‌ینیاگ	ایل‌جیل	illegible <i>adj</i>
بدخط	ئه‌وه توانیا، خه‌ت خراپ		
روشن کردن / شدن	ئه‌ره گیسنا‌ی - روشن کردن	ایل‌یومی‌ن‌یت	illuminate <i>v-n</i>
چراغانی - توضیح	چراغانی که‌رده‌ی		
عکس دار کردن	به‌شکل حالی که‌رده‌ی، باس	ایل‌یستریت	illustrate <i>v</i>
توضیح دادن	عه کس دار کردن		
تصویر - توضیح - عکس	وینه‌شیوه - شکل باس	ایل‌یستریشن	illustration <i>n</i>
	دوخت		
تصویر ذهنی - مجسمه	مجه سه مه - نه قش - خه یال	ایمیج	image <i>n</i>
کپی، خاطره	زه‌ین نامه - شکل سازی		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>imagine</b> <i>v</i>	ایماجین	ختووره کهرده ی-نبیره واته ی	حدس زدن، پنداشتن
		گمان کردن، خه یال	گمان، تصویر
<b>imaginable</b> <i>adj</i>	ایماجین بیل	به بیرها تن ویرنامه ی	قابل تصویر
<b>imaginary</b> <i>adj</i>	ایماجین یری	خیالی مه حال ی-ختووری	خیالی، تخیلی، غیر واقعی
		فهرزی	
<b>imagination</b> <i>n</i>	ایماجین شن	خه یال-ئه جیای وازانین	پندار، خیال، ذوق
		پسه زانای، قابلی	نوآوری
<b>imbibe</b> <i>vt</i>	ایمبایب	لوشته ی-نووشان، مژین	آشامیدن، جذب کردن
<b>imitate</b> <i>v</i>	ایمیتیت	چه ما و چه م کهرده ی	تقلید کردن، کپی کردن
		به دو اکه وتن، چا و لی گهری	بدل - ادا
<b>imitation</b> <i>n</i>	ای می تیشن	باتی لف - به جیی	بدل، کپی، تقلید
		چه م و سه ی، قه لب	جعل
<b>immediate</b> <i>adj</i>	ایمیدیت	زو - گورج - توندلکان	سریع، فوری، متصل
<b>immediately</b> <i>adv</i>	ایمیدیتلی	به تاو - به توندو تیر	فورا، به سرعت، انا
		به ده وان، جابه جا	
<b>immense</b> <i>adj</i>	ایمنس	زورگه وره فره زل بباو	بسیار بزرگ، عظیم، پهناور
<b>immensely</b> <i>adv</i>	ایمنسیلی	زور فره فره راوان	بسیار، خیلی
<b>immunize</b> <i>v</i>	ایمیونایز	پاریژ نای هیقم کهرده ی	مصلون ساختن، ایمن کردن
<b>immunization</b> <i>n</i>	ایمیونایز شن	هیقمی - پاریژ - پاراستن	مصلونیت سازی
<b>impatient</b> <i>adj</i>	ایم پیشنت	ده سه پاچه بیی سه ور	دستپاچه، نا آرام، بی صبر
		بی تاقه ت	

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عجول، کم حوصله، بی تابى	که م حه و سه له که م تاقه تی	ایم پیشنس	impatience <i>n</i>
عجولانه - بی صبری	بئ سه برانه بئ سه وری	ایم پیشنتلی	impatiently <i>adv</i>
الزامی، امری، واجب	عه مری زه و وری - لازم	ایم پرتیو	imperative <i>n, adj</i>
مُستأخ - بی ربط	رو و داری بئ شه رمی هار	ایم پرتی ننت	impertinent <i>adj</i>
گستاخی، نامربوطی	بئ عه ده وی بئ ته ریه تی	ایم پرتی ننس	impertinence <i>n</i>
بی تربیت، بی ادب	بئ عه ده وی بئ ته ریه ت	ایم پلایت	impolite <i>adj</i>
وارد کردن (از خارج)	هاوردن له نه و و ده ی	ایم پت (ایم پورت)	import <sup>1</sup> <i>v</i>
واردات - اهمیت	هاوردن نه و و ده مه نی	ایم پورت	import <sup>2</sup> <i>n</i>
مهم، با نفوذ، مقتدر	نفوز دار به که لک	ایم پوریتنت	important <i>adj</i>
اهمیت، اعتبار	نفوز داری ده س لوای	ایم پورتنس	importance <i>n</i>
غیر ممکن، امکان ناپذیر	محال - ناممکن	ایم پوسمیل	impossible <i>adj</i>
به طور غیر ممکن	به محالی به نامومکنی	ایم پوسمیلی	impossibly <i>adv</i>
تأثیر داشتن، اثر کردن	کار کردن - نما نای مور کردن	ایم پرس	impr
اثر بخش، نظر بخش	نواند - نما نا - فکر نه زه ر	ایم پرتین	impression <i>n</i>
مؤثر، گیرا	گیرا - نه وه نما نا	ایم پرسایو	impressive <i>adj</i>
حبس / زندانی کردن	هورنای زیندانی که رده ی له به ند	ایم پریزن	imprison <i>v</i>
توقیف، حبس، زندان	کردن به ند - گیران وه رگیریا	ایم پریزن	imprisonment <i>n</i>
	مینت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بهرتر کردن / شدن، آباد	ئه و دان که رده ی - خاس کردن - ایم پروو		improve <i>v</i>
اصلاح، بهبودی، پیشرفت	ئاوه دان - ئه و دان رووه و خاسی به ره و چاک بون		improvement <i>n</i>
انگیزه، میل آنی - حرکت	جم و جوول هیزی کار خه ر قوره تی کار ده ر - ته کان	ایم پروومنت	impulse <i>n</i>
تابع احساسات - سوق دهنده	وه رو به ر - ته کاندهر پیش به ر - تاو ده ر	ایم پالسیو	impulsive <i>adj</i>
در (جایی) - در (داخل جایی)	له - جه دلی له ناو	این	in <i>prep, adv</i>
در (خلال) / پایان - در (خانه)			
دسته	ده سه	این باندس	inbands <i>npl</i>
بی لیاقتی - ناتوانی	بی قابلی، بی عورزه	این لی لیتی	inability <i>n</i>
بی کار - غیر فعال	بی کار بی کار ورمات	این آکتیو	inactive <i>adj</i>
ناپسنده، ناکافی - نالایق	که م به ش نه که ر به ش نه کرد	این آد کویت	inadequate <i>adj</i>
ناتوان، بی عرضه	عاجز - بی ده سه لات	این کپبل	incapable <i>adj</i>
عاجز	جه ده س نامه بی قابل		
اینچ - هسته رفتن	۲/۵ سانت - ئه یره و پیمای	اینچ	inch <i>n</i>
اتفاق، رویداد، حادثه	رووداو و ره رنامه - پیشامه د	این سی دنت	incident <i>n</i>
گرایش داشتن - خم کردن	چه منای - چه ماندن	این کلاین	incline <i>v</i>
شیب	لار که رده ی ساز نای	(کلین)	

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دروداشتن - گنجاندن	تیا بوون - جه دلی نه بیه ی	این کلود	include <sup>v-n</sup>
شامل - دارا	یا گه که رده ی، له ناوابون		
دروآمد، عایدی - دخل	ده رنامه دینه فحه - چت گیرهاتن	این کام	income <sup>n</sup>
نا تمام، ناقص	نا ته واو - قهره ت - نا ته مام	این کم پلیت	incomplete <sup>adj</sup>
نامناسب، زحمت ده	نال بار - ناجور	این کین وی	inconvenient <sup>adj</sup>
		نینت	
گرفتاری - نا راحتی	گرفتاری - گیر و گرفت	این کین وی	inconvenience <sup>n</sup>
		نینس	
غلط، اشتباه نابجا	سه هو - خه تا هه له - جور یا	این کرکت	incorrect <sup>adj</sup>
به طور اشتباه	به هه له بیه خه تا - نه زانی	این کرکتلی	incorrectly <sup>adv</sup>
افزایش دادن - زیاد کردن	فره که رده ی - زور کردن	این کریز	increase <sup>1 v</sup>
	زیاد کردن		
افزایش - رشد	زیاد - فره زور	این کریز	increase <sup>2 n</sup>
واقعا، حقیقتا	به راستی - جه هه قی قه ت	این دید	indeed <sup>adv</sup>
نامعلوم، مبهم، نامحدود	نامه علووم - ون - ناد یاری	این دفی	indefinite <sup>adj</sup>
		نیت	
به طور نامعین	به جور ی نامه علووم	این دفی	indefinitely <sup>adv</sup>
	به ناد یاری	نیتلی	
مستقل، آزاد و خود فرمان	ئازاد و هه ره له	این دی پن	independent <sup>adj</sup>
	وبی نیاز	دنت	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
independence <i>n</i>	این دی بن	ئازادی - ماف گرتن	آزادی، استقلال
	ینس	سه ره خۆیی	خودفرمائی
index <i>n</i>	این دِکس	ناوئاخن - فیرست - وه چهم	ایندکس - فهرست، ضروب
indicate <i>v</i>	این دی کیت	نیشان دای - نیشان دان	نشان دادن، اشاره کردن
indication <i>n</i>	این دی	نیشانه - نیشاره - عه لامهت	نشانه، اشاره، علامت
	کیشن	قیزگه	
indicator <i>n</i>	این دی کیتز	رینمون - چرای رینمونی	راهنما، چراغ راهنما - نماینده
		په له د	شاخص
indignant <i>adj</i>	این دی	توو ره نار ههت - قه لز	خشمگین، عصبانی
	گنیت		
indignantly <i>adv</i>	این دی	به توو ره یی به نار هه تی	خشمگینانه
	گنیتلی		
indirect <i>adj</i>	این دی رکت	لار - چهوت - ناراس	کج، غیر مستقیم، ناراست
indirectly <i>adv</i>	این دی رکتلی	به ناراسی به چهوتی	به طور غیر مستقیم
		به لاری	
individual <sup>1</sup> <i>n</i>	این دی وی یوال	کهس - یویوه - تاییه تی	فرد، کس، شخص
		تایوه تی	
individual <sup>2</sup> <i>adj</i>	این دی وی یوال	جیاواز - یوی - ته نیاو تاک	جداگانه، فردی، یگانه
	(جوال)		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور فردی، یکی‌یکی	به‌جیا وازی به‌ته‌نیا یی	این‌دی‌وی‌یوالی (جوالی)	<b>individually</b> <i>adv</i>
داخلی، خانگی	دلی - ناوماڵی - یانه‌یی	این‌دُر	<b>indoor</b> <i>adj</i>
درخانه‌سروبه‌داخل	ده‌روونی له‌مال - جه‌یانه‌دلی یانه	این‌دُرز	<b>indoors</b> <i>adv</i>
صنعت - مهارت	کار و پیشه - صنعت	این‌داس‌تری	<b>industry</b> <i>n</i>
صنعتی	وه‌ش‌که‌رد ملی‌هاتن سنته‌تی - پیشه‌سازی	(دس‌تری) این‌داس‌تریل	<b>industrial</b> <i>adj</i>
کودک، طفل، نوباوه	وه‌ش‌که‌ری زه‌ورو - تلف - تازه‌زا	این‌فنت	<b>infant</b> <i>n</i>
کال	منال - کال (کاله‌به‌ی)		
(بیماری) سرایت کردن	ناوه‌شی لا‌یاوای - نه‌خۆشی	این‌فکت	<b>infect</b> <i>v</i>
مبتلا - آلودن	گرتن		
بیماری عفونی - واگیر	نه‌خۆشی واگیر - ناوه‌شی	این‌فکشن	<b>infection</b> <i>n</i>
الودگی	گیرا - پیسی		
مُسری، واگیردار، عفونی	گیرا - په‌تا - لا‌گه‌یی	این‌فکشز	<b>infectious</b> <i>adj</i>
نامحدود بی پایان	بی‌ئاخر - تا ته‌واو - قاف	این‌فی‌نیت	<b>infinite</b> <i>adj</i>
بی نهایت، بی اندازه	بی‌ئه‌ندازه - حه‌ره‌فره	این‌فی‌نیتلی	<b>infinitely</b> <i>adv</i>
	بی‌نه‌هایه‌ت - زۆری زۆر		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    tney    so      zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پریاد کردن، باد کردن	فووتی کردن - با کردن	این فلیت	inflate <sup>v</sup>
پف	فوودلی کرده ی		
تأثیر، نفوذ، اثر	ئه سه ره ده - ئا خفوزه	این فلوئیس	influence <sup>adj</sup>
	کار کرد		
مؤثر، بانفوذ، مؤثر	بانفوز - ئه سه ره که رکار که ر	این فلوان شیل	influential <sup>adj</sup>
اثر گذاشتن، نفوذ	نفوز کردن - ئه سه ره که رده ی	این فلوئیس	influence <sup>2 v</sup>
آنفلوآنزا	ئانفلوانزا - جور یوه	این فلوانیز	influenza <sup>n</sup>
	ئه لامه ت درم (ویروسی)		
خبر / اطلاع دادن، لودادن	خه به ردان - خه وه ردای	این فوم	inform <sup>v</sup>
اطلاعات، اطلاع، آگاهی	خه به ر - خه وه رات ده - نگوباس	این فومی شن	information <sup>n</sup>
عادی، غیر رسمی	پسه جار ان - عاده تی، خو مانی	این فومیل	informal <sup>adj</sup>
به طور غیر رسمی، خودمانی	به جور ی عاده تی	این فومیلی	informally <sup>adv</sup>
جزء ترکیبی - عنصر	به شی - جریوه - که ره سته ی	این گری	ingredient <sup>n</sup>
	کومه ل	دینت	
ساکن، مقیم، اهل	دانیشتو و - نیشته جا	این هبی رنت	inhabitant <sup>n</sup>
لرث بردن، مالک شدن	ساحیو بیه ی - ئیرس گرتن	ان هریت	inherit <sup>v</sup>
میراث، ارث وراثت	میراس - ئرس - ئیرس	این هری بنس	inheritance <sup>n</sup>
	مالی دوامه رگ		
نخستین حرف	ئه وه ل پیت - بنه پیت	ئی نی شیل	initial <sup>1 n</sup>
اول، اولیه، نخستین	هه وه لین - ئه وه لین - یه که م	ئی نی شیل	initial <sup>2 adj</sup>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:	
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صورت اولیه، در ابتدا	به جوړی هه وهل، جه وهل پسه وئه وهلی له نه وهل	ئی نی شلی	initially <sup>adv</sup>
تزریق کردن، سوزن زدن	پوره کهرده ی دلی کهرده ی ده رزی (چهن) دان دای	این چکت	inject <sup>v</sup>
تزریق، داروی تزریقی	ده رزیوه شانندن ده وای شه نه ی - چه نی دای	این چک شین	injection <sup>n</sup>
صدمه زدن، آسیب دیدن	له تمه دای - خه ساردیه ی زه رهدان	این چر	injure <sup>v</sup>
آسیب، صدمه، زخمی	له تمه زه ره - خه سارزام	این چری	injury <sup>n</sup>
بی ادبگری، بی عدالتی	زلم و زور بی عه داله تی بی داد، بی وژدانی	این جاس تیس	injustice <sup>n</sup>
جوهر، مرکب، مرکب چاپ	جه وه ره مره که و - ناو نویسه	اینک	ink <sup>n</sup>
دور از دریا، خشکی درونی	وشکامی دور و جه ده لیا وشکی دور له مه رز	این لند	inland <sup>1 adj</sup>
در خشکی - داخلی	جه و شکی له و شکی له ناره ند	این لند	inland <sup>2 adv</sup>
پسوند و به معنی خویشاوند	قه و م و خیش - خزمان دوای وشه	این ل	in-law <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مهمانخانه، هتل، هتل	مهمانخانه، میوان خانە	این	inn <i>n</i>
داخلی، وسطی، نهاده	دلی، پراسە - جە دلی بیاتنی	اینر	inner <i>adj</i>
	له ناو - ناو و نه، ون		
بی گناه، بی تقصیر	بی گوناوی خە تا	این بې سەنت	innocent <i>adj</i>
بی زیان	بی ته خسیر - دل پاک		
بی گناهی، بی تقصیری	بی گوناعی - بی خە تا بی	این بې سەنس	innocence <i>n</i>
پرسیدن، جویا شدن	پرسین - پەرسای - جویا بیە ی	این کوایر	inquire <i>v</i>
بازجویی، پرس و جو، تحقیق	پرس و جو - پەرس و جو	این کوایری	inquiry <i>n</i>
دیوانه، غل، احمقانه	شیت - گنج - بی ته قل	این بێ سەن	insane <i>adj</i>
حشر، حشره کش	مور - حە شەرە - شەش پی	این بیکت	insect <i>n</i> (insecticide)
گنجاندن، درج کردن، فرو کردن	تیای - دانیان - یا گەرسە ی، لا	این زرت	insert <i>v</i>
داخل، میان، درون، بحرمانه	دلی - ناو - جە دلی	این ساید	inside <sup>1</sup> <i>n</i>
اصرار کردن / ورزیدن	ئەو لە لای ی - خە لە سەر راوین	این زیست	insist <i>v</i>
لج - پافشاری	پافشاری کردن		
بازدید، بررسی کردن	دلی نه گیلای - ناو اگەر یان	این س پکت	inspect <i>v</i>
	ئەو پەرسای - چاودیری		
بازرسی، تفتیش	دلی گیلای - ناو اگەر یانە	این سپکشن	inspection <i>n</i>
بازبینی	ئەو پەرسا - چاوخست		
بازرس - افسر پلیس	چاودیر بازرس	این سپیکتر	inspector <i>n</i>
مامور ارشد	ئەو پەرس		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کار گذاشتن، نصب کردن	کار نیای - ئه ره مه رز نای	این اسٹل	install <i>v</i>
نصب بدستگاه، سوار کردن	دامه زران - ئه ره مه رز نای	این سٹلشن	installation <i>n</i>
تاسیسات	کار نیا		
مورد، نمونه مرحله	نمونه - چا و خست - وه ر چه م	این سٹینس	instance <i>n</i>
فوری، آنی - لحظه	گورج - زو و - توند - تیژ	این یمنت	instant <i>adj</i>
فورا، بلافاصله، زود	توندو تیژ - جابه جابه په له	این سٹنتلی	instantly <i>adv</i>
به جای، در عوض	باتی به یا گئی به جیی	این سٹد	instead <i>adv</i>
	به جیای		
به جای، به عوض	به جیگه ی به باتی	این سٹدآف	instead of <i>prep</i>
غریزه غطر تناسعداد	غهریزی - زاتی - جه وه ری	این سٹین کت	instinct <i>n</i>
غریزی، طبیعی، غطری	غهریزی - زاتی - جه وه ری	این سٹین کیو	instinctive <i>adj</i>
انستیتو، انجمن، مؤسسه	جه م خانه - کو مه ل گاه	این سٹیت یوت	institute <i>n</i>
بنیاد - ایجاد کردن	کور - بنه واسمه ره		
مؤسسه، بنگاه، ایجاد، عرف	ئاژانس بئکه بئنه وا	این سٹئیبوشن	institution <i>n</i>
آموختن، یاد دادن - راهنمایی	فیر کردن - ئیشان دای	این سٹراکت	instruct <i>v</i>
	فیر کرده ی		
تذکره، دستور، آموزش	په نه واته ی - ده سوور	این سٹراکشن	instruction <i>n</i>
	ده ستوور - فیر کهری		
مربی، معلم، مدرس	ده رزه ر - ئاموژ گهر	این سٹتراکتور	instructor <i>n</i>
	ده رس وئژ		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ابزار، وسیله، آلت، سند	ئه سپاب بوه سیله - چت - چپو	این س ترامنت	instrument <sup>n</sup>
توهین کردن، فحش دادن	دژوین دان دژمان دای به ئه وه سۆلنای	این سالت	insult <sup>1</sup> <sub>v</sub>
دشنام، فحش، توهین	دژمانی دژوین - خراوه سۆلنای	این سالت	insult <sup>2</sup> <sub>n</sub>
بیمه، حق بیمه، بیمه گری	بیمه - مۆره ویاری - نگا دار	این شورنس	insurance <sub>n</sub>
زیرک، باهوش	پارێزه به هوش زیره ک سوریا - ژیر	این تلچنت	intelligent <sup>adj</sup>
عقل - فهم - هوش	ئه قل - قام - هوش	این تیلکت	intellect <sub>n</sub>
زیرکی، هوش - خبر	ژیری - زیره کی - وریایی	این تلچنس	intelligence <sub>n</sub>
قصد داشتن، تصمیم گرفتن	گه ره ک بون - گه ره ک بیه ی بریار دان	این تندن	intend <sub>v</sub>
قصد، نیت، منظور	نیه ت - خه یال - خیال	این تین شین	intention <sub>n</sub>
با هم جفت گیری کردن	جووت بون (په یده رزه که ی)	این تیربید	interbreed <sub>v</sub>
سود، بهره، بریج، مخرج، علاقه	نه فحه - قانجاز - منفه عه ت	این تیرمست	interest <sup>1</sup> <sub>n</sub>
علاقه مند ساختن، جلب کردن	شهریک کردن - چه شکه که رده ی	این تیرمست	interest <sup>2</sup> <sub>v</sub>
مداخله کردن، مفضولی	ده خاله ت که رده ی - خوئی گه	این تیرفیر	interfere <sub>v</sub>
کردن	یاندن - پاده رمیانی کردن		
مداخله، دخالت، انگلیک	ده خاله ت که رده ی - تی گه	این تیرفیرنس	interference <sub>n</sub>
مفضولی	یاندنه وه - پاده رمیانی		

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بخش داخلی، داخلی	به‌شی‌ده‌روون دلی	این‌تریر	interior <i>n</i>
دروین مرز	ناوی‌ناو-کروک		
بخش داخلی، درونی	باتنی‌ده‌روونی-سروشتی	این‌ترنل	internal <i>adj</i>
باطنی	جه‌دلی‌وه	(کارآموز- <i>intern</i> )	
وزارت کشور	وه‌زاره‌تی‌ناو‌خو - دلی		ministry of the interior <i>n</i>
بین‌المللی-جهانی	به‌ین‌ومله‌تان‌به‌ینی‌مله‌ته‌کان	این‌ترنشیل	international <i>adj</i>
	جیهانی		
قطع کردن، گسیختن، مزاحم	وه‌رگرتی‌به‌سه‌ی‌به‌ستن	این‌ترایت	interrupt <i>v</i>
وقفه، ایست‌فاصله، مکث	به‌ین‌خندرای‌ویسان	این‌ترپول	interval <i>n</i>
مذاکره، مصاحبه	قسه‌که‌ری‌و‌توو‌یژ-قسه‌ویاس	این‌تریو	interview <sup>1</sup> <i>n</i>
مصاحبه کردن	قسه‌که‌رده‌ی‌و‌توو‌یژکردن	این‌تریو	interview <sup>2</sup> <i>v</i>
به، در، داخل، به‌داخل	به‌مله‌جه‌ناوی‌دلی، بو‌ناو	این‌تو	into <i>prep</i>
فعل لازم‌ناگنرا	فه‌رمانی‌لازم‌فیعلی‌لازم	این‌ترانزیتیو	intransitive <i>n, adj</i>
معرفی کردن، شناساندن	ئه‌ژناسنای - ئیشان‌دان	این‌تریدیوس	introduce <i>v</i>
معرفی، دیباچه‌مقدمه	سهره‌تا‌هورنویس - ئه‌ژناسنا	این‌ترداکشن	introduction <i>n</i>
یورش بردن، حمله کردن	تالان کردن - هه‌لمه‌ت‌دای	این‌وید	invade <i>v</i>
	مله‌ره‌دای، هیرش کردن		
تهاجم، هجوم، یورش، تجاوز	هجوم - هه‌لمه‌ت - تالان	این‌وی‌ژن	invasion <i>n</i>
علیل، ناتوان، نزار، باطل	زایف‌کزیی - تین - عه‌لیل	این‌ولید	invalid <i>n (invalid - والید) adj</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	o:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اختراع کردن، ساختن	وه‌ش‌که‌رده‌ی‌سازین	این وِنت	invent <i>v</i>
	دروست کردن		
ساخت، اختراع، خلاقیت	سازینه-کرده‌وه	این وِن‌شِن	invention <i>n</i>
	دروست بوو		
مخترع، سازنده	دروست‌که‌روه‌ش‌که‌ر	این وِن‌تِر	inventor <i>n</i>
	سازینه‌ر		
بازجویی کردن	لِی‌پرسین-چه‌نه‌په‌رسای	این وِس‌تی	investigate <i>v</i>
تحقیق کردن	گیت		
بازجویی، پرسیدگی	لِی‌پرسینه‌وه-په‌رسایه‌وه	این وِس‌تی	investigation <i>v</i>
بررسی	چه‌نه‌په‌رسی	گِشِن	
ناپیدا، نامرئی، ناآشکار	نقم‌بگوم‌ون-ناپیدا	این وی‌زی	invisible <i>adj</i>
	نامه‌علوم	پِل	
دعوت کردن، خواستن	ده‌وه‌ده‌که‌رده‌ی‌ده‌وه‌ت	این وایت	invite <i>v</i>
	کردن		
دعوت، فراخوان	ده‌وه‌ده‌ده‌وه‌ت-چِرَیه‌ی	این وی‌تِشِن	invitation <i>n</i>
شامل / متضمن بودن	گرفتار کردن (که‌رده‌ی)	این والو	involve <i>v</i>
پیچیده کردن، درگیر شدن	په‌کُزه‌ره‌دای، گیر‌وده‌بون		
به‌داخل، به‌درون‌رونی	په‌نا‌وا‌به‌دلیره‌روه‌ودلی	این وِوز	inwards <i>adv, adj</i>
ایران، کشور ایران	ئیران-عه‌جه‌مسان	ایران	Iran <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایرانی، اهل ایران	ئیرانی - خەڵکی ئێران	ایرانی	Iranian <i>adj</i>
عراق، کشور عراق	ئێراق - دەڵوێ تو ئێراقی	ایراک	Iraq <i>n</i>
آهن - اٹو	ئاسن - تئوو	آیرن	iron <sup>1</sup> <i>n</i>
اٹو کردن	تئوو کە رده ی - تئوو کردن	آیرن	iron <sup>2</sup> <i>v</i>
نامرتب، نامنظم، ناصاف	نامرە تەب - شپەرز - تو چیا	ایرگیولر	irregular <i>adj</i>
به طور نامرتب	شپەرز ی - ناریکی - نامرە تەبی	ایرگیولری	irregularly <i>adv</i>
آبیاری کردن، شستشو کردن	ئاو دەر دە ی - ئاود ئیران	ایرگییت	irrigate <i>v</i>
آبیاری - آبرسانی	ئاو یاری - ئاود ئیری	ایرگییشن	irrigation <i>n</i>
عصبانی کردن، آزردن	توو رە کە رده ی - جەرئە و رده ی	ایری تیت	irritate <i>v</i>
جزیره	جەزیرە - وشکی چوار دە و ئا	آیس لند = آیلند	island <i>n</i>
جزیره نشین	جەزیرە نشین	آی لندیر	islander <i>n</i>
مجازاً ساختن، جدا کردن	جیا وە کە رده ی - جگگی کردن	آی س لیت	isolate <i>v</i>
اسرائیل	ئسرائیل لە قەبەیی یاقوب (ع)	ایزریل	israel <i>n</i>
دادن، صادر کردن	دان - دای - بەر دای - دەر دان	ایسیو (ایسو)	issue <sup>1</sup> <i>v</i>
توزیع، صدور، انتشار، خروج	بلا و کردنە وە بەش کەری، دەر	ایسیو	issue <sup>2</sup> <i>n</i>
برزخ - تنگه خشکی - باریکه	وشکی له به یینی دوده لیا	ایست میس	isthmus <i>n</i>
آن، آن را، ضمیر خشی	ئانە - ئەو (پانا ما)	ایت	it
خاریدن، خارش داشتن	ئالوش کردن - کلاشیای	ایچ	itch <sup>1</sup> <i>v</i>
	خارش کە رده ی - خوران		
میلز یا خارش، خارشدار	ئالوش - خارش - کیرنای	ایچ	itch <sup>2</sup> <i>n</i> (itchy) <i>adj</i>
فقره قلم، قطعه خبری، مورد	جوړ کە رە ت - قەڵەم	آی یم	item <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
قهرمان زن شیرزن	ژه نه ی پاله وانه ژنی پاله وان	هروین	heroine <i>n</i>
مال او زن (ضمیمه ملکی)	مالی ته و-ئینی ته و-ئینو	هیرز	hers <i>pron</i>
	ئادی (ئادی)		
خودش (ضمیمه انعکاسی) - زن	خوی ویش راناوی ملکی ژن هریلف		herself <i>pron</i>
تردید داشتن، دودل بودن	دووشک بیه ی-دوودل یوون	هزی تیت	hesitate <i>v</i>
دودلی، تردید، مکث	دوودل-دووشک بیه دگومان	هزی تیشن	hesitation <i>n</i>
	خانه گومان		
پنهان / مخفی کردن	شارده ی-ته وه شاردن-پوژنای	هاید	hide <sup>1</sup> <i>v</i>
	دایوشین		
پوست حیوان	پیستی حه یوان-پوسو	هاید	hide <sup>2</sup> <i>n</i>
	حه یوانی - چه رم		
بلند، مرتفع - بزرگ	به رزها یلیند سه وراز	های	high <i>adj</i>
بلندی	ئاسو-که ل ملو و ته		
والا حضرت، بلندی-ارتفاع	شاژنه - شای ژنان	های نیس	highness <i>n</i>
شاهراه، اتوبان	شارانگه و ره رایلا وهری، به رزی	های وی	highway <i>n</i>
(هواپیما) ربایی کردن، سرقت مسلحانه	که له به ل دزین-ته یاره وفاندن	های چک	hijack <i>v</i>
(هواپیما / ترن / ... ) ربا	ته یاره رفین-ته یاره دزدو گاراجی های چکر		hijacker <i>n</i>
سوانیپ، پرتیه	لیژ- به ره خوارکه	هیلی	hilly
تپه، پشته، توده	ته پوله خاک - ته په	هیل	hill <i>n</i>
به او، او را - مرد	به ته و بیه ئادی (نیژ)	هیم	him <i>pron</i>
ضمیمه انعکاسی، خودش	خوی ویش (نیژ)	هیم بیلف	himself <i>pron</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
عقی-پسین، پشت	دماين-دواين، پشت	هايند	hind
جلوگیری کردن، مانع شدن	به‌رگری کردن-وه‌رگری	هيندر	hinder <sup>v</sup>
هندو (پیرو مکتب هندو)	هندو-هندستانی-گاپرس	هيندو	hindu <sup>n</sup>
لولا، بند، مفصل	ئه‌نجامه‌له‌ولای‌ده‌ر	هينج	hinge <sup>n</sup>
اشاره کردن، تذکر دادن	نیشاره‌ت‌کردن-نیشاره‌کرده‌ی	هينت	hint <sup>1 v</sup>
	په‌نه‌واته‌ی		
کنایه، اشاره، تذکر	لاره‌واته-نیشاره‌ت-نیشاره،	هينت	hint <sup>2 n</sup>
مفصل‌ران-کفل، باسن	لاقتند-سمتی-که‌فهل	هپ	hip <sup>n</sup>
اسب آبی	ئه‌سپی‌ناوی	هپ‌پ‌پوتامس	hippopotamus <sup>n</sup>
	(هیپپوتامس)		
کرایه، اجرت، اجاره، کرایه کردن	کری-کرها-نیشاره، مز	هاير	hire <sup>v</sup>
مال او... ش (مرد)	ئی‌نی‌نه‌وئی‌نوئادی (پیاو)	هيز	his <sup>adj, pron</sup>
هیس کردن، هو کردن	جوړه‌ی‌ده‌نگ‌که‌رده‌ی	هيس	hiss <sup>v</sup>
	هیس کردن-هوس‌که‌رده‌ی		
هیس، هو	هیس-هوس-فس-فس	هيس	hiss <sup>n</sup>
تاریخ، سرگذشت	تاریخ-میزوو	هيستوری	history <sup>n</sup>
تاریخی-مشهور، مهم	تاریخی-میزوو-بی‌مه‌ی‌شور	هيستوریک	historic <sup>adj</sup>
تاریخی	تاریخی-میزوو-بی	هيستوریکال	historical <sup>adj</sup>
زدن، ضربه زدن، صدمه زدن	داوه‌نه‌ی‌میلدان-هۆرته‌ق‌که‌رده‌ی‌هیت	هیت	hit <sup>1 v</sup>
شناس - ترانه / فیلم عامه	شناس-گورانی-فیلمی	هیت	hit <sup>2 n</sup>
پسند	پرت‌ره‌فدار		

ʌ	3:	ɔ	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
its <i>pron</i>	ایتس	سغه تی ملکی - ئی نی ئه و	صفت ملکی <i>ti</i> مالان
itself <i>pron</i>	ایت سیلف	خو ی - خو ی (زه میر بو خو)	خودش (ضمیر انعکاسی) به خودش
ivory <i>n</i>	آی وری	ده دانی فیل - ددانو فیل - عاج	عاج، ددان فیل
ivy <i>n</i>	آی وی	له ولای ئاوی یا وه حشی	شیبری رنگ
l-woo <i>vt</i>	آی وو	وو گیان واته ی - خوازینی	پیچک - عشقه
l-word <i>n</i>		کردن، هیچوی	خواستگاری کردن - اظهار
l-woe <i>n</i>		واته وشه، که لام - قسه	عشق کردن
l-vow <i>n, vt</i>		غه موه ی رو - مه ی نه ت، وئو	لغت - کلام - پیغام - گفتار
		واو خودا واته ی - نه زروه خوادان واو	محنت - غم - گرفتاری
			نذر - نذر کردن

توجه: در کلمات Vow - Woe - Word - Woo حرف (I) به امانت گرفته شده و معنی ندارد.

i: see    I sit    e ten    ae hat    a: arm    D got    ɔ: saw    U put    u: too

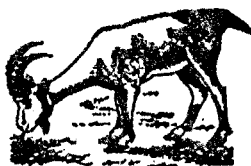




IBIS

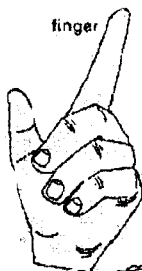


IRON



IBEX

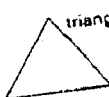
finger



fingerprint

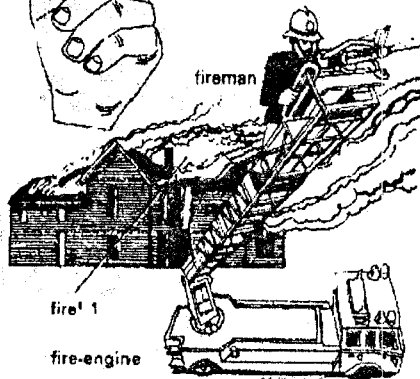


triangle



tray

fireman



fire 1

fire-engine



tree



trolley



trigger



بلاش اشکانی

۹-۵۲



بهرام کور یا پنجم

۴۲۰-م

# J j

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دهمین حرف الفبای انگلیسی	ده یه مین پیتی ئه لفا	جی	J <sup>n</sup>
خوب	ده ی بوچی - جا (وشه ی هورامانی) جا		jaa <sup>prep</sup>
فرو کردن / بودن، سیخ زدن	پوره چه قنای - پیا کردن	جَب	jab <sup>v</sup>
شغال	چه قه ل - تخمور واسی	جَکَل	jackal <sup>n</sup>
نیم تنه، ژاکت - روکش	جا که ت - کراس - گجی	جَکیت	jacket <sup>n</sup>
دارای بریدگی ناهموار	ددانه دار بپرگدار	جَجید (گید)	jagged <sup>adj</sup>
دندان داری	گرنج گرنج		
جگوار	جَوَریک یوز پله نگ یا پلنگ	جَگوار	jaguar <sup>n</sup>
حبس، زندان	زیندان به ند یخانه - گه ور	جیل (چیل)	jail <sup>or</sup> gaol <sup>n</sup>
چپاندن، جا دادن - سفت	ته پنا ی - گواله گرتن به ره که	جَم	jam <sup>1</sup> <sup>v</sup>
شدن - ضرب خوردن	دلێ که رده ی - جیدان، ته که		
تواکم، به هم چسبیدگی	شوارای به به یک لکان، حه چه ل	جَم	jam <sup>2</sup> <sup>n</sup>
مربا	مره با کولای میوه	جَم	jam <sup>3</sup> <sup>n</sup>
جوانرو	وشه که ر		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ژانویه (ماه اول میلادی)	ژانویه (ئه وه ل مانگی)	جَنیوَری	january <i>n</i>
	فهره نگی)		
ظرفس پارچ، خمره بلند صدا	پارچ ده فری ده مان کوز مزریکه	چار	jar <i>n</i>
آرواره، فک	که لوه - چه نا که زه نه خ	ج	jaw <i>n</i>
جاز (موسیقی با ریتم تند)	موسیقای جاز - جو ره	جاز (جَز)	jazz <i>n</i>
	موسیقی یه ک		
حسودغیور، مواظب	حه سو و در ژد یوریا	چِلِس	jealous <i>adj</i>
	بیدار		
حسودانه	جه حه سو و دی له دل ره شی	چِلِسی	jealously <i>adv</i>
حسادت، رشک	حه سو و دی - رژدی	چِلِسی	jealousy <i>n</i>
شلوار چین یا لی	شهروالی چین - پارچه ی که تان	چینس (جینز)	jean <i>n</i>
	جنسی که تانی		
جیب	ماشینی جیب - جو ریوه ماشین	جیب	jeep <i>n</i>
مسخره کردن، طعنه زدن	ته شهردان - تانه دای	جیر (جیر)	jeer <i>v</i>
هو	به که سه ی خوای		
ماده لزج، جسم ژلاتینی	چیوی لیق - ژلوق	چلی	jelly <i>n</i>
ژله	چتی نه رم و نیا		
درد دل - شرح غم دار	ده ردی دل	چری مای آد	jeremiad <i>n</i>
توتیا (خار پشت دریانی)	توتیا و ده لیای که رته شی ناوی	چلی فیش	jellyfish <i>n</i>
تکان تند / شدید دادن	تون ته کان دان - ئه وه شه کنای	جُرک	jerk <sup>1</sup> <i>v</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تکان شدید/تند، ضربه	شوکه - ته کان له قنای	جُرک	jerk <sup>2</sup> <i>n</i>
ناکس	راوه شان کورکیان، لاره ئامه ی		
پلور و جزیر پیراهن کشی	ژیر کراس - چیر گجی	چیزی	jersey <i>n</i>
	ژاکه ت		
فواره، شیر - (هواپیمای) جت	فوارمانار پزگه تیاره ی جت، شه وی	چت	jet <i>n</i>
سد، بند - اسکله، بارانداز	بار و زیار خستی ی که شتی	چتی	jetty <i>n</i>
ته ویلی <sup>۲</sup> غرب پاوه	بارگه و که شتی سه دی ئاو		
گوه، جواهر، یهودی	جه و اهیر - ئالتون، گه وه ر	جوول	jewel <i>n</i> (جو)
صدای یکنواخت و تکراری	جرینگه جرینگه هۆنراوه	جین گل	jingle <i>v</i>
وظیفه، کار - شغل، حرفه	پیشه کار شوغل، مقام	جاب	job <i>n</i>
پیوستن، متصل شدن - ملحق	به یه ک لکاندن به یوه لکنای	جوین	join <sup>1</sup> <i>v</i>
شدن، ملاقات کردن - عضو شدن	په نه یا وای - پین گه یین		
نجاری	نه جار ی - چو تاشی	جوییری	joinery <i>n</i>
محل اتصال - موصول	جیی لکان - یا گه لکا	جوین	join <sup>2</sup> <i>n</i>
مفصل، بند، تکه گوشت، لولا	جهمگه له ولاوه سل، تریشکه	جوینت	joint <sup>1</sup> <i>n</i>
مشترک، مشاع، شرکی	به یوه - پیکه وه	جوینت	joint <sup>2</sup> <i>adj</i>
مزران	لکا - پیوه ره		
مشترکاً: توأماً	شه ریکی هه و مالی	جوینتلی	jointly <i>adv</i>
تساهینی کامیاران	دوو قوولی		
جوک، لطیفه، شوخی	شوخی - قسه ی خووش	جوک (جُک)	joke <sup>1</sup> <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لطیفه گفتن، شوخی کردن	شوخی کردن - قسه وه ش	جک	joke <sup>2</sup> v
	که رده ی		
سنگول، سرحال، شاد	سهروه ش سه رخوش شوخ - کۆکجال		jolly <sup>1</sup> adj
بسیار شاد، دلشادی	خووشی - وه شی	جالییس	jolliness <sup>2</sup> adv
تکان - ضربیه رویی	ته کانه له قاندنه وه، راوه شان	جولت	jolt <sup>1</sup> n
تکان دادن	ته کان دای - جمنای - جواندن	جولت	jolt <sup>2</sup> v
	له قاندن، راوه شان		
مجله - روزنامه	مه جه له - روژنامه	جورنال	journal n
دفتر روزانه	ده فتری روژانه	(چرنال)	
روزنامه نگاری، خبریخشی	روژنامه نووسی - روژنامه گه ری	جورنالیزم	journalism n
روزنامه نگار	روژنامه نویس - روژنامه نویس	جورنالیست	journalist n
مسافرت، سیاحت	سه فه ره مسافره ت	چرنی	journey n
شادمانی، سرور - لذت، حظ	شادی - خووشی - دل فله ریحی	جوی	joy n
شادمان، مسرور	شادمان مه سه روو - پر نیشات	جوی فول	joyful adj
شادمانه	به شادمانی به سه رخووشی به وه	جوی فولی	joyfully adv
غمگین، ناخاد	خه مین و غه مبار	جوی لیس	joyless adj
قاضی - داور - دادرس	داوه ر - قازی	جاج	judge <sup>1</sup> n
نظر دادن - داوری کردن	داوه ری کردن - نه زه ردای	جاج	judge <sup>2</sup> v
	حوکم که رده ی		
قضاوت، داوری، نظر، حدس	داوه ر - نه زه ره - حوکم	جاج مینت	judgement n

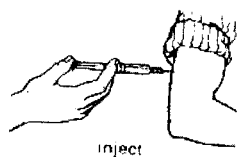
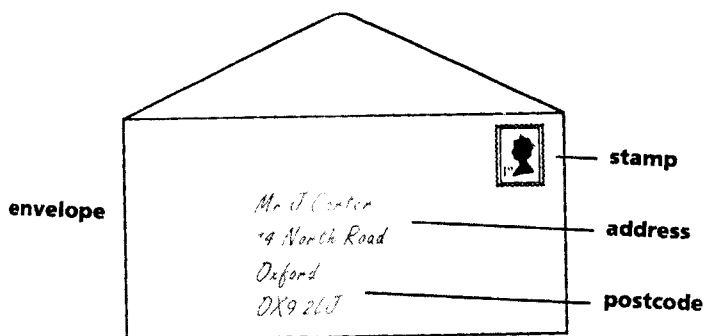
f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جودو	جوڤدو-جوڤره فه نیک	جودو	judo <i>n</i>
کوزه (سته دار) تنگ	بو پاله وانی گۆزه-گۆشی-ئاڤتاوی	جاگ	jug <i>n</i>
توردستی / شعبده بازی کردن	چه م به سی که رده ی	جاگل	juggle <i>v</i>
شعبده باز، توردست	چاوپه سی کردن ره مال-چه م به س	جوگلر	juggler <i>n</i>
حَقّه باز	جادو و گهر-چاوپه س	جوس	juice <i>n</i>
اب (میوه / سبزی / گوشت)	ئاو میوه-ئاوی میوه، شیر	جوسی	juicy <i>adj</i>
پراب، آبدار، پرسود	ئاو دار-په ئاو-په ئاو	جولای	july <i>n</i>
ژونیه (ماه هفتم میلادی)	ژوولای - حه فته مین		
به هم زدن، در هم آمیختن	مانگه ی میلادی تیک دای-تیکه ل بیه ی	جامبل	jumble <i>v</i>
پرنیدن - از جا جستن	ئاو یته کردن جمای-په پای بازیه رده ی	جامپ	jump <sup>1</sup> <i>v</i>
جست، پرش - تکان، هول	قونین-په رین-هۆر پرای په رابازی-قونی-جفتی	جامپ	jump <sup>2</sup> <i>n</i>
نیم تنه، بلوز، پلور	ته کانه-ته که-په رین بلوز - بازیه ر	جامپر	jumper <i>n</i>
چهارراه، دوراهی، پیوند	چوره ی گجی-جا که تی ژنانه چوارپی-دوه راهه سل	جانک شین	junction <i>n</i>

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how   man   no   sing   leg   red   yes   wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ژوئن (ماه ششم میلادی)	مانگی شه شه می میلادی - ج و ون	جون	june <i>n</i>
جنگل	دارستان - دارسان - جه نگه ل	جان گل	jungle <i>n</i>
خردسال - دوان پایه	وردی بیچووک - گولاله تهر	جونیر	junior <i>adj</i>
آشغال، خردهریز (اسقاط)	شه خه ل - زویل، چته کو نه	جانک	junk <i>n</i>
هیئت منصفه دادگاه	گه لی داوه رو عادل - نه نجمه نی باش جوړی		jury <i>n(pl,ries)</i>
به له بزآن غرب پاوه	ویژان - کوړی قانونزان		
درست، عینا - الساعة، همین	عادل - نیسه - نیستا که	جاست	just <sup>1</sup> <i>adv</i>
الان - چند لحظه پیش، یک	ریک - فه قه ت، که می		
لحظه پیش - فقط، عادلانه	به سی		
بجا، درست - عادل	به جی به یاگی به سی	جاست	just <sup>2</sup> <i>adj</i>
وزارت دادگستری	دادگهر		
قاضی - عدالت، انصاف - داد	عه داله ت - عینساف - داوه ر	جاستیس	justice <i>n(ministry of justice)</i>
به حق، به درستی	به راستی - هه قانه ت	جاستلی	justly <i>adv</i>
مجاز - تصدیق، توجیه	مجه وز - نامه ی ره سمی	جاستی فی کی شن	justification <i>n</i>
جوان - جوان نما، بچه	جوان - لاو - جوان ئاسا	جوون آیل	juvenile <i>adj</i>
جوانی - جوانان	جوانی و لاوی	جوونی لیتی	juvenility <i>adv</i>
پهلوی هم گذاشتن	لای یه ک نیان - پالوی یویشای	جاکس ت پوز	juxtapose <i>v</i>
یهم نز دیک سازی - الحاق	به یه ک نز یک کردن	جاس کس ت	juxtaposition <i>n</i>
شاپور خواز (خرم آباد)	پوزی شن		
صدای باز شدن در	جیره ئامه ی (هاتن)	جیره	jyrra <i>n</i>

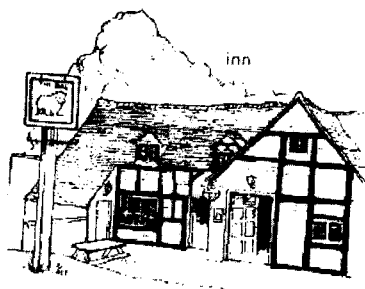
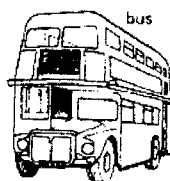
i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



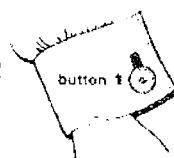
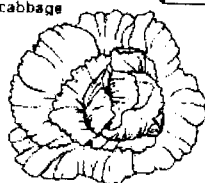
bulb 2



bus



cabbage





# K k

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
K <i>n</i>	کی	پیتی یازده یه م له ته لڤیا	نام یازدهمین حرف الفبای انگلیسی
kaaw-kaawat <i>n</i>	کاوکاوات	ئه شکه وتی پاوه، مه پوه	نام غار معروف در اورامانات
kaiser	کایزر	کاواتی	وگلوگاه در کوهستان
kale <i>n</i>	کیل	قه یسه ری رۆم	قیصر
		جو ره ی که له می تو بی	جنس کلم - کلم بیج
		تو په که له م	گاواره نه شاپاد
kalahari Desert <i>n</i>	کالاهاری	بیایوانی ئا فریقای خواروو	صحرائ کالاهاری (حر)
	دیزرت	بیابان ئو ئا فریقای وارینی	افریقای جنوبی)
kangaroo <i>n</i>	کنگرو	کانگرو (جان وه ری	کانگارو (نمی دانه مانوری)
		گیاخو ری ئو سترالیا)	
keen <i>adj</i>	کیین	ئاواته واز - تاسه	مشتاق، آرزومند
		ئاره زو و مه ند - تیز	زی غرب پاوه
keenly <i>adv</i>	کیین لی	به تاسه وه بیه ئاواته خوازی	مشتاقانه - زیرکانه
		ده قیتی - تیزی	ژاله ایناخی غرب پاوه

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
keenness <i>n</i>	کییننس	وریایی - مدریکی - تیش	تیزی - زیرکی
keepsake <i>n</i>	کیپسک	یادگاری - دیاری	یادگار - یادگاری
keep <sup>1</sup> <i>v</i>	کیپ	گرتهی - به خپو کردن	گرفتن، داشتن، نگهداشتن -
		نگاه رده‌ی پراگرتن - مدریژه پیدان	محافظت کردن، نگهداری
		به‌رگرتن - چه‌م‌داری که رده‌ی	کردن - ادلوه کردن، عهده دار
			شدن، بی‌حرکت ماندن
keeper <i>n</i>	کیپ‌پر	نگادار - پارێ زهر	نگهبان، پاسدار
		چه‌م‌داری - پاسه‌وان	
keep <sup>2</sup> <i>n</i>	کیپ	پێ خۆر - وارده‌مه‌نی	خرچی، معاش، خوراک
		خه‌رج	
kennel <i>n</i>	کیل	لیانه‌و تووته‌ی یام‌رواسی	لانه‌سگ، سگدان
		کولانه‌سه‌گ	
keeping <i>n</i>	کی‌پینگ	هۆشیاری - چاودیری	نگهداری - حفاظت، هراست
kerb <i>n (curb)</i>	کیرب	قه‌راخو خیابانی - جه‌دوله‌ی	حاشیه‌پیاده‌رو / خیابان
		خیابان‌لیو و که‌ناره	مه‌ار - جدول
kerosene <i>n</i>	کیرزین	نه‌فته‌ی چه‌رمی - نه‌وتی	پارافین - نفت سفید
		چه‌رمگ	(چراغ)
kettle <i>n</i>	کیل	کتريه - کتری ئاسنین	کتری - قوری فلزی
key <i>n</i>	کی	کريل - کلیل - کلیلی	کلید، سوئیچ - کلید، دکمه (در)
		ئامرازی موسیقا - مقام	آلات موسیقی، ... - حل مسئله

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
keyhole <i>n</i>	کی هُل	جی کلیل - یا گه کر یَل	سوراخ کلید
khaki <i>adj, n</i>	خاکی - کا	بومه زه نگ - خاکی - ماشی	خاکی، رنگ خاک - ماشی رنگ
kick <sup>1</sup> <i>v</i>	کیک	له ق شه نه ی شه ق وه شان دن	لگد انداختن، لگد زدن
kick <sup>2</sup> <i>n</i>	کیک	له ق وشه ق، جو ته که ر	لگد - احساس هیجان
kicker <i>n</i>	کیکر	له ق وه شان شه ق شان	لگدن - لگدن زننده
kid <i>n</i>	کید	بزله کار - منال - کار مامز	بزغاله، بچه (از آن بشر)
kidnap <i>v</i>	کیدنپ	زه ورو - شوخی منال دزین - زاور و دزی	بچه دزدی / آدم ربایی کردن
kidnapper <i>n</i>	کیدنپ پر	به شه ره برده ی به شه رد زه ورو دز	آدم ربا، بچه دزد
kidney <i>n</i>	کیدنی	گو جیلی - کولیه - گو جیله	کلیه، قلوه
kiln = kil <i>n</i>	کیلن	ولک، کیلیه - نارگا (گرا له)	آتش خانه، کوره
kill <i>v</i>	کیل	کوشتن - کوشته ی	کشتن، به قتل رساندن
killer <i>n</i>	کیلر	قاتل گیان گیر - پیا کوژ (جاش)	قاتل، جانی، دزنده
kilogram <i>or</i>	کیلوگرم	ئه ی ره و پیمای - نیشانی	کیلوگرم (واحد اندازه گیری)
kilogramme <i>n</i>		پیوان (۱۰۰۰ گره م)	وزن) هزار گرم
kilo <i>n</i>	کیلو	به جی ی کیلو گره م	مخفف kilogram
kilometre <i>n</i>	کیلومتر	کیلومتر (۱۰۰۰ متر)	کیلومتر (کیلومتر، ۱۰۰۰ متر)
km <i>n</i>	کیلومتر	هه زار متر کورتی کیلومتر	مخفف kilometre

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلیسا	که نیسا-مژگی مه سیحیان	کک	kirk <i>n</i>
قوم و خویش، فامیل	خزمان-قه و م و کهس-خیشان	کین	kin <i>n</i>
	قه و می		
نوع، دسته، گروه، مهربان	نوع-دهسته-گرو-پهل، جور	کابند	kind <sup>1</sup> <i>n</i>
خوب، مهربان	خاس-عال-میهره بان-چاک	کابند	kind <sup>2</sup> <i>adj</i>
خوش قلب، مهربان	دلّ فەرێح-دل وەش	کابندهارتد	kind - hearted <i>adj</i>
	دلّ پاک-بروونا کدلّ، ره عوف		
مهربانی، لطف	میهره بانی-موحیّهت	کابندیس	kindness <i>n</i>
	وهش خه نده رانی-خوش که لامی		
روشن شدن / کردن	روشن که رده ی-ئه ره گیسنا ی	کیندل	kindle <i>v</i>
سوزاندن	داگیرسان، سوچنای		
پادشاه، شامشهریار	شا-پادشاهه روک	کینگ	king <i>n</i>
سلطنت، پادشاهی	سه لته نهت-پادشایی	کینگدیم	kingdom <i>n</i>
بوسیدن، بوسه زدن	ماچ کردن-ماچ که رده ی	کیس	kiss <i>v</i>
بوسه، بوس، آب نبات	ماچ-دهم له بانی ده م (سیوی لبنانه)	کیس	kiss <i>n</i>
کوله پشتی، بار وینه - کیت	توره که و کوئی-توره که ی	کیت	kit <sup>1</sup> <i>v</i>
ابزار کار	کولّ-چن گله-لاتای، نامراز		
پست فطرت - فرومایه	به شیری ناپیاو-جاش باو	کینیش	knavish <i>adj</i>
مطبخ، آشپزخانه	مه دبه خ-یا که چاشت	کیچین	kitchen <sup>2</sup> <i>n</i>
	ناشیه ز خانه-چیشته خانه		
بادبادک، کایت بزغن	وا به ره مبابر دک بایرد، قازی	کایت	kite <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بچه گریه، پیشی	پشیلێ - پشیلە - پشلە یه، کتێ	کیتن	kitten = kitty <i>n</i>
آمیختن، خمیر کردن	هه ویر کردن - ئامیته که رده ی	نید	knead <i>v</i>
ماساژ دادن	هه میر که رده ی، مألین		
زانو	ئه ژنۆزه نگۆڵ	نی	knee <i>n</i>
زانو زدن	چوار جامه پیکای - ئه ژنۆدان	نیل	kneel <i>v</i>
فهمیدن - شناختن	زانین - ئه ژناسای	نُ	knew <i>see</i> know
زیرپوش زنانه / دخترانه	چیرگجی ژه نانه - ژیر کراسی	نیکیز	knickers <i>n</i>
شلوار کلف	ژ نانه		
ادم بی شرف، ناپاکار	جاش و خو فرۆش - قاحبه باب	نیو	knave <i>n</i>
کارد، چاقو، چاقوزدن	چه قو - چاقو - کاردی	نایف	knife <i>n</i>
شوالیه، عیار	پیای عازا - کوری کورانه	نایت	knight <i>n</i>
	پیای ساحب جهرگ و که مال		
	ودژه جاش		
بافندگی / کشفایی کردن	جا که ت چنیه ی - جو لایی - چنبن	نیت	knit <i>v</i>
کشفایی، بافندگی، اخم	بافای - چنیه ی - جو لای، بادان	نیت تینگ	knitting <i>n</i>
دکمه، دسته، دستگیره	دگمه - ده سته ی - ده ر - پیچ	ناب	knob <i>n</i>
	جهر - کو مَر		
زدن، کوبیدن، کوفتن	کوا ی - کو تان - داوه نی	ناک	knock <sup>1</sup> <i>v</i>
	لیدان له درگا		

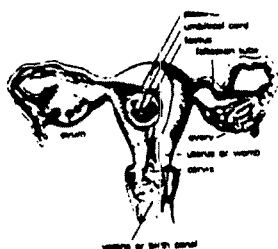
ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای کوبیدن... در زدن	ته قه ته ق - جیره جیری ده ر	ناک	knock <sup>2</sup> <sub>1</sub>
ضربه زدن	ته قه و به ر ی، عه یب گری،		
گره، خوشه	لکه لک - پهل، هو شه	نات	knot <sup>1</sup> <sub>n</sub>
گره زدن - بستن	لک دای لک دان به ستن	نات	knot <sup>2</sup> <sub>v</sub>
شناختن، تشخیص دادن	ناسین - نه ژناسای	نو	know <sub>v</sub>
دانش، علم، معرفت	زانست - علم ماریقه ت	ناليج	knowledge <sub>n</sub>
آگاه، دانا، وار، فطاع	دانا زانا، وریا، ناگا	ناليج لیل	knowledgeable <sub>adj</sub>
بند انگشت	جمگه به ندی ده ست وپی	ناکل	knuckle <sub>n</sub>
قرآن	قورعان - قورحان	کورآن	koran <sub>n</sub>
کُره ای - خه لکی کُره	کُره ای	کورین	korean <sub>adj</sub>
سیاه چادر گردان جاف	ره ش مالانی جاف - دَوار	کورده مال	kordamal <sub>n</sub>
مکان کُردزبانان	کورده واری (باغی گولان)	کورده واری	kordawari <sub>adv</sub>
اعتبار - احترام، ستایش	قورب - حرمت - ریز	کیوداس	kudos <sub>n</sub>
در قانون یهود (حلال) -	یاسای جوو - قانون موسایی	کوشیر	kosher <sub>adj</sub>
دُرست			
شُر مه - کحل	سورمه ی سوبحان - کله	کول	kohl <sub>n</sub>
که یمنه غرب باوه	کلی چاو ره شتن		
(محل تجمع مغان)	(جه مخانه ی موغان)	کومره	kowmara <sub>n</sub>
نام دهی در غرب پاوه	شوینی که له خواری پاوه وه		
نام محله ای در پاوه که	ناوی دوشوین له پاوه که له	کلیان	kalian <sub>n</sub>
به معنی کوره و آتش خانه است	میژ وه ئارگا و کوره خانه بوه		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



KETTLE



VAGINA OR BIRTH CANAL



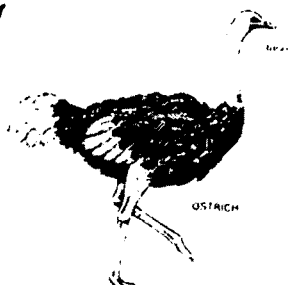
VOLCANO



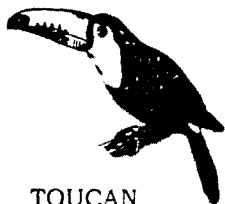
VIOLIN



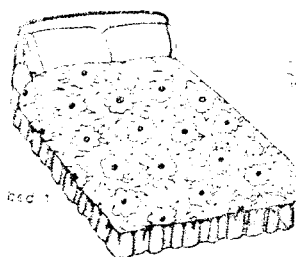
YOKE



OSTRICH



TOUCAN



bed



bee

bed-clothes

# L I

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی	پیتی دوازده یه می نه لقبی	ل	<b>L</b> <i>n</i>
دست بردار - ول کردن	لاوه - لاوه ره	لاوه	<b>laawa</b> <i>vt</i>
دراز و لاغر و کم مایه	قرال در یژی بی تین	لاچر	<b>laager</b> <i>adj</i>
چادر زدن - چادر	ده واریان چادر هه ل دان	لاچر	<b>laager</b> <i>vt,n</i>
برچسب یا تیکت	به رچه سب - تیکه چه سب	لپیل	<b>label</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
آزمایشگاه، لابراتوار	تاقی کردنه وه - لابراتوار	لَب پتری	<b>laboratory</b> <i>n</i>
مخفف laboratory	کورت کراوی laboratory	لَب	<b>lab</b>
کار، تلاش - کارگر	کار - کاریگره - کَر کار	لی پیر	<b>labour</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
زحمت کشیدن، نهنج زایمان	زه حمه ت کیشان (کیشای)	لی پیر	<b>labour</b> <sup>2</sup> <i>v-n</i>
عمه، کارگر یا گهر دینا	عه مه له عهروه نه - کارگر	لی پیر	<b>labourer</b> <i>r</i>
بند کفش - قیطان، نوار	به ن پالاقه یتان	لیس	<b>lace</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	شریت - تووَر		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فژیدن - پاره کردن	در پین - در نای، کوت کو تکردن	لا سیریت	lacerate <sup>v</sup>
با بند محکم / سفت بستن	به به ن به ستن - تند بینای	لیس	lace <sup>2 v</sup>
فاقد بودن، کم داشتن	نه و به ی - نه بو ن که م بو ن	لک	lack <sup>1 v</sup>
فقدان، کمبود	نه و به ی که م بو و - قاتی	لک	lack <sup>2 n</sup>
جوانک، پسر بچه	لا و - تازه جوان - کوره جوانه	لد	lad <sup>n</sup>
نورده بان	سرد - به یجه	لیر	ladder <sup>n</sup>
پُربار بارگیری شده	په ر بار داری پر میوه، بارگیری	لیدن	laden <sup>adj</sup>
ملاقه، چمچه	مه لاقه - چه مچه - که و جیز	لیدل	ladle <sup>n</sup>
خانم - همسر لرد	خانم - زنی ناودار	لیدی	lady <sup>n</sup>
و اشرافی	ئوساژهن - دۆس		
آهسته تر حرکت کردن	سه ریو ش نیای - ئارام لوای	لگی	lag <sup>v</sup>
عقب افتادن	(روین) - لاروله نجه کردن		
تخم کردن - بر زمین نهادن	دانیان - حیلله که رده ی	لی (لید)	laid <sup>see</sup> lay <sup>v</sup>
دراز کشیدن - دروغ گفتن	لا ئه ره ئاسه ی - راکیشان	لای	lain <sup>see</sup> lie <sup>v</sup>
	درودای		
دریاچه	ده لیاچه - زه و روده لیای	لیک	lake <sup>n</sup>
بَره گوشت بَره	به رخ - و ره	لم	lamb <sup>n</sup>
چلاق، لنگشیل، ناموجه	شه ل - کوچ له نگ، گَیر	لیم	lame <sup>adj</sup>
لنگان لنگان	عه تری - شه له شه ل	لیملی	lamely <sup>adv</sup>
لامپ، چراغ	گَلۆپ - لامپ - چراوی - چیرا	لَمپ	lamp <sup>n</sup>
ستون / تیر چراغ برق	دار ته ل - دار به رق - دار برق	لَمپ پُست	lamp - post <sup>n</sup>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خُباب چراغ - اَبازور	پیرانه چراو - پیرانه چرا	لَمپ شید	lampshade <sup>n</sup>
نور تاب	چرای خه و - چرای نوردەر		
خشکی، زمین، کشور، غرود	وَشکی، وَشکامی، زه وی، مَلک	لَند	land <sup>1 n</sup>
مالک (زن) - مودیرزن	ژنی، مودیر، ژنی، ساحیب، مَلک	لَندلیدی	landlady <sup>n</sup>
صاحب ملک (مرد)	پیاوی، مالک، ساحیب، یانه	لَندلرد	landlord <sup>n</sup>
موچر - ارباب	مالدار		
منظر، چشم انداز، دور نما	دیمه ن، پرو و مه ت، پروانگاه	لَنداسکیپ	landscape <sup>n</sup>
به زمین نشستن	ئه وه نشته ی، سه ری، زه وی، نیشتن	لَند	land <sup>2 v</sup>
فروود آمدن	ئه وه دای		
فروود، ورود به خشکی	خوار هاتن، سه روزه مینی، ئه وه دای، لَندینگ		landing <sup>n</sup>
کوچه، جاده باریک، راه	کۆلّان، کو و جیه، باریکه را	لین	lane <sup>n</sup>
زبان، وسیله ارتباط	زوان و قسه، که رده ی، زوانی	لَنگویج	language <sup>n</sup>
	ئه ده ب و قسان		
فانوس، چراغ توری، چراغ	چراو توڤه - چراو توڤر	لَنترن	lantern <sup>n</sup>
	چراوی ده سیه		
شلپ، دور، گردش، دامان	سوڤ - خول، لَلپه نار، ئه وشی	لَپ	lap <sup>1 n</sup>
بازبان خوردن - سرکشیدن	لَسپنای، لوشته ی، به زوان	لَپ	lap <sup>2 v</sup>
	چته ی، خواردن، هَوڤ قوڤر نای		
گنجه (خوراکی)، دولا بچه	پِیخوڤر، خانه - که نو	لَارد	larder <sup>n</sup>
	جی، خوڤراک		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وسیع، جادو، بزرگ، گنده	گه وره - یا گه دار - جی دار	لارچ	<b>large</b> <i>adj</i>
بیشتر - اکثراً	گه وره ته - زلتنه ریگه وره تر	لارچلی	<b>largely</b> <i>adv</i>
لیزر، اشعه لیزر	له یزر - تیژگی کو کراوی نوور	لیزر	<b>laser</b> <i>n</i>
تیژگه و نووری ته یوه تی			
شلاق زدن، بستن	شه لاخ دای - نه و بینای	لش	<b>lash</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
تکان دادن	به ته ناف بهستن		
مؤسلاق، تسمه شلاق	بژانگی بیز ژانگ شه لاخ	لش	<b>lash</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
کمند	که مه ند	لاش	<b>lasso</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
کمند انداختن	به که مه ند گرتن - به که مه ند گرتی	لاش	<b>lasso</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
آخرین، آخر - گذشته، اخیر	ئاخر - ئاخرین - یه رده	لاست	<b>last</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	را بیدوو، قالبی که وش		
بالاخره، در پایان	تاقیبه ت دیسانه و - پاشان	لاستلی	<b>lastly</b> <i>adv</i>
طول کشیدن، دوام داشتن -	در یژه کیشان - توول په نه دای	لاست	<b>last</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
ماندن، دوام کردن / داشتن -	به س بون - مه نه ی مان		
پس بودن			
دیر - تأخیر، مرحوم	دیر - دیره ی، دیر کرد، میژ	لیت	<b>late</b> <i>adj, adv</i>
اخیراً، به تازگی	به ینیه نه ده میکه	لیتلی	<b>lately</b> <i>adv</i>
	ماوه یکه		
تازه ترین، آخرین	ئاخرین - تازه ترین	لیتست	<b>latest</b> <i>adj</i>
	نوی ترین		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
<i>Persian</i>	<i>Kurdish</i>	<i>Pronunciation</i>	<i>English</i>
کف صابون - صابون زدن	که فه ساون - که فی سابوون	لَایِر	<b>lather</b> <i>n</i>
	ناره قوئه سپی - کف کردن		
عرض جغرافیائی، آزادی عمل	پانای جو غرافیایی - عه رزی لَئی تیود (توود)		<b>latitude</b> <i>n</i>
	جو غرافیایی - مه د		
آخری، آخرنهایی	د ماین - ناخری - ناخر	لَایِر	<b>latter</b> <i>adj</i>
خندیدن، قهقهه سردادن	خوای - که نین - پری قه وه نه دای	لاف	<b>laugh</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
صدای خنده، قهقهه	ده نگو خوه ی - پری قه و خوه ی	لافَیِر - لافَیِر	<b>laughter</b> <i>n</i>
	قاقاده نگیی پی - که نین		
خنده، قهقهه	خوه - که نین - قاقا - قه قه	لاف	<b>laugh</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
لنج، قایق موتوری	ئاوگیلی مو تر دار	لُنج	<b>launch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
پرتاب موشک	ئاوگه ری مو تر دار		
به آب انداختن - صادر کردن	به ئاو خستن بیه ئاو و سه ی	لُنج	<b>launch</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
رختشویخانه، لباس شستنی	لیباس شو رخانه	لُندری	<b>laundry</b> <i>n</i>
	یاگی شته و لیباسان		
مواد مذاب (کوه آتشفشان)	ماده ی هه ویری ئاگر پِژن	لا (لاوا)	<b>lava</b> <i>n</i>
	فیشقه و که شه ئه یرینه ی		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آبریزگاه، دستشویی	که ناراو - ده سشوری	لَوَتَرِی	lavatory <i>n</i>
فسترا	که ناراو		
شریعت، قانون، علم حقوق	قانون - هه قووق	لُ	law <i>n</i>
	یاسا و عورف		
حقوق دان، وکیل دعاوی	وه کیل - هه قووق زان	لُوپِر	lawyer <i>n</i>
چمن	چه مهن - سه وزایی	لون	lawn <i>n</i>
	چیمهن		
دستگاه چمن زنی	چیمهن بر چه مهن قرتین	لون مۆر	lawn mower <i>n</i>
گذاشتن، نهادن - تخم کردن	هیله کرده ی	لی	lay <sup>1</sup> <i>v</i>
پهن کردن - چین	ئهره نیای - دانیان	لای	lay <sup>2</sup> <i>see</i> lie
لایه، ورقه، برگه، طبقه	تو - تو ی - لا - چین	لیر	layer <i>n</i>
چینه	قات		
تنبل، تن پرور	ته مه ل - لاوازنه که رکار	لیزی	lazy <i>adj</i>
با تنبلی	به ته مه لی - به لاوازی	لیزی لی	lazily <i>adv</i>
هدایت کردن - وهبری کردن	ریتموونی کردن بواردن	لید	lead <sup>1</sup> <i>v</i>
سبب بودن	رابه ری که رده ی - پیش بردن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیشوا، رئیس، رهبر	را بهر - سه ده سه	لیدر	leader <sup>n</sup>
فرمانده	سه روک		
پیشتاژ - افسار، دهنه، اشاره	هه و سار له غاو - په ته	لید	lead <sup>2</sup> <sup>n</sup>
شرب - مغزی مذاق / اتود	سرپ - قور قوشم	لید	lead <sup>3</sup> <sup>n</sup>
	مه غزه مه داد		
برگ - لنگه در - ورق	گه لاوه ره قه وه لگ	لیف	leaf <sup>n</sup>
صفحه	لنگه به ره - لابه ره		
برگ چاپی (تبلیغاتی، ...)	به رگه ی ته بلیغات	لیفلیت	leaflet <sup>n</sup>
نشریه، اعلامیه	وه ره قی چاپی - به رگی		
	بلا کردنه وه		
مجمع، اتحادیه، عهد	په یمان - یه کیه تی	لیگ	league <sup>n</sup>
	یوبیه ی - کو مه ل - گرو		
سوزاخ، درز بوخنه، ترک	وله - کون - تریشکه	لیک	leak <sup>1</sup> <sup>n</sup>
روزنه - چکه	تکه و بانی - تره که - تره ک		
	ده لاندن		
درز دار، ترک دار، چکه یی	تره کدار - ولدار	لیکی	leaky <sup>adj</sup>
	کوندار - شر		
چکه کردن، نشست کردن	تکه که رده ی - ده لئای	لیک	leak <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	دلاندن - تکه کردن		
کج شدن - تکیه دادن	لاروبیه ی - لاروبون	لین	lean <sup>1</sup> <sup>v</sup>
	نامیای - پالودان		

Λ	3:	ə	er	əu	ar	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لاغر، نحیف	له ر - لاواز - بێ تین	لین	lean <sup>2</sup> adj
پریدن، جستن، جهیدن	پرای - په‌رین، قونین	لیپ	leap <sup>1</sup> v
	باز بردن (به‌رده‌ی)		
پرش، جهش، ورجه	بازی - ته‌کانی - قونین	لیپ	leap <sup>2</sup> n
	راپه‌رین		
کیسه، سال کیسه	ساله‌ی یه‌ره‌سه‌دو	لیپ‌پر	leap year n
	شه‌سوشش‌و‌سالی ته‌وارکات		
آموختن - از برگردن	یادگرتی - فیربوون	لین	learn v
خبر یافتن	خه‌به‌رداریه‌ی - بێ زانین		
کمترین، کوچکترین	که‌مترین - که‌مه‌رین	لیست	least adv
	وردی ته‌رین بچووکتترین		
چرم - تیماج	چه‌رم - پۆسوگای	لێزر (لدر)	leather n
	پستی و شک‌له‌مالات		
رها ساختن - رفتن	لوای - روین به‌ردان	لیو	leave <sup>1</sup> v
به‌جا گذاشتن	وه‌ردای - دانیان		
مرخصی - اجازه	ئێجازه - مه‌ره‌خه‌سی	لیو	leave <sup>2</sup> n
برگ - ورق	گه‌لا - گلا - گه‌لایان	لیف	leaves see leaf
	گه‌لاکی		
سخنرانی - کنفرانس علمی	قسه‌کردن - وتووێژ	لێکچر	lecture <sup>1</sup> n
خطابه	باس کردن، کو‌بو‌نه‌وه		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سخنرانی کردن	قسه کردن - قسه کەردە ی	لِکچَر	lecture <sup>2</sup> v
	ئەوێ دوای		
سخنران، مَدْرَس	قسه کەر - باس کەر	لِکچَرر	lecturer n
	ئەرە دوای		
برآمدگی، لبه (صخره)، تاق	لِچ - رَفه - تاقچه	لِچ	ledge n
لَیو قهراخ	پاسار - لَیو - تاق		
چپ، دست چپ	چه پ - تەرە فی چه پ	لِفت	left <sup>2</sup> n
چپ دست	چه پ دەس (دەست چه پ)	لِفت هەند	left - handed adj
پا، ساق پا - پایە (مەندلی، ...)	لنگ - پا - پایە ی، پایە	لِگ	leg n
ستون	سەندە لی و میژ		
شرعی قانونی، قضایی	قانونی - هه قوۆتی شەری	لِیگِل	legal adj
افسانه قصه زین نویس	ئەفسانە - قەسی - راز - پَرازی	لِچەند	legend n
واضح، خوانا، روشن	وازیح - روۆشن - روون	لِچەل	legible adj
	ئاشکرا		
فراغت، فرصت، مجال	فرسەت - ئاسایش - مەجال	لِژر	leisure n
لیمو عمانی، لیموترش	لیمونامانی - لیمووشک	لِمۆن	lemon n
لیموناد، شربت، لیمو	شەرپە توئاو - لیموۆ - لیموۆناد	لِمۆن بید	lemonade n
قرض دادن، وام دادن	وام دای - قه رز دای (دان)	لِند	lend v
قد، انداز، طول، دراز، تکه	دریژایی - در یژ ی - قه د	لِنگس	length n
دراز، طولانی، مفصل	دریژ - دریژە دار	لِنگسی	lengthy adj
دراز کردن / شدن	دریژ کردن - دریژە پە	لِنگسین	lengthen v
	نە دای - دریژە پێ دان		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



انگلیسی <i>English</i>	تلفظ <i>Pronunciation</i>	کردی <i>Kurdish</i>	فارسی <i>Persian</i>
<b>lens</b> <i>n</i>	لنز	لنزى دوورین	لنز، عدسی (دوربین)
<b>leopard</b> <i>n</i>	لپرد	شیشه‌ی عه ده‌سی پالنگ - پالنگ	شیشه عینک پلنگ
<b>less</b> <i>adv</i>	لس	که م - که‌متەر	کم، کمتر
<b>lessen</b> <i>v</i>	لسن	که‌م کردن - که‌م کرده‌ی	کوچکتر شدن / کردن
<b>lesson</b> <i>n</i>	لسن	ده‌رز - ده‌رس	درس، عبرت
<b>let</b> <i>v</i>	لت	ئيجازه‌داى - ئیزن دان	اجازه دادن - واگذار کردن
<b>letter</b> <i>n</i>	لتر	پیتی ئه لڤا - گوئه لفبایی - نامی - نامه	حروف الفبا - نامه لفظ
<b>letter box</b> <i>n</i>	لترباکس	سه نوقی پو‌ست	سندوق پست
<b>lettuce</b> <i>n</i>	لتنیس	جه عبه و نامی کاهوو - جو‌ره گیایه‌ک	کاهو
<b>level</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	لول	خوارده‌مه‌نى میزان - ته‌خت - ساف	هموار - برابر، هم‌پراز
<b>level</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	لول	کرکای کرک، مقام میزان کردن - ته‌خت‌کەرده‌ی	تراز‌برویه - رتبه مسطح کردن / ساختن
<b>lever</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	لور	نوئیل - ده‌یله‌م - ده‌سه	دیل، اهرم، دسته، میله
<b>lever</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	لور	توهر - میل - تل‌ده‌ر به‌نوئیل تل‌داى - تل‌دان	با اهرم حرکت دادن
<b>liable</b> <i>adj</i>	لای‌ایل	سزاور - تاوانبار - جوابگو پا‌نامه - به‌پی‌هات	مسئول - سزاوار - محکوم

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
liar <i>n</i>	لایپر	دروژن - دروویژ	دروغو
liberty <i>n</i>	لیپرتی	نازادی - سه‌ربه‌وی	آزادی‌برهایی
library <i>n</i>	لیبرری	سه‌ربه‌خویی	امتیاز
librarian <i>n</i>	لیبررین	کتیب‌خانه - کتیو‌خانه	کتابخانه
lice <i>see louse n</i>	لوز	کتیو‌دار - کتیب‌دار	کابدار، متصدی کتابخانه
licence=license <i>n</i>	لای سنس	سپی - هه‌ش‌پشی	شپش
		جواز - گه‌واهینامه	گواهینامه، جواز، پروانه
license <i>v</i>	لای‌سنس	په‌روانه - ئیجازه‌سه‌نه‌د	جواز دادن، اجازه‌دادن
lick <i>v</i>	لیک	ئیجازه‌دان - جواز‌دای	لیس زدن، لیسیدن
lid <i>n</i>	لید	لیسای - لیسین‌لسپنای	دربوش، سرپوش، کلاهک
		ده‌رپوش - به‌ره‌و	
lie <sup>1</sup> <i>v</i>	لای	ده‌فری - پیلا‌ی‌چه‌می	دراز کشیدن - قرار داشتن
		لائه‌ره‌ئاسه‌ی‌پراکیشان	
lie <sup>2</sup> <i>v</i>	لای	مه‌نه‌ی - بوون - بیه‌ی	بودن
		درووتن‌دروودای	دروغ گفتن
lie <sup>3</sup> <i>n</i>	لای	هوشه‌که‌رده‌ی	فروغ
lieutenant <i>n</i>	لیوتیننت	درو‌ی‌درو‌ی‌درو‌ی‌هوشی	ستوان‌نایب، دستیار
	(لف‌تیننت)	ستوان‌سه‌ره‌په‌ل‌سه‌رگرو	
life <i>n</i>	لایف	یاری‌ده‌ر	زندگی - عمر - بیوگرافی، حیات
lifetime <i>n</i>	لایف‌تایم	حه‌یات‌زینگی - حیات	مدت‌زندگی، یک‌عمر
		یه‌ک‌عه‌مه‌ره‌دریژی‌ژیان	

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
lift <sup>1</sup> v	لیفت	هۆرگرتە ی - هەڵگرتن	برداشتن، بلند / بالا کردن
lift <sup>2</sup> n	لیفت	سەرلوای (چوون) ئاسەنسۆر - سەربەر	آسانسور - کمک
light <sup>1</sup> n	لایت	بان بەر چرا - نوور - رۆشنایی	سواری مجانی، بالابری روشنایی، نور - چراغ، لامپ
lighting <sup>n</sup>	لای-تینگ	چراقوھ - فەندە ک	نور، روشنایی، پیرتو
light <sup>2</sup> adj	لایت	نوور پرووناکی - رۆشنا	روشن، سبک، کم‌وزن، شاد
lighten <sup>v</sup>	لایتین	رۆشن - سووک - شوڵە	سبک کردن / شدن،
light <sup>3</sup> v	لایت	رۆشن کردن - گئی سنای سووک کەردە ی باری گلوپ ئەرە گئی سنای	روشن کردن / شدن روشن کردن (لامپ،...)
lightning <sup>n</sup>	لای-تینگ	رۆشن کەردە ی داگرسان بەر قی ئاسمان بیرووسکە	صاعقه، برق (آسمان)
like <sup>1</sup> v-n	لایک	چە خماخانی، تری شقە گەرە ک بیە ی سەش وە	آفرخش دوست داشتن، خواستن
liking <sup>n</sup>	لای-کینگ	نە ئامە ی - حەز کردن لە حەز - وەش ئامە ی	همانند - یکجور میل، تمایل - ذوق
like <sup>2</sup> prep	لایک	مە یل - خووشات لە وە ک - پەسە و - عەینو و	علاقە مانند - مثل، شبیه به
likely <sup>adj</sup>	لایکلی	ممکینەن - وادیارە مە خو نچیۆ - ریک	احتمالی مناسب، محتملاً

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همانندی، شباهت	شکل دای - شیوه شیخ	لایکینس	likeness <sup>n</sup>
تشابه	لیچو و روک - پسه		
همچنین، نیز، همینطور	هه روا - هه رپاسه	لایک وایز	likewise <sup>adv</sup>
	پاجوره، ئارا		
زنبق، سوسن	گول زه مه ق سۆسه ن	لیلی	lily <sup>n</sup>
اندام، عضو، دست، پا	ئه ندام - تخمه شیتان	لیم	limb <sup>n</sup>
بال	پهل (ده س - پا) له قی دار		
لیمو ترش، لیمو عمانی	لیمو ترش - لیمو	لایم	lime <sup>n</sup>
اهک	ئامانی - ئاهه ک		
سرحد، کنار، حد	سنوورمه رز - حدود	لی میت	limit <sup>1 n</sup>
مه رز	سه رحه د - ئاخو		
محدود کردن، منحصر کردن	جیاوه که رده ی - جگگی	لی میت	limit <sup>2 v</sup>
	کردن - ته یوه تی که رده ی		
نرم - خم شوئشل	نهرم و نیا - تر تو وئه وه	لیمپ	limp <sup>1 adj</sup>
	قه مچیا - نیا ن		
لنگیدن، شلیدن	شه لای - درنگه ئامه ی	لیمپ	limp <sup>2 v</sup>
	شه ل بوون		
پای لنگ، لنگ	شه ل - ئی فلیج	لیمپ	limp <sup>3 n</sup>
سطر، خط - طناب	خیره - خه ت وه ریه	لاین	line <sup>1 n</sup>
	گرویس - دیر - ته ل		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صف آوردن - سرپوش	رزدای - دەرپۆش نان	لاین	line <sup>2</sup> v
گذاشتن، مشخص	خهت کیشان		
پارچه کتان، پارچه نخی	جنسی که تانی - پارچه ی	لینن	linen n
ملافه	که تان - پارچه ی نه یین (ده زگی)		
استر - لنت ماشین	ناسته ر - ئاسه ر	لای نینگ	lining n
حلقه / دانه زنجیر، ربط	هه لقی زه نجیری - چلۆ	لینک	link <sup>1</sup> n
رشته	سکه مه شعه له وه سل		
به هم پیوستن، وصل کردن	پیوه ریبنای - به یه	لینک	link <sup>2</sup> v
	کابه ستن - وه سل کردن		
شیر نر شیر مرد	نهره شیر - شیر ی نیر	لاین	lion n
شیر ماده	شیری مای - مینگه شیر	لاین س	lioness n
لب لبه هر چیز	لیو - لیچ	لیپ	lip n
ماتیک، روزلب	لیچ سوور که ر - ماتیک	لیپ استیک	lipstick n
مایع - نقد	لیو قه له م		
	وه ک ئاو - ئاو ئاسا	لیکوید	liquid n
آبکی	ره وان و ته ر - نه خت		
	ئاوه ر ه نگ - ئاو ه کی	لیکوید	liquid adj
	ئاو شیوه		
لیست، فهرست، صورت	ئاو ئاخن - سووره ته	لیست	list <sup>1</sup> n
	مینوت - فیرست		
لیست کردن، فهرست کردن	سووره گر ته ی فیرست گر تن	لیست	list <sup>2</sup> v

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گوش کردن / دادن	گوش کەردە ی-گوش دای	لی سن	listen <i>v</i>
نور - سبک، نورانی	گوی گرتن (دان) چراوی	لایت	lit <i>see</i> light <i>adj</i>
ادبیات، فرهنگ ادبی مردم	سووک-روشن-نور	لیترچەر	literature <i>n</i>
لیتر واحد سنجش	لیتر-ئایره یاعه یاریوه	لیتر	litre=liter <i>n</i>
مایعات	په ی هورگوسای-عه یاره ی گوستن		
اشغال، زیاله - توله ها	زویل - شه خه ل - رۆله	لیتتر	litter <i>n</i>
برانکار	و حه شی یام توته ی		
کوچک، قد کوتاه کم	وردی - بچوک، که م	لیتل	little <sup>1</sup> <i>adj</i>
	چکۆله - گولاله		
کم، نه زیاد - خیلی کم، اندک	که م-تۆزه ی-که می-بره ی	لیتل	little <sup>2</sup> <i>adj</i>
زندگی کردن، زنده بودن	ژیان کردن-زینده بیه ی	لیو	live <sup>1</sup> <i>v</i>
اقامت داشتن، امرار معاش کردن	عمر بیا رای		
زنده ماندن، بقاء	زینگی - ژیان - زینده	لیوینگ	living <i>adj</i>
	زیندوو		
زنده پیرانی	زیندوو - سه رزینده	لایو	live <sup>2</sup> <i>adj</i>
پر جنب و جوش، شاداب	دل ته رشوخ-زنده دل	لایولی	lively <i>adj</i>
چگر، کبد	جهرگ-یه هه ر، ناسک	لیور	liver <i>n</i>
بز مچه، مارمولک	مار میله که مه زووکی-تمتمه	لیزرد	lizard <i>n</i>
محموله، بار، ظرفیت	بار - کۆل، بارگیری	لود(لود)	load <sup>1</sup> <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
load <sup>2</sup> v	لود (لئود)	بارکه رده ی بارکردن	بار کردن - بُرکردن اسحله
		تفه نگ په رکه رده ی	
loaf n	لوف (لئوف)	نانه ی ساقه - خه پلّی	گِردنه نان - فُوص نان
		کولیره (کولیره ی)	
loan n	لون (لئون)	قه رز - وام	وام، قرض
loan <sup>2</sup> v	لون (لئون)	قه رزدای - قهرزدان	قرض دادن، وام دادن
		وام دای (دان)	
loathe v (loathe)	لوز (لئوز)	بیزارییه ی - رِق لّی هاتن	متغیر بودن، نفرت داشتن
		قین لّی هاتن (نامه ی)	
lobster n (crab)	لابستر	قارژنگی ده لیای	خرچنگ دریایی
		قرژانگی ده ریا	
local adj	لوکال (لئوکال)	ویمانه - خوّمانی	موضعی، محلی - داخلی
		ناوچه یی - ناوخوا	
locate v	لوکیت	له جیّ دانیان - ئه ره	تعیین محل کردن، یافتن
		مه رزنای - ئه ره نیای	مستقر کردن
		مه علووم کردن	
location n	لوکیشن	یاگیّ - جیّ - فرسه ت	مکان، موقعیت، مسیر، جا
lock <sup>1</sup> n	لاک	قولف - پشکۆله، گیّس	قفل، کاکلیگیسو
lock <sup>2</sup> v	لاک	قولف که رده ی (کردن) قولف دان	قفل کردن / زدن
locker n	لاکر	گه نهجه سه نوّق - یه غدان	گنجینه کلید دار، محفظه
		ولیاسان - کومدی ده ردار	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ملخ - آفاقیا	قولمه - کولله	لوکست	locust <sup>v</sup>
اتاق اجاره کردن - جادادن	یانه گرتە ی - ئوتاق گرتن	لاج	lodge <sup>v</sup>
فرستادن	مال گرتن، ناردن		
مستاجر، کرایه ده	یانه گیر - مال گرتن - نشین	لاچر	lodger <sup>n</sup>
	مال (ئوتاق) گرتن - کەر		
اتاق کرایه ای / اجاره ای	ئوتاقی گرتن - یانه	لایجنگس	lodging
	و کرهادای		
کنده درخت، سرعت سنج، الوار	تەموو ه دار، ناو ه دار - تاو پیو، دار	لاگی	log <sup>n</sup>
تنها، بی کس، خلوت، غریب	تەنیا بێ کەس - پەشیو	لون لی (لئونلی)	lonely <sup>adj</sup>
مدید، طولانی، دراز، زیاد	دریژ - ئەو ه نەو ەریا زۆر	لانگ	long <sup>1 adj</sup>
طول، درازا	فره وه خت - دریژی		
مدت مدیدی - مدتھا	کاتی زۆر سو ختە یکی فره	لانگ	long <sup>2 adv</sup>
آرزو داشتن، اشتیاق داشتن	ئارەزوو و ئومید هه	لانگ	long <sup>3 v</sup>
	بوون - ئارەزوو کە رده ی		
طول جغرافیایی	دریژی جوغرافیایی	لانتجی تیود	longitude <sup>n</sup>
به نظر رسیدن / آمدن	تە واشتا کردن - بە یاد	لک	look <sup>1 v</sup>
نگاه کردن	ئامە ی - پە ی دیای، روانین		
نظر، نگاه، ظاهر، قیافه	تە ماشانە زەرە د یاپە ی	لک	look <sup>2 n</sup>
زیبایی، خوش قیافگی	زە ریفی - جوانی باشی	لکس	good looks <sup>adj</sup>
دستگاه بافندگی	دە زگا و جو له یی	لووم	loom <sup>n</sup>
نمودار	دە زگای بافتن و چنن		

Λ	3:	ə	er	əu	ar	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حلقه بیه گره، چنبر	هه لقی - لکه جه	لووپ	loop <i>n</i>
	وه ریسه - پیچه ته ناف، گری		
آزاد، رها، شل، هرزه	لهق - شل - نه وه کریا	لووس	loose <i>adj</i>
لق	خاو واز - ئالۆ، خیز - حیز		
باز کردن، شل کردن	شل کردن - نه وه کهرده ی	لووین	loosen <i>v</i>
	واز کهرده ی		
لر و قاقار باب، مالک	پیاگه وره - ئاغا	لُرد	lord <i>n</i>
	دهس لوا		
کامیون - بارکش	ماشینی باری	لاری (لُری)	lorry <i>n</i> = truck
گم کردن - باختن	گم کهرده ی (کردن)	لووز	lose <i>v-n</i>
شکست، نابود	جه دهس دای له دهس دان		
خسارت، زیان، ضرر، باخت	زه ره رله تمه - خ ساره ت	لاس	loss <i>n</i>
ناییدا، گم شده، تباہ	گم - ون - نقم - نادیار	لاست	lost <i>adj</i>
مقدار زیاد بھر مقسمت، قروعه	حەرفە زۆر جەش لەت، گرو	لات	lot <i>n</i>
لوسیون - آب دارو	ئاو دەرمان - داروی ئاودار	لوشین	lotion <i>n</i>
محلول			
نیلوفر آبی - درخت سدر	داری سدر له ولای ئاوی	لوتس	lotus <i>n</i>
بلند، رسا - پُرسدا	ده نگی بهرز - ده نگی	لُود - لاود	loud <i>adj</i>
گوشت خراش	قور - بهرز و قیران		
با صدای بلند و رسا	به ده نگی توند و بهرز	لُودلی	loudly <i>adv</i>
	به ده نگی نه وه یارا		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بلندگو	بله‌نگۆ - تندگو	لود اسپیکر	<b>loudspeaker</b> <i>n</i>
	توندویژ - به رزواچ		
	ده‌نگ فره‌که‌ر		
اتاق استراحت بلم‌دان	دیوی حه‌سانه‌وه، قه‌رار	لounge	<b>lounge</b> <i>n</i>
آرام راه رفتن	ئوتاقه و لا ئاسه‌ری		
شپش (کتاب - چوب)	هه شپشی - سپی	لوس (لئوس)	<b>louse</b> <i>n</i>
شپشو - بد	هه شپشه‌ین - سپی‌دار	لوزی	<b>lousy</b> <i>adj</i>
دوست داشتن - عشق	وه‌ش گه‌ره‌ک بیه‌ی	لاو	<b>love</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
ورزیدن	حه‌ز لی کردن		
محبوب، دوست داشتنی	وه‌ش وه‌نه ئامه‌خ‌وس	لاویل	<b>lovable</b> <i>adj</i>
نازنین	حه‌ز لی هاتن، ئازیز		
عشق ورزی - مهربان	حه‌ز لی هاتوو - حه‌ز لی	لاوینگ	<b>loving</b> <i>adj</i>
	که‌ری وه‌ش چه‌نه ئامه‌ی		
با علاقه - از روی مهر	جه‌رو وه‌وه‌وه‌یسی	لاوینگ لی	<b>lovingly</b> <i>adv</i>
	به شه‌وق و ئلاقه		
علاقه شدید، عشق - محبت	ئه‌وین - ئشق - فره	لاو	<b>love</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	وه‌ش چه‌نه ئامه - حه‌ز		
دوست داشتنی، دلریا	دل کیش - وه‌ش وه‌نه	لاولی	<b>lovely</b> <i>adj</i>
زیبا	ئامه - نمه‌کین و جوان		
کوتاه، پایین صدای بم‌کم	واری - خوار - نرم - کۆل‌کم	(لوئو)	<b>low</b> <i>adj</i>
بچه هرام‌زاده - تخم‌ه‌رام	زۆل - به‌چه‌کاش	لاوچایلد	<b>love-child</b> <i>n</i>

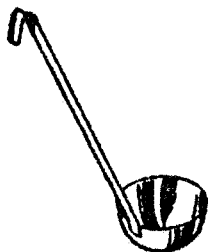
f fall    v voice    θ thin    ð they    s so    z zoo    ʃ she    s vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پایین آوردن / کشیدن - رسوا	وار نه و رده ی جه مقامی، خوار	لوپور	lower <i>v-n</i>
زیرین، پایین تر	خوار کیشان - زایف که رده ی، وار		
دشت، فلات	ده شته - پانایی	لوند	lowland <i>n</i>
	ده شتی پلاو		
وفادار، پابرجا - صادق	وه فادار بجا وه قار استکار	لویال	loyal <i>adj</i>
وفاداری - صداقت، اخلاص	باوه فایی - راستی	لویالتی	loyalty <i>n</i>
شانس - اقبال - بخت	به خت به خته - ئیقبال	لاک	luck <i>n</i>
یعن	شانس		
خوشبختی یا سعادت، بهروز	وه شبه خت به ش قه ده م	لاکی	lucky <i>adj</i>
شانسی، خوشبختانه	شانسی - هه لکه وت	لاکی لی	luckily <i>adv</i>
	هور که وت - خوداشوکر		
بارونه سفر، اثاثیه (سفر)	باروسه فیری - جی لیباس	لاگیج	luggage <i>n</i>
توشه	کولوباری سه فەر		
ولرم - نیم گرم	نیمه گرم - شوئینه	لوک و م	lukewarm <i>adj</i>
کم اشتیاق	نیمه سارد (سهرد)		
لالایی - خواب کردن بچه	لای لای - لایه لای و له گیان	لالی بی (بای)	lullaby <i>n</i>
تکه (بی قواره) - آماس - کلوخه	کلوخه قو قز به شیری نگهت	لامپ	lump <i>n</i>
زمخت - کلفت - موج دار	قاییم - نه ستوور	لامپی	lumpy <i>n</i>
ناصاف	ناکل و کار - للپ دار		
دیوانه، مجنون، سفیه	دیوانه - شیپ	لوپ نیک	lunatic <i>adj</i>
ناهار / نهار	نانه و نیمه روئی چیشتی نیوه رو	لانچ	lunch <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شش بریه، چگرسفید	شوشی - سی	لارگ	lung <i>n</i>
درکمین نشستن، پنهان	وی هه شار دای، پاریز	لک (لرک)	lurk <i>u</i>
ماندن (به قصد سوء)	خودا گرتن وی نه ره گرتی		
شهووت، نفس اماره	شه هووت - زرناتی	لاست	lust <i>n</i>
میل زیاد	زۆل - دل ته ری		
تجمل، نعمت - خوشی	وه شی - ناز و نیعمه ت	لاک شیری	luxury <i>n</i>
کالای لوکس	خوش رابردن، لوکس باو		
لوکس، تجملی، مجلل	وهش گوزهران - خوش	لاک ژریس	luxurious <i>adj</i>
	رابوار - ته جه ملات، رازاندن		
زایمان	زارو زای - زان	لاینگ این	lying - in <i>n</i>
	منال هاوردن		
زایشگاه	زایشگاه - یانگی زای	لاینگ این	lying - in hospital <i>n</i>
	زاگا - جیی زان	هاسپیتال	
جای سخن رانی - بنگاه ادب	بنکه ی نه ده ب - قسه گا	لای سپیم	lyceum <i>n</i>
کالبدشناسی - لئف	له نف - خویناو	لیمف	lymph <i>n</i>
بدون محاکمه کشتن	بی لی پرسین کوشتن	لینچ	lynch <i>v</i>
سیاه گوش (گریه سانان)	جو ره جان وه ری که سه گباو	لینک کس	lynx <i>n</i>
بُرِبط - چنگ	چه ننگ و عوود	لیر - لایر	lyre <i>n</i>
غزل شعر غنایی، اولزی	ئاواز - غه زۆل	لیریک	lyric <i>n</i>
تیزبین	چاو تیز - چه م تیژ	لینکس آید	lynx-eyed <i>adj</i>
عزلیات، اشعار غنایی	هو نو راه کانی غه زه لی		lyrics <i>npl</i>

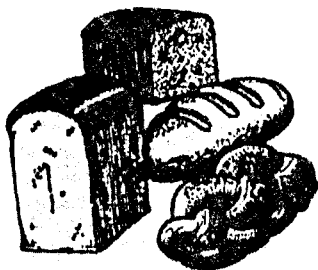
i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



LADLE



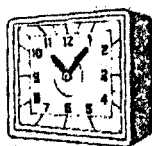
LIFE JACKET



LOAF



cloud



clock



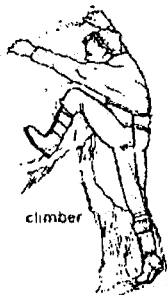
خسرو دوم (خسرو پرویز)

۵۹۰ - م



coat 1

collar



climber

# M m

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیزدهمین حرف الفباء	سیزدهمین پیتی ته لفا	إم	<b>M</b>
مادر بزرگ	ئالی ماما گه وری، دادا	ماما	<b>mamma</b> <i>n</i>
خوفناک - ترسناک	سامدار - خوفناک	مکابر	<b>macabre</b> <i>adj</i>
قلوه سنگ، آسفالت سرد	ورده به رد - توهن فەرش	مکدم	<b>macadam</b> <i>n</i>
ماکارونی - نوعی رشته فرنگی	ماکاروونی - جوړه	میکرونی	<b>macaroni</b> <i>n</i>
ماشین، دستگاه سازمان هزی	ماشین - ده زگا	ماشین (مشین)	<b>machine</b> <i>n</i>
مُسلَس - تیربار	تفهنگی خودکار ه شاشه	مشین گان	<b>machine - gun</b> <i>n</i>
ماشین آلات - دستگاه	ده زگاکی - ماشین و	مشین ری	<b>machinery</b> <i>n</i>
(لباس) بارانی	چو - ئامرازی ماشین		
	وارانی - کوتری بارانی	مکین تاش	<b>mackintosh</b> <i>n</i>
	وارانی کورت		
دیوانه، هار - ابله، احمق	هار و هاج شیت بی ته قل	مد	<b>mad</b> <i>adj</i>
احمقانه، ابلهانه - دیوانه وار	بی ته قلا نه - شیتانه	مدلی	<b>madly</b> <i>adv</i>
بانو، خانم، مادام	ئوسازن - خانمه - خانم	مدیم	<b>madam</b> <i>n</i>
مجله، خُشاپ، اُتیار مهمات	مه جه له، خه شا و مزاخه	مگزین	<b>magazine</b> <i>n</i>
سحر، جادو - ترمستی	جادو - سیحر - فیل	مچیک	<b>magic</b> <sup>1</sup> <i>n</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جادویی - سحرامیز	جادویی - سیخردار	مَجیکال	magical <i>adj</i>
از طریق جادوگری	به جادوگری - به قیل	مَجیکلی	magically <i>adv</i>
شعبده باز، جادوگر، ساحر	ره مأل - جادوگر	مَجیشن	magician <i>n</i>
سحرانگیز، سحرامیز	جادویی - خیالی	مَجیک	magic <sup>2</sup> <i>adj</i>
	سیخراوی		
اهنریا - مغناطیس	ئاسن کیش - ئاسن	مَگنیت	magnet <i>n</i>
	رفین - مه قناتیس		
مغناطیسی - جذاب	مه قناتییسی هواو کیشای	مَگنیتیک	magnetic <i>adj</i>
	هیزی کیشان یو ئاسن		
مجلل، باشکوه عالی، والا	گه وره شکو و جه لال	مَگنی فی سنت	magnificent <i>adj</i>
با عظمت	به شکو - به گه وره یی	مَگنی فی سنتلی	magnificently <i>adv</i>
بزرگ نشان دادن	گه وره نیشان دان	مَگنی فای	magnify <i>v</i>
	شاخوبال په نه دای		
کلفت، خدمتکار زن - دختر	کناچی - دایانه کچ - نو که ر	مید	maid <i>n</i>
دوشیزه، دختر، آغازین	کناچی - عازوه - کچ	میدن	maiden <i>n</i>
پست، نامه ها و بسته های پستی	زری - پو ست - نامه و	میل	mail <i>n</i>
	به سه ی پو ستی		
اصلی، عمده - شاه لوله	به شی زور - کوتی فره	میین	main <i>adj</i>
	موهیم		
به طور عمده - اساساً	به ته و او ی به گرد و گرد زور تر	میین لی	mainly <i>adv</i>
نگهداری کردن - ادامه دادن	نگاداری که رده ی - چاود پیری	میین تین	maintain <i>v</i>
	کردن - به خپو کردن		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
maize <sup>n</sup>	میز	زه‌راتی - گه نمه شامیه	ذرت، بلال
		زه‌رات	
majestic <sup>adj</sup>	مچستیک	شاهانه - به شکو	با عظمت - شاهانه
		و فره‌وه	
majestically <sup>adv</sup>	مچستیکلی	گه‌وره و سه‌رفه راز	با شکوه - بافر
		سه‌ریه‌فه‌ر	
major <sup>1 n</sup>	میجر	جه‌گردی‌بانته‌رین	مهم‌ترین، عمده‌ترین
		زۆریه‌ی‌گشت، گه‌وره‌تر	برتر
majority <sup>n</sup>	مجاریتی	فره‌ته‌ر - زۆرتر له	غالبه، اکثریت
		همه‌مو - ته‌واوه‌تی	
major <sup>2 n</sup>	میجر	سه‌رگورد - عامل هیژ	سرگورد (جول‌تشن) - اعظم
		سه‌رگرو - گه‌وره	
make <sup>v</sup>	میک	وه‌ش‌که‌رده‌ی‌دروست	ساختن، درست کردن - به
		کردن‌سازین‌هانه‌دان	دست آوردن، کسب کردن،
		هه‌لنیان	برنده شدن - وادار ساختن،
			مجبور کردن / ساختن
make - up <sup>n</sup>	میک آپ	ئارایش‌وی‌رازنا، سازین	آرایش‌گریم، ترکیب کردن
malaria <sup>n</sup>	میلری	مه‌ره‌زی‌ماله‌ریا - ناوه‌شی	مالاریا، بیماری مالاریا
		یا‌وله‌رزی - ته‌وی‌میش	
male <sup>1 adj</sup>	میل	گیان‌داری نیر - نیرۆک	جنس مذکر، جنس نر، مردانه

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مذکر، نر - مردانه	نیر - نیرو که - پیاوانه	میل	male <sup>2</sup> <i>n</i>
سوء تغذیه	نه خوشی که م خواردن	مل نیو	malnutrition <i>n</i>
حیوان پستاندار	که م ژه مه نی	تریشن	mammal <i>n</i>
مردانسان، آدم، بشر، شخص	جان وه ری گواندار	مَمِل	man <i>n</i>
نوع بشر، آدم	ئسان مروف به شه ر	مَن	mankind <i>n</i>
ساخته دست بشر	تخمی به شه ر	مَن کایند	man - made <i>adj</i>
مصنوعی	جوری به شه ر	مَن مید	man - made <i>adj</i>
اداره / کنترل کردن، گرداندن	به شه ر ساز کرده	دهست سازی ئاده م	manage <i>v</i>
مدیریت - اداره - کار دانی	پیاگه یین - عه داره که رده ی	مَنیج	managment <i>n</i>
مدیر، رئیس، گرداننده	سه رپرسی - مودیری	مَنیج منت	manager <i>n</i>
یال اسب	کارزانی، کوئترۆل	مَنیچر	mane <i>n</i>
منگو، انبه، درخت انبه	مودیر، سه رپرس - ره یس	مین	mango <i>n</i>
شیوه، روش - لحن - رفتار	یال - یالی تی تکی	منگو	manner <i>n</i>
نوع	داری نان له ئافریقا	مَنیچر	manual <i>adj</i>
دستی، کتاب دستی، راهنما	جوریو ه میوه ی خه ریزه شکل	مَنیچر	manually <i>adv</i>
با دست	ته ر یقه - ره فتار - شیوه	مَنیچر	manufacture <sup>1</sup> <i>v</i>
با ماشین تولید انبوه کردن	ره وشت، جور	مَنیچر	
ساختن	دهستی - ده سی	مَنیچر	
	به دهست - به دهس	مَنیچر	
	وهش که رده ی به عه مه ل	مَنیچر	
	هاوردن - سازین	مَنیچر	

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
manufacture <sup>2</sup> n	منیوفاک چر	ساز-سمنعت-خوش کرد	صنعت، ساخت، تولید
many adj	ینی	فره - زور - فه راوان	خیلی، زیاد، متعدد
map n	مب	نه قشه-نه خشه ی جوغرافیا	نقشه، نقشه جغرافیا
marbel n	ماربل	بهردی مەر مەر مووری	مرمر، سنگ مرمر - تپله
march <sup>1</sup> v	مارچ	بیل-توهنی خله ره-خره بهرد ریژه لوای - ریوه روین	مارش رفتن، رژه رفتن
march <sup>2</sup> n	مارچ	به جووری نزامی به قه تار لوای ریژه - به قه ده م چوون	مارش، رژه - اهنگ رژه
march n	مارچ	مانگی سییه می میلادی	مارس (ماه سوم میلادی)
margarine n	مارجرین (مارگرین)	سه رحه د - مه رز جوړیک که ره - که ریوه تایوه تیه	مارگارین - کره خارجی
margin n	مارجین	دهور - حاشیه - قه راخ	حاشیه، کناره کاغذ سفید
mark <sup>1</sup> n	مارک	په راویز، فەرق نیشان - نمره - جی	تفاوت لکه، خط نشان، نمره، مهر
mark <sup>2</sup> v	مارک	پولی ئالمان - موّر نمره دای - دیاری	اثر - هدف لکه دار کردن - خط زدن
market n	مارکت	که رده ی - علامت نان بازار - بازار و دوکان	بازار، سرخ
marry v	مزی	ماره کردن - زه ماوه ند	ازدواج کردن - عقد کردن
		که رده ی - شو دای	

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عروسی، ازدواج، نکاح	زه ماوه ند - شووکردن	مَریج	marriage <i>n</i>
مرداب، باتلاق	میرگه - میرگ - زه لاوه	مارش	marsh <i>n</i>
شهید	شه هید کو ژران بو خودا	مارتِر	martyr <i>n</i>
شهادت	شاده ت - شه هاده ت	مارتِردِم	martyrdom <i>n</i>
شگفتا، اورعجیب، محشر	عه جایب - عه جه یوات	مارولوس	marvelous <i>adj</i>
جنس نر - مردانه	جنسی نیر - مه ردانه	مَسکیولین	masculine <i>adj</i>
	پیاوسفه ت		
ماسک، نقاب	نه قاو - روویه ند	ماسک	mask <i>n</i>
	روویوش		
توده، انبوه - جمعیت انبوه	کلۆپه - گروړه - گه	مَس	mass <i>n</i>
جرم - شام اخر	لِیک - به شی زوړ		
کشتار کردن، قتل عام	ره گه زکوشی که رده ی	مَسیکِر	massacre <sup>1</sup> <i>v</i>
کردن	به تیکرا کوشتن		
قتل عام، کشتار دسته جمعی	گردکوشی - گشت کوژی	مَسیکِر	massacre <sup>2</sup> <i>n</i>
	کوشتار		
دکل، تیربوق	دار ته ل - تیره که کۆله که	مانست	mast <i>n</i>
ارباب، رئیس - آقا	ره ییس سه روک - ئاغه	ماسِتر	master <i>n</i>
حصیر، بوریاپاری	حه سیره - پالاوه ژی - قورگیر	مَت	mat <i>n</i>
کیریت، چوب کیریت، سفیله	کر میت - شقار ته - گۆرد	مَچ	match <sup>1</sup> <i>n</i>
همانند - برابری	فتیله، جوت، نه زیر		
مسابقه، رقابت	ته قالا محسابیقه کی به رکی	مَچ	match <sup>2</sup> <i>n</i>
	باش بوون - ریک بیه ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جوړبون، مناسب بودن	جوړبیه ی - باش بوون	مَچ	match <sup>3</sup> v
دوست، همکار - جفت	لف - لنگه - ره فێق	میت	mate <sup>1</sup> n
لنگه	یار - دووس		
جفتگیری کردن - وصلت	نزیکی که ردای - ره فێق	میت	mate <sup>2</sup> v-n
همسر	تیکه ل بوون - لکای		
ماده، مصالح - پارچه کال	جنس - ماده - پارچه	مَتریل	material n
ریاضیات - علوم ریاضی	ریازی - نه ندازه وحه ساب	مَتمَتیکس	mathematics npl
ریاضی وابسته به آن	ریازی - نه ندازه وحه ساب	مَتمَتی کال	mathematical adj
سرپرستار بیمارستان - کدبانو	ژنی مودیر - ژنی مال	میترن	matron n
مدیر	ژنه نی سهر په ره ستاره		
ماده - مطلب - چیز	ماده - چئو - چت - مه	مَتر	matter <sup>1</sup> n
زحمت، درس	تله و - مه سه له - چلک		
مهم بودن - اهمیت	مهم بیه ی - مهم بوون	مَتر	matter <sup>2</sup> v-n
تشک خواب	دو شه ک - دو شه که	مَترس	mattress n
بالغ - کامل - سررسید	چیرۆز - ژیرخهر		
حداکثر، نهایت - اوج	عازه و بئالقی - یاوا - گه ییگ	مَتنور	mature adj
بیشترین، حداکثر	نه هایه ت - نه وچ - ئاخر	مَکسی می	maximum <sup>1</sup> n
	فره ترین - زووترین	مَکسی می	maximum <sup>2</sup> adj

بانته رین

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مه (پنجمین ماه سال میلادی)	مانگی په نجه می میلادی	می	may <sup>n</sup>
ممکن بودن - اجازه داشتن،	مومکن بوون - ئیجازه دای	می	may <sup>v-n</sup>
امید داشتن - شاید	گه هاز - مومکینه		
شاید - ممکن است	مومکنه - گه هاز به نکه	می-بی	maybe <sup>adv</sup>
مرا، به من (ضمیر شخصی)	به من - په م - به ئه من	می	me <sup>pron</sup>
مفعولی)			
غذا، خوراک - بلغور	چاشتی - پیخور - په تله	میل	meal <sup>n</sup>
	ولوشه - برویش		
نامهربان، خسیس	پهس - رژد - په ست	مین	mean <sup>1 adj</sup>
معنی دادن - قصد داشتن	گه ره ک بیه ی - معنی دان	مین	mean <sup>2 v</sup>
معنی	مه عنا - مانا	مینیگ	meaning <sup>n</sup>
وسيله، راه، روش - پول	مال - چيو - وه سيله	مینز	means <sup>n</sup>
دارایی	ره وشت		
در این هنگام	له م کاته - چی وه خته نه	مین وایل	meanwhile <sup>adv, n</sup>
اندازه، لایحه، ارزیابی	ئه اندازه، کار، په یمانه	میزر	measure <sup>1 n</sup>
اندازه گرفتن، سنجیدن	ئه اندازه گرتن - ئه	میزر	measure <sup>2 v</sup>
	ندازه گرتی		
اندازه، بیمانه	ئه اندازه، په یمانه	میزرمنت	measurement <sup>n</sup>
گوشت (حلال)	گوشت	میت	meat <sup>n</sup>
مکانیک، تعمیرکار	مه کانیک - ته عمیرکه ر	مکانیک (میکانیک)	mechanic <sup>n</sup>
مکانیکی، خودکار	مه کانیکی - کار له سه ری	میکانیکل	mechanical <sup>adj</sup>
به طور مکانیکی	به جووری کاری ومه کانیکی	میکانیکالی	mechanically <sup>adv</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدال، نشان	نیشان - نیشانه	مدال	medal <i>n</i>
	مه‌داله		
پزشکی - دلرو	ده‌رمان‌ده‌وای - چه‌کیمی	میدسن	medicine <i>n</i>
طبی، پزشکی	چه‌کیمی - پزشکی	مدیکال	medical <i>adj</i>
	دو‌گدوری		
متوسط، میان‌موسیله	وه‌سه‌ت - مابه‌ین	میدییم	medium <i>adj</i>
اهضارکننده ارواح	وه‌سیله، محیط		
ملاقات کردن / شدن	ملاقات‌که‌رده‌ی - هۆرته‌ق	میت	meet <i>v</i>
اشنا شدن	که‌رده‌ی - چارویی‌که‌وتن		
جلاسه‌بگرده‌م‌ایی - مجمع	پیوه‌ره - جه‌موویی	میتینگ	meeting <i>n</i>
	کۆر - جه‌مگه، دیدار		
ملودی، آهنگ اصلی، نوا	ئا‌هه‌نگ - به‌زم - مقام	میلدی	melody <i>n</i>
خربزه	خه‌ریزه - کاله‌ک	میلین	melon <i>n</i>
ذوب کردن / شدن	ئه‌وه‌تاوانای - تاواندن	میلت	melt <i>v</i>
حل کردن	ئا‌وه‌که‌رده‌ی		
عضو (گروه / دسته) - اندام	ئه‌نه‌ندام - جمله‌به‌ش‌له‌ق	میمپر	member <i>n</i>
عضویت - وابستگی	جه‌جمله - له‌ئه‌نه‌ندام	میمپرشیپ	membership <i>n</i>
	جه‌رگه - مهربوت		
حافظه - خاطره، یادگار	زه‌ین و هۆش - یاد	میموری	memory <i>n</i>
	ویرثامه - حافظه		
تهدید، خطر، آزار، عاب	خه‌ته‌ره‌ره‌شه‌ه‌ره‌شی	مینیس	menace <i>n</i>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>mend</b> <i>v</i>	مند	وه شو کهرده ی - خاسو کردن	مرمت کردن، تعمیر کردن
<b>mental</b> <i>adj</i>	منتال	ره وانی - روچی خیالی - زهینی	روچی، روانی، دماغی - فکری
<b>mentally</b> <i>adv</i>	منتالی	جه نه زهره و روچی له باری ره وانی و نه قلی	از نظر روحی - عقلاً
<b>mention</b> <i>v</i>	مین شین	واته ی - وتن - نیشاره کهرده ی - ناوبردن	ذکر کردن - نام بردن
<b>menu</b> <i>n</i>	مین یو	مینوت - فهرس (ناوئاخن) به رگی چیشته	منو، لیست غذا فهرست امکانات
<b>merchant</b> <i>n</i>	مرچینت	تاجر مال خه ر بازارگان	تاجر، بازرگان
<b>mercury</b> <i>n</i>	مرکیوری	جیوه - زیوک شیشه پوش	جیوه، سیماپ، عطارد
<b>mercy</b> <i>n</i>	مرسی	ره حم به زه ی - ره حمه ت دل واز ره حمیم - کهریم	رحمت، بخشش، برکت، عفو رحیم، بخشنده - کریم
<b>merciful</b> <i>adj</i>	مرسی فول	سه خی - به خشه ر	
<b>mercifully</b> <i>adv</i>	مرسی فولی	له روی مه رحه مه ت لتف و کهرم	از نظر بخشندگی
<b>merciless</b> <i>adj</i>	مرسی لیس	یی ره حم - دل رق ناپیاو	سنگدل، بی رحم
<b>mercilessly</b> <i>adv</i>	مرسی لیس	یی ره حمانه - به دل ره شی	بی رحمانه
<b>mere</b> <i>adj</i>	میر	بهس - جهوره - به نا له بهر	صرف، محض - تنها

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فقط - صرفاً	فه قهت - ته نیا به س	میرلی	merely <i>adv</i>
لیاقت، شایستگی، سزاوار	شایسته - لایق - قابل	میریت	merit <sup>1</sup> <i>n</i>
سزاوار بودن	سزاواری بهی - لایق بوون	میریت	merit <sup>2</sup> <i>v</i>
خوشحال، شادمان	شاد - سه رخۆش	میری	merry <i>adj</i>
	دل شاد - کوک مـره ئامه ی		
شادمانه - از روی نشاط	شادمانه - به دلشادی	میری لی	merrily <i>adv</i>
	به وه شی و نیشات		
چرخ فلک	چه رخۆفه له ک	میری گـرـوند	merry-go-round <i>n</i>
کتیف، نامرتب - خوراک	پیس - ناریک	میس	mess <sup>1</sup> <i>n</i>
مانده	بی نه زم - خۆراک		
نامرتب، کتیف، درهم برهم	چه پهل - پیس شیرزی	مسی	messy <i>adj</i>
نامرتب کردن - بهم زدن	شیواندن - نامره ته ب	میس	mess <sup>2</sup> <i>v</i>
	که رده ی - شیونای		
پیام، پیغام	پیخام - پیغام	مسی ج	message <i>n</i>
فرستاده، پیامبر - قاصد	پیخام بهر - پیغام گه یین	میسین چر	messenger <i>n</i>
فلز - سنگ فرش	فلز - توهنی پهی توهن	میتل	metal <sup>1</sup> <i>n</i>
	فه رشی، به رده فرش		
فلزی	فلزی	میتل	metal <sup>2</sup> <i>adj</i>
کتور - مصرف نما	کوتتور - حه ساوگه ر	میتیر	meter <i>n</i>
وزن شعر	مه سرف ویتژ		
مُشَدروش، طریقه، نظم	مِتود - رهوش - شیوه	مِتد	method <i>n</i>
	ته ریقه ونه زم		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
متر (۱۰۰ - cm)	میتەر - متر - گه زه‌ی	میتەر	metre <i>n</i>
متری، متریک، اندازهای	میتیری - متری	میتیریک	metric <i>adj</i>
میو (صدای گریه)	میاو - ده‌نگوکتی	میوو	miaow <i>v</i>
کامپیوتر کوچک	کامپیوتری بچوک	میکرو کامپیوتر (مایکرو کامپیوتر)	microcomputer <i>n</i>
رایانه کوچک	(وردی)		
میکروفون لفظ فرانسه	میکروفون - ده‌نگ‌گیر	مایکروفون	microphone <i>n</i>
صدایر	وه‌سیلیوه‌ته‌مواجی		
هواشناسی	سه‌وتیی‌مه‌گیر و هه‌واناسی	میتئور و جیکال	meteorological <i>n</i>
میکروسکوپ (فرانسه)	وه‌سیلیوه‌چیوی نه	مایکروسکوپ	microscope <i>n</i>
نیمروز، ظهر، ظهیری	وینیای ئی شانمه‌دو		
میان، وسط، مرکز	نیمه‌رو - نیوه‌رو	میدی	midday <i>n</i>
	ناوه‌راست - به‌ین	میدل	middle <sup>1</sup> <i>n</i>
	دلی‌راسه - ناوه‌ند		
میان، متوسط، وسطی	وه‌سه‌ت - میانه	میدل	middle <sup>2</sup> <i>adj</i>
نیمه شب	ما به‌ین		
	نیمه‌شه‌و - شه‌وگار	میدنایت	midnight <i>n</i>
قدرت، نیرو، زور	زره‌نگیای		
مقتدر، نیرومند - زیاد	قوره‌ت‌هیز - قوه‌زور	مایت	might <sup>2</sup> <i>n</i>
	به‌هیز - گوربز - وه‌کار	مایتی	mighty <i>adj</i>
	شه‌جیع		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوچ / مهاجرت کردن	کوچ کەردە ی - بار	مای گریٲ	migrate <sup>v</sup>
کوچ، مهاجرت	کوچ کەردە ی - کوچ کردن کوچ = بارکەری	مای گریشن	migration <sup>n</sup>
آرام، ملایم - نرم	جی به جی یون (ناخ کوچ!) نارام - نه من مه لایم - نتم	مایلد	mild <sup>adj</sup>
مایل لفظ فرانسه	پیمه ریوه وه رانوه	مایل	mile <sup>n</sup>
برابر با ۱۶۰۰ متر	به هه زار و ششسه دمتري		
نظامی - نظام یونیٲن	نیزامی و سه ربازی	مای لی تری	military <sup>adj</sup>
شیر (هوی دنی) - دوشیدن	شوت - شیر	میلک	milk <sup>1</sup> <sup>n</sup>
شیرفروش	شیر فروش - شوت	میلک من	milkman <sup>n</sup>
	وره ش		
شیردوشیدن	شیردوشین - شوت	میلک	milk <sup>2</sup> <sup>vt</sup>
	دوشای (خه فەت بسوچی)		
اسیاب - کارخانه، کارگاه	ناش - ناساو - کارخانه	میل	mill <sup>n</sup>
	- هاره - ددانه		
لوزان	هه رزان و تالان	میلیت	miliet <sup>n</sup>
میلیون	میلیون - ملوین - هه زار	میلیون	million <sup>n, adj</sup>
	- هه زاری (مرباین)		
میلیونر، پولدار	میلیونر - دارا - پولدار	میلینیر	millionaire <sup>n</sup>
بالیما و اشار مفهماندن،	گالو گه سه ی - نیشاره، لاساوی	مایم	mime <sup>n</sup>
مقلد	کردن (که رده ی)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دلنک بازی تراوردن	عیفال بهر نه وردە ی	مای میک	mimic <sup>v</sup>
نقلیدی	ئاسانیی کەردە ی دەم و چاوی		
	لارۆ کردن، لاساوی		
ادا، تقلید - مسخره	عیفالی - ئاسانی، لاساوی	مای میک	mimic <sup>n</sup>
	دەم لار کەری - تەقلید		
گوشت چرخ کردن - قیمه	قیمه - گوشت چەرخ	مینس	mince <sup>1 v</sup>
کردن	کردن - ورد کەردە ی		
گوشت چرخ کرده	گوشتی ورد کریا	مینس	mince <sup>2 n-v</sup>
با ناز سخن گفتن	گوشتی چە رخ کراو		
اندیشه بکرنظر، هوش	فکرویر - نه زە رنیە ت	ماین	mind <sup>1 n</sup>
مراقب / مواظب بودن - نفوت	هوشیاریه ی - یاد	ماین	mind <sup>2 v</sup>
داشتن، متغیر بودن، توجه	نه وردە ی - چاودیری		
کردن	کردن بیزیای بدوری کردن		
مال من (ضمیر ملکی شخصی)	ئی نی من - ئی نوو ئە	ماین	mine <sup>1 n-pron</sup>
	من - مالی من		
کان، معدن - مین	کانگه - مه عەدن - کان	ماین (مین)	mine <sup>2 n</sup>
	سەرچاوە بیلە بە نگە مین		
برای استخراج حفر کردن	ده رهاوردن - که ندن	ماین	mine <sup>3 v</sup>
مین گذاری کردن	زە مین کە نه ی - کیه ره وه نه دای		
معدنچی	کان چی مه عەدن چی کان کەن	ماینر	miner <sup>n</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
معدنی - کانی	کانی - مه عده نی	مینرال	mineral <i>n</i>
آب معدنی - آب چشمه	ئاوی مه عده نی - ئاوی	مینرال واتر	mineral water <i>n</i>
مینیا تور خاڤاشی کوچک شده	چه مه ی - ئاوی کانی مینیا تور نه قاشی	مینیاچر	miniature <i>adj</i>
	بجووک نه قاشی وردی		
	ئه وه کریا (خه ریوی مه رگه ن)		
حداقل - پایین ترین	که مترین - که مته رین	می نی م	minimum <sup>1</sup> <i>n</i>
کمترین	خوارترین - وارته رین	می نی م	minimum <sup>2</sup> <i>adj</i>
وزیر کشیش، کاردار	وه زیر - که شیش	می نی ستر	minister <i>n</i>
وزارت خانه، وزارت	وه زاره ت خانه - کوَری	می نی	ministry <i>n</i>
	وه زیران - کوَگا ووه زیران	ستیزی	
جزئی، کوچکتر - مختصر	وردی بجووک بپر یوه	مای نر	minor <i>adj</i>
اقلیت (نژادی، ملی)	به شی که م مه رد می که م	مای نریتی	minority <i>n</i>
(در غم حساب) منها	به مینها - که م کرد نه وه	مای نیس	minus <i>prep</i>
منفی (-)			
دقیقه - یادداشت	کات - تاوه ی - ده قه	می نی ت	minute <sup>1</sup> <i>n</i>
صورت جلسه	ده ییقه		
ریز، خیلی کوچک - ناچیز	فره بجووک - فره ورد	می نی ت	minute <sup>1</sup> <i>adj</i>
	نه خته ی - زورچکۆله		
معجزه - کار عجیب	مۆجزه - عه جه ییات	میرکل	miracle <i>n</i>
شگفت انگیز - معجزه نما	سه رسو ورممان عه جه یواتی	میرکیولس	miraculous <i>adj</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به طور حیرت انگیز	به جوّری سه‌ر سوورمان	میرکیولس لی	miraculously <i>adv</i>
آینه - جام	ئاوینه - ئهینه - جام	مای یر	mirror <i>n</i>
بدرفتاری کردن	خراوه کهرده‌ی د‌روست	میس‌بی‌ه‌یو	misbehave <i>v</i>
بی‌ادبی کردن	ره‌فتار نه‌کردن		
اذیت، شیطنت، شرارت	فیتنه - دووزوان	میس چیف	mischief <i>n</i>
فتنه	ئه‌زیه‌ت - ناپیاگی		
شیطان‌مودی - مفسر	زول‌شیتان، فیتنه	میس‌چی‌وس	mischievous <i>adj</i>
تخس	جه‌له‌ب - ناساق (جاش)		
درماندگی، بیچارگی، برنج	به‌دبه‌ختی - سیاچاره	می‌زری	misery <i>n</i>
	داماگی - بی‌شانسی		
ناراحت‌کننده - بدبخت	بیچاره - به‌دبه‌خت	می‌زراییل	miserable <i>adj</i>
پست‌ه‌ی‌روز	سووک - سیا‌به‌خت		
بدبختی، بدشانسی	به‌دشانسی - به‌ی‌نه‌وری	میزفورچن	misfortune <i>n</i>
	داماگی		
از دست دادن، اصاب‌ت نکردن	گم‌کهرده‌ی - جه‌ده‌س‌شیه‌ی	میس	miss <i>v</i>
گم کردن، مفقود ساختن	نه‌پیک‌ای (نه‌پیکان) - خه‌تاک‌ه‌ی		
دلتنگ شدن، غم‌خیزیدن	یگاردن - ویارای جه‌چه‌م - نیاوای		
عنوانی برای دختر / زن	وشه‌ی تایبه‌ت بوکچ	میس	miss <i>n</i>
	که‌لیمی‌یه‌ی چریه‌و کناچی		
ی‌تاب شه‌نده، مخرب - کلونه	سوز‌شیه‌ک - جیمی‌تیک	می‌سایل‌می‌میل	missile <i>n</i>
	ومه‌دان‌ده‌ر - سوز‌و‌ت‌ر		

h m n y l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مبلغ مذهبی-مامور	قسه کەری ئایینی	می‌شین ری	missionary <sup>n</sup>
محل ماموریت مبلغین-تبلیغ	واچەری مەزەوی-کیانیا		
دفتر سیاسی-سفارت	ده عووت - باس کەرد	می‌شن	mission <sup>n</sup>
	یاگی کیانیا مه زه		
	ویه کان - ده عووت		
مه - مه گرفتن	مژ - ته مه - ته م داگرتن	می‌ست	mist <sup>n-vi</sup>
مه الود - تاریک	ته مهرۆ - مژاوی	می‌ست	misty <sup>adj</sup>
	ته مه داره - ته م گرتو		
خطا، اشتباه، غلط	هه له - خه تا - لار	می‌س تیک	mistake <sup>1 n</sup>
	نادروس		
اشتباه کردن / گرفتن	هه له چوون - نه	می‌س تیک	mistake <sup>2 v</sup>
	زانای - خه تالوای		
معلمه، معلم زن-مذیر	ژه نی ده رزواجه - ژنی	می‌س تریس	mistress <sup>n</sup>
	فیرکەر، مودیری ژن		
در هم آمیختن، مخلوط کردن	تیکه ل کردن - ئامیته	می‌کس	mix <sup>v</sup>
	کەردە ی		
مخلوط، ترکیب، معجون	تیکه ل - ئامیته	می‌کس چر	mixture <sup>n</sup>
	ئاویته		
(از درد) ناله، ناله کردن	نالین - نالای	مون	moan <sup>v</sup>
ناله، آه و ناله، زاری	پرخه - ناله - ئاه و ناله	مون	moan <sup>n</sup>
	ئاو نۆز و له، رو، زاری		

i:      ɪ      e      ae      a:      ɒ      ɔ:      ʊ      ʊ:  
see      sit      ten      hat      arm      got      saw      put      too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
mock <sup>v</sup>	ماک	په نه خوای بچووک	مسخره کردن - ریشخند گرفتن
model <sup>1</sup> <sub>n</sub>	مادل	ژمیردن - هه تک که رده ی موڊل - نمونه - قالب	خوار شمردن نمونه، نمون - ماکت - قالب
model <sup>2</sup> <sub>v</sub>	مادل	سه رمه شق دروست کردن - قالب مته ی	مدل، نمونه ساختن
model <sup>3</sup> <sub>adj</sub>	مادل	نمونه وهش که رده ی نه خشه - ته رح و نمونه	طرح ریختن طرح، مدل - قالب، الگو
moderate <sub>adj</sub>	مادریت	وه سه ت - میانه	متوسط، معتدل - ملایم
moderately <sub>adv</sub>	مادریتلی	ئارام و ئەمین به جوړی میانه	به طور متوسط - بااندازا
modern <sub>adj</sub>	مادرین	نه کهم و نه زیاد تازه و نو - موڊرن	مدرن، نو، جدید - امروزی
modest <sub>adj</sub>	مادیست	نتم - به شهرم و حه یا سه روز - نه رانه ندده	متواضع، فروتن - باحیا
modesty <sub>n</sub>	مادیستی	به شه رمی - سه ر نه ره وزی - نتمی و حه یا	فروتنی، تواضع - شرم
moist <sub>adj</sub>	منویست (مایست)	ته ر - فیسیا - نمناک	موقر خیس، مرطوب - بارانی
moisture <sub>n</sub>	منویس چر	نم - نمناکی - نه م	رطوبت - نم - خیس
mole <sup>1</sup> <sub>n</sub>	منول (مویل)	مووش کو پره - مووشه کو پره	موش کور - خال
mole - hill <sub>n</sub>	منول هیل	ته په مووش - ته پوله مووش	تل خاکی موش کور
mole <sup>2</sup> <sub>n</sub>	منول (مویل)	خال - خاله - لپ مار شه پۆل گیر	خال - موج شکن

ʌ	ɜː	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مولکول - ذره	مول و لکول - زه ره - ریزه	مۆلبیکۆل	molecule <i>n</i>
لحظه، دم، آن واحد، برهه	تاویکات - سات - ده م	مۆمۆنت	moment <i>n</i>
شاه/ملکه، سلطان	شا - شاژن - شاهزانی	مۆنۆک	monarch <i>n</i>
سلطنتی - پادشاهی	سه لته نه تی - پادشایی	مۆنۆکی	monarchy <i>n</i>
دیر، صومعه - خانقاه	خانه قاهر - مزگانه دێل	مۆنۆس تری	monastery <i>n</i>
دوشنبه	دو و شه ممه - دو و شه ممه	ماندی	monday <i>n</i>
سکه، پول، اسکناس، مال	سکی - پیوول - زه - مال	مانی	money <i>n</i>
کشیش - راهب	دنیا و هر دا - هورمزبان	مانک	monk <i>n</i>
	چله کیش - کلیسا دار و عه بدال		
میمون	مه یمون - تخمه شیتان	مانکی	monkey <i>n</i>
یکنواختی - یکجوری	یهه ک - جووری -	مانیون ی	monotony <i>n</i>
	وهه که یه ک	(مانیئون ی)	
یکنواخت - بی تنوع	پسه یو - یه ک جوور	میناتیس	monotonous <i>adj</i>
باد موسمی - فصل بارندگی	وهه رزه وا - سه بوون	مان سوون	monsoon <i>n</i>
	بای فیه سلی		
غول، هیولا - جانور بزرگ	غول - حول - ده عبا	مانستر	monster <i>n</i>
دیو	میرده زمه، دیو		
مهیپ، ترسناک - گنده	دیو تاسا - ترسینه ر	مانسترس	monstrous <i>adj</i>
	ده شه تدار، زورزل		
ماه	مانت - مانگ - مانگیوه	مانت	month <i>n</i>
ماهانه / ماهانه	مانگانه مانگه و مانگ مانگی	مانتلی	monthly <i>adj</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اثر تاریخی-یادگاری	یادگاری، تاریخی-دیاری	مانیومنټ	monument <i>n</i>
یادمان	جی ماوی میژوویی		
صدای گاو فر آوردن	ده نگووگاوی بهرئه ورده ی	موو	moo <i>v</i>
	پورنای (پورانندن) وه کگا، ماما...		
حالت، روحیه - خلق	خولق و خو - حال و	موود	mood <i>n</i>
وجه	وه زع - حدوسه له		
ماه، نگره ماه	مانگ - مانگه و	مون	moon <i>n</i>
	ناسمانی - شه وقه		
مهتاب - نور ماه	مانگه شه و - تریفه و	مون لایب	moonlight <i>n</i>
	مانگی - شه وقه مانگ		
لنگر انداختن - بستن کشتی	مشراکشی له نگره و سه ی	موزور	moor <i>v, n</i>
عرب مراکش	به ستن - باهیر		
نتیجه اخلاقی-روحیه، وجدانی	ئخلاقی-پایه ی ئخلاق	ماپل (منوول)	moral <i>n</i>
بیشتر - زیادتر	فره تهر - زورتر - فره تر	مُر	more <i>n</i>
صبح - بامداد	سۆح - سوڤ - به یان	مُربینگ	morning <i>n</i>
الفبای مورس برای کورها	ئه لغبای مورس بو کویران	مُرس کُد	morse code <i>n</i>
پشه مالاریا	توفانی - په خشه - خاکه	ماس کیتو	mosquito <i>n</i>
خزه - گیاه بی گل	خزه - جوړه گیاهه ک بی گول	ماس (موس)	moss <i>n</i>
بیشترین-خیلی، اکثر	فره ترین - زورترین	ماسته، مئوسته	most <i>n</i>
	چه گردی فره تهر		
کاملاً، خیلی، عمدتاً	به ته وای - یه کسه ر	ماساتی	mostly <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شب بره - بید پروانه	ساس - قهَر نه وه ره - په پوله	مات	moth <i>n</i>
مادر مهربان، مادر وار	شه و لیباس خورشه و په ر		mother <i>n</i>
مادر زن / مادر شوهر	ئه دا دا یک دالکه، دایه	مویر	mother - in - law <i>n</i>
	هه سروه - خه سوو	موڤر این ل	
حرکت - جنبش - اشاره	دایکی شوو - نه داوشووی		motion <i>n</i>
	جمه - جوین - جولیا	موئین	
بی حرکت - بی جنبش	بزوت، ئی شاره ت		motionless <i>adj</i>
محرك، سبب، انگیزه - علت	بی جولیا ی سینی ته کان	موئین لِس	motive <i>n</i>
	جمته ر - مسه به ب	موتیو	
موتور، ماشین، محرك	سه به ب - جوینه ر		motor <i>n</i>
	مۆ تر - ئه ره جمن	موتور - موتَر	
قایق موتوری	ماشین بجوینه ر - دا جوین		motorboat <i>n</i>
	قایقی موتوری - ئا و گیلی	موتور بُت	
اتومبیل - ماشین	مۆ تر دار - قه یاخ مۆ تر		motor car <i>n</i>
	خوچو - وی لوا	موتور کار	
موتور سیکلت	ترومبیل - ماشین		motorcycle <i>n</i>
اتومبیلران، راننده	مۆ تر - مۆ تر سیکل	موتور ساییکل	motorist <i>n</i>
	ترومبیل به ر - ماشین	موتور یست	
اتوبان	ران - شغور		motor way <i>::</i>
قالب دادن، قالب ریختن	رینی نازاد - تئو بان	موتور وی	mould <i>I v</i>
	قالب مته ی - قالب خستن	مؤلد	

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
قالب، ریخت - ترکیب	قالب - پیژە ک	متولد	mould <sup>2</sup> n
کپک - کپکزدن	یاگەشیۆه - شکل دەر کەرە - کەرە رێ نانی	متولد	mould <sup>3</sup> vi
کبکی - کپکزده	کەرە دار - کەرێ ئەورده	متولدی	mouldy adj
تل، تل خاک - خاکریز	تە پۆلە خاک - تە پە خاک	ماوند(متوند)	mound n
بالا رفتن از - سوار شدن	سەرلوای - سەرچوون	ماونت(متونت)	mount <sup>1</sup> v
کوه - تپه	کەژ - کێو - کەش	ماونت(متوننت)	mount <sup>2</sup> n
کوه - کوهستان	کەژ - کوێسان، کوێستان	متونین	mountain n
سوگواری کردن - ماتم گرفتن	پەرسە گرتە ی - گره وای	متورن	mourn v
غم خوردن	زاری کردن، رو کردن	(مُرن)	mourning n
عزاء سوگواری	پەرسە گرتە ی - پەرسە گرتن	مُرنینگ	
موش - ترسو	پرسە - سیا پۆشی مشک مەلە، بی زات	موس-ماوس	mouse n
سیبل	سوێلێ - سمیل	میستاش	moustache n
دهان - دهانه - پوز	سوێل		
لقمه، قُلقُپ خیلی کم	دهم - ناوده م - پۆزی	ماوزمات	mouth n
جابجا شدن / کردن	تیکه - تیکه چاشت، گولمە ی	ماوزفول	mouthful n
راهی شدن	ئەو وە واری - جیبه	موو	move v
حرکت، جنبش، نقل و انتقال	جی کردن، گۆران		
قطعه موسیقی	جولانه وه - تکانه جولنای - تە کان، گۆزین	موومنت	movement n

فارسی	کُرْدی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چمن زدن - علف چیدن	دەره و کەردە ی - قەرتاندن	مو	mow <sup>v</sup>
آقا - مرد	کۆلۆکردن - کەنە ی ئاغە - کە لیمێ تایبە	میسټر (مستر)	mr <sup>n</sup>
خانم - زن	تەپە ی پیای و شە ی پیای وشە ی تایبەت بوژن	میسز	mrs <sup>n</sup>
بسیار، خیلی، زیاد - اغلب	کلیمێ پە ی ژە نێ - خانم فرە - زۆر - زیاد	ماچ	much <sup>adv-adj</sup>
گل زمین گلی - لجن	هەرە قورە هەرگ، زەل	ماد	mud <sup>n</sup>
گل آلودگی	هەر اوی - قور اوی هەرگی	مادی	muddy <sup>adj</sup>
قاطی، گیج - درهم برهم	شیونان - تیک دا، شیرزی	مادل	muddle <sup>1 n</sup>
درهم و برهم کردن	شیواندەو تیک دای (دان) - شیوندان	مادل	muddle <sup>2 v</sup>
لیوان بشکە ای - بخوری	ئابجۆوهری - لیوانی	ماگ	mug <sup>n</sup>
قاطر - آستر	ئاو جو خۆری و دەستە دار قاترە هە سەرە هیسر	میول	mule <sup>n</sup>
ضرب کردن - زیاد شدن	زەرپ کەرەدی (کردن) - لیدە ی	مالتی پلی	multiply <sup>v</sup>
ضرب افزایش - زیاد ولد	لیدە زەرپ، زیابون	مالتی پلی کیشن	multiplication <sup>n</sup>
زیربلب زمزمه کردن	رینگە رینگ کە رده ی	مام پل	mumble <sup>v-n</sup>
زرد زدن	بوڵە کە رده ی - چو تە کردن		
مامی، مامان - سنه	دایک - ئە دایا یه، دالکە	مامی	mummy <sup>n</sup>
ورم غده بناگوش، اوربون	ئالنگە گۆش - لکه گۆی - ئۆریون	مامپس	mumps <sup>n</sup>

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به قتل رساندن، کشتن	کوشتن - کوشته ی	مردِر	<b>murder</b> <sup>1</sup> v
قاتل، آدمکش - خونی	قاتل - ئنسان کوژ	مردِرِر	<b>murderer</b> n
قتل، آدمکشی	قه تل - ئنسان کوشی	مردِر	<b>murder</b> <sup>2</sup> n
زمزمه کردن - غوغا کردن	گمه گم که رده ی (بو له بول)	مِرِمِر	<b>murmur</b> v
زمزمه - غوغا - بچ بچ	چوته چوت کردن گمه گم - چوته، بو له	مِرِمِر	<b>murmur</b> n
زَن	رینگه - مره		
ماهیچه، عضله، زور بازو	مه یچه - گوشته	ماسل	<b>muscle</b> n
موزه	ماهیچه، هیزی له ش مووزه - یاگی بیناو	میوزیم	<b>museum</b> n
قارچ، رشد سریع	چیوه تاریخیان کارگه له لچی - قارچک	ماش رُم	<b>mushroom</b> n
موسیقی، آنت موسیقی، آهنگ	موسیکا - لولی	میوزیک	<b>music</b> n
موسیقایی - خوش آهنگ	موسیقایی - موسیکا	میوزیکال	<b>musical</b> adj
آهنگساز، نوازنده	لووله ژهن - موسیقارهن	میوزیشن	<b>musician</b> n
مسلمان، اسلامی	موسیقاییده ر مسلمان	موسلیم	<b>muslim</b> n, adj
به عنوان فعلی کمکی و به	ئه یوای مه شیای - ئه بی	ماست	<b>must</b> v
معنی ضرورت و بایستن	ده یا		
خردل - نوعی چاشنی	خه ردل - تونه گیا	ماسترد	<b>mustard</b> n
	تونه گیوان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیرلب زمزمه کردن	پچه پچه کرده ی	ماتیر	<b>mutter</b> <i>v</i>
نق زدن	چو ته کردن، بۆله کردن		
گوشت گوسفند	گوشتی می - گوشتو	ماتین	<b>mutton</b> <i>n</i>
	مدیی (مدر)		
مال من (صفت ملکی)	مالی من - ئینو نه من	مای	<b>my</b> <i>adj</i>
	مالامی		
خو دم (ضمیر انعکاسی)	خۆم - ویم - به خۆم	مای بلف	<b>myself</b> <i>pron</i>
رمز، راز، سر	راز - رازی - سر	میستری	<b>mystery</b> <i>n</i>
اسرارآمیز، مرموز	پیراز - دلی دار	میستریس	<b>mysterious</b> <i>adj</i>
	سردار		
اهل تصوف و عرفان	تاقمه و سوفیان	سیس تیک	<b>mystic</b> <i>n</i>
	خانه قاداران		
تصوف - درویشی	سوفی گه ری مه ردی	میس نی	<b>mysticism</b> <i>n</i>
	شای بوخارادرویشی	میزم	
افسانه - اسطوره	نه فسانه - قسه ی بی بته	میت	<b>myth</b> <i>n</i>
	رازی - چتانی خیالی		
افسانه نویس - اسطوره دان	ئه فسانه نویس	میتولجیست	<b>mythologist</b> <i>n</i>
	(نووسه ری ئه فسانه)	(میتال)	
تاریخ اساطیر - افسانه	ئه فسانه میتو ری خو ده ایان	میتولجی	<b>mythology</b> <i>mpi</i>
نوعی غده ویروسی	جو ره لکئی ویروسی	میکسیتوزیس	<b>myxomatosis</b> <i>n</i>
	ئالنگی		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English

myrawly *npl*

میراوی

کوردانی جاف

نام طایفه‌ای از کُردان جاف

mynaxatoumina *n*

میناخاباتومینا

له جوانرویان شاره‌زور

در اورامانات

myxcocete

میکسویت

کارگی چه پهل

نام زنان لُرد کُرد

قارچ لجن

هه لچه جنانی



خسرو پرویز



اروشیر دود



هَرَمَز جَمام

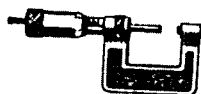


تیرداد دوم

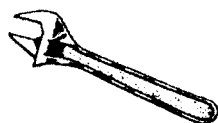
بهرام چوبین و هریرایا بهرام کرمانشاه



MINOTAUR

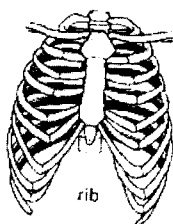
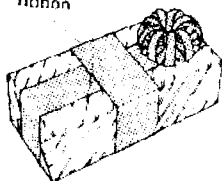


MICROMETER

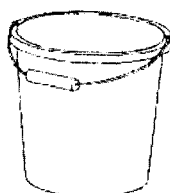


MONKEY WRENCH

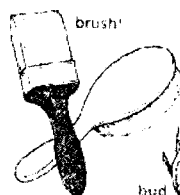
ribbon



rib



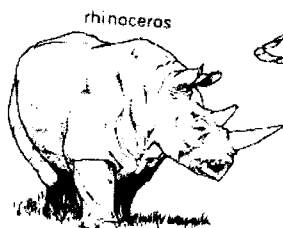
bucket



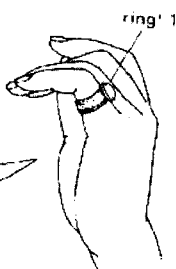
brush



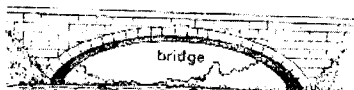
bud



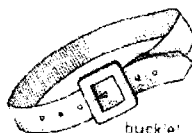
rhinoceros



ring



bridge



buckle



briefcase

۲۹۱-۲



پیرزدوم





# N n

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چهاردهمین حرف الفباء	چوارده‌مین پیتی ته‌ل‌با	ن	N
دیدەنشده - ندید	ته‌بیتراو - نه‌و‌بشا	نادیار	nadiar <sup>v</sup>
نام - اسم	ناو - نامی	ناو	naw <sup>n</sup>
انار	هه‌نار - نار	نار	nar <sup>n</sup>
دستگیر کردن	گرتن - گرتە ی	نَب	nab <sup>n</sup>
سوزنش کردن، غزاق زدن	ته‌شه‌ردای - نه‌ره‌کوا ی، یابو	نَک	nag <sup>v</sup>
میخ - ناخن	بزماری بزمار - ناخون	نیل	nail <sup>1</sup> <sup>n</sup>
میخ کردن / زدن	میخ وه‌نه دای - میخ	نیل	nail <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	لیدان		
لخت، برهنه، بدون حفاظ	رووت - بی‌لیباس - به	نِ‌یکید	naked <sup>adj</sup>
	ره‌للاً - ناشکرا		
نام، اسم، شهرت	ناو - نامی	نیم	name <sup>1</sup> <sup>n</sup>
نامیدن، نام گذاشتن	ناونیان - نامه‌نیای زه‌وروی	نیم	name <sup>2</sup> <sup>v</sup>
یعنی، به عبارت دیگر	یانی - به‌عنی، نه‌وکە ی، یاری	نیملی	namely <sup>adv</sup>
تنه، پرستار بچه - دایه	دایه‌داده‌دادی، دیدی	نئی	nanny <sup>n</sup>
چورت، خواب غیلوله / سبک	وه‌نۆزی سسوکە مرەم (خاو)	نَب	nap <sup>n</sup>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دستمال سفره-کهنه بچه	ده سمال - په رو	نَپ کین	napkin <i>n</i>
کهنه بچه	په رو زه ورو	نَپی	nappy <i>n</i>
باریک، تنگ، محدود	ته نک - باریک،	نَرو (ترو)	narrow <i>adj</i>
متعصب	ته نگ - ناپان، کو تا فکر		
ناخوشایند، ناپسند زشت	پیس - خراو - ویتال	نامتی	nasty <i>adj</i>
ملت - قوم - امت	ملت - نه ته وه	نی شَن	nation <i>n</i>
ملی - تبعه - شهروند	مللی - گشتی - په یگرد	نَشانال	national <i>adj</i>
ملیت، تابعیت ملی و قومی	ملیت دانشتو - نه ته وه	نَشانالیتی	nationality <i>n</i>
اهل- فطری، ذاتی	خه لَک - زاده - خولقی	نِیتِیو	native <sup>1</sup> <i>n</i>
	جی زاد		
بومی، مادری - محلی	دایکی - سه ربه دای	نِیتِیو	native <sup>2</sup> <i>adj</i>
	بومی و خوبی		
طبیعت - خصلت، خوی - ذات	ته بیعت - خولق	نِیچرناچِر	nature <i>n</i>
	خو - زات، جوَر		
طبیعی - عادی، متداول	سروشتی زاتی - ته بیعی، نوت	نَچرال	natural <i>adj</i>
به طور طبیعی - فطرتا	به جوَری سروشتی	نَچرالی	naturally <i>adv</i>
ذاتاً	به ساده بی و عادی		
بهر رفتار، شلوغکار - شیطان -	شیطان نادروس، توخس	نَشی	naughty <i>adj</i>
شَر	نا پاک - نه حس		

i:	ɪ	e	æ.	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باشیپنت - بابداتی	به ناپاکی - به شه‌ر	ئێ لی	naughtily <i>adv</i>
	و شو‌ر - به به دجنسی		
دریانوردی / هوانوردی کردن	ده لیا گه‌ردی - هه‌وا گه‌ردی	نیوی گیت	navigate <i>v</i>
دریا / هوانوردی - ناوبری	که شتی گه‌ردی - ده لیا داری	نیوی گیشن	navigation <i>n</i>
ناوگان جنگی - نیروی دریایی	هیزی ده لیایی - که شتی	نیوی	navy <i>n</i>
ابی سیر - شرمه‌ای	جه‌نگیه‌کانی هیزی ده لیایی		(navyblue)
دریائی - دریانوردی	سه‌ر به هیزی ده لیایی	نیول	naval <i>adj</i>
نزدیک - صمیمی	نزیك - گیانی	نیر	near <i>adj, adv, prep</i>
همجوار - دم‌دست	له پال ده‌س - جه پال ده‌س، کن	نیربایی	nearby <i>adj, adv</i>
تقریباً کم‌ویش	نزیك به - ته‌قربیه‌ن	نیرلی	nearly <i>adv</i>
تمیز، مرتب - پاکیزه	پاک و ته‌میس - ریک و پیک	نیت	neat <i>adj</i>
به‌طور مرتب - باسلیقه	به جو‌ری مره‌ته‌ب	نیت لی	neatly <i>adv</i>
ضروری، لازم - چیز لازم	لازم - واجب - زه‌رووری	ن سپیری	necessary <i>adj</i>
ضرورت، احتیاج - لزوم	ئاتاج - زه‌روور - نیاز	نی‌مستی	necessity <i>n</i>
گردن - گردنه	مل	نک	neck <i>n</i>
گردنبند گلوند	ملوه‌نی - ملوانکه	نک لیس	necklace <i>n</i>
	ملوه‌ن - ته‌وقه		
محتاج - نیاز	نیازدار - محتاج	نید	need <sup>1</sup> <i>n</i>
	ئاتاج		
نیاز داشتن - بایستن	نیازبیه‌ی - نیازبوون	نید	need <sup>2</sup> <i>v</i>
	پیوست بوون		
سوزن	چه‌نی - ده‌رز - سووژن	نیدل	needle <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نگاتیو - منفی - وارونه	مه نفی - سه‌ره‌وار	نِگیو	negative <i>n</i>
نادیده‌انگاشتن - غفلت کردن	سه‌ره‌وژیر گوش په نه نه دای	نیگ لکت	neglect <sup>1</sup> <i>v</i>
غفلت - بی‌توجهی	گوی بی نه دان بی ناز - بی‌چاودیری	نیگ لکت	neglect <sup>2</sup> <i>n</i>
کوتاهی - قصور	غافلئ		
سیاهپوست - کاکاسیا	زه‌نگی - سیایست	نیگرو	negro <i>n</i>
سیاهپوست زن	ره‌ش پوس و ئافریقای ژنی سیایست - زه‌نی	نیگرس	negress <i>n</i>
همسایه - هم‌نوع	ره‌ش پوسه هاوسا - هامسا، له‌کن	نیپر	neighbour <i>n</i>
بغل دست	جیران‌ها و مال، جه پال		
همسایگی - هم‌جولوی، محله	هاوسایی - هامسایی	نی برهد	neighbourhood <i>n</i>
حوالی - نزدیکی	ها و مالی، محله‌وگه‌رک		
نه این نه آن - هیچیک	هیچکام - هیچکامی	نایپر	neither <i>n</i>
از آن دو - هیچکدام	حه رچیج		
پسر برادر - خواهر	کورپو والئ - کورپی	نیویو	nephew <i>n</i>
پسرخواهرشوهر - برادرزن	خوشک - برازا - والّه‌زا		
عصب‌بری - رگ، خونسردی	عه‌سه‌ب‌ده مار - سه‌یه مه‌ژگ	نیرو	nerve <i>n</i>
توسیده - بی‌قرار - ناآرام	ترسیاگی - قه‌راره‌ده‌س پاچه	نیروس	nervous <i>adj</i>
عصبی	ته‌رسیاوتوره		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بابی قراری - باهالت عصبی	به بی قراری به بی سه بری	زروسل	nervously <i>adv</i>
لانه - اشپانه (حیوانات)	لیانه - پهروه رده گا	نست	nest <i>n</i>
یک دست (کارد)	هیلانه، دهسته		
تور (ماهیگیری، ...)	تور - ته لی، داو، ناخری	نیت	net <i>n</i>
شبکه (راهن، ...) - خطوط	تور - کلۆ په رای	نیت و رک	network <i>n</i>
شبکه تلویزیون	کۆمه له ری - شه به که وه ک		
	(رادیو - قه تار)		
هرگز، هیچوقت - ابداً	حه جگیز، هیچ وه خت - قه ت	نور	never <i>adv</i>
اما، هنوز، با وجود این	هیچتا کو - هیما ریج	نیور دلس	nevertheless <i>adv</i>
	چینه بیج و به رده - ئی ستایج		
جدید، نو، برای اولین مرتبه	نوه - تازه - نو به ر	نیوو	new <i>adj</i>
تازگی، اخیراً	تازه یی - چی وه خته نه	نیولی	newly <i>adv</i>
اخبار - خبر	ده نگ و باس - خه به ر	نیویز	news <i>n</i>
روزنامه، هفته نامه	روژنامه - رو نامه	نیوز پیپر	newspaper <i>n</i>
	حه و ته نامه		
بعدی - بار دیگر	دوایی - دها توو، جاری تر	نیکست	next <i>adj, adv</i>
بعد	دماوه - پال - له کن		
گاز / دندان زدن	گاز گرتی (گرتن) - لا گاز	نیبل	nibble <i>u</i>
کم کم خوردن	که رده ی، هیواش خواردن		
دلپذیر، خوب - نازنین	خاس - عال یاش - چاک	نایس	nice <i>adj</i>
به خوبی - به پیشگی	به باشی به خاسی و چاکی	نایسلی	nicely <i>adv</i>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
nickname <i>n</i>	نیک‌نیم	له‌قه‌ب - ناسروابه...	اسم/نام مستعار له‌قه‌ب
niece <i>n</i>	نیس	کچی برایا خوشک	دختر برادر / خواهر
night <i>n</i>	نایت	کناچی برایا والی	برادرخواهر (زن‌شوهر)
nine <i>n</i>	ناین	شه و - شه وه	شپ
ninth <i>n</i>	ناین س(ت)	ژماره‌ی نو شماره و نو‌ی	عدد ۹
nineteen <i>n,adj</i>	ناین تین	نه‌وم نو‌یه‌م، نه‌ومی	نهم، نهمین ۱/۹
nineteenth <i>n,adj(19th)</i>	ناین تین س(ت)	نو‌یه‌مین - نه‌ومین	نوزدهمین و نوزدهم تا
ninety <i>n,adj</i>	ناین تی	نو‌زده یه‌م - نو‌زده‌ه‌وم	نوزدهم، ۱/۱۹
ninetieth <i>n,adj(90th)</i>	ناین تی س(ت)	نه‌وه‌د - نه‌وه‌د	عدد ۹۰
no	نو	نه‌وه‌دوم - نه‌وه‌ده‌م	نودم، نودمین، ۱/۹۰
noble <i>adj</i>	نوبل	نه - هیچ، نا	نه، خیر - هیچ
nobly <i>adv</i>	نوبلی	شریف‌نه جیم - عه‌سل	شریف، نجیب - اصیل
nobody <i>pron</i>	نوبادی	به‌نه جیمی به‌گه‌وره‌یی	نجیبانه، شرافتمندانه
nod <i>v</i>	ناد	هیچکس	هیچکس، هیچ‌کاره
nod <i>n</i>	ناد	به‌سره‌ئیشاره‌که‌رده‌ی	باسرئیشاره‌کردن - چرت‌زدن
noise <i>n</i>	نووژ (نئوژ)	سهر له قاندن	اشاره‌ب‌اسر - چرت
noisily <i>adv</i>	نئوژیلی	سهره ته‌کنای	اشاره‌ده‌ب‌اسر - چرت
		ئیشاره‌ت به‌سهر	سروده، قیل و قال
		نووژه - ده‌نگه‌ده‌نگ	
		قال و مقال - شلوق	
		به‌شلوقی - به‌قاله‌قال	با سر و صدا

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پر سر و صدا، پر قیل و قال	پر ده نگ و هه را	نویزی	<b>noisy</b> <i>adj</i>
چادر نشین - بیابانگرد	پیرقم و قال بیوان گه رد - کوچه ر	نومد	<b>nomad</b> <i>n</i>
چادر نشینی - خانه بدوش	خهرات (کهولی) ئاسا کوچه‌ری - بیوانی	نومدیک	<b>nomadic</b> <i>adj</i>
هیچ یک، هیچ، هیچ کدام	کەش گەردی، هه‌واری هیچکام - هیچ - هیچکامان	نان	<b>none</b> <i>pron, adv</i>
پوچ بی، معنی، چرند، یاوه	پوچ بی مه‌عنا، قور	نان بینس	<b>nonsense</b> <i>n</i>
ظهر، نیمروز	نیمه رو - نیوه رو	نوو	<b>noon</b> <i>n</i>
هیچکس، احدی	هیچکەس	نوو	<b>no one</b> <i>pron</i>
نه... و نه	نه... و نه (ناگیانو کاکه‌ی)	نور (نور)	<b>nor</b> <i>conj</i>
عادی، معمولی، طبیعی، سالم	عادی - ته‌بیعی، سروشتی	نوریل (نورمال)	<b>normal</b> <i>adj</i>
معمولاً، به طور عادی	عاده‌تی به‌جوری سروشتی (نورمالی) (لی)		<b>normally</b> <i>adv</i>
شمال - شمالی - شمالاً	شیمال له جو‌غرافیا	نورت (س)	<b>north</b> <i>n</i>
شمالی - روبه‌شمال	شمالی - شیمالی - باکووری	نورترن	<b>northern</b> <i>adj</i>
به سوی شمال	به‌لای باکوور - روبه‌و شمال	نورث‌وर्डز	<b>northward</b> <i>adv</i>
بینی، دماغ، بویایی	لووت - لوتو، ته، بویایی	نوز (نوز)	<b>nose</b> <i>n</i>
سوراخ بینی	وله‌ولوتی - کونه	ناس تریل	<b>nostril</b> <i>n</i>
نه (قید نفی)	لووت - برناخ نه‌مکلیمه‌ی تایبته‌بو نه‌فی، نا	نات	<b>not</b> <i>adv</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

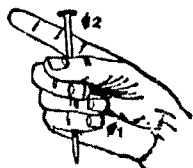
انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
note <sup>1</sup> n	نوت (نوت)	نوتی موسیقا - نه سکه ناز	نت موسیقی - یادداشت
notebook n	نوتبوک	نوسراوه ی کو تا	توضیح - اسکناس - علامت
note <sup>2</sup> v	نوت	دهفته رچه ی نووسینه وه	دفترچه یادداشت
nothing n	ناتینگ	نویسه ی - نووسان	یادداشت کردن / برداشتن
notice <sup>1</sup> n	نوتیس (نوتیس)	هیچ - هیچیه	هیچ، هیچ چیز، اصلاً
notice <sup>2</sup> v	نوتیس	راگه یاننامه، بیره وه ری	آگهی، یادداشت - خبر
noticeable adj	نوتیس لیل	خه بهرنامه - گویدان	اخطار - دقت
nought n	نُت	دیه ی - سه رنج دان	دیدن، توجه کردن
noun n	نُون	روون - ناشکراره علووم	هویدا، آشکار - جالب توجه
novel n	ناول	ژماره ی هیچ - سفر	عدد صفر - هیچ
novelist n	ناولیست	ناو - نامی	اسم
november n	نوویمپر	رازه ی دری ژه داستان	زمان، نوول - داستان بلند
now adv, conj	نوناو	تازه - عهجه یو - قسه	تازه
nowadays adv	نَوِ دیز	راز نویس - قسه نویس	زمان نویس، داستان سرا
nowhere adv	نووور	یازده مه مین مانگی	نوامبرماه یازدهم سال فرنگی
nuclear adj	نیوکلیپر	میلادی - نوامبر	۳۰ روزه
		ئیسه نه لجان - ئیستانه لجان	الان، اکنون، حالا
		نه مرو - نه لعانه	امروزه - دراین ایام
		که ته ی - ئیسه ولا	
		هیچکۆگه - هیچ کوی	هیچ جا، در هیچ کجا
		نه تو می هه سته یی - ناوکی	هسته ای - اتمی

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بخش مرکزی، هسته	ناوک - کرۆک - ههسته	نیوکلیس	nucleus <sup>n</sup>
سقله زدن - ارنج زدن	سیخورمه شه نه ی به ئانیشک	ناج	nudge <sup>1</sup> <sub>v</sub>
سقله (فشار کم با ارنج)	لیدان - بۆق نیای سیخورمه - هه ریژن	ناج	nudge <sup>2</sup> <sub>n</sub>
هَل	شه نه - بۆقه - ته که		
آفتا، آزار، مزاحمت	ئازار و شه زیت - به لا	نیوژنس (نو)	nuisance <sup>n</sup>
شماره، نمرة - تعداد	ژماره - عه ده ده - شماره	نامپر	number <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پیشمار، متعدد، زیاد	فره - زور - خه بلی	نیومرس	numerous <sup>adj</sup>
شمردن، نموده دادن	شمارای - نمرة دای (دان)	نامپر	number <sup>2</sup> <sub>v</sub>
عدد برقم، شمارشی	شماره - ژماره - ره قه م	نیومرل	numeral <sup>n</sup>
راهبه، زن تارک دنیا	ژه نه ی چله کیشه - ژنی	نان	nun <sup>n</sup>
	دهیری - راهبێ - ژه نه ی - دنیا ورده ره		
پرستار، نرس - دایه	په ره ستار دایانه دایه	نرس	nurse <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پرستاری کردن	په ره ستاری که رده ی	نرس	nurse <sup>2</sup> <sub>v</sub>
خوراک دادن	(کردن) - به خێو کردن		
فندق، .... - مهره پیچ	میوه ی مه غزداروه ک گو یژ	نات	nut <sup>n</sup>
اجیل	فندق - ئاجیل - موژی		
نایلون	باغه - نه یلون	نایلون	nylon <sup>n</sup>
	جوژی تالی په لاستیکی		
حوری - زن زیبا	جوژی ده لیا یا ژه نه ی زه ر یفه	نیمف	nymph <sup>n</sup>
دختر جوانی که غریزه	کچی نابالغ که هیزی	نیمفت	nymphet <sup>n</sup>
جنسی هراوش دیداست	جنسی هه بی		
زنائی که میل جنسی	ژنائی که مه یلی جنسی	نیمف مانی	nymphomania <sup>n</sup>
غیر عادی دارند	غه پری عادی یان هه یه		

ua	p	b	t	d	k	g	t/	d3
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



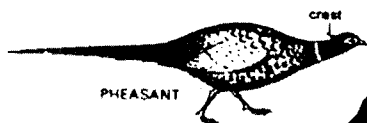
NAILS



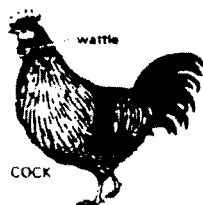
NOOSE



NUT



PHEASANT



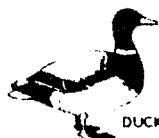
COCK



HEN



GROUSE



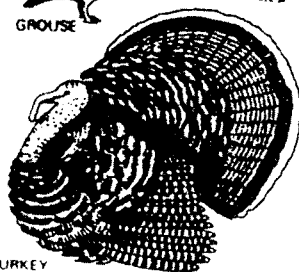
DUCK



PARTRIDGE



QUAIL

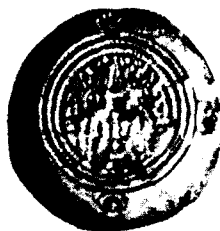


TURKEY



GOOSE

webbed foot



آذر می دخت

م - ۶۲۲

O

O

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
حرف بازدهام الفبای انگلیسی	پیتی یا نزده یه م له ته لقباً	أ	O
لفظی فولکلوری دراوژ کردی	ئو گیان له هه ورامان باوه	ئو گیان	ogian <i>int</i>
ئو-ای-وای	ئوچی یوه	ئو	o <i>int</i>
بله	به لئی، ئه یی چون-ئه یی	أ-پس	o yes <i>adv</i>
ساعت سه	ساعتی سی-سه عاتمه یه ری	تری اکلاک	3 o , clock <i>adv</i>
درخت بلوط، آدم یخمه	دار به روو-دار به لوو-خول	ئوک (ئوف)	oak <i>n</i> (oaf)
پارو در قایق رانی	پارووی ئاو گهر-پاروو	ئور	oar <i>n</i>
وادی، واحه آبادی در کویر	بیوان - یا گیوه بیوانی	ئوی بیس	oasis <i>n</i>
سوگند، قسم، ناسزا	که ئاو و دره ختش بو		oath <i>n</i>
جودوسر	سوین-قه سه م، دژوین	ئوت	oat <i>n</i>
فرمان بردن، اطاعت کردن	یه وه یی بیوانیه-جو هه رده	ئوتس	obey <i>v</i>
	سه ردانواندن-گویدان	ئویی	
	سه ره ته ره ئاسه یی		
اطاعت، فرمانبری	سه ره ئاسه یی-گویدان-ئتاعت	ئویی ډینس	obedience <i>n</i>

## حرفشنوی

f	v	θ	ð	s	z	f	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مطیع، فرمانبر - سر به زیر	مو تیع - گوش ده‌ر	نوب دینت	obedient <i>adj</i>
شیء - چیز - پدید - مفعول	چت - چبو - مه نزوور	أب چکت	object <sup>1</sup> <i>n</i>
هدف - مقصود	هده‌ف		
مفعول	کراو - مه فعوول	أب چکت	object <sup>2</sup> <i>n</i>
اعتراض کردن - مخالف	پوره کولای - به دژ که	أب چکت	object <sup>3</sup> <i>v</i>
بودن	سی و یسان، نارازی بون		
اعتراض - مخالفت	دژ به مخالفت - تیراد	أب چکشن	objection <i>n</i>
مجبور کردن / ساختن	مه جبوور - که رده‌ی (کردن)	أب لایچ	oblige <i>v</i>
	سلمنای، لتف	(أب لایچ)	
وظیفه، اجبار، الزام، منت	وه زیفه - ئیجبار - لازم	أب لی گی شین	obligation <i>n</i>
مستطیل	چوار گۆشه - چوار سووچ	أب لاتک	oblong <i>n, adj</i>
زیر نظر داشتن، اظهار داشتن	نه زه ردان - چاو دیری کردن	أب زرو	observe <i>v-n</i>
رعایت، پیروی	شنا سایی - چه م پوره بیه‌ی		
تحت نظر - گفته - رعایت	تاقی که‌ری - چه م که‌وت	أب زرو ی شین	observation <i>n</i>
رسم مشاهده، نگارش	له به‌ر چاو گر - بینین		
مانع، راه‌بنده، جلوگیری	به رگر - وه رگیر	أبس تکل	obstacle <i>n</i>
لجوج، لجباز - یک‌دنده	سه‌ر سه‌خت - سمنج	أبس تینت	obstinate <i>adj</i>
	خو هه‌لکیش - سین سه‌خت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مسدود کردن، بستن	به ستن - به سه ی	ایس تراکت	obstruct <i>v</i>
گند کردن	وه رگیری که رده ی		
مانع، سد - گرفتگی - گیر	به رگری - وه رگیری	آبس تراکشن	obstrucion <i>n</i>
	ته لێ به رگر سه د		
بدست آوردن، دریافت داشتن	به ده ست هاوردن	ایب تین	obtain <i>v</i>
خنگسپ ختم گندلبه	جوړ کردن - نه سه ی، کول	آب تیوس	obtuse <i>adj</i>
بدیهی، آشکار، روشن - هویدا	وازیج - ناشکرا،	آب ویس	obvious <i>adj</i>
	روون، روشن		
به طور آشکار یا معلوم	به جوړی ناشکرا	آب ویس لی	obviously <i>adv</i>
	ناشکران - روشننه		
فرصت، زمان معین - علت	وهخت - فرسه ت	ایکیزن	occasion <i>n</i>
باعث	بایس - روداو		
گهگاه، گاه و گدار	بازی وهخت - جار جاری	ایکیزیل	occasional <i>adj</i>
	بره ی جار		
گاه و بی گاهی، گهگاهی	بازی جار - گله گلیوه	ایکیزیلی	occasionally <i>adv</i>
ساکن بودن - وقت گرفتن	گرتن - به کار بردن	آکی یوپی	occupy <i>v</i> (pied-pying)
اشغال کردن	داگیر کردن - دانشتوو بوون		
کار، شغل - اقامت - اشغال	کار - پیشه - نشته جی	آکی یوپی شین	occupation <i>n</i>
	مه رزیا		
رخ دادن، به خاطر آوردن	رودان - رووه دای به بیر هاوردن	ایکر	occur <i>v</i>
اقیانوس	ئه داهه لیا - ئه قیانوس - شاده لیا	ئوئین	ocean <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلمه‌ای که در پرسیدن گفتن	و شه‌ی کات ژمیر-که لیمێ	اُکلاک	<b>o, clock</b> <i>adv</i>
ساعت به کار می‌رود	تایوه تیه و سه عاتی		
اکتبر- ماه دهم میلادی	مانگی ده یه مه سالی میلادی	اُکتوبر	<b>october</b> <i>n</i>
احتاپوس، هشت پا	هه شت پا - هه شت پی	اُکتیس	<b>octopus</b> <i>n</i>
	جانه و هرو ده لیای		
عجیب، طاق، تک - خُرد	تاق لهر دهنه جوت لنگه، ورد	اَد - اُد	<b>odd</b> <i>adj (even-جفت)</i>
بو، رایحه - بوی خوش	بوَن - بوَی وه شه - بوَ	ئودِر	<b>odour</b> <i>n (odor)</i>
متعلق به، از- حاوی، محتوی	عه لامه تی ملکیت له، ای	اَو	<b>of</b> <i>prep</i>
از (مقداری) ساخته شده، درباره	جی گری (کسره و همزه)		
دور، جدا - خاموش - دور	کوشنا - کوژین - دورو	اُف	<b>off</b> <i>adv, prep</i>
فاسد، بد - غلط فروعی	خراو - حیا - خه تا		
عصبانی کردن، خطا کردن، آزاردن	خه تا کردن (که رده‌ی)	اُفند	<b>offend</b> <i>v</i>
	ره نجنای- تووره کردن		
جرم، خطا، تجاوز- دل خوری	خه تا گونا عه- هیرش	اُفینس	<b>offence</b> <i>n (se)</i>
حمله، گناه	بی حرمه تی - توَری		
تعارف کردن، پیشنهاد دادن	پیشکesh کردن - په نه	اُفر	<b>offer</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
تقدیم کردن	واته‌ی - فهرموو کردن		
تعارف - پیشنهاد - عرضه	فهرموو- چه نه واز فیدا	اُفر	<b>offer</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
نثار	لی خواز - پیشکesh		
دفتر، اداره، شرکت، بنیت، مطب	ده فتهر- عه داره- شرکه ت	اُفیس	<b>office</b> <i>n</i>
افسر (ارتش... ها مو ریکار مند	مه عمورو- نه فسه رسه رپهل	اُفیسر	<b>officer</b> <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رسمی، اداری - عالی‌رتبه	رەسمی - ئەداری، کارمەند	آفی‌شال (شیل)	official <sup>1</sup> adj
مأمور، مسئول، صاحب منصب، کارمند	مەئموور - کارمەند، مەسوول	آفی شال	official <sup>2</sup> n
بارها، غالباً - بیشتر اوقات	زۆرجار - فرە ووه ختی	آفین	often adv
نفت - روغن - چربی	فرە جار نەفتە - نەوت - پۆن	اویل	oil <sup>1</sup> n
روغنی	روهن، پۆنی		
روغن زدن، چرب کردن	چەورکەر دەی - هەنوین	اویل	oil <sup>2</sup> v
پماد (پوستی)، مرهم	روڤن لیدان مەلەم - پۆنی پیست	آین یمنت	ointment n
پیر، مسن - سن، سال - کهنه	پیر - کەوێن - سال - سنە	اولد	old adj
قدیمی، دیرینه	کوڤنە - کوڤن - تەمەن		
کهنه، قدیمی - آفل	کوڤنە - قەدیمی - قەدیم	ئولدفشیویند	old - fashioned adj
زیتون، زیتونی - سبزه	میوه‌ی دار زه‌یتوون	آلیو	olive v
روغن زیتون	زه‌یتوون، سه‌وزه‌روو روڤنی زه‌یتوون - روھن	آلیواویل	olive oil n
اهلت	زه‌یتوون چیشتی هیلکه‌وته‌ماته	آملیت	omelet n
حذف کردن - از قلم انداختن	هیلە و تەماتە لابردن - لاوهرده‌ی - وسه‌ی	أمیٹ	omit v
قادر متعال	خودای‌گه‌وره	آمنیپ‌تنت	omnipotent adj

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(برای نشان دادن مکان چیزی)	له - جه - سه رو - له سه	آن	<b>on</b> <i>prep,adv</i>
(برای نشان دادن روز / ماه)	ر - له لای - جه مه وه سو		
دریاره، رابع به - روشن، در	بان - روْشن		
حال کار - بیوسته، بدون توقف	به - با		
برتن، درتن، به تن			
یکبار، یکدفعه - روزی،	یه ک جار - روْیوه	وآنس	<b>once</b> <i>adv</i>
روژگاری، یک وقتی - وقتی	روْژی - جار یکان		
عدد یک - یک نفر، یک چیز	ژماره ی یه ک - یه ک که س	وان	<b>one</b> <i>adj,n,pron</i>
یک، ی - همان، یک	یکه چت - تا قانه سی		
شخص، آدم، کس	یه کئ - یو		
خود، خود را، خودش	خوْی - خوْش - جه خوْی	وان یلف	<b>oneself</b> <i>pron</i>
پیاز - پیازچه	پیاز - پیواز، ته ره پیاز	آن ین	<b>onion</b> <i>n(greenonion)</i>
یگانه - فقط - اما، ولی	فه قهت - به س - ته نیا	ئوئلی	<b>only</b> <i>adj,adv</i>
براز، به مسوی به توی	به ره ورو ورو به رو ویه، دلی	آن تو(ناو)	<b>onto</b> <i>prep</i>
به پیش، به طرف - به بعد	رو ووه ووه - به پیش	آن ووردز	<b>onwards</b> <i>adv</i>
نشت کردن، جاری شدن	به ر - وهر		
تراویدن	ده لئای - تکه کردن	أز - ئوز	<b>ooze</b> <i>v</i>
آما ده به کار، باز آماجگشوده	فواره که رده ی فیشقتنای		
باز کردن / شدن - فتح کردن	باز - واز - ئازاد - ئاشکرا	اوپن	<b>open</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
	باز کردن - واز که رده ی	اوپن	<b>open</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
	ئه وه کردن - ده مودای		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(حرب) بازکن - گشاینده	وازکەر - دەر بازکەر	اوپنەر	opener <i>n</i>
فضای باز، مدخل - شکاف	کون - وڵە - سەرە تا	ئوپنینگ	opening <i>n</i>
روزنه	وەر - کانی - چه مه		
أهرا - رقص و آواز مخصوص	تۆپیرا - جوهره قسّی	ئوپەر (أپەر)	opera <i>n</i>
روسیه	له روس و فهرانسه باوه		
کار / عمل - جراحی /	عه مه ل کردنی له ش - عه داره	آپریت	operate <i>v</i>
عمل کردن	که رده ی - که لک وه رگر تن		
شیوه کار - جراحی - کار	عه داره و به خییو - عه مه لی	آپریشن	operation <i>n</i>
	چه راحی - عه مه لکه رد		
أپراتور، براه انداز، یگر داننده	رائه ره و زری - خەر، مدیر	آپریتر	operator <i>n</i>
	گیل نه ر - جی به جی کەر		
عقیده، فکر، اندیشه - باور	نه زهره - باوهر	اوپین	opinion <i>n</i>
رای	زه نده - فکر - نه قیده		
حریف، رقیب - مخالف	حه ریف - ته ره ف - زدمو کل	اوپوننت	opponent <i>n</i>
شانس، فرصت - مجال	فرسه ت - مه جال به خته	آپرتیون تی	oppertunity <i>n</i>
مخالفت کردن - مقابله کردن	مخالف بیه ی - ناره زایی	اوپوز (لپوز)	oppose <i>n</i>
	کردن - جواوودای		
مخالفت، مقابله - ضدیت	مخالف ناره زامو کل - دژ	آپریشن	opposition <i>n</i>
مخالف، متضاد - ضد	زد - ناره زا - دژیه	آپوزیت (أپزیت)	opposite <sup>1</sup> <i>n</i>
روبرو، مقابل - مخالف	به رانبهر - وه رانوه	آپوزیت	opposite <sup>2</sup> <i>adj</i>
	زد - ته رف		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عینک ساز / فروش	چەمکەر-عینەک ساز	آپ تی شین	optician <i>n</i>
بینایی سنجی	عەینەک ورەش (فروش) - چاوه ک		
انتخاب، اختیار، گزینش	نختیار - بژاره	آپ شین	option <i>n</i>
	هەلبژێر - وچنیە		
اختیاری، انتخابی	نختیاری - بژاردهی	آپ شین	optional <i>adj</i>
دلخواه	هەلبژێری - وچنیە		
یا، یا اینکه، والا	یا - یا کور - یا مکوو	ئور (أر)	or <i>conj</i>
شفاهی - زبانی - گفتاری	شەفاهی - دەمی - بێهە قسێ	أرال	oral <i>adj</i>
پرتقال	پرتەقال و نارنج	أرنج (أرنج)	orange <sup>1</sup> <i>n</i>
(رنگ) نارنجی	رەنگی پرتەقالی - نارنجی	أرنج (أرنج)	orange <sup>2</sup> <i>n, adj</i>
مسیر، مدار	مەدار - ریباز - یاگە	اوربیت	orbit <sup>1</sup> <i>n</i>
	ئامۆشیە - الوادە وردان		
در مداری گردیدن	لە مەداریک گەریان	اوربیت	orbit <sup>2</sup> <i>v</i>
درختستان، درختزار، باغ میوه	باخو میوهی - دره خسان	اورچر (أرچد)	orchard <i>n</i>
	باخەدار		
گروه نوازنده، ارکستر	گرووی موسیقازەن	ئورکی ستر	orchestra <i>n</i>
صحن اصلی تئاتر	ژە نکۆ - موسیقازەنی	(أرکی ستر)	
نظم، ترتیب - ردیف - دستور،	ئەمر - عەمرە - نۆع	أردر (نورد)	order <sup>2</sup> <i>v</i>
فرمان، امر - گونه	دەستوور - نە زەم - رز		
امر کردن، فرمان دادن	عەمرکەر دەی - دەستووردای (دان) ئورد		order <sup>1</sup> <i>adj</i>
معمولی، عادی، روزمره	عاده تی - عادی، روانه	ئوردینری	ordinary <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور معمول - مثل همیشه	به جوړی عادی	نوردینریلی	ordinarily <i>n</i>
معمولاً	به عاده‌تی وه‌ک جاران		
سنگ معدن - خاک معدن	به‌ردی‌کان - توه‌نه‌وێکانگی	نور	ore <i>n</i>
عضو، اندام - ارگ - سازمان	ئه‌ندام - عازا - وه‌سیله	نورگین (ارگان)	organ <i>v</i>
لرگان	نورگ - هه‌ندام، بنکه		
سازمان دادن - مرتب‌کردن	سامان دای (دان)	نورگینیز (اوگانیز)	organize <i>n</i>
	دامه زران		
تدارکات‌سازمان، تشکیلات	نیاز - ته‌داره‌ک‌سازمان	نورگینی‌زین	organization <i>n</i>
ساختار - ساماندهی	ئه‌ره‌مه‌رزنا - حازرکه‌ران		
مبدأ، اصل، منشاء - نژاد	به‌نگه‌سه‌رچاوه‌عه‌سل	آری جین	origin <i>n</i>
علت	سه‌رچه‌مه‌بیج‌بنه‌چه‌ق		
اصلی - بگرو، بدیع - نوین	عه‌سلێ - تازه، ئه‌وه‌لین	آری جینالی	original <i>adj</i>
خلاق	بنه‌ره‌تی - سه‌رچاوه‌یی		
در آغاز، در ابتدا - مبتکرانه	جه‌عه‌سل - جه‌ئه‌وه‌ل	آری جی‌نال	originally <i>adv</i>
	له‌عه‌زه‌ل - له‌بنا		
تزئینی، زیورالات - زینت	ته‌داره‌ک‌پرازانه‌وه‌شخڵ	أرنیمت	ornament <i>n</i>
زیب	وی یاوای - شخڵ‌دار	(نورین‌میت)	
زیستی - تزئینی، آذینی	پرخشڵ - زینه‌تی	نورین‌میتل	ornamental <i>adj</i>
	جوان کراو		
یتیم - یتیم‌کردن	هه‌تیوه‌هه‌تیم‌هه‌تیوکردن	نورفین	orphan <i>n-v</i>

ʌ      3:      ə      eɪ      ɔʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یتیم خانه - پرورشگاه یتیمان	هه یتیم خانه - په	نورفین بیج	orphanage <i>n</i>
شتر مرغ	روه ردگه ی هه تیوان وشتەر که رگه - وشتەر مر	آمستریج	ostrich <i>n</i>
دیگری، دیگر - چیز دیگر	مړیکی گه ووه له عاره بسان ئه ویو - ئه ویه ک	آزرا (آزرا)	other <i>adj-pron</i>
مکو- جزء به جزء	ئه وی تر - ئه و - جگه		
وگرنه، والا - غیر، دیگر	وه یلا - گوا - ده سا	آدرویز	otherwise <i>adv</i>
بایستن، لازم بودن - باید	جا یو - جا یچی ئه بی - ده یا - مه شیو	نوت (آت)	ought <i>v-ovx</i>
اونس - نوعی عیار وزن بوا بر	ئه وی - ئه شوی مه وو ئایره و کیشای که ۳۱	نونس	ounce <i>n</i>
با ۳۱ گرم	گره مین به زنی که ۳۱ گرمه		
مال ما، متعلق به ما	ئی نی ئیمه - ئینو ئیمه مالی هه مه	نور (آور)	our <i>adj</i>
مال ما (ضمیر ملکی)	ئی نی ئیمه - ئاناوی ملکی زه میری ملکی، مالو ئیمه	آورز	ours <i>pron</i>
خودمان خودما	خو مان - خو یمان - خو ه مان	آوریلوز	ourselves <i>pron</i>
سبقت گرفتن - گیر آوردن	وه لی دای - له به ردان	نووورتیک	overtake <i>v</i>
جلو زدن	گیر نه ورده ی		
بدهکار / مرهون بودن	قه رزار به ی - قه رزار بون به	نو	owe <i>v</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چونکه، برای اینکه بدهکار	له به ره وه ی - چونکه	ئوینگ تو	owing - to <i>prep</i>
به دلیل	وه رو ئانه یه - قه زار		
جغد - بوم	باده قوش - بوو - بوم	اول (نول)	owl <i>n</i>
متعلق به، مال، خود، خویش	ساحیو چيو - مالی	ئون	own <sup>1</sup>
خودم - خودمان ....	خۆم - ئینوویم		
مالک بودن، دارا بودن، داشتن	ساحیویه ی (بوون)	اون	own <sup>2</sup>
	مالک بوون		
مالک، صاحب - اعتراف	مالک - ساحب - ساحیو	ئویر	owner <i>n</i>
گاوتر	گاوی ئیر - ئیره گا - گاهیت	آکس	ox <i>n</i>
چشم درشت	چاوه گوره - چه م پان	آکس آید	ox - eyed <i>adj</i>
	چه م واز - چاوباز		
ابی سیریشمه ای	ئاوی دیز - که ووی	آکس یلو	ox - blue <i>adj</i>
	مه یله و نه رخه وانی، خمی		
صدف خوراکی	سه ده فه و ده لیای	ئوستر	oyster <i>n</i>
	سه ده ف له ده لیا		
لایه اوزون - (03) گازی که جلو	چینی له ئوکسیژن که به ری	ئوزون	ozone <i>n</i>
پرتوهای مضر خورشید را	تیزگی بان به نه وشى	(لفظاً فرانسو)	
می گیرد	خوړ نه گری		
درخت آدامس گردی یا بته که	وه نسی یا قه سقه وان که	قزوان	qzwan
در کردستان می روید	شیره ی نه بیته بنیشت (ویژ، ن)		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



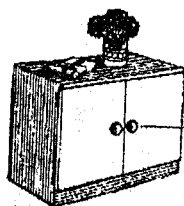
donkey



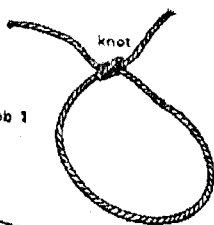
OWL



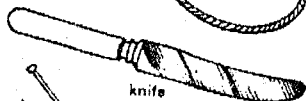
OSTRICH



knob 1



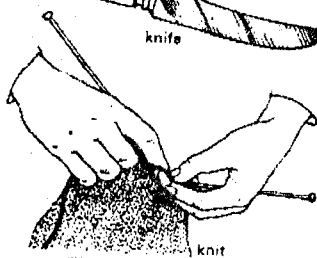
knot



knife



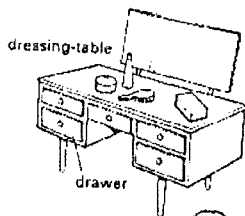
knee



knit



dress 2

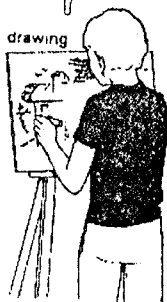


dressing-table

drawer



drink 1



drawing

ارد دوم  
م - ۸۰ - ق

doll

بروک



شاپور دوم

م - ۲۲۵

## P

## p

## انگلیسی

## تلفظ

## کردی

## فارسی

English

Pronunciation

Kurdish

Persian

P	پی	پیت یا حەرفی شانزده	حەرف شانزدهم الفبای
parowjiara <i>n-sub</i>	پاروجیارە	یە م لە ئەلفبای ئینگلیسی قەسەم بە خۆر لە هەورامان یاوە	انگلیسی قسم به خورشید در منطقه اورامان هنوز رایج است
pap <i>n</i>	پاپ	ناوی پاپی گەرە لە زەمانی یار تە کاتە لە کلیسای پاپە یان باوک یان لە پاوە دروست کردووە گەرە کی (سەردی)	نام پاپ مشهور در عهد اشکانیان که در پاوه کلیسای پاپه یعنی پدر را در محله (سەردی) ساخت. (۲۰۵۰ میلادی)
pa ( <i>dad</i> ) <i>n = papa</i>	پا	کەلیمی کۆلۆکریا و پاپای - کورت کراوی پا پا یان باوک یا بابە و تاتە	کلمه کوتا هسه د پاپا یا بابا پاوه
pace <sup>1</sup> <i>n-v</i>	پیس	هە نگاو هە نگام - قە دە م	گام، قدم - با قدم اندازه گرفتن
pace <sup>2</sup> <i>v</i>	پیس	هە نگاو هە لگرتن - هە	گام برداشتن، قدم زدن
pack <sup>1</sup> <i>v</i>	پک	نگام نیای - قە دە م دای بە ستن - پیچای	جا دادن، بستن، پیچیدن
pack <sup>2</sup> <i>n</i>	پک	رائه وه که رده ی بار کردن پیار زە بە سە - دە سته	بسته، بسته، بسته، بچم کیسه
package <i>n</i>	پکیج	کۆل - تۆشە وەرە بە سته - بە سە کار تۆن	بسته، بچم، محموله کارتن

h m n η l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
packet <i>n</i>	پَکیت	پاکه ت ببه سته ی بچووک	پاکت، بسته کوچک - قوطی
		به سه ی وردی	
pad <i>n</i>	پَد	(پارچه ی زه خم) باندی زه خم	تودوزی - بالش تک
		پشک دوشه کله - پشتی	باندزخم - پانومه گربه
paddle <sup>1</sup> <i>n</i>	پَدل	پارو - سهوَل - تیخه	پارو - راکت بازی
		چهرخ - چوَلِیبا سشووی	
paddle <sup>2</sup> <i>v</i>	پَدل	پارو و دای - پارو و لیدان	پارو زدن - کوفتن
		رانه لوای دلی ئاوینه	
paddy <i>n</i>	پَدی	برینج زار - پوسه برینج	شالیزار - شلتوک برنج
		شهل تووک - چاره برینج	
padlock <i>n</i>	پَدلاک	قولف، قولف کردن	قفل (مهر صندوق، ...)
page <i>n</i>	پِیج	لاپه ره - دیس - سه	صفحه (کاغذ / کتاب) - ورق
		فحه و قاقه زی	
pail <i>n</i>	پِیل	سه تل - سه تله - دۆله	سطل، دلو
pain <i>n</i>	پِین	دهرد - ئیش - ره نج	آسیب، درد زحمت، آلام
		سه ده مه - له تمه	
painful <i>adj</i>	پِین فوَل	پرئیش - دهروون ریش	دردناک - بُر زحمت،
		پرده رد	آزارده
pains <i>n</i>	پِینز	پهله قاژۆ - ته قالا	تلاش، نقلا
		کوشش - ههول	
paint <sup>1</sup> <i>n</i>	پِینت	ره نگ	رنگ

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رنگ کردن / زدن نقاشی کردن	ره‌نگ که‌رده‌ی (کردن)	پینت	paint <sup>2</sup> <i>v</i>
نقاش، نقاش ساختمان	نه‌قاش - ره‌نگ‌ده‌ر	پینتر	painter <i>n</i>
نقاشی	نه‌قاشی	پینتینگ	painting <i>n</i>
جفت (به‌هم چسبیده) - دوتا	جووت - جفت - پیوه	پیر	pair <i>n</i>
کاخ - قصر - کوشک	قه‌سره - کاخه	پَلیس	palace <i>n</i>
سفید، روشن - رنگ‌پریده	عما‌ره‌ت - دیواخان که‌مره‌نگ‌پر‌و‌شن، ر‌نگ‌پ‌را	پیل	pale <i>adj</i>
مات - مرز	ره‌نگ‌پ‌را - سه‌رحه‌د		
نخل، درخت خرما	دار‌خور‌ما‌دره‌ختو‌خور‌مای	پام	palm <sup>1</sup> <i>n</i>
کف دست	لوا‌سه - نا‌وده‌س	پام	palm <sup>2</sup> <i>n</i>
ماهیتابه، تاوه / تاب‌کاسه	ماهی‌تاوه - مای‌تاوه	پَن	pan <i>n</i>
تشت	تاوه - له‌گان - پیاله		
پاندا - خرس چینی	پاندا - ورچی چین	پَن‌د	panda <i>n</i>
شیشه، جام (دریانه)	حه‌شه‌و چینی شیشی‌شو‌شه - جام‌شیشه	پین	pane <i>n</i>
پهنه‌قاب‌نگرو و سقف، بزرگ‌رد	پانابی - تیکه - ئاره‌ق‌چِن، گ‌رو	پَن‌ل	panel <i>n</i>
وحشت، هراس، ترس، هول	ته‌رس‌ی - ته‌رس - زا‌وره‌چو، ده‌شه‌ت	پَن‌یک	panic <sup>1</sup> <i>n</i>
وحشت کردن، ترسیدن	ته‌رس‌ای (ترسین) زا‌وره‌چون	پَن‌یک	panic <sup>2</sup> <i>v</i>
نفس نفس زدن	ده‌شه‌ت گ‌ر‌ته‌ی هه‌نا‌سه‌سوار بیه‌ی	پَن‌ت	pant <i>v</i>
	ماندوو بوون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پانتومیم - نمایش بی سخن	نمایشی بێ قسه - نمایشی	بَنْ تَمیم	pantomime <i>n</i>
گنجینه، صندوقخانه - انباری	رازى دىو و جن و پهرى ئو تا قى خوراك و پيخور	بَنْ تَرى	pantry <i>n</i>
شورت - شلوار	ئو تا قه و وارده مه نه گه نجه خانه همار پاتۆل - پاتۆل	بَنْ تَس	pants <i>n</i>
کاغذ - روزنامه - نوشته،	زیر شه وال		paper <i>n</i>
ورقه - برگ هویت - صفحه	قافه ز کاغذ به رگه، سه نه د	پَپیر	paper <i>n</i>
گیره کاغذ	روزنامه - نووسراوه گیره ی کاغذ - قولاو	پَپیر کلپ	paper clip <i>n</i>
چتر نجات - باجتر پیرین	سجاقه و قافه زى چه تری نه جات - چه تره	بَچْ شوت	parachute <i>n-v</i>
سان، رژه - نمایش	و پره واره ی (پهرین) ریژه - و یشان دا - خو	پَرید	parade <sup>1</sup> <i>n</i>
عرض اندام	نیشان دا بجه سه ف چون ریژه لوای (چوون) - وى	پَرید	parade <sup>2</sup> <i>v</i>
سان رفتن، رژه رفتن	نیشان دای بجه قه تاره لوای به هه شت - یا گه خوړى	پَردیس	paradise <i>n</i>
بهشت، فردوس - جفت	و پهری - پهر دیس پارافین - ماده ییک	پَرفین	paraffin <i>n</i>
پارافین، نفت خام	به دی هاتوو له نه وت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پاراگراف، بند	چەن دێر - چەندسە تری	پَرگراف	paragraph <i>n</i>
پارالل، موازی - عرض	بە نە دێر تەریب - دوی کیری (=)	پَرلل	parallel <i>adj</i>
جغرافیایی، مشابه	لەولای - خەتێ نەویاریای		
ناقص کردن، فلج کردن	فەلەج - کەر دە ی (کردن)	پَرلێز	paralyze <i>v(se)</i>
فلج - لڤکرافتایی	ئیفلیج کردن ئیفلیج - ئەرە کەوتە	پَرلێزێس	paralysis <i>n</i>
	داکەوتە		
بستم - قطعە زمین - قەوارە	بەسەبەستە - تیکەزەوی	پارێل	parcel <i>n</i>
پوزش، بخشش - عفو	لێ بوار - بەخشین	پاردین	pardon <sup>1</sup> <i>n</i>
	ئازادەکە ی - گۆزەشت		
معذرت خواستن - چشم پوشی	عە فو لیخوازتن	پاردین	pardon <sup>2</sup> <i>v-n</i>
عفو	گۆزەشت خوازای		
پدر و مادر، والدین	ئەداو بابەدا یک ویاوک	پَرنت	parent <i>n</i>
ناحیه تحت نفوذ کشیش - بلوک	شاری ژیر دەسەلاتی	پَریش	parish <i>n</i>
بخش	کە شیش شارە کە شیش		
باغ ملی، گردشگاه عمومی	سەیرانگای گشتی - باخ	پارک	park <sup>1</sup> <i>n</i>
	ویاگێ وەشی گردەکی		
پارک کردن (اتومبیل...)	یاگێ مندرناو ماشینێ	پارک	park <sup>2</sup> <i>v</i>
	جیی پراوەستانی ماشین		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پارلمان، مجلس نمایندگان	جه‌مخانه و نمایاندانوخه‌لکی	پارلیمنت	parliament <i>n</i>
یا شورا	عماره‌تی پارلمان یا مه‌جلیس		
طوطی-تقلید کردن	تووتی-جوړی وه په له‌وه‌ر	پَرت	parrot <i>n-v</i>
	تایوه‌تو، هندستانی		
قسمت، بخش، جزعشرکت کردن	به‌ش - له‌ت - شوین	پارت	part <sup>1</sup> <i>n</i>
درفعالیتی-نقش‌بازی (درفیلم)	یاگی - لا - وه‌زیفه		
قسمتی، بخشی - تاحدی	به‌شی‌له‌تی‌یه‌شه‌ی - لته‌ی	پارتلی	partly <i>adv</i>
یکدیگر را ترک کردن - جزء	له‌یه‌ک جگنی بوون	پارت	part <sup>2</sup> <i>v</i>
جدا کردن	چه‌یوی جیا‌یه‌ی - جیا‌بون		
یکی از دو شکل فعل	دوو‌جوړفه‌رمان یا ن‌فعل	پارتی‌سی‌پل	participle <i>n</i>
وجه‌وصفی	(وه‌سفی) حال وگوزه‌شته		
خاص - دقیق - تک	تایه‌ت ده‌قیق - ته‌یوه‌ت	پرتیکیولر	particular <i>adj</i>
مخصوصاً - قلم‌به‌قلم	به‌تایه‌ت (تایوه‌ت)	پرتیکیولری	particularly <i>adv</i>
	چه‌گردفه‌ته‌ر		
همکار، شریک، زوج	شه‌ریک - شوو - یار	پارتیز	partner <i>n</i>
مهمانی، جشن - گروه - حزب	میمانی - جه‌ژن	پارتی	party <i>n</i>
	حزب - پارت - ده‌سته		
گذشتن، قبول شدن - رفع	ویه‌رده‌ی (داوگرتن)	پَس (پاس)	pass <sup>1</sup> <i>n</i>
شدن	ره‌دکه‌رده‌ی - یواردن		
قبولی در امتحان - گردنه	ویارد‌عمله‌ته‌بوول‌له‌ره‌د	پَس (پاس)	pass <sup>2</sup> <i>n</i>
جواز عبور - دریند	تیمتحان - جواز به‌رنامه‌ی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
راهرو، سراسر - بخشی از	را ره و نو و سراه به ده	پسیج	passage <i>n</i>
نوشته - کوچ - گذر - مجرا	گوزهر - پاسا جه به شی		
مسافر (قطار...) سرنشین	مسافیر - سه فەرکه ر	پسینچر	passenger <i>n</i>
عابر، رهگذر	راگوزهر - ری‌بوار	پسیرتی	passer - by <i>n</i>
هیجان، احساس قوی شهوت	شور و شه‌وق - خوروش	پشین	passion <i>n</i>
حرارت - عشق	ئحساسات مه یلی زور		
پرشور - شهوانی - زودخشم	تنده مه زاج - پرشور	پشینیت	passionate <i>adj</i>
شکل فعل مجهول - غیرفعال	زرناتی - توندخو		
پذیرا	فعل یافه زمانی نبو - چیرکار	پسیو	passive <i>adj</i>
پاسپورت، گذرنامه	بی‌ره مه‌ق - سه بوور		
	پاسپورت - گوزهر نامه	پسپورت	passport <i>n</i>
مدتهایش، در قدیم	ره‌نامه		
	ویره ده رابر دوو، له میژ	پست	past <sup>1</sup> <i>n</i>
	له پیش - نه‌وسا		
گذشته، زمان گذشته	وه‌ختی ویره ده	پست	past <sup>2</sup> <i>adj</i>
	فرمانی رابر دوو		
از کنار - گذشته - سابق	له پالی - له که‌نار	پست	past <sup>3</sup> <i>prep, adv</i>
	جه پاله نه - له کن		
خمیر - چسب - سریش	هه میر هه ویر - چه سب	پیست	paste <i>n</i>
سرگرمی، تفریح	شادی - خوشی - وه‌شی	پس‌تایم	pastime <i>n</i>
	نیشات - سه یران		

i:    ɪ    e    ae    a:    ɒ    ɔ:    u    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نوازش کردن/دادن-ماهسته	لاو نای - لاو اندن	پَت	pat <sup>1</sup> <sub>v</sub>
دست زدن به	پووه ته قیای		
نوازش - به وقت - چانه	لاونا - لاو اندنه وه	پَت	pat <sup>2</sup> <sub>n</sub>
خمیر	قالبه کهره، گونکه		
وصله، پینه، مزرعه کوچک	پینه-تیکه-پارچه زه وی	بَچ	patch <sup>1</sup>
تکه	ورده-وه سلّه		
پینه کردن، وصله کردن	پینه کهرده ی (کردن)	بَچ	patch <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	وه سلّه دای (کردن)		
جاده باریک، کور، هرامگنر	په سه را - کویره ریگه	بَژ (پَس)	path <sub>n</sub>
طریق	ری - جاده، ته ریقه		
صبور، شکیا - بیمار	ناوَهش - نه خوَش	پی شینت	patient <sup>1</sup> <sub>adj</sub>
	سابر - پرتاقت		
صبر، حوصله، بردباری	سه بر و تاقت - سه ور	پی شینس	patience <sub>n</sub>
	و سه بووری		
صبورانه، باصبر و حوصله	به سه بر - به تاقت	پی شینت لی	patiently <sub>adv</sub>
	سابرانه		
مریض، بیمار	بیمار-نه وهش-نه خوَش	پی شینت	patient <sup>2</sup> <sub>n</sub>
گشت - پاسداری	پاسه وانی - چه م داری	پاترول	patrol <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	گیلهر - گهره ر		
گشت زدن - نگهبانی دادن	پاسه وانی کردن - چه م داری کهرده ی	پَترول	patrol <sup>2</sup> <sub>v</sub>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای ضربه آهسته دادن	ته په ته پ که رده ی - زرمه هاتن	بیر	patter <sup>v</sup>
طرح، شکل، رنگ - الگو	نه خشه - نمونه	بێرن	pattern <sup>n</sup>
طریقه	شکل - شیوه - رهوش		
مکث، وقفه	مندرا - ویسا - ماتلی	پوز (پتوز)	pause <sup>1</sup> <sup>n</sup>
	ماتل		
مکث کردن، وقفه داشتن	مندرای - ویسیان	پوز (پتوز)	pause <sup>v</sup>
	ماتل بیهی (بوون)		
پیاده‌رو - راه آسفالتی	پیاده‌را - رای توهن	پیوینت	pavement <sup>n</sup>
	فهرشه - ری به‌ردین		
پنجه، پا (حیوان) - پتجول	په‌نجه و پای - په‌نجه ی پی	پتو	paw <sup>n</sup>
	چه پوله‌ حه یوان		
گروگذاشتن - رهن دادن	ره‌هن دای گره‌ن یان - پاون نه‌من	پتوینو	pawn <sup>v</sup>
مزد دادن، پرداختن	پی‌دان - په‌نه‌دای	پی	pay <sup>1</sup> <sup>v</sup>
	وچارده‌ی (بیه‌ره‌پی‌ی)		
پرداخت - وجه پرداختی	وچارده‌سوزارد - په‌نه‌دا	پی‌مینت	payment <sup>n</sup>
مزد، دستمزد حقوق	هه‌ق‌ده‌س کاره‌ه‌ق ده‌ست	پی	pay <sup>2</sup> <sup>n</sup>
نخود، نخودسبز	توک - توه - په‌وله‌ره	پی	pea <sup>n</sup>
بایگانی مالی	دانایانی مالی، چاودیری	پی‌کیونیری	pecuniary archives <sup>n</sup>
	مالیاتی	آرچیوز	
آشتی، صلح - سکوت	سلحه - ناشتی	پیس	peace <sup>n</sup>
قرارداد	بیده‌نگی - ثارامی - بیر یار		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
peaceful <i>adj</i>	پیس فۆل	ئارام - ساکت - کش و	آرام، ساکت، صلح جو
		مات - هیمَن و ئه هوهَن	با صفا
peach <i>n</i>	پِچ	هه شتالۆه - قوْخ	هلو - شنگالو
peacock <i>n</i>	پِی کاک	تاوس (که رگی هندی یه)	طاووس
peak <i>n</i>	پِیک	قوچه کهش - ئاسوگا	قله کو، بالای تپه - لبه کلاه
		کهل - نووک	اوج
peal <i>n</i>	پیل	هاره نه ره - گر مه شراخه	صدای گوشخراش - غُزْش و عِد
peal <i>v</i>	پیل	گرماندن - گرمای	طنین انداختن، غریندن
		نه رنای - هاره ئامه ی	
peanut <i>n</i>	پِی نات	باده مزه مینه - موزامزه مینه ی	بادام زمینی، بادام خاکی
pear <i>v</i>	پِر	هه رمی - هه مرو - مرو	گلایی - آمروود
pearl <i>n</i>	پِرل	مرواری - مرواریه	مروارید - صدفی
pebble <i>n</i>	پِل	ریز - به رده خرکه	ریگ، شن
		زیخ - پیچه ک - ریخ	
peck <i>v</i>	پِک	به ده نووک خواردن	نک زدن، با منقار خوردن
		دند دووک شه نه ی	
peculiar <i>adj</i>	پِی کیولیر	عه جه یواتی - تاییه ت	عجیب، غیر معمولی - ویژه
		ته یوه تی - تا قانه	
pedal <sup>1</sup> <i>n</i>	پِدل	پاده ر - جی بی - په دال	پدال، رکاب
		رکا وله دوچه رخه	
pedal <sup>2</sup> <i>v</i>	پِدل	پادا ی - پِی لیدان	رکاب زدن، پدال زدن
		په دال دای - رکاودان	



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عابر، رهگذر - بی‌روح	راگوزەر - ری گوزەر	بی‌دس‌ترین	pedestrian <i>n,adj</i>
پوست میوه	خراپ‌ویی‌هازوتین پیستی‌میوه - توئیکلی‌میوه	پیل	peel <sup>1</sup> <i>n</i>
پوست گرفتن (میوه،...)	توکلە‌میوه - پۆس - پیس پاقلیس‌کەرده‌ی - پیس	پیل	peel <sup>2</sup> <i>v</i>
نظرانداختن، نگاه کردن، نژدانه	دەر‌هاوردن - توکل‌کە‌نە‌ی نە‌زەر‌وسە‌ی - تە‌واشا	پیپ	peep <sup>1</sup> <i>v</i>
جیک جیک کردن	بە‌پە‌لە‌کردن - چە‌م‌وسە‌ی‌زو		
نگاه‌گنرا، نگاه‌سریع‌نژدانه	چە‌م‌وز - چاو‌خست‌بە‌دزە	پیپ	peep <sup>2</sup> <i>n</i>
چوب لباسی - گیره لباس	لاونیم‌دی‌ای، بە‌دزە‌روانین گیرە‌ی‌لیباس - چۆ‌دە‌وار	پگ	peg <i>n</i>
میخ چوبی‌همیزان	گیرە‌سیپال - بزمار		
قلم، قلم خودنویس	خودکار - قە‌لە‌م	پن	pen <sup>1</sup> <i>n</i>
	خون‌نویس		
اغل - زاغه‌فرغدانئ	پە‌چە‌حە‌یوان - یاگە‌کەرگە	پن	pen <sup>2</sup> <i>n</i>
پنالتی، جریمه، تنبیه	گاجی‌وگە‌ورسازخه، کولین جریمه - تاوان - خە‌تا	پنل‌تی	penalty <i>n</i>
مداد	مه‌داد	پن‌سیل	pencil <i>n</i>
رخنه / نفوذ کردن	دە‌لن‌ای‌دە‌ل‌اندن - دل‌ی‌لوای	پن‌یت‌ریت	penetrate <i>v</i>
	کون کردن - ناوچون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چاقو، چاقوی توجیبی	چه قوی باخه‌لی - چاقوو	پن نایف	penknife <i>n</i>
قلم تراش	گیفانی - مه‌داد تراش		
پنی (سکه رایج بریتانیایی)	پوله ورده جه ینگلیس	پنی	penny <i>n</i>
$\frac{1}{100}$ بوند	ورده پوول له ئنگلستان		
حقوق بازنشستگی - پانسیون	هه قوئی بازنشستی	پن‌شن	pension <i>n</i>
	مواجووی ئاخری کاروپیری		
مردم، اشخاص، افراد	مەردم - خەلک	بی‌هل	people <i>n</i>
	کەسان - نەفەرێ		
پودر فلفل - فلفل سبز	ئالەت تونی - ئالە ته	پیپر	pepper <i>n-v</i>
فلفل زدن	بیبار - گەردە بیبەر		
نعناع - قرص نعناع مسوسنبر	نەعنا کبۆی - قورسی	پیپر مینت	peppermint <i>n</i>
	نەعنا - نەعنا هەردی		
هر، در، بلبوسیلە سازاه	لە - هەر - بە - یا - جە	پر	per <i>prep</i>
درصد %	دەرسەد - بەشی لەسەد	پرسنت	percent <i>n</i>
	چیوێی جە سەدی		
(روی شاخه / میله) نشستن	ئەوێ نشتە - ئەوێ نیشن	پرچ	perch <i>v</i>
نشستگاه	لەسەر (دار - تەل - ..) چل		
عالی - کامل، درست‌بینی عیب	کامل دروست - باش	پرفیکت	perfect <sup>1</sup> <i>adj</i>
	درؤس - تەوا - چاک		
کاملآ به‌طور کامل - خیلی	بە تەواوی جە گردوگرد	پرفیکتلی	perfectly <i>adv</i>
کامل کردن - تکمیل کردن	کامل کەردە - تەواوکردن	پرفکت	perfect <sup>2</sup> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کمال - تکمیل	که مآل - ته کمیل	پرفکشن	perfection <i>n</i>
عمل کردن، انجام دادن	کار ته و او کردن	پرفرم	perform <i>v</i>
موسیقی زدن	عه مه ل کرده ی		
اجرا، بازی در (فیلم)	کار کرد - نچرا - نمایش	پرفرمنس	performance <i>n</i>
نمایشنامه) - عمل - عملکرد	وی نشان دای		
عطر، بوی خوش - شمعطر کردن	عه تر - بوی وه شه	پرفیوم	perfume <i>n</i>
	بونی خو ش - نه شه دیو		
شاید - چه بسا	مو مکنه - گه هاز	پرهپس	perhaps <i>adv</i>
	مو مکینه، وادیاره		
دوره، عصر - نقطه	ده و ره وه عده - نوخته	پریود (پیرید)	period <i>n</i>
	ده و ران - نوخته ی ئاخو ره جومله		
نابود شدن، هلاک شدن	پریش پریش بیه ی - تیا چو رن	پریش	perish <i>v</i>
	ورد و هان بیه ی		
دائم، ثابت - همیشگی	دایم - بو هه میشه	پرینیت	permanent <i>adj</i>
	هه تا هه تایه		
دائماً - به طور همیشگی	دایمی - هه میشه یی	پرینیتی	permanently <i>adv</i>
اجازه دادن، مجاز دانستن	ئیجازه دان (دای)	پریمیت	permit <sup>1</sup> <i>v</i>
	ئازاد ئاسه ی		
جایز - موجه - زوا	ئیجازه - ئازاد ئاس، ره و ا	پریشین	permission <i>n</i>
جواز کار، گواهینامه اجازه	جواز - جه واز	پریمیت	permit <sup>2</sup> <i>n</i>
	ئیجازه نامه		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شخص، فرد کس - آدم - نفر	کەس - ئەفەریە - شەر - و - جود	پەرسن	person <i>n</i>
شخصی، خصوصی - فردی	تە یە تە - تاییە تی	پەرسال	personal <i>adj</i>
	وی یی - خویی		
کارگزینی	کار بەر یۆ بەری کار گزینی	پەرسنال لافەر	personal affairs <i>n</i>
شخصاً - به تنهایی	بە خۆم - حەر و ییم بە تە	پەرسنالی	personally <i>adv</i>
ترغیب کردن - واداشتن	هانه هانه دای مۆ چیار ی	پەرسود	persuade <i>v</i>
	کەر دە ی - رازی کردن بە		
تشویق، ترغیب و ادرا سازی	هانه هانه - مۆ چیار ی	پەرسو یژۆ	persuasion <i>n</i>
اعتقاد	تە شۆ یق - هە لێیان، ئە قیدە		
حیوان / آدم مزاحم، افت، بلا	بە لا - تا عوون - پە تا - قولج	پەست	pest <i>n</i>
در دسر	خودا - تر ئیشقنای - قولج		
جانور دست آموز و سگلی	حە یوانی پەت کریا	پەت	pet <i>n</i>
غیض - نولزش	جانە وەری دەستی		
گلبرگ گلها	گۆل بەرگ - پەرە گۆل	پەتال	petal <i>n</i>
	پەرە ی گۆلان	پەتل	
عریضه، دادخواست - تقاضا	عەر زەو حال - داد	پەتی تی شین	petition <i>n</i>
	خواز - عەر یزە - تە قازا		
بنزین له نینگلیس	بنزین - بنزیل	پەترو ل (پترو ل)	petrol <i>n</i>
فلسفه - اصول نظریه ها	فەلسە فە - حکمەت	فیلان شفی	philosophy <i>n</i>
	علمی علەت پوون کەر		
مخفف telephone	کور ت کراوی تە لە یفون	فونون (فون)	phone <sup>1</sup> <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلفن زدن / کردن - صدا	ته له یفون که رده ی (کردن)	فون	phone <sup>2</sup> v-n
عکس، فتو	ده نگ - سدا - بانگ		
عکس گرفتن	عه کس - شیوه - وینه	فوتوگراف	photograph <sup>1</sup> n
عکاس، عکسبردار	وینه گرتن - عه کس گرته ی	فوتوگراف	photograph <sup>2</sup> v
هنر عکاسی - عکسبرداری	وینه گر - عه کس وز	فوتوگرافر	photographer n
	پیشه ی وینه گری	فوتوگرافی	photography n
	عه کس وزی		
عبارت (جمله ناقص)	جمله ی ناتمام	فِرز	phrase n
گزاره	راویژ - کورته جمله		
فیزیکی، طبیعی، مادی، جسمی	فیزیکی سروسشتی بیه ده نی	فیزیکل	physical adj
دکتر، پزشک - طبیب	دوکتور - دوگدر - حه کیم	فیزیشن	physician n
فیزیک - علم فیزیک	علم و فیزیک - فیزیک	فیزیکس	physics n
فیزیکدان	فیزیکزان - نو ساو فیزیک	فیزیسیست	physicist n
پیانو - نوعی آلت موسیقی	جوره نامرازیکه له موسیقا	پیانو	piano n
	وه سیلیوه موسیقای		
پیانست، نوازنده، پیانو	پیانوژن - لیده ری پیانو	پیانست	pianist n
انتخاب کردن، برگزیدن	هه لیزاردن - جیاوه	پیک	pick <sup>1</sup> v-n
مضرب - ذخمه	که رده ی - که نه ی (که ندن)		
انتخاب بگزیده زیده	هه لیزیر - جیاوزو چنیه ی	پیک	pick n
کلنگ کلنگ زدن	پاچ - زه نگن شه نه ی	پیک آکس	pick <sup>2</sup> n
پیک نیک، گردش	سه یران هه ردو که ش گیلای	پیک نیک	picnic n

f	v	θ	ð	s	z	f	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تصویر، نقاشی، عکس	نه قاشی - وینه - شیوه عه کسه	پیک چر	picture <sup>1</sup> n
پنداشتن، انگاشتن	به وینه نیشان دان - به زه ندنه ورده ی - خیال کردن	پیک چر	picture <sup>2</sup> v-n
تکه، قطعه، پاره، برگ	تیکه - لت - لهت	پیس	piece n
سوراخ کردن، فرو رفتن	توپه پارچه کون کردن - حوڵ کرده ی	پیرس	pierce v
نفوذ کردن	دلّی لوی - ده لاندن		
خوک - ادم خوک صفت	خوگ - به راز - به کانه وده ره - خوگ باو	پیگ	pig n
کبوتر - کفتَر	کو تر - کاوه تری	پی چن	pigeon n
بچه خوک	که مو و ته ر به چو له خوگ	پیگ لیت	piglet n
توده، انبوه، تل - کومه	به چکه به راز کو ما ماش (ماشو تفان)	پایل - پیل	pile <sup>1</sup> n
بُرز	کو مه ل ده سه - په لو پو		
انباشتن، توده کردن	هو رو دای - په ر کرده ی پر کردن - جهم کردن	پایل - پیل	pile <sup>2</sup> v
زائر، زیارت کننده	زیاره ت که ر ته و اف که ر	پیل گریم	pilgrim n
سفر زیارتی - زیارت	زیاره ت - سه فه ر بو زیاره ت و ته و اف	پیل گریمیج	pilgrimage n

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(دارو) قرص - حب	حبه - حەب - دنگه	پیل	<b>pill</b> <i>n</i>
ستون، تیر-خربالپایه	دانه - حەبی بەرگری کۆڵە کێ - کۆڵە کە - پایە	پیلر (پیلر)	<b>pillar</b> <i>n</i>
بالش، متکا	سَرینگا - سَره نگا	پیلو	<b>pillow</b> <i>n</i>
روبالشی-روکش متکا	ژیره سەر - چیره سەر روه سَره نگا به ره سَرینگا	پیلوکس	<b>pillowcase</b> <i>n</i>
خلبان، ناخدا، کاپیتان کشتی	خەلە بان - فَرۆکە وان	پایلت	<b>pilot</b> <i>n</i>
پونز، سنجاق قفلی، سنجاق ته گرد	تە یارە ران، ناو بەر سنجاق - سنجاقی	پین	<b>pin</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
سنجاق کردن / زدن	سنجاق لێدان (دای)	پین	<b>pin</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
نیشگون گرفتن، کمی (نمک)	قورینج گرته ی - قورج گرتن	پینچ	<b>pinch</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
اضطاری	دەس پوره نیای بردن له		
مقدار اندک، ذره	تۆزە ی - زەرە یە ک	پاین-پیین	<b>pinch</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
درخت کاج، صنوبرنزار	قورینجی - قورج، کە می داره کاج سه وزه دار له ر	پاین	<b>pine</b> <i>n</i>
اناناس میوه کاج	ئە نانا س - میوه یە ک	پاین آبل	<b>pineapple</b> <i>n</i>
(رنگ) صورتی، گل، میخک	گەرمیانی، تۆم کاج ره نگی سورره تی، میخه ک	پینک	<b>pink</b> <i>n, adj</i>
پاینت - نوعی پیمانه	پێوانه یە ک، کە ۸	پینت	<b>pint</b> <i>n</i>
پیشتاژ، پیشگاه مهاجر اولیه	دانه ی گالو نیکه ئاماده و پیش ره موهه ندسی ئه ر ته ش	پینیر	<b>pioneer</b> <i>n</i>

i:

ɪ

e

æ

a:

ɒ

ɔ:

ʊ

u:

see

sit

ten

hat

arm

got

saw

put

too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هسته، دانه، تخمه	تۆم - دنکه - ناوک	پیپ	pip <sup>n</sup>
	پیشه - میوه - تۆو		
لوله، پیپفلوت، چپق	لولی، لولوله، قلیانه، قیزه	بایپ، بیپ	pipe <sup>n</sup>
جیغ	پوشکه شه راوشمشال		
ئۆدریانی، ئۆر داتشاراتی	دزی ده لایبی دزو چاپو	پایرت	pirate <sup>n</sup>
	کتیوی - که شتی دزانی ده لیا		
تهانچه هفت تیر	ده مانچه - ده وانچه	پیس تل	pistol <sup>n</sup>
گودال، چاله معدن، هسته هلو	چال - چالی - وله،	پیپت	pit <sup>n</sup>
هسته میوه مار، تفاع شیرجه	کون، ناوک میوه - پی شه میوه		
زمین بازی، زیرویمی، صلیقیر	زه وی و هرزش و کایه - مشه ما	پیچ	pitch <sup>1 n</sup>
	نه رمی و قوری ده نگ - قیر		
برپادانستن، چاقرژدن - پزاندن	ده وار و چادر هه لدان	پیچ	pitch <sup>2 v</sup>
	کوک کردن سه ره و چیریه ی		
ترحم، دلسوزی، دریغ	ره حم - دل سووتان	پی تی	pity <sup>1 n</sup>
	به زه ی - ئاخ و داخ		
ترحم کردن، دلسوزی کردن	دل سوته ی پی	پی تی	pity <sup>2 v</sup>
	ره حم کردن به دل سووتان		
مکان، محل - جا - شهر،	جیگه - یاگه - شوین	پلیس	place <sup>1 n</sup>
	دیار، دی، مقام، شار		
دهکده - رتبه	نیای هیشتن، بیرهاوردن	پلیس	place <sup>2 v</sup>
گذاشتن، قرار دادن	ئه ره نیای - ویرنامه ی		
بجا آوردن			

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
واضح، روشن، آشکار، زک	روون - ناشکراده شت	پلین	plain <sup>1</sup> adj
دست - عادی - دشت	روشن - همه علوم، ساده		
به طور آشکار، به وضوح	به ناشکرا - به روی	پلین لی	plainly adv
	روشن - به انسانی		
جلگه، دشت - ساده	دهشت - سارای ده شته	پلین	plain <sup>2</sup> n
بافتن (طناب، مو، ... ) گیس کردن	چینه ی گیسو گرته ی - چنن	پلنت پلنت	plait <sup>1</sup> v (pieat)
بافته موی بافته - طرّه	چینه - گرته - گیس ی	پلنت پلنت	plait <sup>2</sup> n
	نه وه گیریا - چنیاگ		
طرح، نقشه، برنامه ریزی	نه خشه - گلال و ته رح	پلن	plan <sup>1</sup> n
	به برنامه - پروژه		
برنامه ریزی کردن - قصد کردن	نه خشه کیشان بو	پلن	plan <sup>2</sup> v
	به برنامه ده سوپیه ی		
هوایما - مخفف aeroplane	ته یاره - بالوین	پلین	plane n
رنده - صاف	فروکه، ساف - رنده		
جرم آسمانی، ستاره	ماده و به ردیی آسمانی	پلنیت	planet n
	گیلدر - گهره - خول خور		
الوار، تختمبر نام مرام	دیمه که به ردو، به برنامه	پلنک	plank n
	ته موه دار - نامانج		
گیاه، نبات - ابزارگان	گیا - گیواو - رووه ک	پلانت (پلنت)	plant <sup>1</sup> n
کاشتن، نصب کردن	دار نیای - کالای - کیلین	پلانت	plant <sup>2</sup> v
	داچه قانندن له زه وی		

ua      p      b      t      d      k      g      tf      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کشتزار، مجتمع کشاورزی	زه‌وی گه‌وره‌ی کشتوکاڵ	پلانتیشن	plantation <sup>n</sup>
گچ ساختمانی	گه‌چ و خاکی سپی	پلاستر	plaster <sup>1 n</sup>
اندودن، گچ کاری کردن	موشه‌ما، گه‌چ کاری کردن	پلاستر	plaster <sup>2 v</sup>
پلاستیکی، پلاستیک	په لآستیک - باغه	پلاستیک	plastic <sup>adj, n</sup>
بشقاب، پلاک، دندان مصنوعی	ده‌وری، دیانی مه‌سنو‌عی	پلیت	plate <sup>n</sup>
سکوی قطار، جایگاه، صحنه	سه‌کۆی قه‌تار - جی‌گای	پلت‌فورم	platform <sup>n</sup>
خوارهایی ته‌یاره، ته‌ختای			
بازی کردن - نواختن (ساز)	گه‌مه‌که‌رده‌ی - کایه‌کردن	پلی	play <sup>1 v</sup>
به بازی گرفتن	موسیقازنه‌ی		
بازیکن، بازیکن فوتبال	گه‌مه‌که‌ر - کایه‌که‌ر	پلیئر	player <sup>n</sup>
نوازنده - بازیگر	لیده‌ری موسیقا		
زمین بازی و ورزش	زه‌وی کایه - زه‌مینو	پلی‌گرئونند	playground <sup>n</sup>
وه‌رزش و گه‌مه‌ی			
بازی، سرگرمی، نمایشنامه،	کایه - گه‌مه - شو‌خی	پلی	play <sup>2 n</sup>
فیلم	نمایش		
زیبا، دلچسب - گوارا	نمه‌کین - دل‌به‌رز - ریف	پلزن‌ت	pleasant <sup>adj</sup>
تام‌دار - پر‌نیشات			
به طور دلچسب	به‌دل‌وازی - به‌جو‌ری	پلزن‌تلی	pleasantly <sup>adv</sup>
ره‌زامه‌ندی - به‌وه‌شی			
شاد / خوشحال کردن	شاده‌کرده‌ی (کردن) - وه‌شحال	پلیز	please <sup>1 v</sup>
که‌رده‌ی - رازی کردن			

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لذت، خوشی، آرزو و حظ و میل	خوڤشی مه سرووری موه شی	پلیزر	pleasure <sup>n</sup>
خواهش (مؤدبانه) لطفاً	لیباران - خوایش	پلیز	please <sup>2 n</sup>
فراوانی، مقدار زیاد	فره و فره راوان - به کجار زوڤ	پلنتی	plenty <sup>n</sup>
فراوان - بسیار زیاد	فره - زوڤی زوڤ	پلنتی قول	plentiful <sup>adj</sup>
گازانبر، انبردست	گاز - قرتینه ربیز مارکیڤش	پلایرز - پلی پیرز	pliers <sup>n</sup>
باغچه مقوار، زمین	باخچه - تیکه زه وی	پلات	plot <sup>1 n</sup>
طرح	ته لانه زه مین، نه خشی مال		
نقشه (خانانه) - داستان	نه خشی و نا پیایی، بوختان	پلات	plot <sup>2 n</sup>
طرح، توطئه	نه خشی ی ژیره سه راز		
نقشه (خانانه) کشیدن	نه خشی ی ژیره سه رکیشان	پلات	plot <sup>3 v</sup>
توطئه کردن	چیر پا خالی کرده ی		
خیش، گاو آهن	گاوه سه ن - هیش	پلو - پلئو	plow = plough <sup>1 n</sup>
هسته - جووت (کاکي جوتیار)			
شخم زدن / کردن	جووت کردن هیت کرده ی	پلو - پلئو	plough <sup>2 v</sup>
کندن، کشیدن، چین و چروتن	که نه ی که نندن - ته کنای، زات	پلاک	pluck <sup>v-n</sup>
سربوش - دو شاخه (برق)	دو و شاخه ی کاره با و	پلاک	plug <sup>1 n</sup>
پریز - کلید	به رق ده رپوش - کلیلی به رق		
دو شاخه را به برق زدن	دو و شاخه به به رق (برق)	پلاک	plug <sup>2 v</sup>
مسدود کردن	دان - دو و شاخه و نه دای		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آلو - دل پسند	هه لۆ وهه لۆه سیاه یازه رده	پلام	plum <i>n</i>
لوله کشی آب	لوله که شی ئاو له مال	پلامینگ	plumbing <i>n</i>
گوشنالو، ئه‌ل چاق چله	لوله که شی ئاو ی چاخومه س - خه په کو له	پلامپ	plump <i>adj</i>
تلپ افتادن	قه له و فیه چاخ، شلیه کردن		
جمع، بیش از یکی - چند تایی	جه معه - جه م - جه	پلرل	plural <i>adj, n</i>
صورت جمع	یو یوبان - جه مدای		
به علاوه، باضافه	به علاوه سه علاوه ی (+)	پلاس	plus <i>prep</i>
بعد از ظهر - ظهر تا نیمه شب	دوانیه رو - دمانیه رو	پ - ام	p.m.
پلوتو (خدای زمین) پلوتون	خودای ژیرزه وی، پلوتون	پلوتو	pluto <i>n</i>
جیب (لباس) خودخوری	گیفانه - گرافان، میراق	پاکیت	pocket <i>n</i>
پول تو جیبی - پول کیف	پوولی ناو گیفان	پاکیت مانی	pocket money <i>n</i>
پوسته، غلاف (گیاه) بنیام	پوولو دلی گیفانی جی توّم - یا که توّم	پاد	pod <i>n</i>
شعر - چکامه	توّم دان - که مکول شیعری - شیعری	پویه - پوام	poem <i>n</i>
شاعر - سخن سرا	هوانراوه - بویت شاعیر - شیعری واچ	پوات	poet <i>n</i>
اشعار - آثار شعری	هوانراوه بویت شیعری بویتزه کان	پویتی - پواتری	poetry <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اشاره کردن / نمودن	نیشاره ت کردن - نیشاره	پوینت	point <sup>1</sup> v
تیز کردن مداد	که رده ی - قه ره وڵ گه ته ی		
نوک تیز - سرتیز	نووک تیز، ته شه ریام	پوینتد	pointed <sup>adj</sup>
نوک تیز - هدف - امتیاز،	نووک تیز، قو ناغ - جی	پوینت	point <sup>2</sup> n
مرحله - نقطه - محل	مه نزوور - نوخته میزان		
زهر، سم قاتل	سه م - سام - ژال	پوینزن	poison <sup>1</sup> n
	ژه حر - ژه قله موت		
زهری، سمی - مسموم کننده	ژه حر ی - سام تیکه ل	پایزنس	posionous <sup>adj</sup>
	ژاری - سه مدار	پوینزنس	
مسموم کردن، زهر دادن	ژه حر پیدان - ژاروسه م	پایزن (پوینزن)	poison <sup>2</sup> v
	په نه دای سه م تیکه ل که رده ی		
فرو کردن، به هم زدن	نه قیزه دای - پووه که رده ی	پوک	poke <sup>v</sup>
با آرنج زدن به	ئاگر بلا و کردن، سیخور مه لیدان		
تیرچوبی - دکل - میله	راژه - نیله مل دار، توله	پتول	pole <sup>1</sup> n
قطب (زمین) - تیرچه	ته و قه زه مین - ته و قی	پتول	pole <sup>2</sup> n
	تویی زه وی، قوتپ		
پلیس، یاسبان	پاسه وان - پاسه بان	پولیس - پالیس	police <sup>n</sup>
خط مشی - سیاست - تدبیر - مصلحت	ره وه ندره وه یه - ته گویر	پالیسی - پالیسی	policy <sup>n</sup>
براق کردن، جلا دادن	واکس دای - رو شن و	پالیش	polish <sup>v</sup>
واکس زدن	که رده ی - بریق ه پی دان	پتولیش	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
polish <sup>2</sup> <i>n</i>	پالیش	روڤن جه لا - واکس	روغن جلا - واکس
polite <i>adj</i>	پنولیش پولایت	ره و نه ق - رازنا عه ده و - ئارام و سه نگین	مؤدب، باتریت، مغر، هیخته
politics <i>n</i>	پالیتیکس	هیمن و نه جیب	علم سیاست، فن حکومت
political <i>adj</i>	پالی تیکس	سیاسی، به ته دبیر	سیاسی - مُدبَرانه
politician <i>n</i>	پالی تیکل	سیاسه ت زان - سیاست پیشه	سیاستمدار - دولتمرد
polytechnic <i>n</i>	پالی تکنیک	زانکۆی فنی	دانشکده فنی - پالی تکنیک
pond <i>n</i>	پاند	حهوز - حه ساره	حوض، آبگیر، استخر
pool <i>n</i>	پوول	گوومه - سه راو گوومه - هه سیر - میرگ	آبگیر، تالاب، استخر، شراکت
poor <i>adj</i>	پوور	میرگه سه رمایه شه ریک فه قیر - گه دا سواڵ	فقیر، ندار - بیچاره، بد
pop <sup>1</sup> <i>n</i>	پاپ	که ره - ئه رامه نده - داماک، که م ته په ئامه ی - چتی خالی	کم صدای تق - بامب
pop <sup>2</sup> <i>n</i>	پاپ	کردن - تلیه که رده ی - ته قه، واق	ترکیدن
pope <i>n</i>	پپوپ	موسیقای پاپ - چریه - فرتیه پایی ئه عزم، زابه ری،	موسیقی پاپ / مردمی - تُرق پاپ - پاپ اعظم
popular <i>adj</i>	پاپ یولر	کاتولیکه کان گشتی - گشت په سه ند	عامه پسند، محبوب، باب
		به ناو یانگ - باو	مردمی

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اعتبار، محبوبیت، عوام پسند	شۆرت - قابلی	پاپیولریتی	popularity <i>n</i>
تعداد جمعیت، مردم، گروه	ژماره‌ی نفوس - ژمار	پاپیولیشن	population <i>n</i>
گوشت خوک	گوشتو خووگی - گوشته	پُرك پُئورك	pork <i>n</i>
شوربا، حلیم، فزنی	شۆربا، شۆروا، حلیم، فزنی	پاریج (دوخوا)	porridge <i>n</i>
بندر، شهر بندری، طرف چپ	شاری که ناری ده‌لیا، لای چپ	پُرت	port <i>n</i>
شراب، قورمز	شه‌راوی سووری پر ته قالی		
حمال، باربر - سرایدار	کۆل‌بەر - ده‌روان	پُرتیر	porter <i>n</i>
دریان	حه‌مال - حه‌مال		
بخش، سهم، دانگ، تکه	به‌ش - قسمه‌ت - تیکه، دانگ	پُرتین	portion <i>n</i>
تصویر / نقاشی، چهره	وینه - شیوه - عه‌کسه	پُرتریت	portrait <i>n</i>
محل، مکان، شغل، مقام، نظر	مقام - یاگی - جی - پیشه	پوزی‌تین	position <i>n</i>
وضعیت، موقعیت، حالت، جا	و کار - وه‌زعه - حال	پزی‌تین	
معلمن - قطعی، (عدد +)	یه‌قین - ئاشکرا - ژماره‌ی	پازی‌تیو	positive <i>adj</i>
کامل، صفت مطلق	موسبه‌ت هه‌ره‌قه‌تی، کامل		
حتماً، مطمئناً	دل‌نیابه - حتمه‌ن	پازی‌تیولی	positively <i>adv</i>
دارا بودن، مالک بودن	داراییه‌ی - مالکوو	پزس	possess <i>v</i>
	ساحه‌ب بون		
تصاحب، مالکیت، دارایی	ساحه‌ب مالک سا‌حیو	پزس‌شین	possession <i>n</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فعال، کاری، عملی، واقعی	به که لک، سو و ده ند، عه مه لّی	پَرکتیکال	<b>practical</b> <i>adj</i>
تقریباً، عملاً، به طور عملی	له عه مه لا، جه هه قیقه ت	پَرکتیکالی	<b>practically</b> <i>adv</i>
تمرین، مشق، رسم و روال	هه و لّ - کوّشان - خو، عاده ت	پَرکتیس	<b>practice</b> <i>n(se)</i>
	په له قاژّی - عه مه لّ		
تمرین کردن - عمل کردن	عه مه لّ که رده ی - ته مرین	پَرکتیس	<b>practise</b> <i>v</i>
	کردن - شوینا چوون		
تحسین / ستایش کردن	ته حسین کردن - باس و	پریز	<b>praise</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
	خه یری که رده ی - تاریف دان		
تمجید، تحسین، ستایش، آفرین	ته حسین باس و خه یری	پریز	<b>praise</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	تاریف - ئافه رین، سه نا		
کالسکه بچه، فُرَشکِه بچه	ره و ره و دَر و شکه ی منالانه	پَرَم	<b>pram</b> <i>n</i>
نماز خواندن، دعا/	نما و نو یژ کردن - دوعا	پری	<b>pray</b> <i>v</i>
نیایش کردن، عبادت کردن	که رده ی هور و لالیای و ره خودای		
دعا، نماز، نماز گزار، عبادت	دو عا، نما، نو یژ هور و نما که ر	پریپر	<b>prayer</b> <i>n</i>
موعظه کردن، نصیحت کردن	ئیر شاد که رده ی مو چیا ری	پریچ	<b>preach</b> <i>v</i>
پند دادن	که رده ی (کردن)		
واعظ، مبلغ، کشیش	مو چیا ری که ر - ئیر شاد که ر	پریچر	<b>preacher</b> <i>n</i>
احتیاط - پیشگیری	هو شیراری و ریا بی جه رگری	پری کوشین	<b>precaution</b> <i>n</i>
گرانها، پربهلو، سواسی	قیمه تی خفه گران - ئازیز	پریشس	<b>precious</b> <i>adj</i>
پیش بینی کردن	وه ربینی که رده ی له پیشه وه	پری دیکت	<b>predict</b> <i>v</i>
پیشگویی کردن	وتن - جه وه لّ خه و ره دای		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیشگوئی، پیش بینی	جەوڵ خەوردای	پری دیکشن	prediction <i>n</i>
	وە رینی لێ پیش و تنه وه		
مبصر کلاس - أستاذ	سەر پر سی که لاس مفسیر و	پری فکت	prefect <i>n</i>
رئیس پلیس	که لاسی - ئوستاندار		
ترجیح دادن، برتر شمردن	بان تەر زانای باش تر	پری فیر	prefer <i>v</i>
	زانین		
مزیت، برتری - ترجیح، فرق	بان تەر - باش تر	پری فیرنس	preference <i>n</i>
پیشوند - تفاوت	پیش نەروە نیا، خواز	پری فیکس	prefix <i>n</i>
	بەرە وشە، جیاواز		
حامله باردار - بستن، پژ	ئاوس - ئەو رە، پر	پرگننت	pregnant <i>adj</i>
	دووگیان - لەم پەر		
تعصب، پیش داوری - غرض	غەرەز - زەم	پرچودیس	prejudice <i>n</i>
اسباب	پیش قەزاوت - زەرەر		
	ناھەق گوئی، قین		
آماده کردن - تدارک دیدن	حازر کردن (کەردە ی)	پری پر	prepare <i>v</i>
	تە دارە دان		
آماده، مهیاء - تدارک	تە دارە ک - حازر	پرپریشن	preparation <i>n</i>
تهیه	ئامادە		
حرف اضافه مثل in-to	بیتەکانی ئیزافی وەک To	پرپزیشن	preposition <i>n</i>
	وردە قسێ - جملە ریک کەر - پێسە (in)		

uə      p      b      t      d      k      g      tf      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نسخه (دکتر) - فرمان	نویسه و دوگدری - نووسراوی	پریس کریپشین	prescription <sup>n</sup>
ره نمود	دوکتۆربه لگه رده وای فرمان		
در اینجا، اینجا - فعلی	حازر - ئیسه زه مانی	پرزنت	present <sup>1</sup> adj
حاضر - اکنون	حال (فه زمانی ئیستا)		
در حال حاضر - کنونی	له م کاته - جه ئیسه دیاری	پرزنت	present <sup>2</sup> n
هدیه	پهی تو - پیشکesh		
به زودی - حالا - اکنون	چی زوانه نه - له م	پرزنتلی	presently adv
	نزیکانا - زوو - ئیسه		
هدیه دادن، اعطاء کردن	پیشکesh کردن - نیشان دای	پرزنت	present <sup>3</sup> v
حفظ کردن - مرابا کردن	پاریژنای - چاو دیری	پری زرو	preserve <sup>v-n</sup>
کمپوت، کنسرو، مربا	کردن مربه باو ترشی که رده ی		
نگهداری - حفاظت، حفظ	چاو دیری - پاریزی	پرزروی شین	preservation <sup>n</sup>
نیگداری	هوشیاری، چه م داری		
رئیس جمهور - رئیس،	سه روک کو مار	پرزیدنت	president <sup>n</sup>
مدیر (شرکت)	ره یس کو مه ل - مودیر		
فشار دادن - اطو زدن	شواری - گوشین	پرس	press <sup>1</sup> v
پیگیری کردن	ئوودان - وشیردن		
فشار، زور، اجبار، تنگنا	زوروشیر بیگاری هیژ	پرشیر	pressure <sup>n</sup>
ماشین چاپ - مطبوعات	ماشینی چاپ مه نگه نه	پرس	press <sup>2</sup> n
چاپخانه - نشر، جراید	ناوی میوه گرتن - چاپ، بلاوگه ری		

f fall    v voice    θ thin    ð they    s so    z zoo    ʃ she    ʒ vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وانمود ساختن - تظاهر کردن	وی نابەڵد کەردە ی	پری یتند	pretend <sup>v</sup>
ادعا کردن	خۆ بە باری ترا دان		
زیبا، جذاب، قشنگ، خوشگل	خۆ به نه زانی دان دل رفین - زەریف	پری تی	pretty <sup>1</sup> adj
تقریباً - نسبتاً - تاحدی	جوان - نمە کین تائە نە زانی یە ک - تا	پری تی	pretty <sup>2</sup> adv
بازداشتن، ممانعت کردن	هە دە دە ی - نزیک به بەرگری کردن (وەر)	پری و نت	prevent <sup>v</sup>
جلوگیری کردن	گرته ی) - بەرگری		
پیشگیری - جلوگیری - منع	بەرگری - وەرگیری	پری و ن شین	prevention <sup>n</sup>
قبلی، سابق، پیشین - قبل	وہ لیں - رابردوو لە میژ - چە و وە ل	پری و یس	previous <sup>adj</sup>
قبلاً سابقاً - پیشتر	جە تە دیم لە کۆ نە وە، لە مە و پیش پری و یسلی		previously <sup>adv</sup>
صید، شکار، طعمه - اسیر	مە لی کۆ ژ را و - پە لە وە ری	پری	prey <sup>n</sup>
غنیمت	کوشیا - نە چیر - تالانی - دیل		
ارزش، قیمت، بها - مژنه	قیمەت - ئیژای - نرخ	پرایس	price <sup>n</sup>
زخم کردن (یا آلت برنده) / روزنه	پۆرە چە قنای - پیا کردن	پریک	prick <sup>v</sup>
درد کردن - سوراخ کردن	و ل کە ردە ی - کون - ئی ش ئالوش		
خار، تیغ - خارش - سوزش	پیکۆ ل - ئالوش - دە رد پری - درک پری کل		prickle <sup>n</sup>
تیغ دار، خاردار - زبر	درە دار - درک دار، زوور	پری کلی	prickly <sup>adj</sup>
سوزش دار	پەرچە کۆ ل - زوور - قریچان		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غرور، تکبر، خودنمائی	فیز - فیس - ئفتخار	پراید	pride <i>n</i>
فخر - سربلندی	شانازی - خوڤنآندن (هاها)		
کشیش - موبد - روحانی	پیشه‌وای ئایینی مه‌لای	پریست	priest <i>n</i>
	مه‌سیحی - موغ		
نخستین، اولیه، ابتدائی	ئه‌وه‌لین - سه‌ره‌تایی	پرای مری	primary <i>adj</i>
عمده	بنچینه و پایه‌یی		
نخست وزیر	سه‌روک‌وه‌زیره‌سه‌روه‌زیر	پرایم‌مینی‌ستر	prime minister <i>n</i>
باستانی، قدیمی - ابتدایی	کۆن - کوئه - قه‌دیم	پری میتیو	primitive <i>adj</i>
بی‌تمنن	زه‌مان - قه‌دیمی، در		
شاهزاده - حاکم - سردسته	شازاده - ئه‌میر	پرنس	prince <i>n</i>
شاهپور	کوره‌شا		
پرنسس - شاهزاده خانم - ملکه	شازاده خانم - کناچه‌شا	پرینسس	princess <i>n</i>
عمده، اصلی، مهم‌ترین	به‌شی فره - لای فره	پرینسیپل	principal <sup>1</sup> <i>adj</i>
اصل سرمایه	عه‌سل - مودیر، بن‌مایه		
به‌طور عمده - اساساً	زۆرتەر - جه‌ئه‌سلۆ	پرینسیپلی	principally <i>adv</i>
	له‌عه‌سلآ		
فدیر (مدرسه...)، رئیس	مودیری مه‌دره‌سه‌مودیر	پرینسیپل	principal <sup>2</sup> <i>n</i>
	و مه‌دره‌سه‌ی، ره‌یس		
مسلك، مرام اخلاقی	مه‌رام و مه‌سله‌ک	پرینسیپل	principle <i>n</i>
اصل قانون، قاعده	عه‌سلّی گردی بینه‌وا، ئخلاق		
چاپ کردن - شهر کردن	چاپ‌که‌رده‌ی (کردن) مۆردان	پرینت	print <sup>1</sup> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چاپگر، چاپ‌کن - چاپچی	چاپ‌گر - چاپچی	پرینتر	printer <sup>n</sup>
چاپ، طبع، چیت، پوست، شهر	چاپ، مور، وینه، ئستامپ	پرینت	print <sup>2</sup> <sup>n</sup>
حبس، زندان	حیفز - زیندان	پرینز	prison <sup>n</sup>
	به ندیخانه		
زندانی، اسیر	زیندانی - حیفزی	پرینز	prisoner <sup>n</sup>
	به ندی - دیل		
خصوصی، شخصی، محرمانه	ته یوه تی - تاییه تی، سه ر یاز	پریوت	private <sup>adj</sup>
به طور خصوصی، قلباً	به جوړی تاییه ت - به	پریوتلی	privately <sup>adv</sup>
	ته یوه نی و مه حره مانه		
امتياز، ویژە، مزیت	هه ق - هه قی تاییه ت	پریویلیج	privilege <sup>n</sup>
برخوردار	بان ته ری - که لک		
جایزه - غنیمت	جایزه - ئه نعام	پرایز	prize <sup>n</sup>
	خه لآ تی		
محتملاً - احتمال دار که	زه نده مه لو - وادیاره	پرابلی	probably <sup>adv</sup>
	ره نگه ن، شایه د		
مسئله، سؤال، مشکل	گیر و گرفت - مه سه لی	پرابلیم	problem <sup>n</sup>
معضل	مه سه له - مه ته ل		
رفتن، رهسپار شدن	لوای - روین - دهس به	پروئوسید	proceed <sup>v</sup>
ادامه دادن	کارییه ی، درێژه پیدان		
پروسه، روند، جریان	ره وند - چوونه بر	پروئوسیس	process <sup>n</sup>
زوال، اقدام	حه ره یان، ره وش، دادخوازی		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صف، دسته، گروه، مشایعین	سه‌فه - ده‌سته	پروسین	procession <i>n</i>
یا (همراهان)	کۆمه‌له‌ی خه‌لک		
تولید کردن، ساختن	وه‌ش که‌رده‌ی سازین	پرو دیوس	produce <sup>1</sup> <i>v</i>
تولید، محصول، حاصل، ضرب	به‌ره‌م سه‌مه‌ر - حاسل	پرادا کت	product <i>n</i>
تولید، ساخت - فراورده	وه‌ش که‌رد - خو‌ش	پرودا کتین	production <i>n</i>
	کرد - به‌ره‌م - سازین		
محصول (کشاورزی)	به‌ره‌می که‌شاوه‌ری	پرو دیوس	produce <sup>2</sup> <i>n</i>
سبزی - میوه	سه‌مه‌رو کشتوکالی		
شغل، حرفه - اقرار - ادعا	پیشه‌وکار - ثیق‌رار، ئدعا	پروفشین	profession <i>n</i>
حرفه‌ای - شغلی	کاری - شوغلیوه	پروفشینل	professional <i>adj</i>
کارکشته	تاوسه‌ری - یه‌ک‌جۆرشوغل		
استاد دانشگاه	ئوستاد - ئوستاد و دانشگای	پروفیسر	professor <i>n</i>
سود، منفعت - بهره	سوود - فه‌یده - خه‌یر	پرافیت	profit <i>n</i>
سودآور، پرسود - پُرترآمد	پپرخی‌ر - پرخی‌ر - پەر	پرافیت‌لیل	profitable <i>adj</i>
	فه‌یده، چاک		
برنامه - نمایش	به‌رنامه و نمایش	پروگرام	programme <i>n(me)</i>
پیشرفت، ترقی - بهبود	ئاوه‌دان - پیش‌ره‌و	پروگرس	progress <sup>1</sup> <i>n</i>
	وه‌رلوا - تهره‌قی		
پیشرفت کردن - بهبودیافتن	ته‌ره‌قی که‌رده‌ی (کردن)	پروگرس	progress <sup>2</sup> <i>v</i>
	ئه‌ودان‌بیه‌ی		
پروژه، طرح، برنامه، برآورد	ته‌رحه‌بارنامه‌بین‌وز	پروچکت	project <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ممتاز، برجسته - مشهور	ممتاز - وه ره چه م	پرامی ننت	prominent <i>adj</i>
قول دادن، عهد کردن	به رز نه زهر - که م نه زیر قه وڵ دای (دان)	پرامیس	promise <sup>1</sup> <i>v</i>
عهد، وعده، پیمان - قول	شه رت که رده ی		promise <sup>2</sup> <i>n</i>
ارتقاء، مقام دادن	عهد و یه پیمان شه رت وه فا وه و به رده ی	پرامیس پرامووت	promote <i>v</i>
رواج دادن	پیش بردن بیان چون ی روت به	پروموت	promotion <i>n</i>
ارتقاء، ترفیع، تبلیغ	وه و به ری - به پیش	پرامووشن	
آگهی بازگانی	به ری به ره و ته ره قی، ره و اج		prompt <i>adj</i>
فوری، بی درنگ، سریع	زو و خه وری - گورج - جابه جا	پرامیت	
ضمیمه، جانشین اسم	رانا و - جی نا و باتی نامی	پروناون	pronoun <i>n</i>
تلفظ / ادا کردن	هه جا که رده ی - حرف و	پروناونس	pronounce <i>v</i>
اعلام کردن	پسته کان به ده نگ و تن		pronunciation <i>n</i>
تلفظ، ادک آواسازی	هه جا - یو یو واته و	پروناونس	
گواه، شاهد، نشانه، دلیل	جیا که رده و، حه رفه کان	پیشن	proof <i>n</i>
آزمون	دوام دار - شاهد	پرووف	
پروانه کشتی و هواپیما	ده لیل محه ک - نشانه		propeller <i>n</i>
ملخ هواپیما	مه له خ له فرو که - په ره له که شتی و ته یاره	پراپلر	
مناسب، صحیح، درست، خوب	دروست درو س - ریک به جی	پراپر	proper <i>adj</i>
به طور صحیح، به درستی	به دروستی و ریکی به راسی	پراپرلی	properly <i>adv</i>

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
property <i>n</i>	براپرتی	مال - سروهت - ملک	دارایی، مال، اموال، بویژی
prophet <i>n</i>	پرافیت	پێغه‌مه‌ر - خوداکیاس	پیشگو - پیامبر، پیغمبر
prophecy <i>n</i>	پرافیسی	خه‌به‌ر له پێشه‌وه دان	پیشگویی کردن، پیش‌بینی
		وه‌رواچی که‌رده‌ی	کردن
proportion <i>n</i>	پروپرتیون	ئه‌ندازه - به‌ش - میزان	نسبت، تناسب، سهم، ابعاد
	پروپوزیشن	متابیع	
propose <i>v</i>	(پروپوز) پروپوز	لی‌خوا‌زن ه‌یج‌وی که‌رده‌ی	پیشنهاد دادن / کردن، در نظر داشتن
proposal <i>n</i>	پروپوزل	لی‌خوا‌ز ه‌یج‌وی، را‌گه‌یاند	پیشنهاد، طرح، خواستگاری
prosper <i>v</i>	پراسپیر	موه‌فه‌ق بیه‌ی - پیش‌ره‌و کردن	موفق شدن، رونق داشتن
prosperity <i>n</i>	پراس‌پیریتی	پیروزی - وه‌شبه‌ختی	موفقیت، روزافزون، رفاه
		نیک به‌ختی	آبادانی
prosperous <i>adj</i>	پراس‌پیرس	ئاوه‌دان - سه‌رکه‌وتو	موفق - پروونق - آباد
		گ‌رنگ ورفا	
protect <i>v</i>	پروتکت	چه‌م‌داری که‌رده‌ی	نگهداری، محافظت، باییدن
		پشتیبانی کردن، چاودیری	
protection <i>n</i>	پروتکتیون	پشتیبانی - چه‌م‌داری	حراس‌ت، حفاظت، محافظ
		چاودیری	
protest <sup>1</sup> <i>v</i>	پروتست	شکات که‌رده‌ی - نارازی بوون	اعتراض کردن / داشتن
protest <sup>2</sup> <i>n</i>	پروتست	نارازی شکات، سمنجی	اعتراض، شکایت، اصرار
protestant <i>n, adj</i>	پروتستانت	پروتستان - یه‌کی‌له	پروتستان
		فرقه‌کانی دینی مه‌سیح	

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودخواه، مغرور، سربلند	فیزن - جهووی رازی	پرنود	proud <i>adj</i>
	له خو رازی، سه ره رز		
خودخواهانه، باسر بلندی	به ته که بر به فیس و ئیفا ده	پرنود دلی	proudly <i>adv</i>
اثبات کردن، امتحان کردن	تاقیو کرده ی - ئیشان دان	پروو	prove <i>v</i>
ضرب المثل، مثل	مه ته ل - مه ته له	پراورب	proverb <i>n</i>
تدارک دیدن، تهیه کردن	ئاماده کردن - گیر نه ورده ی	پروواید	provide <i>v</i>
	حازر که رده ی		
به شرط اینکه، مگر	به ئان شه رت به وشه ر ته	پرووایدید	provided(that)
تهیه، تدارک، خوار و بار	ئاماده - حازر - ته داره ک	پروو بژن	provision <i>n</i>
استان، ایالت، قلمرو	وه لا ت - ئوستان - ناحیه	پراوینس	province <i>n</i>
حوزه	مه ل به ند		
ایالتی، استانی، شهرستانی، اقل	وه لا تی - ئوستانی، شاری	پراوین ئیل	provincial <i>adj</i>
عمومی، همگانی، آشکار	گشتی - گردی - په ی	پابلیک	public <sup>1</sup> <i>adj</i>
جامعه	گردیو گشت - ئاشکرا کو مه ن		
مردم، ملت، جامعه	نه ته وه - مله ت	پابلیک	public <sup>2</sup> <i>n</i>
	خه لک، جامیعه		
منتشر ساختن / کردن	بلا و کردن - په خشو	پابایش	publish <i>v</i>
چاپ کردن	که رده ی، چاپ کردن		
انتشار، نشر، آثو، نشو به	په خش - بلا و که ری	پابلی کی شین	publication <i>n</i>
ناشر (فرد / شرکت)	په خشو که ر - بلا و که ر	پابلی شیر	publisher <i>n</i>
نفس زدن، فوت کردن	هه ناسه سواری به ی - فغو	پاف	puff <sup>1</sup> <i>v</i>
باد کردن	کردن (که رده ی) بیات یکردن		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فوت، پف، پک، وزش	فوو - کوکو و دووکه‌لی	پاف	puff <sup>2</sup> n
کشیدن، خربه دیدن، ماهیچه	پفه کجا، پوک سیگار و جگه ره کیش کرده‌ی (کردن)	پُل	pull <sup>1</sup> v
کشش، ضربیدگی	که نه‌ی - درهاوردن دیان دریژ که‌ری - کیشه	پُل	pull <sup>2</sup> n
پولوور - زیرپوش کتشی	کیشان، که وئوبیه‌ی چیرپوشی که ژدار	پُل‌نور	pullover n
پیراهن پشمی	ژیرپوشی که ش دروو		
نبض، ضربان، تپش (قلب)	دل داوه نه‌ی - ره‌گ	پالس	pulse n
تلمبه، پمپ، کفش بائنه بلند	لیدان - نه‌ها - دل‌فرین په‌م - واده‌ری، تلومبه	پامپ	pump <sup>1</sup> n
تلمبه‌زن، پمپ‌کردن، تپیدن	په‌م دای (دان) - بادان	پامپ	pump <sup>2</sup> n
کدو تنبل، کدو حلوا‌یی	کدوله که زه‌رده	پامپ‌کین	pumpkin n
زن - سوراخ کردن، شهر	کدوله کئی شیرینه ئه‌ره پاچای - کون کردن	پانچ	punch <sup>1</sup> v
منگنه - پانچ	وَل که‌رده‌ی - کوای - لیدان		
وزش، عمل نواختن / زن	کوتان - وه نه‌دای، سیخورمه	پانچ	punch <sup>2</sup> n
وقت شناس - خوش قول	وه‌ش قه‌وَل - خوش قه‌وَل	پانک‌چال	punctual adj
به موقع، سرقرار	وه‌خت ئه‌ژناس له‌سه‌ری وه‌خت وکات - سه‌ری	پانک‌چوالی	punctually adv
قه‌رار - جه‌سه‌روقه‌راری			

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(در نوشته) علامت گذاری کردن	عه لامه ت نیای - نوخته دانان	پانک چوایت (ات)	punctuate <i>v</i>
علامت گذاری در نگارش /	عه لامه ت نان - نوخته نیای	پانک چوای شین	punctuation <i>n</i>
نوشته	جو مله ی، نوخته دانان		
پنجر، سوراخ بادیرو	ول بیه - کون و شرپ	پانک چر	puncture <sup>1</sup> <i>n</i>
	قرنجیای		
پنجر کردن، سوراخ شدن	شر وول بیه ی - کون بوون	پانک چر	puncture <sup>2</sup> <i>v</i>
مجازات کردن / نمودن	عه ده و که رده ی - هه لاقه	پانیش	punish <i>v</i>
ادب کردن	کردن، گۆشمالی دان		
تنبيه، مجازات، جزاء	فه لاقه - گۆشمالی	پانیش مینت	punishment <i>n</i>
قصاص	سه رکوت		
دانش آموز، شاگرد، مردمک	دانش گیر - تازه کار	پیوپیل	pupil <i>n</i>
	گلینه ی چاو، گلاره ی چاو		
عروسک نمایشی، آلت دست	وه یولئ گه مه ی	پاپیت	puppet <i>n</i>
	بوکلە ی نمایش، بوکی جاش		
توله سگ	تو و ته کو له بیه چکه سه گ	پابی	puppy <i>n</i>
خالص، پاک، زلال، بی عیب	پاک - زه رال - خاوین	پیور	pure <i>adj</i>
	بیگه رد - بی غه ش		
رنگ زرد، سکی، ارغونی، جگری	ئه رخه وانی و جه رگی	پریل	purple <i>n, adj</i>
خرخر کردن، خرناس کشیدن	پرخنای - پرخاندن	پر	purr <i>vi</i>
	مراندن - مرخاندن		
فربه و تنگ نفس	چاخو هه تاسه سوار	پسی	pursy <i>adj</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
 pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چرک و شوخ و ڕیم جراث	هه و کیم - پیسی - چلک	پاس	pus <i>n</i>
آذوقه و خواربارسان	کاروانی پیخور - قافله	پرویر	purveyor <i>n</i>
	ویاری دای		
جوش چرکدار	جوش و زامی چلکین و ئاردار	پاستیول	pustule <i>n</i>
متهور در کار - سودجو	کارزان و پولدوست	پاشینگ	pushing <i>adj</i>
توسه بزدل	ترسه نوک - ترسه زال	پیوسی لاتی مس	pusillanimous <i>adj</i>
کنار گذاشتن	لاوردهی - لابردن	پوت لیمید	put aside
گندیدن - فاسد شدن	پو ترکیای گه نای گه نین	پیوتری فای	putrefy <i>v</i>
گندیدگی - فساد	گه نیو گه نا گه نیگی	پیوتری فاکشن	putrefaction <i>n</i>
مُج بیج	پوز بیچ	پاتی	puttee <i>n</i>
کوتوله - قذکوتاه	باواقوره ت - کور ته بالآ	پیگمی	pygmy <i>n</i>
پیژامه زیرشلواری - جامه خواب	بیجامه - ژیر شه وال	پجامیز	pyjamas <i>n</i>
هرم - نوعی شکل هندسی	هره م - جوړه شکلی	پیرمید	pyramid <i>n</i>
پیتون (نوعی مار ۱۰۰ کیلویی)	جوړه مار یک ۱۰ گه زی و	پیتن	python <i>n</i>
غیر رسمی) در آمریکا	سه دکیلو		
پیرانشهر، شهری در کردستان	ناوی شاری له کوردستانی	پیرانشار	pyranshar
شمالی و دریای کوه قندیل	ئیران وله په نای قه ندیل		
پاوه شهری در کردستان جنوبی	پاوه - یه کی له شاره کانی کوردستانی پاوه		pawa
و مرکزا و اما نات دریای کوه	خوار و مه لبه ندی هه و ر امان		
آتشگاه و شاه کوه	له په نای شاهویه		



PYRAMID



PLAITS



PENDULUM



PORANDOKHT



PESTLE AND MORTAR



PADLOCK



PLIERS



PARACHUTE



PYLON



PICKAXE



PEAR

KETTLE DRUM  
OR TIMP ANI

BASS DRUM



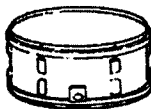
TAMBOURINE



DRUMSTICKS



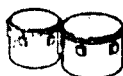
CYMBALS



SIDE-DRUM



GLOCKENSPIEL



BONGOS



TRIANGLE



XYLOPHONE



EAGLE



NEST



OWL



BIRDS OF PREY



FALCON



VULTURE

# Q q

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هفدهمین حرف الفبای انگلیسی	حه نده مین پیتی ته لقا	کیو	<b>Q</b>
جوجه کبک که سریعاً مخفی می شود	که و یاره گوار یاجو جه ژه ره ژ	کواژنکویاز	<b>qawbarr</b>
صدای اردک در آوردن	ده نگه مرئاوی ده رهاوردن	کوک	<b>quack</b> <sup>v</sup>
پزشک فلایی	چا چو لپازی که رده ی		
صلاحیت دار کردن، واجد	قابلیت دار که رده ی - نیجازه	کوالی فای	<b>qualify</b> <sup>v</sup>
شرایط بودن	پیدان لیاقت داربون		
قابلیت، تشخیص لیاقت	تاریف - باس - قابل	کوالی فی کشین	<b>qualification</b> <sup>n</sup>
قید و شرط	شناسان به		
کیفیت، خاصیت، جنس	شایسته ی باشی سیفیه ت	کوالی تی	<b>quality</b> <sup>n</sup>
مرغوبیت	جنس - چونه تی و چاکی		
کمیت، مقدار، عمده، تعداد	ئه ندازه - ئه ندازه میزان - تی کراکوان تی تی		<b>quantity</b> <sup>n</sup>
مباحثه، مجادله، بگومگو	داوا - نزاعه، قره	کوارل	<b>quarrel</b> <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مباحثه / مجادله کردن	ده نگ به رئا مه ی - داوا	کوارل	<b>quarrel</b> <sup>2</sup> <sup>v</sup>
مراقبه کردن	کردن - به یه کا چوون		
معادن سنگ شکار، طعمه	کانگه توه نکانگه به رد، راو	کوار ی	<b>quarry</b> <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوارت - پیمانە یک لیتری	پیمانە یە ک یە ک لیتری	کۆت (کۆرت)	quart <i>n</i>
ربع - محله، برزن، کوی	چارە ک سەعات محەلّی	کواتر	quarter <i>n</i>
مسکن - جا	کۆلّان - سەروازخانە	(کۆرتەر)	quarters <i>n</i>
خوابگاه، آسایشگاه	خەوگە هەرم گائارام	کواترس	
اسکله، بارانداز	و قەرارگا - قەرارگە		quay <i>n</i>
	باروزگا جە دەلیا	کی	
فرمانروای زن، ملکه	شارەنی - مەلە کّی	کوین	queen <i>n</i>
شاهبانو	مەلە کە شازن شاهەنگ		
عجیب، غریب دیوانه	عەجەب - عەجایب، خەرە فیا	کویر	queer <i>adj</i>
به طور عجیب و غیر عادی	بە جووری عەجایب	کویرلی	queerly <i>adv</i>
	بە عەجەبوی		
رفع تشنگی کردن	خاموش کردن - ئەرە مرئای	کوئچ	quench <i>v</i>
خاموش کردن	داکوژاندن، تینگی لا بردن		
پرسش، سؤال، استعلام	سو عاله - پەرسا - پەرسەو	کویری	query <sup>1</sup> <i>n</i>
سؤال کردن، پرسیدن	پرسین - ئەو پەرسای	کویری	query <sup>2</sup> <i>v</i>
	دووشک بیهی		
سؤال، پرسش - مسئله	سوئال - پەرسای	کۆسچن (کۆسشین)	question <sup>1</sup> <i>n</i>
بازجویی - موضوع	مەسەلّی - لّی پرسین		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سؤال کردن، پرسیدن	سوئال کەردە ی (کردن)	کۆسچن	question <sup>2</sup> v
	پرسین له		
علامت سؤال (؟) در پایان	عه لاهه تی سوئال	کۆسچن مارک	question mark n
جملات سؤالی صف (مردم)	(؟) له دوا ی جومله کان		
صف (مردم) - گیسو	رز و مهردمی - سهفه	کیو	queue <sup>1</sup> n
	سهف - قه تار - گیسسه		
صف ایستادن / کشیدن	رز دای - سهف کیشان	کیو	queue <sup>2</sup> v
	سهف مندرای		
تند، سریع بزود	تند - توند - زوو	کوبک	quick adj
احساسات ته دِل	به فره		
سریعاً - فوراً	به فره وه - به توندی	کوبکی	quickly adv
	به تند و تیژی - جابه جا		
بی سرو صدا - آرام	ئارام و ئه مین	کوابت	quiet <sup>1</sup> adj
سکوت - ملایم	بی ده نگ - کش و مات		
به آرامی - به نرمی	به ئارامی به بی ده نگ	کوابتلی	quietly adv
آرامش - ساکن	ئه رامه نده ی - ئاسوده ی	کوابت	quiet <sup>2</sup> n
	ماتی - بی ته کان		
لحاف - بالابوش	لیفه - لیف	کوابلت	quilt n
کاک، کاملاً - قبری	تیکرا - گرد و گرد	کوابت	quite adv
صدر صد - بی گومان	سه رجه م - به راستی		
لرزیدن، تکان خوردن	له رزین له رزای له رزای	کویوهر	quiver v

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English

بازی چیستان، سوالات کوتاه      سوئالی ئیمتحانی      کوئیز      quiz *n*

آزمون      به یوی خوای به که سی که نین      کوئوت      quote *v*

نقل کردن، نقل قول کردن      باس کردن - باس      کوئوتشن      quotation *n*

بازگو کردن      کهرده ی و تن (واته ی)      کوئوتشن      quotation *n*

نقل، اقتباس، ذکر      باس - نه قل - نام      کوئوتشن      quotation *n*

مظنه - فهرست قیمت      به رده ی، مزه نه      کوئوتشن      quotient *n*

خارج قسمت - میزان      خارج قسمت له ریازی      کوئوتشن      quotient *n*

اوگفت (که با کُردی می خواند)      کوت سوت سوتی وواتش      کوئوت      quoth *v*

کوته - مخلوطی از کوئیده مغز      کوته - کوتراوی گوئیزو      کوته      quta *n*

گرد و پسته وحشی و سوت      قزانو تو رویه که له هه ورامان

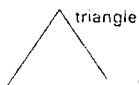
است که نوعی قاویت بوده و

زستانان سازی ده که ز

در اورامان باب است



Λ      3:      ə      eɪ      əu      aɪ      au      ɔɪ      ɪə  
cup      bird      ago      day      go      five      now      boy      near



triangle



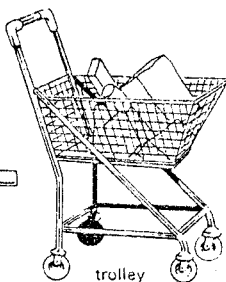
tray



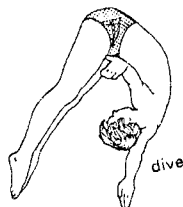
horn



tree



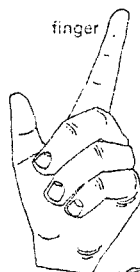
trolley



dive

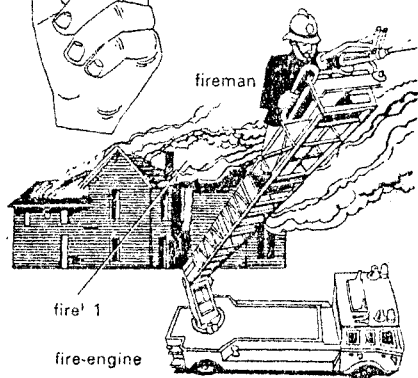


trigger



finger

fingerprint



fireman

fire

fire-engine



dog



diving-board

# R r

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>R-r</b>		هه ژده هومین حه ر فه وئه لڤبای آر	هیجده همین حرف الفبای انگلیسی
<b>Ra</b> <i>n</i>	را	را - ری - ریگا	راه - ده
<b>Raw</b> <i>n</i>	راو	راو	شکار حیوانات وحشی
<b>rabbi</b> <i>n</i>	رَبّی-رابی	رَوّحانی جوو (یهوودی) - خاخم	خاخام یهودی
<b>rabbit=hare</b> <i>n</i>	رَبیت-رَبیت، هر	که رویشک - هه وِریشه	خرگوش خانگی و صحرائی
<b>race</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	ریس	ره گهز - جوَر - ره سه ن	نژاد، نوع، طایفه، مبارزه
<b>racial</b> <i>adj</i>	ری-شال-رئیل	ره گهزی - ره سه نی	نژادی
		بنه مالی و تخمی	
<b>race</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ریس	کی به رکّی - هوَر	مسابقه رقابت
		سره نگنا، یو یارای	
<b>race</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	ریس	هوَر سره نگنای - تاقی	مسابقه دادن - تاختن
		کردن - مسابقه دان	
<b>rack</b> <i>n</i>	رَک	ره فه - تاقچه - قه فه سه	رف، قفسه، طاوچه، شکمچه
		کادان، ته له م وره نج	صفحه دندمرنج چرخ
<b>racket</b> <i>n</i>	رکت-راکیت	راکته تنیس - راکتو	راکت (تنیس، ...)
		گه مه که رده ی، باج گری	باجگیری - هیا هو

uo      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ممکن، شدنی، انجام پذیر	ممکین بیه - جوړیو	پاسیبل	possible <i>adj</i>
احتمال، امکان، چیزی ممکن	ئیمکان - ره ننگه - نواد یاره	پاس بیلیت	possibility <i>n</i>
تا حد امکان، شاید احتمالاً	گه هاز - تاشوینی لازم	پاسی بلی	possibly <i>adv</i>
تیر (چوبی / اهنی / سنگی) - مقام	دار - کوڵه که - دار تهل	پوست (پوست)	post <sup>1</sup> <i>n</i>
پست کردن - مطلع کردن	نامه پوست کردن - نامی	پوست	post <sup>2</sup> <i>v</i>
	پوس و سهی		
پست (نامه، ...) - پاسگاه کار	پوس - پوست بو نامه، مقام	پوست	post <sup>3</sup> <i>n</i>
هزینه پستی - تمبر لازم	پوولی پوست دان	پوستیج	postage <i>n</i>
	پولو و پوسی		
کارت پستال - کارت پستی	کارتی موباره کبادو پوست	پوست کارد	postcard <i>n</i>
	کار ته و مواره کی جه عه یده نه		
پستی - نامه رسان	پوس چی - نامه یاون	پوست من	postman <i>n</i>
اداره پست، پستخانه	عه داره ی پوست - عه داره	پوست آفیس	post office <i>n</i>
	و پوسی		
شغل، پست، مقام، رتبه	پیشه - مقام - روتبه	پوست	post <sup>4</sup> <i>n</i>
	دهره جه		
پوستر، پوستر، تبلیغاتی	به رگه ی راگه یاندن	پوستر	poster <i>n</i>
	به رگه و خه وهران		
عکس دیواری	دماوسه ی - دواخستن	پست پون	postpone <i>v</i>
به تأخیر انداختن	تیانچه - دهفر - گوژی	پات	pot <i>n</i>
کوزه، سبد، ظرف - دیگ	کو و په - قوړ - په گۆشی - تیان		
دیزی			

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوزه گری، سفالگری - ظرف سفالی	کۆزه گهری - کوپه سازی	پاتری	pottery <i>n</i>
سیب زمینی	سیوه زه مینی - سیفه	پیتی تو	potato <i>n</i>
	زه مینه		
ماکیان، مرغان خانگی	مر و که له شیر - کهرگو	پولتری	poultry <i>n</i>
طیور	که ره شیل - بالنده کان		
روی... بریدن - جستن	هه لمه ت و په لاماردان	پونس - پاونس	pounce <i>v</i>
ربودن	جه یا گی هورپرای - مله ره دای		
پاوند / پونسواحدوزن	پوند که ۴۵۴ گره مهله	پوند - پاوند	pound <sup>1</sup> <i>n</i>
	واحدی کیشان ووه زن (lb)		
پوند واحد پول انگلستان	واحدی پولی ئینگلیس 0	پوند - پاوند	pound <sup>2</sup> <i>n</i>
کویندن، ساییدن - بود کردن	گه و ره حه یوان - کوتان	پوند - پاوند	pound <sup>3</sup> <i>v-n</i>
تینیدن	کوی - ورد کردن		
جاری ساختن / شدن، باریدن	رژاندن - ئه ره که رده ی	پور (پُر)	pour <i>v</i>
	پاشای مته ی - ئاو جویین		
تنگدستی، فقر، تهیدستی	هه ژاری - فه قیری	پاورتی	poverty <i>n</i>
	که مده سی جی ده سه لاتی		
پودر، پودر خاکه - باروت	گه رده - پودر - توژ	پاودر	powder <i>n</i>
	خاکه قه ن - خاک و خوژ باروت		
قدرت، توان، نیرو، اختیار، برقی	هیز زور - قوه هازی	پاور	power <i>adj</i>
مقتدر، نیرومند، پُر زور	به هیز و توانا - گوریز	پاور فول	powerful <i>adj</i>
	وه کار - هه رزور		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رادار	رادار - وه سیلئوه که به مه و جی خه وه مه کیانو	ریدار	radar <i>n</i>
رادیاتور (ماشین،...)	رادیا تور - ده زگا و	ری دی تیر	radiator <i>n</i>
سردکن	هوادەر و ماشینان	رذیر	
فرستنده / گیرنده رادیویی	رادیو - ده زگای رادیو	ریدیو	radio <i>n</i>
شعاع (دایره) محدود مەخەد	لێزگی - تیشکی نور	ریدیس	radius <i>n</i>
	شوعاعی دایره (بازنه)		
بی شرف	بی شه رفو جاش	زفیش	raffish
کلک زورق بقایق بیهن	جوړه قایقی - جوړپوه	رافت	raft <i>n</i>
	ئاوگیل و پانه بن		
کهنه، پاره - تکه پارچه، کهنه	پهرو کونه - ورده ی	زگی	rag <i>n</i>
	چت - شر، کونه		
خشم، غضب، قهر، غد	جر - تووره من، قین، قه لژ	ریج	rage <i>n</i>
یورش، حمله ناگهانی	مله ره دای - هه لمه ته	رید	raid <sup>1</sup> <i>n</i>
شیخون	په لامار، راوانان		
یورش بردن، شیخون زدن	هه لمه ت دان، به ملادان	رید	raid <sup>2</sup> <i>v</i>
	هه لمه ت په ی دای		
ریل آهن، نرده	ری ئی ئاسنی بو قه تار	ریل	rail <i>n, v</i>
خوده گیری کردن	مه عجه ر و نه رده		
میله نرده ریل گذاری	مه عجه ر - میل	ریلینگ	railing <i>n</i>
	نویل ئاسار یگای قه تار		
خط آهن - سازمان راه آهن	ری ئی ئاسن - چیمه نه رفه تار	ریلوی	railway <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باران باریدن	باران بارین-واران وه شته ی	رین	rain <sup>1</sup> v
باران	باران - رنه پرن - وارن	رین	rain <sup>2</sup> n
	وه شت		
رنگین کمان، قوس و قزح	پولکه زیرینه - سینه	رین پو	rainbow n
	زه رینتی		
(لباس) بارانی	بارانی - کورته واران	رین کت	raincoat n
	لییاسه باران		
بارانی، بارانزا	هه وای بارانی	رینی	rainy adj
	وه شت واران		
بلند کردن، بالا بردن	سه ره رده ی، به خییو کردن	رینز	raise v
پرورش دادن	هه لگرتن - هورگرتی		
کشمش، هویز	کشمیش، میوژ هه چ کوچی	رینزن	raisin n
شن کش، مرغن باز	لم کیش - ریز نه ور، خره باله	ریک	rake <sup>1</sup> n
باشن کش صاف کردن	به لم کیش صاف که رده ی	ریک	rake <sup>2</sup> v
جمع کردن	جه م کردن		ran see run
دامداری بزرگ	جیی به خییو کردنی	رانچ	ranch n
مزرعه بزرگ	مالآت یا گئی په روه رده و		rang see ring
	مالآتی و حه یوانی		
سلسله جبال - گوناگون، متنوع	زه نجیر - جوړانجوړ، چنین	رینچ	range n
تیر رس، دیررس، بُردچراگاه	مه یدان - رزه که شتی، له وه رگه		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رتبه، درجه، سری، طبقه، لوج	رز-مقام، دهره، جه-شان	رتک	rank <i>n</i>
آزادسازی (آزندان، ...)	وه-رییهی جه زندان	زن-بیم	ransom <i>n</i>
باچ - باباچ آزاد کردن	ئازاد کران له به ند، باج		
تند، سریع، تنداب	توند - تند - زوو	رپید	rapid <i>adj</i>
	به فیره و په له، فرته		
به سرعت، سریعا	به توندی ده-رجا، ده-س به جی	رپیدلی	rapidly <i>adv</i>
کمیاب، نادر، بی نظیر	قیمه تی - که م پیدای	رر	rare <i>adj</i>
رقیق - گوشت نیم پز	که م پیدای		
به ندرت، به طور کمیاب، کم	حه رفره که م - یه کجار که م	ررلی	rarely <i>adv</i>
ادم پست فطرت، ادم رذل	به شه ری بی شه رف - ناپیاو	راس کل	rascal <i>n</i>
سفله، ناکس، بی شرف	نانه جیم - قول که و ته		
بی ملاحظه، نسنجیده	بی په روا - بی شه رم	رَش	rash <sup>1</sup> <i>adj</i>
بی پروا	نه زاندو		
از روی بی فکری	له رووی بی فکری	رَش لی	rashly <i>adv</i>
	جه بی هوشی		
جوش صورت، کهنیر	هیری - زیپکه له پارِی	رَش	rash <sup>2</sup> <i>n</i>
	جوش و زام		
موش صحرايي، جاسوسی کردن	مشکه هه ردی - مله و	رات	rat <i>n</i>
	کهش و نزاران، جاشی گه ری		
فی، بها، عوارض - سرعت	نه رخ - قیمه ت - قه رار	ریت	rate <i>n</i>
مقدار، نوع	باج - کوْد، میزان		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تا اندازهای، نسبتاً	تا حەدەیی - هیچتا کو	رایر	rather <sup>n</sup>
بیشتر، کمی	فره تر، که می		
سهمیه بندی کردن	جیره به ندی که رده ی	رژین	ration <sup>1</sup> <sub>v</sub>
کوین دادن	جیره به نی کردن		
سهمیه، جیره، کوین	بهش - جیره - مافی دیاری	رژین	ration <sup>2</sup> <sub>n</sub>
تکان دادن و به صدا در آوردن	ده نگ به ر نه ورده ی	رتل	rattle <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	له قانندن و ده نگ ده ر هاوردن		
جفجفه، وزاجی کردن	خشخشه - زه نگوله، راودان	رتل - راتل	rattle <sup>2</sup> <sub>n, v</sub>
دره باریک و عمیق، آبکند	ده ره قووله - چومی قوول	روین	ravine <sub>n</sub>
خام، نپخته - دست نخورده	ناشی - کال - نیاوا	رو	raw <sub>adj</sub>
تازه کار	نه گه ییگ، بی ته جره به		
اشعه، پرتو، تابش، اندکی	تیزگی - لیزگی - تشک	ری	ray <sub>n</sub>
ریش تراش، تیغ ریش	تیخ - قوتراش	ری زر	razor <sub>n</sub>
تراشی، تیغ	خوتراش، ریش تاش		
رسیدن به دسترسیدن	یاوای به - گه یین به	ریج	reach <sup>1</sup> <sub>v</sub>
رساندن	یاونای به - گه یانندن		
حصول، دسترسی	ده سه ره سی - یاوای	ریج	reach <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	ده س گه یین		
واکنش نشان دادن	جوابی چتی دان - جواو	ری آکت	react <sub>v</sub>
عکس العمل داشتن	ودای - کاری بیهی		
واکنش، انعکاس، ارتجاع	جواب دانه وه - جواو دای	ری آکشین	reaction <sub>n</sub>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>read</b> <i>v</i>	رید	خویندن، نه‌ی، فیربون	خواندن، قرائت کردن، مطالعه
<b>reader</b> <i>n</i>	ریدر	نه‌وه وان - خوینه‌ر	خواننده (کتاب، ...)، قاری
		وانەر	کتاب‌خواندنی
<b>ready</b> <i>adj</i>	ردی	حازر - ئاماده - مایل	آماده، حاضر، مایل، علاقمند
<b>readily</b> <i>adv</i>	ردیلی	به جورێ ئاماده - به حازری	به طور آماده
<b>real</b> <i>adj</i>	ریل	هه‌ره‌قه‌تی - راسته‌قینه	واقعی، حقیقی، راستین
		هه‌قیقی	
<b>really</b> <i>adv</i>	ریلی	جه‌هه‌قیقه‌ته‌نه، به‌راستی	حقیقتاً، واقعاً، راستی
		ئه‌شه‌ه‌دو - خوادا‌بزائو	
<b>realize</b> <i>v</i>	ریلایز	فامین - فامای - زانای	دریافتن، درک کردن
		زانین	کسب کردن
<b>realization</b> <i>n</i>	ریلایزیشن	فاما - په‌ی لوا	درک، تحقق، ادراک، فهم
		پێ زانی، په‌ی بردن	
<b>reap</b> <i>v</i>	ریپ	دره‌وکردن - جه‌م‌که‌رده‌ی	جمع کردن (محصول)
		گلێڕوکه‌رده‌ی، خه‌رمان‌کردن	درو کردن
<b>rear</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	رپر	په‌شتی - دما	عقب، پشت، درعقب
<b>rear</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	رپر-رپر	دوا - پشت	قسمت عقب، عقب
<b>rear</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	رپر-رپر	به‌خێو‌کردن - وه‌ی‌که‌رده‌ی	(بچه، دام، ...) داری کردن
<b>reason</b> <i>n</i>	ریزن	ده‌لیل - علله‌ت‌فام	سبب، علت، عقل، خرد

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
منطقی - مناسب	ئاقل - ماقوول	ریزن لیل	reasonable <i>adj</i>
خردمند - میانه‌رو	عادلانه - حساوییه		
به طور منطقی	به جووری ئه قلائی	ریزن لیلی	reasonably <i>adv</i>
استدلال کردن، دلیل آوردن	به ده لیل سابت کردن	ریزن	reason <sup>2</sup> <i>v</i>
	روشتو کهرده ی		
مطمئن ساختن	دل نیا کردن		
(علیه...) شوریدن	هوړملی کردن	ریل	rebel <sup>1</sup> <i>v</i>
نافرمانی کردن	چه ته یی کردن		
سربلایی، شورش، غائله	هوړملی - چه ته یی	ری پل پین	rebellion <i>n</i>
گردنکشی	سه رکه شی		
یاغی، شورشی، نافرمان	چه ته - هوړمل	ریل	rebel <sup>2</sup> <i>n</i>
	سه رکه ش، ری پر		
دریافت کردن / داشتن	به ده س یاوای - گرتی	ری سایو	receive <i>v</i>
پذیرفتن	گرتن، راگرتن		
رسید (دریافت پول)	ره سیده پوول	ری سمیت	receipt <i>n</i>
قبض	به رگه ی گرتنی پوول		
گوشی تلفن - گیرنده	گوشی ته له یفوننی - ده س یاوا	ری سایور	receiver <i>n</i>
دریافت کننده	ده س گه یی شه ریکودزی	ری سیپنیت	recipient <i>n</i>
مهمانی / مراسم رسمی، وصول	میما نی - میوانی	ری بیپشین	reception <i>n</i>
	قه بوول		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اخیر، تازه، جدید	تازه و نو - تازه	ری سنت	recent <i>adj</i>
	چی وه خسته نه		
اخیراً - به تازگی	به تازه بی له م وه ختانا	ری سنتلی	recently <i>adv</i>
دستور آشپزی / پخت	ده ستووری کار - نو سخه	ر سیپ	recipe <i>n</i>
	ده سووره چاشت		
بی باک، ترس، بی ملاحظه	بی پەروا - بی باک	رکالیس	reckless <i>adj</i>
	جەرگ دار		
بی باکانه، بی دقت	به بی باکی به جەرگ داری	رکالیس لی	recklessly <i>adv</i>
حدس زدن - محاسبه کردن	حه سا و کهرده ی - حیساب	رکن	reckon <i>v</i>
	کردن - گمان دای		
شناختن قبول داشتن	ناسین - نه ژناسای	رک جنایز	recognize <i>v</i>
بهرسمیت شناختن کشوری	به یاد نه و رده ی		
تشخیص، شناخت	بی سه ی - ناسینه وه	رک جنی شین	recognition <i>n</i>
بجاآوری	دوژینه وه		
پیشنهاد دادن / کردن	په نه سپارده ی - سپاردن	رک جند	recommend
نصیحت کردن	ناساندن - نه زه ردان		
توصیه، سفارش، معرفی	په نه سپارد - سپارد	رک جندی شین	recommendation <i>n</i>
	معه ر ه فی - ناساندنه وه		
نگاشتن - صفحه ضبط کردن	تۆمار کردن - زه بت	رک رد	record <i>v</i>
	کهرده ی - نویسای		
نوار ثبت، ضبط و صفحه آواز	تۆمار - نویسه - زه بت	رک ردینگ	recording <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گزارش، شرح، رکورد، سند	واته‌ی - خه به رمه دره ک	رَکُرد	record <sup>2</sup> n
مەلرک، بەرگه، صفحه‌آواز	راپۆرت بیه یان کرد، به‌رگه		
به‌بود / بازیافتن	خوش‌بووون - خاسووبیه‌ی	ری کاوِر	recover v
بازگرفتن	به‌ده‌س هاوردن		
به‌بودی، بازی‌س‌گیری	دۆزینه‌وه - ئه‌وه‌ئه‌ورده‌ی	ری کاوِری	recovery n
سوگرمی، تفریح	خاسووبیه‌ی چاکووبون		
	سه‌یران - خووشی، گه‌ران	رَکْرِیشین	recreation n
عضو جدید گروه	ده‌شت و کوگیلا‌ی		
	تازه‌کار - ئه‌ندامی نو‌یی	ری کرووت	recruit <sup>1</sup> n
	کوومه‌ل‌ئ		
عضو جدید گفتن	ئه‌ندامی تازه‌گرتن	ری کرووت	recruit <sup>2</sup> v
سرباز گفتن	ئستخدام که‌رده‌ی		
مستطیل	چوارگۆشه - چوار سووچ	رَکَت‌آنْگِل	rectangle n
قرمز، سرخ	سوور - ئال	رَد	red n, adj
تنزل دادن، کاستن	که‌م کردن - که‌مو	ریدیوس	reduce v
وزن کم کردن	که‌رده‌ی - چه‌نه‌وسه‌ی	ریدیوس	
کاهش، تنزل، کوچک‌ترشده	که‌مو که‌رد - که‌م کرد	ری‌داکشین	reduction n
	خوار هاورد - چه‌نه‌وز		
نی، نی‌لیک، آب‌سنگ	نه‌یچه‌نه‌یجی - سمه‌ری، یلو‌یر	رِید	reed n
قرقره، ماسوره	قرقره‌نه‌ی پیچ، که‌وتن	رِیل	reel v
تول‌تو خوردن	ده‌زگ پیچ - له‌تربه‌رده‌ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
refer <i>v</i>	ری فِر	نیشارهت کردن به‌لوا	مراجعة/اشاره کردن
		په‌ی بۆکن چون دوباره ناردن	بازگشت دادن
reference <i>n</i>	رِفِرَنس	ئوه‌لوا نیشارهت، رۆین بۆ	مرجع، مراجعه، رجوع
		په‌نه‌دا نیشانی ته‌ره‌فی	بازگشت - معرفی‌نامه
referee <i>n</i>	رِفِرِبی	په‌ی لوا - لارۆین	داور مسابقه‌داوری کردن
reflect <i>v</i>	ری‌فِلِکت	داوه‌رداوه‌روگه‌مه‌ی (کایه)	منعکس کردن - فکر کردن
		وه‌رگه‌ران بو دوازره‌نگیای	پژواک داشتن
reflection <i>n</i>	ری‌فِلِکشین	به‌بیرهاوردن	بازتاب (حرارت، نور،...)
		دما ناهمه‌ی هورۆگِیل	پژواک - عکس - تفکر
refresh <i>v</i>	ری‌فِرِش	هه‌لۆگه‌ران بۆدوا	خستگی در کردن
		شه‌که‌تی به‌رکه‌رده‌ی مانگی‌ده‌ر	تجدید قوا کردن
		کردن - هیزۆی نوێ	
		گرتن	
		حه‌سانه‌وه	
refreshment <i>n</i>	ری‌فِرِشمنت	وارده‌مه‌نی و نووشانه	خوراکی و نوشیدنی، خوردنی
		خوارده‌مه‌نی و نووشینه‌وه	فرح بخشی
refrigerator <i>n</i>	ری‌فِرِیچِرِیتر	یه‌خچال - جیی ساردۆ	یخچال
		که‌ری - یاگه‌چنای	
refrigerator		هه‌م معناه - دووشه‌ی	مخفف (Fridge)
fridge		یه‌ک مانا	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پناهگاه، محل امن و امان	جان په نا - گیان په نا	رِفیوج	refuge <i>n</i>
پناهنده (سیاسی، ...)	په نا گه، سه ره په نا په نا نه ور - په نا هاورد	رِفیوجی	refugee <i>n</i>
اوله	وئوس یانه - په ناخوازی سیاسی		
خودداری کردن	وئ لادای - خو لادان	ری فیوز	refuse <i>v</i>
جواب رد دادن	دهس پووه نیای، قه بول نه کردن		
امتناع، خودداری	خولاگر - وئ لادهر	ری فیوزل	refusal <i>n</i>
سریچی	لاده رد وورگیر، گوئ نه دان		
نگریستن، ملاحظه کردن	ته و اشا کردن - چه م	ری گارد	regard <sup>1</sup> <i>v</i>
خیره شدن	وسه ی دیای، روانین		
دربار، مراجع، به، مربوط به	جه مه وه سوو - بابه تر	ری گاردینگ	regarding <i>prep</i>
	له باری		
توجه، ملاحظه، احترام	چه م داری - چاودئیری	ری گارد	regard <sup>2</sup> <i>n</i>
در مورد، ارادت	قه درگیری - چه م جه لا، ریز		
بدون توجه، باوجود	بئ چه م داری - چه م جه	ری گاردلس	regardless <i>adv</i>
	لانه ریمپ چاودئیری، بهم حاله		
درد، سلام، ارادت	ریز و سلا و قه در و سپاس	ری گاردس	regards <i>n</i>
فوج، هنگ (سربازان)	له شکر - سوپا - پهل	رجی مینت	regiment <i>n</i>
رژیم غذایی	جوق، رژیم خوراک		
منطقه، ناحیه، ولایت، بخش	مدته قه - وه لات	ری چن	region <i>n</i>

مه لیه ند، ناوچه

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لیست، فهرست، هواکش	به‌رگه‌ی ناوه‌کان - ناو ناخن	رَجی سِتر	register <sup>1</sup> n
دستگاه ثبت درگژور	مینوت ده‌فتری نووسان		
لیست / ثبت نام کردن،	نام نویسی که‌رده‌ی ناو	رَجی سِتر	register <sup>2</sup> v
نمایاندن	نویسین - ناو نووسان		
اشاره، نمایش، ثبت نام	نام نویسی - ناو نویسی	رَجیس تِری شین	registration n
ضبط	ئیشاره - توّمار		
متأسف بودن / شدن	ته‌ئه‌سف‌واره‌ی - په‌شیمان	ری گِرت	regret <sup>1</sup> v
پشیمان شدن	بوون، ناخ کردن		
تأسف، تأثر، پشیمانی	په‌شیمان - ته‌ئه‌سف	ری گِرت	regret <sup>2</sup> n
دریغ	ئه‌فسوس، ناخ		
مرتب، منظم، پایدار	رِیک و پِیک - نه‌زم و	رِگیولِر	regular adj
عادی	رِیکی		
نظم، ترتیب	رِیک - مره‌ته‌ب	رِگیولِریتی	regularity n
دائماً، به‌طور منظم	به‌نه‌زم و ته‌رتیب	رِگیولِرلی	regularly adv
مرتباً	همیشه و دایم		
ضابطه، قانون، قاعده	بریار دراو - تاین کراو	رِگیولِیشن	regulation n
تنظیم، مقررات	قانون و زابته		
تمرین کردن، آموزاندن	ته‌مرین‌که‌رده‌ی مه‌شق کردن	ری هِرس	rehearse v
تمرین، تکرار، آموزی	ته‌مرین‌مه‌شق دیسان کرد	ری هِریسل	rehearsal n
سلطنت کردن و حکومت کردن	حکومت‌که‌رده‌ی سه‌لته‌نه‌ت	رین	reign <sup>1</sup> v
	و پادشاهی کردن		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سلطنت، حکومت	حکومت - پادشاهی	رین	reign <sup>2</sup> <i>n</i>
فرمانروایی	سه‌لته‌نه‌ت		
افسار، دهنه، مهار	له‌غاو - هه‌وسار	رین	rein <i>n</i>
لگام	ده‌سه‌ج‌له‌و		
رد کردن، قبول نکردن	قه‌بوول نه کردن - ده‌س	ری‌چکت	reject <i>v</i>
	پووه‌نیای، رانه‌گرتن		
به‌وجد آمدن، شادی کردن	مه‌سروور و شادمان	ری‌جیس	rejoice <i>v</i>
	بیه‌ی - خوشی کردن		
مربوط بودن، نسبت دادن	نه‌قل و باس کردن - راپورت	ری‌لیت	relate <i>v</i>
شرح دادن، نقل کردن	دای - مه‌ربووت بوون		
قوم و خویشی، خویشاوند	خزما یه‌تی - قه‌ومی و	ری‌لیتد	related <i>adj</i>
	خی‌شی		
فامیل، قوم و خویش	فامیل، نسبت، که‌س	ری‌لی‌شن	relation <i>n</i>
نسبت	قه‌وم و خزم - نه‌قل		
خویشاوندی - رابطه	خویشی - قه‌وما یه‌تی	ری‌لی‌شن‌شیپ	relationship <i>n</i>
(دوستانه) وابستگی	نسبت و خزمی		
قوم و خویش، فامیل	قه‌وم و خزم و که‌س	رلی‌تیو	relative <i>n</i>
وابسته - موصولی	مه‌ربووت - قه‌ومی		
آرام کردن / شدن	تیسراحتت که‌رده‌ی	ری‌ل‌کس	relax <i>v</i>
استراحت کردن	تارام کردن و بوون		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آسودگی، آرامش، استراحت	ئارامی و ئاسایش، سیای	ری لَ کسِ شین	relaxation <i>n</i>
شلی	قه رار - حه سانه وه		
آزاد / رها ساختن	وهردای - بهردان	ری لیس	release <sup>1</sup> <i>v</i>
پخش کردن	ئازاد که رده ی، بلا و کردن		
آزادی، خلاصی، رهایی	ئازادی - وهردا - بهردا	ری لیس	release <sup>2</sup> <i>n</i>
پخش	خلّاسی، بلا و کردی		
آرام کردن / ساختن	ته سکین دای - ئارام کردن	ری لیو	relieve
کمک / مرخص کردن	ئاسوده که رده ی، بهردان		
رفع نگرانی، آسودگی	ته سکینه - ئارامی، یاری	ری لیف	relief <i>n</i>
تسکین، امداد	ره حهت - و گوشایش		
مذهب، گیش، دین، آیین	مه زه ب - دین - ئایین	ری لی چن	religion <i>n</i>
دینی، مذهبی، دین دار	ئایینی - دینی	ری لی چس	religious <i>adj</i>
	مه زه وی		
بی میل، بیزار	بی مه یل بلینی نهویه، بیزار	ری لاکِ تِنت	reluctant <i>adj</i>
اعتماد کردن، اطمینان داشتن	باور که رده ی - پروا	ری لای	rely <i>v</i>
متکی بودن	کردن - خاترجه م بیه ی		
مورد اعتماد، معتمد	به ور په نه کرایا - باوهر	ری لای پِل	reliable <i>adj</i>
موثق	پیی کراو - ئه مین		
ماندن، بجا / باقی ماندن	ماتل بیه ی - ئه وه مه نه ی	ری مین	remain <i>v</i>
توقف کردن	مانده جی بوون		
باز ماندگان، باقی مانده	ئه وه مه نه - ئه و باقی حه باقی	ری مین دِر	remainder <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بقایابچسند	دواهاات - به جیّ ماو	ری مینز	remains <i>n</i>
مابه قی، لاشه			
گفته، سخن، نظر، تذکر	وته - واته - قسه	ری مارک	remark <sup>1</sup> <i>n</i>
اظهار	نەزەر، وتراوه		
گفتن، تذکر دادن، متوجه شدن	نەزەردان - پەنەواتە یوتن	ری مارک	remark <sup>2</sup> <i>v</i>
شایسته، جالب توجه	سەرپەرز - بەلیاقەت	ری مارکایل	remarkable <i>adj</i>
	بەچاوکەوت، کەم نەزیر		
خیلی، زیاد	فرە - زۆر - نیشانە دار	ری مارکایل	remarkably <i>adv</i>
علاج، چاره، درمان	عەلاجە - چارەسەری	رمیدی	remedy <i>n</i>
مداوا	دەرمان، رێ حەل		
به خاطر آوردن	جەوێریبە ی سەویری ئامە ی	ری ممبر	remember <i>n</i>
به یاد آوردن	بەخیال ھاتن		
یادآوری کردن، تذکر دادن	بە یادووسە ی - بە یاد	ری مایند	remind <i>v</i>
	خستەن - پێوتن		
پرت، دور دست، کوچک	پەرت - دوورە دەس	ری موت	remote <i>adj</i>
	دوورە جی، محال		
دور	دوور - دیر	ری موئلی	remotely <i>adv</i>
انتقال دادن، برداشتن	جیّ بە جیّ کردن - ھۆر	ری موو	remove <i>v</i>
از بین بردن	گرتە ی - ئالوگۆر کردن		
انتقال، برداشت، نقل مکان	لابەردە - ئال و گۆر	ری موول	removal <i>n</i>
	ھۆر گرت - جیّ بە جیّ		

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تازه کردن - احیاء کردن	ئه‌وه تازه کهرده ی-زینگ کردن	ری نیو	renew <sup>v</sup>
فراهم کردن	ئه‌وه دان کهرده ی، ری خستن		
اجاره‌کرایه، بهره‌گی	کرها کری-کرها گرت، دراوی	رنت	rent <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	رتیاد ری-تلیش		
اجاره پرداختن، کرایه دادن	کرها گرت ی - کری	رنت	rent <sup>2</sup> <sub>v</sub>
اجاره کردن	گرتن یا دان		
تعمیر / مرمت کردن	خاسو کهرده ی (کردن)	ری پر	repair <sup>1</sup> <sub>v</sub>
سالم شدن، جبران کردن	وه شو کهرده ی، چاک کردن		
تعمیر، مرمت، بازسازی	وه شو کرد - خاسو	ری پر	repair <sup>2</sup> <sub>n</sub>
وصله پینه	کرد-ئه‌وه دان، چاک کراو		
باز پرداختن، پس دادن (پول)	ئه‌وه دای-دو ادان، دانه‌وه دوا	ری پی	repay <sub>v</sub>
تکرار کردن، بازگو کردن	دووباره وات ی	ری پیست	repeat <sub>v</sub>
	دیسانو وتن		
تکرار، بازگویی، عمل دوباره	عه یزن دووباره دیسانه‌وه	ری پی تی‌شین	repetition <sub>n</sub>
	دیشان ویژ-دووباره		
بازگرداندن، عوض کردن	ئه‌وه واری-ئه‌وه ته‌ورده ی	ری پلیس	replace <sub>v</sub>
سرجای خود گذاشتن	گورین-جی نشین کردن، سه‌ری جی نان		
جایگزینی، ناپاس، عوض	عه‌وه زوبه‌ده‌ل کردن	ری پلیس مینت	replacement <sub>n</sub>
	جی گوری - واری		
پاسخ دادن / گفتن	جواب دان-جواو دای	ری پلای	reply <sup>1</sup> <sub>v</sub> (pl-plies)

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جواب، پاسخ	جواب - جواو	ری پلای	reply <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شرح دادن، گزارش دادن	راپورت دای - خه بهردان	ری پورت	report <sup>1</sup> <sub>v</sub>
خبر دادن	خه وه ردای، راگه یاندن		
گزارش، خبر، شایعه	راپورت - خه بهر	ری پورت	report <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	خه وه ر		
گزارشگر، خبرنگار	خه وه ر ده ر - خه بهر	ری پورتیر	reporter <sub>n</sub>
	ده ر - راپورت ده ر		
نماینده... بودن، وانمود کردن	نیشان دان (دای) - نویته ر	پیری پزنت	represent <sub>v</sub>
نشان / ارائه دادن	بوون - نماینده بیهی، نواندن		
نماینده، نمونه، نشانگر	نویته ر - نماینده	پیرزن تتیو	representative <sub>n</sub>
سز زنش کردن	یه کی داکو تان - شه ره کوا ی	ری پروچ	reproach <sub>v</sub>
عیبجویی کردن	لومه کردن - تانه دای		
زاد و ولد کردن - نسخه	وه ک خودروست کردن - دیسان	پیردیوس	reproduce <sub>v</sub>
بردار ی / کپی کردن	چاپ کردن - پسه وی وه ش که ر ده ی		
ژاد و ولد، تولید مثل، تکثیر	عه ینووی - وه ک خو	ری پرو داکشین	reproduction <sub>n</sub>
کپی، نسخه برداری	زاو روژا - روو نویس		
خزنده (جانوری مثل مار)	له م خشکه - سکه خز ه	رپ تایل	reptile <sub>n</sub>
جمهوری	کومار، جموری	ری بابلیک	republic <sub>n</sub>
شهرت، اعتبار، ابرو و ناموس	مه یشووری شه وره - ئاو رو و	رپیوتی شین	reputation <sub>n</sub>
درخواست / تقاضا کردن	گه ره ک بیهی - لی	ری کوست	request <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	خوازین - داوا کردن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
درخواست، تقاضا، خواهش	لێ خواز - داوا گه ره ک بون	ری کوست	request <sup>2</sup> n
لازم / نیاز / احتیاج داشتن	نیاز بون - گه ره ک بون	ری کوایر	require v
تاکید کردن	لازم بیهی، فشار هیتان بو		
ضرورت، احتیاج، نیاز، شرایط	نیاز - لازم - زه روور	ری کوایرمنت	requirement n
رهایی بخشیدن / دادن	نجات دای - نازاد کردن	رس کیو	rescue <sup>1</sup> v
نجات دادن	به فریا گه یین به داد یا وای		
نجات، رهایی، نجات داری	نجات - نازاد - به	رس کیو	rescue <sup>2</sup> n
پژوهش، تحقیق، جستجو	فریا گه ی - فریاره سی		
	لیکۆ لینه وه - په یجۆر	ری میرچ	research <sup>1</sup> n
نتیج	شوڤن که وت، ته فه رنج		
پژوهش کردن، تحقیق کردن	لیکۆ لین - په یجۆر	ری سیرچ	research <sup>2</sup> v
	بیهی - شوڤن که وتن		
شباهت داشتن / بودن	شیوه ویوی دای وه ک	ری زم بیل	resemble v
همانند بودن	یه ک بون - پسه یوی بیهی		
همانندی، تشابه، شباهت	پسه یوی - شیوه ویوی	ری زم بلینس	resemblance n
همسانی	وه ک یه ک بون		
عصبانی شدن، رنجیده شدن	ره نجیای - تو ره بیهی	ری زنت	resent v
دلخوړ شدن	تو ره بون، قین لێ هاتن		
عصبانی، خشمگین، غیظ	ره نجیای تو ره - جر ئامه	ری زنت منت	resentment n
رزو / ذخیره کرده، توداری	په ی هورگر ته ی هه لگر تن بو	ری زرو	reserve <sup>1</sup> v
خودداری	وه لینه گر ته ی، پاریز		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
reservation <i>n</i>	رِزروئِشین	داخست هه‌لگیر، بارگه	رزرو، ذخیره‌قرارگاه
reserve <sup>2</sup> <i>n</i>	ری‌زرو	هۆرگیر - نه‌ره‌وز، کوچه‌ر لا‌وسه‌ی - خسته‌لا‌هه‌لگیر	کوچ نشین ذخیره، رزرو، کنار گذاری،
reservoir <i>n</i>	رزوار	دانیان له‌پیش، دلی‌داری هماره‌ناو - جیکه‌ناویکانی‌ناو	اندوخته‌سریازا‌احتیاط منبع‌آب، آب‌انبار، اندوخته
residence <i>n</i>	رِزیدنس	هانه، گۆ‌ما‌وه‌ره‌په‌نگاو مال - جیی دانیشن	دریاچه پشت سد منزل، خانه - اقامت
residential <i>adj</i>	رِزیدن‌تشل	یانه - ما‌وا ما‌وا - یاگی‌تشته‌ی	سکونت مسکونی، اقامتی
resign <i>v</i>	ری‌زاین	سو‌کنا‌بو‌نیشن که‌نارگر ته‌ی‌ره‌زایه‌ت دان	استعفا‌دادن / کردن، صرف‌نظر کردن
resignation <i>n</i>	رِزی‌گنی‌شین	که‌ناره‌گیری‌ره‌زایه‌ت	استعفا‌نامه - تسلیم
resist <i>v</i>	ری‌زیست	ده‌س هه‌لگرت له‌به‌ران‌به‌ر‌پراوه‌ستان	رضا، تفویض مخالفت کردن، منع کردن
resistance <i>n</i>	ری‌زیس‌تِنس	نارازی‌بیه‌ی‌محل نه‌دان نارازی‌مه‌نوع‌پراوه‌ستاوی	زیربار نرفتن مقاومت، پافشاری
resolve <i>v</i>	ری‌زالو	خۆ‌را‌گیری، سین‌که‌رده‌ی حل‌که‌رده‌ی - خیال‌بیه‌ی	تاب و توان تصمیم‌گرفتن، حل کردن
resolution <i>n</i>	رِزولوشن	بِ‌ریار له‌سه‌ردان، لا‌بردن، گۆ‌ران بِ‌ریار - عه‌زم - خیال، رِیزه	تبدیل شدن عزم، تصمیم‌ب‌قصد، ب‌راه‌حل
resources <i>n</i>	ری‌سُسیز، رِسیرس	سه‌ر‌چاوه - کان - همار	منابع (مالی، بولی، ...)، دارایی

i:    ɪ    e    ae    a:    ɒ    ɔ:    ʊ    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
احترام، رعایت - جهت	ئێحترام - ریز و سپاس	ریس پکت	respect <sup>1</sup> n
رابطه	قه درو حرمت، نه زه		
قابل احترام، ارجمند	ریز بۆ دانان، ماقول	ریس پکیتیل	respectable adj
محترم	ئابرو و دار - عه ده و		
احترام گذاشتن / کردن	حرمت گرتی - قه در گرتن	ریس پکت	respect <sup>2</sup> v
پاسخ دادن / گفتن	جواب دان - جواو دای	ریس پند (پاند)	respond v
جواب، پاسخ، واکنش	جواب - جواو	ریس پئس	response n
مسئول، متعهد	کار به رێوه بهر - په یمان	ریس پئسی بل	responsible adj
وظیفه شناس	به ستوو - جواو گو		
مسئولیت، پاسخگویی	کار به رێوه بهری	ریس پانسی بی لئی	responsibility n
	لییر س راوی - وه ز یفه		
استراحت، راحت - بقیه	ره حهت - حه سانه وه	رست	rest <sup>1</sup> n
خواب	ئه وه سیاه، ماباقی		
استراحت کردن - قرار دادن	ئه وه سیاه - مانگی ده ر	رست	rest <sup>2</sup> v
دست از کار کشیدن	کردن - ئارام بیهی		
رستوران	رستوران - یاگی نان	رسترانت	restaurant n
	واردی - چیشته خاته		
بازسازی کردن - پس دادن	ئه وه دای - عه ینوه لئ بهر	ریس تر	restore v
برگرداندن به جای اول	ئه ورده ی - عه لو گه راندن		
جلوگیری کردن، بازداشتن	به رگری کردن له	ریس ترین	restrain v
	قه داخه که رده ی		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محدود کردن، در تنگنا	ته یوه تی که رده ی	ریس تریکت	restrict <sup>v</sup>
گذاشتن	وه ر بینای - به ر به ستن		
اثر، نتیجه، مقصود، جواب	ده س هات - ئاخر - نه تیجه	ری زالت	result <sup>i</sup> <sub>n</sub>
سوزدن، منتج شدن	نه تیجه دای جه - حاسلوو	ری زالت	result <sup>2</sup> <sub>v</sub>
انجامیدن	به ر ئامه ی جه - رودان		
از سرگرفتن، دوباره	ده سو په نه که رده ی	ری زیوم (زوم)	resume <sup>v</sup>
بدست آوردن	دیسان ده س پی کردن		
نگهداشتن، حفظ کردن	نگاداری که رده ی	ری تین	retain <sup>v</sup>
وکیل گرفتن	چاودیری کردن - وه کیل گرتن		
بازنشست شدن، به بستر رفتن	که نارولا گرتنه ی - نیشته جی	ری تاپر	retire <sup>v</sup>
به جای آرام رفتن	بوون - دانیشتن له کار		
بازنشستگی، خلوت	نیشته جی - لاگرت	ری تاپرمنت	retirement <sub>n</sub>
انزوا	که نار گرت، خه لوته		
عقب نشینی کردن	دواوه هاتن - دمانامه ی	ری تربت	retreat <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	هورگیلای، وه رگه ران		
عقب نشینی، خلوت	دمانامه - دواهات	ری تربت	retreat <sup>2</sup> <sub>n</sub>
خلوتگاه	هورگیلای - دواگه ریان		
برگشتن، برگرداندن	هه لگه ریان - هوروگیلای	ری تین	return <sup>1</sup> <sub>v</sub>
تلافی کردن	هوروگیلنای، هه ق سه ندن		
برگشت، عودت، تلافی	هه ل وگه ریا هوروگیلنای	ری تین	return <sup>2</sup> <sub>n</sub>
سود مجدد	وه رگیری، سزا		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فاش کردن / ساختن	ئاشارا که رده ی - نیشان دان	ری وریل	reveal <sup>v</sup>
اشکار کردن	به رووسی، چاودان		
انتقام، بخونخواهی	سزاهه ق چه نه سه ی	ری وینج	revenge <sup>n</sup>
	تۆله سه ندنه وه		
عالیجناب، ارجمند	جوړه له قه بیوه	ری ورنند	reverend <sup>n</sup>
	جه ناب - گه وره م		
وارونه ساختن، لغو کردن	پپچه وانه که رده ی - هه لۆ	ری ورس	reverse <sup>1</sup> <sup>v</sup>
عقب عقب رفتن	گه راندن - هورۆ گیلنای		
معکوس، وارونه، عکس	هورۆ گیلانه - پپچه وانه	ری ورس	reverse <sup>2</sup> <sup>n</sup>
دنده عقب اتومبیل	سه ره وژ بره لۆ که راه		
نقد (کتاب، فیلم، ...)	لیکۆ لینه وه - رخنه	ری ویو	review <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مرور - بررسی	گرته وه - مروورخو دو باره بین		
نقد (فیلم، ...) کردن	رخنه گرتن - دوو باره	ری ویو	review <sup>2</sup> <sup>v</sup>
مرور، بازنگری اگر	هورسه نگنای - ئشتقاد کردن		
تجدید نظر / مرور کردن	لیکۆلین و پیاوینین	ری وایز	revise <sup>v</sup>
اصلاح کردن	دیسان مروور که رده ی - دوو باره بینای		
مرور، تجدید نظر، بازبینی	دوو باره بینا - پیاوینا نه وه	ری ویژن	revision <sup>n</sup>
اصلاح	مروور - لیکۆلین		
نیروی تازه یافتن، زنده کردن	زیندوو بوون - زینده	ری وایو	revive <sup>v</sup>
رواج دادن	بیه یه یزی تازه گرتن، ره واج دان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شورش کردن، عصیان کردن	راپه‌رین و خه‌بات	ری‌ولت	revolt <sup>1</sup> <sub>v, n</sub>
بیزار - طغیان	به‌رپرای - ئاشو که رده‌ی		
شورشی، چن‌دش‌آور	په‌رجه‌ته‌رس - پرله‌ترس	ری‌ول‌تینگ	revolting <sub>adj</sub>
	ته‌رس‌ئه‌ور، شو‌رش‌گیر		
شورش، طغیان، عصیان	ئاشو - به‌رپرا - خه‌بات	ری‌ولت	revolt <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	شو‌رش، بی‌زاری		
چرخیدن، دور زدن، چرخاندن	خولای سو‌رو‌خواردن	ری‌والو	revolve <sub>v</sub>
تپانچه	ده‌ورو‌دای (دان)، ده‌مانچه	ری‌والور	revolver
انقلاب، شورش - حرکت	ژیر و بان کردنه‌وه	ری‌ولووین	revolution <sub>n</sub>
دورانی، تغییر اساسی	شو‌رش - سو‌وران		
	شیو‌پای - خولای		
پاداش، جایزه، انعام	خه‌لات - ئه‌جروئه	ری‌ورد	reward <sup>1</sup> <sub>n</sub>
مژدگانی - سزا	نعام - مزانی		
جایزه / پاداش دادن	خه‌لات‌دان - ئه‌نعام‌دای	ری‌ورد	reward <sup>2</sup> <sub>v</sub>
کرگدن حیوانی آفریقای	که‌رگه‌دهن - جو‌ره	راینایمیرس	rhinoceros <sub>n</sub>
	حه‌یوانیک له‌ ئافریقا		
مخفف rhinoceros	دوو وشه‌ی یه‌ک مانا	راینایا	rhino
قافیه - نثر / شعر قافیه‌دار	قافیه - شی‌عری قافیه‌دار	راینیم	rhyme <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	هو‌نراوه‌ی دو‌ابه‌ند		
هم قافیه بودن، قافیه داشتن	هه‌م قافیه‌ بیه‌ی	راینیم	rhyme <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	قافیه‌دار بوون		

h      m      n      ŋ      l      r      j      w  
how   man   no   sing   leg   red   yes   wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ریتیم؛ وزن؛ سجع، ضرب	ریتیم - سره نگان و شیعرێ	ریتیم	rhythm <i>n</i>
دنده (قفسه سینه)؛ سیم چتر	په راسوو - په راسووی	ریب	rib <i>n</i>
سربه سوکسی گذاشتن	چه له می		
روبان، نوار، بند، باریکه	قه یتان - شریته - تاله بهن	ریبن	ribbon <i>n</i>
برنج	برنج - مه رزه	رایس	rice <i>n</i>
ثروتمند، پولدار، متمول،	ده سه لاتدار - دارا	ریج	rich <i>adj</i>
پُربوکت، سرمایه دار، توانگر	ده وله مه ند - پرمايه		
(خوراکی) پر کالری، مقوی	پرئه رزش - قیمه تی		
ثروت، دارایی، پولداری	مال و سروهت	ریجیز	riches <i>plural, n</i>
خلاصی یافتن، رها کردن	نه جات دان - ئازاد	رید	rid <i>v (ridden, ridding)</i>
	کردن - وه ردای		
چیستان، معما؛ سوارخ سوراخ کردن	مه ته له مه ته له وڵ وڵ	ریدل	riddle <i>n</i>
سوار شدن، سواری کردن	سوارییه ی سوار جوون	راید	ride <sup>1</sup> <i>v (rode-ridden)</i>
راندن	رانه به رده ی، به ریوه بردن		
راکب، سوارکار، سوار، مسخره	رايه ر سوار ته سپ سوار	رایدر	rider <i>n</i>
سواری، سوارکاری، راندنی	سواری - غارکه ری	راید	ride <sup>2</sup> <i>n</i>
برآمدگی، خرنشسته، غله	ئاسوی کیو - ته پوله	ریج	ridge <i>n</i>
	هور ئامه، کهل		
چرند، مهمل، بخنده دار	خوه دار - قسه ی قور	ری دی کیولس	ridiculous <i>adj</i>
مضحک	قسی مفتی، زور خراب		
تفنگ (قنداق دار)، دستبُز دزن	تفه نگ - چه ک، چه پاو کردن	رای فل	rifle <i>n, v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خوب، صحیح، (سمت) راست، حق	دروس - خاس پر است، چاک	رایت	right <sup>1</sup> adj
راست دست	دهس پر اس پر اس ده ست	رایت هتند	right - handed <sup>adj</sup>
راستی، درستی، کار درست و	راستی - لای راست	رایت	right <sup>2</sup> n
حساب حق و حقوق - طرف پر است	دروستی - چاکی		
به طور صحیح / درست - به	راست - دروست	رایت	right <sup>3</sup> adv
طرف راست، به سمت راست	به باری راست - ده قیق		
کاملاً، به طور کامل	باش و عال		
به طور مستقیم / راست			
دوره، لبه، حاشیه	لج - لیو - ده وره ویچن	ریم	rim n
کناره	زه نجیره تیان، قه راخ		
پوست (میهه، ...)، پوست	پیس - پوس - توکل	راینند	rind n
پوسته	گر ته ی، تو ی کل		
حلقه، دور حلقه انگشتری، گروه	هه لقی - نه نگو سنبه، ده نگ	رینگ	ring <sup>1</sup> n
تلفن زدن / کردن، زنگ زدن	ته له یفوون دای	رینگ	ring <sup>2</sup> v(rang,ning)
	ته له فوون کردن		
	بانگ کردن - چریه ی		
ایکشی کردن، آب کشیدن	ئاو که شی که رده ی شواری	رینس	rinse v(rinsed,rinsing)
	ئاو کیشان - گوشین		
فته، آشوب، بلوا، شورش	ئا شو - فیتنه - شه ر	رایت	riot <sup>1</sup> n
هنگامه	و شو ر، ده شر		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
retireds	رِتایرداَسوئیشن	کۆری نشته جیکان	کانون بازنشستگان
association			
riot <sup>2</sup> v	رایت	ناشو و سه‌ره‌ی - جار	آشوب و بلوا راه انداختن
rip v,n	ریپ	وجه‌نجال به‌ری خستن دراندن - درپ‌یی	درین، پاره کردن، جزدادن
ripe adj	رایپ	میوه‌ی گه‌ییگ	دریدگی - چاک (میوه) رسیده، انسان جاافتاده
ripple <sup>1</sup> n	ریپل	میوه‌ی یاوا - یاوا لله‌ی وردیه‌وئاوئ	آماده موج کوچک، ریزموج
ripple <sup>2</sup> v	ریپل	شه‌پولی بچووک‌ی ئار مه‌وج وللپ دارکهرده‌ی	موج‌دار کردن / شدن
rise <sup>1</sup> v(rose,risen,rising)	رایز	شه‌پول دارکردن - گرنج په‌نه‌دای راسوویه‌ی - رو‌جیار	برخاستن، طلوع کردن
rise <sup>2</sup> n	رایز	به‌رئامه‌ی هه‌ل‌سان - خو‌رهل‌هاتن به‌رزی - زیاد و زۆر	ایستادن افزایش، ترقی، بلندی‌وتپه
risk <sup>1</sup> n	ریسک	فره‌کرد مه‌ترس - ته‌رس جه - خه‌ته‌ر	آغاز ریسک، مخاطره، احتمال خطر
risk <sup>2</sup> v	ریسک	به‌خه‌ته‌ر و سه‌ی - به	به مخاطره انداختن
rival n,v	رای‌ول	خه‌ته‌رخستن، دل‌به‌ده‌ریادان ره‌قیب - هام‌قه‌تار نه‌زیر، چاو‌خستن	کار خطر کردن حریف، رقیب رقابت‌کردن

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رقابت، همچشمی، هم‌آوردی	هاو چاوی هه‌م چه‌می	رای وِری	rivalry <sup>n</sup>
	ملوژمی به‌ریه‌ره‌کانه		
رود، رودخانه، شط	رَوّ خانه - چۆم - چه‌م	ریور	river <sup>n</sup>
	رَووبار گِلال، سیروان له‌پاوه		
جاده، راه، خیابان	جاده - ریگا - را	رود (رئود)	road <sup>n</sup>
طریقه، شیوه	خی‌وان		
سیروس‌یاحت‌کردن، پرسه‌زدن	سه‌یران‌که‌رده‌ی (کردن)، خولان رنوم (روم)		roam <sup>v</sup>
غریدن، غرش کردن	نه‌رنای - نه‌راندن	رور	roar <sup>1 v</sup>
نعره کشیدن	داخو‌رین		
غرش، نعره، خنده بلند	نه‌عه - نه‌ره - خو‌ره	رور	roar <sup>2 n</sup>
	داخو‌رین		
کباب کردن / شدن	که‌واو‌که‌رده‌ی - که‌باب	روست	roast <sup>v</sup>
برشته کردن	کردن - یریزنای - یرژاندن		
زدی کردن، رهنزی کردن	بریه‌ی - دزی‌که‌رده‌ی	راب	rob <sup>v(robbed, robbing)</sup>
دستبردزدن	دزین ویرین، تالان کردن		
سارق، رهنز، دزد	دز - راب - چه‌رده، چه‌ته	رابر	robber <sup>n</sup>
سرقت، دزدی	دزی - رابری، چه‌ته‌گیری	رابری	robbery <sup>n(PL beries)</sup>
لباس بلند را	لیباسی دریزی - سه‌ر	رئوب (روب)	robe <sup>n</sup>
لباس حمام و قضات	که‌وا - جبه - عابا		
رویات، آدمک، آدم آهنی	به‌شهری‌ئاسنین، به‌شهر باو	روبات	robot <sup>n</sup>
	ده‌زگای باتی به‌شهر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سنگ - تخته سنگ، صخره	ته خته به رد که مه رو کو سه خت - تاش - ما	راک	rock <sup>1</sup> <i>n(rak)</i>
سنگی، سنگلاخی، بق	توه نی به ردین پر ژاق رووشایی، شل	راکی	rocky <i>adj</i>
راکت، موشک، فشش	مووشه ک - نهیره مووشینه - ئار پترین	راکیت	rocket <i>n</i>
میل (نازک) - عصا	گو چان - میله - چیو	راد	rod <i>n(rad)</i>
چوبه راست، دیلم، شنبه	گالوک، نویل، زمه		rode <i>see ride</i>
ادم رذل / پست، هرزه	زول - پهس - نادروس	روگ	rogue <i>n</i>
بی شرف	فیل بازو جاش باو		role <i>n</i>
رل، نقش، کار، وظیفه	کار - وه زیفه، نه قش	رل	roll <sup>1</sup> <i>v</i>
غلطاندن، غلتیدن، چرخاندن	تلنای - تلاندن - تل	رل	
لوله / صاف کردن	دای (دان)، لوله کردن		roll <sup>2</sup> <i>n</i>
طومار، لوله، توپ - نان برگی	لوله - قه وال - تو مار	رل	
چانه خمیر، غلتک	توپه جنس، گونکه، بان تلیر		
(مسیحی) کاتولیک رومی	رومی - خه لکو رومی	رمن	Roman <i>n, adj</i>
کلیسای کاتولیک	خه لکی روم، مزگی کاتولیکان		Catholic
دلباختگی، عشق - داستان	رازه ی پهر ماجه را	رومن س	romance <i>n</i>
عاشقانه، جماع کردن	رازی ئاشقانه، ئشق بازی		
رومانتیک - خیالی، عاشقانه	خه یالی - خیالی	رومن تیک	romantic <i>adj</i>
عشقی	نه کریا، ئشقی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بام، سقف (اتومبیل، خانه،...)	بان سه‌رویانه‌ی، تاق	رووف	roof <i>n</i>
تاق - تاق زدن	سه‌ریان - میچ - بن‌دار		
اتاق - فضا، جا، فضای کافی	جی - دیو - هو تاق	رووم	room <i>n</i>
	یاگی		
ریشه، ریشه درخت	ریخه‌ریشه، بیخ‌وبن	رووت	root <i>n</i>
سرچشمه - پایه	ریشکه‌دار		
طناب، ریسمان، کمند	وه‌پسه‌شریته، که‌مه‌ند	رُپ	rope <i>n</i>
جدا کردن	ته‌نافه - گرویس		
گل سرخ، گل رز	وله سووری - گوله	رُز	rose <sup>2</sup> <i>n</i>
کلی رنی	باخی‌ولی (ناخ‌ته‌نیایی)		
فاسد شدن / کردن	گه‌نین - گه‌نای	رات	rot <i>v</i>
گندیدن	خراوگیلاّی		
فاسد، پوسیده، گندیده	گه‌ناگه‌نیک - خراو، پوترکیا	رَین	rotten <i>adj</i>
چرخیدن، چرخاندن	ئه‌وه‌خولنای - چه‌رخاندن	رَیت	rotate <i>v</i>
دورزدن	به‌ده‌وراگه‌ریان، سوران		
چرخش، گردش، چرخه	ئه‌وه‌خ‌خولیا - چه‌رخین	رَینیش	rotation <i>n</i>
نوبت	به‌ده‌ورگه‌ریاسوور، ده‌ور		
ناهموار - خشن - ناتمام	رووش - ناساف	راف	rough <i>adj</i>
زنده - زمین‌ناصاف	زوور - زرو - بی‌عه‌ده‌و		
تقریباً - با‌خسونت	به‌تووره‌یی - نزیک به	رافلی	roughly <i>adv</i>

i: see    I sit    e ten    ae hat    a: arm    D got    ɔ: saw    U put    u: too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
round <sup>1</sup> <i>ad̥.n</i>	رَوَند	خَرت - خَر - خَبر	گرد، مدور، کامل
round <sup>2</sup> <i>ad̥</i>	رَوَند	گلپَره - هه لَقی، کَامَل	غیراعشاری، غیرمُدَوَره
or around <i>ad̥.prep</i>		ده و رانده و رسه رانسه ر	دور تادور، بگر داگر، دور، کروی
roundabout <i>n</i>	رَوَند لَوَت	به ده و رابه لای تر، ده و ر	اطراف، سه طرف دیگر، هر اطراف
		مه یدان خیدانی، رای قه منج	چرخ فلک - میدان بزرگ
		و بادار گه و ره - چدر خوفه له ک	دور و دراز
route <i>n</i>	رَووت	ری - ریگه را، جاده	راه، مسیر، جاده
routine <i>n</i>	رَووتین	زه وه ندی کار، وه ک جاران	جریان کار، کار عادی
		جهره یانو کاری	روزمره
row <sup>1</sup> <i>n</i>	رُو	رزده سته ریک و پیک، سه ف	ردیف، برآسته، صف، رده
row <sup>2</sup> <i>n</i>	زو	راوه راو - قَال و مَقَال	نزاع، دعوا، داد و بیداد
		هه راوده نگ، ده م قهره	انشوب
row <sup>1</sup> <i>v</i>	زو	پارو دای - پارو و لیدان	پارو زدن، دعوا کردن
royal <i>adj</i>	روِیال	سه لته نه تی - پاشایی	سلطنتی، شاهی
royalty <i>n</i>	روِیالتی	مه ربووت به خانه واده ی	عضو خانواده سلطنتی
		سه لته نه تی، شاهی	حق التألیف، کتاب
rub <i>v(rubbed, rubbing)</i>	راب	مالای - ساوای - پاک کردن - مالین	مالیدن، ساییدن، پاک کردن
		ماساژ دادن	ماساژ دادن
rubber <i>n</i>	رابِر	مه داد پاک کون - کاپو	لاستیک - پاک کردن
rubber band <i>n</i>	رابِر بند	که ژی لاستیکی - کیش	کش لاستیکی
rubbish=trash <i>n</i>	رابِش	زو یَل - نه ژغال - قسّی	زباله، آشغال، مزخرف، آشغال
		به لاشی - شه خهل	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی					
Persian	Kurdish	Pronunciation	English					
گستاخ، بی ادب، نفهم، بدشکل	نه قام پرووداریی عه ده و	روود	<b>rude</b> <i>adj</i>					
کلیم، قالی، قالیچه، جل و پلاس	قالیچی - قالیچه - بهر	راگی	<b>rug</b> <i>n</i>					
دارای پستی و بلندی	جیی به رزی و نزمی دار	راگید	<b>rugged</b> <i>adj</i>					
ناهموار، سنگلاخ	یاگی به رزو نزمی داره پرووشایی							
ویران ساختن / کردن	ههروژاندن - رژنای	رووین	<b>ruin</b> <sup>1</sup> <i>v</i>					
ویرانه، خرابه، بخرابی	ویرانه - که لاهه کوئه	رووین	<b>ruin</b> <sup>2</sup> <i>n</i>					
حکمرانی / خط کشی کردن	خهت که شی کردن - حکومت	روول	<b>rule</b> <sup>1</sup> <i>v</i>					
زیر نفوذ گرفتن	که رده ی - حوکم و حکوم مهت کردن							
حاکم - خط کش	گه وره - خهت کیش	روولر	<b>ruler</b> <i>n</i>					
	خهت که ش							
قانون - حکومت، دولت	قانون - حکوم مهت	روول	<b>rule</b> <sup>2</sup> <i>n</i>					
رسم، گونیا	ده و لهت							
رام (عرق نیشکر)	ئاره قو نه یجه شه که ری	رام	<b>rum</b> <i>n</i>					
نوعی عرق	ئاره قی له له زور چاکه							
رعد آسا غریدن، ابر	گرمنا ی (گرماندن)	رامبل	<b>rumble</b> <i>v</i>					
غُرّه	نرکه و سه ره نامه ی							
شایعه شناسیدن، شو	چاودا خستن -	روویر	<b>rumour</b> <i>n</i>					
	چا و و قاو							
دویدن - کار کردن، عمل کردن	ره مای را کردن، کار کردن	ران	<b>run</b> <sup>1</sup> <i>v</i> (ran-run) running					
سفر کردن، مسافرت نمودن	سه قه ر کردن - تلوییه ی							
uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

rung

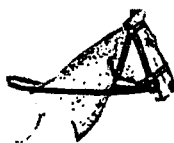
فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دو - مسافرت، سفر - امتیاز در بازی، مسیر، حصار دام	سپه‌فر - را - فره ثالف چار	رانگ	rung <sup>1</sup> see ring
پله نردبان	پله ی په یچه - پله و سردی	رانگ	rung <sup>2</sup> n
روستایی، دهاتی	ده گایی - لادی بی - خه لکی لادی رئورل - رورل	رانگ	rural adj
هجوم بردن / آوردن	په له کرده ی - به په له	راش	rush <sup>1</sup> v
شتافتن، غافلگیر کردن	روین برپه رین، په لاماردان		
عجله، شتاب، هجوم، یورش، نی	په له هه له مت - په لامار	راش	rush <sup>2</sup> n
زنگ زدگی، زنگ (فلز)	ژه نگه - ژه نگ لیډاو - ژه نگین	راست	rust <sup>1</sup> n
زنگ زده، زنگ ورورفته	ژه نگ و نه دنا - ژه نگ	راستی	rusty adj
از کار افتاده	لیډاو		
زنگ زدن (فلز)، زنگ فلز	ژه نگ دای - ژه نگ لیډان	راست	rust <sup>2</sup> v
خش خش کردن	خشه خش که رده ی، شنه (وا)	راسل	rustle <sup>1</sup> n
صدای برگه‌ها به وقت نسیم	خشه خش کردن، سرو ه ی نه سیم		
صدای خش خش، وزش نسیم	ده نگ ی خشه خش - خشه نامه ی، سرو ه راسل		rustle <sup>2</sup> n
رد باریکه چرخ یو خاک نرم	یا گه ئه راده و سهر و	رات	rut n
شیار - مستی	خاکی - جی ته که ره سه ره رز		
بی رحم، ستمگر، سنگدل	دل ره ق - بی ره حم	رووت بس	ruthless adj
گندم سیاه - چاودار	گه نمه ره شه - پو	رای	rye n
علف تلخ - تلخه گیاه گندمزار	تاله گیا - گه نم تال که ر گریډانه، مروړه	رای گراس	rye - grass n
وعیت	وه رزیه ر - رایه ت	رایت	ryot n
شیره عسل و شیرۀ غذاهای آبکی	هه نگو بی بالو ته	رینگی	ryngy n
رینگاله - رینگی چیشته			
f	v	θ	ð
fall	voice	thin	they
			so
			zoo
f	ʒ		she
			vision



REVOLVER



RAKE



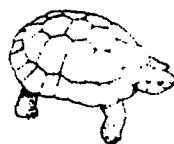
REINS



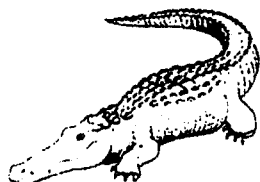
RECEIVER



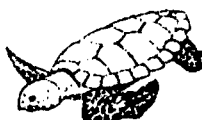
CHAMELEON



TORTOISE



CROCODILE



TURTLE



LIZARD



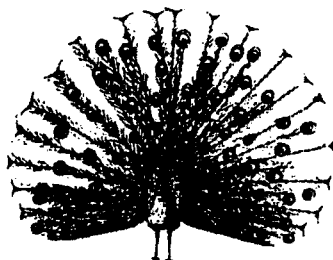
ALLIGATOR



PARROT



KIWI



PEACOCK



PARAKEET



MYNAH

# S s

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>S</b>		نوزده به مین پیتی نه لڤائی ئی نگیزی	نوزدهمین حرف الفبای انگلیسی
<b>sardalilikall</b> <i>n</i>	سەردە لیلی که لو بێز نه	سەردە لیلی که لو بێز نه	پیش قراول نجیردر کوهستانها
	کیوی (نه چیر) کیشک چی	کیوی (نه چیر) کیشک چی	که معمولاً یک قوچ ئریا یک بۆ
	رینگایه له کیوه کان	رینگایه له کیوه کان	نر می باشد و گله را با صدای
			خویش از خطر آگاه می سازد.
<b>sabbath</b> <i>n</i>	روژی شه ممه جوه کان و روژی	روژی شه ممه جوه کان و روژی	روز شنبه (یهودیان) و روز
	یه ک شه ممه مه سیحا کان	یه ک شه ممه مه سیحا کان	یکشنبه (توسایان) تعطیل
	کارنا کهن وه کو جو ممه	کارنا کهن وه کو جو ممه	رسمی بوده و نیایش می کنند
<b>sable</b> <i>n</i>	سمور - سموره	سمور - سموره	سمور - خز سمور
<b>sabot</b> <i>n</i>	پالای چوینی که وش چیوین	پالای چوینی که وش چیوین	کفش چوبی کفش با تخت از چوب
<b>sabre</b> <i>n</i>	شمشیر، شو وشکه، شمشیره، بیهیر	شمشیر، شو وشکه، شمشیره، بیهیر	شمشیر بلند و خمیده
	قه یاره	قه یاره	
<b>sack</b> <i>n-v</i>	گواله - توره که وه وه وانه	گواله - توره که وه وه وانه	گونی، کیسه، جوال
	توره که شه راوی چهر مه مانی	توره که شه راوی چهر مه مانی	انبان - غارت کردن
<b>sacred</b> <i>adj</i>	خودایی محتره ره مه زه وی	خودایی محتره ره مه زه وی	مذهبی، مقدس، الهی، مصون
	وئایینی	وئایینی	
<b>sacrifice</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	فیداکاری قوروانی قوربانی	فیداکاری قوروانی قوربانی	قربانی (دراهم خدا) فداکاری بنابر
<b>sacrifice</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	قوروانی که رده ی قوربانی کردن	قوروانی که رده ی قوربانی کردن	(در راه خدا) قربانی کردن
			فدا کردن - نثار کردن

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غمگین، محزون، پراندوه	خه مین - ناره حهت	سَد	<b>sad</b> <i>adj</i>
جانگداز	خه مِبار - مهلول		
باهالت، محزون، ستاسفانه	به غه مِباری به خه مینی	سَدلی	<b>sadly</b> <i>adv</i>
زین (اسب، دوچرخه) زین کردن	زین مزینه لکه گوشت	سَدل	<b>saddle</b> <i>n-v</i>
مسافرت برای شکار در آفریقا	بۆراوِروین - سه فەر	بِیْفاری	<b>safari</b> <i>n</i>
	و راوی		
سالم، درامان، ایمن، امن	ساق - ساغ - ئه من و	بِیْف (بیف)	<b>safe</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
	ئه مان، بی خه تر		
به طور سالم، با احتیاط	بی خه ته ربی مه ترسی	بِیْفی قلی	<b>safely</b> <i>adv</i>
	به ئه منی و ئه مینی		
ایمنی، امنیت، سلامت	ئه من و ئه مینی	بِیْفیتی	<b>safety</b> <i>n</i>
امن و امان	بی ته رس - بی ترس		
گاو صندوق - محتاط	گاو سه نوق - سندوقی	بِیْف	<b>safe</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ئاسنین		
شکم دادن، فرو نشستن	له م نیای - خوار کیشان	سَگ	<b>sag</b> <i>v-n</i>
أفت - تنزل - شل	وار نشته ی - شل بون		<b>said</b> <i>see</i> <b>say</b>
بادبان (کشتی / قایق)	بارفین - وابه ر - پایه نا	بِیْل	<b>sail</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
مسافرت دریایی	واپه نا - په رده ی باگیر		
سفر دریایی کردن،	سه فه ری ده لیای که رده ی	بِیْل	<b>sail</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
قایق رانی کردن	که شتی رانی کردن		
ملاح، ملوان، سرباز نیروی دریایی	مه لوان مه له که ره سه ربازی ده لیا	بِیْلیر	<b>sailor</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>saint</b> <i>n</i>	سینت	جه خوداته رس - ئه ولیا	شخص مقدس، فرد محترم
		به شهری پاک و راستگو	قه دیس
<b>salacious</b> <i>adj</i>	سیلیشس	شاوه تزا	شهوت انگیز
<b>safe gurding</b> <i>n</i>	بمفگار دینگ	چاود پری - پاسه وانی	حراست - محافظت
<b>sake</b> <i>n</i>	سیک	خاتره - خاتر	خاطر
<b>salad</b> <i>n</i>	سَلید	سالاد	سالاد
<b>salary</b> <i>n</i>	سَلیری	مواجو وه قوڤ، مانگانه	حقوق ماهیانه، حقوق
			مواجب
<b>sale</b> <i>n</i>	بیل	بۆ فروش هه راجی تالانی	برای فروش - هراج، مزایده
<b>(saloon) of confarence</b>	سالون آف	سالوونی و توویژ و قسان	سالن کنفرانس و جلسات
<i>n</i>	کان فیرنس	مه ره - جه مگه	میخانه - تالار
<b>salesman</b> <i>n</i>	بیل زین	پیای و فروشه ره راله که ر	فروشنده (مرد)
<b>salmon</b> <i>n</i>	سَمین	ماساوی روخانه ی	ماهی آزاد، ماهی قزل آلا
		ماسی روویا بره نگی عه ناوی	
<b>salt</b> <i>n-v</i>	سَلت (سالت)	نه مه ک - خوی - نه کی دای	نمک - نمک زدن - شور
<b>salty</b> <i>adj</i>	سَلتی	نمه کی - په ر نه ک - سو پَر	شور، پر نمک - نمکین
		فره (زور) - نه ک - سو ل	نمکی
<b>salute</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	سیلووت	سلاو - سلام - سلاوی	سلام دوستانه، سلام نظامی
		سه ر بازی	
<b>salute</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	سیلووت	سلاو کردن - سلام کرده ی	سلام نظامی / سلام دادن

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یکسان، همان (شخص، چیز)	یه‌ک جور - هه‌ر ئانه	یسیم	same <i>adj</i>
همانند - یک جور	هه‌ر ئه‌و - ئه‌وه		
نمونه، مستور و سرمشق	نموونه - په‌ی بینای	سام‌پل	sample <sup>1</sup> <i>n-v</i>
	بو‌تاقی کردن		
امتحان کردن، نمونه‌گیری	تاقی کردن - تاقی ئه‌وه	سام‌پل	sample <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن	که‌رده‌ی - نموونه‌گرتن		
ریگ، شن، سنگریزه، ماسه	ریژی - ماسه - ریخ	سند	sand <i>n</i>
	لم - لمارته		
ساحل شنی / ماسه‌ای	که‌ناره ئاوی لم‌دار	سندس	sand <i>n</i>
	قه‌راخه ئاوی ماسه‌دار		
شنی، ماسه‌ای - حنایی	لمی - ماسه‌دار - لم‌دار	سندی	sandy <i>adj</i>
معبشکت‌سنگ‌سلیس‌پناهگاه	که‌نیه‌س - کلیسا، مزگی	سَنکچوری	sanctuary <i>n</i>
ساندویچ - بین‌دوچیز گذاشتن	جو‌ره پی‌خو‌ریک	سَن‌دوچ	sandwich <i>n-v</i>
فشردن	نه‌و‌عیوه وارده‌مه نی		
	پسه و گیتی و کولیری		
منطقی، عاقل، معقول	ماقوول - ئاقل - ساق	سین	sane <i>adj</i>
سالم - خردمند	و سه‌لیم، وریاو‌چاک		
به‌داشتی کردن، از میکروب	بیداشتی و ته‌میز کردن	سَنیتایز	sanitize <i>v</i>
پاک کردن	خاوین کردن، سپرین		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>sap</b> <i>n</i>	سَپ	شیره و گیواو یا داری	شیره گیاهی قابل خوردن
		شیره ی گیواو دار-نکم-کیبهره	نبرو - توان - نقب
		دوشاو هیزخازی	
<b>sardine</b> <i>n</i>	ساردین	جوړه ماسیه ک بچووک	ساردین نوعی ماهی
<b>sat</b> <i>see sit</i>		که پیخوړیکی لی	
		دروست نه کری ژورده ماساوی	
<b>satellite</b> <i>n</i>	تَیْلَیت	مانگ ئاسا که شتی هه وا	ماهواره مقمر مصنوعی-تابع
		چومانگه خوله پوره مانگ باو	
<b>satisfy</b> <i>v</i>	سَن تِیس فای	رازی که رده ی دل نیا کردن	راضی کردن، خشنود ساختن
		ئزرا کردن دلشاد کردن	مطمئن ساختن / کردن،
		وژاردن	قانع کردن / ساختن
<b>satisfaction</b> <i>n</i>	سَن تِیس فکشین	ره زادل نیا-رازی	خشنودی، رضایت-لارضاء
		ره زامه ندی	
<b>satisfactory</b> <i>adj</i>	سَن تِیس فک تیری	به ره وچاکی-رووه وخاسی	رضایتبخش - قانع کننده
<b>saturday</b> <i>n</i>	سَن تِردی	شه ممه - شه ممه	شنبه
<b>sauce</b> <i>n</i>	سُس	مه زه چاشت - تامه	سوس، چاشنی-سُوب
		چیشت - تام - رب	خوشاب میوه-شیره
<b>saucepan</b> <i>n</i>	سُس پَن	ماهی تاوه - تیانه ی	ماهیتابه، تاوه/تابه
		ده سه داره، قهوله مه	قابلمه
<b>saucer</b> <i>n</i>	سُسیر	ژیر پیالَه - چیر پیالَه	نعلبکی - زیراستکان

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>sausage</b> <i>n</i>	سَاسِیج (سَسیج)	ریخولێ پر کراو له گوشتی به رازیا گاجوړیوه گوشتی قهواله	سوسیس - کالباس درنده، وحشی بی تمدن سنگدل
<b>savage</b> <i>adj</i>	سَویج	سمنج - در - دماکه و ته وه حش و جاش	از خطر رهانیدن، رهایی بخشیدن، نجات دادن
<b>save</b> <i>v</i>	بیوو	نجات دادن - جهم که رده ی لادای جه خه ته روه ردای جهم کردن (پول)	ذخیره / صرفه جویی کردن پس انداز، اندوخته
<b>saving</b> <i>n</i>	بیوینگ	جهم که رده - پاشه که و ت وسریا - نجات ده ر	نجات دهنده منجی، ناجی، نجات دهنده
<b>saviour</b> <i>n</i>	بیوویر	نجات ده ر - ئازاد که ر	رهاگر
<b>saw</b> <sup>1</sup> <i>see</i>		وه رده ر	ازه - مشار
<b>saw</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	سُو	مشار ده سه ره هه ره	ازه کردن، ازه کشیدن
<b>saw</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	سُو	مشار کیشان - مشار که رده ی	گفتن، سخن گفتن، حکایت کردن
<b>say</b> <i>v</i>	بیی	واته ی - وتن - گوتن	ضرب المثل، گفتار نفز
<b>saying</b> <i>n</i>	بیینگ	مه ته ل - قسێ قه دیمیان وته ی چاک، موچیار ی	پند
<b>scab</b> <i>n-v</i>	سَکَب	په تر و - پیستی زام په تر و که (ئاوردشوه سو)	پوسته زخم اعتصاب شکستن
<b>scaffolding</b> <i>n</i>	سَکَفولدینگ	ته روا له - چوبه س	دار بست بندی چوب بست

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باب‌جوش یا بخار سوزاندن	به ئاوێ گەرم سووتاندن	سکالد	scald <sup>v</sup>
تاو لدار کردن	به ئاوێ گەرمه سووچنای		
وسیله‌مترج - انداز، مقیاس	ئامرازی ته‌ندازه یۆ	سکیل	scale <sup>n</sup>
(نقشه) گام (در موسیقی)	پیوان و کیشان - قازو تو		
فلس، پولکسیاسکول	پوولە که - ته‌ندازه		
ترازو، میزان	ترازیی - ترازوو	سکیل‌س	scales <sup>n</sup>
	ئامرازی کیشمانه کردن		
پوست و موی سر	پیست و مووی سه‌ر	سکلپ	scalp <sup>n</sup>
	پۆس و موو سه‌ره‌ی		
گریختن، به‌ناخت رفتن	پ‌رمای - را کردن	سکمپر	scamper <sup>v-n</sup>
فرار - دوندگی	به‌رشیه‌ی - هه‌له‌هاتن		
اقتضاح بر سوایی، آبروریزی	پ‌ئابرووی شه‌رمه‌ساری	سکندل	scandal <sup>n</sup>
داغ، اثر زخم (روی پوست)	جی زام - یاگه زه‌خم و	سکار	scar <sup>1 n</sup>
جای سوختگی و زخم	ریش داخ - سکه‌ل، جی زام		
اثر زخم گذاشتن، داغ زدن	داخ‌کهرده‌ی (کردن) نیشانی	سکار	scar <sup>2 v</sup>
جای سوختگی	به‌زه‌خم‌کهرده‌ی نیشانی نیای - جیگه‌زامان		
کمیاب، نادر، کم‌پیدا، نایاب	ناپیدا - که‌م‌که‌م دۆزراو	سکرس	scarce <sup>adj</sup>
به‌ندرت ستاندکی - ندرتاً	حه‌رف ره‌ که‌م - به	سکرسی	scarcely <sup>adj</sup>
	زه‌حه‌مه‌ت بیه‌زۆر که‌می		
ترساندن، زم دادن	س‌ل‌دای - ته‌ر س‌نای س‌ل‌دان	سکر	scare <sup>1 v</sup>
هراساندن	هۆر کورکیای		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لولو سرخرومن-مترسک	داهۆل - وه یوه و بالی	سکیرکرو	scarecrow <i>n</i>
ترس بیجا، ترس بی مورد	ترسه نوکی - بی هیج	سکیر	scare <sup>2</sup> <i>n</i>
هراس	ته رسای - ته رسه - ترس		
شال گردن، روسری، چارقد	رووسه ری - هه و له و	سکاف	scarf <i>n</i>
	ملی - شالی - مل له چه ک		
قرمز روشن - قرمز نارنجی	سوورخون قام - چون ون	سکالیت	scarlet <i>n, adj</i>
مفتوح ساختن، افشاندن	بلاو کردن - پاشای	سکیر	scatter <i>v</i>
پاشیدن	چه یه ک دور و سه ی		
صحنه - محل وقوع - بخش	بهش - یاگی رووه دای	سینین	scene <i>n</i>
قسمت بین - جلگاه	جیی رووداو - جیی نمایش		
منظره، چشم انداز	دیمه ن - چه م وز	سینیری	scenery <i>n</i>
دور نما	چاو خست، چاو روان		
رایحه دل انگیز - عطر - بو	عه تر و عه بیر - بوئی	سینت	scent <i>n-v</i>
بو بردن - بی بردن	خوش - بو - بو بردن		
برنامه، جدول برنامه	ناوئاخن - بارنامه	شدیول	schedule <i>n</i>
زمان بندی	چه دوه ل و کاری، سوورته		
دانشمند فاضل، عالم، محقق	زانا - ژیر - ناقل	سکالر	scholar <i>n</i>
دانشجو	مدریک و ژیره و مه ری		
بورس تحصیلی - کمک هزینه	خه لات و دیاری بو	سکالرشپ	scholarship <i>n</i>
آموزشی - آموختگی	شاگردی زیره ک زنایی		
	فیربونه وه - سه ودا		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدرسه، آموزشگاه، دبستان	مه‌یره سه - جیی	اسکول	school <i>n</i>
دانش، علم، فن - مهارت	ده‌رس خویندن - فیرگا		
شیوه	علم - زانست - زانایی	ساینس	science <i>n</i>
علمی، مربوط به علم - فنی	زانباری، لئی هاتی		
دانشمند، عالم - دانشور	علمی - زانستی	ساین تی فیک	scientific <i>adj</i>
	زانا - لیکۆلەر	ساین تیست	scientist <i>n</i>
	چه نه یا واجه علم		
قیچی - مقراض	دواردی دو پردک، دو پردو	سی زرز	scissors <i>n</i>
سز نش کردن، پرخاش کردن	دا کوتان - لومه کردن	سکولد	scold <i>v</i>
(زن بقو)	تانه وه نه دای		
با دست یا قاشق برداشتن	هه لگوزین هورگوزای	سکوب	scoop <i>v-n</i>
کندن - ملاقه	به چه مچه، چمچه یگه وه		
کمی سوزاندن، پژمرده شدن	پره ی سو چنای سو وتاندن	سکرچ	scorch <i>v-n</i>
سوختگی سطحی	بی تین سیس یای، بۆدان		
امتیاز، نمره خراش، خط افتادگی	نمره نمره ی سه رکه وتن، فرنجا	سکر	score <sup>1</sup> <i>n</i>
امتیاز، نگهداشتن / نوشتن	حیساب له ده ستابوون	سکر	score <sup>2</sup> <i>v</i>
خراش / خط انداختن	نمره وگه می نویسی، کلایشن		
خوار شمردن - پست شمردن	به چاوی خوار ته و اشا کردن	سکرن	scorn <sup>1</sup> <i>v</i>
	سووک پوره دیای		
بی احترامی، تحقیر	سووک ژمیری - تخیل	سکرن	scorn <sup>2</sup> <i>n</i>
خوار شماری	سووک پوره دیای		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کژدم، عقرب	ماره کۆل - دماره کۆل	سکُریپین	scorpion <i>n</i>
	دو و پیشک		
باخشم نگریستن - اخم کردن	مۆق که رده ی پروه پیوه رده دای	سکُول	scowl <sup>1</sup> <i>v</i>
	تیر دای - نه خم که رده ی، خراو ته و اشا کردن		
اخم، نگاه غضب آلود - تهدید	مۆق - تیر - نه خم	سکُول	scowl <sup>2</sup> <i>n</i>
	خراو روانین		
بازحمت بالا بردن، تندخیزدن	به سه ختی سه رلوای	سکُرْمبل	scramble <i>n</i>
	به ته قالا سه رووین - توند خزین		
تلاش کردن	ورده - تیکه - ریزلانه	سکُرْپ	scrap <i>n</i>
خرده، تکه پس مانده	بریک - توژیک، لت و کوت		
قطعه - قراضه	تاشای - تاشین - هور	سکُرِپ	scrape <i>v</i>
(با ابزار تیز) خراشیدن	که نه ی - هه لکلاشین		
تراشیدن - سرهم کردن	کلاشای - خوراندن	سکُرْچ	scratch <sup>1</sup> <i>v</i>
خراشیدن، پنجه انداختن	پوس رنیای - کراندن		
چنگ زدن	چنگۆل گرتە ی		
خراش، خط افتادگی	کرنا - کلاشا - رنیا	سکُرْچ	scratch <sup>2</sup> <i>n</i>
	زریا - ریش، قرنجان		
چرکنویس	قیژنای - قیراندن	سکُرِیم	scream <i>v</i>
دادکشیدن / زدن، جیغ زدن	قیرنای - قیواندن - زریکنای		
نعره کشیدن	قیژه - قیره - قیره، شریخه	سکُرِیم	scream <i>n</i>
جیغ، داد، فریاد - نعره	هاوار - قیوه - زریکه		
زوزه			

f v θ ð s z ʃ s  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نعره زدن (نعره زدن به نعره زدن)	سهرنای بپورنای، قیچان	سکرېچ	screech <sup>v</sup>
صدای (صدای)	سهراندن بپورانندن سهرنای		
چیخ (چیخ)	نهره بپوره سهره، زریکه	سکرېچ	screech <sup>n</sup>
پرده (پرده)	پدرده - پهرده‌ی جیا	سکرېین	screen <sup>n-v</sup>
سپهر-تور (سپهر-تور)	وه که ره‌وی چنه بیژن		
پیچ-بروانه (پیچ-بروانه)	چهر - پهره	سکروو	screw <sup>1 n</sup>
پیچ گوشتی (پیچ گوشتی)	ئاچهر - پیچ گوشتی	سکرو درایور	screwdriver <sup>n</sup>
پیچ کردن (پیچ کردن)	پیچ دای (دان) - تندو	سکرو	screw <sup>2 v</sup>
	(که رده‌ی تن کردن)		
خطنگارش (خطنگارش)	خه‌ت، نمایش نامه	سکرېیت	script <sup>n</sup>
باشتاب نوشتن (باشتاب نوشتن)	به په‌له نووسین (نویسه‌ی)	سکرې بل	scribble <sup>v</sup>
علم دین - کتب (علم دین - کتب)	کتیبی مقه‌ده‌س، نه‌نجیل	سکرېپ چر	scripture <sup>n</sup>
با بوس کشیدن (با بوس کشیدن)	به پییاهاوردن به یوره	سکراپ	scrub <sup>v(surbbbed)</sup>
مالش دادن (مالش دادن)	ساوی مشتوما‌لدای - پرونای		
سنگتراش، مجسمه (سنگتراش، مجسمه)	توه‌ن تاش - به‌رد تاش	سکال پتر	sculptor <sup>n</sup>
تندیس‌گر (تندیس‌گر)	شیوه ساز		
پیکرتراشی، مجسمه (پیکرتراشی، مجسمه)	توه‌ن تاشی به‌رد تاشی	سکال پچر	sculpture <sup>n</sup>
دریا، بحر (دریا، بحر)	ده‌لیا - ده‌ریا	سی‌ی	sea <sup>n</sup>
صدف دریا (صدف دریا)	سه‌ده‌فی ده‌لیا - جور‌ی	سی‌ی ئیل	sea - shell <sup>n</sup>
	جانه‌وه‌ری ده‌لیا		
ساحل، کنار دریا (ساحل، کنار دریا)	قه‌راخه ده‌لیا - که‌ناری ده‌لیا	سی‌ی ساید	seaside <sup>n</sup>
فک، خوک آبی (فک، خوک آبی)	خو‌وگی ده‌لیا - جور‌ی	سییل	seal <sup>1 n</sup>
صخه (صخه)	جانه‌وه‌رو ده‌لیای، مور		

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مهر و موم کردن	مۆر و مۆم کەردە ی	سبیل	seal <sup>2</sup> v
تضمین کردن	نامە سەر بە مۆر کردن		
درز، شکاف، زنگنه، کوک	ترە ک - ترە کە - تە قەڵ	سبیم	seam n
گشتن، جستن، جویاشدن	چەرچوروی، تری شکە پە ی گیلای - بۆگەریان	سیرج	search <sup>1</sup> v
	سرنج دان - سرنج دای (دان)		
بازرسی، کند و کاو	سرنج - لیکۆلینه وە	سیرج	search <sup>2</sup> n
جستجو - تجسس	ورد و بیه		
فصل، ایام - دوران	وەرز و سالی - وەرز ی	سی زن	season n
ادویه زدن، گوشت خواباندن	سال، فەسل، ئالەت لیدان		
صندلی، جا، خشتک، جایگاه	یاگی - جی - کەت	سیت	seat n
ثانی، دوم، دومین، دست دوم	دوو، هەم، دوو، دو، یەمین، کات	سبکند	second adj
مدرسه متوسطه، دبیرستان	دەوڕە ی دە بیرستان	سبکندری اسکول	secondary school n
مرموز، پنهان، سری، مخفی	راز - رازی - پوژیا	سبیکریت	secret n, adj
راز	نامە علووم، ون		
مشتی، دبیر، سفیر، وزیر	ویژە رەزیر، دە فته ردار	سبکرتی	secretary n
	دە ستیار - بالوێز		
قسمت، بخش، قاج، بجزء	بە ش محە لی، لەت و تیکە	سبکشین	section n
امن، بی خطر، محکم، مصون	ئە من و ئە مان، بی ترس	سبکیور (سیکر)	secure adj
خاطر جمع	بی مه ترسی - قایم		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
امنیّت، اطمینان، سلامت	ئه من بێ خه ته ر دڵ نیا	سیکیوریتی	security <i>n</i>
تأمین-اوراق بهادار	پشت گه رمی	(سیکوریٹی)	
دیدن، مشاهدہ کردن، خه میدن	بینای بینین - ته و اشا کردن	سی	see <i>v</i>
بذر، دانه، تخم، تخم کاشتن	ناوکه - توّم دۆلێ - توّم	سید	seed <i>n-v</i>
هسته یادانه دراوردن	تۆ - پیشه میوه		
جويا شدن، جستجو کردن	لیکۆلین - سه ر و گوّش	سییک	seek <i>v</i>
دنبال گشتن	ئاودای شوّنه لوائ، سه یر کردن		
نمودن، به نظر آمدن	نمانای - بهر چاو هاتن	سیمیم	seem <i>v</i>
گویی	وه ر وچه می ئامه ی، واد یاره		
آهسته چکه کردن، تراویدن	ئارام تکه که رده ی - تکه کردن	سییب	seep <i>v</i>
نشت کردن	ده لّئای (ده لّاندن) شربون		
الاکنگ، نوسان کردن	هه له ق و مه له ق - له بان	سی دی شو	seesaw <i>n</i>
	دار سه ر و خوار چوون، هاتو چو کردن		
ربودن، قاییدن، چنگ زدن	رفانای - رّفاندن، گرتن	سيز	seize <i>v</i>
دستگیر کردن	چه نه ئه سه ی لّی سه ندن		
به ندرت-نگه گاه، کمتر	زۆر که م بفره که م جار و بار	سیلیم	seldom <i>adv</i>
انتخاب کردن، برگزیدن	هۆر و چینه ی هه لّیژاردن	سیلکت	select <i>v</i>
برگزیده، منتخب، سوا	هه لّیژ پرا و - چنیا، لاوس	سیلکشن	selection <i>n</i>
خود، خویش، به خود، ضمیر	ویم - خوّم - وێ - خو	سیلف	self <i>n</i>
خود پسند، خودخواه، مغرور	فیزن - قوت - جه وێ	سیلفیش	selfish <i>adj</i>
	رازی - خو هه لّ کیش		

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودخواهانه، خودپسندانه	به فیزه وه به ته که به وه	سلفیشلی	<b>selfishly</b> <i>adv</i>
خودخواهی، خودپسندی	فیز زلی - قوتی	سلفیش نِس	<b>selfishness</b> <i>n</i>
	جه وی رازی		
فروختن، بفروش رساندن	فروتن حوره ته ی، فروش چون	بیل	<b>sell</b> <i>v</i>
فروشنده	فروشهر - چیووره ش	بیلر	<b>seller</b> <i>n</i>
نیم دایره، منحنی	نیو دایره - نیمه خه ر	بیمی بکرکل	<b>semicircle</b> <i>n</i>
	نیو یازنه، که مان یاو		
سمیکولن (!)، نقطه ویرگول	ناوی ته م نیشانه (؛) نوخته	بیمی کتولن	<b>semicolon</b> <i>n</i>
مجلس سنا، مجلس اعیان	مه جلس - مه جلسو	بیمیت	<b>senate</b> <i>n</i>
	به رگوزیده کان - جه مخانه		
	و نماینده کان		
سناتور (عضو مجلس سنا)	ئه ندای مه جلسی	بیمتر	<b>senator</b> <i>n</i>
	هه لیز پراوان - گرو		
	و مه جلسی (کور)		
ارسال داشتن، فرستادن	کیانای - هه نارن	بیمند	<b>send</b> <i>v</i>
موجب شدن	کیاسته ی، نارن، بایس بون		
ارشد، بزرگتر - مهم	خویندکار گه و ره تر سه ره تر	بیمین پر	<b>senior</b> <i>adj</i>
بالادست، سال آخری	خویندکاری سالی ناخری ده رس		
جس، خرد - معنی، منظور	فام بفهم - جس - ته قل	بیم نِس	<b>sense</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
جس، احساس - شور	نیشات - ده رک و فام	بیمین بیمین	<b>sensation</b> <i>v</i>
هیجان	حسی شعور		

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دارای عقل سلیم، آگاه	ماقوول - زانا، وریا	بین س بِل	sensible <i>adj</i>
معقول	هوشیار - نه قَل دار		
حساس، بزود رنج، تحریک پذیر	دَل ناسک که م تاقه ت، زو جوشین سی تیو		sensitive <i>adj</i>
حس / درک کردن	پێ زانین - په نه زانای	بین س	sense <sup>2</sup> <i>v</i>
	په ی به رده ی		
جمله، حکم، برای	جمله - ره ست، قه توا	بین تنس	sentence <i>n</i>
مجزا، جداگانه، جدا کردن	جیا وه که رده ی - جگن کردن	سپ ریت	separate <i>v</i>
جدایی، دوری، مجزا	جیا وه که ری - جگن، جیا	سپ اریشن	separation <i>n</i>
	که ری - دور له یه ک - جیا واز		
سپتامبر ماه نهم میلادی	مانگی نو یه له سالی میلادی	سپ تمپر	september <i>n</i>
گروهبان یکم	گروویان ده ره جه داری	سارچنت	sergeant <i>n</i>
	نیزامی - سه رگرو، سه ریه ل		
سریال، داستان دنباله دار	له دوا ی یه ک - قه تار	سیریل	serial <i>n</i>
پشت سرهم، مسلسل، مکرر	په شته ویوی پرازی در پژه		
سری، دوره، سلسله، رشته	رشته - چین چین	سیریز	series <i>n</i>
ردیف	ده وه ده ده سته، زه نه جیره		
جدی، موثر، مهم، خطرناک	گه وره - موهم	سیریس	serious <i>adj</i>
	سوور - قورس ته یه سه نگین		
به طور جدی، شدیداً	به سووری ته واو	سیریس لی	seriously <i>adv</i>
جدا	به ره قی و سین سه ختی		
وعظ، موعظه، نطق، خطاب	مو چیار ی - نه سیحه ت، نو تق بیرمن		sermon <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خدمت کردن - (غذا) سرو کردن	خدمت کردن - خزمهت کەرده یی	بیرو	serve <i>v</i>
نوکر، خدمتکار	دایانه - ههروه نه	بیرونت	servant <i>n</i>
	خزمهت کاروه رده س		
خدمت - کار، سرویس، مراسم	خزمهت - کۆمهک هاوکاری	بیرویس	service <i>n</i>
خدمات (در ادارات)	خزمهت کاری	بیرویس یونیت	services unit <i>npl</i>
جلسه، نشست، اجلاس	جهم خانه - کۆ	بیشین	session <i>n</i>
چرگه	بوونه وه - کۆر، جهرگه		
سرویس و هسته وسیله برقی	دهسه زرف - دهزگا	بیت	set <sup>1</sup> <i>n</i>
	جمله سه جموعه، حالهت		
قرار دادن، گذاشتن - ایجاد	دانیان - ئه ره نیای پروین	بیت	set <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن، شروع کردن، وادار	حازر کردن - وهش کەرده یی - کار نیای		
کردن / ساختن - کار گذاشتن،	تاقی یو کردن - میزان کردنی سه عات		
کار دادن، امتحان به عمل آوردن	پو جیار پرای - خوش کردن - که رگ		
غروب کردن - رفتن، عازم شدن	نیای - ئاماده کردن - خو رپه رین		
مهیا کردن، آماده کردن			
مستقر شدن - آرام کردن	ئارام کردن - ئه ره مه رزیای	بیتل	settle <i>v</i>
نشستن - واریز کردن	نشته جی بوون پیاگه یین		
توافق - نشست، پرسیدگی	قه بوول - ئه ره نشته	بیتل مینت	settlement <i>n</i>
مستعمره - واریز	دانیشته دانیشتن بو باس		
ساکن، مقیم، مهاجر	نیشته جی دانیشتنو	بیتلر	settler <i>n</i>
	یاگه گیر		

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
setting <i>n</i>	بستینگ	جێ ی رو داو - یاگه مر خوان	زمینه صحنه جای نگین
seven <i>n, adj</i>	بیون	ژماره ی حه و ت - شماره	عدد ٧
		و حه قتی	
seventh <i>n, adj</i>	بیونس (ت)	حه و ته م - حه قتوم	هفتم، هفتمین، هفتمی
seventeen <i>n, adj</i>	بیون تین	حه فده	عدد ١٧
seventeenth <i>n, adj</i>	بیون تین س (ت)	حه فده هوم - حه فده یه م	هفدهم، هفدهمین
seventy <i>n, adj</i>	بیون تی	حه فتا	عدد ٧٠
seventieth <i>n, adj</i>	بیون تیس (تیت)	حه فتا یه م - حه فتا هوم	هفتادمین (70th)
several <i>adj-n</i>	بیورل	چه ند - چنده، جگی، جیا	چند، چندین، جدا، چندتا
severe <i>adj</i>	سیویر	سه خت گر - توند و سه خت	سخت، شدید، عبوس، ساده
secretariat <i>n</i>	سکرتریت	ده بیر خانه - نامه خانه	دبیرخانه (اداره)
severely <i>adv</i>	سیویرلی	به سه ختی - به توندی	شدیدا، به سختی، دشوار
sew <i>v</i>	ستو (سو)	دروین - ورا سه ی	دوختن، دوخت و دوز کردن
		جامه دو زان، دوران	بخیه کردن
sewing <i>n</i>	سوینگ	خیاتی دو زای دروین	خیاطی، دوخت و دوز، دوزندگی
sewing machine	سوینگ ماشین	چه رخو خیاتی - چه رخی دوران	چرخ خیاطی
sewage <i>n</i>	سویج	فاز لا و - گه ناو	فاضلاب - گنداب
sex <i>n</i>	بیکس	مه سه له ی جنسی - جنسی	جنس - رابطه جنسی - جنسیت
		نیرومی - چه زه به ی جنسی و ده زگا	اندام جنس - نزدیکی
shabby <i>adj</i>	شبی	کو نه - پوترکیا - شر	کهنه، پوشیده، فئدرس
		بی شه رفی، په ست	پارده پوره - رنگ پرورفته

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سایه - رنگ، کوکزه	سیوهر - سیبهر - سه سیر	ثبید	shade <sup>1</sup> n
حصیر پنجره، حباب	پیرانه چراسه هه ندوکه مه ران		
سایه دار، سایه افکن	سیوهر دار - سیبهر دار	ثبیدی	shady adj
مشکوک	سه هه تددار		
سایه کردن، سایه دار کردن	سیوهر و کهرده ی	ثبید	shade <sup>2</sup> v
پوشاندن	سیبهر کردن، داپوشان		
سایه، اندوه، غم	سیوهر - لیلی - ره شی	شدو (شیدو)	shadow n
کم	و سیاوی، زور کم		
میله باریک - هواکش - تیر	میله - دار - ته موه دار	شافت	shaft n
ساقه - محور - سوراخ چاه	کۆله که لولو له سۆبه سی پا		
لرزاندن، جنباندن، تکان دادن	ئه وه شه کنای شه له	شیک	shake v
لرزه - دست دادن به کسی	قنای له قانندن - جواندن		
کلمه ای به جای Will	وشه ی یان که لیمه ی	شل	shall v aux
	به باتی ویل Will		
کم آب، کم عمق، کم ژرفا	کهم ئاو - کهم قوول	شلو (شلیو)	shallow adj
	قوول نه بوو، قوول (جول) نه بی		
(احساس) شرم، خجالت	شه رم و حه یا	شیم	shame n-v
کنف کردن، تنگ بالا آوردن	خه جاله ت - نه نگ و عار		
شامپو	شامپو و ماده ی شووردنی موو	شمپوو	shampoo <sup>1</sup> n
شامپو زدن	شامپوو دای (دان)	شمپوو	shampoo <sup>2</sup> v
	shan't see shall		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شکل بریخت، قواره، حالت	شیوه‌شکل به‌ژن، حال	شِیپ	shape <sup>1</sup> n
شکل خاصی دادن، شکل گرفتن	به‌شکلێ ده‌رهاوردن	شِیپ	shape <sup>2</sup> v
ساختن	وه‌ش‌که‌رده‌ی‌شکل دان		
تقسیم کردن، بخش کردن	به‌ش‌کردن - به‌ش‌به‌رده‌ی	شِر	share <sup>1</sup> v
شریک بودن	(که‌رده‌ی)، یاری‌به‌ی		
سهم، حصه، بخش، قسمت	به‌ش - په‌نه‌درای	شِر	share <sup>2</sup> n
	ماف و قسمت		
کوسه (ماهی)	کۆسه‌ماسی - ماساویوه	شارک	shark n
	لاگیره و دره		
تیز - تند، تیزبین	تن و تیژ - تیژ - وریا	شاپ	sharp adj
بُزان - حقیقاً، فرز	هۆشیار، گال و تیژ		
به‌تندی، باهوشمندی	به‌زیره‌کی - به‌وریایی	شارپلی	sharply adv
	به‌تون‌دوتیژی (برای برام)		
تیز کردن / شدن	تیژو‌که‌رده‌ی - تیژ	شارپین	sharpen v
شدید کردن	کردن - تیژ‌به‌ی		
خرد کردن / شدن	ورد‌که‌رده‌ی (بی‌ه‌ی)	شَتیر	shatter v
متلاشی شدن، درهم‌کوبیدن	ورد کردن (بوون)		
تراشیدن (ریش)، اصلاح کردن	ریش تراشین - ریش تاشای	شیوینو	shave <sup>1</sup> v
اصلاح صورت، ریش تراشی	روو تراشی - تاش‌رووگرتن	شیوینو	shave <sup>2</sup> n
شال - شال کردن	شال - مشکێ ژه‌نان	شَل	shawl n
	په‌روبا سوۆلی، شالی مل		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
او (مؤنث)وی	ئەو - ئادە (ژەنی) - وی	شی	she
چیدن-بریدن-ههز کردن	قرتنای - خوری چنن	شیر-شیر	shear <sup>v</sup>
قیچی-باغبانی-پشمزنی	گوشت بریهی-دارپاچین دویردک - دواردی	شیر	shear <sup>n</sup>
عادی	مه قهس		
الونک، طویلە سر پوشیده	گه ور - همار - کادان	ثید	shed <sup>1</sup> <sub>n</sub>
ریختن-انداختن،موریختن	سەر شیهی-ههلس متهی	ثید	shed <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	پیس گرتن-خستن-کازوسه ی		
گوسفند(قوج - میش)	مه ر - مه یه - می	شیپ	sheep <sub>n</sub>
عمودی،راست،ناگاه کج رفتن	قنچ و قیت - راست	شیر-شیر	sheer <sup>adj-v</sup>
	راس-ناکابادان،ویراژدای		
ورق، ورقه، صفحه - ملقه	تواق تواق - وه ره قه	شییت	sheet <sub>n</sub>
لایه - سطح	ئاسن-هه لافه-پانی-توی..تو		
قفسه، رف، طاقچه	قه قه سه دوکان - ره قه	شیلف	shelf <sub>n</sub>
تخته سنگ - جزیره مرجانی	تاقچه، توه نه تاویر		
بدنه، پوست، صدف، لاک	توکل - پیس - نوکل	شیل	shell <sup>n-v</sup>
گولمپوکه،سپوس گرفتن	گولمسه ده فلش،فی شک		
پناهگاه، حفاظ، پناه	سه رپه نا - قه لخان	شیلتر	shelter <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پناهندگی	جان په نابیه رگل وه رگیر		
پناه دادن / بردن	په نادای (دان) - په نا	شیلتر	shelter <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	به رده ی (بردن)		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چوپان، شبان، شبانی کردن	شوانه-شوان، شوانی کردن	شِید	shepherd <sup>n-v</sup>
سهر-حفاظ-سپردن	قه-لخان - ره گیر	شیلد	shield <sup>1</sup> <sup>n-v</sup>
حفظ کردن، سپردن	گلۆدهر، بهرگر-به رگل دان		
جابه‌جا کردن، حرکت دادن	پاراستن - پاریزنای	شیلد	shield <sup>2</sup> <sup>v</sup>
جُم خوردن	جی به جی کردن	شیفت	shift <sup>1</sup> <sup>v</sup>
نوبت کار - نوبت کاری	یاگه‌واری - تل‌دای (دان)		
دگرگونی	نوگه کار - نوگه	شیفت	shift <sup>2</sup> <sup>n</sup>
تاییدن، برق زدن، درخشیدن	چاره‌سازی - کارزانی		
براق، درخشان، مژجلا	دروشای (دروشیان)	شاین (شَین)	shine <sup>v</sup>
آفتابی	پرشنگ‌دان - بریق‌ده‌ای		
کشتی، سفینه، ناو	بریق‌ده دار - دروشیا	شاینی (شَینِی)	shiny <sup>adj</sup>
باکشتی حمل کردن	پرشنگ‌دار، ساووه‌رتاوی		
کشتیها - توابری	کشتی - ناوگه‌ر	شِیپ	ship <sup>n-v</sup>
کشتی رانی	ناوگیل، باربردن به کشتی		
پیراهن مردانه، زیر پیراهن	که شتییه کان - که شتی	شِیپ‌ینگ	shipping <sup>n</sup>
لوزیدن، تکه تکه کردن	بارجا به نددی، که شتی گه‌ردی		
لرز مور مور - تکه هرچیز	گجی - کراس - کرواس	شِرت	shirt <sup>n</sup>
صدمه، شوک الکتریکی - تکان‌روانی	شیوای شیوان، ورد کردن	شِیور	shiver <sup>v</sup>
	له‌رزای له‌رزین شیو بیه‌ی		
	له‌رز شیو یا مورچرکی، شیوآل	شِیور	shiver <sup>n</sup>
	شوکه - ته‌کانه ده‌شەت، خەرمان		shock <sup>1</sup> <sup>n</sup>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
shock <sup>2</sup> v	شاک	ته کان وارده‌ی (خواردن)	هول کردن، تکان خوردن
shoe n-v	شوو	ترس پیدان - هور کورکیای	شوکه کردن
shoelace n	شوولیس	کهوش - پالای، نال کردن	کفش - نعل اسب، نعل کردن
shoe-maker n	شوومیکر	به نه کهوش - به نه پالا	بندکفش
shoot <sup>1</sup> v	شووت	کهوش دوز - پالا وراز	کفاش - بینه‌چی
shoot <sup>2</sup> n	شووت	گوله ته قنای (ته قانندن) - چرینای	شلیک کردن - جهیدن،
		پرای گۆ که رده‌ی - درهاتن	جوانه زدن - پریدن
		نمام - گۆ - گۆپیتکه	نپال - جوانه - قلمه
		خه واو - نه مامی نو ره س	
		چرو	
shop <sup>1</sup> n	شاپ	دووکان - فروشگه	دکان، فروشگاه، مغازه
		جی‌ی فروش - یا گۆی - ره ته‌ی - کرین	کارگاه
shopkeeper n	شاپ‌کیپر	دووکاندار - ساحیو	مغازه‌دار، دکاندار، کاسب
		دووکان	
shop <sup>2</sup> v	شاپ	کرین - سه نندن - ته‌سه‌ی	خرید کردن، خریدن
shopping n	شاپینگ	چیو ته‌سه‌ی - چت کرین	خرید
shore n	شر	قه‌راخه ده‌لیا - که‌تاره	ساحل - کرانه
		ده‌لیا و رووبار	
short adj	شُرت	کول - کو تا - کورت	کوتاه، مختصر، شورت
		شورت	اتصال، برق
shortage n	شُرتیج	نه‌وی‌ی - نه‌بوون - که‌می	کمبود، فقدان، کمسری

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	tēn	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کم شدن، کوتاه شدن	کۆلۆ که رده ی - قرتنای	شُرتن	shorten <sup>v</sup>
	کورت کردن		
شورت، شلوار کوتاه	تونکی - تونکه - شور تی	شُرَتس	short <sup>n</sup>
	شورت		shot <sup>1 see shoot</sup>
صدای گلوله - تیر - ساچمه	ده نگو گولە ی - گولە - تە قە	شات	shot <sup>2 n</sup>
جُرعه، تزریق، غرسوده	ساچمیی، گولمه ناو - شر		
باید، بهتر است، خواهم	مه شیو - ئەبی - ئەوی	شُد	should <sup>v</sup>
	مه وو، ده با		
شانه، دوش، کت، حاشیه جاده	شانه ومل - شان، تە قە بل	شُلیر	shoulder <sup>n</sup>
فریاد کردن / زدن	هاوار که رده ی - قیراندن	شَوَت (شات)	shout <sup>1 v</sup>
فریاد، داد، جاز، بانگ	هاوار - قیران - قَال - زیران	شَوَت (شات)	shout <sup>2 n</sup>
بیلچه، خاک انداز، پارو	بیل - خا که ناز، پاروو	شاول	shovel <sup>1 n</sup>
	خره باله - بیلّه		
پارو کردن، بیلچه زدن	پارو کیشای (کیشان)	شاول	shovel <sup>2 v</sup>
	به بیل پاکو کرده ی		
نشان دادن - تعریف کردن	نیشان دان (دای)	شو (شئو)	show <sup>1 v</sup>
نمودار شدن	وه رجه م و سه ی - فاش کردن		
نمایشگاه - شو (کنسرت، ...)	نیشان - نیشان گه، نمایش	شو (شئو)	show <sup>2 n</sup>
پُر - تظاهر - ادا	ته ما شا گه - فیز		
ویژه، تکه پزنده کردن	شر - پرو لنگ - دراو	شرِد	shred <sup>n</sup>
ویزریز کردن	دریا، ورد، هه نجنین - تولا ش		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیرک، زیرنگ، نافلانزد	زیرنگ - زیر به هوش، زۆل	شرود	shrewd <i>adj</i>
جیغ زدن / کشیدن	قیزنای - شریخاندن	شریک	shriek <sup>1</sup> <i>v</i>
	شریخانی، قیزاندن		
جیغ، داد، فریاد	قیزه - شریخه - شریخنا	شریک	shriek <sup>2</sup> <i>n</i>
	قیوه، زیریکه		
جیغ، صدای گوش خراش و تیز	شریخه - قیچه، زیریکه	شریل	shrill <i>adj</i>
زیارتگاه، حرم، معبد، مرقده	یاگه تواف - جی تواف	شرین	shrine <i>n</i>
	دهیریکه نیسا، مهرقه د		
کوتاه کردن / شدن پارچه	چرچویه ی - ئاو لوی	شرینک	shrink <i>v</i>
عقب کشیدن	بچووک بوون - کورتو بوون		
بوته، درختچه، بته	متکه - پنجه - ههژگ	شراب	shrub <i>n</i>
شانه بالا انداختن	شان هه لڅستن - شانه	شراگ	shrug <i>v</i>
بی اعتنایی کردن	هور ئاسه ی، گوی نه دان		
لرزیدن - منجزو شدن	لهرزین - لهرزای	شادر	shudder <i>v</i>
چندش گرفتن	بیزار بیه ی (بوون)		
لرز، تنفر، چندش	لهرز بیزار برق، قه لژ	شادر	shudder <i>n</i>
بستن، تعطیل کردن	بهستن - داخستن، ری برین	شات	shut <i>v</i>
کیپ کردن	بینای - به سه ی		
پرده، پشت دری، کرکوه	پرده ی پشتی ده ر	شاتیر	shutter <i>n</i>
	پرده (پشت ده لاقه و په نجه ره)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کمر، خجول، ترسو	شەرمین - که م پروو، حیا دار	شَی (شای)	shy adj
ملاحظه کار، خجالتی	تەرس دار بێبە کە م پرووی		
خجولانه	بە شەرم بێبە شەرمە ساری	شای لی	shyly adv
دارای تھوع - بیمار	ناوہ ش - نہ خوش	سیک	sick adj
زەدەل - از لار دەسبیریزار	نەوہ ش، ھۆق - ئازار دەر		
بیماری، مریضی، تھوع	ناوہ ش - نہ خوشی	سیکینس	sickness n
	نەوہ ش - بیزار		
سمت، جھت، پھلوفرعی	پالارە - پاسەر پرووہ	ساید (سید)	side n
جانب - فرعی - نزد	بەرە ببار - لاکن - پال		
یک طرفہ، یک پوری، از یک طرف	بە یەک لارە بێبە یەک بارا	سایدوی س	sideways adv
اھ کشیدن، حسرت خورن	ھەناسە ھۆرکیشای	شَی (شای)	sigh <sup>1</sup> v
	ئاخ ھەلکیشان، داخ و تن		
امحسرت دھریغ	ئاھ - سەر دھەناسە ی	شَی (شای)	sigh <sup>2</sup> n
	کال - ئاخ، ئوی، داخە یگران		
بینایی - منظرہ، صحنہ	بینایی دیدہ - دیمەن	شیت (سایت)	sight n
رؤیت، نشانہ یاب	رووہ داخینان، قەرەو ل لہ چەک		
علامت، اثر - نشان	نیشان - یاگی - جی، ئشارہ	ساین (سین)	sign <sup>1</sup> n
تابلو - رقبہ - اشارہ	عەلامەت، تاپلۆ - شونہ		
تابلو علامت جادو و اھنمایی	تابلۆ - نیشان و تاپلۆ ی جادہ	ساین ئیست	signpost n
امضاء کردن	ئیمزا کردن - ئیمزا	ساین (سین)	sign <sup>2</sup> v

کہ رده ی

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
امضاء	ئیمزا - شه قَل	سیگنچر	signature <i>n</i>
علامت، نشانه، اشاره	نیشان - پێخام - عه لامه ت	سیگنال	signal <i>n</i>
بااهمیت - معنی دار	پیرمانا و مه عنامو هیم	سی گنی فی کنت	significant <i>adj</i>
پُر معنی	و به که لک و گرن گ		
معنی و مفهوم بااهمیت	مه عنا - مه نزو و ر	سی گنی فی کنتس	significance <i>n</i>
	که لک، مانا، گرن گ		
سکوت، خاموشی، ساکت کردن	خامو ش - بی ده نگی	سای لئس	silence <i>n-v</i>
	ئارامی، خامو ش کردن		
ساکت، خاموش - بی حرف	که م قسه - خامو ش	سای لنت	silent <i>adj</i>
	بی ده نگی، کش و مات		
به آرامی - باسکوت	به ئه هوه ن و ئارامی	سای لنتالی	silently <i>adj</i>
	به بی ده نگی		
ابریشم، نخ، ابریشم	هه و ریشم - نه یه ی هه و ر	سیلک	silk <i>n</i>
پارچه ابریشم	یشمیه ده زگه ئاو ریشم		
کم ابریشم	کرمی هه و ریشم	سیلک و م	silkworm <i>n</i>
	کرمه و هه و ریشمی		
کودن، احمق - بی شعور	بی ئه قَل - نه قام - گه و ج	سیلی	silly <i>adj</i>
	گیل - گنج - مینگو ل		
نقره، سیم - رنگ نقره ای	زیو - نو قره، نو قره ره نگ	سیلور	silver <i>n</i>
شبییه، مانند یک جوهر	وه ک - پسه و - یه ک جو ر	سیمیلر	similar <i>adj</i>

عه ینه هوو - ماچی

h m a ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همانندی، تشابه، شباهت	شکل دای - شکل دان	سیمیلر تی	similarity <i>n</i>
	ههروه ک یه ک - یو ییه ی		
آسان، ساده، ساد، لوح، افتاده	ره حه ت - ساده سووک	سیمپل	simple <i>adj</i>
به سادگی، با خلوص، نیت	به ره حه تی به سووکی و ریکی	سیمپلی	simply <i>adv</i>
ساده / آسان کردن	ئاسان کردن - سووک تهر	سیمپلی فای (فی)	simplify <i>v</i>
	که رده ی - کور تو کردن		
گناه، معصیت خطا	گوناهه گوناح - لاری و خه تا	سین	sin <i>n</i>
از زمانی که، از آن زمان	چاوه ختو تائیسه - لهو	سین س	since
چندی است که	وه خته تائیس تا جه وه ختو، ده میکه		
درستکار، وفادار، بی ریا	وه فادار - عه سل، باوه فا	سین سمیر	sincere <i>adj</i>
	بنه رت ریگ - ساق		
مخلصانه، صمیمانه	به خالسانه - به ریکی و	سین سمیر لی	sincerely <i>adv</i>
	ساقی به دروسکار به وه		
آواز خواندن، خواندن ترانه	گورانی واته ی - گورانی	سینگ، سینج	sing <i>v</i> (بودادن <i>singe</i> )
صدای سماور، آهمن	وتن - وه نه ی - خویندن - گیزه هاتن		
خواننده، آوازخوان، نغمه سر	گورانی واچ - گورانی	سینگر	singer <i>n</i>
پرنده، آوازخوان	بیژ - خوینهر - وه نه ر		
تک، یکتا، تنها، مجرد	یو - یه کی - ته نیا - عازه و	سین گیل	single <i>adj</i>
عزب - سوا کردن	سه لت - سه لت - تاک		
مفرد (مقابل جمع) - یکتا	به س یه ک - تاک - تاک و تا فانه	سین گیولر	singular <i>adj, n</i>

i:	r	e	ae	a:	D	o:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سینک (سینی ظرفشویی)	زەرف شووری - یاگی	سینک	sink <sup>1</sup> n
دستشویی	شته و ده فران - زەرف شووری		
پایین رفتن، فرو رفتن	خنیکای - خنکان - دلی	سینک	sink <sup>2</sup> v
غرق شدن - لم دادن	ئاوی نهواری لوای له ئاو		
آفت کردن	خوار روین - نقم بیهی		
جرعه جرعه نوشیدن،	چه شکە کەر دەی - چه شین	سیپ	sip <sup>1</sup> v
چشیدن، مزه مزه کردن	هوړلو شته ی - لو شین، مه زه کردن		
جرعه جرعه، جرعه، مزه مزه	چه شکە کەر دەی - چه شین	سیپ	sip <sup>2</sup> n
	هه لّو ووش - گو لّم گو لّم مه زه و تام		
اقا - جناب - آقای عزیز	له قەب بو گەورە و	سیر	sir n
	ئاغا		
اژیر - زنگ خطر، غریبا	دەنگی مە ترسی و خە تەر	سایرن	siren n
	زووزە و خە وەر دای		
	ژە نه ی جادوو گەرە - ژنی دلرفین		
خواهر - نرس، پرستار - واهبه	والی - خویشک - باجی	سیستەر	sister n
	خوشک - ژە نه و دە پروکە نیسه ی		
خواهر زن / شوهر، برادر زن	براژن - والی ژە نی	سیستەر این لۆ (لو)	sister-in-law n
	براژە نی - خوشکی شو		
	والی شووی		
نشستن - جلسه داشتن	دانیشتن - ئەرە نیشتە ی، قەرار گرتن	سیت	sit v

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
sitting - room <i>n</i>	سیتینگ روم	دیوی دانیشتن	اتاق نشیمن
site <i>n</i>	سایت (سیت)	جێ - یاگێ - سه‌کو	محل، جا - مکان
situation <i>n</i>	سیچوایشن	حال یه زعه دوخ، کار	موقعیت - وضعیت، شرایط
six <i>n,adj</i>	سیکس	شه‌ش شش - ژماره‌ی شه‌ش	عدد ۶
sixth <i>n,adj (6th)</i>	سیکس‌س(ت)	شه‌شهم - ششۆم	ششم، ششمین - $\frac{1}{6}$
sixteen <i>n,adj</i>	سیکس‌تین	ژماره‌ی شانزده	عدد ۱۶
sixteenth <i>n,adj</i>	سیکس‌تین‌س(ت)	شماره و شانزده‌ی شانزده‌یه‌م - شانزه‌هۆم	شانزدهم، شانزدهمین - $\frac{1}{16}$
sixty <i>n,adj</i>	سیکس‌تی	ژماره‌ی شه‌ست	عدد ۶۰
sixtieth <i>n,adj</i>	سیکس‌تی‌س(ت)	شماره و شه‌سی شه‌سته‌یه‌م - شه‌سۆم	شصتمین - $\frac{1}{60}$
size <i>n</i>	سایز	ئه‌ندازه - ئه‌ندازه‌فیت، چه‌سپ	اندازه، سایز، آهار، چسب
skate <sup>1</sup> <i>v</i>	اسکییت	خزه خزالێ که‌رده‌ی	روی یخ سر خوردن
		له‌بان یه‌خ سوور	کفش پاتیناژ
		خواردن - له‌سه‌ر یه‌خ	
skate <sup>2</sup> <i>n</i>	اسکییت	خزیاڤ - خزالێ و کڕیله‌ که‌رده‌ی که‌وشی تایبه‌ت بو‌خزیاڤ	کفش چرخ‌دار / تیغه‌دار
		پالای خزه خزالێ	
skeleton <i>n</i>	اسکلێتن	چوارچیوه‌ی له‌ش - داربه‌سو	اسکلت، استخوان بندی
		به‌ده‌نی - قاپوور - داربه‌ست	کالبد - چارچوب

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
طراحی سریع، شرح کوتاه	نه‌خشته‌ی ساده‌به‌یانی	اسکیچ	sketch <sup>1</sup> n
خلاصه	کورت - پیلان		
طراحی کردن، کشیدن	کیشان - پیلان و گلال	اسکیچ	sketch <sup>2</sup> v
کروکی کشیدن	ده‌رخستن - نه‌خشه کیشان		
شرخوردن، لیز خوردن	خزین - خزای - خلیسکیان	اسکید	skid v
لغزیدن	سو و روآرده‌ی، کرپله کهرده‌ی		
آستادی، خبرگی - مهارت	ئوستادی - جه‌ده‌س ئامه‌ی	اسکیل	skill n
	کارزانی - شاره‌زایی		
ماهرا نه، استادانه، ماهر	به کارزانی به ئوستادی	اسکیل فل	skillful(y) adv-adj
مُجْزِب	شاره‌زایی - جه‌ده‌س ئامه‌ی		
پوست (حیوان، میوه،...)	پیس - پوس - پیست	اسکین	skin n
روکش - جدار	(میوه - حه‌یوان - دار)		
خیلی لاغر، لاغر - نحیف	لاواز - ره‌ق و ته‌ق	اسکینی	skinny adj
	بئ تین - لهر		
جست و خیز کردن، لی‌لی کردن	(په‌رین) سه‌رووارپرای	اسکیپ	skip v-n
لی‌لی - طناب‌بازی	بازیردن - قونین، چوزان کردن		
دامن - دورزدن به اطراف	داوینه کراس - دامنه گجی	اسکیرت	skirt n
	کوله نجه گجی - کراسی کولی ژنان		
جمجمه، استخوان‌سر	بۆله - کاپۆله - کلله	اسکال	skull n
	کاسه و سه‌ره‌ی		
آسمان	ئاسمان	اسکای	sky n

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آسمانخراش	یانه‌ی حەر فره به‌رز	اسکای‌سکری پر	skyscraper <i>n</i>
ساختمان خیلی بلند	مالی زۆربه‌رز - پِرقات		
تکه - تخته‌سنگ	تونه تاویره - به‌ردی	اسلَب	slab <i>n</i>
قطعه - پاره - قالب	پان - تیکه به‌رد و دارو... (ورده)		
شست - شل - گُند، تبیل	فش - شل - بی‌قوه	اسلَک	slack <i>adj-n</i>
کم‌کار	ته‌مه‌ل - ئو فتاده، بی‌قابل		
به هم کوبیدن، محکم بستن	به توندی دهر به‌ستن	اسلَم	slam <i>v</i>
	تند به‌ره بینای، کوتان		
زبان غیر ادبی، زبان عامیانه	زبانی غه‌یره کتیبی	اسلَنگ	slang <i>n</i>
	زوانی غه‌یره نه‌ده‌بی، خو‌مانی خو‌یمانه		
کج شدن، یکوری شدن	لارییه‌ی - لار کردن	اس لانت	slant <i>v</i>
شیب‌دار شدن	شه فتوول‌یه‌ی، لیژوسه رکردن		
سیلی زدن، چک زدن	شه پلاخ شه‌نه‌ی زله‌لیدان	اس‌لَپ	slap <sup>1</sup> <i>v</i>
سیلی، چک - شوق	شه پلاخ زیلی زله‌زیله	اس‌لَپ	slap <sup>2</sup> <i>n</i>
ذبح، سلاخی، کشتار، خونریزی	سه‌ره‌ره‌ره‌ی گیانگیری، کوشتار	اسلَیتر	slaughter <sup>1</sup> <i>n</i>
کشتار کردن - سس‌بریدن	کوشتن - سه‌ره‌یه‌ی	اس‌لُتر	slaughter <sup>2</sup> <i>v</i>
بنده، عبد، برده، غلام	غولام - نوکه‌ر مه‌یته‌ر گزیر	اس‌لیو	slave <i>n</i>
	له‌له‌ودایان، وه‌رده‌س		
برده‌گی - برده‌داری، بندگی	نوکه‌ری - غولامی جاشی	اس‌لیوری	slavery <i>n</i>
خرمالی	مه‌یته‌ری، بیگاری، گزیری		
خواب، لاا	وه‌رم - خه‌و - خاو، خه‌ف	اس‌لیپ	sleep <sup>1</sup> <i>n</i>

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how    man    no    sing    leg    red    yes    wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خوابیدن، لالا کردن	خه وین - نوستن - ته ی، خه فتن	اسلیپ	sleep <sup>2</sup> <i>v</i>
خواب آلودی، جنب و جوش	وه ر مالاوسی - خه و	اسلی پی	sleepy <i>adj</i>
	داری - ئالوده خه و		
آستین	قۆل - سهر قۆل	اسلیو	sleeve <i>n</i>
باریک، قلمی، اندک	بهله باریک - به رزه بالا	اسلیندر	slender <i>adj</i>
	ته نک و قه دشمال - که م		
برش، باریکه، تکه	قاژ - تواق - کووز	اسلایس	slice <sup>1</sup> <i>n</i>
قاچ، سهم	تیکه، بهش		
باریکه کردن، تکه کردن	کوت کوت که رده ی - تیکه تیکه	اسلایس	slice <sup>2</sup> <i>v</i>
قاچ و بخش کردن	کردن - قاژ که رده ی		
لیز خوردن، سرخوردن، افتادن	خزین - خزای - خلیسکان	اسلاید	slide <sup>1</sup> <i>v</i>
سرسره - لغزش	کریله - سوور - خزان	اسلاید	slide <sup>2</sup> <i>n</i>
اسلاید - شر	خزالی		
سبک، خفیف، مختصر	سووک و که م - کورت و	اسلایت	slight <i>adj</i>
ریزه، نحیف، کم محلی	موخته سه رله ر - که م تین - نزار		
کمی، مختصری	که می - جه م و جووری	اسلایتلی	slightly <i>adv</i>
تا اندازه ای	بریک - نه خته ی - توژه ی		
لاغر، ظریف، کم باریک	باریک و ناسک - له ر	اسلایم - اسلیم	slim <sup>1</sup> <i>adj</i>
ناچیز	ته رچک، در یژه بالا		
رژیم لاغری گرفتن	وی له رو که رده ی - له ش	اسلایم - اسلیم	slim <sup>2</sup> <i>v</i>
لاغر شدن	له ر کردن - خو سووک کردن		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بند حفاظ (دست، ...) - فلاخن	به رزه قانیه - قوچه قانی	اسلاینگ	sling <sup>1</sup> n
بند - مهار - تسمه	به نه تفه نگ به ندی ده ست شکان		
انداختن، پرت کردن	تووردان فیه دان (دای)	اسلاینگ	sling <sup>2</sup> v
	وسه ی - ئالو چنای، وه شانندن		
لغزیدن - یواشکی در رفتن	خزین و خزای وه ریه ی	اسلیپ	slip <sup>1</sup> v
جیم شدن - افتادن	ده رچوون - تراز یای		
خطا، اشتباه - شرسره	خزا - وه - ده رجوو	اسلیپ	slip <sup>2</sup> n
لیز - تکه کاغذ قلمه	سه هوه - خزه خزانی، خه تا		
	ترازی یا کریله، خزان، قه له مه دار		
دمپایی، کفش دمپایی	پالای سه ریایی	اسلیپر	slipper n
	که وش ی به ره پی		
لیز، لغزنده، لیزخ غریب کار	خزن ئا ئارام زورخو ساف لیلیق	اسلیپری	slippery adj
درو، شکاف باریک	تره که - تریشکه کونی بچووک	اسلیت	slit <sup>1</sup> n
شکافتن، چاک دادن	ئه شکا وای - درین	اسلیت	slit <sup>2</sup> v-n
بریدگی، شکاف	هه لدرین - هوردریه ی		
سراشیمی، شیب، سرازیری	لیژی سه ره سه ره و چیره	اسلئوپ	slope <sup>1</sup> n (سلاپ)
سربالایی	به ره و خوار که سه ره کولیت، سه ره و ژور که		
سراشیب شدن / بودن	لیژی به ی (بوون) سه ره و چیره	اسلئوپ	slope <sup>2</sup> v
سرازیر شدن	به ی سه ره و خوار که بوون		
سوراخ، درز، شکاف	وله - کون - تریشکه	اسلات	slot n

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>slow</b> <i>adj</i>	اسلۆ	ئارام بهیواش، دیرقام	آهسته، کند، عقب، یواش
<b>slowly</b> <i>adv</i>	اسلۆلی	به ئارامی - به سه بر و	به آهستگی، به کندی
		تاقه ت - به کولی	
<b>slug</b> <i>n</i>	اسلاگ	ساجمی شنه یتا نو، گوله	حلزون بدون صدف، گوله
		که ف وزقه پوچکه گوله تا پر	چهارپا، مساجمه، ضربه
<b>sly</b> <i>adj</i>	سلای	زۆل فیل باز دلی دار جاش	مودی، کلک، نرند
<b>slyly</b> <i>adv</i>	سلای لی	به زۆلی - به فیل بازی	مودیان، بهیله گرانه
<b>smack</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمک	زیله وه شاندن - شه	سیلی زدن
		پلاخ شه نه ی، ملچه کردن	ماچ صدا دار کردن
<b>smack</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمک	زیله زیلی، ماچ ملچه، تام	سیلی، ماچ، مژه، تک
<b>small</b> <i>adj</i>	اسمل	بچوک ووردی وورد که م	کوچک، بریز، اندک، سناچیز
<b>smart</b> <i>adj-v</i>	اسمارت	جوان زه ریف، زرنک	زیبا، شیک، باهوش، زیل
		خو جوان مد ریک، ده ردگیشان	به خود پیچیدن - رنج بردن
<b>smash</b> <i>n</i>	اسمش	مه رده ی شکاندن، ورد کردن	خورد کردن، شکستن
		پریش و ورد که رده ی	له کردن - انداختن به زمین
<b>smear</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمیر	پیس که رده ی - پیس کردن	لکه دار کردن، آلودن
		چه پهل که رده ی، بوخت کردن	تهمت زدن
<b>smear</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمیر	له که - پیس - چه پهل	آلودگی، روغنی، لک، لکه، بر سواگری
<b>smell</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمیل	بو دای (دان) - بو کردن	بو کردن - بو دادن
		(که رده ی) - بو ئامه ی	بو کشیدن
<b>smell</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمیل	بو - عه تر - عه بیر - بو	بو، رایحه، بویایی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لبخند زدن، تبسم کردن	زەردە خەندە کەردە (کردن)	اسمایل	smile <sup>1</sup> v
روخوش بودن	خوای - پیکەنین		
لبخند، تبسم	زەردە خەندە - خوای	اسمایل	smile <sup>2</sup> n
روی خوش	پیکەنی - خوە - بزه		
دود، بخار	دوو کەڵ - دوو	اسموک	smoke <sup>1</sup> n
دود کردن، سیگار کشیدن	دوو کەڵ کردن - دوو دای	اسموک	smoke <sup>2</sup> v
دود دادن	جگەرە کیشای		
هموار، نرم، مسطح، سلیس	ساف - کرکای کرک	اسمووز	smooth adj
زبان چرب و نرم	پانایی - نەرم و نیا، بی چین		
به نرمی، به آسانی	به ساف و به ک جووربه	اسمووزلی	smoothly adj
	ئارامی و نەرمی		
خفه کردن، کاملاً پوشاندن	خنیکنای - خنکاندن، داپوشان	اسماژر	smother v
سوختن دوددار	سووتان بی شوڵە	اسمۆلیر	smoulder v
سوختن بدون شعله	دو کەڵ کەردە ی نەیری		
قاچاقی وارد کردن	قاچاخی ئەوردە ی	اسماگل	smuggle n
قاچاق کردن	قاچاخی هاوردن		
قاچاقچی	قاچاخ چی	اسماگلر	smuggler n
حلزون - لیسک	لیقه - کە ف وز شیتانۆک	سنیل	snail n
مار - مثل مار رفتن	مارو ه ک ماروین	سنیک	snake n-v
صدا کردن - گاز گرفتن	گازگرتن - تەپ گرتە ی، دژوین دان سن پ		snap <sup>1</sup> v
پاره شدن، تشریدن	دەنگ هاتن لە دنووک وە شانندن		

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای شکستگی - عکس	ده‌نگی‌شان له‌چتی‌زرن‌گه	سَنَب	snap <sup>2</sup> <i>n</i>
برخاش - تشر	و‌چیوه‌ی‌وینه‌و‌شیوه، ته‌شه‌ر		
خُورْ‌کردن، غورْ‌غورْ‌کردن، ژولیدن	پرخنای - پرخه‌کردن، مراندن	سَنارل	snarl <i>v</i>
قاییدن، چنگ‌زدن، ربودن	رفانای (رفاندن) - رینگُولی	سَنچ	snatch <i>v</i>
	که‌رده‌ی‌ده‌سوْته‌سه‌ی		
مسخره / استهزاء کردن	گه‌مه‌یه‌نه‌که‌رده‌ی - په‌نه	سَنپِر - سَنپِر	sneer <i>v</i>
پوزخند زدن	خوا‌ی - به‌یه‌کی‌که‌نین		
عطسه زدن / کردن	پژمای - پژمین - سه‌ور	سَنپِیز	sneeze <i>v-n</i>
عطسه - جخت	و‌ج‌خ‌ت‌ته‌ورده‌ی		
(هوا...) یا بینی بالا کشیدن	هوا هور لووشای	سَنیف	sniff <i>v</i>
فین‌فین کردن	هه‌لْمَزین		
بالاکشی بینی، فین	هه‌لْمَزی - هورلوشته‌ی	سَنیف	sniff <i>n</i>
استنشاق	هه‌لْکِیش‌بوْه‌وا		
خرویف‌کردن، خرناس‌کشیدن	مرخنای - مرخه‌و‌نالْه‌له	سَنُر	snore <i>v</i>
	خه‌و‌کردن - پرخه‌که‌رده‌ی		
خروخرو، خرناس، خروئف	مرخه - پرخه‌ده‌نگ‌و	سَنُر	snore <i>n</i>
	نالْه‌ی‌خه‌و - پیشه		
خرویف‌کردن، نفیرکشیدن	پیشه‌که‌رده‌ی - پرخه‌و	سَنُرت	snort <i>vi</i>
هوا‌الْزینی‌بیرون‌دادن مثل‌خر	پیشه‌کردن - مرخاندن		
خرناس، خرویف، نفیرفین	پیشه - پرخه - مرخه	سَنُرت	snort <i>n</i>
برف	وه‌روه‌یه‌وره‌یه‌فر، وه‌رف	سَنُتو (سَنُتو)	snow <sup>1</sup> <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
برفباریدن، برف آمدن	به‌ور و به‌فر بارین	سنو	snow <sup>2</sup> v
به‌قدری، آنقدر چنان، همین‌جور	ده‌ساده‌ی نی تره‌ه‌روه ک‌سپاسه	سنو (بیو)	so adv-conj
آنچنان - نیز - حدوداً	ئاوا - ئنده - پاسه		
ه‌راب‌نخیس کردن، نخیساندن	فیس‌نای - خو‌یساندن	سنوک	soak v
	ته‌ر کردن له‌ئاو		
صابون، صابون زدن	ساون - سابوون دان	سنوپ	soap n-v
پرواز کردن - ترقی فاحش	به‌رزه‌فرین - بالی ئه‌وه	سُر	soar v
کردن، اوچ گرفتن	گرت‌هی - فره‌بان و به		
	رزروین - به‌رزو‌یه‌ی		
گریستن، گریه کردن	گره‌وای - گریان - پر مه	ساب	sob v
نفس نفس زدن و گریستن	چه نه‌دای - پرماندن و گریان		
گریه، لابه‌بازی، هق‌هق	کول - گره‌وه - پر مه	ساب	sob n
	قه‌پولور - پارانه‌وه		
مست نکرده، هوشیار	وریا - هوشیار	سنوبر	sober adj
سر عقل آوردن	سه‌رووی - نه‌جیم		
فوتبال	توپی پی - توپه‌پا	ساکر	soccer n
اجتماع، جامعه - کلوب	جه‌مگا - کو‌بو‌نه‌وه	سوساپتی	society n
انجمن	کو‌مه‌ل - خه‌لکی - کو‌ر		
اجتماعی - معاشرتی	کو‌مه‌لایه‌تی - کو‌مایه‌ی	سوشل	social adj
	کو‌مه‌لی		

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چوواب کوتاه، ضربه	گویره وهی کول - گویره وی	ساک	sock <i>n</i>
مُشت	پووز کولئ - زه رب		
پریز، پریزمانند، چال	کونی چاو - کاسه وچه می	ساکیت	socket <i>n</i>
حفرة - حفرة	سه ریچ - پریز - چال		
کاناپه، نیمکت، مبل	سه نده لی ره حهت	سوفی	sofa <i>n</i>
	که تی ره حه تی		
نرم، ملایم، بکی، بغیرالکلی	نهرم وشل لوس له تیف	سافت	soft <i>adj</i>
نوشابه بغیرالکلی، شل	ساردی - نو شانه ی بی	سافت درینک	soft drink <i>n</i>
	ئه لکول، نهرم - شل		
نرم کردن / شدن، ملایم	نهرم که رده ی (کردن)	سافین	soften <i>v</i>
	شیرین کردن - پزگیای		
به آهستگی، به آرامی	به سه ورجه نارام وئه هوه	سافتلی	softly <i>adv</i>
زمین، خاک	زه وی و ئه رز - خاک و	سویل (سایل)	soil <sup>1</sup> <i>n</i>
	خول - چلک وله که کردن		
کثیف کردن، خاکی شدن	پیس بون - خولئ بیه ی	سایل	soil <sup>2</sup> <i>v</i>
شمسی، خورشیدی، آفتابی	هه تاوی - رو جیاری	سولار (ستولر)	solar <i>adj</i>
جوش دادن - لحیم کردن، لحیم	جوش دان، له حیم کردن	سایر	solder
سرباز - سربازی کردن	سه رواز، سه روازی کردن	سولچر	soldier <i>n</i>
ته کف (پای، کفش)	ژیره که وش - ته خت و	ستول (سیول)	sole <i>n</i>
تنهله نوعی ماهی - مراه فرعی	ناو که وش - بنه پالا	یتور	(Detour)
	ژیر پی، ته نیا		

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جدی، مصمم، صافخانه	قورس - سوور و ئاماده	سالیڤ	<b>solemn</b> <i>adj</i>
قانونی	مهیم، دۆستانه		
به طور جدی - رسماً	به راستی و سووری	سالیڤی	<b>solemnly</b> <i>adv</i>
	به دروستی و قورسی		
جامد، منجمد، توپر - یکنست	په‌رولیدار - ره‌قو	سالیڤ	<b>solid</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
ناب	بته‌و - گرساو‌رچیاگ		
جامد، سفت، سه‌بُعدی	گرسا و پته‌و - ره‌قو	سالیڤ	<b>solid</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
مجرد، تنها، تک‌سُفرد	ته‌نیا - سه‌لَت - گه‌رده	سالیتری	<b>solitary</b> <i>adj</i>
	و گۆشه‌نشین		
تک، تکی، تنهایی	ته‌ک و ته‌نیا - یو‌یی	ستولتو (سولو)	<b>solo</b> <i>n, adj</i>
تک‌خوانی	ته‌نیایی - یه‌ک‌قو‌ل		
جواب، حل، راه‌حل، محلول	جواو - ری‌حل	سولوشن (سولوشن)	<b>solution</b> <i>n</i>
حل کردن، جواب پیدا کردن	حل کردن - جواو په‌نه‌دای	سالو	<b>solve</b> <i>v</i>
برخی (از) چند تا، بعضی	بازه‌ی - بازِی - بیره‌ی	سام	<b>some</b> <i>adj-pron</i>
	بری‌ک، چه‌ند		
هرکس، هر فرد، کسی	که‌سی‌وه - که‌سی‌ک	سام بادی	<b>somebody or someone</b> <i>pron</i>
	کابرایوه، پایوی‌حسابی		
به طریقی، یک‌جوری، هر طور	به‌جورِ یوه - به‌جورِ یَک	سام‌هو	<b>somehow</b> <i>adv</i>
	به‌ده‌لیلی‌وه		
معلق، پشتک، معلق‌زدن	هور و گیلای - هه‌لو	سام ریشلت	<b>someone</b> <sup>see</sup> <b>somebody</b> <i>pron</i> <b>somersault</b> <i>n</i>
	گه‌ریان - سه‌ملو قوأتی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چیزی، یک چیزی، چیز	چتیک - چيووّه	ساممینگ	something <i>pron</i>
مدتی، وقتی، یک چنلروزی	سه‌رده‌مێ - مده‌تیوه	سام‌تایم	sometime <i>adv</i>
بعضی وقت‌ها، گه‌گاه	یه‌ک‌وه‌خته‌ی بره‌ی جار - بازێ	سام‌تایم‌ز	sometimes <i>adv</i>
یک‌جانی، جایی، محلی	وه‌خت - جار به‌جار جێ یه‌ک-یاگی وه‌شوینیک	سام‌ور	somewhere <i>adv</i>
پسر جان - فرزند	رۆله‌گیان، کوره‌و‌کو‌رپه	سانی	sonny <i>n</i>
پسر، فرزند پسر	کور‌زه‌و‌رۆی کورگه‌وره	سان	son <i>n</i>
آواز، سرود، ترانه، تصنیف	گۆرانیه - سۆز - هۆره	سانگ	song <i>n</i>
زود، به‌زودی، همینکه، فوری	گۆرانی، دیلانی		
دوده (چراغ، بخاری، ...)	به‌م‌زوویه‌ی-پی‌زوویه، زوو	سوون	soon <i>adv</i>
	دوه‌رژنگ - ره‌شینه	سُت	soot <i>n</i>
	دو‌که‌ل - ره‌شایی ناگر		
آرام کردن، ساکت کردن، دلجویی	ته‌سکین‌دان - ئارام‌که‌رده‌ی	سوز	soothe <i>v</i>
دردناک، جراث، غم‌زده	پڕئیش-ئیش‌دار-خه‌مین	رُ	sore <sup>1</sup> <i>adj</i>
زخم، جراث، عصبانی	زام‌پڕئیش‌خه‌و‌وکیم، توره	رُ	sore <sup>2</sup> <i>n</i>
	چه‌م ئیشه - گلاراو		
اندوه، غم، غصه، غم‌خوردن	خه‌مین-غم‌وخه‌فه‌ت	زارنو	sorrow <i>n-v</i>
متأسف، بد	په‌شیمان - بیووری	ساری	sorry <i>adj</i>
	به‌خشینه - مات		

f      v      θ      ð      s      z      f      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نوع، جور، گونه، قسم	جۆر - نه‌وع	زُرت	sort <sup>1</sup> n
دسته کردن، جور کردن	جۆر کردن - ده‌سه که رده‌ی	زُرت	sort <sup>2</sup> v
بی چیزی گشتن	ده‌سته کردن، سه‌یر کردن	سِیک	sought see seek
روح‌روان‌جان	گیان - رُوح و په‌وان	سول (سئول)	soul n
اوا، صدا، صوت، تنگه	ده‌نگ - سدا - بانگ	سۆند	sound <sup>1</sup> n
دریافتن به صدا، در آمدن	زانین و په‌ی به‌رده‌ی	سۆند	sound <sup>2</sup> v
صدا کردن - ژرف یابی	زرنای ده‌نگ به‌رنه‌وردی		
سالم، بقوی، محکم، معقول	ساق - ساغ - سه‌لامه‌ت	سۆند	sound <sup>3</sup> adj
(خواب) عمیق	دروس - قوه‌ت، خه‌و قورس		
سوپ (سبزی...) یا بگوشت	به‌رچیشتی ناوداروهر	سووپ	soup n
	چاشتی ته‌ره - دۆخوا		
ترش، ترشیده، بدخلق	ترش، ترشیایی مه‌جاز	سئورسئور	sour adj
سرچشمه، مبدأ، منبع	سه‌رچاوه - به‌نگه	سُرس	source n
منشاء	بنه‌ره‌ت - بناغه		
جنوب، جنوبی، بویه جنوب	باشوور - له‌ی وارین	سوس (ساوس)	south n, adj, adv
	لای خوارو		
جنوبی، در جنوب، بویه جنوب	باشووری - وارینی	سازرن سئیرن	southern adj
	جه‌لای واری، خوارویی		
به طرف جنوب	به‌ره و باشوور - رووه	ساوس ورد	southwards adv
	ولای واری، رووبه‌خوار		
سوغات، یادگاری، به‌آورد	دیاری - سوقات	سوو - ونیر	souvenir n

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شورای محلی شوراشوری	شه‌ره‌وی شیره‌ومه‌ری، کۆبونە و هسوویت		soviet <i>n</i>
شاه، ملکه، برتر، عالی	شاه‌شازه‌نی، ژنه‌شا، بانتر	ماورین	sovereign <i>n</i>
بنزافشاندن، دانه کاشتن	تۆم شه‌نه‌ی هه‌شانندن	سُو	sow <i>v</i>
تخم پاشیدن، خوک ماده	تۆم نیای - کیلان، ده‌ره		
فضا - جای خالی، کیهان	جیه‌گی خالی، هوایاگی	اس پیس	space <i>n</i>
گردن - جافاصله‌بندی	خالیه - هه‌واو ناو		
	ئاسمان، چرخوگه‌ردون		
فضانورد، هواگرد	هه‌واگه‌رد - هه‌واپر	اس پیس‌مَن	spaceman <i>n</i>
	هه‌واپیو		
سفینه فضایی، فضاپیما	گه‌می - که‌شتی هه‌واپر	اس پیس شپ	spaceship <i>n</i>
ماهواره، قمر	مانگی سوورده‌رشیه	اس پیس شتل (شاتل)	space shuttle <i>n</i>
	مانگ - مانگ ئاسا		
بیل - بیل‌زدن	بیله‌بیله، بیل‌لیدان	اس پید	spade <i>n-v</i>
آچار، آچار دوسر، فرانسه	ئاچه‌ری دوسه‌ر	اس (پنر)	spanner <i>n</i>
اضافی، یدکی، بزاپاس	زیادی - باتی - جی‌گر	اس پر	spare <sup>1</sup> <i>adj</i>
لاغر - مضایقه	یاگه‌گیر دیوله، بی‌چاودی		
بخشیدن، عفو کردن	به‌خشین - به‌خشای	اس پر	spare <sup>2</sup> <i>v</i>
جرقه - اخگر - شراره	بزووسکی - پلوزکی	اس پارک	spark <i>n</i>
	پرشه - پریشک - پرشنگ		
برق زدن، درخشیدن	دروشیای - دروشیان	اسپارکل	sparkle <i>v</i>
گاز داشتن (نوشابه)	بریقه‌دان، قول‌دان (ناو)		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گنجشک اهلی	میریچلی - چوله که	اسپارو	sparrow <i>n</i>
مُشاجرهِ لفظی	مه لولوچ - میچلی - ده م قره	اسپات	spat <i>see</i> spit
صحبت کردن، سخن گفتن	قسه که رده ی (کردن)	اسپیک	speak <i>v</i>
حرف زدن	باس کردن		
سخنران، گوینده، بلندگو	قسه که ر - واچەر	اسپیکر	speaker <i>n</i>
	وته ر - باس که ر		
نیزه، زوین، نیزه زدن	نیزی - ره مه، سنجوق	اس پیر	spear <i>n</i>
مخصوص، ویژه، فردی	ته یوه تی - تاییه تی	اس پشل	special <i>adj</i>
متخصص، کارشناس	کارزان - شاره زان	اس پشالیست	specialist <i>n</i>
	چه نه ئامه - لی ها توو		
مخصوصاً، به ویژه	به تاییه ت - به ته یوه تی	اس پشالی	specially <i>adv</i>
متخصص شدن، تخصص	لی ها توو بوون - شاره زان	اس پشالایز	specialize <i>v</i>
پیدا کردن	بییه ی - کارزان بوون		
نوع، گونه، قسم، جور	جور - نهوع - نوع	اس پی شیز	species <i>n</i>
مشخص، معین، روشن	مه علووم - روون	اس پی سی فیک	specific <i>adj</i>
ویژه	تاییه ت		
نمونه	نمونه	اس پی سی مین	specimen <i>n</i>
لکه، ذره، خال، لکه مک	خال - خاله - له که	اسپک	speck <i>n-v</i>
نقطه، لک انداختن	توژی، له که خستن		
عینک، منظره، دور نما	عه یته کی - عه یته ک	اسپک تکیس	spectacle <i>n</i>
	چاو پوژ، دیمه ن		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تماشاچی (شو...), تماشاگر	ته‌ماشا که ره‌ته‌واشا که‌ر	اس پکت‌بیر	spectator <i>n</i>
سخن، نطق - سخنرانی	قسّی - بوئژ - که‌لام	اس پیچ	speech <i>n</i>
گفته، لہجہ - گویش	وتراوه - قسه کردن - زاراوه		
سرعت، شتاب، تندی	توندی - تند و تیژی	اس پید	speed <i>n</i>
	تاو - تیژ		
به سرعت، با شتاب	به تیژی - به توندی	اس پیدیلی	speedily <i>adv</i>
	به تاوها تن		
دیکته کردن - املا و هجی کردن	پیت پیت و تن - حەرف (گێ)	اس پل	spell <i>v</i>
ورد و طلسم	جیا که‌رده‌ی - ئملا کردن		
هجی، دیکته، املا	ئملا - جیا - پیت و گو	اس پالینگ	spelling <i>n</i>
	جیا که‌ری - پیت جگئی که‌ری		
خرج کردن - صرف کردن	خەرج و مە سرووف کردن	اس پند	spend <i>v</i>
تمام کردن - گذراندن	وہ خت گوزہ رنای		
گوی، کرہ، منطقہ، حوزہ	توڤ ئاسا - بیل ئاسا	سفیر - سفیر	sphere <i>n</i>
قلمرو، محدوده	وہ کہ توڤ - خرک		
	خرت، گر و لہ، مہ تہ قہ		
کروی	توپی - خرت و خو	سفیری کال	spherical <i>adj</i>
	قول ئاسا، گر و لی بام		
ادویه و چاشنی	تامہ چاشت - تامہ	اس پائیس	spice <i>n-v</i>
ادویه زدن	چیشٹ بہ ہارات و ئالتہ، باو		

uə      p      b      t      d      k      ɡ      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ادویه دار و تندگیرا	تام کریا - تام کراو (کریاگ)	اس پای سی	spicy <i>adj</i>
عنکبوت، بر تیل، غریب گز	تام لیدرا و بیه هارا تده ر		
	که کله مو شان بیه ن که ره	اسی پاییر	spider <i>n</i>
	جال جالو که، په س په سه کو لی		
میخ نوک تیز و بلند	بزماره ی که وری - گه و ره	اس پایک	spike <i>n</i>
گل میخ	بزمار سیخ - زمه - میخه هه ر		
استیاهی ریختن، ریختن	رژاندن - مته ی	اس پیل	spill <i>v</i>
ریخته شدن - انداختن	فره دای		
چرخیدن - تندین، برسیدن	ریسای - ته نه ی، سوردان	اس بین	spin <i>v</i>
چرخاندن	ته ون و جولایی کردن		
ستون فقرات، تیغ و خار	مورگی پشت - موری مازی	اس پاین	spine <i>n</i>
پیر دختر، دختر تو شیده	کارگاهه بر پیره ی پشت، درگ		
	پیره کناچی - کچه پیره	اس بین ستر	spinster <i>n</i>
	کناچی جه یانه مه نه		
مارپیچ، حلزونی، فنر	شه یتانو کی - ئالا و لولوی	اس پایرل	spiral <i>n, adj, v</i>
حلقه، مارپیچ رفتن	په پکی - قه مچ دار، که وان باو		
روح و حیو عرق جان	گیان - روح و ره وان - جن	اس پیریت	spirit <i>n</i>
شوق، مشروب الکلی	زات - نوشانه ی نه لکولی		
تف کردن / انداختن، سیخ	تف که رده ی - نه خ و تف کردن	اس پییت	spit <i>v-n</i>
باریکه و دماغه، سیخ زدن	سیخ گرتن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عداوت، دشمنی، بی‌غرض	تین و غەزە - چرو قینه، قەلژ	اس پایت	spite <sup>n-v</sup>
غیث کردن	دوژمنی و نا کوکی - چر ئە وردە ی		
علیرغم، با وجود	سەرباتی گەردی هەرحە نە دە	این اس پایت آف	in spite of
	هەرحە نیچ		
شلپ شلپ، صدای شلپ، لکه	شلپ شلپ - دە لئا	اس پلش	splash <sup>1 n</sup>
	دە لاند - لپپە دە نگ، شە پۆل باو		
شلپ شلپ کردن،	شلپ شلپ کردن - دلێ	اس پلش	splash <sup>2 v</sup>
عمل پاشیدن	ئاوی دای شلپە کە ر دە ی		
عالی، باشکوه، چشمگیر	باش - بە فە پۆ - گە و رە	اس پلندید	splendid <sup>adj</sup>
	و بەرز - پەرچە لال		
براده، ترائش، خورده	ورده چو - پرا ده و	اس پلین تر	splinter <sup>n</sup>
باریکه پوشال	ئاسنی حورده ی چپو یا کایا فلز		
شکافتن - سهم بندی کردن	ئە شکا وای - هەل درین	اس پلیت	split <sup>1 v</sup>
قسمت کردن	ترە ک بردن - لست کە ر دە ی بە ش کردن		
پارگی، شکستگی، شکاف	ئە شکا و - هەل دری - ترە کە	اس پلیت	split <sup>2 n</sup>
قسمت، جدا	لست - تلی شه - دریایی		
ضایع کردن / شدن، گندیدن	خرا و بیهی - گە نای (گە نین)	اسپایل	spoil <sup>v</sup>
پوسیدن، غنیمت	خرا و کردن - تالان کردن	(اسپویل)	
لوس، ثربیی مزه	بی تام - بی مزه	اسپایلت	spoilt <sup>adj</sup>
	بی نه زاکە ت	(اسپویلت)	spoke <sup>1 see speak</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پژه چرخ - پله نردبان	په‌ره و چه‌رخى - پله و سردى - په‌ره‌ى چه‌رخ	اسپوک	spoke <sup>2</sup> n
(جانور) اسفنج، ابرحمام	هه‌ورى نه‌رم - هه‌ورى	اسپانچ (اسپونج)	sponge n
قرقره، ماسوره	زهرىف، جانه‌ه‌رى ده‌لیاکه گيا باوه قرقره - چوله نه‌یه تۆپه ده‌زگ	اسپول	spool n
قاشق	چه مچه - که و چک	اسپون	spoon n
(اندازه) یک قاشق	چه مچیوه به‌قه ده‌که و چکى	اسپون فل	spoonful n
ورزش، بازی، تفریح	گه‌مه - کایه - وه‌رجس	اسپورت	sport n
لکه، خال - مکان، جا، محل	وه‌ش بیاری له‌که - خاله - خال	اسپات	spot n
موضوع - داغ	یاگى - شوین - داخ		
لوله - دهانه (شیر، قوری، ...)	لوولئ - لوولئ قوری	اسپاوت	spout n
ناودان، فواره‌زدن	پلووره ده‌مى شیرى ناو		
رگ‌به‌رگ شدن، رگ‌به‌رگ	پالاره نامه‌ى - پیچ	اسپرین	sprain v
پیچ خوردن یا	واردەى - خول دای		
پاشیدن، افشاندن	(دان) - ره‌گ پلین پاشای (پاشین)	اسپری	spray <sup>1</sup> v
اسپری، افشانه، شاخه گل	شانای - وه‌شاندن شانا - پاشا - وه‌شان بشان بىلاوکه ره‌پژگده‌ر	اسپری	spray <sup>2</sup> n

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پوشاندن، پهن کردن، گستردن - باز کردن، سرایت کردن - قسمت کردن چشمه - فنر، بهار - زهاب انگیزه پرسیدن، جھیدن، خیززدن	ئهره یاوای - داخستن پوژنای - پانو کردن بلاو کردن کانی ئاو - هانه و چه مه فهنده ره خه نهر - ته لی لولول باز به رده ی - پرای پهرین - قونین وه هار - بهار - وه رزی گولان، کیش داری پیا پاشین - پاشای پژگنای - پژاندن، نم نمی باران گوکهرده ی - گوپیتهکه کردن - ئه وه ژ یوای، شیکه - خه واو جاسوز - شو فار زیره وان مقه تش - جاش و خو فرۆش مقه تشی که رده ی - جاشی و شو فاری کردن - قسی ئهرده یو به رده ی جهنگ و دارا که رده ی شهر وه را کردن، گژیای	اسپرد اسپرینگ اسپرینگ اسپرینگ اسپرینکل اسپراوت اسپای اسپای اسکوابل	spread <sup>v</sup>   spring <sup>1</sup> <sub>n</sub>  spring <sup>2</sup> <sub>v</sub>  spring <sup>3</sup> <sub>n, adj</sub>  sprinkle <sub>v</sub>  sprout <sub>v</sub>  spun <sup>see</sup> spin spy <sup>1</sup> <sub>n</sub>  spy <sup>2</sup> <sub>v</sub>   squabble <sub>v</sub>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دعوا، مشاجره، کلتجار	هه راهه را - جه نگ، ئاژاوه	اسکوابل	squabble <i>n</i>
چهارگوش - میدان شهر،	میدان - مه میدان	اسکور	square <sup>1</sup> <i>adj</i>
میدان گولیا - عمود، صادق	چوار سووچ، قنج و قیت	اسکور	square <sup>2</sup> <i>adj</i>
چهارگوش، توان دوم، برابر	چوار پهل - چوار سووچ	اسکواش	squash <sup>1</sup> <i>n</i>
آب میوه، افشرد، کدو	دو شاوی میوه - ئاوی	اسکواش	squash <sup>2</sup> <i>v</i>
له کردن، کوبیدن	میوه - شلیقیآ، کوله که شلیقاندن - هور	اسکواش	
	فلیقنای - تلپیا که رده ی		
جیر جیر کردن، باجیع گفتن	تلیسنای - کوتان و ورد کردن زیر اندن (زیر پای) وه نای	اسکویک	squeak <i>v</i>
جیک جیک کردن	جیکه و جیره که رده ی	اسکویک	squeak <i>n</i>
جیر جیر جیک جیک	جیره - جیکه - زیره شریخه - قیژه، قیچه	اسکویل	squeal <i>v</i>
زوزه کشیدن	قیژاندن - زیریکه و قیژ نای	اسکویل	squeal <i>n</i>
جیغ زوزه، صدای تیز	نالئای - قیژ نای، قیواندن، لور نای قیژه - قیوه - زیریکه	اسکویز	squeeze <i>v</i>
چلاندن، فشردن، فشار دادن	نالئه - قیژه، لوره گوشین - شواری - وشیردن	اسکویزل	squirrel <i>n</i>
سنباب - سمور درختی	سمور - سمبوره سه قوری - وه زبور که ر		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زخمی کردن، زدن، جاقوزدن	چاقۆشه نه ی زام دار کردن	استب	stab <sup>v</sup>
خنجر فرو کردن	خه نه ره ده کرن - پوره که رده ی		
اصطبل (اسبها)، طویله	گه ور - جیگه ئه سپ و مالات	استیبل	stable <sup>1</sup> <sub>n</sub>
ثابت، محکم، پابرجا	پابه رجی - پابه رجا و قورس	استیبل	stable <sup>2</sup> <sub>adj</sub>
	له سه ر باوه ر - پته و		
انبوه، انباشته، توده،	کۆمه ل - کۆپه - ملۆ	استک	stack <sup>1</sup> <sub>n</sub>
کومه، خرم، دودکش	کۆما - ته پ و خه رمان		
انباشتن، توده کردن	کۆما و ته پ کردن - کۆپه	استک	stack <sup>2</sup> <sub>v</sub>
روی هم چین	و خه رمان که رده ی - ته پ که رده ی		
استادیوم، میدان ورزشی	میدانو و ه رزشی - مه یدانی	استیدیوم	stadium <sub>n</sub>
	کایه و و ه رزش - یاگه گه مه		
کارکنان، کارمندان، اعضاء	کاربه ده س - کاربه ریو به ر	استاف	staff <sub>n</sub>
چوب دستی، گرز و چماق	کاربه ده سی - گۆچانه		
پرسنل	ده سه ک - گورز		
مرحله، دوره، درجه - صحنه	قوناغ - ده وره	استیج	stage <sub>n-v</sub>
سن، نمایش دادن	جی نمایش، تئاتر		
تولتو خوردن، شل	لاره لار رانه لوای - ری	استیچر	stagger <sub>v</sub>
مست راه رفتن	روین له کاتی مهستی و مهنگی دایله تر به رده ی		
کیف کردن، لک کردن	پیس کردن - له که دار که رده ی	استین	stain <sup>1</sup> <sub>v</sub>
لکه، لک - آبروریزی	له که - چلکی - پیس - په نگی	استین	stain <sup>2</sup> <sub>n</sub>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
stair <i>n</i>	استَیرز	پله کانی - پلّی - پله کانه	پلکان، پله، پله
stake <i>n</i>	استَیک	بزی پیلکه بزماری تایه ت بو به سستی	میخ طویل، تیرچه
stale <i>adj</i>	استَیل	مه نه - کو نه - کو ن که روقا تر و مالات می کوت، راژه	میله کهنه، بیات، بدمزه
stalk <i>n</i>	استَک	پهیره و ترشیا تەموه دار - لاسک - قه دی دار	ساقه، پاورچین رفتن
stall <i>n-v</i>	استَل	ما به ینی ریشک وله قی گیا - پاریز لانه ته سپ - تافر - تافیه	جولان دکه، غرفه - لانه اسب
stammer <i>n</i>	استامپر	یاگی قمه و ئالفی، ده که و مالاتی - نه و ره، دو اخستن	به تاخیر انداختن
stamp <sup>1</sup> <i>n</i>	استمپ	به تری وزوان گیر یای قسه که رده ی - زوان گیر یان و لالی باو	لکنت زبان داشتن، گیز زبان
stamp <sup>2</sup> <i>v</i>	استمپ	موره - مور - ته مره نه خش - چاپ	تمبر - استامپ، مهر قالب
stand <sup>1</sup> <i>v</i>	استند	مور وه نه دای - مور لیدان - پاوره زمینی کوی	مهر زدن - منگنه کردن تمبر زدن
stand <sup>2</sup> <i>n</i>	استند	ویسیان - مندرای ویسان - قه رار گه تی	ایستادن - بودن، قرار داشتن قرار دادن
		ده که - دو کانه، جی سه کو و سافایی، دارسان	سکو - جایگاه، صحنه

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
استاندارد - میزان - پرچم	عه یاری قانونی-میزان و	استندرد	<b>standard</b> <i>n,adj</i>
رایج، ستون، معتبر	نمونه‌ی قانونی-کیشان		<b>stand</b> <i>see stink</i>
ملاک	و پیوان-ئالاً-ئالایه، باو		
ستاره - ستاره‌شکل	هه ساره - ئه ستیره	استار	<b>star</b> <i>n</i>
ادم‌برجسته، اختر	هیس، هونه‌زان		
خیره‌نگریستن، چشم‌دوختن	واق دیای - ماق پرای	استیر	<b>stare</b> <i>v</i>
چشم‌زهر رفتن	واق ته‌واشا کردن، تیر دیای		
	عود و به‌حت‌بیه‌ی		
آغاز کردن، شروع کردن	ده‌س‌په‌نه‌که‌رده‌ی، راپه‌رین	استارت	<b>start</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
از جا پریدن	ده‌س‌پیکردن، هورکورکیای		
شروع، آغاز، تکان‌هول	سه‌ره‌تا - ده‌س به‌کار	استارت	<b>start</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ده‌س‌پیکه‌ری، ته‌کان		
متعجب ساختن / کردن	به‌پرئای - ته‌کان و	استارتل	<b>startle</b> <i>v</i>
از جا پراندن	ترس‌پیدان، داچله‌کان له‌خه‌و		
از گرسنگی مردن، گرسنگی	برسی‌کیشان - جه‌ئه‌ورای	استارو	<b>starve</b> <i>v</i>
کشیدن	مه‌رده‌ی، ژه‌مه‌ن‌بیه‌رده‌ی		
گرسنگی	ئه‌وراله‌می‌سک‌برسی	استاروی‌ئین	<b>starvation</b> <i>n</i>
بسیار گرسنه	زوربرسی‌یه‌تی‌فره‌ئه‌وراله‌می	استاروینگ	<b>starving</b> <i>adj</i>
اظهار کردن، بیان داشتن	وتن‌بباس‌که‌رده‌ی‌واته‌ی	استیت	<b>state</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
اظهار، گفتار، بیانیه، وضع	واته - وته‌وه - باس	استیت‌بنت	<b>statement</b> <i>n</i>
ایالت، کشور، استان	بوژی‌بوچ، ئوستان، نی‌شتمان		

i:      ɪ      e      ae      a:      ɒ      ɔ:      u      u:  
see      sit      ten      hat      arm      got      saw      put      too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>state</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	استیت	حال وەزە - مەڵبەند	شرایط، وضعیت، حالت
		ووەلات - چۆنیەت - وەتەن	ایالت - کشور
<b>statesman</b> <i>n</i>	استیت مین	سەرپرس و دەوڵەتی	رئیس دولت، سیاستمدار
		لە غاوداری دەوڵەت - سیاسەتزان	
<b>station</b> <i>n</i>	استیشن	ئیزگا - جیی - ویسانی ماشین	ایستگاه (راه‌آهن، اتوبوس)
		و قەتار - یا گئی - مندرای مەقەر	جایگاه، مرکز رادیو و تلویزیون
<b>stationary</b> <i>adj</i>	استیشنیری	ئەرە - مندرا - راوەستاو	ایستاده، متوقف، ثابت
		ویسیاگ، نەجما	
<b>stationery</b> <i>n</i>	استیتیئیری	ئامراز و حتی نووسان	لوازم التحریر، نوشت افزار
		ئەسیابو نویسەیی	
<b>stay</b> <i>v</i>	استی	مەنەیی - ویسان - نشتەیی	ایستادن، ماندن، اقامت کردن
<b>steady</b> <i>adj, adv</i>	استیدی	هەمیشەیی - بەردەوام	بی‌حرکت - منظم
		گۆرەیی گۆر - پابەر جا و پتەو	دانم - محکم
<b>steadily</b> <i>adv</i>	استیدیلی	بە جۆری بەردەوام	به طور منظم، مداوماً
		یەك جۆر و هەمیشە	
<b>steak</b> <i>n</i>	استیک	تیکە گوشت و کەواوی	استیک (تکه گوشت/گاو)
		گۆشتی کەواو کردن	تکه گوشت
<b>steal</b> <i>v</i>	استیل	دزیەیی - دزین، تالان کردن	دزدیدن، ربودن
		رفاندن - ئەرە مالای	سرقت کردن
<b>steam</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	استیم	هەلّمی - هەلّم	بخار، بخار آب
		دەمەیی - هەناسە و گەرما	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ماشین بخارخور	ماشینی هیزگر لهه لمی	استیمین جین	steam - engine <i>n</i>
کشتی بخار، ماشین بخار	داخ - ماشینی هه لمه قووت کەشتی هه لم خور	استیم شیب	steamer <i>or</i> steam-ship <i>n</i>
بخار کردن - با بخار پختن	کەشتی هه لمه قووت به هیزی هه لم کاری	استیم	steam <sup>2</sup> <i>v</i>
فولاد - آهن خالص	کردن - هه لم کردن به هه لمی گرینای	استیل	steel <i>n</i>
و سفت	پولا - ئاسنی ساق و په تی - چاقو تیزکر	استیب	steep <i>adj</i>
پرتگاه، شیب تند	لیژگا - سه ره و چیره شیو سه ره و ژیره سه ره و ژورکه	استیبالی	steeply <i>adv</i>
سر بالا - خیساندن	به جووری لیژو خوار ته و او لیژکه و سهخت	استیر	steer <i>v</i>
به طور سراسیمه	سه پر سی کردن به ریوه بردن رانه به رده ی - رابه ری کردن	استیم	stem <i>n-v</i>
هدایت کردن - رهبری کردن	ته موه - قه دی گیا، بن لاسک ده سه کوک، به رگرتن	استیب	step <sup>1</sup> <i>v</i>
ساقه - تنه - دسته کوک ساعت	هه نگام هور گرتی هه نگاو هه لگرتن		
سنو بند آوردن	هه الوای - پی روین		
راه رفتن، قدم زدن			
گام برداشتن - قدم پله			

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای پا - پله - مرحله، گام	ته قه و پای - هه نگاو	استپ	step <sup>2</sup> <i>n</i>
زُتبه - مرتبه	پلئ - جار سه نگامه، ده ره جه		
ناپدری، شوهر مادر	باوا پیاره زِ پیاوک (باب)	استپ فادر	stepfather <i>n</i>
نامادری، زن پدر	باوا ژه نی - باوا ژن	استپ مادر	stepmother <i>n</i>
	زردایک (نانه جیمه)		
سختگیر، عبوس، غشن	وه رچهم ته نگ - مۆقن	استیزن	stern <i>adj</i>
پاشنه	ناو چاود یَز و و ترش، پاژنه		
خورشت، تاس کباب	خورشت - خروشت	استیواسوو	stew <sup>1</sup> <i>n</i>
به آرامی بختن / جوشاندن	یو اش گری نای هیو اش	استیو	stew <sup>2</sup> <i>v</i>
آب پز کردن	کولاندن و جوشاندن	استوو	
مهماندار (هواپیما...)	میوانداری فروکه	استیوورد	steward <i>n</i>
مُباشَر (مرد)	میماندار و ته یاره ی (پیا)	استوارد	
مهماندار زن، پیشکار	میوانداری ژن	استیووردیس	stewardess <i>n</i>
	میمانداره ی ژه نی	(لاردیس)	
عصا، چوب باریک - ترکه، قلم	گۆ چانه گۆ چان، له ق و پۆپ	استیک	stick <sup>1</sup> <i>n</i>
شمس، هیزم، شاخه	گالۆک وه کازه - چوئ		
	کول - قه له م - شوش، توول		
(با چسب) چسباندن - زدن	چه سپنای - چه سپاندن لکنای	استیک	stick <sup>2</sup> <i>v</i>
سوراخ کردن	لکاندن - پوره چه قنای - کونکردن		
چسبنده، چسبناک، چسب دار	ژلۆق - سریش ئاسا	استیکی	sticky <i>adj</i>
	چه سپ دار		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خشکە تا نشو - سخت	ره ق و سه خت - خشک و	استیف	<b>stiff</b> <i>adj</i>
غیرجاری، غلیظ	نه چه میا - نه چه ماو		
	دژیا بهل، هه س وهۆل		
به سختی، به خشنی	به نه چه ماوی به سه ختی	استیفالی	<b>stiffly</b> <i>adv</i>
هنوز - حتی - با وجود این	هیمار - هیچتا - جیا	استیل	<b>still</b> <sup>1</sup> <i>adv</i>
ولی باز	له وه یچ بیجگه ئانه یچه		
آرام، ساکن، ملایم	ئارام و نه مین جی ده نگ	استیل	<b>still</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>
خاموش	و نه هوهن - کش و مات		
نیش زدن، گزیدن	گه سی گه زین - جزوه نه دای	استینگ	<b>sting</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
سوزش داشتن	به نیش هاوردن، نیش کردن		
نیش - زخم / درد نیش	چژه - زام - نیشو چزی	استینگ	<b>sting</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
سوزش درد	موچرکی نیشی، نیش، سووی		
بوی گند / بد دادن	بووی پیسه وهر دای	استینک	<b>stink</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
	بووی ناجور بهردان		
بوی گند / بد تعفن	بووی پیسه بوونی سه رته زین	استینک	<b>stink</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
بوی زننده	بووی سه ره کاس که ره بووگه ن		
باقاشق هم زدن، قاطی کردن	چه مچه، چه نه دای شله قنای اس تر		<b>stir</b> <i>v</i>
تکان خوردن	راوه شانده نه لاه فاندن - تی که لکردن		
کوک، بخیه، دوخت و گره	ته قه ل حوراسه، کو لنج	استیج	<b>stitch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
قولنج - کمر درد	دروین کۆ که دوۆز، که مه رزان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوختن، بخیه زدن	وراسه یـ دۆزانـ دۆراندن	اس تیج	stitch <sup>2</sup> v
موجودی کالای مغازه، عادی	مایـیـ دهـ سـ مایهـ قۆتهـ ره	اس تاک	stock <sup>1</sup> n
گدمه قنداق تفنگ، نواد	بیخـ قۆناخهـ چهـ ک، ره گه زو نژاد		
موجودی برای فروش داشتن	مایه بو فروشتن - مایـیـ	اس تاک	stock <sup>2</sup> v
	په ی وره ته ی		
جوراب زنانه	گویره وه گۆره وی، گویروا	اس تاکینگ	stocking n
شکم، بطن - معده	ئه شقه مه - هورگ	استاک	stomach n
تحمل کردن - تاب آوردن	ورگ گه ده، تا قهت هاوردن		
سنگ - هسته - جواهر	تۆنی - توه نی - بهرد	استون	stone n
ریگ - دانه - سنگسار کردن	گه وه ره - ناوک، ریزی		
چهارپایه (بدون پشتی) مدفوع	چوارپایه - پیسی مه سته راو	استوول	stool n
خم شدن، دولا شدن	چه میان به سه ر سلا و کردن	استووب	stoop v-n
قوز - خمیدگی	سه ره نامنای - چه میای، دانوین		
به پایان رساندن، تمام کردن	ویسیان - مند رای - ته مام	استاپ	stop <sup>1</sup> v
مانع شدن، متوقف ساختن، ایستادن	کردن - قه داخه که رده ی به ره گرتن		
سربطری، تویی، متوقف کننده	سه ری شو وشه سه ره شیشه	استاپر	stopper n
ایستگاه (اتوبوس / قطار)، (نقطه	ئیزگا - جیی و یسانی ماشین	استاپ	stop <sup>2</sup> n
انبار کردن، ذخیره کردن	همار که رده ی هه لگرتن	استور	store <sup>1</sup> v
اندوختن	بو دوا یی - ته ره وسه ی		
پس انداز - فروشگاه، انبار	هورگرت همار که دهه لگرت	استور	store <sup>2</sup> n
اندوخته	همار فروسکه، پاشه که وت		

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
طبقه - آشکوب، حکایت	نهم قات مه ر ته به، راز	استوری	storey <i>n</i> (story)
توفان، بارش شدید	تونه باره شه با - دودان	استورم	storm <i>n</i>
کولاک کردن، خروشیدن	بای سه خت - توف بای سر سر		
توفانی، کولاک	توفانی - هه والو لکی	استورمی	stormy <i>adj</i>
بواری	وای زلان یا و بوران، شه س		
داستان، گزارش، شرح قصه	حه کایه ته راز - قسه بیاس	استوری	story <i>n</i>
اجاق، چراغ خورا کزی، غز	چرای چیشت کولاندن - چرا	استو	stove <i>n</i>
بخاری	و گاز - سو به - فر گاز		
مستقیم، راست - تراز، هموار	راست و ریک - ساف و	استریت	straight <sup>1</sup> <i>adj</i>
منظم، قابل اطمینان	دروس سو و رویی پرده		
دریک خطر راست، مستقیماً	له خه تیکی راست دا	استریت	straight <sup>2</sup> <i>adv</i>
	هه ر به راسه ره		
راست کردن / شدن	دروست و راست کردن - ساف	استریتن	straighten <i>v</i>
قائم کردن	وراس بیه ی بریک که رده ی، قنج دانان		
با زور کشیدن - صدمه دیدن	توند بو خو کیشان	استرین	strain <i>v</i>
از صافی گذراندن	زه حمهت و زیان دیه ی - ته قالا		
	که رده ی - کو شش کردنی زور		
تنگه و باب، گرفتاری	باریکه ئاو ی که دوده لیا	استریت	strait <i>n</i>
تنگنه، بغاز	به یه ک وه سل ده کاره یان دروشکی		
	له یه ک جگگی ئه کاره ک سو تر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عجیب، غریب، ناآشنا و سنگفت	ناشناس - عه جایب - غه ریو	اس ترینچ	strange <i>adj</i>
به طور عجیب	زۆر عه جایب - به	اس ترینچ لی	strangely <i>adv</i>
	جۆر یوه عه جه بیات		
غریبه، بیگانه، اجنبی، ناشناس	بیگانه - غه ریب - غه واره	اس ترینچر	stranger <i>n</i>
خفه کردن و شدن	تاسنای - خنکاندن	اس ترین گل	strangle <i>v</i>
سرکوب کردن	سنگ که رده ی		
تسمه، بند (چرمی، ...)	قه یشه - شه - لاخ - قایش	اس ترپ	strap <sup>1</sup> <i>n</i>
نوار	دواله - به نه چه رم		
با بند بستن، با تسمه بستن	به په ته و به ن بینای	اس ترپ	strap <sup>2</sup> <i>v</i>
	به شریت به بستن		
بویا - ساقه خشک - نی	نه یجۆله و نوّشانه ی	اس ترؤ	straw <i>n</i>
کاه - پوشال	سمه ری - چه سیره - کا		
(حیوان) بی صاحب	حه یوانی ویل - گم بیه	اس تری	stray <sup>1</sup> <i>adj</i>
گم شده - ولگرد	ئاواره - چۆره کی		
راه را گم کردن - سرگردان شدن	ویل بیه ی - ریگاگم	اس تری	stray <sup>2</sup> <i>v</i>
	کردن - چه رای ترازای		
خط طولانی، رگه، راه راه	برگه - خه ته - خه ت خه ت	استریک	streak <i>n</i>
لایه و چینیه - دوره	شوینه خه ت - خه تی دریژ - تو (توی)		
جویبار - جریان پیوسته	جۆگه - جۆئاو - دهره	استریم	stream <i>n</i>
جوی - نه ر - وژش جاری	روبار - روان ئاو، شنه و سروه		
خیابان، کو	خیوان - کو و جیه - کو لآن	استریت	street <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نیرو، توان، زور، قدرت	هیز - قوه - زور	استرنت	strength <sup>n</sup>
استحکام بخشیدن - تقویت	قوه دای - هیز گرتن	استرننتین	strengthen <sup>v</sup>
دادن - رمق گرفتن	پته‌وی پیدان - یاری دان		
فشار - تکیه کلمه	زور - هیز - زور و وتنی	استرئس	stress <sup>1</sup> <sup>n</sup>
تاکید - کشش	قسه‌یی - کیش دان		
تاکید کردن	زور له سه رچتیکه چوون	استرئس	stress <sup>2</sup> <sup>v</sup>
بافشار ادا کردن	فره با سو چیه‌وی که رده‌ی		
کش دادن / آمدن - گستردن	دریژه ره که رده‌ی - دریژه	استرچ	stretch <sup>v</sup>
گشاد شدن	پیدان - دریژ کردن - کیشنای		
بزانکار - تخت بیمار	ته ختی نه خویش - ته ختو	استرچر	stretcher <sup>n</sup>
کشنده	بیماری، کیش نامه		
قاطع، سختگیر، جدی	سه سخت گیر - شوڤن گیر	استریکت	strict <sup>adj</sup>
فقیق - مشخص	ده قیق، روون		
به طور جدی، قاطعانه، کاملاً	به ده قیق - به سه ختی	استریکتلی	strictly <sup>adv</sup>
با گامهای بلند راه رفتن	هه نگامی دریژی نیای	استراید	stride <sup>1</sup> <sup>v</sup>
گام بلند، قدم کشیده	هه نگاوی دریژه له گرتن		
گام مثبت	هه نگاوی دریژه هه نگامی	استراید	stride <sup>2</sup> <sup>n</sup>
زدن - اعتصاب کردن، کوبیدن	دریژی، قه‌دهم		
به صدا درآوردن، زنگ	وه نه دای - له یه ک دان	استرایک	strike <sup>1</sup> <sup>v</sup>
اعتصاب، یورش، خیره، تک	پیدان، زریان		
	هور ته ق هه له ته ق، په لامار	استرایک	strike <sup>2</sup> <sup>n</sup>
	خوینی شان دان، وی نمای		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نخ‌سیم، تار، بن‌هزنجیر، بند	نه‌یه‌ده‌زک‌یه‌نه‌ته‌ل	امترینگ	string <i>n</i>
نوار، باریکه، رشته	شریته - تیکه‌ی ته‌نک	امترینپ	strip <sup>1</sup> <i>n</i>
تکه	شیوال، له‌ت، به‌نه‌موری		
درآوردن، اکندن - بره‌نه	لیاس‌وه‌ته‌ی پرووت‌کردن	امترینپ	strip <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن	وه‌ژای پروت‌ویه‌ی - که‌ندن		
خط (خط باریک، ممتد)	خیته - خه‌ت خه‌ت	امترینپ	stripe <i>n</i>
راه‌راه، نوع - گونه	خه‌ته‌ی په‌رانی‌په‌ریه‌بازه‌له		
راه‌راه، خط‌دار، پلنگی	خه‌ت خه‌تین - میل	امترینپ	striped <i>adj</i>
	میل - خه‌ت‌دار و بازه‌له		
ضربه، ضربیت، سکه‌وه‌معله	زه‌ریه‌ته - هه‌له‌مه‌ت	امترینوک	stroke <sup>1</sup> <i>n</i>
رویداد - سعی	زه‌ریه‌ت و سه‌کته‌نا‌کاو		
باده‌ست‌نوازش‌کردن، مالیدن	لا‌واندن - لا‌ونای، باوه‌شین	امترینوک	stroke <sup>2</sup> <i>v</i>
قدم زدن / برداشتن	گیلا - گه‌ریان‌ده‌رگیل	امترینول	stroll <i>v</i>
دریغ‌بودن و پرسه‌زدن	و چوره‌کی بیه‌ی		
گام آهسته، قدم آهسته	هه‌نگاو - هه‌نگامه	امترینول	stroll <i>n</i>
دریغ‌ری و پرسه‌زنی	ده‌رگیل - چوره‌کی		
	ده‌له‌چه - گه‌رال		
قوی، نیرومند - محکم	په‌رزور - وه‌کار - به‌هیز	امترینگ	strong <i>adj</i>
سالم - تندرست	زوردار - پته‌و و گورج		struck <i>see</i> strike
بنا، ساختار، بسازه، ساخت	وه‌ش‌کرد - بنچینه	استراکچر	structure <i>n</i>
	نه‌ساس، سازینه		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جنگیدن، جدال کردن	ته قالا که رده ی کۆشش	استراکِل	struggle <sup>1</sup> v
تلاش کردن	کردن هه وڵدان (په له قازی)		
جدال، جنگ، تلاش، بیکار	ته قالا کۆشش هه وڵ خه بات	استراکِل	struggle <sup>2</sup> n
سرسخت، لهجوج، خودرایی	سین سه خت - ناحالی	استابرن (ین)	stubborn <sup>adj</sup>
	کله ره ق - نه رم نهویه		
خودسرانه، سرسختانه	به سین سه ختی - به که	استابرن لی	stubbornly <sup>adv</sup>
	له ره قی		stuck <sup>see</sup> stick
دانشجو، شاگرد، محصل	ده رس دواچوو زانست دۆز	استیوودنت	student <sup>n</sup>
	دانش بیز، دانش گیر		
استودیو، اتاق کار	دیوی کار - یاگی کاری	اس توودیو	studio <sup>n</sup>
کارگاه	جیی فرمان له رادیو - عه کسخانه		
تحصیل / مطالعه کردن	ده رس وه نه ی - خویندن		study <sup>1</sup> v
تحقیق کردن	فیریوون (بییه ی)		
تحصیل - اتاق مطالعه	فیر - وه نه ی - لیکۆلین	استادی	study <sup>2</sup> n
پژوهش	فیری خویندن - جیی خویندن		
(هر) ماده / چیز	هه ست - چیو - چت	استاف	stuff <sup>1</sup> n
اسقاط - اشغال، تودلی	جنس - ماده، زویل		
پُر کردن، تپاندن، مجری گرفتن	پُر کردن - گواله گرتیه ی	استاف	stuff <sup>2</sup> v
	ته پنا ی - ته پاندن، کۆرو کهرده ی		
خفه، دم کرده هوا	خه فه و ته نگه لاجو گنه	استافی	stuffy <sup>adj</sup>
گرفته و بسته	حه ره سه ته نگ دل ته نگ (مال)		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لغزیدن، باغیر کردن	ترازیای - تریه‌ی - تیه و تن	استامبل	stumble <i>v</i>
افتادن به زمین	زوان گیر کرده‌ی، که و تن - خزای		
گُده، بریده درخت	بیخی دار - ریخه و ددانی	استامپ	stump <i>n</i>
نه دندان - میج کردن	قو تکه دار - قو ته ره		
جذاب - گیرل دلفریب	نمه کین، دل رفین	استان نینگ	stunning <i>adj</i>
احمق، کودن، پخمه	مه‌نگ و گیل - گه‌وج	استیوید	stupid <i>adj</i>
	بی نه قل سو و که نه قل، خه ره فیا (استووید)		
کودنی، حماقت، ابلهی	مه‌نگی - گیلی - خولی	استیویدی	stupidity <i>n</i>
احمقانه، به احمقی تمام	بی نه قلا نه - گیلا نه	استیویدلی	stupidly <i>adv</i>
قوی، ستبر، تنومند، محکم	قوه ت - به هیژ - گوربز	اس‌تردی (اس‌تدی)	sturdy <i>adj</i>
	وه کار - نه به ز - پرتاقه ت		
خوک‌دانی، طویل‌خوک	گه‌وره خوگ - جیگه	استای (اس‌تای)	sty <i>n (style)</i>
کُل مژه	به‌راز - پیزوکی		
سبک، شیوه - مُد - مُدل	جور شیوه‌جاو، ره وشت	استایل	style <i>n</i>
شیک - ویزی	نه‌وع - ته‌ریقه، نیشانه		
موضوع درسی، موضوع صحبت،	مه‌سه‌له و یاس، ده‌رس	(مب) ماب‌چکت	subject <sup>1</sup> <i>n</i>
مورد سخن - تبعه، اهل	وراو یژره عیه ت، مل دان		
مطیع - فاعل	باس کرد - خه‌لک، مه‌ربوت به		
فاعل، نهاد (در جمله)	کار که‌ر - کرده کار	مب‌چکت	subject <sup>2</sup> <i>n</i>
به شرط - شهروند	کار ساز (له‌جمله)، به‌وشه‌رته		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیردریانی	ژێردەلیایی - کهشتی	ساب مېرین	submarine <i>n</i>
تسلیم کردن / شدن	وی ده سوډای - خو	بېبمیت	submit <i>v</i>
کردن نهادن	به ده س دان - چیر و باری نامە ی		
ماده، چیز، جسم، دارایی	ماده - چت - چیو هه ست	سابس رتس	substance <i>n</i>
بخش پذیرش (اداره)	را گرتن و په ز یان	بېبس کریپ	subscrip <i>n</i>
کم / تفریق / منها کردن	که م کردن - مینها که رده ی	بېب ت رکت	subtract <i>v</i>
تفریق، منها، کاست	که م - مینها، که م کرد	بېب ت رکشین	subtraction <i>n</i>
حومه شهر، خارج شهر	بهروشاری - دهره وه ی	سابرېب	suburb <i>n</i>
موفق شدن، جانشین شدن	شار - که ناره شارە		
	سه رکه وته ی - پیروز	ساک (بیکسید)	succeed <i>v</i>
موفقیت، کامیابی، کامرانی	بوون بهر ئامە ی، یا گه نشته ی		
	پیروزی - بهر ئامە ی	بیکسیس	success <i>n</i>
کامیاب، موفق، کامروا	سه رکه وت، ته و فیق		
	پیروز - دهر چوو	بیکسیس فول	successful <i>adj</i>
	بهر ئامە		
با موفقیت، با کامیابی	به پیروزی به سه رکه وتن	بیکسیس فولی	successfully <i>adv</i>
چنین، چنان - این چنین	پیسە - وا - به م جوړه	ساج	such <i>adj-pron</i>
مانند	ته پیسه		
مکین، نوشیدن	چه کنای - لوو شته ی	ساک	suck <i>v</i>
بالتبیه بیرون کشیدن	مژین هه ل لووشتن، چله پنا ی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غیرمنتظره، ناگهانی	ناوامة - له ناكاو	سادن	<b>sudden</b> <i>adj</i>
غفلتاً، ناگهانی-يكهو	به غافلۍ - به ناوامة	سادن لی	<b>suddenly</b> <i>adv</i>
رنج بردن، درد داشتن	له ناكاو، له پرډا ره نچ بردن - ئیش دار	سافر	<b>suffer</b> <i>v</i>
رنج، عذاب درد	تحميل کردن ره نچ - ئیش - تاقت بردن	سافرینگی	<b>suffering</b> <i>n</i>
تحمل درد	میراق - گل کردن		
کافی، بس، بسنده	وه سۍ - به س	سافی شیت	<b>sufficient</b> <i>adj</i>
پسوند - کُپاله	دوا وشه - دماکه لیمه	سافی کس	<b>suffix</b> <i>n</i>
شکر - قند	شه کر شه که رقه ن - قه ند	شکر	<b>sugar</b> <i>n</i>
پیشنهاد کردن، توصیه کردن	نه زه ردان - نه زه رای	بیجست	<b>suggest</b> <i>v</i>
بفکر رسیدن	پریاردان، په ی ئامه ی		
پیشنهاد، نظریه، صلاح دید	پریار نه زه ر، ئه قیده	بیجس چن	<b>suggestion</b> <i>n</i>
مناسب / برازنده بودن	په نه که و ته ی - پی که و تن	سووت	<b>suit</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
جوهر کردن	فیت بیه ی، جوړ کردن		
مناسب، شایسته، درخور	فیت - پیکه و ت - لایق	سووت بیل	<b>suitable</b> <i>adj</i>
دست (لباس) عرض حال	ده سو سیپالان - ده سته ی لیباس	سووت	<b>suit</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
چمدان، جامه دان	چه مه دان - یه غدان	سووت کیس	<b>suitcase</b> <i>n</i>
	یاگه لیباس		
اخم کردن، قهر کردن	قین کردن - ناوچاو	سالک	<b>sulk</b> <i>v</i>
	پیوره دای - توران (پوترش)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سلطان، بیگ، حاکم	سلطان - به گ - والی	سالتین	sultan <i>n</i>
(حاصل) جمع / محاسبه، وجه	حیساب - حه ساو یایی	سام	sum <i>n</i>
تابستان، تابستانی، ییلاقی	هاوین - هامن، تاوسان	سایر	summer <i>n, adj</i>
قلعه، نوک، اوج، سر	کهل - ئاسو لوو ته، یال	سامیت	summit <i>n</i>
	لوو تکه - نوو که که ژ		
فراخواندن، دعوت کردن	بانگ کردن - شوین	سامین	summon <i>v</i>
	هه ناردن - شوین کیاسه ی		
خورشید، شمس، آفتاب	رو جیار - ئافتاو - خوړ	سان	sun <i>n</i>
هور	هه تاو، خوهر - هور		
نور / اشعه آفتاب	وه ریلزگ لیلزگی - رو	سان لایت	sunlight <i>n</i>
نور خورشید	تیزگی - تژگ - نوور		
آفتابی، روشن، شاد	روشنا - هه تاوی	سانی	sunny <i>adj</i>
نورانی	وه رتاو، سایقه وروشن		
طلوغ آفتاب	رو جیار به رنامه	سان رایز	sunrise <i>n</i>
	خور هه لات - وه رکه وت		
غروب آفتاب، مغرب	وه رپر - خوړ ئاوا	سان بیت	sunset <i>n</i>
	وه رزه رد		
هوای صاف و آفتابی	وه رتاو - روشنا	سان شاین	sunshine <i>n</i>
نور خورشید	خوره تاو - سایقه		
حمام آفتاب گرفتن	حمامو وه رتاوی - خوړه حه مام	سان بیت	sunbathe <i>v</i>
زیر آفتاب خوابیدن			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یکشنبه	یه ک شه ممه دواشه مه	سان دی	<b>sunday</b> <i>n</i>
گرمایه‌گی، آفتابزدگی	وه به دهی، خورگه ستن	سان استرک	<b>sunstroke</b> <i>n</i>
عالی، فوق‌العاده، نخبه	فره بهرز - فره باش و	سووپر	<b>super</b> <i>adj</i>
	مومتاز فره له بان، زورچاک		
زیبا، عالی، باشکوه	جوان - زه ریف - به فەر	سووپر ب	<b>superb</b> <i>adj</i>
درجه یک، ارجمند	و شکو، رازاوه	(سوپر ب)	
بهتر، برتر - بالاتر	باش تر بیان تر - چاکتر	سووپر پر	<b>superior</b> <i>adj</i>
مافوق	خاس تهر - وه رته ر		
عالی، صفت عالی، درجه عالی	سه فته تی عالی	سووپر ل تیو	<b>superlative</b> <i>n, adj</i>
عالی‌ترین	دهره جه و سه‌ری		
سوپر مارکت، فروشگاه بزرگ	فروشگه‌ی گه‌وره	سووپر مارکت	<b>supermarket</b> <i>n</i>
	دووکانی فره گه‌وره		
مافوق صوت، تندتر از	به‌ر تر له سه‌وت	سووپر سونیک	<b>supersonic</b> <i>adj</i>
سرعت صوت	بانتهر و سه‌وتی		
خرافه پرستی، کج باور	باور به درو و پووچی	سووپر ستیشن	<b>superstition</b> <i>n</i>
	باوهر به کوئه په‌رستی		
سرپرستی کردن	سه‌ر پر سی کردن - چاو دیری	سووپر وایز	<b>supervise</b> <i>v</i>
نظارت کردن	کردن - چه‌م داری که‌رده‌ی		
کارپردازی (اداره)	کاری مالی ریخهر	سابلای یونیت	<b>supply unit</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سرپرستی، نظارت	چاودیری - نه زاره	سوپرویزن	supervision <i>n</i>
شام	چهم داری - سه پرسی نانی نیواره - نانه و شهوی - چیشتی شهو	ساپر	supper <i>n</i>
مقدار، موجودی، ذخیره	له دهس بوو - جه ده سه	ساپلای (میپلای)	supply <sup>1</sup> <i>n</i>
تأمین / تهیه کردن	نه بیه - ته دارک - جور کرد جور کردن - گیر هاوردن	ساپلای (میپلای)	supply <sup>2</sup> <i>v</i>
جبران کردن - رساندن به	سامان دان (دای)		
نگهداشتن، طاقت آوردن، محکم کردن یاری	پشتیبانی	میپُرت (ساپورت)	support <sup>1</sup> <i>v</i>
کمک کردن (بخصوص با پول)	کردن - نگاداری که رده ی		
پشتیبانی، حمایت - پایه	پشتیبانی - یاری	میپُرت	support <sup>2</sup> <i>n</i>
	نگاداری، هه واداری		
فکر کردن، اندیشیدن - تصور کردن،	خیال کردن - گمان که رده ی	میپُوز (ساپوز)	suppose <i>v</i>
گمان بردن / کردن - بایستن	وه وچه می نه ورده ی		
اگر	نه گهر - گهر - جا (بنیه ره)	میپوزینگ	supposing <i>conj</i>
عالی، بالاترین - والاترین	بان ترین - سه رته رین	سُپریم	supreme <i>adj</i>
	به رز و چاک		
خاطر جمع، مطمئن	دلّ نیا - متمانی	سُر	sure <i>adj</i>
آسوده - با ثبات	خاترجهم، یه قین		
مطمناً، بدون شک، قطعاً	بی زه ندسی - شک سی گومان	سُری	surely <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کف امواج دریا، خیزاب	شه پۆلی وردکراو	شیرف دیرف	surf <i>n</i>
سطح، رویه، پوشش	للهی میڤیا و ده لیای پانایی ئاوی - دیمه	شیرفیس	surface <i>n</i>
وجه، زخ، سطحی	زاهیربان دیم، روو	شیرفیس	surgeon <i>n</i>
دکتر جراح، جراح	دوکتوری جه راج	میرچن	
جراحی، عمل، اتاق جراحی	دوگدوری جه راج	شیرچری	surgery <i>n</i>
	جه راحی - عه مه		
نام خانوادگی، فامیلی	یاگنی جه راحی	میرنیم	surname <i>n</i>
	ناوی خانه واده وینه ماله		
غافلگیر، رویداد غیرمنتظره	نامی بته چه ق و خانه واده ی	میرپرایز	surprise <sup>1</sup> <i>n</i>
	رو و داوی بی خه بهر		
تعجب	عه جه یوات - نا و امه و ده دای	میرپرایز	surprise <sup>2</sup> <i>v</i>
	حه یران کردن - حاق پر نای		
به حیرت انداختن	مات و حه یران که رده ی	میرنیدر	surrender <i>v</i>
	ته سلیم بیه ی - ته سلیم کردن		
متعجب کردن	ته سلیم کردن / شدن		
تحویل دادن	دو و رگرتن - چوار ده و رگرتن ی	میرنوند	surround <i>v</i>
دربرگرفتن، محاصره کردن	دلی و سه ی		
محیط، اطراف، دوروبر	ده و ربه ر - چوار ده و ر	میرنوندینگس	surroundings <i>n</i>
	زینده مه نه ی - گیان	میروایو	survive <i>v</i>
زنده ماندن، گذراندن	به رکه رده ی - زیند و و مان		
دوام یافتن			

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوام، بقا، پابندی	دوام و مه‌ندی دژیژهی	بیر وایول (بیر وایول)	survival <i>n</i>
ماندگاری	ژیان دهه وامی ته مه‌ن و به قا		
شک داشتن / بردن	دووشک بیهی - خانه گمان	ساس پکت	suspect <sup>1</sup> <i>v</i>
سوء ظن بردن	بیهی - شک لی بردن		
بدگمان، ظنین، شکاک	خانه گمان - دووشک	ساس بی شیس	suspicious <i>adj</i>
شک برانگیز	شک دار		
فرده مشکوک، مورد سوء ظن	شک په‌ی لوا - شک	ساس پکت	suspect <sup>2</sup> <i>n</i>
	لیبراو، شه کدار		
اویژان بودن - به تأخیر	ئالو چنای - هه‌لواستن	بیس پند	suspend <i>v</i>
انداختن - اویژان کردن	ده‌س هورگر ته‌ی دواخستن		
بی تکلیفی (توس و هیجان)	بی سه‌روسامانی	بیس پنس	suspense <i>n</i>
ناشی از تأخیر، ناسامه‌لومی	چاره نه‌وی ماته‌لی و پاده ره رای		
بلعیدن، فرو بردن، سرکوب کردن	قوت دان - قوته‌دای	سوالتو	swallow <sup>1</sup> <i>v</i>
چلچله، پرستو، بلع، قَلَب	په‌ره ستوو - پلیستره‌ک، قوت	سوالتو	swallow <sup>2</sup> <i>n</i>
ساییدن - مالیدن	ساوای (سافم کرد) سوین	سرام-ساوام	swam=sawam <i>v</i>
باتلاق، مرداب، غرا گرفتن آب	میرگه-میرگ زه لکاوای	سوامپ	swamp <i>n</i>
قوپرنده‌ای آبی	جور یوه که رگه‌ی ناویه	سوان-سئون	swan <i>n</i>
	جوره‌مه‌ی کی ناوی - قوو		
گروه/خیل عظیم، زیوران‌کنندو	گروده‌سته - خیل پوره‌ه‌نگ	سورم (سورم)	swarm <sup>1</sup> <i>n</i>
به صورت گروهی حرکت	باربه‌ندی که رده‌ی به‌خیل	سورم (سورم)	swarm <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن، از دهام کردن	وده‌سته‌ری که وتن‌ه‌ک فاز و قولنگ‌پ‌روشتن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تکان خوردن، نوسان کردن	له‌ریای شه کیای - شه کیان سوێ		sway <sup>v</sup>
تحت تأثیر قرار گرفتن	پشکان - ته کان وارده ی، چه میای		swear <sup>v</sup>
فحش دادن - سوگند خوردن	قه سم وارده ی - سوین خواردن سوړ		
/ دادن، قسم، انفرگفتن	دژمان و دژوین دان		sweat <sup>1</sup> <sub>n-v</sub>
عرق (بدن)، عرق کردن	هاره قی له ش - ئاره قو سویت		
سخت کار کردن	جه سه ی، کاری سه خت کردن		sweat <sup>2</sup> <sub>v</sub>
عرق ریختن / کردن	ئاره ق کرده ی سویت		
با کار جان کندن	هاره ق کردن و رژاندن		sweater <sub>n</sub>
پولیر - ژاکت	جا که ت - گجی په ژمی سووتر		
پیراهن پشمی	کیشدار - کراسی خوری دار		sweep <sup>v</sup>
روبین، جارو کردن	گری دای - گزگ دان سوویپ		
تند گذشتن	جارو کیشان		sweet <sup>1</sup> <sub>adj</sub>
شیرین - ملیح، مطبوع	شیرین - نمه کین سوویت		
خوشایند	وه شبو، چاک و عال		sweet <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شیرینی، شیرینی جات	شیرینی - خوش - دل رفین سوویت		
ورم / آماس کردن، بالا آمدن	ماسای - ماسین سوول		swell <sub>v</sub>
باد کردن	ئاوسیان - با کردن		swelling <sub>n</sub>
آماس، ورم، نفخه گردی، باد	ئارس ماسایا کرد، هوژنامه سووینگ		
به طور ناگهانی دور زدن	ئاوامه ده ورو دای - له سوورو		swerve <sub>v</sub>
ویراز و تغییر جهت دادن	ریگه ی راست لا دان هه لو گه ران		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>swift</b> <i>adj</i>	سویفت	توند - تیز - تند و تیز، ناچار	سریع، تند، ناگهان
<b>swim</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	سویم	مه‌لی، له‌مه‌کرده‌ی	شنا کردن، غوطه خوردن
	سوامیم	مه‌له‌کردن، که‌فه‌لیژی‌یه‌ی	لبریز بودن
<b>swimmer</b> <i>n</i>	سویمر	له‌مه‌کر - مه‌له‌کر	شناگر، ملوان - ملاح
		مه‌له‌وان	
<b>swimming</b> <i>n</i>	سوی‌مینگ	مه‌له - له‌می - وی	شنا، غوطه
		ئاووسه‌ی له‌ئاوونین	
<b>swimming pool</b> <i>n</i>	سوی‌مینگ‌پوول	گۆمه و مه‌لی	استخر شنا
		حه‌وزی مه‌له‌کردن	
<b>swing</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	سوینگ	دیله‌کانی‌کرده‌ی	چنبیدن، چنباندن، تاب
		جمنای جواندن - جۆلانکی‌کردن	خوردن / دادن
<b>swing</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	سوینگ	دیله‌کانی - جمنای، به‌زم	تاب، پس‌و‌پیش‌رفتن
		بیله‌کانی - هۆشه‌کانی - جۆلانکی	نوسان - آهنگ
<b>switch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	<i>switch on/off</i> خاموش و روشن‌کردن	کرێڵ کلێل یۆ ماشین و به‌رق	سوئچ، کلید، برقی و ماشین
<b>switch</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	سوئچ	گیسنای و کوشنای	با کلید روشن و خاموش /
<b>swollen</b> <i>see swell</i>		داگرسان - کوژاندن	عوض کردن
<b>swoop</b> <i>v</i>	سووپ	قه‌وانچه‌یه‌ی - توند	به‌سرعت‌فرود آمدن (عقاب)
		داکه‌وتن - رفاندن، شیرجه‌چون	از بام و پرتگاه و ه‌رخت افتادن
<b>sword</b> <i>n</i>	سۆرد	شمشیره - شوشکه	شمشیر، سیف
<b>swore</b> <i>see swear</i>			
<b>sworn</b> <i>see swear</i>		قیاره - شمشیر	
<b>swum</b> <i>see swim</i>			

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیلاب، هجا، بخش	شی که ری - جیا کردن - به ش کردن	میلابیل	syllable <i>n</i>
سمبل، نشانه، علامت	نیشانه - نیشانی	سیمپیل	symbol <i>n</i>
نماد - رمز	نمونه - ره مز		
همدردی، دلسوزی	هاوده ردی - هام	سیمپاسی (سیمپاتی)	sympathy <i>n</i>
همدلی - ترجم	ده ردی - دلسوزی		
همدرد، دلسوز، یکدل	هاوده رد - هام دهر د	سیمپیتیک	sympathetic <i>adj</i>
موافق - همراهی	دلسۆز - هام ساز		
علامت، نشانه بیماری	نیشان - نیشانی - یاگی	سیمپتیم	symptom <i>n</i>
	قیزگه - علت		
سرنگ تلمبه کوچکی برای	ده رزی ده رمان - سوره نگه	سیرینج	syringe <i>n</i>
ورود دارو به بدن	تلۆمبه ی چکۆله بۆناردنی دارو به ناو خوین		
شریت، شیرمدوشاب	شهر بهت - قه نداو	سیرپ	syrup <i>n</i>
	دۆشاو، شیرهی میوه		
نظام، روش، منظومه	باو - ده زگا - ریگا	سیس ترم	system <i>n</i>
روال - ساختار	و ره وشت		
منظم - اصولی	باودار - عه سلّی	سیس ت مکتبک	systematic <i>adj</i>
سازمان یافته	ره وشتی، نه زم دار		
منظم کردن - دارای	به باوی و ره بهر	سیس ت م تاینز	systematize <i>vt</i>
روشن کردن	نه ورده ی - نه زم پیدان		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نام رودخانه‌ای در اورامان و غرب پاوه که به دریاچه شهر در بندیکان در اطراف حلبچه عراق می‌ریزد و به فارسی می‌پارته کان‌ها تو به ناوی <i>syrgan</i> که رود دیاله گفته می‌شود	رۆبارێکه جوان له هه‌ورامان که ته‌م ناوه له به‌رد یکی قیمه‌تی له سه‌رده جۆری یه‌شمی سه‌وزه و کاتی لوی هه‌یه	سیروان	<b>syrgan</b> <i>n</i>
نوع گیاه تره‌مانند که از خانواده سیر بوده و طعم بد بوی دارد که حیوانات اهلی باخوردن آن شیر و دوغ و ماست آنها مزه‌آنها را به خود می‌گیرد و بخوردن آن چندان آوری می‌شود	جۆره‌سیره‌یکی کیویه وه کوکتیوال یا گیای واله که به فارسی که تامی ماست و شیر ی‌گایا مه‌ریک که بیخو ا خراب ده‌کا	سیمروکه	<b>symrowka</b> <i>n</i>
رنگین کمان بعد از ایستادن بساوان در آسمان به علت شکست نور و تشکیل زاویه ۶۲° باز مین تشکیل می‌شود	پولکه‌زیرینه یاسی نه‌زه‌ریتی له‌پاش‌بارانی زۆر له‌تاسمان ته‌بین نری چون نور ته‌شکی و زاویه‌ی ۶۲ درجه له‌گه‌ل‌زه‌وی ساز ته‌کا	سی‌ن‌زۆزین	<b>synazarrine</b> <i>n</i>
از جا تکان نخوردن شخص یا حیوان که باید به زور کشیدن حیوان به دنبال خویش حرکت او را فراهم کنیم	کاتی که نسان یا حیوان به‌ریوه، نه‌روا به‌زۆری کشین به‌دوای خومانایا به‌قسه‌رازی بکه‌ین ته‌لین سی‌نی کردو یانی له‌سه‌رقسه‌ی خویه	سی‌نی	<b>syny</b> <i>n</i>
نوعی سنگ صاف رودخانه‌ای است که مردم اورامانات بویژه پاوه در قدیم برای صاف کردن کف منازل و دیوارها به جای ماله استفاده می‌کردند	سیره‌کوه‌جۆره‌به‌ردیک خره له‌رووباره‌کان ده‌ری دین و بوساف ولۆس کردنی دیوار و بونه‌وای مالو و دیوه‌کان که‌لکی لێ و ده‌گرن و له‌قه‌دیم له‌هه‌ورامان به‌جی‌ی ماله‌به‌کار یان بردو	سیره‌کوه	<b>syrakwa</b> <i>n</i>



saw



shovel



screws



sieve



spoon



syringes



swan



scorpion



scissors



spanners



spade



sickle



scythe



sheaf of corn



seesaw



snail



safety pin



BANJO



HARP



DOUBLE-BASS



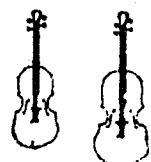
BALALAIKA



GUITAR



SITAR



VIOLA



CELLO



مردانشاه پسر خسرو (شیرین)

۶۲۶ - م



بیروچ و سلام

۵۹۵ - م



# T t

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>T</b>	تی	بیسۆمین حەرفە وئە لڤبای	بیستمین حرف الفبای انگلیسی
<b>taa</b> <i>n</i>	تا	هە تا - تا (تا چه م کار مه که رو)	تا (حرف اضافه)
<b>taashwtaawer</b> <i>n</i>	تاشوئاویر	به ردی پاڻ - تاش و تاویر و ما	تخته سنگ، صخره کوه
<b>tab</b>	تَب	به ند - شیواڵ - قە یتان	بند زبانه، بنوار، قلاب، حلقه
<b>tabby</b>	تَبی	کته مایه - پشیلە ی مینگه	گره ماده - پیرزن بدگو
<b>tabernacle</b>	تَبَرَنکَل	پیه ره ژه نه ی خراوه و اچه و ئاشۆ چادر - چادّره - دوار	خیمه - سایبان، زیارتگاه
<b>table</b> <i>n</i>	تَبیل	که پره، مه رقه د، که نیسا میز - چوار پایه	معبد - کلیسای بزرگ میز، جدول، خوان، لایحه
<b>tablecloth</b> <i>n</i>	تَبیل کلات	ته خته چۆ، سفره و خوان روومیزی - سفره ی ناڻ	رومیزی، سفره
<b>table - tennis</b> <i>n</i>	تَبیل تنیس	تنیسی رووی میز - جوّره توپانیک - جوړیو ه گه مه	تنیس روی میز، پینگ پونگ
<b>tablet</b> <i>n</i>	تَبِلَت	حبه - حبه بوه ره قه، ته ختای، تا پلوت بلیت	قُرص، لوح، ورقه، سنگ نوشته
<b>tack</b> <i>n</i>	تَک	پاته بزمار - پوونیز سو و که میخ، ره وال	پونز، پونس، خط مشی زویه

uə      p      b      t      d      k      g      tf      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به عهده گرفتن، اسباب، ابزار	را گرتن - قه بۆل کە رده ی	تکِل	tackle <i>v-n</i>
بالا بر - قرقره و طناب	کاره ی - وه سیله		
موقعیت شناسی، کاردانی	کارزان، سه لیقه دار	تکت	tact <i>n</i>
تدبیر	حازر جوو - وریایی		
سخن سنج، یا شعور، مردم دار	زه کاوه تدار - وریا	تکت فول	tactful <i>adj</i>
بافکر و کیاست	له یه کده ر - نتم		
بکار دانی، بانگه سنجی	به زه کاوه ت به فکر به زیره کی	تکت فولی	tactfully <i>adv</i>
بی شعور - بی مهارت	بی ئه قل - بی ماریفه ت	تکت یس	tactless <i>adj</i>
بی تدبیر - وقت نشناس	بی میژگ - شپرز		
بچسب، دنبال کسی یا	کار تی بچووک به ن که وش	تج	tag <i>n-v</i>
چیزی یا غرض رفتن، منگوله	وه ر لکین - نوو کی فلزی، زه تگوله		
ثم، دنبه، کپل، انتها	قلینچه که دو چکه، بته	تیل	tail <i>n</i>
ته هرچیز	دووگ دمه کلک، ژیر		
خیاط، دوزنده	خه یات - خیات به رگ دروو	تیلر	tailor <i>n</i>
برداشتن، گرفتن - بردن	گرتن بردن - هورگر ته ی	تیک	take <i>v</i>
خوردن، سفر کردن - نیاز داشتن	جه مه ل گرتن - خواردن		
پرواز - بوزدن	پهل دای - فرین - فرته کردن	تیک آف	takeoff <i>n-v</i>
پرواز کردن	بال گرتن		
داستان، قصه، دروغ، حکایت	رازی - راز - قسی - مه ته ل	تیل	tale <i>n</i>
استعداد، ذوق، قریحه	قوره ت - مایه دار - نیشات	تکنت	talent <i>n</i>
	هیزی خود اداد، زه ین داری		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
با ذوق، با استعداد، خوش قریحه	به هیڤ - قابل زهین دار به هوش	تلتند	talented <i>adj</i>
سخن گفتن، صحبت کردن	قسه که رده ی - و تو و یژ کردن	ئک	talk <sup>1</sup> <i>v</i>
پرحرف، و زاج، پُرچانه	راوار - مه رده و قسان	ئکیتو	talkative <i>adj</i>
صحبت، گفتگو، سخنرانی، گفتار	ژاکده رولا ژاو زو ژو یژ		
قد بلند، بلند سرویخ	قسی - قسه یاس، و تار	ئک	talk <sup>2</sup> <i>n</i>
دست آموز، رام، اهلی	دریژ - بهرز - بالابهرز	ئک	tall <i>adj</i>
سربراه	لینی - پەت کریا	تیم	tame <sup>1</sup> <i>adj</i>
اهلی کردن، رام کردن	به خێو کریا - مل دەر		
	پەت که رده ی - به خێو	تیم	tame <sup>2</sup> <i>v</i>
نارنگی (نوعی مرکبات)	کردن - ئارام که رده ی		
(مو، نخ) گره خورده	نارینگى - نەرمە نارنج	تتچرین	tangerine <i>n</i>
پیچیدن	نه یه ی شیویا مووی دژیا	تنگل	tangle <i>n</i>
گره خور دگی، پیچیدگی	ئالا و مو ی شیواو، لک که و تن		
	پیچاوی - لک که و ته	تنگلد	tangled <i>adj</i>
مخزن، منبع - تانک، زره پوش	تیک چوو - شیویا		
باک	که نو - هماره ئاو - تانگ	تتک	tank <i>n</i>
تانکر، کامیون نفت کش	ده فری جیی (ئاو نه وت) - حه وز		
	تانکره - جیی ئاو - گاز	تانکیر	tanker <i>n</i>
ضربه آهسته نواختن / زدن	یا گه نه فت و گاز		
تلنگر	زه فرت دای - لیدان	تپ	tap <sup>1</sup> <i>v</i>
	یواش کوتان به ده ست		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تخه، ضربه آهسته	زه فره ته ی ئارامه - یواش	تپ	tap <sup>2</sup> n
تکانچه	کوت - ته قه ی ئارام		
شیر آب، بند آو آب	شیری ئاو شیر و ئاوی	تپ	tap <sup>3</sup> n
	ئاو بر		
روبان، نوار، تسمه	قه یتان - شریته	تیب	tape n-v
بانوار بستن، ضبط کردن	شریت نه وار (به ستن)		
متر (قابدار و یژه)، نوار مترج	گه زه - گه ز - متر - میتر	تیب مژر	tape - measure n
	ئامرازی پیوان که جه م نه یی		
دستگاه ضبط صوت، گیرنده صوت	زه بت - تو مار که ری	تیب رکورد	tape - recorder n
	ده نگ - ده نگ گیر		
قطران، قیر، قیرزدن به	قیر - قیر قه ترانی، لیل و تار	تار	tar n
تفرقه گمرکی، مالیات بر صادرات و واردات	هه قی گمرک بو بار	ترایف	tariff n
آماج، هدف، نشانه	قیز گه - کو - نیشان کردن	تارجیت (تاجیت)	target n-v
هدف گیری کردن	هه لمه ت مه نزور - قه ول گرتن		
آسفالت، مخلوط قیر و ماسه	ئاسفالت - لمی قیر دار	تار مک	tarmac n
	ماسه و قیری تیکه ل		
نان مر یایی، ترش، ئنسانیی	نانی مر به بادار زنی به د نخلاق، تون	تارت	tart n
وظیفه، کار، تکلیف	کار - وه زیفه - هه ق	تاسک	task n
ذائقه - طعم، مزه - ذوق	تام - زه وق - چه شه	تیسٹ	taste <sup>1</sup> n
سلیقه	سه لیقه - مه زه		
چشمیدن - طعم داشتن - مزه کردن	چه شین - چه شای مه زه دان	تیسٹ	taste <sup>2</sup> v

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ʊ	u:	
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خال کوبی کردن، خال کوبیدن	خال کوتان - خال	تتوو	tattoo <sup>v</sup>
خال کوبی، یاد دادن	خال - خال کوتی	تتوو	tattoo <sup>n</sup>
آموختن	فیر کردن - ئیشان دای		taught <sup>see</sup> teach
مالیات، خراج، عوارض	مالیات - کوڊ - یارانه	تکس	tax <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مالیات گرفتن، مالیات	مالیات گرفتن - مالیات	تکس	tax <sup>2</sup> <sup>v</sup>
بستن بر	گرته‌ی - مالیات گرفتن له		
مالیات، درآمد مالیاتی	مالیات - کوڊبه‌نی	تکس‌یشن	taxation <sup>n</sup>
تاکسی	تاکسی - ماشینی کرێ	تکسی	taxi <sup>n</sup>
	له شار - ماشینو کرهای		
چای	چایی - چای - چا	تی	tea <sup>n</sup>
قاشق چایخوری	چه مچه‌ی چای خوړی	تی اسپون	teaspoon <sup>n</sup>
	که وچکی چای		
آموختن، آموزش دادن	فیر کردن - ئیشان دای	تیبج	teach <sup>v</sup>
	فیرییه‌ی		
آموزگار، معلم، مربی، دبیر	ئیشان دهر - مه‌عالم	تیبچر	teacher <sup>n</sup>
	فیرکەر - رابەر		
تیم، دسته‌گله، گروه	تیم ده‌سته ده‌سه - پهل	تیم	team <sup>n</sup>
اشک، سُرَشک	هه‌لسی - ئه‌سربین - فرمیسک	تیر	tear <sup>1</sup> <sup>n</sup>
پاره کردن / شدن، تَزیدن	دراندن - درنای	تیر	tear <sup>2</sup> <sup>v</sup>
جز دادن	دریای - دران		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پارگی، خریدگی، چاک	دریاگ - دریا - درانه وه	تیر	tear <sup>3</sup> n
دست انداختن، مسخوه کردن	گه مه په نه که رده ی	تییژ	tease v
	گالته پی کردن، لومه کردن		
فنی - صنعتی، فن آوری	فه ند ی فه نی سنجته	تکنیکال	technical adj
تکنیسین، فنی کار، فن آوری	فه نی کار - که سیوه	تکنیسین	technician n
	کاری فه نی مکه رو		
تکنولوژی، وابسته به	علمی سه نعت - فه ن	تکنولوژی	technology n
فن آوری	ناسی - فه ن ئه ژ ناسی		
تهران، پایتخت ایران	تاران - پاته ختی ئیران	تهران	Tehran n
دندان	دیان - ددان - ددان - ددان		teeth see tooth
تلگراف	تهلگراف - دوور نویس	تلگراف	telegraph n
	دوورنوس		
تلگرام، متن تلگراف	تهلگرام - ناردنی پیغام	تلگرام	telegram n
	به تهلگراف		
مکالمه تلفنی - تلفن	تهله یفون - دوورواچ	تلیفون	telephone <sup>1</sup> n
	دووروژ	تلیفون	
باجه تلفن	جیی (یاگی) تهله فون کردن	تلیفون باکس	telephone box n
دفترچه راهنمای تلفن	ده فته ری ریموونی	تلیفون دایرکتوری	directory
	تهله فون		telephone n
تلفن زدن / کردن	تهله فون کردن (که رده ی)	تلیفون	telephone <sup>2</sup> v
	تهله فون دان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلسکوپ، دوربین نجومی	دووربینی تایبەت بۆ ئەستێرەناسی - دووربینو هەساڕان	تېلېسکۆپ	telescope <i>n</i>
تلویزیون (مخفف TV)	تەلەفزیۆن - تیلیۆیۆن دەزگای گرتن و ناردنی وێنەکان - شەکل نما	تېلویژن	television <i>n</i>
گفتن، نقل کردن، خبر دادن	واتە ی - وتن - خەوردای ناشکرا کردن	تێل	tell <i>v</i>
بیان کردن خلق، خوی، مزاج	خولۆق و خو - مزاج حالت - تەبەئەت	تیمپر	temper <i>n</i>
درجه حرارت، دمای بدن	دەرەجە ی گەرما و سەرما گەرما ی لەشی (۳۷ درجه ی C)	تیمپرچەر	temperature <i>n</i>
معبد، عبادتگاه، گنجگاه	دە ی - جە مخانە - جیی عیبادەت بۆ خودا و یەزان، جاینگ	تیمپل	temple <sup>1</sup> <i>n</i>
شقیقه، گنجگاه	جاینگ - مابەینی چاو لە گەڵ گوێ، مەر قەد د ئێڵ و کە نیسە	تیمپل	temple <sup>2</sup> <i>n</i>
موقتی، فُتُور، موقت	تا و تاو - بۆ ماوە یەک پە ی تاوە ی	تیمپوری	temporary <i>adj</i>
به طور موقت، موقتا	ماوە یی - تاوە ی تاوی - بە یەنی، جاری	تیمپوریلی	temporarily <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گمراه و اغوا کردن، وسوسه کردن، تحریک	شک و سه‌ی‌هانه‌هانه‌دای له‌شک خستن - خامو‌که‌رده‌ی	تَمپت	tempt <i>v</i>
جنسی کردن عدد ۱۰	نه‌فس جوین ژماره‌ی ده‌شماره‌وده‌ی	تِن	ten <i>n, adj</i>
دهم، دهمین - $\frac{1}{10}$ مستاجر (خانه / زمین)	ده‌هۆم - ده‌یه‌م وه‌زیه‌ر - یانه‌گیر	تِنس(ت)	tenth <i>n, adj</i>
	مال‌گر - کری‌که‌ر	تِننت	tenant <i>n</i>
تمایل داشتن، متوجه بودن پرستاری کردن	گه‌ره‌ک‌بیه‌ی - پوره‌یاوای چاودیری کردن	تِنند	tend <i>v</i>
گرایش، تمایل - تمیل	حه‌ز - مه‌یل - مل‌دای	تِن‌دین‌سی	tendency <i>n</i>
رغبت ترد حساس بزورنج، ملایم	کیشان به ناسک - دلسۆز - ترت	تِندیر	tender <i>adj</i>
باخوشرویی، به‌ریانانه	به‌خوشرویی به‌نیشت	تِندرلی	tenderly <i>adv</i>
بالاتفاق تنیس، بازی تنیس	به‌خوه‌وه، به‌چاکه‌وه تنیس یازی - جوړیک‌کایه	تِنیس	tennis <i>n</i>
	(گه‌مه) به‌تۆپ به‌ینی دوو یا چوار که‌س		
هیجانزده - سفت، کشیده	ناره‌حه‌ت - شیواو - کات	تِنس	tense <sup>1</sup> <i>adj</i>
ناراحت، عصبی - زمان	شیویا - ره‌ق و تیک‌چو		
زمان (هستورزان) تنش‌زا	زهمان له‌ده‌ستووری‌زوان	تِنس	tense <sup>2</sup> <i>n</i>
خیمه، چادر، پلاس	چادر - ده‌وار - خه‌یمه	تِننت	tent <i>n</i> (ره‌ش مالانی جاف)

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوره - ترم، دوره تحصیلی	دهوره‌ی ده‌رسی ماوه‌ی فیروون	تِرم	term <i>n</i>
مدت، شرایط و روابط	له مه‌ده سه - نیم سال		
شرایط، مناسبات	شه‌رتی - شه‌رته‌کان	ترمس (ترمز)	terms <i>n</i>
تراس، بهار خواب، شیب	جیی به‌هارخه و - تراس جانیترس (لیژی)		terrace <i>n</i>
ردیف، تراس‌بندی	رزه یا نه‌ته تاره مال، پله‌کانی	تِرسد	terraced <i>adj</i>
وحشتناک، هولناک، بد	ده‌شه‌ت دار - پرله ته‌رس	تِریپل	terrible <i>adj</i>
شدید	ته‌رس ته‌ور و خراپ		
به‌طور وحشتناک و بد	به‌ترس وله‌رزیه ته‌رسه‌وه	تریپلی	terribly <i>adv</i>
ترساندن، وحشت‌زده کردن	ته‌رسنای - ترساندن	تریقی	terrify <i>v</i>
	ترس‌پیدان		
وحشت، ترس، ترسناک	ترس هات - پر ترس	تِور	terror <i>n</i>
	ته‌رسی، زیره		
قلمرو (شخص/حیوان)	جیی حکوومه‌ت کردن وه‌لات	تِریتوری	territory <i>n</i>
خطه، ناحیه، منطقه	ملک وه‌لاتی - ژیرده سه‌لاتی		
	نسان یا جان‌وه‌ر، خاک و ملک		
	مه‌لبه‌ند، ناوچه		
امتحان / آزمایش کردن	تازمایش که‌رده‌ی	تِست	test <sup>1</sup> <i>v</i>
سنجیدن	تاقی کردن، محک کردن		
امتحان، آزمون، تست	تاقی کردنه وه‌تازمایش	تِست	test <sup>2</sup> <i>n</i>
آزمایش، محک و معیار	تاقی که‌رد - محک		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لوله آزمایش	لوله‌ی تاقي کردنه ره لولوی	تست تیوب	test tube <i>n</i>
متن (کتاب) - عبارت اقتباسی	تاقي که ری جه نازمایشگا	تکست	text <i>n</i>
نسخه، شاهد	جه کتێوه تلّه بی کتیب		
کتاب درسی، درسنامه	کتیب - کتیبی ده‌رسی	تکست‌بک	textbook <i>n</i>
	نامیلکه - کتیب		
از، نسبت به، تا، که	جه - له	رَن (ذَن)	than <i>conj</i>
سپاسگزاری / تشکر کردن	سو پاس کردن - خانه‌ئاوای	تَنک	thank <i>v</i>
	که‌رده‌ی، ریزدانان		
سپاسگزار، تشکر، امتنان	خانه‌ئاوای - ریزله	تَنک فول	thankful <i>adj</i>
	سو پاس له‌ریز که رسپاسکه‌ر		
سپاس، تشکر	ته‌شه‌کور - سو پاس	تَنک‌س	thanks <i>n</i>
	مال‌ئاوای، ریزوئه‌ده‌ب		
آن - آن (برای معرفی کردن) که	ئانه - ئه‌وه، ئا، که‌ئه‌و	رُت - ذُت	that <i>conj-adv</i>
پشت بام، بام	بان - سه‌ریان - بانی	تَچ	thatch <i>n</i>
بام‌گالی، پوش	پووشدار یا گیادار		
پوشایی، کاهگلی، گالی‌دار	بانی کاهگلی - بانی	تَچ(د)تَچد	thatched <i>adj</i>
	که‌ره‌پوداری یا سمه‌ردار - پووش‌دار		
(یخ‌ویرف) آب شدن / کردن	تاو‌یای - تاواندن‌ئاو کردن	تو	thaw <i>v</i>
حرف تعریف معین، آن، این	پیتی‌جت یا ناوی دیاری و ناسراو	د	the <i>adv-adj</i>
مگر اینکه	وه‌که‌ئه‌و قالیه - ئی چراوی		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تماشاخانه، تئاتر، صحنه	تئاتر - شوی نی ته واشا	تیاتیر	theatre <i>n</i>
دزدی - سرقت، دسبێد	کردنی نمایش - ته ماشاخانه دزی - تالان - پریه ی	تفت	theft <i>n</i>
شان (صفت ملک) مال آنها	پرووتنای یان شان (سفه تی ملکی)	یر - یر	their <i>adj</i>
مال آنها (ضمیر ملکی) آنها	مالی ئه وان - ئینو ئا دیشان	یرس	theirs <i>pron</i>
آنها را، ایشان را به آنها	به ئه وان - به ئا دیشان	دم - دم	them <i>pron</i>
(حالت مفعولی)	(دام به ئه وان دام ئا دیشان)		
تیم زمینه، موضوع، انشاء	بن مایه - ئشاشا	تسیم، تیم	theme <i>n</i>
رساله کوتاه، بن مایه	زه مینه - مه وزووع		
خودشان به خودشان	خوین - ویشان	دیم بیلوز	themselves <i>pron</i>
(ضمیر انعکاسی)	(را نا و زه میری وه رگه را و)		
زمانی - سپس، بعد	دماوه - له دوایی	دین	then <i>adv</i>
در آن وقت	ماوه یه ک، جا، پاشان		
تئوری، فرضیه، نظریه	تئوری - دانیه بنبیه ره ی علمی	تیری	theory <i>n</i>
عقیده، نگرش	ئه قیده ی علمی - نه زه ردان		
آنجا، در آنجا، به آنجا	له ئه وێ - جه ئا گه، له و جا	یر	there <i>adv</i>
	(را ناوی ئیشاره ت)		
بنابراین، در نتیجه	دی سا بزانه - جا بزانه	یرفور	therefore <i>adv</i>
از این رو	ده سا بزانه، جائی تر		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دما سنج، اندازه گیر دما	گه رما و سه ردا ئیشان ده ر	تېرمومیتەر	thermometer <i>n</i>
اینها، اینان (ضمیمه اشاره)	ئه مانه - ئینى	دییژ	these <i>pron-adj</i>
انها (ان افراد / حیوانات / اشياء)	(راناوی ئیشارهت) ئه وانه - ئانی، ئادی	دی	they <i>pron</i>
کلفت، ضخیم - انبوه، فشرده	(راناوی ئیشارهت) قاییم - ئه ستور و رگاز ره دار	تیک	thick <i>adj</i>
تیره - درشت، صدای خشن	هه س - گوسرا و - ئوی (تۆ)		
به طور انبوه / فشرده	تن شوار یا زور گوسرا و	تیکلی	thickly <i>adv</i>
	قاییمی به جوری ئه ستور و ر		
تۆ، سارق	دز - رو و تۆ که ر	تیف (تیف)	thief <i>n</i>
	جه رده - چه ته، رابر		
ران (بین و انوولگن)	ران - نه رمه و رانی	تای	thigh <i>n</i>
انگشتانه	ئه نگوس پوش - ده رزی گیر	تیمبل	thimble <i>n</i>
	چه ن گیر و قامک پوش		
نازک، باریک - لاغر، ئنک	له ر - ناسک - باریک	تین	thin <i>adj</i>
رقیق - کم بشل	بی تین و لاواز		
به طور روان / رقیق، بی رقیق	ته ر به که می خره ناسک	تینلی	thinly <i>adv</i>
چیز شمی، مر ویداد، عمل، اثاث	چت - چۆ - وه زع	تینگ (تینگ)	thing <i>n</i>
	ئه سپاو - رو و داو		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اسباب - اوضاع، شرایط	ئه‌سباب - رووداو ه‌کان	تینگس	thing <i>n</i>
لباس	پۆیسته‌کان ه‌و زعه‌وکار		
اندیشیدن - گمان کردن	فکر که‌رده‌ی (کردن) ه‌امای	تینک	think <i>v</i>
قصد و نظر داشتن	گمان کردن - خیال که‌رده‌ی		
سوم، سومین - یک‌سوم	یه‌ک سووم - یه‌رووم	تِرد	third <i>n, adj</i>
سومی	یک‌له‌سۆ - سییه‌مین		
عطش، تشنگی، اشتیاق	ته‌ژنه‌ی - تینگی - گه‌وله‌ی	تِرس‌ت	thirst <i>n</i>
تشنه، عطش‌دار، خواهان	ته‌ژنه‌ی - تینگ - تینوو، ته‌ژنه	تِرس‌تی	thirsty <i>adj</i>
عدد ۱۳	سیئزه - سیانزه	تِرتین	thirteen <i>n, adj</i>
	سیئزه - زیادیی		
سیزدهم، سیزدهمین	سیانزه‌یه‌م - سیئزه‌ه‌ووم	تِرتین‌س(ت)	thirteenth <i>n, adj</i>
یک سیزده‌ام	سیئزه‌یه‌م، یه‌ک سیئزه‌یه‌م		
عدد ۳۰	سی - سیی	تِرتی	thirty <i>n, adj</i>
سی‌ام، سی‌امین	سی‌یه‌م - سیووم	تِرتی‌س(ت)	thirtieth <i>n, adj</i>
این (برای اشاره به نزدیک)	ئه‌یه‌ئه‌مه‌ئینه، ئیده، یه	دیس	this <i>pron-adv</i>
به‌این، اینقدر	(راناوی ئیشاره‌ت)		
خار - بته‌خارن	دری - درک - بنجه	تیس‌ل	thistle <i>n</i>
خار، تیغ، خسک	تییخ‌دپ‌ی‌د‌رگ، پیکول	تُرن	thorn <i>n</i>
	چل - قوزمێخ، قولج		
تمام، کامل - دقیق	کامیل - ته‌مام - ته‌واو	تاریق(تاری)	thorough <i>adj</i>
سرتاسر، ازاول تاآخر	ده‌قیق، سه‌رتا‌پا	تِر	

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how    man    no    sing    leg    red    yes    wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حقیقاً - کاملاً	یه کجارده قیق بیه ته وای	تاقایی (تاقایی) تاقایی	<b>thoroughly</b> <i>adv</i>
انها (اشاره به دور)	جه معی ده ت - نه وانه، ئانی	دنوز (دز)	<b>those</b> <i>adj-pron</i>
تو (هرقدیم بیان می شد)	تونئی، ئادی، تو	تو	<b>thou</b> <i>pron</i>
گرچه، اگرچه، علیرغم	هه رچه ند - جگه چانه ی	زووتو	<b>though</b> <i>conj-adv</i>
باآنکه - در هر حال	بیجگه م ئانه یه فکر کردن	توت (ت)	<b>thought</b> <sup>1</sup> <i>see think</i>
فکر کردن، خیال داشتن	بیر کردن - فکر و کرده ی		
اندیشه - نظر، عقیده	فکر - بیر - نه زه - باور	توت (ت)	<b>thought</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
قصد، نیت	باوه، نیت		
عدد ۱۰۰۰ شماره هزار	ژماره ی هزار	توژند	<b>thousand</b> <i>n,adj</i>
	شماره و هزاری		
هزارم، هزارمین، هزاره	هه زارم - هه زارمین	توژندس (ت)	<b>thousandth</b> <i>n,adj</i>
نخ (ابریشمی) برشته	نه یه ده زگ بیه - په ته	تد	<b>thread</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
ریسمان	قه یان		
سوزن نخ کردن، نخ کردن	نه یه پوره که رده ی	تد	<b>thread</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
	ده زک له ده رزی کردن		
تهدید کردن، ترساندن	ترساندن - هه ره شه	تدین	<b>threaten</b> <i>v</i>
هشدار دادن	وه نه که رده ی، هه ره شه کردن		
تهدید، لرعاب، خطر	هه ره شه - توقنای	تد	<b>threat</b> <i>n</i>
	ته رس دای، ترس پیدان		
عدد ۳ سه تا	ژماره ی سی - یه ری	تدیی	<b>three</b> <i>n,adj</i>
پرت کردن - انداختن	تو و ردای - و سه ی - غره دان	تدو	<b>threw</b> <i>see throw</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به هیجان آوردن	حَالْ شییواندن - حَالْ	تریل	thrill <sup>1</sup> v
به ذوق آوردن	گۆرپان - حَالْ واری		
شوق دار شدن	له‌رزداگرتن		
هیجان‌شور، لرز و شوق	له‌ره‌له‌رزه‌گیسنای‌پرو	تریل	thrill <sup>2</sup> n
	به جۆش‌بیگۆری سه‌رئامه‌ی		
گلشنای، حلق، غرغزه	قرو - گله - قروگ - گله	ترئوت	throat n
تپیدن، زدن	دَلْ وه‌نه‌دای - دَلْ	تروبتراب	throb v
	لیدان‌دا وه‌نه‌ی، تریه‌هاتن		
مسند، تخت (سلطنت) شاه‌ی	ته‌خت - ته‌ختی شاهانه	تروئن	throne n
تخت، اورنگ	وتایوه‌تی، خه‌سره‌وانی‌بار		
از میان‌لار و راه‌از طریق	له‌به‌بین‌له - جه‌دلی	ترو و سرو	through prep, adj, adv
سراسر، داخل، توری	سه‌رانسه‌ریله‌ناو، له‌پری		
در تمام مدت، از هر جهت	له‌گشتی - جه‌گردی، له‌هه‌موکات	ترو و ات	throughout prep
در همه‌ی	له‌هه‌رکاتێ له‌گشت باریکه‌وه		
انداختن - دور انداختن	فره‌دان - وه‌سی	تروئو	throw <sup>1</sup> v
پرت کردن	تووپردای - خستن		
عمل انداختن	فره - وه‌سه - تووپردان	تروئو	throw <sup>2</sup> n
	برک (دان)		
چپاندن، فرو کردن	دلی‌که‌رده‌ی (ماسنای)	تراست	thrust v
تپاندن	پر کردن (له‌ناو کردن)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زورچانی، غروبوی	ته پناى گونى یا گواله	تراست	thrust <i>n</i>
صدای خفه، تالاب	گرته ی، تى کردن		thud <i>n</i>
تاپ تاپ	میره میر، چلپه چلپ کردن	تاد	thud <i>v</i>
صدای خفه دادن / کردن	گمه گم کرده ی، ده نگی خنکاو	تاد	thumb <i>n</i>
تپ تپ کردن	ده راوردن میزه نامه ی میزه هاتن		thunder <i>n</i>
انگشت شست	ئه نگو سه گه وری قامکی گه وره	تام	
تندبرعدا، آسمان غره	تریشقه، گر مه وه وری	تانیر	
	هه وره ترشقه		thunder - storm <i>n</i>
توفان توأم با رعد و برق	برو و سکه و چه خماخانی	تانیرا، شرم	
ویاران شدید	هه وریاران لیزه مه و توف		Thursday <i>n</i>
پنجشنبه	روژی په نه شه مه پرو	تیزدی	
	په نشه مه ی		thus <i>adv</i>
بدین ترتیب - بنابراین	ئه بی جو ره به م جو ره، ده سا	تاز	
بدین گونه	ده سا ئه بی - جامه وو		tick <sup>1</sup> <i>n</i>
تیک تاک (ساعت) اساس	تیک تیکی کات ژ میر گه نی	تیک	
تیک کردن، کنه	تیک تیکو سه عاتی (تا و شمار)		tick <sup>2</sup> <i>v</i>
تیک تاک کردن - تیک	تیک تاک کردنی سه عات	تیک	
کردن / زدن	تیک که رده ی سه عاتی		ticket <i>n</i>
بلیط، جواز، برچسب	بلیت حیثا قه، جه واز کاغذی چکوله بو فروش	تیکیت	

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غفلک دادن / کردن، خاریدن	خسته لای دای - ختکه دان، خوریان	تیکل	tickle <i>v</i>
جزر و مد، کشند	خواروبانی ناوله ده لیا به	تاید	tide <i>n</i>
سروسامان دادن	جه زه به ی مانگ و خور		
	واروسه رو - ئاوه و ده لیای		
تمیز، مرتب، منظم کردن	رپک و پپک - جه م و	تایدی	tidy <sup>1</sup> <i>adj</i>
	جور - ته میس - ته میز		
تمیز کردن، مرتب کردن	ته میس که رده ی حمه ته ب	تایدی	tidy <sup>2</sup> <i>v</i>
	کردن - ته میز کردن		
کراوات، ریسمان، نخ	که راوات به ن مل، ده زگ	تای	tie <sup>1</sup> <i>n</i>
بند	ته ناف		
گره زدن، بستن (بانخ...)	لک دای - به ستن	تای	tie <sup>2</sup> <i>v</i>
مساوی کردن	بینای - لک دان		
ببر - ببریان	به بری هندستان - به بر	تایگر	tiger <i>n</i>
بسته شده - محکم، تنگ	به سراو - بینیا	تایت	tight <i>adj</i>
کیپ - بی سوراخ	تند (تن) - مه حکمه م		
به طور محکم یا تنگ	محکه م به مه حکمه می	تایتلی	tightly <i>adv</i>
	به تونی		
تنگ کردن / شدن	ته نگ کردن (که رده ی)	تایتین	tighten <i>v</i>
	محکه م به ی (کردن)		
کاشی، سفال بام	خشت - خشته - کاشی مال	تایل	tile <i>n</i>
	کوزی بانی		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دخل (پول درمغازه) تا اینکه	ده خـلو پـوولـی - پـوولـی	تیل	till <sup>1</sup> n
تا - کشت و کار کردن	دووکان و ده خـل، تا	آن تیل - تیل	till <sup>2</sup> see until
کج شدن / کردن، سرازیری	لارییه ی - لار کردن (که رده ی)	تیلت	tilt v
الوار، چوب، تیر، درختستان	چۆ - چییۆ - ده سه ک	تیمپر	timber n
وقت، زمان - فرصت، وقت	راژه دیمه که، دارسان		
دور، دور، وقت، زمان، دفعه	تاو - کات - وهخت	تایم	time <sup>1</sup> n
ساعت / روز خاص	زمان - فرست، سات		
جدول زمانی، برنامه زمانی	ده وره - خول، جار		
زمان نما	به برنامه ی سه عاته کان	تایم تیبیل	timetable n
زمان بندی کردن	دابهش کردنی کات وزه مان		
زمان سنجی کردن	دابهش کردنی زه مان وکات	تایم	time <sup>2</sup> v
	بهش کرده ی تاوه کان		
	وهخت بهش کرده ی		
حلب - قلع - حلبی،	ته نه که - قه لای	تین	tin n
قوطی حلبی	حه له وی - قتو - قتوه		
صدای زنگوله در آوردن	ده نگی زه نگوله درهاوردن	تین کل	tinkle v
جرینگ جرینگ کردن	ده نگوزه نگی بهرئه ورده ی		
خرد، کوچولو، ریزه میزه	ورد - چکوله، ریزه	تینی	tiny adj
	بچووک - وردیکله		
سر، نوک، غله، اشاره	نووک سه سه ره، نه نعام که ل	تیپ	tip <sup>1</sup> n
انعام - پند، توصیه سودمند	نه نعام - پوولـی چای، په ند، لیژ	تیپ	tip <sup>2</sup> n

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انعام دادن، خلعت کردن	ئه نعام دان (دای)	تیپ	tip <sup>3</sup> v
کچ کردن / شدن - معلق	شەواش کردن - خەلاتی دان ئالۆچنای - هەلواستن	تیپ	tip <sup>4</sup> - over v
کردن - چپه کردن	لارۆکه رده ی - لاریوون، لیژۆبیە ی	تیپ توو	tiptoe <sup>1</sup> v
باتوک پنجه راه رفتن	نووکی پنجه - به سەر	تیپ توو	tiptoe <sup>2</sup> n
پاورچین راه رفتن	په نجه ری کردن به سەر	تیپ توو	tire v
با نوک پنجه، نوک پنجه ویا	په نجه رالوای، لاروله نجه کردن	تایر	tired adj
خسته کردن / شدن	به سەر په نجه، نووکی په نجه	تایر	tissue n
زده و کسل شدن	شه که ت بیه ی - هیلاک	تایر	title n
خسته، وامانده، فرسوده	کردن شه که ت که رده ی	تایر	to prep, adv
از پای افتاده	مانی - مه نه - پرویه	تایر	toad n
پارچه / کاغذ بسیار نازک	جنسی ناسک - کوتال	تایر	
بافت بدن - دستمال کاغذی	یا پارچه ی ناسک کاغذی ناسک تی شو	تایر	
	(ده سمال کاغذی)	تایر	
عنوان، تیترو، اسم، نام، لقب	سەر و نه سه ره خوین - نامی	تایر	
مقام - قبالة	ناو سه ره نامه سه ره تا، قه باله	تایر	
به، به سوی - به (مکانی) - در	به - په ی - بو - تا	تایر	
مقابل، مقابل، در برابر - تا، به	رووه و - به ره و	تایر	
غوک، وزغ (نوعی قورباغه)	جوړی قریوق جوړیوه قرواتی	تایر	

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
توتون، تنباکو	تەماکو - تووتن	توباکو	tobacco <i>n</i>
امروزه، امروزه، این روزها	ئیمرو - ئارو - ئەورو	ئیدی	today <i>n,adv</i>
انگشت پا - پنجه کفش /	ئەنگۆسە و پای	توو	toe <i>n</i>
جوواب	پەنجە ی پێ		
(شکلات) تافی	جووری شیرینی لە قەن و شیر	ئفی	toffee=toffy <i>n</i>
باهم - همزمان، دورهم	چکلیت (مەرسووم) جە پاوە نە پێوەرە - لە گەڵ یە ک	ئجیر	together <i>adv</i>
باهمدیگر	جە یە ک وە ختە نە، پێکە وە		
توالت - آبزیگاه، توالت	مەستەراو - کەناراو	توبلیت	toilet <sup>1</sup> <i>n</i>
(آرایش)	مۆرەزگا، ئارایش		
نشانه، علامت، هدیه، ژتون	قیزگە - نیشانه، دیاری	تووکین	token <i>n</i>
گوجه فرنگی	نیشانی - یاگی - جی	تیل	told <i>see</i> tell
	تەماتە - تەماتی	توومینو	tomato <i>n</i> (toes جمع)
	توماتیز		
قبر، گور، آرامگاه	قەورە - قەبر - گۆر	تووم	tomb <i>n</i>
	گۆرە - زیارەت - گەلکۆ		
سنگ قبر	بەردە قەر - سەرپۆش	تووم استون	tombstone <i>n</i>
فردا - آینده	بە یانی - سووی - سووحنە	ئمارنو	tomorrow <i>n,adv</i>
	سبەیتی - داها توو، سەبا		
تن (واحد اندازه گیری)	تۆن (ئەسپاوە ئەندازە گرتە ی)	تان (ئُن)	ton <i>n</i>
برابری ۱۰۰۰ کیلو	هەزار کیلو - ئامرازی کیشان		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آهنگ صدا، تکیه صدا، آوا	جوۆی ده‌نگ - جوۆ و قسان	تتون	tone <i>n</i>
طنین، نغمه، صوت	قورس و سووکی ده‌نگ		
	حاله توده‌نگی، به‌ز مومقام		
انبر، گیره، انبرک، قند	مه‌قاش - گیره، گاز	تانگژ	tongs <i>n</i>
زبان (در دهان) سخن	زوان جه‌دلی ده‌میه‌نه	تانی	tongue <i>n</i>
گویش	زبان له‌ناوده‌مدا و تراو		
امشب	ئیشه‌و-ئیشه‌و، ئه‌وشه‌و	تینایت	tonight <i>n, adv</i>
تن (واحد اندازه‌گیری)	تۆن (یه‌ک ته‌ندازه‌گر)	تتون	ton <i>n</i>
هرتن ۱۰۰۰ کیلو است	تایره و کیشای (هه‌زار کیلو)		
همچنین، نیز - بیش از حد	هه‌روه‌ها - هه‌ر پاسه	توو	too <i>adv</i>
زیاد، خیلی	زۆر - فره و فره‌راوان		
بُردن - گرفتن	به‌رده‌ی - گرت‌ه‌ی	تیک	took <i>see</i> take
	گرتن - بردن		
ابزار، وسیله، اسباب	وه‌سیله - چت - چپۆ	توول	tool <i>n</i>
بازیچه	ئه‌سپاو		
دندان - دندان، دنده، گاز	دیان - دان - ددان	توس (توت)	tooth <i>n</i>
	دنان - ددانه، دهنده‌ی ماشین		
دندان درد	دیان ئیشه - دان گل	توت‌ایک	toothache <i>n</i>
مسواک	دیان شوۆر - مسواک	توت‌براش، برش	toothbrush <i>n</i>
خمیر دندان	خه‌میر دیان - هه‌ویری	توت‌پیست	toothpaste <i>n</i>
	شوۆردنی ددان		

ua      p      b      t      d      k      g      tf      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نوک، قله، سر - سر، بالا، فوق	نووک - ئاسۆ - توپه، ده‌ر	تاپ	top <sup>1</sup> <i>n</i>
فرفره، کلاهک بخاری	(گروڤه) لپووته سه‌ریان		
بلندترین، بالاترین	به‌رزترین - بان ته‌رین	تاپ	top <sup>2</sup> <i>adj</i>
فرفره (نوع اسباب بازی)	خلۆ ته - جوړه ئه سپاوێ	تاپ	top <sup>3</sup> <i>n</i>
اوج، سرپوش بَطری	بوکا به (بازی) خول خۆر		
موضوع مورد بحث / نوشته	عنوان - مه‌وزووع	تاپیک	topic <i>n</i>
مقوله، عنوان	مه‌تله‌و، نوسراوه		
لرزیدن و پایین افتادن	له‌رزین و که‌وته خوار	تاپل	topple <i>v</i>
فرو افتادن	ئه‌وه‌دار یای		
چراغ قوه، مشعل	چرا قوه مه‌شعه له‌جۆش	تتوچ	torch <i>n</i>
مشعل جوشکاری	چلو سکه‌دراندن - دِریه‌ی		tore <i>see</i> tear
گردباد شدید	گه‌رده‌لول - خوله‌با	تُریندو	tornado <i>n</i>
اژدر (غرق‌کننده کشتی)	با پیچه، تو فی ده‌ریایی ئه‌ژده‌ر - که‌شتی غه‌رق که‌ر	تُرپدو	torpedo <i>n</i>
سیل، طغیان، تنداب	که‌شتی ئاگر یاران که‌ر له‌ده‌لیا هه‌ره‌سه‌سه‌یل - لافاو	تُرنت	torrent <i>n</i>
سیل، آسا، تندابی	سه‌یل ئاسا هه‌ره‌س وار	تُرئیل	torrential <i>adj</i>
سنگ پشت، لای پشت	کیسه‌ل - کیسه‌لی	تُرئس (تیس)	tortoise <i>n</i>
سخت‌گیر کردن / دادن	زه‌جر دان (دای) لیدان شکه‌نجه‌دای، گازو تاوه‌دای - ئه‌شکه‌نجه‌دان	تُرچر	torture <i>v</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زجر، شکنجه، عذاب	زه جر - شه نجه	تُرچِر	torture <sup>n</sup>
رنج	گاز و تاوه، ره نچ دان		
انداختن، جنباندن، تکان دادن	خستن - جمنای - جواندن	تُس-تاس	toss <sup>v</sup>
غلت زدن	فره دان - تل دای، راوه شانندن		
جمع، مجموع، جمع زدن	گشت - گرد و گرد - تیکرا	تِل (توتال)	total <sup>1 n</sup>
	به یه که وه - جه م، هه موان		
کامل، مطلق، تمام	کامل - ته و او - ته مام	توتال	total <sup>2 adj</sup>
مطلقاً، به طور کامل، به کلی	یه کسه ره - یه کسه ر	توتالی	totally <sup>adv</sup>
	به ته وای، به یه کجاری		
لمس کردن، دست مالیدن به	ته قیای - هور ته ق، ته قین به	تاچ	touch <sup>1 v</sup>
تماس پیدا کردن	تووش هاتن - ده س لیدان		
لمس - بقوه لامسه، تماس	ده س پودهری - بئوژه - توژی	تاچ	touch <sup>2 n</sup>
رابطه، اندکی	ده س لیذهری - هیژی وریایی و ناسینه وه		
سفت، سخت - قوی و شجاع	ره ق سه خت - جیر، محکم	تاف-تُف	tough <sup>adj</sup>
پُر طاقت، کله شق	سه بوور پته و، ته و قه به شه ر		
تور، سفر، گردش، گنگشت	توور - سه فهر	توور-تتور	tour <sup>1 n</sup>
مسافرت کوتاه	سه یران، گول گه شت		
سفر کردن، تور رفتن	سه فهر کردن - سیران	تتور-توور	tour <sup>2 v</sup>
	کردن (که رده ی)		
سیاح، تور یست، جهانگرد	توور یست - سه یران که ر	تُر یست	tourist <sup>n</sup>
گردشگر	دنیا گیل - جه هان گهر		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باطناب / زنجیر کشیدن	بوکسل کردن - کیشان	توو	tow v
بکسل کردن، یدک کشیدن	به ته ناف یازنجیر-کیش کرده ی		
فر جهت، به سوی، به سمت	به رهو - رووهو - به لای	توردز	towards prep
به، مقابل، نزدیک به	روویه، به باری کا		
حواله دست و صورت	ههوله - وشکو کهر	تول-تاؤل	towel n
	حهوله ی روو		
بورج و بارو	بورج - برج - قه لا	تاوړ	tower n
شهر، شهرک، مرکز شهر	شار-ته ودانی-شاره ک	تون	town n
تالار شهرداری، ساختمان	عماره تی کو ره کان له شار،	تون هل	town hall n
شهرداری	جه مخانه وشاری، خانووی		
	جه م بوونی مهردم له شار		
اسباب بازی، بازیچه	ئه سپا و بازی - ئه سبا بو	تتوی	toy n
وسیله سرگرمی	زه وروان-چیوی قولی یاجتی منالانه		
ردپا، اثر، نشانه	یاگه پا - جی پی	تریس	trace <sup>1</sup> n
جای چرخ	نیشان - شوین		
گهی گرفتن / کردن	وینه گرتن - کوپی کردن	تریس	trace <sup>2</sup> v
دنبال کردن، بردیابی کردن	شیوه گره تی، شوینا چون		
جاده سنگلاخی - پیست	جاده ی به ردین-جاده ی	تۆک	track <sup>1</sup> n
مسابقات	توه نین - شو نه - جاده		
ردپای حیوانی را دنبال کردن	له شوین چتی روین	تۆک	track <sup>2</sup> v
پیگیری کردن	شون هور که رده ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ʌ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تراکتور	تراکتۆر - ماشین بۆ	تَرَکْتِر	tractor <i>n</i>
	کیشان و کشت و کال		
داد و ستد - تجارت - کار	تجارت سه‌ند و فروشت	تَرِید	trade <sup>1</sup> <i>n</i>
(همراه با تخصص) معامله	کار - پیشه - کاسبی		
تجارت / معامله کردن	معامله کردن - تجارت	تَرِید	trade <sup>2</sup> <i>v</i>
خرید و فروش کردن	که‌رده‌ی - کاسبی که‌رده‌ی		
تاجر، بازرگان، سوداگر	تاجر - بازرگان	تَرِیدِر	trader <i>n</i>
کاسب، سوداگر	کاسب - بارورهش	تَرِیدِس‌مِین	tradesman <i>n</i>
	چت فروش		
سنت، آداب و رسوم، عَرَف	دهب‌ده ستور و پره‌سم	تَرِدِشِین	tradition <i>n</i>
عادات و رسم	باوهری گهل و هۆز		
شتی، عَرَفی	ئه‌جدادی - ره‌گه‌زی	تَرِدِشِنال	traditional <i>adj</i>
	قه‌دیمی و ره‌سم و باو		
تردد، ترافیک، رفت و آمد	هاتو چوو - ئامه و لوا	تَرافِیک	traffic <i>n</i>
چراغ راهنمایی، چراغ قهرمز	چراوه و رانموونی	تَرافِیک لایتس	traffic lights <i>n</i>
	چرای ریشموونی		
تراژیدی - نمایشنامه	وه‌ینام - نمایشنامه‌ی	تَرایزیدی (جیدی)	tragedy <i>n</i>
واقعی / جدی، فاجعه	هه‌ره‌قه‌تی - مسیبه‌ت		
غم‌انگیز، مصیبت‌بار، جانسوز	نالە بار - غه‌مگین	تَرایجِیک	tragic <i>adj</i>
دل‌خراش	پرله غه‌م - باروخه‌مان		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور مصیبت‌بار و دلخراش	به جوّری خه فهت بار	تراجیکالی	tragically <i>adv</i>
ردنشانه؛ اثر بر دها براه باریک	به دَل می‌ریای و ناله بار گاوه سن - خهت - جیگه پی	تربیل	trail <i>n</i>
جاده سنگلاخی	نیشان کرد شوته، ریگا		
کاروان، تریلر، خانه متحرک	کاروان - تره یلی	تریلر	trailer <i>n</i>
ترن، قطار - رشته	گیای دیواری قه تاری ریگه ی ئاسن	ترپن	train <sup>1</sup> <i>n</i>
ردیف، صف	قه تاری ئنسان یا		
تربیت‌کردن، تمرین‌دادن، تعلیم	جانه‌وه ر - رز - رشته ته‌علیم دای (دان)	ترپن	train <sup>2</sup> <i>v</i>
دادن؛ آماده‌کردن (خود/دیگری، ...)	به خێو کردن - په نه یا نوای		
تربیت، تمرین، پرورش	ته‌ریهت - په‌روه‌ده کردن	ترپینگ	training <i>n</i>
آموزش - کارآموزی	فرو کوش، فیر کردی		
خائن، خائن به میهن	خاین - دژ به نیشتمان	ترپیر	traitor <i>n</i>
وطن‌فروش، خیانت‌کار	وولات - جاش - خیانهت‌کار		
اولر، بی‌خانمان و لگرد	چۆره کی - ده‌رگیل	ترمب	tramp <i>n</i>
خانه‌بدوش، قلندر	ئاواره - بی‌سه‌رو شوین		
لگد / لگدمال کردن	گه‌رال، ده‌له‌چه، خویری شیلا ی - تلیپا که‌رده ی	ترمیل	trample <i>v</i>
پایمال کردن	ژیری خستن شیلا ندن، تلی قاندن		

ua	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انتقال دادن، جابجاشدن	په نه دای - پیدان - واگوزار	تَرَسفِر	transfer <sup>1</sup> v
منتقل شدن	که رده ی - سپاردن به، بردن		
واگذاری، انتقال، جابجایی	سپارد - واگوزار کرد	تَرَسفِر	transfer <sup>2</sup> n
حواله	په نه دای - پیدان - جی به جی		
مسخ کردن، تغییر شکل دادن	خوگۆرین، واریای	تَرَسفۆرم	transform v
رادبوی کوچک، ترانزیستور	رادبۆی بچوو ک - رادیوی	تَرَن زِیسْتِر	transistor v
	وردی		
فعل متعدی یا مفعول دار	فعل متعدی - فرمانی	تَرَن سِ تِیو	transitive n, adj
	مفعول دار		
ترجمه کردن، برگرداندن	هۆر گِیلانی - وه رگِیارن	توان س لیت	translate v
تبدیل کردن	هه لگه راندن		
ترجمه، ترجمان	وه رگِیار - هۆر گِیلا	تَرَسلیشِن	translation n
	هۆر گِیلناو، وه رگِیارن		
شفاف، واضح	روشن - زه رال - پرووناک	تَرَن سِ پِرِنْت	transparent adj
حمل و نقل کردن	ئه وورد و به رده ی - برد و	تَرانسپۆرت	transport <sup>1</sup> v
	گواست کردن - بردن و هاوردن		
تواوری کردن	ئه وورد و به رده ر دو گواست	تَرانسپۆرت	transport <sup>2</sup> n
حمل و نقل، حمل و ترابری	داو - ته لئ - دامه	تَرَب	trap <sup>1</sup> n
تله، دام، خفقه، ترفند	ته پله کی - به ره ره ت		
گیرانداختن، به تله انداختن	به ته له و سه ی - به دام	تَرَب	trap <sup>2</sup> v
به دام افتادن	خستن - گیر خستن - رابِرین		
	سه فەر کردن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سفر کردن، بیمودن، گشتن	ریگا بڕین، سه‌فه‌ر کردن	تراول	travel <i>v</i>
مسافر، توریست، هئهمورد	سه‌فه‌ری - دنیا گیل	تراولر	traveller <i>n</i>
قایق / کشتی ماهیگیری	جیهان‌گه‌ر ئاوگه‌ری ماهیگیرتن	تراولر	trawler <i>n</i>
	کشتی ماساوگرته‌ی جۆری قایق		
سینی (چوبی، فلزی، ... ) دوری	سینی سه‌وه‌ته، ده‌وری	تری	tray <i>n</i>
لگد کردن، پا گذاشتن روی	پاپۆره‌ نیای - شیلای تلیقانندن - بی‌پیانان	ترد	tread <i>v</i>
	تلیپا که‌رده‌ی		
خیانت به پادشاه، ...	خیانته‌ به‌ نیشتمان ووه‌ لآت	تریژن	treason <i>n</i>
خیانت - به‌وطن	خۆفروش‌ سو‌ی و ره‌ش پسه‌ جاشیگه‌ری		
گنج، گنجینه، خزانه	گه‌نج - خه‌زانه	تریژر	treasure <i>n</i>
پُربها - ده‌فینه	تلاوگه‌ و هه‌ر، ئالتون		
خزانه‌داری، صندوق دولت	خه‌زانه‌داری - پاسی	تریژری	treasury <i>n</i>
خزانه	گه‌نج‌گه‌نج‌بانی، هه‌ماری مالیات		
مهمانی، سور - لذت‌حظ	جه‌ژنه‌ وه‌شی میمانی	تریبت	treat <sup>1</sup> <i>n</i>
کیف	سه‌یران و خو‌شی		
رفتار / درمان کردن	ره‌فتار که‌رده‌ی چه‌نی ...	تریبت	treat <sup>2</sup> <i>v</i>
عمل کردن	ده‌رمان کردن، چاود‌یری		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رفتار، معالجه، طرز برخورد	ره‌فتار - ته‌بیعت - یۆ	ترییت مِنت	treatment <i>n</i>
درمان	ده‌رمان - خوڤه‌رمان - عه‌لاج کردن		
پیمان، معاهده، عهدنامه	په‌یمان - قه‌وڵ - پَریار	ترییتی	treaty <i>n</i>
قرارداد	قه‌رار و په‌یمان		
درخت، دار	دار - دره‌خت	تری	tree <i>n</i>
تکان خوردن، لرزیدن	ئه‌وه‌شه‌کیای - له‌رزین	ترِمِبِل	tremble <i>v</i>
	له‌ریای - پشکان		
خیلی بزرگ، عظیم - عالی،	فره‌گه‌وره - یه‌کجار	تریمنِیس	tremendous <i>adj</i>
شگفت‌انگیز، جاثانه	زل - ترس‌دار - زاله‌به‌رزورگرنگ		
به‌طور شگفت‌انگیز	به‌نا‌با‌وه‌ری - به‌عه‌جه‌یواتی	تریمنِیسی	tremendously <i>adv</i>
گودال باریک عمیق حفر شده	درناله، چالی - چال	ترِنج	trench <i>n</i>
درزمین - گودال - چال	تریشکه، کیه‌وگۆله		
تجاوز کردن، بی‌اجازه	زۆرملی که‌رده‌ی	ترِس‌پس	trespass <i>v</i>
داخل شدن - تخلف کردن	گویی نه‌دان، قانون شکینی		
متجاوز، متخلف	زۆرمِل - نه‌ژنه‌وا	ترِس‌پِسر	trespasser <i>n</i>
	ناهق‌که‌ر، هوَرمِل		
بازپرسی - تست، آزمون	تاقی که‌رده‌وه‌گۆمه‌خورد	تراپال	trial <i>n</i>
آزمایش - هوارت	لِپِرسینه‌وه - محاکِیمه	تراپِل	
مثلث، سه‌گوشه، سه‌ضلعی	سێ گۆشه - یه‌ره‌سووچ	تراپِل	triangle <i>n</i>
	سێ په‌ل		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مثلثی شکل، مثلثی سه گوش	یه‌ره سووچی سێ گۆشه	ترای انگیولر	triangular <i>adj</i>
طایفه، قبیله، قوم، ایل	هۆز - تایفه - گهل	تزیب تریاب	tribe <i>n</i>
عشیره	خیل - عیل - قه‌وم		
ایلی، طایفه‌ای، قبیله‌ای	عیلی - تایفه‌یی	تزیبیل	tribal <i>adj</i>
عشایری	هۆزی، خیلی		
شعبه قرعی رودخانه	له‌قی رووبار - باجده‌ر	تری بیوتیری	tributary <i>n</i>
شاخابه	شاخه و روخانه‌ی		
ستایش - پیشکشی، پول‌زور	سه‌ره‌په‌ی - سه‌ره‌په‌ی	تری بیوت	tribute <i>n</i>
خراج، باج	نامنا - پێ به‌خش		
کلک - شیطنت، شوخی	باجه - باج، پولی باج		
حیله، ترفند	زۆلی فیل هه‌تیمچه‌گه‌ری	تربیک	trick <sup>1</sup> <i>n</i>
خفه‌زدن، کلک‌زدن	نادروس - گۆل		
گوشبیری کردن	خله‌تاندن - ناپیاگی کردن	تربیک	trick <sup>2</sup> <i>v</i>
قطره قطره جاری شدن	فهریودان - گۆل‌دای		
چکیدن، نشت کردن	تک‌تک‌رژیان - تکه‌تک‌نامه‌ی	تری‌کل	trickle <i>v</i>
جریان‌چکه‌چکه، جریان‌کم	تکه‌تکه‌رده‌ی - تکیان‌وده‌لاندن		
سه‌چرخه	تکه‌تک - تکه - دلۆپ	تری‌کل	trickle <i>n</i>
	رژانه‌وه - قه‌تره‌قه‌تره‌هاتن		
	سێ ته‌که‌ره - یه‌ره‌ئه‌راده	تری‌سیکل	tricycle <i>n</i>
	سێ چه‌رخه		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوشش کردن	کۆشش و ته قالا کردن	تراید	tried see try
ماشه (تفنگ)	ههۆل دان ماشه و تفهنگی	تری‌گر	trigger n
پیراستگی - آراستگی	ماشه‌ی تفهنگ پۆشته - ته داره‌ک و رازنه وه	ترایم	trim n, adj
تزیین	ته میس - رازانه وه‌ش دوخت		
مسافرت کوتاه، گردش، سفر	گیله‌ی سه‌یران - سه‌فه‌ر	تریب	trip <sup>1</sup> n
سکندری خوردن - بسر	دیدار و گه‌ران خه تا کردن - شه وه دار یای	تریب	trip <sup>2</sup> v-n
افتادن، بایکوبی کردن	به هه‌له‌چوون که وتن - هه‌له - خه تا		
فتح - جشن پیروزی، ظفر	سه‌رکه‌وت - پیروزی	ترای‌لف	triumph n
پا گذاشتن بر - پایمال کردن	به‌رته‌ومه - شادی تلنای - تلاندن	تراد	trod see tread v
له کردن - لگد کردن	ژیری خستن تلیقنای - له‌قه‌شیل	ترد	trodden see tread v
ترامول، اتوبوس برقی	که‌رده‌ی - شیلاندن تتوبوس به‌رقی	ترالی	trolley n
قشون، لرتش، سربازان	گه‌ل - پهل - به‌ی	تروپ	troop n
دسته - گروه	گرو - سه‌روازی - له‌شکر		
جایزه (مسابقه / بازی)	تالانی جه‌نگ - خه‌لات	تروفی	trophy n
نشان پیروزی	جایزه، نیشانی سه‌رکه‌وتن		

ua      p      b      t      d      k      g      t/      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مناطق گرمسیری	وه لاتی گه رمه سیر - گه رمیان	تروپیکس	tropics <i>n</i>
مدار - استوایی	مه دار (پانی جوغرافیایی)		
گرمسیری - داغ، هازه	گه رمیانی - گه رمه سیری - گه رم	تروپیکال	tropical <i>adj</i>
یورتمه رفتن، ریز دویدن	غار کردن - چوارنال لوای	ترات	trot <i>v</i>
یورتمه، چهارنعل روی	چوارنال - غار - غاری به تاو	ترات	trot <i>n</i>
آزردگی، آشفتگی، درد	گرفتاری - ناره حهت	ترابل	trouble <sup>1</sup> <i>n</i>
بدببیری - نگرانی	دهر دیسه ر، دلّه شوره		
آزوده ساختن / کردن	غه مگین کهرده ی	ترابل	trouble <sup>2</sup> <i>v</i>
ناراحت کردن	پوره کولیای - زه حمهت دان		
آخور، آبشخور	قمه وحه یوانی - تاو خورگا	تْرُف (تراف)	trough <i>n</i>
شلوار	پانتۆل - شه وال	تروزرز	trousers <i>n.pl</i>
	پاوه ری - پاتۆلی		
بیلچه (باغبانی)، مالی بنایی	بیلچه - ماله - گیواو	تروال	trowel <i>n</i>
	هورکیش		
طفل گریز یا از مدرسه	زه ورووی مه دره سه رهم	تروانت	truant <i>n</i>
وظیفه شناس	منالی راکهرله مه دره سه		
واگن - کامیون، بارکش	ماشینی باری - جیّ باری قه تار	تراک	truck <i>n</i>
درست، صحیح، راست، اصل	راسته قینه - پاس	تروو	true <i>adj</i>
واقعی، حقیقی	خودایی - هه ره قه تی، عه سلّ		
به راستی، در واقع، واقعا	له حه قیقهت بجه راستی	تروولی	truly <i>adv</i>



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ترومپت (نوعی ساز بادی)	جوڤی ساز - جوڤیو	ترامپیت	trumpet <i>n</i>
کُرنا - شپیور	شه پیوری وادهم سازی، باده مین		
تنه درخت / آدم - چمدان	ته موه دره خت - کوته	ترانک	trunk <i>n</i>
خرطوم فیل، صندوق	چه مه دان - یه غدان		
مایوی شنا	تونکی - حیا پوش، ته موه	ترانکس	trunks <i>n</i>
	تونکه ی مه له کردن، ناو قه دی دار		
اعتماد داشتن / کردن، توکل کردن	باور کرن به ورپه نه بیهی	تراست	trust <sup>1</sup> <i>v</i>
معمد، امین، راز دار	جیی باوهر - یاگه به ور	تراست ورتی	trustworthy <i>adj</i>
اعتماد، اطمینان، توکل	به ورپا ورتنه قیده	تراست	trust <sup>2</sup> <i>n</i>
راستی، حقیقت، صداقت	راستی - راسی - هه ق	ترووت	truth <i>n</i>
صادق، راستگو، صدیق	راست و پشاساق - دروست	ترو و فوول	truthful <i>adj</i>
سعی کردن - آزمودن	هه وُل دان - کوشش که رده ی	ترای	try <sup>1</sup> <i>v</i>
	تاقی کردن - حه ول دای		
تلاش کردن - محاکمه کردن	هه وُل - کوشش - حول	ترای	try <sup>2</sup> <i>n</i>
تلاش، سعی، کوشش، تکاپو	ته قالا، پله قازی		
	کاسه من - لانه جینه، له گان	تاب	tub <i>n</i>
تشت (چوبی / فلزی) - وان	ته شتی چوین (چیوی) وان		
لگن، تغار	لویلی لویوله - لاستیکی	تیووب	tube <i>n</i>
لوله - تیوب - مترو	ناسکی ته که ری ماشین - مترو		
استوانه - خرخره - نای	قوُل هور دای - دلئی نیای	تاک	tuck <i>v</i>
تو کردن / زدن - جمع کردن	(له ناو نیان) - جه م کردن، دولا کردن (قوُل)		
بالا زدن، چین دوختن			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سه‌شنبه	سێ شەمه - یەره شەمه	تیووژدی	Tuesday <i>n</i>
انبوهی، پریشتی (هو، علف...)	پۆر-پۆر-پەر (ریش گیّا)	تافت	tuft <i>n</i>
کاڤل فر مرغ‌دسته	خه‌رمانه، فکۆل، کلاوی کەرگی		
محکم / سخت کشیدن	به‌تق و جگر کشای به‌زور	تاگی	tug <sup>1</sup> <i>v</i> (bat)
کشش ناگهانی - کوشش، تقلا	کێشان - ته‌قالا کاه‌رده‌ی	تاگی	tug <sup>2</sup> <i>n</i>
یدک‌کش، کشتی یدک‌کش	ئه‌زله‌قه‌ناوامه‌ کێشای		
	کەشتی یاری ده‌ریه‌ده‌ کدار	تاگی	tug <sup>3</sup> <i>or</i> tugboat <i>n</i>
به‌ناگاه‌افتادن، پُشتک‌زدن	ئاوگه‌ری یارمه‌تی		
غلت و معلق زدن	گلیرای - خزای - که‌وتن له	تامبل	tumble <i>v</i>
استکان، لیوان، معلق‌زن	ناکا - ناوامه‌ گنای - پات‌روزیای		
پُشتک‌زن، اکروبات	پیاله - ئاوخوری	تامبلر	tumbler <i>n</i>
لحن، مقام (در موسیقی)	لیوان، سه‌ملوقواتبه‌ر		
کوک‌کردن (آلت موسیقی)	مقام - به‌زم - ئاهه‌نگ	تیوون	tune <sup>1</sup> <i>n</i>
تنظیم و رکلاژ کردن	کوک‌ک‌رده‌ی - کوک‌کردنی له	تیوون	tune <sup>2</sup> <i>v</i>
نقب، تونل، راه‌رو	موسیقاً - ته‌نزیم کردن		
تونل‌کندن / زدن	نکم - کیه - کیه‌ره	تانیل	tunnel <sup>1</sup> <i>n</i>
عمامه، دستار، نگاره‌زانه	چارۆله، کونه‌ژیره‌وی		
	کیه‌ره‌که‌نه‌ی - نکم‌لیدان	تانیل	tunnel <sup>2</sup> <i>v</i>
	تونه‌یل لیدان		
	کلاره‌سمال - پیچه‌ی سه‌رفیس‌ترین		turban <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بو قلمون، کشور ترکیه	به قلمه مو ته - بو قله	تِرکی	turkey <sup>n</sup>
چرخیدن، چرخاندن - پیچیدن،	وه لا تو ترکیه ی (تورکیا)		
عوض کردن، تغییر دادن	چه رخاندن - پیچ دای	تِرِن	turn <sup>1</sup> <sub>v</sub>
(جهت / موقعیت) بالغ شدن	قه مچیای هه لگه ریان و پلیان		
چرخش، گردش - تغییر مسیر	خولدان واری - لا دای (دان) له ری		
/ جهت، پیچ - نوبت، فرصت	چه رخان - قه مچ - پیچ، کار	تِرِن	turn <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شوگ، دوره، طرز	هه له وگه ره و رگیل - خول، نوگه		
پیچ، دوراهی جاده	بار - لا - نوگه - سوور، ته کان بیادان		
محل انحراف راه	پیچ له جاده دو ورینه	تِرِنینگ	turning <sub>n</sub>
لاک پشت (آبی)	دووه رای جاده ی، قه مچ و بیادان		
دندان، عاج (فیل، گراز، ...)	کیسه ل ناوی - کیسه لی ناویه	تِرِنل	turtle <sub>n</sub>
دندان دراز	شفره و خو وگی - ددانی	تاسک	tusk <sub>n</sub>
معلم خصوصی (فرد)	به راز - عاجه فیل		
کلاس کوچک (معلم خانه)	له له و دایان - سه پرس	تیوتِر	tutor <sup>1</sup> <sub>n</sub>
تدریس (خصوصی) کردن	فیر که ری تایوه تی - قه یوم		
معلمی کردن	ده رز دای تایوه تی	تیوتِر	tutor <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	ده رسی تاییه تی دان له مال		T.V. see television
موچین رو	دایانی بو کردن		
	مو وکهن - مو وکیش	توییزرز	tweezers <sub>npl</sub>
	مو وچن		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عدد ١٢	دوازده - دوازده	تولو	twelve <i>n,adj</i>
دوازدهم، دوازدهمین، $\frac{1}{12}$	دوازدهمین - دوازدهم	تولفس (ت)	twelfth <i>n,adj</i>
عدد ٢٠	ژماره ی بیست - شماره ی بی سی	توتنی	twenty <i>n,adj (pl-iies)</i>
بیستم، بیستمین	بیستم - بیسوم	توتنی س (ت)	twentieth <i>n,adj</i>
دوبار، دوفعه، دو برابر	دووجاران - دوی	توآیس	twice <i>adv</i>
شاخه کوچک، ترکه، خس	کهره تی - دووجار، دوبه رانبه ر ته رک - شیکه - چل	تویک	twig <i>n</i>
دوقلو، جفت، دوتایی	توولّه، چلی دار دوانی - دوانه	توین	twin <i>n</i>
سوسو زدن، چشمک زدن	جووت - جفت زیوه زریو کردن - برووکیای	توین کل	twinkle <i>v</i>
درخشیدن، برق زدن	وریجه وریج کهرده ی، درو شان		
نابیدن / تاباندن (نخ، مو،...)	ریسین - ريسان، پیچان	تویست	twist <sup>1</sup> <i>v</i>
کج کردن، به خود پیچیدن	ریسای ببادان، لار کردن		
تاب، پیچ - چرخش، پیچش	بادان - ریسه - پیچ دا	تویست	twist <sup>2</sup> <i>n</i>
خم، دستکاری و تحریف	خولنا، قه مچ و پیچ		
بی اختیار تکان دادن، اجزاء بدن	له رزوک بیه ی له ش له قینه بون	تویج	twitch <i>v-n</i>
لرزش داشتن بدن	ته ز نامه ی له رزین - ئالای غفرینی له ش		
	خول له قه قه فره کهرده ی		
تیک-عصبی، تشنج، تکان	له رزوک - ته ز له رزه نوک	تویج	twitch <i>n</i>

داچله ک - گلموچه - جه موبوون

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
عدد ٢	ژماره‌ی دو و شماره‌و دو‌ی	توو	two <i>n, adj</i>
نوع، تیپ، نمونه، جور	جۆر - نوع - شیواز	تایپ (تیپ)	type <sup>1</sup> <i>n</i>
تیپیک، نوعی، ویژه، خاص	جۆری راسته قینه، نمونه	تیپیکال	typical <i>adj</i>
تایپ کردن / نمودن	نوێسته‌ی - نوسان	تایپ	type <sup>2</sup> <i>v</i>
نامگذاری و شناسایی کردن	ماشین کردن، ناویۆیان		
ماشین تحریر و نوشتن	ماشینی نووسین	تایپ‌رایتر	typewriter <i>n</i>
	ماشینو نویسه‌ی		
تایپست، ماشین نویس	ماشین نوس (نویس)	تایپست	typist <i>n</i>
توفان، تندباد در اقیانوسها	تۆف - وای سِر سِر	تای‌فون	typhoon <i>n</i>
	تۆفان - تون‌باله ده‌لیا کان		
شخص مستبد ستمگر	مروڤی زالم - پیای زالم	تایرنت	tyrant <i>n</i>
ظالم	ونابه کار - حاکمی زالم		
حکومت استبدادی، جور و ظلم	ده‌وله تی ئستبدادی	تیرنی	tyranny <i>n</i>
بیداد و درندگی	دلوه تی دژمه نو ئازادی		
	حکومته تی زالم، بی‌داد و جهور		
تایر، لاستیک چرخ	ته‌که‌ر - ئه‌راڤه - تایر	تایر	tyre=tire <i>n</i>
حلقه لاستیک	هه‌لقه لاستیک		
فبتدی - آدم‌ناشی، نوچه	کار نه‌زان، تازه‌کار، گونده‌و که‌گیر	تایرونو	tyro=tiro <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لقب پادشاهان روسیه	له قه بی شا کانی روس	سزار تزار	tzar = czar <i>n</i>
زخم عفونی حاصل از خنجر	زامی تیرو خه نجه رک له	تیراوی	tyrawe <i>n</i>
وتیزه‌ری که دراو و امانات	میژه وه، له هه و ر امان، ناوی		
در قدیم مرسوم بوده	تیراوی بو ه وه داروی عیلاجی،		
نام منطقه و یک ایل	که م بو ه چون تیره کان سه می بوون		tylakow <i>n</i>
سلحشور کُرد در بین سقز و	تيله کو ناوی ناوچ ییکه له ده	تی له کو	
دیواندازه با مرکزیت ایرانشاه	و روبه‌ری شاری سه قزوئیوی		
می‌بایست که عده‌ای در عهد	طایفه یه ک کوردی جاف له و مه		
سلجوقیان به اطراف یاسوج	لبه نده یه که له سه رده می ئاشوریه		
نقل مکان کرده‌اند و در عهد	کان تیل یا خا که تلایان له و ناوچه		
آشوریان خاک طلا در این	ده رهینا وه و ئه م وشه ئاشوریه		
منطقه استخراج میکرده‌اند که	یانی کیوی تلادار		

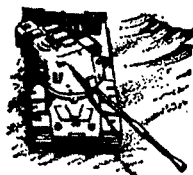
Tylakow

(تیلکو) یک کلمه آشوری

واز دویخش: تیل یعنی خاک طلا و

کو یعنی کوه تشکیل شده است

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



TANK



TEAPOT



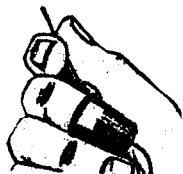
TIGER



TRUMPET



TELESCOPE



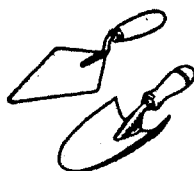
THIMBLE



TIARA



TURBAN



TROWELS



TORCHES



jockey

jug

# U u

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بیست و یکمین حرف الفبای انگلیسی	بیست و یه که مین پیتی ته لقا	یو	<b>U</b>
حاضر در همه جا	هه میشه حازر له هه رجی	یو بی کوی تس	<b>ubiquitous</b> <i>adj</i>
پستان گاو و غیره	گوانی حه یوان	آدر	<b>udder</b> <i>n</i>
زشتی، بن قیافه، کریه	ونتالی - قه لبی	آگلی نس	<b>ugliness</b> <i>b</i>
اُخ - آه	ناشیرین بی فهری، ئو	أ لاوخ	<b>ugh</b> <i>int</i>
زشت، کریه، زنده	خوین تال - و نتال	آگلی	<b>ugly</b> <i>adj</i>
قبیح	دیو ئاسا، بی فەر		
چتر	چه تر، چه تره	آم پر لا	<b>umbrella</b> <i>n</i>
داور مسابقه، میانجی، داوری کردن	سه رگه مه کایه بین سه ر حوکم	آم پایر	<b>umpire</b> <i>n</i>
ناتوان (در انجام کاری)	زایف - عاجز، نه زان کار	آن ایبل	<b>unable</b> <i>n</i>
هم رأی، به اتفاق آراء	هه م قسه هه م فکر حار نه زه ر	یو ئنی مز	<b>unanimous</b> <i>adj</i>
نامطمئن، مردد، نامعلوم	دو و شک - گمی - نامه علووم	آن بیرتن	<b>uncertain</b> <i>adj</i>
عمو، دایی، شوهر خاله / عمه	لالو - مامو - خالو	آن کل	<b>uncle</b> <i>n</i>
مام شوی پوور شو دیدی (مه تیه)			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناراحت، ناراحت‌کننده، معذب	ناره‌حه ت - خه‌م بار	آن‌کام‌فورتبل	<b>uncomfortable</b> <i>adj</i>
غیرعادی، کمیاب، نادر	نالە‌بار - نارێک، که‌م، نه‌وی	آن‌کومین (کابین)	<b>uncommon</b> <i>adj</i>
بی‌هوش - غافل، ناآگاه	بی‌هۆش - غافڵ، بی‌خه‌به‌ر	آن‌کون‌شیز	<b>unconscious</b> <i>adj</i>
کشف کردن / نمودن	په‌نه‌زانی - ده‌رکه‌وتن	آن‌کاوپر	<b>uncover</b> <i>v</i>
زیر، پایین، کم‌تراز، زیرین	چیر - ژیر - که‌م‌تر له، پایه‌ند	آن‌دیر	<b>under</b> <i>prep, adv</i>
پایین‌تر از زیر نظر	خوار تر - وار ته‌رجه		
تحمل کردن - تن‌دادن	تا‌قه‌ت به‌رده‌ی سه‌بر کردن	آن‌دیرگو	<b>undergo</b> <i>v</i>
دانشجوی دانشگاه - محصل	دان‌شجو - مه‌دره‌سه‌یی	آندیرگراوات	<b>undergraduate</b> <i>n</i>
زیرزمینی - زیرزمین، افراطی	ژیرزه‌وی - چیرزه‌مین	آندیرگروند	<b>underground</b> <sup>1</sup> <i>adj, adv</i>
مترو، قطار، زیرزمینی	ژیرف - مترو - قه‌تاری	آندیرگروند	<b>underground</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ژیرزه‌وینی		
زیربست، گیاهان زیردرختان	ژیررواو - چیرسه‌وزیه	آندیرگروت	<b>undergrowth</b> <i>n</i>
خط کشیدن زیرچیزی	هیل ژیرکیشان - خیت	آندیرلاین	<b>underline</b> <i>v</i>
تاکید کردن	چیرکیشای، مالوم کردن		
زیر - پایین، زیرین	ژیر - چیری، خواروار	آندیرنت	<b>underneath</b> <i>prep, adv</i>
دانستن، فهمیدن	زانی - قامین	آن‌دیرس‌تند	<b>understand</b> <i>v</i>
قلق چیزی را فهمیدن	حالی‌بیه‌ی - زانین		
فهم، درک، برداشت، شناخت	فام - شعور - ده‌رک	آن‌دیرس‌تندینگ	<b>understanding</b> <i>n</i>
تعهد کردن، پذیرفتن	به‌مل‌گرت‌ه‌ی - قه‌بوول کردن	آندیرتک	<b>undertake</b> <i>v</i>
زیرپوش، لباس زیر، زیرشلوار	چیرپوش - ژیرلیباس	آندیرور	<b>underwear</b> <i>n</i>
گه‌باز / شل کردن	لکو‌که‌رده‌ی - تلیش‌نای	آن‌دو	<b>undo</b> <i>v</i>
خشی و باطل کردن	شل کردن - راز کردن، له‌کار خستن		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مطمئناً، بدون شک	بێ شک - بێ زهن	آن دو تێدلی	undoubtedly <i>adv</i>
	بزانه - حتم بزانه		
لباس درآوردن / کندن	لیباس بهر نه وردە ی	آن دێس	undress <i>v</i>
لخت شدن	جل ده رهاوردن، رو تو بون		
دلواپس، نگران، بی آرام	په کهر - په شیو - خه مین	آن لزی	uneasy <i>adj</i>
بادلواپسی، بابی قراری	به په کهری به په شیوی	آن لزی	uneasily <i>adv</i>
بیکاری، بی مصرف	بێ کار - به ره لالا - به تال	آن ام بیلوید	unemployed <i>adj</i>
بیکاری، بی شغلی	بێ کاری - به تالی، وه یلانی	آن ام بیلویمت	unemployment <i>n</i>
ناهموار، نامسطح، ناصاف	قوژر، ناریک، ناساف	آن لون	uneven <i>adj</i>
غیرمنتظره، پیش بینی	نا باوهر - بێ باوهر	آن اکر پکتد	unexpected <i>adj</i>
نشده	ناوامه - له نا کاو		
به طور غیرمنتظره، به صورت	به نا به وری - بێ ئستزاری	آن اکر پکتدلی	unexpectedly <i>adv</i>
غیر مترقبه			
ناعادلانه، تبعیض آمیز	ناهق - ناعادلانه	آن فیر	unfair <i>adj</i>
شل کردن، باز کردن	واز کردن - شل کرده ی	آن فاین	unfasten <i>v</i>
	به ره دای - نه وه که ره دی		
لای چیزی را باز کردن	ده موڊر په ی - لای چتی	آن فولد	unfold <i>v</i>
پهن کردن و گستردن	واز کردن به رو سه یی داخستن		
نگونیمخت، بدشانس	بێ به خت - داماک	آن فور چنت	unfortunate <i>adj</i>
بداقبال	چاره سیاو، به دشانس		
بدبختانه، باکمال تأسف	به یی شانس ی - به داماک ی	آن فور چنتلی	unfortunately <i>adj</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غیر دوستانه، نامهربان	ناپیاوانه - دورو و جه	آن فرندلی	unfriendly <i>adj</i>
سرد - نچووش	ره فیقی، سهر د		
ناسپاس، سفله	ناسپاس - ناشوکر	آن گرت فول	ungrateful <i>adj</i>
غمگین، محزون، ناشاد	ناشاد - خه مین مه لول	آن هپی	unhappy <i>adj</i>
غیر بهداشتی، بزیانبخش	دورو و جه پاکی - ناته میس	آن هل سی	unhealthy <i>adj</i>
لباس فرم، یونیفورم، یکدست	جووړی لباس - لیباس سیوه	یونیفورم	uniform <i>n</i>
یکجور - هم شکل	ته یوه تی (یه کجور)، وه ک یه ک		
وحدت، اتحاد - اتحادیه	یه کیه تی - یوگری	یونین	union <i>n</i>
همبستگی - وصلت	یویی - پیکه وه		
یگانه، یکتا، تک	بی نه زیر - جیاواز	یونیک	unique <i>adj</i>
بی نظیر	به سی یه ک - ته نیا یو - تا قانه		
یکه - عدد، دانه، قسمت	یو - یه کی - ده سی - ده سی، به ش	یونیت	unit <i>n</i>
متحد کردن / شدن / ساختن	یه کی کردن - یو بیه ی	یونایت	unite <i>v</i>
به هم پیوستن، یکی شدن	یو که رده ی، یه ک گرتن		
عالم هستی، جهان، گیهان، گییتی	دو نیا - دنیا - جیهان	یونیورس	universe <i>n</i>
جهانی - همگانی، عمومی	دنیا بی گشتی، عالم گر	یونیورسال	universal <i>adj</i>
	تینووگردی - جیهانی		
دانشگاه، مدرسه عالی	دانزگا - دانشگا، زانکو	یونیورسیتی	university <i>n</i>
ناعادلانه، غیر منصفانه	ناهق - نادرووس	آن جاست	unjust <i>adj</i>
ناروا	بی عه دلی		
به طور غیر منصفانه و ناروا	به نادرووسی به ناهق	آن جاستلی	unjustly <i>adv</i>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
unkind <i>adj</i>	آن کایند	دل‌ره‌ش - نا‌کۆک، که‌م‌میل بی‌شه‌وق - بی‌لوتف	نامهربان، کم‌لطف، بی‌محبت
unknown <i>adj</i>	آن ناوَن (نۆن)	نه‌ژناس - نه‌ناس یا - نه‌ناس	ناشناس، ناشناخته، غریبه
unless	آن لیس	سامه‌گه‌ر - جگه‌نا نه‌یه ده‌یی - مه‌گه‌ر، بی‌جگه	اگر نه - مگر اینکه، جز آنکه جز
unlike <i>prep</i>	آن لایک	دژی - پێچوانه - غه‌یرو	برخلاف، غیر، نافشابه
unlikely <i>adj</i>	آن لایکلی	دوورله - جه‌باوه‌ری دوور	بعید، نامحتمل، باور نکردنی
unload <i>v</i>	آن لود	بارداگر تن‌بارنه‌ره‌گر ته‌ی	بار خالی کردن، خالی کردن
unlock <i>v</i>	آن لاک	قوْلَف ته‌وه‌که‌رده‌ی	(باکلید) باز کردن، گشودن
unlucky <i>adj</i>	آن لاک‌ی	قوْلَف وازکردن به‌کللی وازکردن به‌دیوَمَن - نامو‌باره‌ک	نحس، بدشانس، بدشانس
unnecessary <i>adj</i>	آن نی‌سیسیری	به‌دشانس - نه‌حس‌نگیبه‌ت به‌کارنامه‌یه‌که‌لک‌نه‌هات	غیر ضروری، نا‌لازم
unpack <i>v</i>	آن پَک	زه‌روورنه‌بون خالی کردن - خالی‌که‌رده‌ی	خالی کردن و باز کردن (چمدان)
unpleasant <i>adj</i>	آن پِلزنت	ناخوْش - ناشاد - خراو	ناخوشایند، زننده، ناگوار
unpleasantly <i>adv</i>	آن پِلزنتلی	به‌ناشادی - به‌خراوی به‌ناخوْشی	به‌طور ناخوشایند، به‌طور نامطبوع
unreasonable <i>adj</i>	آن ریزن‌لیل	نال‌ه‌بار، ناما‌قوْل، ناجوْر	نامعقول، زیاده
unreliable <i>adj</i>	آن رلی‌لیل	بی‌تَئمینان، جاوِره‌نه‌یه بی‌تَئمینان	نامطمئن، غیر قابل اطمینان

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناآمن، خطرناک، ناآرام	پرخه تەر - بێ ئەمنی	آن سی ف	unsafe <i>adj</i>
غیر رضایت بخش، بد	مه ترسی دار ناکوکی - ناره زایه تی	آن ساتیس فاکیری	unsatisfactory <i>adj</i>
ناباشی			
نمست، ناپایدار، بی ثبات	شل - فش - ناپته و	آن استدی	unsteady <i>adj</i>
به صورت ناپایدار	بێ مه زاج به ناپته وی - به فشی	آن استدیلی	unsteadily <i>adv</i>
نامناسب، ناجور، ناآشایست	به جار و بار ناجوړ ناشایس ناله بار	آن سویتیل	unsuitable <i>adj</i>
نامنظم، به هم ریخته، نامرتب	نارێک ششیو یا ششیو او	آن تایدی	untidy <i>adj</i>
به طور نامنظم / نامرتب	به شیوای - به شیرزی	آن تایدیلی	untidily <i>adv</i>
گرم... را باز کردن	لک نه وه که رده ی ملک واز	آن تای	untie <i>v</i>
حل و فصل کردن	کردن گری و از کردن، سامان دان		
تا، تا اینکه، تا وقتی که	تا - تا کوو	آن تیل	until or till <i>prep, conj</i>
نادرست، غیر واقعی، بی وفا	نادروس ناب به جانداروس	آن تروو	untrue <i>adj</i>
غیر عادی، فوق العاده	عه جه یو د وورجه نه قل	آن یوزول	unusual <i>adj</i>
به طور غیر عادی و عجیب	به جووری ناباوهر	آن یوزولی	unusually <i>adv</i>
مريض، بیمار، ناخوش، بیمارگونه	به عه جه ییاتی نه وه ش ناساق نه خوش	آن ول	unwell <i>adj</i>
بی میل، ناراضی، ناخواهان	بێ مه یلی - نارازی - ناره زا	آن ویلینگ	unwilling <i>adj</i>
با بی میلی و ناراضی	به بێ مه یلی، به دل نارازی	آن ویلینگلی	unwillingly <i>adv</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گره... را باز کردن	لک وازکردن-لک نه وه	آن ویند	unwind <sup>v</sup>
تمدّد اعصاب کردن	که رده ی-وازکردن، بواردن		
بی شعور - غیرعقلانه	بی ئه قل - بی شعور	آن وایز	unwise <sup>adj</sup>
	بی فکر		
بالا، از / به / در بالا، به / در	بان-جه به-جه سه ر	آپ	up <sup>adv, prep, adj</sup>
حالت ایستاده / برخاسته	له بیان		
مدرن جدید، تازه، به روز	تازه - نو - نو ی	آپ تودیت	up to date <sup>adj</sup>
برفلز (آسمان، ...) به بالا	رو به بان-رو به سه ر	آپ ورنز	upwards <sup>adv</sup>
سربالایی، به طرّفه	سه ره و ژور-سه ره و کوو	آپ هیل	uphill <sup>see hill adj</sup>
بر، به بروی، بالای، نزدیک	له رووی جانی-سه رجه	آپ آن (لیان)	upon <sup>prep</sup>
بالا، تر، فوقانی، بالایی، بلندتر	باننگ - سه ری - بانتر	آپر	upper <sup>adj</sup>
عمودی، راست، قائم، شریف	قنچ-راوه ستاو-کو له که	آپ رایت	upright <sup>adj</sup>
چپه کردن / نشدن، وارونه کردن	هو رده رده ی-هه ل دیران	آپ بیت	upset <sup>v</sup>
وارونه - به طور معکوس	هو رو گیلّا - ژیرویان	آپ ساید دوان	upside-down <sup>adj</sup>
زیرورو - آشفته	هه لو گه ریّا، شیواو		
طبقه بالا، بالای، بلکان	سه رخا ن-قاتی بان-سه ره وه	آپ استیز	upstairs <sup>see stairs adj</sup>
وادر به انجام کاری کردن	بیگاری گرت ی - به	ایرج (اج)	urge <sup>1 v</sup>
اصرار کردن	زو ربه کارکشیا ن، زور هیئا ن		
اشتیاق، شوق، اصرار، میل زیاد	شوق-مه یل، زورحه ز	ایرج	urge <sup>2 n</sup>
فوری، خیلی مهم، فشر	زوو - فره مهیم - زور	ایرجنتلی	urgent <sup>adj</sup>
	به که لک، سمج	ایرجنت	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:	
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صورت اورژانس	به فرره - به توندی	لارجنتلی	urgently <i>adv</i>
بافوریت	به په له - ئورژانسی		
مارا، به ما، خودمان	به ئیمه به هه مه - پیمه	أس	us <i>pron</i>
به کار بردن، مصرف کردن	به کار بردن به کار	یوز-یوس	use <sup>1</sup> <i>v</i>
استفاده کردن	به رده ی - که لک بردن		
کار کرده، کهنه، قراضه	کار کرده - به تال	یوزد	used <i>adj</i>
	کۆنه		
مصرف، استعمال، کاربرد	ئستفاده - فه یده	یوز	use <sup>2</sup> <i>n</i>
فایده، نیاز، سروال	که لک - به هره، نیاز		
مفید، سودمند، به درخور	باش - خاس - خه یردار، چاک	یوزفول	useful <i>adj</i>
به طور سودمند، به مفیدی	به خاصی - به باشی	یوزفولی	usefully <i>adv</i>
	به چاکی و عالی		
بی مصرف، بی فایده، بی اثر	بی سود بی فایده، بی عورزه	یوزلس	useless <i>adj</i>
به صورت بی مصرف، بی اثر	به بی سودی به بی که لکی	یوزلسلی	uselessly <i>adv</i>
آشنا با، معتاد به، مجبور به	عاده ت که رده - چه شته به	یوزدتو	used to <sup>1</sup> <i>adj</i>
عادت داشتن، مجبور بودن	عاده ت بیه ی - عاده ت	یوزدتو	used to <sup>2</sup> <i>v</i>
خوگرفتن	کردن (بوون) فیربون به		
مرسوم، معمول، عادی،	هه میشه بی حه ک جاران	یوزوال	usual <i>adj</i>
همیشگی	هه سم - عاده تی		
به طور معمول، معمولاً	به عاده ت - فره و	یوزوالی	usually <i>adv</i>
	جاران - هه میشه - دایم		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وسيله، ابزار (ضروری)	ده فر - چيۆ - شت	یوتنسل	utensil <i>n</i>
ظرف، ابزار آشپزخانه	ئامراز و ئه سپاو		
بیشترین، دورترین، حداکثر	فره ته رین - زۆرترین	آت موست	utmost <i>adj, n</i>
گفتن، صحبت کردن، ذکر کردن	وتن - قسه که رده یاس کردن	آتر	utter <sup>1</sup> <i>v</i>
کل، کامل، صرف، تام، سراسرا	ته مام - ته واو - کامیل	آتر	utter <sup>2</sup> <i>adj</i>
به طور کل، کاملاً، سراسرا	به ته مامی به ته واوی، هه مو	آتری	utterly <i>adv</i>
زبان کوچک - ملازه	زمانی چکۆله ی ناو قرو	یووویولی	uvula <i>n</i>
عیال پرست، زن دوست	مالو منال دۆس	اکسۆیس	uxorious <i>adj</i>
کشور ازبکستان	وه لاتی ئوزبه کستان	أزبکستان	uzbekistan
به آب بستن مزارع و باغ ها	ئاژین که رده ی، ئاودان	أژین	uzhin <i>v</i>





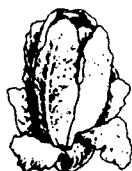
CARROTS



CAULIFLOWER



BRUSSELS SPROUTS



LETTUCE



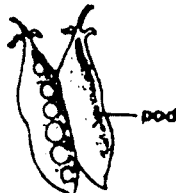
ONION



LEEK



CASSAVA



PEAS



YAM



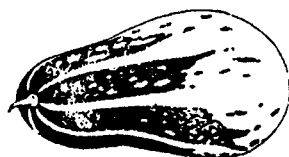
PLANTAIN



PAPRIKA



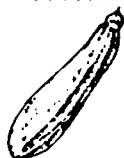
CUCUMBER



MARROW



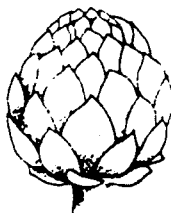
TOMATO



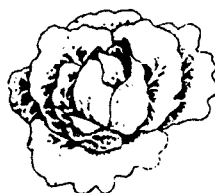
ZUCCHINI



CHICORY



GLOBEARTICHOKE



CABBAGE



EGGPLANT

V v

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>V</b>	وی	بیست و دو و مین پیتە و ئەلقای	بیست و دومین حرف الفبای انگلیسی
<b>va</b> <i>n</i>	وا	ناوی خودای باران لە هه و رaman	باد - وا - با
<b>vaw(vow)</b>	وناو-وئو	ناوی خودای دلدارى و	نام یکی از هفت یاراهوارمزد
<b>vacancy</b> <i>n</i>	وی کین سی	زە ماوە نە لە هه و رamanی کۆن و قو رو تبه - جیی خالی	و الهیز ناشویی دراورaman پست / مقام خالی
<b>vacation</b> <i>n</i>	وکشین	بیکاری، پوستی خالی ئیداره مه ره خه سی - ته حتیلی	اطاق خالی مرخصی، تعطیلی - استعفا
<b>vacuum</b> <i>n</i>	وکیوم	ده س کیشی - خه لاسی له کار	کناره گیری - فراغت
<b>vague</b> <i>adj</i>	ویگ	بی هوا - خالی له هه و المو شه ر نه ناسراو - نه ژناس	خا (فضای تهی از هوا)، مکنده میهم، گنگ، نامشخص
<b>vaguely</b> <i>adv</i>	ویگلی	نامه علووم و بینیا	سر بسته
<b>vain</b> <i>adj</i>	وین	به نامه علوومی به ناسراوی بی سرود - قوژ - به تال	به طور نامشخص و گنگ عبت، بیهوده - خود پسند
<b>vanity</b> <i>n</i>	وین تی	فیزن، پوچ قوژی - جه وی رازی قوتی، فیز وین تی	بی ثمر - پوچ خود پسندی، غرور - پوچی
<b>valley</b> <i>n</i>	ولی	ده ره شیو دۆل حوادی	دره، میان ته / کوه
<b>value</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	ولیو	قیمت - نرخ - نه رخه	ارزش، بها، قیمت، ثقل
<b>valuable</b> <i>adj</i>	ولیوایل	قیمه تی - عه نئیک به که لک	قیمتی، گران بها، ارجمند

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لوزش گذاشتن / دادن	قیمت په نه دای	وَلِیو	value <sup>2</sup> <sub>v</sub>
قدر دانستن	(که لک - نه رزش) دان		
وانت باری سربو شیده	باری - بار کیش ئالادار	وَن	van <sub>n</sub>
ناپدید شدن، محو گشتن	نقم بیه ی-ون بوون (گم)	وَنِش	vanish <sub>v</sub>
بخار، مه گاز - ذمه	مژ - ته مه - هه لم و گاز	واپتور (واپور)	vapour <sub>n</sub>
روغن جلا لعاب، بزاقی	بریقه دان - بریقه	وانیش	varnish <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	شهو ق - له عاو		
تغییر کردن / دادن	وارای - گورین	وَرِی	vary <sub>v</sub>
کم و زیاد کردن	جوړاو جوړ - گوریان		
واریته - تنوع - گوناگونی	جوړ به جوړ - نهوع	وَرِی-تی	variety <sub>n</sub>
گونه - جوړ - نوع	جوړ		
گوناگون، متفاوت، رنگارنگ	فهرق دار - جوړانجوړ	وَرِیس	various <sub>adj</sub>
گلدان، ظرف زینتی	ده فر - گولدان	واز	vase <sub>n</sub>
	یا گه گول		
خیلی بزرگ - وسیع، پهناور	وازیخ - یک جار پان	واست	vast <sub>adj</sub>
	وه رولاو، زور به رین		
سردابه، خزانه، تاق قوسی	تاق - گمه ز - وله	وَلت	vault <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	ژیرزه وی، سهر داو		
پرین، جستن، جهیدن	پرای - پهرین	وَلت	vault <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	باز به رده ی، قونین		
سبزی - نبات، گیاه	گیواو - سهو زی - گیاه	وَجِی-تیل	vegetable <sup>1</sup> <sub>n</sub>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گیاهی، نباتی	گیاهی سه‌وزای گیواوی	وَجِی تیل	vegetable <sup>2</sup> adj
وسیله نقلیه، خودرو	رابه‌ر - وی‌لوه‌ر	وی کل	vehicle <sup>n</sup>
	خو‌چوو - ریره‌و		
روبند، نقاب، مقنعه، پوشش	رووبه‌ند - روو‌پوش	ویل	veil <sup>1</sup> n
روبند زدن، نهان کردن	روو‌پوشان - پوژنای	ویل	veil <sup>2</sup> v
	روه‌پوشای، روبه‌نددان		
سیاهرگ، ورید بزرگ، خلق	سیاره‌گ - سیاوره‌گ	وین	vein <sup>n</sup>
مخمل، پارچه مخملی	مه‌غمه‌ل - مه‌خمه‌ل	ول‌ویت	velvet <sup>n</sup>
سایبان (خانه)، ایوان	هه‌یوان - ته‌یوان، بانجیله	وژن‌د	verandah <sup>n</sup>
	به‌رمالوده‌رک		
فعل	فه‌رمان، فی‌عله	وې	verb <sup>n</sup>
حکم‌برای، فتوی، داوری	نه‌زه‌رختوا، حوکمی دادگا	ودی‌کت	verdict <sup>n</sup>
کناره، لبه، مرز، استانه	قه‌راخ لیلویلج، ده‌ور	وچ	verge <sup>n</sup>
بیت - شعر، نظم - آیه	شیعر - هوئراوه - نه‌زم	وړس	verse <sup>n</sup>
مصراع	شیعری		
نسخه‌وگزارش - تفسیر، ترجمه	وه‌رگیراو - هو‌رگیلنای	وژن-وژن	version <sup>n</sup>
متن	باس - عه‌رزه و حال		
مقابل، علیه، برضد	جه‌وه‌رانوه‌ر - له	وړس	versus <sup>prep</sup>
در برابر	به‌رانبه‌ر - دژبه - زد		
عمودی، برآست، قائم‌عمود	قنچ - راوه‌ستاو	وتیکل	vertical <sup>adj</sup>
خط عمودی	ئه‌ره‌مندرا، قیت		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خیلی - بسیار	فره زۆر - بهر - خه یلی	وری	very <sup>1</sup> <i>adv</i>
همان، همین - درست همان	ئه موئه و - ئیدوئاد	وری	very <sup>2</sup> <i>adj</i>
	حه ساوی، ئه وه		
ظرف - کشتی، قایق	ده فر - که شتی - ئاوگیل	وزل	vessel <i>n</i>
رگ - ناو	ره گ		
زیرپوش، جلیقه	ژیرکراس - چیرگجی - سخمه	وست	vest <i>n</i>
دامپزشک، دامپزشکی	دامپزشک - دوکتوری ئاژه ل	ویتنری	veterinary <i>adj</i>
توسط (از راه)، سفر کردن (بردن) لیا	جه راو له ریی له لایان، له گه ل	وآی، وئی	via <i>prep</i>
ارتعاش / نوسان داشتن	ها تو و چوو کردن - جوولیا ی	وآی، بریت	vibrate <i>v</i>
ارتعاش، لوزه، لرزش	سه ر ووار - جووله جوول	وآی، برش	vibration <i>n</i>
	له رز - جم		
جانشین، کشیش محل، مطران	باتی - جی نشین - یاگه نشین، میتران	وی کر	vicar <i>n</i>
گناه عیب، نایب، بخشاء	گونا - عیب - تاوان	وآیس	vice <i>prep</i>
حومه، محاوره، نزدیکی، گردگیر	قه راخ - نزیک - ده ورو بهر	وی سی، نی تی	vicinity <i>n</i>
قربانی، گل خورده، مصدوم	فیدا - قربانی	ویکتیم	victim <i>n</i>
برنده، پیروز، پیروز ماندانه	پیروز - سه رکه و ته	ویکتریز	victorious <i>adj</i>
	به ر ئامه		
پیروزی (در بازی، جنگ)، فتح	سه رکه و ته به ر ئامه بهر د	ویکتری	victory <i>adj</i>
فیلم / دستگاه ویدئو، دیداری	ده زگای ویدیو، دیتنی	ویدئو	video <i>n</i>
چشم انداز، منظر، عقیده، نظریه	دیمه ن - نه زه - بیریوا وهر	ویو	view <i>n</i>
نیرومند، قوی، فعال، سرزنده	به هیژ - قوه ت - گوربز - وه کار	ویگرس	vigorous <i>adj</i>
بسیار ناخوشایند، بسیار بیفاسد	په ست - خرا - نابه کار - ناخوش	وایل	vile <i>adj</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
روستا، دهکده، ده‌قریه	ده‌گا-دی - گوند - لادی	وی لیج	village <i>n</i>
روستانشین، دهاتی	دی نشین - ده‌گایی	وی لیچر	villager <i>n</i>
نقش منفی، خبیث، آدم‌بد	په‌ست به‌دکار، نانه‌جیم‌جاش	وی‌لن	villain <i>n</i>
تاک‌باز، درخت‌مو، نرم‌ساقه	میوه‌دار، ده‌نگوور، دار‌تری	واین	vine <i>n</i>
سرکه و ترش‌آور	سرکه - ترشی‌هه‌نگوور	وی‌نی‌گر	vinegar <i>n</i>
شدید، سخت، سهمگین، خشن	سه‌خت - تن - سام‌دار	وایولنتوینلنت	violent <i>adj</i>
شدت، سختی، پرخاشگری	تونی سه‌ختی - زوردر	ویولنس	violence <i>n</i>
گل بنفشه - (رنگ بنفش)	گول‌وه‌نوشه‌به‌نوش‌ره‌نگ	وایولیت	violet <i>n</i>
ویولن (نوعی ساز زهی)	ویه‌لون - جوړه‌ی	ویولن	violin <i>n</i>
افی، مارافعی، آدم‌خائن	حەفوو - کوله‌کوړه	وای‌پر - آدر	viper or adder <i>n</i>
	ماره‌مرگ، جاش‌ونانه‌جیم		
حُسن، خوبی، تقوا، نجات	باشی - خاسی - وی	ویچوو	virtue <i>n</i>
	پاریزی - پاک‌ی، چاک‌ئه‌سه‌ر		
اشکار، مرئی، نمایان، پیدا	روون - دیاری - مه‌علووم	وی‌زی‌بل	visible <i>adj</i>
بینایی، دید، خیال، تصویر، رویا	بینایی - خه‌یال - دیمه‌ن	وی‌ژن	vision <i>n</i>
دیدن کردن / نمودن	عه‌یاده‌ت کردن - چه‌م	ویزیت	visit <sup>1</sup> <i>v</i>
بازدید کردن	په‌نه‌که‌وته‌ی - لالوای		
بازدید، ملاقات، دیدار	عه‌یاده‌ت - دیدار	وی‌زیت	visit <sup>2</sup> <i>n</i>
عیادت	هو‌رت‌ه‌ق - بینان		
بازدیدکننده، مهمان، ملاقات‌کننده	میوان - میمان - بینەر	وی‌زی‌تر	visitor <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بسیار مهم، لازم، زندگی، حیاتی	لازم، زهروورژیناوی، حیاتی	واي تل	<b>vital</b> <i>adj</i>
واضح، روشن، آشکار، سرزنده	وازیح، پروون، آشکارا، قوی	وی وید	<b>vivid</b> <i>adj</i>
داریه / گستره وازه‌ای شخص	ناوئاخنی وشه کان	وگب یولری	<b>vocabulary</b> <i>n</i>
فهرست - واژگان، فهرست	فهرستوکه لیمان		
لغات (کتاب) - واژه‌نامه	وشه وکه لیمه		
صوت، صدا، آواز، خواسته	صدا - ده‌نگ - گورانی	وئویس	<b>voice</b> <i>n</i>
کوه آتشفشان - آتشفشان	ئاگر باران - که‌شی	وال کینو	<b>volcano</b> <i>n</i>
	ئه‌یرین - ئاگر پزین		
والیبال - توپ والیبال	والیبال - توپی خستن	وئولی بال	<b>volleyball</b> <i>n</i>
	توپی ده‌س		
ولت (واحد اندازه‌گیری برق)	وولت - نه‌ندازه‌ی به‌رق (کاره‌با)	وولت	<b>volt</b> <i>n</i>
	ئایره و بیمه‌ری به‌رق یا به‌رق.		
حجم، گنجایش، اندازه، جلد	یاگی - جی - نه‌ندازه	والیوم	<b>volume</b> <i>n</i>
داوطلب - خواستار	وی‌نامه - ته‌له‌بکه‌ر	والین تیر	<b>volunteer</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	داواکەر - لی‌خواز		
اختیاری، آماتوری، اختیاری	وی‌رازی - ته‌له	والین تری	<b>voluntary</b> <i>adj</i>
	بکه‌ری لی‌خوازی و مایلی		
داوطلب شدن، محال بودن	داواخوازی بون‌گه‌ره‌ک‌بی‌ه	والین تیر	<b>volunteer</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
استفراغ / قی کردن	هوق‌که‌رده‌ی دل‌تیک‌چوون	وامیت	<b>vomit</b> <i>n</i>
رای دادن، نظر بیان کردن	ره‌ی دان‌نه‌زه‌ردان (دای)	وئوت‌وت	<b>vote</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
رای دهنده	ره‌ی ده‌ر - نه‌زه‌رده‌ر	وئوت‌وت‌ر	<b>voter</b> <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رای-تغرفمازاه	ره‌ی-نه‌زه‌نه‌زه‌ره، ئارا	وئوت	vote <sup>2</sup> n
تعهد کردن، نفر کردن	نَ‌زِر کردن - قه‌وَل دای	وئو(واو)	vow <sup>1</sup> v
تعهد، قول، پیمان، نفر	نَ‌زِر - په‌ی‌مان - قه‌وَل	وئو(واو)	vow <sup>2</sup> n
	شەرت‌لە‌گە‌ڵ‌پە‌زدان (واو‌خودا)		
حرف‌باصدا (I-a-e-o-u)	پیتی‌ده‌نگ‌دار-گۆ‌ی‌ز‌ره وئوول(واوِل)		vowel n
مسافرت (فریایی و هوایی) سفر	سە‌نە‌ری‌شاران‌گە‌ر-دە‌لیا‌گەر وئویج		voyage n
بی‌تربیت، زل-همگانی	بێ‌ئە‌دە‌ب-پە‌ست، حیز و خیز و‌ال‌گەر		vulgar adj
رویا‌ه‌صفت، حیلە‌گەر	رێ‌و‌ی‌مە‌زاج-پە‌سەر‌واس و‌ال‌پاین		vulpine adj
لاش‌خور-آدم‌فرئنده‌خو	دە‌رمە‌زاج - دال و‌ال‌چەر		vulture n
کرکس سرگز	مە‌ردار‌و‌ەر-ئە‌نسائی‌درو‌پە‌ست و‌جاش‌یاو		
فرج‌دستگاه‌زانگی	و‌ل‌و‌بە‌رە‌ودە‌زگا‌و‌ژە‌نانه‌ی و‌ال‌و		vulva n
	کونودە‌ری‌دە‌زگاری‌ژنانه		
قلو‌ه‌یا‌کلیه‌و‌نام‌ال‌ه‌و‌لکان	و‌ل‌ک‌لە‌و‌ل‌کان‌خودای‌ئا‌گەر‌گیرا‌وه و‌ل‌ک		vwik n
یا‌خ‌دای‌آتش‌کە‌ژ‌یر‌ز‌مین‌بودە‌و‌سبب	و‌م‌ر‌دە‌م‌لە‌هە‌و‌رامان‌ئە‌ل‌ین و‌ل‌ک‌یم		
آتش‌فشان‌می‌شود‌چون‌فسفر‌و‌گو‌گ‌رد	بر‌ی‌ای‌چون‌کاتێ‌کە‌سێ‌لە‌بلندی		
کلیه‌ز‌یاد‌بودە‌و‌ا‌گ‌را‌ز‌از‌ت‌فاع‌بیش‌از	ئە‌کە‌و‌یتە‌خوار‌چون‌فسفر‌و‌گو‌گ‌رد‌لە		
۱۰ م‌تر‌یا‌یین‌بیر‌یم‌فسفر‌کلیه‌در‌ا‌تر	گو‌ج‌یلە‌یا‌و‌ل‌ک‌ز‌و‌رە‌بو‌یە‌کە‌م‌جار		
ضربە‌ت‌ر‌ک‌یدە‌و‌سبب‌م‌ر‌گ‌و‌نا‌بودی‌انی‌کلیه‌کولیه‌خ‌و‌سو‌ژی‌دە‌کات‌و‌ئە‌سو‌تێ	و‌ئە‌و‌کە‌سە‌کولیه‌ی‌داده‌کە‌وی‌و‌ب‌یە		
میشود‌و‌ه‌ن‌وز‌فر‌اور‌امان‌م‌ر‌دە‌م‌این	دە‌ل‌ین (و‌ل‌ک‌یم‌بر‌ی‌ای) یانی‌دا‌کە‌و‌تتی		
مسئله‌علمی‌رامی‌دات‌ند‌و‌ه‌نگام	کولیه‌لە‌لە‌ش‌و‌ئە‌م‌مە‌سە‌لە‌چاکە‌لە‌لایان		
پریدن از‌جای‌بلند‌و‌یا‌خ‌بەر‌های‌ید	علمیه‌و‌ه‌شی‌بکری‌تە‌و‌ه‌چون‌فسفوری‌و‌ل‌ک		
می‌گویند‌و‌ل‌ک‌یم‌بر‌ی‌ایی‌یعنی	ز‌و‌رە‌و‌گەر‌مای‌فسف‌و‌ر‌ئە‌بێ‌تە‌هو‌ی		
کلیه‌ها‌یم‌از‌بدن‌ج‌دا‌ن‌شد‌ند‌کە	ج‌گ‌ئ‌ی‌بو‌نی‌و‌ل‌ک‌و‌م‌ر‌د		
کنایه‌از‌م‌ر‌گ‌است.			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



big/large



little/small



thick



thin

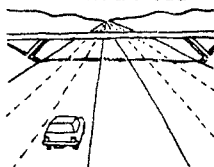
tall



short



wide/broad



narrow



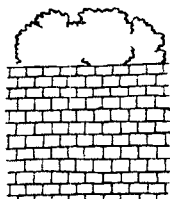
shallow



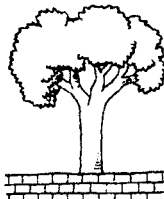
deep



high



low



long



short



happy



sad



fat



thin



old



young

# W w

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بیست و سومین حرف الفبای انگلیسی	بیست و سیمین پیتی ته لقیبا	دابل یو	<b>W</b>
باران نام یکی از هفت یار	ناوی یه کئی له حه وت یاری	واران	<b>waran</b> <i>n</i>
اهورامزاد در اورامان قدیم	هورمز یا خودای جیهان له هه ورامان		
کهنه سنجاله وگلوله	نمهد - نه وگ - بهر	واد	<b>wad</b> <i>n</i>
لوله - نمد	کونه - ملوچه		
رامرفتن در آب و گل و برف	له ئاودان - ئاو پرای	وید	<b>wade</b> <i>v</i>
تکاندن، تکان دادن، جنباندن	له قاندن - جمنای شه کنای	وگ	<b>wag</b> <i>v</i>
دستمزد، مزد، اجرت، حق	مزه ق ده سه ق دای	ویج	<b>wage</b> <i>n</i>
گاری، ارابه - واگن باری	ئه رابه - گاریه	وگن (واچن)	<b>waggon or wagon</b> <i>n</i>
(روباژ قطار) دلیجان	دیوی قه تار		
شیون / زاری کردن	شیوه ن شین و زاری کردن	ویل	<b>wail</b> <i>v</i>
زاری شیون، فغان، ضجه	شیوه ن زاری، وه ی رو	ویل	<b>wail</b> <i>n</i>
کمر - گرگانه	قه ده که مه رمی - قه د	ویست	<b>waist</b> <i>n</i>
منتظر بودن / شدن	راوهستان - ماتل بیهی	ویت	<b>wait</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
صبر کردن	چه مه را چه وری بوون		
گارسون، پیشخدمت زن یا مرد	خدمه تکار - وه ده سه	وی ترس پی تر	<b>waiter or waitress</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
waiting room <i>n</i>	وی-تینگ روم	دیوی هه سانه وه	اتاق انتظار درمطلب و غیره
		ئوتاقه و ماتل بیه ی	
wait <sup>2</sup> <i>n</i>	ویت	ئینتزار - چه مه را	انتظار، مدت انتظار
		چاوه ری و سه بر	چشم براه
wake <i>v</i>	ویک	له خه وه لسان	بیدار کردن / شدن
		خه وروبیه ی (های بیه ی)	به خود آمدن
walk <sup>1</sup> <i>v</i>	وک	رویین لوائی ری چون	قدم زدن، پیاده رفتن، رفتن
walk <sup>2</sup> <i>n</i>	وک	ری چون وه لوائی رانه ی	قدم زنی، پیاده روی، پیاده
		جیمای - به ریگاروین	
wall <i>n</i>	ؤل	دیوار - حه ساره	دیوار، حصار، جزر
wallpaper <i>n</i>	ؤل پیپر	کاغه زی دیواری دیوار پوش	کاغذ دیواری
wallet <i>n</i>	والیت	کیفی پول - جی	کیف پول - کیف بقلی
		پول - یاگه پول	
wander <i>v</i>	واندیر	سه رگه شته ی - ئاواره بوون	سرگردان / آواره بودن
		وه نه شیوای - عه بدال بیه ی	پرسه زدن
want <sup>1</sup> <i>v</i>	وانت	گه ره ک بوون - نیاز بیه ی	خواستن - لازم داشتن، نیاز داشتن
want <sup>2</sup> <i>n</i>	ولنت	نیاز - لازم - که می	احتیاج، نیاز، کمبود، فقدان
		ئاتاج - نوخسان	
war <i>n</i>	وُر	شهر - جه نگ	جنگ (بین دول / ملل) / ییکار
warfare <i>n</i>	وُر فر	به دو اکه وتنی شهر شونه و شهر و شور ی (لوائی) - جه نگ	مبارزه - جنگ

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انبازعمومی-انبازکالا	همار - همیان	وئورهاوس	ware-house <i>n</i>
اژیر/اطلاع/هشداردادن	خه بهروئاژیردان-راگه یاندن	وئورن	warn <i>v</i>
کشتی جنگی، رزمناو	که شتی شه-رناوی جه نگی	وړشیب	warship <i>n</i>
بخش بیمارستان-محلّه	ئاوگه ری شه ر		
منطقه-صغیر-دفع کردن	دیوی گشتی خه سه خانه	وُرد (وُد)	ward <i>n</i>
	نه خو سخانه مال-شوین و جی		
	به خشی بیمارستان-گه ره ک		
سرپرست، ناظر-سرینس زندان	سه روک سه پرپس-چاودیر	وُدن (وُردن)	warden <i>n</i>
کمد لباس، بختکن-اشکاف	جی لباس-یاگه سیپال	وُردنوب	wardrobe <i>n</i>
مخزن، انبارکالا	همار - زاخه - په ستو	وِرهاوس	warehouse <i>n</i>
اجناس، کالا، متاع	جنس - بار - شت	وِر	ware <i>n</i>
سفالینه	که لوو په ل-قوره سازی		
گرم (نه داغ و نه سرد)	گه رم-پِرشوَر و شه وق	وُرم (وُم)	warm <sup>1</sup> <i>adj</i>
مهروامیز			
گرمی، گرم، حواریت-محبت	گه رمی-گه رمایوق-شرا	وُم (وُرم ت)	warmth <i>n</i>
گرم کردن / شدن	گه رم بوون - گه رم	وُم	warm <sup>2</sup> <i>v</i>
	که رده ی (بیه ی)		
از خطر آگاهانیدن	خه وه ردار که رده ی-پِی و تن	وُن (وُرن)	warn <i>v</i>
اطلاع دادن	چله کنای-خه به ردار کردن		
آگاهی-اخطار-تذکر	پِی و تن - خه به ردار ی	وُنینگ	warning <i>n</i>
اژیر-اطلاع - هشدار	ئاگاداری-خه وه ره کرد		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حکم قانونی، مجوز، حواله	حوکمی قانونی به‌رگه‌ی	وارنت	warrant <i>n</i>
غُرموجه	ئیزن به‌رگه‌وئيجازه‌ی ده‌لیل		
گذشته فعل <i>be</i> (بودن)	رابردووی فیعلی	واز	was <i>v</i>
	تووی - ویه‌رده‌وتووی		
ئستشودان، شستن، پاک‌کردن	شوژدن، شتن - شته‌ی	واش	wash <sup>1</sup> <i>v</i>
ئستشو، رختشویی	شوژدن، جل شوژدن	واشینگ	washing <i>n</i>
	سیپال شوژی		
ماشین رختشویی	ماشینی لیپاستشوژی	واشینگ‌ماشین	washing machine <i>n</i>
ئستشو - ئستنتی‌ها	شوژدنی - ئه‌وه‌شته‌ی	واش	wash <sup>2</sup> <i>n</i>
لگن دستشویی، کاسه دستشویی	ده‌سشوژی‌له‌گان	واش‌پیزین	washbasin <i>n</i>
زنبور معمولی غیرعسلی	زه‌ردوآله - زه‌رده‌وآله	واسپ	wasp <i>n</i>
تلف کردن / شدن، اسراف کردن	مه‌سروف کردن - خراونای	وی‌ست	waste <sup>1</sup> <i>v</i>
ولخرجی، ژباله‌اسراف	زوئیل ده‌س یاد - ئه‌ژغال	وی‌ست	waste <sup>2</sup> <i>n</i>
ساعت مچی / جیبی - کشیک،	سه‌عاتی ده‌ست / باخه‌لی	واچ	watch <sup>1</sup> <i>n</i>
	کیشک - پاسه‌وان		
نگهبانی - دیده‌بان - محافظ	نگا‌بان - قه‌ره‌ول - پاسه‌وان	واچ‌من	watchman <i>n</i>
مراقب - مواظب بودن	پاس‌که‌رده‌ی هو‌شیار	واچ	watch <sup>2</sup> <i>v</i>
	بی‌ه‌ی (بون)		
آب (رودخانه، ...)	ئاو - ئاوی - ئه‌و	واتر (وُتر)	water <sup>1</sup> <i>n</i>
آبشار	تاف - تافگه‌بیل به‌وور	وُتر‌فول (فُل)	waterfall <i>n</i>
خدا آب	موکَل ئاو - زددی ئاو	وُتر‌پرووف	waterproof <i>adj</i>

دژ به‌ئاو

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
water <sup>2</sup> v	ووتر	ئاودان - ئاودای	آبیاری کردن، آب دادن
watt n	وات	ئاوده‌رده‌ی (دیوان) مقیاس - ئایره و به‌رقی وات‌واحدی هیزی کاره‌با	آبکی کردن وات‌واحداندازه‌گیری برای برق
wave <sup>1</sup> n	ویو	پیمه‌ری هیزی برقی و کاره‌با ده‌س له‌قاندن شه‌پۆل	موج - دست تکان دادن
wave <sup>2</sup> v	ویو	لپه‌ئاوجۆل ده‌س ته‌کنای - جوولاندن	فژ - اهتزاز دست‌تکان‌دادن، جنباندن
wax n	وکس	ده‌س شه‌کاندن - جواندن (لانیکی) مووم به‌ره‌مه‌ه‌نگی رۆنی می‌ش وکس	علامت دادن مووم، واکس، پارافین
way n	وی	ری - راشوین به‌ین لا‌بار - جووربا و روال	راه، مسیر، جهت، طرف مسافت، راه - مسیر - طریقه
we pron	وی	ئیمه - هیمه (هه‌مه)	استفاده، طرز عمل ما ضمیر فاعلی
weak adj	ویک	بی‌تین هه‌ژاره‌قه‌له‌شل	ناتوان، ضعیف، ضعیف‌النفس، ابدار
weakness n	ویکنس	زایفی بی‌هیزی شلی	ناتوانی، نقص، عیب، شستی
weaken v	ویکین	بی‌هیز بوون زایف به‌ی	ناتوان/ضعیف کردن، اشدن
wealth n	ولس	مال‌ده‌وله‌ت مسروه‌ت	ثروت، دارایی، پول زیاد
wealthy adj	ولسی	ده‌وله‌مه‌ند - دارا	ثروتمند، مته‌مول، مالدار
weapon n	وین	سیلاح - چه‌ک ئامرازی شه‌ر	اسلحه، سلاح، جنگ‌افزار
wear v	ویر	له‌به‌رکردن سه‌ره‌کرده‌ی	پوشیدن، به‌تن کردن، زدن

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خسته، وامانده، کسل، فرسوده	هه‌لاک - نه‌رامه نه‌شه که‌ت	ویری	<b>weary</b> <i>adj</i>
باخستگی - باکسلی	به‌شه که‌تی به‌نه‌حه‌ساوی	ویریلی	<b>wearily</b> <i>adv</i>
هولو‌وضع‌هول‌تغییر‌رنگ	هه‌وا - هه‌وا - گۆریان	وذر	<b>weather</b> <i>n</i>
بافندگی کردن، بافتن	رِیسای - رِیسین	ویو(وی و)	<b>weave</b> <i>v</i>
نساجی کردن	رِی‌سته‌ی		
نساجی، بافندگی، بافت	جۆله‌ی - رِیسای	ویوینگ	<b>weaving</b> <i>n</i>
	رِیسه‌ری		
تار عنکبوت - تور	رِیسیا - تالی‌درو جال‌که	وِب	<b>web</b> <i>n</i>
شبکه - پرده‌پا	تاله‌که‌کله‌مووشان - تور		
مراسم ازدواج، عروسی	شو‌دای - ره‌سمی	وِدینگ	<b>wedding</b> <i>n</i>
عقد	زه‌ماوه‌ن - زه‌مه‌ونده		
چهارشنبه	چوار‌شه‌مه - چوار‌شه‌ممه	وِنزدی	<b>wednesday</b> <i>n</i>
علف هرز / هرزه	به‌شه‌ری‌له‌ر - گیاه	وید	<b>weed</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
موی زاید بدن	هه‌رد‌گی‌واوی‌وه‌حشی		
وجین کردن - موی‌زاید‌زدن	گیای‌ویل‌که‌ندن‌زه‌وی	وید	<b>weed</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
حذف کردن	له‌گیای‌قه‌لب‌و‌خرا‌وپاک‌کردن		
هفته - هفت‌روز	حه‌وته - حه‌فته	وییک	<b>week</b> <i>n</i>
روز‌کار (هفته)	روژه‌کار - رو‌کاری	وییک‌دی	<b>weekday</b> <i>n</i>
	رو‌حه‌فته		
(تعطیلی) پایان‌هفته، آخر‌هفته	ته‌حتیلی‌دوای‌حه‌وته	وییک‌اِند	<b>weekend</b> <i>n</i>
هفتگی، به‌صورت‌هفتگی، هفته‌نامه	حه‌وته‌یی - حه‌فته‌ی	وییک‌لی	<b>weekly</b> <i>adj, adv</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
weep <sup>v-n</sup>	وِیپ	گوه‌وای-گوریا ن زاری کردن	گریستن، گریه کردن
weigh <sup>v</sup>	وی	وی کِیشای - خو کِیشان	کشیدن-وزن داشتن، سنجیدن
weight <sup>n</sup>	وِیت	بار-قورس-قورسی سه نکه	وزن، سنگینی، وزن‌بیار
weird <sup>adj</sup>	وی‌رد	عه جا بیی - جه باور نامه	عجیب، غیر عادی، شگوف
welcome <sup>1 adj</sup>	ول‌کام	خو ش هات خه رحناک	خوشایند، استقبال
welcome <sup>2 v</sup>	ول‌کام	به خیر هاتن وتن وه شامای که رده ی	خوشامد گفتن-تعارف کردن
welcome <sup>3 n</sup>	ول‌کام	خیر و یژی - خه ییر نامه ی واته ی	خوشامدگویی-مورد تقد
well <sup>1 adj</sup>	ول	عال-خاس-رِیک و پِیک-چاک	خوب، سالم، تندرست، خوب
well <sup>2 adv</sup>	ول	به باشی - به خاسی	خوب، به خوبی، به طور
		به ته واوی بیه جاری بیه به	رضایت بخش - به طور کامل،
			به طور کل، به کلی، کاملاً
well <sup>3 n</sup>	ول	بیره-چای ئار-چاوا ئاوی و له	چاه (اب/نفت)-چشمه منبع
were <sup>v</sup>	ور	فه رمانی رابوردوی	گذشته فعل be
		فه رمانی توویی	
west <sup>n, adj, adv</sup>	وست	وه رتا و پر-خوره لات	غرب، مغرب - باختر
		خوره پر	جهان غرب
western <sup>adj</sup>	وستِرن	جه وه رپر له خوره ئاوا	غربی، باختری
		له خوره پر	
westwards <sup>adv</sup>	وست‌وردس	به ره وه خوره ئاوا به ره وه	به طرف غرب
		وه رپر - به ره وه خوره پر	به سوی باختر
wet <sup>1 adj</sup>	وت	نمناکی-ته پی بارانی وارانی	مرطوب، نمناک بارانی، خیس



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خیس کردن، مرطوب کردن	ته‌رکه‌رده‌ی - ته‌رکردن	وت	wet <sup>2</sup> v
بالن، وال	نه‌ه‌نگ‌ه‌وال - وده‌لیای	ویل	whale n
اسکله، بارانداز	باروزگا بارگه‌ی که شتی	وُرف - وُرف	wharf n
چه‌کدام، آنچه، هرچه، چقدر	یاگی باروسه و که شتی		
هرقدر، هرچی	چی - چی‌ش - کام - چه‌نی	وات (وُت)	what adj-adv
گندم نماینده غله	هه‌رجه‌نده - هرچنده - هه‌رچی	وُتاوِر	whatever pron-adj
چرخ - فرمان (اتومبیل)	گه‌نم - خه‌له‌گه‌نمه	ویت	wheat n
	ته‌که‌ر - ته‌راده	ویل	wheel n
	فهرمانی ماشین		
چرخ دستی - فرغون	چه‌رخ‌ی ده‌ستی، فرغون	ویل‌وِر	wheelbarrow n
هرگاه‌که، هر وقت‌که‌کی	هه‌رکا‌تێ - هه‌روه‌خته‌ی، که‌ی	وِن‌اوِر	whenever adv-conj
در کجا، کجا، از کجا	له‌کو‌ی - جه‌کو - کو‌ی	وِر	where adv-conj
جایی‌که‌که - در چه‌مورد	چکو‌گه، له‌چ‌باو‌ی - کاتێ		
در هر کجا‌که، هر جا‌که، چه‌محل	له‌هه‌ر کو‌یدا - جه‌هه‌ر کو‌گه‌ی	وِراوِر	wherever adv-conj
که، آیا، بخواه، چه‌که‌آیا	ئه‌گه‌ر - داخه‌م - که - چه	وِدر	whether conj
کدامیک، کدامیک، هر کدام	کام - کامه - که	ویج	which pron-adj
هنگامیکه، در صورتیکه، بانه‌که	وه‌خته‌ی له‌کاتێکا، هه‌رچه‌ن	وِیل	while n, conj
زاری کردن، شیون کردن	شیوه‌ن و گریان - گره‌واي، وه‌ی‌ر	وِین	whine v
ضجه، زاری، ناله، شیون	ناله - زاری - شیوه‌ن	وِین	whine n
زوزه	نالین به‌کو‌ل، وه‌یرو‌کروزیای		
شلاق - تازیانه	شه‌لاخ	ویپ	whip <sup>1</sup> n
(باوسیلای) زدن، حرکت کردن	لیدان به‌شتی - داوه‌نه‌ی (به)	ویپ	whip <sup>2</sup> v

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چرخیدن، چرخاندن	ویلنای - چەرخنای	وړل	whirl <sup>v</sup>
گردیدن	چەرخاندن - غەردان، سوران		
دوران، چرخش، سرچرخه	گیلای - خولان	وړل	whirl <sup>n</sup>
	سوورانه وه - خولای		
موی صورت مرد، سیل گریه	مووی پرووی میرد	ویسکەر	whisker <sup>n</sup>
تەریش	موورووه وپیای، سوویلی کتی		
بیج، انجوا کردن	پچه بیج که دهی له گوی	ویسپر	whisper <sup>1 v</sup>
زمزمه کردن	قسه کردن - چفه که ردهی		
نجوا، بیج، زمزمه	قسه ی هیواش	ویسپر	whisper <sup>2 n</sup>
زوزر	چووته چووت - چفه		
سوت، سوت سووتک	فیکه که ره زروزه که ره خیقینه	ویزل	whistle <sup>1 n</sup>
سوت زدن، آکشدن، صفیر زدن	فیکه کردن - فیکنای	ویزل	whistle <sup>2 v</sup>
سفید، سفیدی - رنگ پریده	چەرمگ - سپی - چەرمە	وایت	white <sup>1 adj</sup>
سفید، سفید رنگ (تخم مرغ، پوست)	چەرمە - سپی - رەنگ - چەرمگ	وایت	white <sup>2 n</sup>
چه کسی، چه کسانی، که، که او	کی - کیرا - که - کییان	هو	who
هر که، هر کس، کسی که، هر کی	که سی که - هەر که سی	هواوړ	whoever
	هەر که سیوه، هەر که		
مجموع، کامل، کل، همه	گشت - گرد پکومو ک	هول	whole <sup>1 adj</sup>
خالص	هەموو - گشت - تەمام		
به طور کل، کاملاً	به ته وای - گردو گردو	هولی	wholly <sup>adv</sup>
سراسر	سەر جەمبە جاری - تیکرا		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کل مقدار / چیز	چت - چۆ - گشت	هول	whole <sup>2</sup> n
تمام و کمال	هه موو - گرد، یه کسه ر		
کهرا، به چه کسی، به چه کسانی،	به کی - به چه که سیوه	هوم	whom pron
که او را، که آنها را، لایان آنها	به کییان - که نهو - که		
	نه وان - نه ها ئادی		
مال چه کسی، مال که، مال کدام	ئینوکی - مائی کی، هینی کی	هوز	whose pron-adj
چرا، به چه دلیل / علت، برای چه	بو - پچی له به رچی علت چیه	وای	why adv, int, n
شری، بدکار، خیلی بد	زۆر خراو - پیا خراو	ویکد	wicked adj
بدجنس	زۆل ملۆزم، جه له ب و جاش		
به طور فیزیکی بد و نابکاری	زۆر به خراوی - فره	وی کیدلی	wickedly adv
	خراو - به خراپه		
پهناور، وسیع، گشاد، گسترده	پان بـلا وـوازیچ مه ددار - به رین	واید	wide <sup>1</sup> adj
پهنا، عرض، گشادگی، پهنی	پانایی - پانی مه دداری و به رینی	ویت	width n
کلاگاملاً، به طور کل و گسترده	کوم پلیت - به ته وایی	وایدلی	widely <sup>2</sup> adv
	به جاری - یه کسه ر		
بیوه زن (زن شوهر مرده)	ژنی شوو مردوو بیوه ژه نی	ویدو	widow n
مرد بیوه (مرد زن مرده)	پای بی ژن - پیاوی بی ژن	ویدور	widower n
همسر، عیال (زن شوهردار)	ژنی شوودار - ژه نی شووداره	وایف	wife n
کلاه گیس، پوستیژ	کلاوه مووینه مووی مه سنو عی	ویگ	wig n
موی مصنوعی	کلاو موو - پاتی موو		
وحشی، خور و روی بی تمدن	وه حش - خو پیری میی فره هه نگ	وایدل	wild adj

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور وحشی-وحشیانه	خویری گه‌ری به‌دره‌نده گی	وایلدلی	wildly <i>adv</i>
با دیگر افعال به‌کار می‌رود و	ئهم فه‌رمانه بو‌داها‌توو	ویل	will <sup>1</sup> <i>v</i>
زمان آینده را می‌سازد	به‌کار نه‌بری-ئی که لیمی		
خواستن - وصیت کردن	په‌ی زه‌مانی ئاینده‌ینه		
	خوازین - گه‌ره‌ک‌بون		
میل، اراده، تصمیم	مه‌یل - ئیراده - قه‌رار	ویل	will <sup>2</sup> <i>n</i>
نیت، قصد	بریار - نیه‌ت		
وصیتنامه - عزم	ئوسراوی پیش‌مردن	ویل	will <sup>3</sup> <i>n</i>
اماده‌رضایت‌آمیز-مایل	ئاماده‌رازی-زه‌زا‌راغیب	ویلینگ	willing <i>adj</i>
با اشتیاق - با رغبت	به‌زه‌وق به‌گه‌رمی به‌شه‌وق	ویلینگلی	willingly <i>adv</i>
بودن، پیروزشدن-دست‌یافتن	پیروزی‌بون سه‌رکه‌وته‌ی	وین	win <i>v</i>
برنده‌فاتح-پیروز	پیروز - سه‌رکه‌وته	وینتر	winner <i>n</i>
	به‌ره‌نده - به‌رئامه		
پیدا کردن، چرخاندن	خول‌دان-کۆک‌که‌رده‌ی	ویند	wind <sup>1</sup> <i>v</i>
کوک کردن	پِچ دای - پِچان		
با‌حطوفان-بو	ئه‌فه‌س-وا‌سپا، واده‌مه	ویند	wind <sup>2</sup> <i>n</i>
آسیاب بادی	ئاساوی وایی - ئاشه‌با	ویندمیل	windmill <i>n</i>
شیشه جلو اتومبیل	شو‌شه‌ی ماشین-شیشی	وینداس‌کرین	windscreen <i>n</i>
	ماشینی‌جه‌وهر		
توفانی، بُریاد-بادخیز	پرتۆف - گه‌رده‌لوول	ویندی	windy <i>adj</i>
بادگیر	واده‌مه - واگا - باگه		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
پنجره - ویتترین مغازه	ده لاقه - ونه دیک - شووشه ی	ویندو	window <i>n</i>
دریچه	نیشانگاه - دووهری یا په پنجره		
لب پنجره - تخته	بهری دووهری - قه راخو	ویندوسیل	window - sill <i>n</i>
زیر پنجره	ده لاقه ی بیه ری پنجره - کن په پنجره		
شواب (انگور)، می - باده	شہ راو - مہی - بادہ	واین	wine <i>n</i>
بال پرده / حشره	بالئ پهلوه ر - بالو	وینگ	wing <i>n</i>
جناغ سینہ - جناح حزب	گیانداران - بالئ بالندہ		
چشمک زدن - با چشم اشاره کردن	چہم قرتنای - چاو	وینک	wink <i>v</i>
چشم برهم نهادن	لئ گرتن - چاو قرتاندن (تروکان)		
چشمک - غمزہ - کوشمہ	چہم وسہ ی - چاو ئیشارہ - چاو قرتہ	وینک	wink <i>n</i>
زمستانی، زمستان	زوسانی - زم سان - زمستان	وین تر	winter <i>n, adj</i>
باکھنہ خشک کردن	به پەرۆ وشکو کەر دہ ی	وایپ	wipe <sup>1</sup> <i>v</i>
پاک کردن - مالیدن	وشک کردن و مالین		
گردگیری، خاکروبی	توژگیری - یانہ	وایپ	wipe <sup>2</sup> <i>n</i>
	تہ میس کەری - خو لگیری مال		
مفتول، سیم - سیم (بق،...)	تہل - تہو کە - سیم	وایر	wire <i>n-v</i>
رادیو - تلگراف سیم کشی کردن	رادیو سی - سیم، تہلگراف	وایرلس	wireless <i>n</i>
عاقلاً - خبر دمنسخه دمنده، فخر زانه	ثاقلاً - خامیدہ - نتم - زاناو ریا	وایز	wise <i>adj</i>
عقل، خرد - هوشمندی	ثقل - فام - هوش	ویزدم	wisdom <i>n</i>
عاقلاً - هوشمندانه	ثاقلاً - با فکرانہ	وایزلی	wisely <i>adv</i>
	به بیرو را و وریایی		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خواست، خواسته، آرزو میل	ئاره زوو - ئارات - ئو مێد، مه یل	ویش	wish <sup>2</sup> n
زیرکی، تیزهوشی، عقل فہم	ویتہ ویت زرنگی - مدریک	ویت	wit n
خوش طبعی - شوخ	زہ بین دار - ئاقلی وریایی		
بذله گو، لطیفہ گو، خوش طبع	قسہ و ہش - شوخی کەر	ویتی	witty adj
بابذله گوئی، بہ شوخ طبعی	شوخی باز - گالته کەر		
	بہ قسہ و ہشی - بہ بزہ	ویتلی	wittily adv
	و کہ نین		
ساحرہ، جادوگرزن، سحر باز	ژہ نی رہ مالہ - ژنی	ویچ	witch n
	جادو و گہر		
با (ہمراہ) - با (بہ وسیلہ)	با - بہ - لہ گہل - چہ نی	ویز	with prep
با (دارائی) - با (چگونگی)	بو - لہ		
با (علیہ، ضد)			
برداشت کردن (پول از	پوول ہہ لگرتن، لی سہ ندن	ویز درو	withdraw v
حساب، ...)	دواکشان - دماوہ		
کردن، عقب کشیدن	گیلائی - دہ ست کشان		
خشک کردن / شدن، پژمرده	سیسیای - ہہ ژار بوون	ویزر	wither v
کردن / شدن	وشک بیہ ی - وشک بوون		
در کمتر از، در، داخل، درون - توی	تاوی - لہ جہ دلئی - ناو	وی زین	within prep, adv
بدون بی، آنکہ، بیرون بی	بیجگہ بی بی - ئانہ یہ، دہر	وی زئوت	without prep
شاهد، گواہ، علامت، دلیل	شہ ید - شاہد - قہ سہ م خور	ویتنسی	witness n
	خہ بہر دار - ئازرو ئا گاہ - نیشانہ		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یله رفتن، لق زدن	وه ردای - به ره لا	وُبل-وایل	wobble <sup>v</sup>
تلو تلو خور دن	نازاد ناسه ی به لاروله نجه روین		
ژن	ژه نی - ژن	وُمن	woman <sup>n</sup>
تعجب کردن، شگفت زده شدن	عه جه یب ئامای ماق پرای	وُندر	wonder <sup>1 v</sup>
چیز شگفت آور - تعجب	چتی عه جیب - چییوی	وُندر	wonder <sup>2 n</sup>
	ته یوه تی - چییوی عه جه یو		
به طور شگفت آور،	به جوړی عه جیب به لچ	وُندر فولی	wonderfully <sup>adv</sup>
به صورت عجیب	گه سه ی به عه جه یواتی		
چوب، کنده، هیزم، بیشه،	چیو - هیزم - کوته	وُد	wood <sup>n-adj</sup>
الوار، فرختار	ویشه - چو - دارسان		
چوبی، خشکوبی، روح	چویی - چییوی - جه چوی	وُدن	wooden <sup>adj</sup>
نخ / ماده پشمی	په ژم - خوری ده زگه په ژمی	وُل	wool <sup>n</sup>
پشمی - پشمینه	په ژمی - له جنسی خوری	وُلن	woollen <sup>adj</sup>
کلمه، حرف، واژه، کلام	وشه - که لیمه - واته	وُرد (ود)	word <sup>n</sup>
سخن	قسی		
کار کردن - فعال بودن	کار کردن - کار که ره دی	وُرک	work <sup>1 v</sup>
کار، عمل - فعالیت - شغل	کار - کرده وه - پیشه	وُرک	work <sup>2 n</sup>
کارگر، خدمتگذار، فاعله	کریکار - کاره که ره مه له	وُرکر	worker <sup>n</sup>
کارگر - صنعتکار	تو که ره ره نه به ره ده س	وُکمن	workman <sup>n</sup>
مزدبگیر - عمله	وه رزه ره له فعه له		
کارگاه - استودیو	کارگه - یاگه کار	وُرک شاپ	work-shop <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کره / سیاره زمین، زمین	دنیا - عالم - جیهان	وُلد	world <sup>n</sup>
جهان، دنیا - جهانی			
کرم، کرم خاکی، زالو، کرم زگی	کرمی - کرم - کرمه ژن	وُم	worm <sup>n</sup>
نگران کردن، آزرده، دلشوره داشتن	ره نجانندن - دل ئیشنای	واری	worry <sup>1 v</sup>
نگران، مضطرب، دلواپس	هه وُل - ره نهجه رو	وارید	worried <sup>adj</sup>
دلشوره دار	بی قه رار - خه میار - نگه ران		
نگرانی، اضطراب - غصه	په ریشان - خه مین - دلشوره	واری	worry <sup>2 n</sup>
بدتر، بیمارتر، به شکل بدتر	خراوتر - ناو هه ش تهر	وُس	worse <sup>adj, adv</sup>
شدیدتر	نه خو ش تر - خراپ تر		
نماز گزاردن / خواندن	دو عا خویندن - نوێژ کردن	وُشپ	worship <sup>1 v</sup>
عبادت کردن - پرستیدن	نماکه رده ی - په ناب هه زانی به رده ی		
عبادت، پرستش، خنیايش	راز و نیاز - خودا پر سی، لپیا ران	وُشپ	worship <sup>2 n</sup>
بدترین - بدتر از همه	خراوترین - چه په ل تهرین	وُست	worst <sup>adj, adv, n</sup>
ارزش، قیمت، بهلأجرت	بايخ - نرخ - ئی ژای - قیمت	وُت	worth <sup>1 prep</sup>
ارزش، قدر - ارج	قه در - که لک - قه یر	وُت	worth <sup>2 n</sup>
ناچیز، بی ارزش، خردنخور	نا ته مام بی - که لک که م قیمت	وُرس لیس	worthless <sup>adj</sup>
لایق، شایسته، مستحق - ارجمند	لایق هه ق دار شایسته، قابل	وُتی	worthy <sup>adj</sup>
زمان گذشته will	زه مانی رابر دووی ویل	وُژ	would <sup>v</sup>
آسیب رساندن - صدمه زدن	زامار کردن - زه فره ت دای	وُند (وونود)	wound <sup>2 v</sup>
زخم، آسیب، جراحت	زه خم - زام - زه فرت	وُند (وونود)	wound <sup>3 n</sup>
پوشاندن، پوشانیدن، پیچیدن	پوشنای - دا پوشین	رَب	wrap <sup>v</sup>
	پوژاندن - ده ور پیچان		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet



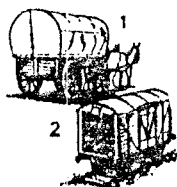
فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دق دلی خالی کردن	هه ق سه نندن - د یقی دَل	رِک	wreak <i>v</i>
انتقام گرفتن	خالی کردن		
ناج / حلقه گل	تاج - تاجه - باز نه گول	ریت	wreath <i>n</i>
لاشما آب وورده اسقاط	چتانی کوئه - ئاو هاورده	رِک	wreck <sup>1</sup> <i>n</i>
قسمتها / قطعات درهم	ویرانه - خراب بون	رِک بچ	wreckage <i>n</i>
شکسته خراب شدگی - خرابه	چتانی دهر د نه خور		
خود / خواب کردن	تیک دای - خراو کردن	رِک	wreck <sup>2</sup> <i>v</i>
له کردن	ورد کردن - رو خاندن		
کشیدن، ضرب دیدن - پایب خور دن	کیشان - کیشای - گاشیه ی	رِنج	wrench <i>v</i>
پیچ خور دگی - ضرب دیدگی	پیچ که و ته ی - پیچ	رِنج	wrench <i>n</i>
	که و تن - زه ر به ت دین		
کشتی گرفتن - گلاویز شدن	زوران گرت ه ی - زوران گرت ز	رِسل	wrestle <i>v</i>
کشتی گیر	زوران گیر - زوران گر	رِسلر	wrestler <i>n</i>
کشتی گیری - کشتی	زوران گیری	رِسلینگ	wrestling <i>n</i>
پیچ و تاب خوردن - لولیدن	ئالاولو بون لول بیه ی	ری گل	wriggle <i>v</i>
چلاندن، فشردن - پیچاندن	گوشین - شواره ی	رینگ	wring <i>v</i>
	پیچ دای - شویدن		
چین وچروکینواوری	چرچ - ژاکاوا - ژاکیا	رینکل	wrinkle <i>n</i>
مچ، مچ دست	موچ - مه چکه	ریست	wrist <i>n</i>
ساعت مچی	سه عاتی دهستی - سه عاته وده سی	ریست واج	wrist - watch <i>n</i>
نوشتن، مکاتبه کردن	نووسین - نویسی	رایت	write <i>v</i>
کسی که کتاب می نویسد - مؤلف	نوسه ر - نویسه ر	رایتر	writer <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پىچاندن سيم - ازسرم	تەريڤۆ / بون، بيهى	رايت	writhe <sup>v</sup>
رليج ئېردن	به ده ور به سان، چماندن		
نوشتە دستە خط نويسندگى	نووسراوه - نويسيا	رايتينگ	writing <sup>n</sup>
اثر - نوشتار	نووسراو - نويسه		
ناجور، بدزشت نادرست غلط	به تال - نادرووس - خراو گونا	رانگ	wrong <sup>1</sup> adj
به ناحق، به طور نامناسب، به غلط	ناجور به لارى بيه هه له	رانگى	wrongly <sup>adv</sup>
به غلط، اشتباه، عمل غير قانونى	نه زانى ناريك هه له	رانگ	wrong <sup>2</sup> adv
خطا، اشتباه	هه له چوو - خه تا - ناره وا	رانگ	wrong <sup>3</sup> n
خطاكار - گناهكار	خه تاكه ر - تاوان بار	رانگ دور	wrongdoer <sup>n</sup>
نادرست - اشتباه	نادرووس - ناله بار - ناريك	رانگ فول	wrongful <sup>adj</sup>
تايد مه پيچيد كهچ و كوله غير عادى	چهرت - لار - پيچيا - ئالو	راى	wry <sup>adj</sup>
خراب شدن، غرور يختن	وراي - ته پين - رزاي	وراي	wrray <sup>v</sup>
ژاژخايى - وراجمى	ژاژولوى - وري - وردان	وژ	wrre <sup>adj</sup>
	وقسه ي بى سه مه ر		
نام دهى با صفا دار و ارامان	ناوى دى به كه له مه ليه ندى	وژا	wrra <sup>n</sup>
و شمال پاوه	هه ورامان وله ژورى پاوه وه		
نام گياها قطنى كه در عيد	ور - ناري گياى تا بيه تى هه ورامانه	وژ	wrr <sup>n</sup>
يهوديان مقدس است و نوع سياه	كه جو ه كان و مو به ده كان له تو مى		
آن فقط دار و ارامان و مر يوان	ئهم گيا و خه ره به نگ ماده يه ك		
(سرشيو) ديده مى شود	مو خه در به ناوى (Haouta) ها تو مه		
	يان لئى سازه كه له عه بده		
	كاناوه كو جگه ره و سىگار كيشا و يانه		
	ومه ست و مه خمور و مه سرو و ريوون		
	وله ساقه ي ده زك بوگرويس يان سازيوه		



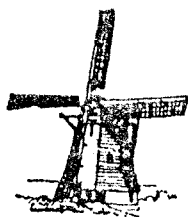
WHORL



WAGONS



WREATH



WINDMILL



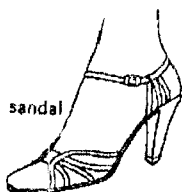
WREN



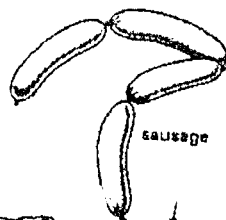
WEATHER VANE



WOODPECKER



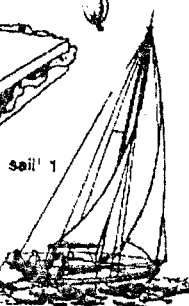
sandal



sausage



sandwich



sail' 1



safety-pin



شاهپور دوم

۲۲۵

# X x

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>X</b>			بیست و چهارمین حرف الفبای انگلیسی بیست و چواره مین پیتی نه لقباً
<b>xamdary</b> <i>adj</i>	زامداری	ریش و زامداری	زخم‌دار - مجروح
<b>xanthippe</b> <i>n</i>	زان‌تی‌بی	ژنی سه‌لیته - ژه‌نی	زن سلیتم‌زن شرور
		گازگیره (قه ره چناخ)	
<b>xanthin</b> <i>n</i>	زان‌تین	به‌رهم و ماده‌ی زه‌ردی گولان	ماده‌زرد رنگ‌گلیا
<b>xanthic</b> <i>adj</i>	زان‌تیک	زه‌رد با وحه‌یله و زه‌رد	زردفام‌زردگون
<b>xanthomelanous</b> <i>adj</i>	زان‌تیم‌لنوس	سه‌روزه روگه‌نم و سه‌وزه	سبزه‌رو، گندم‌رنگ
<b>xanthus</b> <i>n</i>	زان‌تُس	پیس زه‌رد - زه‌رد بام	زرد پوست
<b>xmas</b> <i>n</i>	کریم‌س	جه‌ژنی سه‌لییه کان جه‌ژنه و مه‌سیحان	کریم‌س، جشن صلیبون
<b>x - ray</b> <i>n</i>	ایکس‌ری	تیزگی‌ئیکس - تیزگی‌ئیکس	اشعه ایکس یا رونتگن
<b>x - ray</b> <i>v</i>	ایکس‌ری	تیزگ‌شانای - شه‌وق	اشعه‌زدن، درمان با
		هاو‌بشتن	اشعه X
<b>xenophile</b> <i>n</i>	زنوفایل	جاش و چلکا و خور	بیگانه‌پرست
<b>xylem</b> <i>n</i>	زای‌لم	لوله‌ی چپوی له‌دار	آوند چوبی، بافت چوبی، گزیم
<b>xylophone</b> <i>n</i>	زای‌لی‌فون	بافتی چپو	نوعی سنتور چوبی، گزیم‌لوفون

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



FALCON



FUNNEL



FILE



FEZ



FLUTE



FROG



BLUEBELL



POPPY



PANSY



DANDELION



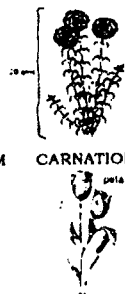
HOLLYHOCK



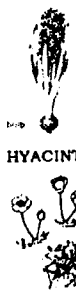
THISTLE



CHRYSANTHEMUM



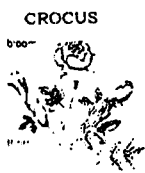
CARNATION



HYACINTH



FOXGLOVE



CROCUS



IRIS



TULIP



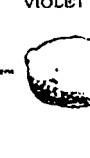
BUTTERCUP



DAFFODIL



ROSE



VIOLET



DAISY



SNOWDROP



GERANIUM



GRAPEFRUIT



LEMON



GRAPES



MELON



BANANAS



PEAR



PLUMS



PAIWI PAW



BLACKBERRIES

# Y y

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Y</b>			بیست و پنجمین حرف الفبای انگلیسی بیست و پنجمین پیتی ته لفا وای
<b>yari</b>		ثایینی ناگر پرسی ومه ز دایه تی یاری	شاخه ای از این کهن گردان در
		له هه ورامان	اورامان که دنباله این زردشتی است
<b>yacht</b> <i>n</i>	یات	ئاو روین - به له م ئاو دهر - وابه له م	قایق بادبانی / بادبان دار
		ئاو گه ری بابو دکه شتی سه یران	کشتی تفریحی
<b>yard</b> <i>n</i>	یارد	به ری مال - حه وش - حه وشه	۹/۴ متر حیاط - یارد
		حه ساری مال	حصار - کارگاه
<b>yawn</b> <i>v</i>	یان	باو یژگ کردن - و یژی	خمیازه کشیدن، دهان گشودن
		ئه ره ئاسه ی	
<b>year</b> <i>n</i>	پر	سال - هه رز ساله - ته مه ن	سال، بین - زمان
<b>yearly</b> <i>adj, adv</i>	پرلی	هه موو سال - گه رده ساله ی	هر ساله، سالانه
<b>yeast</b> <i>n</i>	بیست	ترشه هه ویر - ئامیان	خمیر ترش، خمیر مایه، مایه
		هه میره ترشه - که ره نان	خمیر آبجو - کفک
<b>yell</b> <i>v</i>	یل	هاوار کردن - نه رنای	نعره زدن، داد کشیدن
		دهنگ ئامه ی - نه راندن	هوار کشیدن

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زرد زهره رنگس زرد تلایی	زەرد - زەرد پەسو	یلو (پلئو)	<b>yellow</b> <i>adj, n</i>
ترسو	مانگور و جیاری - ره نگی زەرد		
بله، آری، بلی، به چشم، توافق	به لێ - نه ی چی ش - نه ری	پس	<b>yes</b> <i>int</i>
دیروز - روز پیش	دو یکه همیزی - دوی نی	پس تەردی	<b>yesterday</b> <i>n, adv</i>
تاحال، تاکنون - هنوز - ولی	هیچتا - هیما - جاری	یت	<b>yet</b> <i>adv</i>
تسلیم کردن - بار دادن	به ده ست دان سپارده ی	ییلد	<b>yield</b> <i>v</i>
(میوه...) - واگذار کردن	باردای - بایس بون		
یوغ، بردگی	هیش و نیله - چیر	یتوک	<b>yoke</b> <i>n</i>
	چه پوک - نیل - ژیر ده سی جاش ئاسا		
زرده تخم مرغ	زەرد یتە زەردە نیە و هیله ی	یتوک	<b>yolk</b> <i>n</i>
تو، شما، فرهادم	تو - که س - ته	یو	<b>you</b> <i>pron</i>
خام، جوان، خردسال، نوباوه	جوان - کور - پە ی زە و و - لاو	یانگ	<b>young</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
جوان - بچمنورس	منال - کور - زار و له	یانگ	<b>young</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
مال تو - مال شما	ئی نی تو - ئینو تو	یور	<b>your</b> <i>adj</i>
مال تو - از آن تو	ئی نی تو - ئینو ویت	یورس	<b>yours</b> <i>pron</i>
خودت، خودتان، خودت	خوت - ویت - ویتان	یور بیلف	<b>yourself</b> <i>pron</i>
جوانی، مرد جوان، نوجوان	کاتی جوانی - تازه خت لاو	یوس	<b>youth</b> <i>n</i>
جوان - جوانی، شاداب	جوانی و لاوی	یوس فول	<b>youthful</b> <i>adj</i>
مخفف <i>you have</i>	کور ته ی <i>you have</i>	یوو	<b>you, ve</b>
زود، شمر، مزو، زه یا نعره کشیدن	لوره نه ره، لوره و نه ره کیشان	یاو - ل - یال	<b>yowl</b> <i>v, n</i>
ایام، نوئل - کریس، مس	کاتی نوئلو کریس مه س	یول	<b>yule</b> <i>n</i>
جوان تحصیل کرده و پُر درآمد	جوانی پولدار و مده دره کدر	یوپ	<b>yup-pie</b> <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet



old



new

clean



dirty



weak



strong



cheap



expensive



open



closed/shut



hot



cold



soft



hard

loud



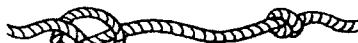
quiet



wet



dry



loose

tight



# Z z

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Z</b>	زد	بیست و ششمین حرف الفبای انگلیسی بیست و سهمین پیتی ته لفا	
<b>zaz</b> <i>n</i>	زاز	ناوی کلیسای له پاره که له ده	نام کلیسای دریاوه در عهد
<b>zany</b> <i>adj</i>	زینی	وره ی ته شکانه کان بنا ویا نگ، بوه	فرهاد چهارم اشکانی
<b>zeal</b> <i>n</i>	زیل	خول و گه وچ و گێژ، خه ره فیا	لودمبله، دیوانه
<b>zebra</b> <i>n</i>	زیبرا، زیبر	غیره توه شی زه و ق وشه وق	ذوق و شوق - تعصب، اشتیاق
<b>zero</b> <i>n</i>	زیرو	که ره کیوی - هه ره کوپه	گورخر - خر وحشی
<b>zigzag</b> <i>n</i>	زیگ زگ	سفر - پو وچ - حیج	عدد صفر (۰)
<b>zinc</b> <i>n</i>	زینک	چد و ت وراس قه مچ و پیچ بادان	زیگزاگ، مارپیچی، جنانگی
<b>zip</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	زیپ	جور یوه فلزی چه رمه	روی، فلز روی، زینک
<b>zip</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	زیپ	زیپ دو خین - نه نجه نه، گیفه	زیپ صغیر گلوله
<b>zone</b> <i>n</i>	زون (ژون)	زیپ به ستن - زیپ بینای (به سی)	با زیپ بستن، زیپ را کشیدن
		جی - شوین - یاگی	ناحیه، منطقه، بخش
		به ش - وه لآت - محله	جا
<b>zoo</b> <i>n</i>	زوو	باغی وه حش یاخ ووه حشیاتی	باغ وحش - ددباغ

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
zoological <i>adj</i>	زولوژیکال	مه‌ریوت به‌جانه‌ره ژئاناسی	مربوط به جانورشناسی
zoology <i>n</i>	زولجی	جانه‌وه ژئاناسی (ناسی)	جانورشناسی
zoroaster <i>n</i>	زنورواستیر	زه‌ده‌شت له‌هه ورامان	زرتشت پیامبر آریایی
zoroastrian <i>n</i>	زنورواستیرن	زه‌ده‌شتی زه‌ورو ئاسمانی	زرتشتی‌تاش پرست
zoom <i>v, n</i>	زووم	ویزه کردن - هه‌لسانی	اوچ گرفتن - ووز کردن
		ته‌یاره - زۆم	زوم دوربین
zoomlens <i>n</i>	زووم‌لنز	ئاده‌سی زۆم له‌دوربین	عدسی زوم در دوربین فیلم‌برداری
zoophyte <i>n</i>	زنوفایت	گیای جانه‌وه ره ئاسا (باو)	گیاه جانورمانند در دریاها
		وه‌کومه رجان‌وخه یاری ده‌ریایی	مثل شقایق و مرجان



هرمز دوم پسر فرسسی  
م - ۳۰۱



بهرام سوم  
م - ۲۹۳



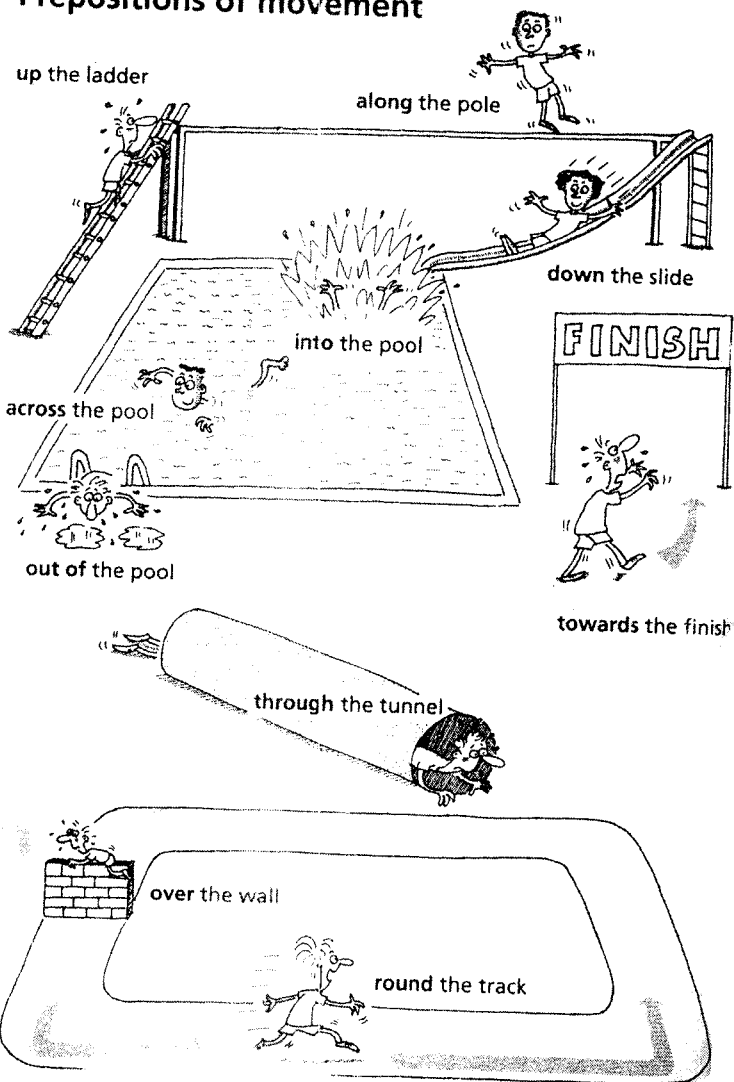
هرمز چهارم پسر انوشیروان  
م - ۵۷۹

فرهاد دوم  
۱۲۷ - ق - م



A      3:      ə      eɪ      əu      aɪ      au      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

## Prepositions of movement



## اعداد – Numbers

### ژماره کان – شماری

<b>Zero</b> /zi:rəʊ/	صفر	سفر	<b>nineteen</b> /nainti:n	نوزده	نوزده
<b>one</b> /wʌn	یک	یهک - یو	<b>twenty</b> /twenti/	بیست	بیست
<b>two</b> /tu:	دو	دوودوی	<b>twentyone</b> /wʌn/	بیستویک	بیستویک
<b>three</b> /θri:	سه	سییه ری	<b>Thirty</b> /θ3:ti/	سی	سی
<b>four</b> /fɔ:r	چار	چووار	<b>Forty</b> /fɔ:ti/	چهل	چهل
<b>five</b> /faiv/	پنج	پینج پهنج	<b>Fifty</b> /fifti/	پنجاه	پنجاه
<b>six</b> /siks	شش	شش ششش	<b>Sixty</b> /siksti	شصت	شصت
<b>seven</b> /seven	هفت	هوتحه فت	<b>Seventy</b> /sevnti	هفتاد	هفتاد
<b>eight</b> /eit	هشت	ههشت	<b>Eighty</b> /eiti	هشتاد	هشتاد
<b>nine</b> /nain	نه	نۆ	<b>Ninety</b> /nainti	نود	نود
<b>ten</b> /Ten/	ده	ده	<b>Hundred</b> /hʌndrəd/	صد	صد
<b>eleven</b> /ilevn	یازده	یانزه	<b>Thousand</b> /θaʊznd/	هزار	هزار
<b>twelve</b> /twelv	دوازده	دوانزه	<b>Million</b> /million/	میلیون	میلیون
<b>thirteen</b> /θ3:ti:n/	سیزده	سیانزه	<b>Billion</b> /billion/	بیلیون	بیلیون
<b>fourteen</b> /fɔ:tin	چهارده	چواردده	<b>First</b> /f3:st/	اول	هوهله یه کوّم
<b>fifteen</b> /fifti:n/	پانزده	پانزده	<b>Second</b> /sekənd/	دوم	دووهه م
<b>sixteen</b> /siksti:n/	شانزده	شانزده	<b>Third</b> /θ3:d/	سوم	سییه م یه روّم
<b>seventeen</b> /sevnti:n/	هفده	هفده	<b>Fourth</b> /fɔ:θ/	چهارم	چووارهم
<b>eighteen</b> /eiti:n/	هجده	ههژده	<b>Fifth</b> /fifθ/	پنجم	پینجهم

## مشاغل – Jobs کاره‌کان – شوغلی

**Actor(Actress)/æktər/** هنرپیشه مرد(زن)

**Archeologist** باستانشناس

**/ɒkiɒlədʒist/n** کوژناس

**Artist/a:tist/n** نقاش، هنرمند

**Author(writer)/ɔ:θər/** نویسنده نوسه

**Baker/beikər/n** نانوا نانکەر

**Barber(hairdresser)** آرایشگر

**/ba:bər/n** مرد(زن) نه‌وه‌رازین

**BlackSmith/blæksmiθ/n** آهنگر

**Builder/bildər/n** بنا ئوسادیوار

**Butcher/butfər/n** قصاب قه‌ساو

**Captain/kæptin/** ناخدا سهروان

**Carpenter/Ka:pintər/n** نجار چوتاش

**Clerk/klɜ:k/n** فروشنده فروشر

**Cook/kʊk/n** آشپز چی‌شت‌ساز

**Dentist/dentist/n** دندانپزشک

**Doctor/dɒktər/n** دکتر دوکتور

**Driver/draivər/n** راننده شفور

**Engineer/endʒiniər/n** مهندس

**Farmer/fa:mər/** کشاورز وه‌رزیه‌ر

**Fisherman/fi:fərmæn/n** ماهیگیر

**Gardener/ga:dnər/n** باغبان باخه‌وان

**Janitor/dʒænitər/n** دربان پاسه‌وان

**Lawyer/lɔ:jər/n** وکیل وه‌کیل

**Mason/məisn/n** سنگتراش-معمار

**Master/ma:stər/n** دبیر-رئیس

**Mayor/meər/n** شهردار شاره‌وان

**Mechanic/məkænik/** مکانیک

**Miner/mainər/** معدنچی کانگه‌چی

**Minister/minister/n** وزیر وه‌زیر

**Nurse/nɜ:s/n** پرستار

**Pilot/pailət/n** خلبان هه‌واگه‌رد

**PipeFitter/paipfitər** لوله‌کش

**Poet/pəvit/n** شاعر

**Postman/pəʊstmæn/n** پستیچی

**Policeman/pəli:smæn** پلیس، پاسبان

**Prime Minister** نخست وزیر

/praɪmɪnɪstər/n سەرۆک وه‌زیر

**Reporter** خبرنگار، گزارشگر

/rɪpɔːrtər/ خه‌به‌رده‌ر

**Servant=maid**/sɜːvənt/ خدمتکار

مرد(زن) خزمه‌تکاری پیاوژن

**Shoe Maker**/fuːmeɪkər/n کفاش

**Soldier**/səʊldʒər/n سەرواز سرباز

**Steward(ess)**/stjuəd/ مهماندار آقا

(خانم) خزمه‌تکاری پیاوژن

**Professor**/prəfəsər/n استاد، پروفیسور

**Student**/stjuːdnt/n دانش

آموز

**Surgeon**/sɜːdʒən/n جراح جهرآح

**Tailor (dressmaker)** (زن) خیاط مرد(زن)

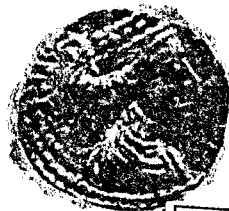
/teɪlər/n

**Teacher**/tiːtʃər/n معلم ئاموژگر

**Waiter**/weɪtər/n گارسون خزمه‌تکار

**Worker**/wɔːkər/n کارگر کری‌کار

**porter**/pɔːtər/n باربر هه‌مال



ارشک اول  
م - ۲۵۶ ق

اردوان دوم  
م - ۱۲۸ ق

## مغازه‌ها – Shops دوکانان – دووکانائی

**Bakery**/beikəri/ نانوايي نانکھري

**BarberShop**/ba:bərʃɒp/ آرایشگاه

مردانه ئارایشگای پیاوانه

**BlackSmithShop** آهنگري ئاسنگھري

**BookShop**/bʊkʃɒp/ کتابفروشی

**Butchery**/bʊtʃəri/ قصابی قه‌سابی

**Carpentry**/ka:pintəri/ نجاری چوتاشی

**Confectionery**/kənʃekʃnəri/ قندای

**DairyShop**/deəriʃɒp/ لبنیاتی شیران‌فروشی

**DressMakingSaloon** خیاطی

زنانه خه‌یاتی‌ژنانه /dresmeikin/

**DrugStore**/drʌgstɔ:t/ داروخانه

بزرگ داروخانه‌ی‌گه‌وره

**Green** سبزی/میوه

**Grocery**/groʊsəri/ فروشی میوه‌سه‌ه‌وزی‌فروشی

**Grocery**/grəʊsəri/ بقالی، خواروبار

فروشی دوکانداری‌که‌لوپه‌ل

**HairDressingSaloon** آرایشگاه

زنانه ئارایشگای‌ژنانه

**Harberdashery** خرازی

**Jewellery**/dʒu:əlri/ جواهرفروشی

**Kiosk**/ki:ɒsk/ کیوسک، غرفه

**Pharmacy**/fa:məsi/ داروخانه

**ShoeShop**/ʃu:ʃɒp/ کفش‌ی

**Shop**/ʃɒp/ مغازه دوکان

**Stall**/stɔ:l/ دکه بئکه

**Stationery**/steɪʃnəri/ لوازم‌التحریر

فروشی ئامرازی‌نوسین

**Store**/stɔ:t/ فروشگاه، انبارفروشگه

**Supermarket** سوپرمارکت

/su:pəma:kit/ دوکانی‌هه‌رنیازی

**TailorShop**/teɪləʃɒp/ خیاطی

مردانه خه‌یاتی‌پیاوان

**WatchMaker'sShop** ساعت‌سازی

سه‌عات‌سازی

## واژه‌های مذهبی – Religious Words

### وشه ئایینه کان – که لیمی ئایینی

<b>Ablution</b> /əbluːʃn/	دهس نووڤ	<b>Koran</b> /kəraːn	قرآن
<b>Angel</b> /eɪndʒl/	فرشته	<b>Martydom</b> /maːtədəm	شهادت
<b>Bible</b> /baɪbl/	انجیل عیسی (ع)	<b>Martyr</b> /maːtə/	شهید
<b>Bishop</b> /bɪʃəp/	اسقف-مُطران شیخ ترسا	<b>Moslem</b> /mosləm/	مسلمان
<b>Call for Prayer</b> /kɔːlfɔːpreər/	اذان	<b>Mosque</b> /mɒsk	مسجد
<b>Chapter (Surah)</b> /tʃæptər/	سوره	<b>Be Upon Him</b>	صلوات
<b>Christian</b> /krɪstɪən/	مسیحی	<b>Prayer</b> /preər/	نماز
<b>Church</b> /tʃɜːtʃ/	کلیسا	<b>Priest</b> /priːst/	کشیش-موبد
<b>Creator</b> /kriːeɪtər/	خالق	<b>Prophet</b> /prɒfɪt	پیامبر
<b>Creature</b> /kriːtʃər/	مخلوق	<b>Psalms</b> /saːm/n	زبور
<b>Cross</b> /krɒs/	صلیب		داود (ع)
<b>Devil (Satan)</b> /devl/	شیطان-دیو	<b>Satan</b> /seɪtən/	شیطان
<b>Faith</b> /feɪθ/	ایمان	<b>Sin</b> /sɪn	گناه
<b>Fasting</b> /fɑːstɪŋ/	روزه	<b>Sohof</b> /sohaːf/n	صحف ابراهیم
<b>God</b> /ɡɒd/	خدا	<b>Temple</b> /templ/	معبد
<b>Heaven</b> /hevən/	بهشت	<b>Torah</b> /Toraː/	تورات موسی (ع)
<b>Hell</b> /hel/	جهنم	<b>evil</b> /iːvl/	بد-شرارت آمیز
<b>Holy War (Jihad)</b>	جهاد	<b>holograph</b> /hɒləɡraːf/	خودنوشت
<b>Crusade</b> /həʊliwɔːr/			وصیت نامه
<b>Jesus Christ</b> /kraɪst/	حضرت مسیح		وه سیهت نامه نویس
<b>Jew</b> /dʒuː/	یهودی	<b>verse</b> /vɜːs/	آیه
<b>Kiblah</b> /kɪblə/	قبله		شیعر



## لوازم التحریر - Stationery

### ئەسبابی نوێسی - وەسیلە کانی نووسین

**BallPen**/bɔ:lpen/ خودکار وی نويس

**BlackInk**/blækɪŋk/ ڤرکبەرە کەو

**Book**/bʊk/ کتەب کتیبکتیو

**Calculator** ماشین حساب

/kælkjuleɾ

**Calendar**/kælɪndər/ تقویم

**Chalk**/tʃɔ:k/ گچ

**Clip**/klɪp/ گیرە گیردەر

**ColourPencil**/kəlɜ:pensl/ مدادرنگی

**Compass**/kʌmpəs/ قەڵبەنما

**Compasses**/kʌmpəsəs/ پەرگار

**Crayon**/kreɪən/ مدادشمعی

**Desk**/desk/ مێز تحریرمیزی نووسین

**Desk Lamp** چراغ مطالعه

/deskLæmp/ چرای خویندن

**Duster**/dʌstər/ تخته پاککن

**Envelope**/envələʊp/ پاکت(نامە)

**Eraser(rubber)**/ɪreɪzər/ پاک کن

**File**/faɪl/ پوشه

**Fountain Pen** خودنووس خو نويس

/faʊntɪnpɛn

**Globe**/gləʊb/ گره جغرافیایی توپی جوغرافیا

**Glove**/glʌv/ دستکش دەس کێش

**Glue**/glu:/ چسب مایع چەسپی ئاوی

**Inkpot**/ɪŋkpɒt/ دوات جی جەو هەر

**Ink**/ɪŋk/ جوهر جەو هەر

**Loose-leafBook** کلاسور

**Magicpen**/mædʒɪkpen/ مازیك

**Map**/mæp/ نقشه نه خشه

**Notebook**/nəʊtbʊk/ دفترچه

**Pen**/pen/ قلم، خودکار

**Pin**/pɪn/ سنجاق ته گرد

**Protractor**/pretræktər/ نقاله

**Puncher**/pʌntʃər/ مەنگە کوناکەر

**Reed**/ri:d/ قلم درشت-نی نه بجه

**Ruler**/ru:lər/ خطکش خەت کێش

**(pencil)Sharpener** (مداد) تراش

/ʃa:pənər/

**ScotchTape** چسب نواری-اسکاج

/skotʃTeip/ چه‌سپی‌نه‌واری

**Seal**/si:l/ مَهر مۆر‌مۆر

**Set-square**/set-skweər/ گونیا

**Stamp**/stæmp/ تمبر تهر

**Stamp**/stæmp/ استامپ مۆرخواز

**Staple**/steipl/ سوزن‌بوخت دهرزی‌دروین

**Stapling**/steipliŋ/ تەبۆزی‌کتاب

۲۵- خسرو دوم ۵۹۱-۶۲۸م

۲۶- قباد دوم ۶۲۸م

۲۷- اردشیر سوم ۶۲۸-۶۳۰م

۲۸- پوراندخت ۶۳۰-۶۳۱م

۲۹- آذرمدخت ۶۳۱م

۳۰- خسرو سوم ۶۳۱م

۳۱- هرمز پنجم ۶۳۱-۶۳۲م

۳۲- خسرو چهارم ۶۳۲م

۳۳- یزدگرد سوم ۶۳۲-۶۵۱م

**Stapler**/steipær/ ماشین‌دوخت‌کاغذ

**ThumbTack**/θʌmtæk/ پونز

**Type-writer**/taipraitər/ ماشین‌تحریر

**magnet**/mægnit/ ئاسن‌کیش

**magnifyingglass** ذره‌بین وردبین

/mægnifaingla:s/

**pencil**/pensl/ مداد میداد‌دسه‌داده

۱۳- یزدگرد اول ۳۹۹-۴۲۰م

۱۴- بهرام پنجم ۴۲۰-۴۳۸م

۱۵- یزدگرد دوم ۴۳۸-۴۵۷م

۱۶- هرمز سوم ۴۵۷-۴۵۹م

۱۷- بیروز اول ۴۵۹-۴۸۴م

۱۸- بلاش ۴۸۴-۴۸۸م

۱۹- قباد اول ۴۸۸-۴۹۷م

۲۰- جاماسب ۴۹۷-۴۹۹م

۲۱- قباد اول ۴۹۹-۵۳۱م

۲۲- خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹م

۲۳- هرمز چهارم ۵۷۹-۵۹۰م

۲۴- بهرام ششم ۵۹۰-۵۹۱م

## ماههای میلادی و فصول مانگی و فەسلێ – مانگان و وەرزان

Month/maɪnθ/ ماه مانگ

January/dʒænjʊəri/ ژانویه-دی سەرماوەز

February/februəri/ فەبرە-بەهمن رێبه‌ند

March/ma:tʃ/ مارس-سەفەند وەنۆشە‌ما

April/eɪprəl/ آوریل-فروردین خاکە‌لیو‌ه

May/meɪ/ مە-ئاردیبه‌شت گۆ‌لان

June/dʒu:n/ ژوئن-خرداد جو‌زە‌ردان

July/dʒu:lai/ ژوئیه-تیر پوش‌پە‌ر

August/ɔ:gəst/ اوت-مە‌رداد گە‌لو‌ی‌ژ

September سە‌پتە‌مبەر-شە‌ه‌ری‌ور

/septembər/ خە‌رمانان

October/ɒktəʊbər/ اکتبر-مەر رە‌زما

November/nəʊvembər/ نوامبر-آبان

December/dɪsembər/ دسامبر-آذر

Season/si:zn/ فصل وەر‌ز

Spring/sprɪŋ/ بهار وە‌ه‌ارجه‌‌ه‌ار

Summer/sʌmə/ تابستان ه‌ام‌ن

Autumn(Fall)/ɔ:təm/ پاییز

Winter/wɪntər/ زمستان زم‌سان

Century/Sentʃəri/ قرن سە‌دس‌ال



ه‌رم‌ز سوم پسر یزدگرد دوم  
۹-۴۵۷-م

## روزهای هفته روانوهفتهی - رۆژانیحهوته

**Monday**/maṇdei/ دوشنبه دوشه‌مه

**Tuesday**/Tju:zdei/ سه‌شنبه سی‌شه‌مه

**Wednesday**/wenzdei/ چهارشنبه چوار‌شه‌مه

**Thursday**/θ3:zdei/ پنج‌شنبه په‌نج‌شه‌مه

**Friday**/fraidei/ جمعه هه‌ینی

**Saturday**/sætədi/ شنبه شه‌مه

**Sunday**/saṇdei/ یکشنبه یه‌ک‌شه‌مه



سکه‌های ساسانی

اشک دوم  
۲۴۷ - ق - م

## خانواده - Family یانه و بنه ماله

**Father**/fɑðər/ پدرجابه - تاته باباوی

**Mother**/mʌðər/ مادر - دایکنا

**Grandfather** - بزرگ - باوکه گه وره

/grændfɑðər/ بزرگ

**Grandmother** - مادر - دایکه

/grændmʌðər/ بزرگ - گه وره

**Son**/sʌn/ پسر - کورکورپه

**Daughter**/dɔ:tər/ دخترکیژ - کچ کناچی

**Grandson**/grændsʌn/ نوپسری - کورنزا

**DaughterGrand** - نوهدختری کچهزا

**(paternal)Uncle** - عمو - مامو مام

/pətɜ:nlʌŋkl/

**(Maternal)Uncle** - دایی

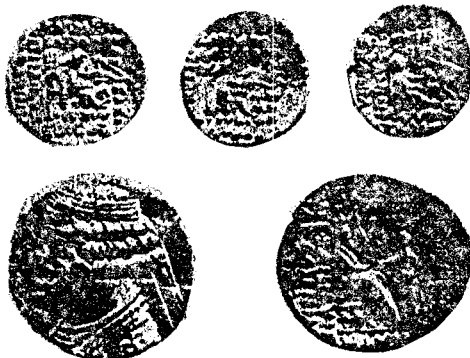
/mətɜ:nəlʌŋkl/ خالوخال - لالو

**(paternal)Aunt**/a:nt/ عمه - مه تییه

**(Maternal)Aunt** - خاله - پوریدیدی

**Sister**/sistər/ خواهر - خوشکوالی

**Brother**/brʌðər/ برادر - برا



اشک پنجم (فرهاد اول)  
۱۷۶ - ق - م

محمد اشکانی

## رنگها - Color رهنګه ګان - رهنګی

**Black**/blæk/ سیا، مشکی سیاوړه ش

**Blue**/blu:/ آبی ناویکه وووځین

**Brown**/braʊn/ قهوه‌ای قاوه‌ی

**DarkBlue**/da:kblu:/ آبی پررنگ

(وډنوشه‌ئاسا)

**Green**/gri:n/ سبز سه‌وز

**Grey**/grei/ خاکستری ځول‌بام

**LightGreen**/laitgri:n/ سبز کم‌رنگ

**Orange**/ɔ:rindʒ/ نارنجی پرته‌قالی

**Pink**/pink/ صورتی سوورته‌ی

**Red**/red/ قرمز سوورخال

**Violet**/vaiələt/ بنفش به‌نه‌وش

**White**/wait/ سفید سپی‌چهرمه

**Yellow**/jeləʊ/ زرد زهره‌د



مهرداد اول  
۱۷۱ - ق - م



اشک چهارم  
۱۹۱ - ق - م

## حيوانات – Animals حه يوانى – حه يوانه كان

<b>Animal</b> /æniml/	حيوان	حه يوان
<b>Ant</b> /ænt/	مورچه	مروچى مېروله
<b>Ass</b> /æs/	خر	ولآخ هه ركه
<b>Bear</b> /beər/	خرس	ئه شه مورچ
<b>Bee</b> /bi:/	زنبور	عسل ههنگ
<b>Beetle</b> /bi:tl/	سوسك	قولانچه
<b>Butterfly</b> /bʌtərflai/	پروانه	په پوله
<b>Calf</b> /ka:f/	گوساله	گوره كه گويړه كه
<b>Camel</b> /kæml/	شتر	وشتر
<b>Canary</b> /kəneəri/	قنارى	قه نارى
<b>Cat</b> /kæt/	گره	كته پيشى لى
<b>Centipede</b> /sentipi:d/	هزارپا	هه زار پى
<b>Chicken</b> /tʃikin/	جوجه	جوجه لى
<b>Cock</b> /kɒk/	خروس	كه له شير
<b>Cow</b> /kau/	گاو	گاو — گا
<b>Crocodile</b> /krɒkədail/	سوسمار	بزرگ
<b>Crow</b> /krəʊ/	كلاغ	قالاو
<b>Deer</b> /diər/	آهو	ئاسك
<b>Dog</b> /dɒg/	سگ	تو و ته ده له گه مال
<b>Domestic Animals</b>	حيوانات اهلى	

<b>Donkey</b> /dɒŋki/	الاغ	هه ره كه
<b>Duck</b> /dʌk/	مرغابى	مرغاوى مرأوى
<b>Eagle</b> /i:gl/	عقاب	دال باز ته رلان
<b>Elephant</b> /elifənt/	فيل	فيل
<b>Fish</b> /fiʃ/	ماهى	ماسى ماساوى
<b>Fly</b> /flai/	مگس	ميش مه شى
<b>Fox</b> /fɒks/	روباه	ريوى رواسى
<b>Frog</b> /frɒg/	قورباغه	قرواقى
<b>Giraffe</b> /dʒira:f/	زرافه	زه رافه
<b>Gnat</b> /næt/	پشه	توفانه خاكه
<b>Goat</b> /gəʊt/	بز	بزمزن
<b>Goose</b> /gu:s/	غاز	قاز
<b>Hedgehog</b> /hedʒhɒg/	جوجه تيغى	ژوژو
<b>Hen</b> /hen/	مرغ	كه ركه مر مريشك
<b>Hoopoe</b> /hu:pu:/	دهد، شانه بىسر	
<b>Horse</b> /hɔ:s/	اسب	ئه سپ مال
<b>Kangaroo</b> /kæŋgəru:/	كانگورو	
<b>Kid</b> /kid/	بزاله	بزله كار
<b>Lamb</b> /læm/	بړه	وه ره به رخ

**Leopard**/lepəd/ یوزپلنگ جوړه پلنگی  
**Lion**/laien/ شیر شیر  
**Lizard**/Lizəd/ مارمولک مارمیلکه مه زوی  
**Lobster**/lobstər/ خرچنگ قارژنگ  
**Locust**/ləukəst/ ملخ کولله قولمه  
**Monkey**/mʌnki/ میمون مه میمون  
**Mouse**/maʊs/ موش مشکمله  
**Nightingale**/naitngeil/ بلبل بلبل  
**Octopus**/ɒktəpəs/ اختاپوس، هشت پا هشت پی  
**Ostrich**/ɒstritʃ/ شترمرغ مروشتر  
**Owl**/aʊl/ جغد بومجاده قوش  
**Panther (Jaguar)**/pænθər/ پلنگ  
**Parrot**/pærət/ طوطی توتی  
**Partridge**/pa:trɪdʒ/ کبک کهو - ژه ره ژ  
**Peacock**/pi:kɒk/ طاووس تاوس  
**Penguin**/penɡwɪn/ پنگوئن  
**Pigeon**/pɪdʒen/ کبوتر کوتر کاووتر  
**Quail**/kweil/ بلدرچین که ره والّه  
**Rabbit**/ræbit/ خرگوش هه وری شه  
**Rhinoceros**/raɪnɒsərəs/ کرگدن  
**Scorpion**/skɔ:pɪen/ عقرب بوپشک  
**Shark**/ʃa:k/ کوسه جوړه ماسیه کی دره ندهیه

**Sheep**/ʃi:p/ گوسفند مه یه مه رخی  
**Silkworm**/sɪlkwɜ:m/ کرم ابریشم  
**Snail**/sneɪl/ حلزون سه وزی خوړ  
**Snake**/sneɪk/ مار مار  
**Sparrow**/spærəʊ/ گنجشک چوله که  
**Spider**/spaɪdər/ عنکبوت که کله موشان  
**Squirrel**/skwɪrəl/ سنجاب سموره  
**Swallow**/swɒləʊ/ پرستو، چلچله  
**Swan**/swɒn/ قو قوی ئاوان  
**Tiger**/taɪɡər/ ببر به بری به یان  
**Toad**/təʊd/ وزغ جوړه قرپو قی  
**Turkey**/Tɜ:ki/ بوقلمون به قله موت  
**Turtle**/tɜ:tl/ لاکپشت کیسه ل  
**Vulture**/ˈvʌltʃər/ کرکس دالی گهر  
**Wasp**/wɒsp/ زنبور زه رده والّه  
**Whale**/weɪl/ نهنگ-وال نه هه نگ  
**Wild Animals** حیوانات حه یوانه  
**/waɪdəniml/** وحشی کیویان  
**Wolf**/wɒlf/ گرگ وهرگ گورگ  
**Woodpecker**/wʊdpekər/ دارکوب  
**Worm**/wɜ:m/ کرم کرمی - کرم  
**Zebra**/zi:brə/ گورخر که ره کیوی



## اعضاء بدن (bodyorgans) تیکی لاشه‌ی - به شه کانی له‌ش

Ankle/æŋkl/	مچ-قوزکپا قاپوره	Eye/ai/	چشم چاوچه‌م
Armpit/a:mpit/	زیربغل بن‌بال	Face/feis/	صورت روو‌دیم
Artery/a:təri/	سرخرگ رَه‌گی‌سوور	Finger/fingər/	انگشت‌دست‌خام‌کُنه‌نگوس
Back/bæk/	پشت په‌شتی‌پشت	Fist/fist/	مشت مشت
Beard/bied/	ریش	Foot/fut/	پا پی‌پا
Belly/beli/	شکم سکه‌مه	Forearm/fɔ:ra:m/	ساعدمه‌چه‌ک
Blood/blʌd/	خون ونی‌خوین	Forehead/fɔ:rid/	پیشانی ته‌ویل
Body/hɒdi/	بدن له‌ش	Gum/gam/	لته-قرو-گلوه
Bone/bəʊn/	استخوان پی‌شه	Hand/hænd/	دست ده‌س‌ده‌ست
Brain/brein/	مغز، مخ مه‌ژگ	Head/hed/	سر سه‌ر‌سه‌ره
Breast/brest/	سینه-پستان به‌ره‌ک	Heart/ha:t/	قلب دل
Capillary/kəpiləri/	مویرگ رَه‌گ‌موو	Jaw/dʒɔ:/	فک، آرواره چه‌ناکه‌کله‌وه
Cheek/tʃi:k/	لب، گونه-گپ گولم	Kidney/kidni/	کلیه گوجیلی‌ولک
Chin/tʃin/	چانه چه‌ناکه‌زنج	Knee/ni:/	زانو نه‌ژنو‌ز نه‌نگول
Ear/ɜ:r/	گوش گوی‌گوش	Leg/leg/	ساق‌پا لاق-لنگ
Elbow/elbɔʊ/	آرنج هه‌ریژن	Lip/lip/	لب-لچ‌ولیو
Eye-brow/ai-brəʊ/	ابرو برو	Liver/livər/	کبد-جگر-یه‌هر جه‌رگ
Eye-lash/ai-læʃ/	مژه برژانگ	Lung/λŋ/	ریه-سی-شو‌شی
Eye-lid/ai-lid/	پلک پیله‌چه‌م‌پوش		

<b>Moustache</b> /məsta:f/	سویل	سوئل
<b>Mouth</b> /maʊð/	دهان	دهم
<b>Muscle</b> /məsl/	عضله	ماهیه، مه‌یه
<b>Nail</b> /neɪl/	ناخن	ناخون
<b>Navel</b> /neɪvəl/	ناف	ناوک‌نه‌ها
<b>Neck</b> /nek/	گردن	مل
<b>Nerve</b> /nɜ:v/	عصب	دهمار
<b>Nose</b> /nəʊz/	بینی	لووته‌لووت
<b>Palm</b> /pɑ:m/	کف دست	لواسه
<b>Pancreas</b> /pæŋkries/	لوزالمعده	
	بادام معده	
<b>Shoulder</b> /ʃəʊldər/	کتف	شانه
<b>Side</b> /saɪd/	پهلوی	کنار-پالو-پال‌کن

۶- بهرام سوم ۲۹۳ م

۷- نرسی ۲۹۳-۳۰۳ م

۸- هرمز دوم ۳۰۳-۳۰۹ م

۹- شاپور دوم ۳۰۹-۳۷۹ م

۱۰- اردشیر دوم ۳۷۹-۳۸۳ م

۱۱- شاپور سوم ۳۸۳-۳۸۸ م

۱۲- بهرام چهارم ۳۸۸-۳۹۹ م

<b>Skin</b> /skin/	پوست	پی‌ست‌پوئس
<b>Sole</b> /səʊl/	کف پا	ژیرپی‌چیرپا
<b>Spine</b> /spain/	ستون فقرات	مازی‌پشت
<b>Stomach</b> /stʌmək/	معده	هورگ
<b>Thigh</b> /θai/	ران	شلکه‌ران
<b>Throat</b> /θrəʊt/	گلو	قرو‌خلوه
<b>Toe</b> /təʊ/	انگشت پا	نه‌نگوسه‌وپای
<b>Tongue</b> /tʌŋ/	زبان	زوان-زمان
<b>Tooth</b> /tu:θ/	دندان	دیان‌ددان
<b>Vein</b> /veɪn/	سیاهرگ	ره‌گی‌ره‌ش
<b>Waist</b> /weist/	کمر	میوین‌گناوقه
<b>Wrist</b> /rɪst/	مچ دست	موچ‌مه‌چه‌ک
<b>heel</b> /hi:l/	پاشنه پا	پازنه

سالشمار شاهان ساسانی

۱- اردشیر اول ۲۲۴-۲۴۱ م

۲- شاپور اول ۲۴۱-۲۷۲ م

۳- هرمز اول ۲۷۲-۲۷۳ م

۴- بهرام اول ۲۷۳-۲۷۶ م

۵- بهرام دوم ۲۷۶-۲۹۳ م

## پوشاک (clothing)

## لیباس - سیالی

Belt/belt/ کمر بند مردانه میوین

Blouse/blu:z/ بلوز جاکت

Boots/bu:t/ بوتین - چکمه

BowTie/bəʊtai/ پاپیون یه خه بهن

Cap/kæp/ کلاه به دار کلاوشه به ق

Cloak/kləʊk/ شل - خرقه رو کراس

Coat/kəʊt/ کت کورت

Collar یقه یه خه یه خه

Gloves/ɡlʌv/ دستکش دهس کهش

Handkerchief/hændkətʃif/ دستمال

Hat/hæt/ کلاه کلاو

Helmet/helmit/ کلاه ایمنی کلاوی به رگری

Jacket/dʒækɪt/ ژاکت جاکت

Lining/linɪŋ/ آستر ناسه ر

NeckTie/nektaɪ/ کراوات مل بهس

Overall/əʊvərɔ:l/ روپوش روپوش

Pants/pænts/ شلوار زنانه شوال

Pyjamas/pə'dʒa:mez/ زیر شلوازی

پیژامه ژیه شوال - چیر پاوهره

Raincoat/reɪnkəʊt/ بارانی باران گیر

Robe/rəʊb/ عبا - جبه ردا کواکهوا

RubberBoots/ɹʌbərbu:ts/ چکمه

Sash/sæʃ/ کمر بند زنانه که مهره

Scarf/skɑ:f/ روسری، شال گردن شه ده

Shirt/ʃɜ:t/ پیراهن کراس گجی

Shoes/ʃu:/ کفش کهوش پالا

Shorts/ʃɔ:ts/ شلوارک تونکی

Skirt/skɜ:t/ دامن داوین کوله نجه

Sleeve/sli:v/ آستین قول

Slippers/slɪpər/ دمپایی سه پایایی

Socks/sɒks/ جوراب ساقه گویروا

کوتاه گوره وی

Stocking/stɒkɪŋ/ جوراب ساقه

بلند شوره گویره وه

Suit/sju:t/ کت و شلوار کوتوشوال

T-Shirt/ʃɜ:t/ تی شرت (پیراهن ژیراکراس)

آستین کوتاه

Trousers/traʊzəz/ شلوار مردانه پاتول

Turban/tɜ:bən/ عمامه کلاوده سمال

Underwear/ʌndəweɪər/ زیر پوش

Veil/veil/ چادر دهوار - رهش مال

overcoat/əʊvərkeʊt/ پالتو په سه کی

## طبیعت (Nature/neit fər/)

## ته بئی عهت - سروشت

<b>Africa</b> /æfrikə/ آفریقا ئیفریقا	<b>Forest(jungle)</b> /fɒrɪst/ جنگل دارستان
<b>America</b> /əmerikə/ آمریکا ئیمریکا	<b>Galaxy</b> /gæləksi/ کۆمەڵی ئەستێرە
<b>Asia</b> /Asia/ آسیا ئاسیا	<b>Gulf</b> /gʌf/ خلیج ئاوکەند
<b>Australia</b> /ɔːstreiliə/ ئوسترالیا	<b>Hail</b> /heil/ تگرگ تەرزەتوهرگی
<b>BlackMud</b> /blækmaʊd/ باطلای میړگ	<b>Harbour</b> /haːbər/ بندر شاریدەریا
<b>Bush</b> /buʃ/ بوته متهه	<b>Hill</b> /hil/ تپه بازی ته پۆله مباسک
<b>Cape</b> /keɪp/ دماغه-خشکی رفته در آب ئاویڕ	<b>Island</b> /aɪslænd/ جزیره ئاوده ور
<b>Chain(range)</b> رشته کوه، کوستان	<b>Lightning</b> /laɪtnɪŋ/ برق-برووسکه
سلسله جبال زه نجیره کیو	<b>Mine</b> /maɪn/ معدن کانگه
<b>Cloud</b> /klaʊd/ ابر-هه وره له آ	<b>Mist(fog)</b> /Mɪst/ مه-ته م مژ
<b>Continent</b> /kɒntɪnənt/ قاره وشکی	<b>Moon</b> /muːn/ ماه مانگ مانگه
<b>Desert</b> /dezət/ بیابان بیوانوهه رد	<b>MoonEclipse</b> خسوف-ماه گرفت
<b>Earth</b> /ɜːθ/ زمین زه وی ئه رز	/muːnɪklɪps/ مانگ گرفت
<b>Earthquake</b> /ɜːθkweɪk/ زلزله بومه له رزه	<b>Mountain</b> /maʊntən/ کوه کیوکه ش
<b>Ebb&amp;Tide</b> /eb جزر و مد ئاویان و نشت	<b>Ocean</b> /əʊfən/ اقیانوس دایکی دهریا
<b>Equator</b> /ɪkweɪtər/ خط استوا	<b>Oceania</b> /əʊfɪniə/ اقیانوسیه
<b>Europe</b> /jʊərəp/ اروپا ئروپا	<b>Peak</b> /piːk/ قله ئاسوکه له لووته
<b>Flood</b> /flʌd/ سیل لافاو هه رهس	<b>Plateau</b> /plætəʊ/ فلات پانایی
<b>Flower</b> /flaʊər/ گل گول	<b>Rain</b> /rein/ باران-رنه رن وارن

<b>Rainbow</b> /reinbəʊ/	سینه زمری نی	رنگین کمان
<b>River</b> /rivər/	رئوبار چه م	رودخانه
<b>Sand</b> /sænd/	ریخ وریزی	شن
<b>Sea</b> /si:/	ده لیا	دریا
<b>Sky</b> /skai/	ئاسمان	آسمان
<b>Snow</b> /snəʊ/	وه و مبه فربه ور	برف
<b>Soil</b> /soil/	خاکو خول	خاک
<b>Star</b> /sta:r/	هه سار منه ستیره	ستاره
<b>Steppe</b> /step/	جلگه - استپ	پانوبه رین
<b>Storm</b> /Stɔ:m/	توفان	توفان
<b>Strait</b> /streit/	تنگه - گنر آب ویری ئا و پرگه	تنگه
<b>Stream</b> /stri:m/	نهر، جویبار	جۆگه ئا و چه م

<b>Sun</b> /sʌn/	خورشید	رئوبار خور
<b>SunEclipse</b>	کسوف - گرفت خورشید	
/sʌniklips/	خورگرت	
<b>Thunder</b> /θʌndər/	رعد - تری شقه گر مه هور	
<b>Universe</b> /ju:nivɜ:s/	جهان - دنیا	
<b>Valley</b> /væli/	دره	دره و چه م
<b>Volcano</b> /Vɒlkeɪnəʊ/	آتشفشان	ئه بریزگن
<b>WaterFall</b> /wɔ:tərfɔ:l/	آبشار	تاف بیل
<b>Wind</b> /wind/	باد	واحه مه بجا
<b>Wood</b> /Wʊd/	بیشه، جنگل - چوب	چو
<b>planet</b> /plænɪt/	سیاره	هه ساره
<b>pole</b> /pəʊl/	قطب	زئرو بانی زه وی



پیروز پسر یزدگرد دوم

م - ۴۸۴

## Foods/fu:d/ خوراکیها

### وارد مه نیی - پی خوره کان

**Animal Fat**/æniml fæt/ روغن حیوانی

**Beef**/bi:f/ گوشت گاو گوشته گا

**Boiled Egg**/boileg/ تخم مرغ آب پز

**Boiled potatoes** سیب ز مینی آب پز

**Boiled rice**/boildrais/ کته کته

**Bologna**/bələgnə/ کالباس

**Bread**/bred/ نان نانه

**Broth**/brɒθ/ آب گوشت ناو گوشت

**Butter**/bʌtər/ کره کهره کهری

**Canned Food**/kændfu:d/ کنسرو

**Canned Fruit**/kændfru:t/ کمپوت

**Cheese**/tʃi:z/ پنیر به نیر به نیره

**Chicken**/tʃikin/ جوجه جوجه له

**Cookies**/kʊkis/ شیرینی خشک

**Cream**/kri:m/ خامه فرولورکی

**Cutlet**/kʌtlit/ کتلت ته ماته وهیله

**Egg**/eg/ تخم مرغ هیله هیله

**Fish**/fi:f/ ماهی ماسی ماساو

**Flour**/flaʊər/ آرد هاردناردی

**Fried Egg**/fraideg/ نیمرو هیله وروون

**Fried potatoes** سیب ز مینی سرخ کرده

**Ham**/hæm/ ژامبون - ران خوک به راز ده گوشت

**Hamburger**/hæmbɜ:gər/ همبرگر

**Hen**/hen/ مرغ کهره مرغ ریشک

**Honey**/hʌni/ عسل هه نگوین

**Hot Dog**/hɒtdɒg/ سوسیس پخته

**Ice cream**/aɪskri:m/ بستنی

**Ice**/aɪs/ یخ سه هول - رچه

**Jam**/dʒæm/ مربا

**Kidney**/kedni/ قلو - کلیه گو جیه ولک

**Lamb**/læm/ گوشت بره گوشته کاور

**Lemon Juice**/leməndʒu:s/ آبلیمو

**Liver**/kivər/ جگر جهره گیه ههر

**Lump Sugar**/lʌmpfʊgər/ قند قهن

**Meat Paste**/mi:tpeɪst/ گوشت چرخ

کرده قیمه ی گوشت

**Pastries**/peɪstri:s/ شیرینی تر

<b>Pepper</b> /pepər/	فلفل	بیبارئالەت
<b>Pickle</b> /pikl/	ترشی	تورشى
<b>Salami</b> /səla;mi/	کالباس خشک	
<b>Salmon</b> /sæmən/	ماهی آزاد ماسی	
<b>Salt</b> /solt/	نمک	خوی نمەکی، مه کی
<b>Sausages</b> /sɒsɪdʒ/	سوسیس	
<b>Shortening</b>	روغن نباتی جامد	روغن نباتی جامد روغن
<b>Soft Egg</b> /softeg/	تخم مرغ عسلی	
<b>Soup</b> /su:p/	سوپ	دوخوا
<b>Sour Grapes</b>	آبغوره	ئاوقوره
<b>Steak</b> /steik/	گوشت کبابی	که باب
<b>Stew</b> /stju:/	خورشت	خورشت

<b>Sugar</b> /ʃʊgər/	شکر	شه کهر
<b>Tongue</b> /Tʌŋ/	زبان	زوانی ناو دەم
<b>Veal</b> /vi:l/	گوشت گوساله	گوشتی گۆرەکه
<b>Vegetable Oil</b>	روغن نباتی	روغن نباتی مایع روغن
<b>Vinegar</b> /vinigər/	سرکه	ترش
<b>Yoghurt</b> /jəʊgərt/	ماست	ماس
<b>heart</b> /ha:t/	دل-قلب	دل
<b>meat</b> /mi:t/	گوشت	گوشت
<b>minced meat Stew</b>	خورشت قیمه	
<b>Cooked Rice</b> /kʊkdraɪs/	پلو	پلاو
<b>salad</b> /sæləd/	سالاد	



بهرام اول  
۲۷۴ م

## وسایل نقلیه      Transport means

### وهسیلانوئامه ولوای - وهسایلی ها توچووگردن

Aeroplane(Airplane) نه یاره هواپیما	Minibus/minibas/ مینی بوس
Bicycle/bæisikl/ دوچرخه	Motorcycle/məʊtərsikl/ موتور
Boat/bəʊt/ قایق جوړی ئاوگهرد	سیکلٹ
Bus/bʌs/ اتوبوس	Ship/fɪp/ کشتی ئاوگهر
Car/kɑ:r/ اتومبیل، ماشین	Taxi(Cab)/Tæksi/ تاکسی
Carriage/kæridʒ/ درشکه	Train/trein/ قطار
Cart/kæt/ گاری گاریه	Tram/træm/ تراموا
Coach/kəʊtʃ/ کالسکه که جاوه	Tricycle/trisikl/ سه چرخه
DoubleDecker اتوبوس دو طبقه	Truck(Lorry)/lɒri/ کامیون
Metro(Undergroud n Train) مترو	massy/masi/ سنگین - ماسا - توپیر



ولاش چهارم  
۱۹۹ - م



بلاش برادر پیروز  
۴۸۴ - م



## ابزار آلات Tools

### وهسیلی - وهسیله کان

<b>Axe</b> /æks/	تبر	ته ورتوهر
<b>Board</b> /bɔ:d/	تخته	چیوی ساف
<b>Clamp</b> /klæmp/	گیره	قولاو
<b>Cord</b> /kɔ:d/	ریسمان-زه	كهوان
<b>Drill</b> /dril/	مته	مه تی مه ته
<b>Hammer</b> /hæmər/	چکش	
<b>Key</b> /ki:/	کلید	کریل کلید
<b>Ladder</b> /ladər/	نردبان	په یجه سرده
<b>Nail</b> /neil/	میخ	بزماری بزماری
<b>Phillips screw</b>	پیچ گوشتی	
<b>Driver</b>	چهارسو	چوارسوچ
<b>PickAxe</b> /pɪkæks/	کلنگ	زهنکچاچ
<b>Pincers</b> /pɪnsəz/	گازانبر	گاز
<b>Pliers</b> /plaiəz/	انبردست	گاز
<b>Saw</b> /sɔ:/	اره	مشاروده سه ره
<b>Screw</b> /skru:/	پیچ	جه ره پیچ

<b>ScrewDriver</b>	پیچ گوشتی	
/skru:draɪvər/	(دوسو)	
<b>ScrewSpanner</b>	آچار فرانسه	
/skru:spænər/		
<b>Socket</b> /sɒkɪt/	پرین	
<b>Spade</b> /speɪd/	بیل	بیله بیل
<b>Spanner</b> /spænər/	آچار	ئاچهر
<b>Switch</b> /swɪtʃ/	کلید برق	کلیدی بهرق
<b>Tools</b> /tu:l/	ابزار	ئامراز چیوی
<b>Wire</b> /waɪər/	سیم	تهل ته وکه
<b>oil.well</b> /ɔɪlweɪl/	چاه نفت	وله نه فته
<b>paint</b> /peɪnt/	رنگ	
<b>paintingBrush</b>	قلم مو	
/peɪntɪŋbrʌʃ/		
<b>plug</b> /plʌg/	دوشاخه برق	

۳۰- بلاش دوم ۷۸-۱۴۸ م

۳۴- بلاش پنجم ۲۰۸-۲۱۳ م

۳۱- مهرداد چهارم ۱۳۰-۱۴۸ م

۳۵- اردوان پنجم ۲۱۳-۲۲۴ م

۳۲- بلاش سوم ۱۴۸-۱۹۱ م

۳۶- ارتاواز ۲۲۴-۲۲۸ م

۳۳- بلاش چهارم ۱۹۱-۲۰۸ م

## بیماریها (diseases) ناو هشیه کی - نه خوشیه کان

<b>Cancer</b> /kænsər/ سرطان دهردی گران	<b>Typhoid</b> حصبه په تاییه مان
<b>Tuberculosis</b> سل سیل	<b>Fever</b>
/tiu:b3:kjʊləʊsis/	<b>Cholera</b> /cholera/ وبا وهوا
<b>Measles</b> /mizlz/ سرخک سورنجه	<b>Epilepsy</b> /epilepsi/ صرع فیغش
<b>Scarlet Fever</b> مخملک دره یلی	<b>Leprosy</b> /leprəsi/ جذام-گری گولی
/ska:litfi:vər/	<b>Plague</b> /pleig/ طاعون تاعون
<b>Small Pox</b> /pɒks/ آبله هه لوی	<b>Jaundice</b> /dʒɔ:ndis/ زردی، یرقان
<b>Chicken</b> آبله مرغان هه لوهر	<b>HoopCough</b> سیاه سرفه قفه ره شه
<b>Pox</b> /pɒks/ کوکه	/hʊpkɒf/
<b>Diphtheria</b> /difθiəriə/ دیفتری تاسیان	<b>Malaria</b> /məleəriə/ مالاریا نازاره باریکی
<b>Tetannus</b> /Tetənəs/ کزاز قروگیر	<b>Pneumonia</b> /nju:məʊniə/ ذات الریه
<b>Rabies</b> /reibi:z/n هاری سه گاز	سینه پهلو ناوسانی سوشوش
<b>Infantile Paralysis</b> فلج اطفال	<b>Diabetes</b> /daɪəbetik/ بیماری قند
<b>Flu</b> /flu:/ آنفولانزا هه لامهت	<b>Bloodpressure</b> فشار خون
<b>Diarrhoea</b> /daɪəriə/ اسهال سک چون	/blʌdpresər/

۲۴- مهرداد ۴۹ م

۲۵- ونن دوم ۵۱ م

۲۶- بلاتس اول ۵۱-۷۸ م

۲۷- پاکر دوم ۷۸-۸۳ م

۲۸- اردوان چهارم ۸۰/۸۱ م

۲۹- خسرو ۱۰۹-۱۲۹ م

## اتاق خواب (bedroom)

### دیوی نوستن - ئوتاقه ووتهی

Bed-side-lamp	چراغ خواب چراخاو
Bed/bed/	نخخواب نهختیخه و
Bedding/bedin/	رختخواب جی و بان
Bedroom/bedru:m/	اتاق خواب
Blanket/blæŋkit/	پتو
Pillow/piləv/	بالش-متکا-پشتی
Quilt/kwilt/	لحاف لیف
Sheet/ʃi:t/	ملحفه و مره قه مە لافه

Wardrobe/wɑ:drəʊb/	گهنبه کمد
cradle/kreidl/	گهواره-لانک-بیشکی
	له لوه
makeTable/meikteibl/	میز
	توالت/آرایش
mattress/mætris/	تشک دوشهک
pram/præm/	کالسکه
sisy/sisi/	مردزن صفت شه کله



چهار سب برادر قباد

۱۸- فرهاد پنجم ۳ ق.م - ۴ م

۴۹۶-م

۱۳- مهرداد سوم ۵۷-۵۵ ق.م

۱۹- ارد دوم ۴-۸ م

۲۰- ونن اول ۸-۱۱ م

۲۱- اردوان سوم ۱۲-۳۸ م

۲۲- وردان اول ۴۰-۴۵ م

۲۳- گودرز ۴۱-۵۱ م

۱۴- ارد اول ۵۷-۳۷ ق.م

۱۵- یاکر ۳۹ ق.م

۱۶- فرهاد چهارم ۳۷/۳۸ ق.م

۱۷- تیرداد دوم ۲۶/۲۷ ق.م



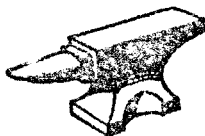
ARCH



ANCHOR



ACORN



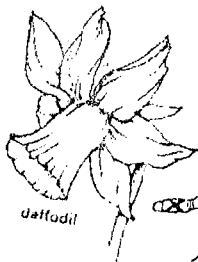
ANVIL



AXE



چاقا سبیا



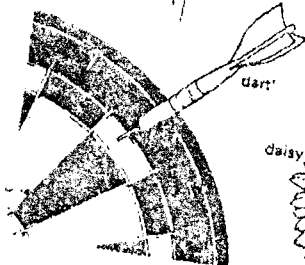
daffodil



dance



قباد پسر پیروز  
۴۸۹-م



dart



daisy

## اتاق پذیرایی (sittingroom) نُتاقی میوانداری

**Carpet**/ka:pit/ فرش، قالی، قالیچه

**Rug**/rʌg/ قالیچه بهر

**Curtain**/kɜ:tn/ پرده، پرده

**Venetian Blinds** پرده کرکره

/vəni:fnblaɪnds/

**Chandelier**/ʃændəliər/ لوستر، چلچرا

**Lampshade** چراغ خواب

/læmpʃeɪd/ آباژور، چراغ خه

**Tape**/teɪp/ نوار ضبط صوت، شریط

**Furniture**/fɜ:nɪfəɹ/ موبل، موبل

**Sofa**/səʊfə/ کاناپه، موبلی زهه تی

**Cushion**/kʊʃən/ نازبالش، پشتی

**Ashtray**/æʃtreɪ/ زیرسیگاری

**Painting**/peɪntɪŋ/ تابلو (نقاشی)

**Heater**/hi:tər/ بخاری برقی، چرابه رقی

**heating central** شوفاژ، گهر ماده ر

**Air conditioning** تهویه مطبوع

/eərkəndɪfəɪnɪŋ/

**Tape recorder** ضبط صوت، زه بت

/teɪprɪkə:dər/

سالشمار شاهان اشکانی

۱- ارشک اول ۲۵۰-۲۴۷ ق.م

۲- تیرداد اول ۲۴۷-۲۱۱ ق.م

۳- ارشک دوم ۲۱۱-۱۹۱ ق.م

۴- فریادپات ۱۹۱-۱۷۶ ق.م

۵- فرهاد اول ۱۷۶-۱۷۱ ق.م

۶- مهرداد اول ۱۷۱-۱۳۸ ق.م

۱۰- اردشیر سوم ۳۵۹-۳۳۷ ق.م

۱۱- آرسس ۳۳۷ ق.م

۱۲- داریوش سوم ۳۳۷-۳۳۰ ق.م

## حمام (bathhouse)

## حهمام

<b>Bathroom</b> /bæθru:m/ حمام	<b>Shampoo</b> /ʃæmpu:/ شامپو
<b>Bathtub</b> /bæθtʌb/ وان-حمام فرنگی	<b>Shower</b> /ʃaʊər/ دوش شوَره نَاو
<b>Blade, Razor</b> /bleɪd تیغ تیغ	<b>Sitting Toilet</b> توالت که ناراو
<b>Comb</b> /kəʊm/ شانه	/sɪtɪŋ ˈtɔɪlɪt/ فرنگی
<b>Electric-hair Drier</b> سشوار	<b>Soap</b> /səʊp/ صابون-ساون
<b>Electric Shaver</b> ریش تراش	<b>Squatting Toilet</b> توالت ده سشوری
/ɪlektri:k ʃeɪvər/ برقی ریش تاش	/skwɒtɪŋ ˈtɔɪlɪt/
<b>Ewer</b> /evər/ آفتابه نافتاوه	<b>Towel</b> /taʊəl/ حوله هه وْله
<b>Mirror</b> /mɪrər/ آینه نهینه وجام	<b>Wash-Stand</b> دستشویی
<b>Perfume</b> /pɜ:fju:m/ عطر عه بیر	/wɒʃstænd/ که ناراو
<b>Safety Razor</b> خود-ریش تراش	<b>Water Heater</b> آبگرمکن
/seɪftɪreɪzər/ ریش تاش	/wɔ:tərhi:tər/ ناوگه رمکه ر

۵- اردشیر اول ۴۶۵-۴۲۵ ق.م

سال شمار شاهان هخامنشی

۶- خشایارشای دوم ۴۲۵ ق.م

۱- کوروش ۵۵۹-۵۲۹ ق.م

۷- داریوش دوم ۴۲۵-۴۰۵ ق.م

۲- کمبوجیه ۵۲۹-۵۲۱ ق.م

۸- کوروش دوم ۴۰۱-۴۰۰ ق.م

۳- داریوش اول ۵۲۱-۴۸۵ ق.م

۹- اردشیر دوم ۴۰۵-۳۵۹ ق.م

۴- خشایارشا ۴۸۵-۴۶۵ ق.م

## لوازم آشپزخانه (kitchenmeans) نامرزی ئاشپه زخانه – وه سلی ئاشپه زخانه

**Apron**/eiprən/ پدش بند وهرین

**Blender**/blendər/ هدرن چه نه دهر

**Bottle Opener** در باز کن دهر باز کهر

/bɒtləʊpənər/ (بطری)

**Bowl**/bəʊl/ کاسه-پیاله جاموّل

**Broom**/bru:m/ جارو گزگزی

**Bucket (Pail)**/bʌkit/ سطل سه تلّ

**Can Opener** در باز کن بهر هواز کهر

/kənəʊpənər/ (کنسرو...)

**Charcoal**/tʃa:kəʊl/ زغال خه لوّز

**Cup**/Kʌp/ فنجان-قرووشکه

**Dish**/diʃ/ دیس-بشقاب-آنتن

**Faucet**/fə:sit/ شیر آب شیره ئاو

**Fork**/fɔ:k/ چنگال

**Freezer**/fri:zər/ فریزر ساردو کهر

**Fruit Juicer**/fru:tdʒu:s/ آبمیوه گیری

**Funnel**/fʌnl/ قیف-رّه ته تی پاریزهر

**Gas Cooker**/gæskʊkər/ اجاق گاز

**Gas Lighter**/gæslaitər/ فندک گاز

**Jug**/dʒʌg/ پارچ تونگه ئاو

**Kerosene Cooker** چراغ نفتی

/kerəsi:nkʊkər/ چرای نه وتی

**Lighter**/laitər/ فندک فه نه دک

**Match**/mætʃ/ کبریت کرمیت گورد

**Meat Grinder** چرخ گوشت

/mi:tgraɪndər/ چه رخی گوشت

**Mixer**/miksər/ مخلوط کن ئاویته کهر

**Napery**/neipəri/ سفره

**Oven**/ʌvən/ فر-اجاق گاز چرا گاز

**Paper Tissue** دستمال ده سمالّ

/peɪpərTiʃu:/ کاغذی نه رمه

**Plate**/pleɪt/ بشقاب ده وری

**Refrigerator** یخچال

/rɪfrɪdʒəreɪtər/

**Rice Cooker**/raɪskʊkər/ پلوپز

**Salt Shaker**/sɒltʃeɪkər/ نمکدان

**Samovar**/sæməvɑ:r/ سماور

**Sauce Pan**/sə:spæn/ قهوله مه قابله

<b>Saucer</b> /So:sər/	نعلبکی ژیر پیاله	<b>churn</b> /tʃɜ:n/	ظرف کره سازی
<b>Sink</b> /sɪŋk/	ظرفشویی زهرفشور		که ره چن
<b>Spoon</b> /spu:n/	قاشق چه مچه	<b>kettle</b> /ketl/	کتری کتریه
<b>Teapot</b> /ti:pɒt/	قوری قوریه	<b>knife</b> /naɪf/	کارد، چاقوچه قو
<b>Tray</b> trei/	سینی - که شه فیه	<b>skinchurn</b>	جاروغن خبگه
<b>Vacuum Cleaner</b>	جاروبرقی	/skɪntʃɜ:n/	چرمی - خبگ مه شکله روون
/vækjuəmkleɪnər/			
<b>Washing Machine</b>	ماشین لباسشویی		
/wɑʃɪŋməʃi:n/	ماشینی لباسشویی		

الفبای گشته دبیره

در دوره ساسانیان

س	د	پ	ه	ط	ع
ا	ب	پ	ت	ج	
ح	خ	د	ر	ز	
س	ش	ک	گ	ل	
م	ن	د	ی		



## سبزیجات (vegetables)

## سه‌وزی - سه‌وزیه کان

aubergine/əʊbəʒi:n/ بایمجان بامجان

Barley/ba:li/ جو یه‌وه‌جو

Basil/bæzl/ ریحان ری‌حان

Bean/bi:n/ لوبیا-باقله وله‌ره

Cabbage/kæbidʒ/ کلم

Carrot/kærət/ هویج گزه‌ر

Celery/seləri/ کرفس که‌ره‌وز

Coriander/kʊrindər/ گشنیز تاو‌لی

Corn/kɔ:n/ ذرت کو‌مه‌ل‌دانه

Garlic/ga:lik/ سیر

Grass Pea ماش ماشه

/grɒspi/ نخودسبز

Leek/li:k/ تره‌کوهی-سیرسبز

Lentil/lentil/ عدس نیسک‌میژوی

Lettuce/letis/ کاهو

Marrow/mærəʊ/ کدو مسما‌یی کوله‌که‌خانما‌نی

Mushroom/mʌʃrʊm/ قارچ کارگر

Olive/ɒliv زیتون زه‌یتون

onion/ʌnjən/ پیاز پیاز

Parsley/pa:sli/ جعفری جافری

Pea/pi:/ نخود نو‌ک‌خ‌وه‌یه

Potato/pəteitəʊ/ سیب‌زمینی

Radish/rædif/ تربچه توره‌سوور

Spearment/spiərmint/ نعناع نانا

Spinach/spinidʒ/ اسفناج

SplitPeas/splitpi:s/ لپه لپه

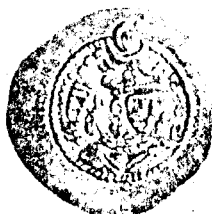
Tarragon/tærəgən/ ترخون ته‌رخون

Tomato/təmeitəʊ/ گوجه‌فرنگی ته‌ماته

Wheat/wi:t/ گندم گه‌نم‌گه‌نمه

## نوشیدنیها (drinks) نوشانه کان-نوشانی

Banana with Milk	شیرموز	Juice/dʒu:s/	آب میوه ناومیوه
Chocolate Coffee	شیرکاکائو	Milk/milk/	شیر شوت
/tʃɒklətʃɒfi/		SoftDrink/sɒftdrɪŋk/	نوشابه
ChurnedSourMilk	دوغ دو	Tea/ti:/	چای چایی-چا
Coffee(BlackCoffee)	قهوه قاوه	Water/wɔ:tər/	آب ناوئاوی-ئهو
Coffee Shake	کافه-گلاسه	Wine/wain/	می-شراب شهروا
/kɒfiʃeɪk/	قهوه	alcoholik drink	نوشابه-الکلی
Drinking Water	آب خوردن ناوخواردن	mug/mʌg/	آبجوخوری-آبخوری ناوخوازی



بلاش ۴۸۴ - م

## میوه‌ها (fruits)

## میوه‌کان -- میوئ

Almond/a:mənd/ بادام وامی‌بادامی

Apple/æpl/ سیب سیو-ساوی

Apricot/eiprikot/ زردآلو شیلانه

Banana/bəna:nə/ موز مه‌وز

BlackBerry/blækberi/ شاتوت

توت‌سیاه سورەتفی-توودەسوورە

Cantaloupe/kæntəlu:p/ طالبی کالە

Cherry/tʃeri/ گیلاس گیلاس

Coconut/kəʊkənʌt/ نارگیل

Cucumber/kju:kəmbər/ خیار خیار

Date/deit/ خرما خورما

Fig/fig/ انجیر هەنجیر

Grape/greip/ انگور تری-هائی

Grapefruit گریپ‌فروت

/greipfru:t/

Greengage گوجه‌سبز هەلۆچە

/gri:ngedʒ/ آلوچه

Lemon/lemen/ لیمو لیمو

Melon/melən/ خربزه خەربزە

Mulberry/mʌlberi/ توت‌سفید توو

Nectarine/nektərin/ شلیل

Orange/ɔ:rindʒ/ پرتقال پرتەقال

Peach/pi:tʃ/ هلو هەشتالۆ-مقوڤ

Pear/peər/ گلابی هەرمی-هەمرو

Persimon/pəsimən/ خرمالو

Pineapple/painæpl/ آناناس

Pistachio/pista:tʃiəʊ/ پسته وەنی

Plum/plʌm/ آلو هەلۆ

Pomegranate/pɒmigrænit/ انار هەنار

SourCherry/sauərtʃeri/ آلبالو

SourLemon/sauərlen/ لیموترش لیموترش

Strawberry/strɔ:beri/ توت‌فرنگی

SweetLemon لیموشیرین

/swi:tlemen/

Tangerine/tændʒəri:n/ نارنگی

Walnut/wɔ:lnʌt/ گردو گویژ-هەزی

WaterMelon هندوانه شامی-هەنی

/wɔ:tərmelən/

quince/kwɪns/ درخت‌به-به به‌به‌بی

raspberry/ra:zbri/ تمشک دوودلقی

## متضادها – Antonyms

### که لیمی زدویوی – که لیماتی دژبه یه ک

above ≠ below	بالا	بان سهر	careful ≠ careless	دقیق	رّیک
Accept ≠ refuse	قبول کردن	قه ببول	cheap ≠ expensive	ارزان	هه رزان
agree ≠ oppose,	موافق بودن		complete ≠ incomplete	کامل	نه تمام
disagree	مایل بیهی		conceal ≠ reveal	پوشاندن،	
Borrow ≠ lend	قرض گرفتن	قه رزگرتن		مخفی کردن	شاردنه وه
above ≠ below	بالا	بان و خوار	cool ≠ warm	سرد	سارد و سه رد
afew/little ≠ a lot of	تعداد / مقدار کمی		countable ≠ uncountable	قابل شمارش	
arrival ≠ departure	ورود	هاتن	deny ≠ confess, admit	انکار کردن	
artificial ≠ natural	مصنوعی		dependent ≠ independent	وابسته	
at first ≠ at last	در ابتدا	له پیش	dirty ≠ clean	کثیف	پیس و پوخله
back ≠ front	پشت، عقبه شتی		display ≠ hide	نشان دادن	ده رختن
bad ≠ good	بد	خراو	down ≠ up	پایین	وار خوار
begin ≠ finish	آغاز کردن	دهس پیکرن	dry ≠ wet	خشک	وشک و برنگ
begin ≠ finish	شروع کردن		east ≠ west	شرق	خوره لات
behind ≠ in front of	پشت	پشت	easy ≠ difficult	آسان	سووک
best ≠ worst	بهترین		empty ≠ full	خالی	هالی و خوالا
better ≠ worse	بهتر	چاکتر باش تر	everything ≠ nothing	همه چیز	
bright ≠ dark	روشن	روشنابریقه	far ≠ near	دور	دوور خزیک
carefully ≠ carelessly	بادقت		fat ≠ thin	چاق	چاخ و له رولاواز

forget ≠ remember فراموش کردن

fortunate ≠ unfortunate خوشبخت

friend ≠ enemy دوست دُست

get on ≠ get off سوار شدن سوار بون

happy ≠ sad, unhappy خوشحال

hard ≠ easily به سختی به‌مه‌ینه‌ت

hard ≠ easy سخت سه‌خت

heavy ≠ light سنگین قورس

ill ≠ well, healthy بیمار ناو‌ه‌ش

increase ≠ decrease افزایش دادن

Keep on ≠ stop ادامه دادن پ‌ه‌ره‌پی‌دان

large ≠ small بزرگ گ‌ه‌وره

late ≠ early دیر دیر

local ≠ universal محلی وی‌مانه

many ≠ few زیاد (قابل شمارش) زور‌غ‌ره

man ≠ woman مرد پی‌ا‌پی‌او

massy ≠ light ن‌پ‌ر-سنگین قورس

mallee ≠ repose ز‌د‌و‌خ‌ورد نا‌ژ‌او‌ه

more ≠ less بیشتر فر‌ه‌ت‌ه‌ر-ز‌ور‌تر

most ≠ least بیشترین فر‌ه‌ترین

much ≠ little زیاد (غیر قابل شمارش) فر‌د

night ≠ day شب ش‌ه‌و‌ه‌ش‌ه‌و

obey ≠ disobey اطاعت کردن ق‌ه‌ب‌ول

old ≠ new قدیمی، کهنه ک‌و‌نه

outside ≠ inside بیرون به‌ر‌د‌ه‌ر

over ≠ under بالای، فوق ل‌ه‌ر‌و‌وی

patient ≠ impatient صبور با‌س‌ه‌ب‌ر

poor ≠ rich فقیر دام‌ا‌گ‌و‌ه‌ژ‌ار

possible ≠ impossible ممکن

put on ≠ take off پوشیدن (لباس) ل‌ه‌ب‌ه‌ر‌ک‌رد‌ن

quiet ≠ busy آرام، ساکت خام‌وش

rapidly ≠ slowly به سرعت به‌ت‌ی‌ژی

raw ≠ cooked خام-سبز و کال ک‌ال

regular ≠ irregular با‌ق‌اع‌ده ر‌ی‌ک

right ≠ wrong درست در‌وست

throes ≠ safe در‌د‌ز‌ای‌مان بر‌ی‌تان

sell ≠ buy فروختن فر‌وش‌ت‌ن‌و‌ه‌ر‌ت‌ه‌ی

shine ≠ dark درختشیدن در‌وش‌ان

short ≠ long, high کوتاه ک‌ول‌ک‌ورت

sick ≠ well مریض، بیمار نه‌خ‌وش، ناو‌ه‌ش

slowly ≠ fast, quickly با‌ه‌س‌ت‌گی

slow ≠ fast, rapid آ‌ه‌س‌ت‌ه، کند نا‌رام

small ≠ big کوچک چ‌ک‌ول‌ه‌وردی

smart ≠ stupid زرنگ، نا‌ق‌لا ژ‌یر

south ≠ north    جنوب    لای خواروار  
 spiritual ≠ material    معنوی، روحی  
 start ≠ end, conclude    شروع کردن  
 strong ≠ weak    قوی    به هیژ گوریز  
 summer ≠ winter    تابستان    هاوین  
 sunrise ≠ sunset    طلوع آفتاب    وهرکوت  
 take off ≠ land    بلند شدن هواپیما  
 take off wear    در آوردن    دهر هاوردن  
 tall ≠ short    بلند    به رزه وراز  
 thick ≠ thin    ضخیم، کلفت    قاییمنه ستور  
 take apart ≠ put together    جدا کردن  
 true ≠ false    صحیح    دروست  
 ugly ≠ beautiful    زشت    بی فھر

useful ≠ harmful, useless    مفید  
 usual ≠ unusual    عادی    وه کجاران  
 war ≠ peace    جنگ    جهنگ  
 white ≠ black    سفید    سپی چه رنگ  
 wide ≠ narrow    پهن    پان و برین  
 wife ≠ husband    همسر (زن)    که یوانو  
 wild ≠ domestic    وحشی    کیوی، درّ  
 wise ≠ mad    عاقل    ژیر که وج  
 with ≠ without    با    له گهل، چهنی  
 young ≠ old    جوان    لا و جووان  
 yaray ≠ niaray    توان یارای  
 دهره قهت نامه ی

## مترادفها – Synonyms

### که لیمی هام لفی – وشه کانی وه ک یه ک

abandon=leave    لوای    ترک کردن

accept=agree    قبول کردن په زیران

add=increase    جمع کردن    کو کردن

alone=lonely    تنها    ته نیا

anney=distress    آزردن    توراندن

پریشان کردن ره نجانندن

assist=help    کمک کردن یاری دان

at last=finally    سرانجام    ثاقی بهت

autumn=fall    پاییز

be able to=can    توانستن توی نین

beg=ask    خواستن لیخوازتن

begin=start    شروع کردن    دهس پیکردن

belief=idea, opinion    عقیده منزه

blank=empty    خالی    هالی

call on=meet    ملاقات کردن عیادهت

callup=telephone, ring    تلفن کردن

choose=pick    انتخاب کردن    جیا کردن

chop=cut    بریدن    برین

confused=mixed up    گیج-آشفته

consume=eat    مصرف کردن،

خوردن    خواردن-واردی

continue=go on    ادامه دادن په رده دان

cut=slice    بریدن    برین-بریهی

dedicate=devote    اختصاص دادن،

وقف کردن به پی دان

desire=wish    آرزو کردن    ثاوات خوازتن

dirty=untidy    کثیف    ناپاک-چییس

dispute=battle    نزاع، جدال    هه راهه را

each=every    هر    هر

enough=sufficient    کافی    بهس

enthusiastically=eagerly    با اشتیاق    به زهوق

experiment=experience    آزمایش

= try on    تاقی کردنه وه

extinguish=put out    خاموش کردن کوژاندن

far=distant    دور    دوورودریژ

fascinating=interesting    جذاب،

جالب    دل ر فین

**fast=quick** سریع توندوتیز  
**fat=notthin** چاق قه‌له‌و  
**fill in=fillout** کامل کردن پر کردن  
**finish=end,runoutof** تمام کردن  
**finish=runout of** تمام کردن دواها تن  
**fromtimetotime=** گاهگاهی برّی‌جار  
**occasionally** بازی‌وخت  
**glad=happy** شادخوشحال مه‌سرور  
**gloomy=dim** دلتنگ، تاریک، تیره، لیل  
**gradually=littlebylittle** بتدریج  
**hard=difficult** سخت ره‌ق  
**immediately=atonce=** فوراً  
**straightaway** جابه‌جا  
**information=data** اطلاعات خه‌به‌ران  
**intend=attemp,try** قصد/کوشش  
 کردن هه‌ول‌دان  
**large=big=enormous** بزرگ‌گه‌وره  
**lookafter=takecareof** مواظبت  
 کردن از هو‌شیاری کردن‌له  
**marvelous=wonderful** عالی‌چاک  
**maybe=perhaps** شاید گه‌هاز

**nice=beautiful,pretty** قشنگ، زیبا  
**occassian=opportunity** فرصت  
**pour=spill** ریختن داکردن-رژاندن  
**put off=postpone** به‌تعویق انداختن  
**put on=haveon** پوشیدن له‌به‌ر کردن  
**put on=wear** پوشیدن وه‌رکه‌رده‌ی  
**puzzled=confused** گیج ورّ  
**reject=refuse** رد کردن دوا‌دان  
**remote=far away** دور، پرت، دور  
**reply=answer,** پاسخ‌دادن جواب‌دان  
**response**  
**reward=prize** جایزه خه‌لات  
**safe-healthy,well** سالم، خوب باش  
**say=tell** گفتن واته‌ی-وتن  
**secret=mystery** راز رازی  
**shine=glow** درخشیدن درو‌شیای  
**sick=ill** بیمار نه‌خوش‌ناکو‌ک  
**soiled=dirty** خاکی، کثیف خو‌لی  
**telephon=callup** تلفن‌زدن تلفون‌دان  
**tiny=verysmall** خیلی کوچک بجوک  
**tobake=Toocook** پختن لی‌نان  
**travel=trip=jonrney** سفر سه‌فه‌ر



trouble=bother زحمت دادن زحمت پییدن

true=correct درست راست

vacant=unoccupied, خالی خالی

empty

value=worth ارزش قیمت

wear=dressin پوشیدن لباس کردن

whole=all گشت گردو گرد همه

wrong=notright نادرست غلط



سایر سرم



سرم پنجم



سرم اول



سرم ۲-۶۳

آذر میدخت

## افعال بی قاعده – Irregular Verbs

### فیعلی بی نه زمی – فەرمانه ناجۆره کان

مصدر	زمان حال	زمان گذشته	قسمت سوم فعل
<b>arise</b> /əraɪz/	برخاستن - هورزای - هه لسان	<b>arose</b>	<b>arisen</b>
<b>awake</b> /əweɪk/	بیدار شدن / کردن - داچله کان	<b>awoke</b>	<b>awaked, awoken</b>
<b>be</b> /bi/	بودن - بیهی - بوون	<b>was-were</b>	<b>been</b>
<b>bear</b> /beər/	تحمل کردن، بدنيا آوردن - زاین	<b>bore</b>	<b>borne, born</b>
<b>beat</b> /bi:t/	(بهم) زدن - لیڤان - ته قیای	<b>beat</b>	<b>beaten</b>
<b>become</b> /bɪkʌm/	شدن - بون - بیهی	<b>became</b>	<b>become</b>
<b>befall</b> /bɪfɔ:l/	رخدادن - قومای - قومان	<b>befell</b>	<b>befallen</b>
<b>begin</b> /bɪɡɪn/	آغاز کردن - دهس پیکردن	<b>began</b>	<b>begun</b>
<b>behold</b> /bɪhəʊld/	مشاهده کردن - دیتن - دیهی	<b>beheld</b>	<b>beheld</b>
<b>bend</b> /bend/	خم کردن / شدن - چه منای - چه ماندن	<b>bent</b>	<b>bent</b>
<b>beseech</b> /bɪsi:tʃ/	التماس کردن - چاران - لالیای	<b>besought</b>	<b>besought</b>
<b>beset</b> /bɪset/	احاطه / عاجز کردن - دهوردان	<b>beset</b>	<b>beset</b>
<b>bet</b> /bet/	شرط بستن - شهرت بینای - بلیڤدان	<b>bet, betted</b>	<b>bet, betted</b>
<b>bid</b> /bid/	گفتن، فرمودن - ووتن - واتهی	<b>bade, bid</b>	<b>bidden, bid</b>
<b>bind</b> /baɪnd/	بستن - بینای - بهستن	<b>bound</b>	<b>bound</b>
<b>bite</b> /baɪt/	گاز گرفتن - قه پ گرتی - گاز گرتن	<b>bit</b>	<b>bitten, bit</b>
<b>bleed</b> /bli:d/	خون آمدن - خون ناهیهی - خوین هاتن	<b>bled</b>	<b>bled</b>
<b>bless</b> /bles/	دعا / تقدیس کردن - دوعا کردن	<b>blessed, blest</b>	<b>blessed, blest</b>

<b>blow</b> /bləʊ/	وزیدن، ضرب زدن، واثامه‌ی جاهاتن	<b>blew</b>	<b>blown</b>
<b>break</b> /breik/	شکستن - می‌یای - شکیان	<b>broke</b>	<b>broken</b>
<b>breed</b> /bri:d/	پرورش دادن - به‌خیو کردن	<b>bred</b>	<b>bred</b>
<b>bring</b> /brɪŋ/	آوردن - نه‌ورده‌ی - هاوردن	<b>brought</b>	<b>brought</b>
<b>broadcast</b> /brɔ:dkast/	پخش کردن (از رادیو) جلاو کردن	<b>broadcast(ed)</b>	<b>broadcast(ed)</b>
<b>build</b> /bild/	ساختن - دروست کردن - سازای	<b>built</b>	<b>built</b>
<b>burn</b> /bɜ:n/	سوختن، سوزاندن - سوچنای	<b>burnt, burned</b>	<b>burnt, burned</b>
<b>burst</b> /bɜ:rst/	ترکاندن، ترکیدن - تره‌کاندن	<b>burst</b>	<b>burst</b>
<b>buy</b> /bai/	خریدن - کرین - سه‌ندن - سه‌ی	<b>bought</b>	<b>bought</b>
<b>cast</b> /ka:st/	انداختن - خستن - وسه‌ی	<b>cast</b>	<b>cast</b>
<b>catch</b> /kætʃ/	گرفتن - گرفتن - گره‌ی	<b>caught</b>	<b>caught</b>
<b>choose</b> /tʃu:z/	انتخاب کردن - هه‌لیژاردن	<b>chose</b>	<b>chosen</b>
<b>cling</b> /kɪŋ/	چسبیدن - لکین - لکای	<b>clung</b>	<b>clung</b>
<b>clothe</b> /kləʊð/	پوشاندن - داپوشنن، پوژنای	<b>clothed, clad</b>	<b>clothed, clad</b>
<b>come</b> /kʌm/	آمدن - ثامه‌ی - هانتن	<b>came</b>	<b>come</b>
<b>cost</b> /kɒst/	ارزیدن - ئیژای - نه‌ژان	<b>cost</b>	<b>cost</b>
<b>cut</b> /kʌt/	بریدن - برین - بریه‌ی	<b>cut</b>	<b>cut</b>
<b>deal</b> /di:l/	معامله کردن - مامو له کردن	<b>dealt</b>	<b>dealt</b>
<b>dig</b>	کندن، حفر کردن، کندن که نه‌ی	<b>dug</b>	<b>dug</b>
<b>do</b> /du:/	انجام دادن - کردن، کنه‌رده‌ی	<b>did</b>	<b>done</b>
<b>draw</b> /drɔ:/	کشیدن، رسم کردن - کیشان	<b>drew</b>	<b>drawn</b>

<b>dream</b> /dri:m/	خواب دیدن - خه و دین - هه م دیه ی	<b>dreamt, dreamed</b>	<b>dreamt, dreamed</b>
<b>drink</b> /drɪŋk/	نوشیدن - نوشای خواردن	<b>drunk</b>	<b>drunk</b>
<b>drive</b> /draiv/	راندن - به ریوه بردن، رانه به رده ی	<b>drove</b>	<b>driven</b>
<b>dwel</b> /dweɪl/	مبارزه کردن - خه بات کردن، زدمدرای	<b>dwelt</b>	<b>dwelt</b>
<b>eat</b> /i:t/	خوردن - واردی - خواردن	<b>ate</b>	<b>eaten</b>
<b>fall</b> /fɔ:l/	افتادن - خوار که و تن که و ته ی	<b>fell</b>	<b>fallen</b>
<b>feed</b> /fi:d/	غذا دادن - نان دان	<b>fed</b>	<b>fed</b>
<b>feel</b> /fi:l/	احساس کردن - هه ست کردن	<b>felt</b>	<b>felt</b>
<b>fight</b> /fait/	جنگیدن - جه نگین - جه نگای	<b>fought</b>	<b>fought</b>
<b>find</b> /faɪnd/	یافتن، دریافتن - فامین - زانای	<b>found</b>	<b>found</b>
<b>flee</b> /fli:/	فرار کردن، گریختن - راکردن - ره مای	<b>fled</b>	<b>fled</b>
<b>fly</b> /flai	پرواز کردن - فرین - بالی گره ی	<b>flew</b>	<b>flown</b>
<b>forbid</b> /fəbɪd/	ممنوع / قدغن کردن - به رگری کردن	<b>forbade, forbade</b>	<b>forbidden</b>
<b>forget</b> /fəget/	فراموش کردن - له بیر چون ویر شیه ی	<b>forgot</b>	<b>forgotten</b>
<b>forgive</b> /fəgɪv/	بخشیدن - به خشای، به خشین	<b>forgave</b>	<b>forgiven</b>
<b>freeze</b> /fri:z/	یخ بستن / زدن - رچیای - رچان	<b>froze</b>	<b>frozen</b>
<b>get</b> /get/	بدست آوردن - گرتن - یاوای	<b>got</b>	<b>got, gotten</b>
<b>give</b> /gɪv/	دادن - دان - دای	<b>gave</b>	<b>given</b>
<b>go</b> /gəʊ/	رفتن - لوای - روین	<b>went</b>	<b>gone</b>
<b>grind</b> /graɪnd/	کوبیدن - سساییدن - کوتان - کوا ی	<b>ground</b>	<b>ground</b>
<b>grow</b> /grəʊ/	رشد کردن - خیز یای - روان	<b>grew</b>	<b>grown</b>

hang/hæŋ/	آویزان کردن، آویختن، آلو چنای	hung, hanged	hung, hanged
have/hæv/	داشتن - هه بون - واردهی	had	had
hear/hiər/	شنیدن - بیستن - نه ژنه ویهی	heard	heard
hide/haid/	پنهان کردن - شاردهی، قایم کردن	hid	hidden
hit/hit/	زدن - برخورد کردن، لیدان، چوره مالای	hit	hit
hold/həʊld/	نگاه داشتن - گرتهی - گرفتن	held	held
hurt/hɜ:t/	صدمه زدن، له تسمه دان، زهره ردای	hurt	hurt
keep/ki:p/	نگهداری کردن - چاوداری کردن	kept	kept
kneel/ni:l/	زانو زدن، نه ژنودان، چوکدای	knelt	knelt
know/nəʊ/	دانستن، شناختن - شناسین	knew	known
lay/lei/	خواباندن، قرار دادن - نه ره نیای	laid	laid
lead/li:d/	هدایت کردن - رابه ری کردن	led	led
lean/li:n/	تکیه دادن - پالودای، پال که و تن	leant, leaned	leant, leaned
learn/lɜ:n/	یاد گرفتن - فیر بیون، فیر بیهی	learnt, learned	learnt, learned
leave/li:v/	ترک کردن - لوای - روین	left	left
lend/lend/	قرض دادن - قهر زدن، وام دادن	lent	lent
let/let/	اجازه دادن - نيزن وهر گرفتن	let	let
lie/lai/	دراز کشیدن - دروغ گفتن - لائاسای	lay	lain
light/lait/	روشن کردن - روّشن کردن	lit, lighted	lit, lighted
lose/lu:z/	گم کردن - باختن - گم کردن	lost	lost
make/meik/	ساختن - سازیز، وهش که ردهی	made	made

<b>melt</b> /melt/	ذوب کردن - تاوانای - تاواندن	<b>melted</b>	<b>melted</b>
<b>mistake</b> /misteik/	اشتباه کردن - هه‌له‌چون	<b>mistook</b>	<b>mistaken</b>
<b>misunderstand</b>	سوء تفاهم شدن - خه‌فت کردن	<b>misunderstood</b>	<b>misunderstood</b>
<b>overcome</b> /əuvəkam	غلبه کردن - داگیر کردن - مارای	<b>overcame</b>	<b>overcome</b>
<b>pay</b> /pei/	پرداختن - دان به - په‌ی‌دای	<b>paid</b>	<b>paid</b>
<b>put</b> /put/	گذاشتن - نیای - دانیان	<b>put</b>	<b>put</b>
<b>read</b> /ri:d/	خواندن - خویندن - وه‌نه‌ی	<b>read/red/</b>	<b>read/red/</b>
<b>rebuild</b> /ri:bild/	باز ساختن - له‌نوی‌سازین	<b>rebuilt</b>	<b>rebuilt</b>
<b>rid</b> /rid/	خلاص کردن - آزاد کردن - به‌ردان	<b>rid, ridded</b>	<b>rid, ridded</b>
<b>ride</b> /raid/	سواری کردن - راندن - غار کردن	<b>rode</b>	<b>ridden</b>
<b>ring</b> /rin/	زنگ / تلفن زدن - زه‌نگ‌دای‌دان	<b>rang</b>	<b>rung</b>
<b>rise</b> /raiz/	طلوع کردن - برخاستن - هه‌لسان	<b>rose</b>	<b>risen</b>
<b>run</b> /ɾan/	دویدن - ره‌مای - را کردن	<b>ran</b>	<b>run</b>
<b>saw</b> /so:/	اره کردن - مشار دای - هه‌ره‌دان	<b>sawed</b>	<b>sawn, sawed</b>
<b>say</b> /sei/	گفتن - واته‌ی‌گوئن - وئن	<b>said</b>	<b>said</b>
<b>see</b> /si:/	دیدن - دیتن - بینای - بی‌نین	<b>saw</b>	<b>seen</b>
<b>seek</b> /si:k/	جستجو کردن - په‌ی‌گیلای - بو‌گه‌ران	<b>sought</b>	<b>sought</b>
<b>sell</b> /sel/	فروختن - فروشتن - وره‌ته‌ی	<b>sold</b>	<b>sold</b>
<b>send</b> /send/	فرستادن - کیانای - ناردن	<b>sent</b>	<b>sent</b>
<b>set</b> /set/	قرار دادن - چیدن - چنیه‌ی - چنین	<b>set</b>	<b>set</b>
<b>sew</b> /səu/	دوختن - دروین - وراسه‌ی	<b>sewed</b>	<b>sewn, sewed</b>

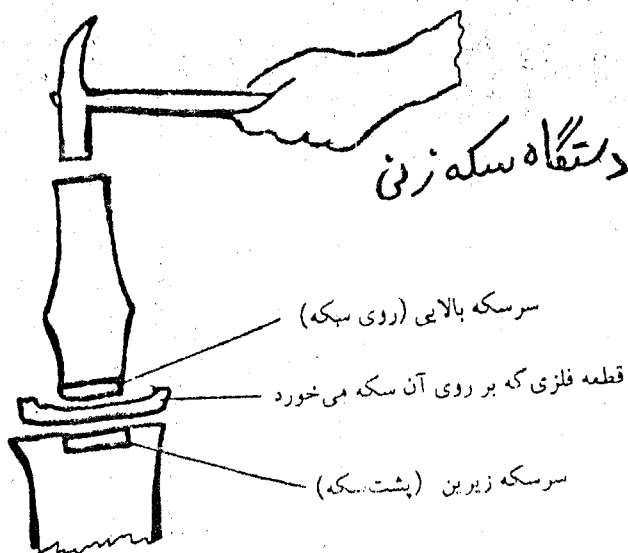
shake/fəik/	تکان دادن - نه و هسه کنای، له قاندن	shook	shaken
shave/fəiv/	تراشیدن - تاشین	shaved	shaved, shaven
shine/fain/	درخشیدن - درو شییای، درو شیان	shone	shone
shoe/fu:/	کفش پوشیدن - له پی کردن	shod	shod
shoot/fu:t/	تیراندازی کردن - تیر شه نهی	shot	shot
show/fəʊ/	نشان دادن - نیشان دان به	showed	shown, showed
shut/ʃʌt/	بستن - به ستن - بینای	shut	shut
sing/sɪŋ/	آواز خواندن - گورانی وتن	sang	sung
sink/sɪŋk/	فرورفتن، غرق شدن - خنیکای	sank	sunk, sunken
sit/sit/	نشستن - دانیشتن - نیشتهی	sat	sat
sleep/sli:p/	خوابیدن - وتهی - نوستن	slept	slept
slide/sli:d/	سریدن، سر خوردن - خزای خزیان	slid	slid
smell/smel/	بویدن - بو کردن، رکه ردهی	smelt, smelled	smelled
speak/spi:k/	صحبت کردن - قسه کردن	spoke	spoken
speed/spi:d/	به سرعت رفتن - به تند چون، فرته	sped, speeded	sped, speeded
spell/spel/	هجی کردن - جیا که ردهی/کردن	spelt, spelled	spelt, spelled
spend/spend/	صرف کردن وقت، گذراندن - رآبواردن	spent	spent
split/split/	شکافتن - هورد ری - درین	split	split
spoil/spoil/	فاسد کردن/شدن - گه نای - گه نین	spoil, spoiled	spoil, spoiled
spread/spred/	گسترده - پهن کردن - داخستن	spread	spread
spring/sprin/	جهیدن، پریدن - آونین - پرای	sprang	sprung

<b>stand</b> /stænd/	ایستادن - مندرای - ویسان	<b>stood</b>	<b>stood</b>
<b>steal</b> /sti:l/	دزدیدن - دزین - دزیه‌ی	<b>stole</b>	<b>stolen</b>
<b>stick</b> /stik/	چسبیدن - لکنای - چه سپاندن	<b>stuck</b>	<b>stuck</b>
<b>sting</b> /stin/	نیش زدن - گه‌سه‌ی - گه‌زین	<b>stung</b>	<b>stung</b>
<b>strike</b> /straik/	ضربت زدن - لیّان - یوّدای	<b>struck</b>	<b>struck, stricken</b>
<b>swear</b> /sweər/	سوگند خوردن - سوینّ خواردن	<b>swore</b>	<b>sworn</b>
<b>sweep</b> /swi:p/	جار و کردن - گزگ دان/دای	<b>swept</b>	<b>swept</b>
<b>swim</b> /swim/	شنا کردن - مه‌له‌کردن	<b>swam</b>	<b>swum</b>
<b>swing</b> /swin/	تاب خوردن - دیله‌کانی‌که‌رده‌ی	<b>swung</b>	<b>swung</b>
<b>take</b> /teik/	بردن، برداشتن - بردن - هه‌لگرتن	<b>took</b>	<b>taken</b>
<b>teach</b> /ti:-tʃ/	درس دادن - فیّر کردن - تالیم‌دای	<b>taught</b>	<b>taught</b>
<b>tear</b> /teər/	پاره کردن - درآندن - دری‌ی	<b>tore</b>	<b>torn</b>
<b>tell</b> /tel	گفتن - وانه‌ی - وتن	<b>told</b>	<b>told</b>
<b>think</b> /θɪŋk/	فکر کردن - بیرو کردن	<b>thought</b>	<b>thought</b>
<b>throw</b> /θrəʊ/	پرتاب کردن - تووژدان - دای	<b>threw</b>	<b>thrown</b>
<b>thrust</b> /θrʌst/	فرو کردن - چپاندن - دلی‌که‌رده‌ی	<b>thrust</b>	<b>thrust</b>
<b>trust</b> /trʌst/	توکل - اطمینان - ئیمان یون‌به	<b>trust</b>	<b>trust</b>
<b>undergo</b> /ʌndərgəʊ/	تحمل کردن - تاقت بردن، سه‌بر	<b>underwent</b>	<b>undergone</b>
<b>understand</b> /ʌndəstænd/	فهمیدن، درک کردن، فامین	<b>understood</b>	<b>understood</b>
<b>undertake</b> /ʌndəteik/	متعهد شدن - قول دادن، مهرج	<b>undertook</b>	<b>undertaken</b>
<b>upset</b> /ʌpset/	ناراحت شدن - تیک چون	<b>upset</b>	<b>upset</b>



wake/weik/	بیدار شدن - خاوه رو بیهی	woke, waked	woken, waked
wear/wear/	پوشیدن - وه رکه ردهی، بهر کردن	wore	worn
weave/wi:v/	بافتن - وادی - بادان	wove	woven
weep/wi:p/	گریستن - گرهوای - گریان	wept	wept
win/win/	برنده شدن - سه رکه وتن	won/wʌn/	won
wind/wind/	پیچاندن - کوک کردن - کوک کردن	wound/wu:nd/	wound
withdraw/wiðdrɔ:/	پس گرفتن - نه و سهانای لی ستاندن	withdrew /wiðdru:/	withdrawn /wiðdrɔ:n/
write/rart/	نوشتن - نویسن - نویسهی	wrote/rəʊt/	written/ri:tɪn/

قالبهای ضرب سکه



## Supplementary vocabulary

تدارک لغت

## Some occupations (بعضی شغل‌ها)

accountant	حسابدار	حیسابگر	
actor, actress	هنر پیشه (مرد-زن)	editor	مدیر روز نامه-سر دبیر
architect	معمار	electrician	برق کار- بهر ق کار
artist	اهل هنر= هنر پیشه هونه ر مه ند	engineer	مهندس
barber	آرایشگر	factory worker	کارگر کارخانه
beautician	زیباشناس	farmer	کشاورز-وهر زیهر
biologist	زیست شناس	fisherman	ماهی گیر-ماسی گر
bookkeeper	دفتر دار	firefighter, fireman	آتش نشان-ناگر کوژین
busboy	شاگرد	flight attendant	خدمتکار پرواز
bus driver	راننده	flight attendant	خدمتکار پرواز
carpenter	نجار	(steward, stewardess)	پیشخدمت (مرد-زن)
clerk	دبیر		خز مه تکاری پیاوژن
counselor	رأی زن	florist	گل فروش-گول فروش
computer	برنامه ریز	grocer	بقال-عطار
programmer	ریخهری	housekeeper	زن خانه دار
cook	آشپز	illustrator	توضیح ده
dentist	دندانپزشک	janitor	سرایدار
designer	طراح	journalist	روزنامه نگار
doctor	دکتر	technician	تکنیسین
doorman	دربان	laboratory	تکنیسین-فه نزان

lawyer	وکیل-وکیل	sailor	ملوان-مهله‌زان
letter carrier	نامه‌بر-نامه‌دهر	salesperson(salesman,	فروشنده
mechanic	مکانیک‌کار زانی ماشین	saleswoman)	(مرد-زن)
nurse	پرستار-دایان	sanitation worker	کارمند بهداشت
office worker	خانه‌کارگر	secretary	وزیر-دبیر-وه‌زیر
painter	نقاش	security guard	ضامن سلامت
park ranger	گشتی پارک‌گزیری پارک	singer	خواننده-گورانی‌واچ
pharmacist	دارو فروش-ده‌و فروش	taxi driver	راننده تاکسی
photographer	عکاس-وینه‌گیر	teacher	آموزگار، فیرکهری علم
pilot	خلبان-هه‌وا گهرد	telephone operator	گرداننده تلفن
plumber	لوله‌کش-لوله‌ک‌ش	teller	تحویلدار بانک
professor	پرفسور	truck driver	راننده کامیون
police officer	افسر پلیس	typist	ماشین نویس ماشین‌نوس
(policeman,	پلیس مرد-پیاوی پولیس	waiter,waitress	پیشخدمت (مرد-زن)
policewoman)	پلیس زن-ژنه پولیس	writer	نویسنده-نوسه‌ر
research assistant	دستیار تحقیق، یار لی‌کول	veterinarian	بیطاری یادامپزشکی

## Some family members (بعضی شاخه‌های خانواده)

	F	M
grandparents جد-جده	grandmother مادر بزرگ	grandfather پدر بزرگ-باوا
parents والدین-ساحیب	mother مادر-دایکئه‌دا	father پدر-بابا-بابه-خاته
children بچه-زه‌ورۆ	daughter دختر-کناچی-کچ	son پسر-کور-منال
children بچه‌منال	daughter دختر-کچ	son پسر-کور
grandchildren نوه	granddaughter نوه‌دختری	grandson نوه‌پسری-کورزا
منالی‌منال	sister خواهر-خوشک-والی	brother برادر-برا
son فرزند-منال-کورپه	wife همسر-هامدهم	husband شوهر-شوو

F	M
aunt عمه-خاله-پورمه-تیه-دیدی	uncle عمو-دایی-خالو-مامو-مام-لالو
niece دختر-برادر-خواهر-خوشکه-زاواله‌زا	nephew پسر-خواهر-برادر-برازا
cousin خاله‌زاده-پورزاهه-تیه‌زا	cousin عموزاده-نأموزا-ماموزا
mother-in-law مادر(زن-شوهر)-خه‌سو	father-in-law پدر-شوهر-پدرزن-هه‌سوره
sister-in-law خواهر(زن-شوهر)-والی‌شووی	brother-in-law برادرزن-باجناغ-هاوزاوا
daughter-in-law عروس-بووک-وه‌یوه	son-in-law داماد-زه‌ما-زاوا

## Some languages (بعضی زبان‌ها)

Albanian	آلبانیایی	ئالبانیایی	Kurdish/Awramian	کُردی (اورامی)
Arabic	عربی	ئەرەبی	-suranian-krmanji	سۆرانی-کرمانجی
Chinese	چینی	چینی	Korean	کُره‌ای
Czech	چکسلواکی	چهکی	Norwegian	نروژی
Danish	دانمارکی	دانمارکی	Pashto	پشتو
Dutch	هلندی	هوله‌ندی	Polish	لهستانی
English	انگلیسی	ئینگلیسی	Portuguese	پرتغالی
Farsi	فارسی	فارسی	Romanian	رومانیایی
Finnish	فنلاندی	فلاندی	Russian	روسی
French Creole	فرانسوی	فرانسی	Serbo-Croatian	سُربی-کروواسی
German	آلمانی	ئالمانی	Spanish	اسپانیایی
Greek	یونانی	یونانی	Swahili	سواحیلی
Hebrew	عبری یهودی	موسایی	Swedish	سوئدی
Hindi	هندی	هیندی	Thai	تایلندی
Hungarian	مجارستانی	مه‌جاری	Turkish	ترکی
Italian	ایتالیایی	ئیتالیایی	Urdu	اردو
Japanese	ژاپنی	ژاپونی	vietnamese	ویتنامی

## Some countries

## بعضی کشورها

Algeria	الجزایر	ئه لجزایر
Argentina	آرژانتین	ئارژانتین
Afghanistan	افغانستان	ئه فغان سان
Australia	استرالیا	ئوسترالیا
Bolivia	بولیوی	بۆلیه وی
Brazil	برزیل	برزیل
Canada	کانادا	کانه دا
Chile	شیلی	شیلی
China	چین	چین
Colombia	کلمبیا	کولومبیا
Denmark	دانمارک	دانمارک
Ecuador	اکوادور	ئکوادر
Egypt	مصر	میسر
England	انگلستان	ئینگلیس
Finland	فنلاند	فنلاند
France	فرانسه	فرانسه
Germany	آلمان	ئالمان
Great Britain	بریتانیای کبیر	
Ghana	غنا	غه نا
Greece	یونان	یونان

## Some nationalities

## بعضی ملیت‌ها

Algerian	الجزایری	ئه لجه زایری
Argentine	آرژانتینی	ئارژانتینی
Afghan	افغانی	ئه فغانی
Australian	استرالیایی	ئوسترالیایی
Bolivian	بولیوایی	بۆلیه ویایی
Brazilian	برزیلی	برزیلی
Canadian	کانادایی	کانه دایی
Chilean	شیلیایی	شیلیایی
Chinese	چینی	چینی
Colombian	کلمبیایی	کولومبیایی
Danish	دانمارکی	دانمارکی
Ecuadorian	اکوآدری	ئه کوآدری
Egyptian	مصری	میسری
English	انگلیسی	ئنگلیزی
Irish	ایرلندی	ئیرله ندی
French	فرانسوی	فرانسه وی
German	آلمانی	ئالمانی
british	بریتانیایی	بریتانیایی
Ghanaian, Ghanian	غنايي	
Greek	یونانی	یونانی

Holland	هولند	هولندی	Dutch	هولندی	هلندی
Hungary	مجارستان	مجارى	Hungarian	مهمجارى	مجارى
India	هند	هندى	Indian	هندى	هندى
Indonesia	اندونزى	اندونزیایى	Indonesian	اندونزیایى	اندونزیایى
Iran	ايران	ايرانى	Iranian	ايرانى	ايرانى
Iraq	عراق	عراقى	Iraqi	عراقى	عراقى
Ireland	ايرلند	ايرلندى	Irish	ايرلندى	ايرلندى
Israel	اسرائيل	اسرائيلى	Israeli	موسايى	اسرائيلى
Italy	ايتاليا	ايتاليائى	Italian	ايتاليائى	ايتاليائى
Japan	ژاپن	ژاپنى	Japanese	ژاپونى	ژاپنى
Jordan	اردن	اردنى	Jordanian	ئوردونى	اردنى
Kampuchea	كامبوج	كامبوجى	Kampuchean	كامبوجى	كامبوجى
Kurdistan	كردستان	كردى	Kurdish	كوردى	كردى
Korea	كوره	كورهائى	Korean	كورهائى	كورهائى
Laos	لائوس	لائوسى	Laotian	لائوسى	لائوسى
Lebanon	لبنان	لبنانى	Lebanese	لوبينانى	لبنانى
Mexico	مكزيك	مكزيكى	Mexican	مكزيكى	مكزيكى
Morocco	موروكو	موروكوبى	Moroccan	موروكوبى	موروكوبى
Norway	نروژ	نروژى	Norwegian	نروژى	نروژى
Pakistan	پاكستان	پاكستانى	Pakistani	پاكستانى	پاكستانى
Peru	پرو	پروئى	Peruvian	پروئى	پروئى
Panama	پاناما	پانامائى	Panamanian	پانامائى	پانامائى

Poland	لهستان	لیستان
Portugal	پرتغال	پرتقال
Saudi Arabia	عربستان	ناره بسان
Spain	اسپانیا	ئسپانیا
Sweden	سوئد	سوید
Switzerland	سوئیس	سویس
Syria	سوریه	سوریه
Thailand	تایلند	تایلند
The Dominican Republic	جمهوری دومینیکن	
Netherlands	هلند	هولند
The Philippines	فلیپین	فلیپین
The Soviet Union	فدراتیور روسیه	کوماری لیگرتوی روس
Tunisia	تونس	تونس
Turkey	ترکیه	تورکیه
Venezuela	ونزوئلا	ونزوئلا
Vietnam	ویتنام	ویتنام

Polish	لهستانی	لیستانی
Portuguese	پرتغالی	پرتقالی
Saudi	صعودی	سنودی
Spanish	اسپانیایی	ئسپانیایی
Swedish	سوئدی	سویدی
Swiss	سوئسی	سویسی
Syrian	سوریهای	سوری
Thai	تایلندی	تایلهندی
Dominican	دومی نی که نی	
Dutch	هلندی	هولندی
Filipino	فلیپینی	فلیپینی
Soviet	روسی	رووسی
Tunisian	تونسی	تونسی
Turkish	ترکی	ترکی
Venezuelan	ونزوئلایی	ونزوئلایی
Vietnamese	ویتنامی	ویتنامی
UE(united Europe)	اتحادیه اروپا	
یه کهیه تی ولاتانی ئوروپا		



## منابع فرهنگ لغت آرام

1. English through - I - A - Richards. Gibson (2002)
2. Brighter Grammar - Margaret Macaulay From OXFord university (2001)
3. OXFord Advanced learner's Dictionary of current English - 2001 - Hornby
4. Stern, H. 2002. Issues and options in language Teaching. London OXFord university press.
5. English - persian Dictionary by Farshid E.K.-S. Mooney (2002)

سکه شاهان هخامنشی



داریوش سوم

دریوک: ۳۳۶ - ق - م



کوروش هخامنشی

۵۵۰ - ق - م



داریوش اول

۵۲۲ - ق - م



داریوش دوم

۴۲۲ - ق - م

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ماه بزرگ ارشک، دوستدار یونان

خط یونانی